

**صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**

**مدیر مسئول: بابک نگاهداری**

**سر دبیر: حسن سبحانی**

**مدیر داخلی: سیدمحمد خوئی**

**اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):**

ابراهیم بیگزاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)

محمدسعید جیل‌عاملی (استاد دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران)

علی جهان (دانشیار مهندسی صنایع دانشگاه آزاد اسلامی سمنان)

پرویز داودی (استاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی)

علیرضا رهایی (استاد دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه صنعتی امیرکبیر)

حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

محمدجواد شریف‌زاده (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام‌صادق (ع))

احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی (ره))

محمدحسن صادقی‌مقدم (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

علی طیب‌نیا (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

علی غلامی (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام‌صادق (ع))

الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

محمد صادق نصرالهی (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام‌صادق (ع))

**داوران این شماره:** عاطفه آجری آیسک، حسین احمدی، وکیل احمدی، رسول افضل‌ی، سیدمرتضی افقه، مصطفی‌السان، محبوبه امینی، صمد ایزدی، حجت‌اله ایوبی، علی‌اصغر بانویی، محمدبرزگر خسروی، مجید بزرگمهری، سهیلا پروین، فرهاد پروین، محمد علی توانا، محمدجواد جاوید، حبیب‌جعفری، علی‌اصغر حاتمی، محمدحسن حسینی، سیدصادق حقیقت، سکینه خانعلی‌پور واجارگاه، علی رفیعی‌مقدم، حبیب‌اله رضانی، آکردی، علیرضا سمیعی، اسماعیل شاهسوندی، محمدعلی عبدلی، کمیل قیدرلو، محمدرضا مالکی، خدیجه مرادی، محمدعلی مرادی، جلیل محبی، کامران محمودپور، سیدشهاب‌الدین موسوی‌زاده مرکیه، هوشنگ ناییبی، جمشید نورشیرق، ولی‌اله وحدانی‌نیا، محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

**این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:**

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: شیوا امین اسکندری

صفحه‌آرا: بهمن سرداری

www.isc.gov.ir (ISC)

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵

دفتر فصلنامه (پرستو اجاقیان):

دورنگار:

امور مشترکین:

۰۲۱-۷۵۱۸۳۲۸۳

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۸۶

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۴۹

nashr.majles.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

□ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

□ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

## ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

## فهرست مطالب

---

- بازتوزیع تعداد کرسی‌های نمایندگی استان‌ها در مجلس شورای اسلامی براساس مدل  
SECA..... ۵  
ایمان شاکر اردکانی و نجات محمدی‌فر
- تبیین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در جهت استقرار ساختار فدرالی ایران..... ۳۹  
فرهاد مهرگان، محمدرضا حاتمی و احمد شوهانی
- آثار نابرابری توزیع درآمد بر ثروت در ایران..... ۷۵  
مرضیه ساکیان، محمود محمودزاده، میرحسین موسوی و امیر غلام ابری
- قوه قضائیه و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۸: چالش‌ها و  
راهکارها..... ۱۰۳  
عباس امیری، مجید روحی دهبینه، حسن خداوردی و سام سوادکوهی‌فر
- رویکرد دکترین حقوقی در تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق مؤلف در فضای مجازی..... ۱۳۵  
محمد شکوری‌گرکانی
- شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی..... ۱۶۵  
محسن عین‌علی، سیدعباس ابراهیمی، محسن فرهادی‌نژاد و حسن دانایی‌فرد
- تعارض منافع در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران؛ از تبیین مصادیق  
تعارض تا ارائه راهکارهای مدیریت آن..... ۱۹۵  
علی عارفی مسکونی، مهدی مظفری اناری و صابر اسلام
- طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری..... ۲۳۳  
فاطمه آموسی، صفر فضلی، زهرا آراستی و سیدمجید الهی

۲۷۳..... واکاوی چالش‌های مزایده در قانون اجرای احکام مدنی

یاسر غلامی، میثم جوادی و محمدباقر مقدسی

۳۰۵..... ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور

حسن اختری، رضا جلالی، علی‌اکبر امینی و کاظم جلالی

تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران: رویکرد تحلیل

۳۳۵..... اثرات متقابل در آینده‌پژوهی

صبا اجاقی، روح‌اله بیات، صفر فضلی، عین‌اله کشاورز ترک  
و علی فتح طاهری

۳۷۹.. تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران

حامد قادرمزی، افشین بهمنی، رؤیا الماسی و بیان مبارکی

بنیان‌های نهاد تلف حکمی و بهره‌گیری از آن: راهبردی برای صیانت از اعتبار سند رسمی

۴۱۵.....

مصطفی‌السان، مهدی ایتاری و محمدرضا فتحی

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ با

۴۴۵..... تأکید بر انتظارات دولت

شهربانو خشکاب

بررسی نقاط قوت و ضعف قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از دیدگاه حقوق‌دانان

۴۹۷.....

محدثه یعقوبی، علی جعفری و جعفر سلمان‌زاده

# بازتوزیع تعداد کرسی‌های نمایندگی استان‌ها در مجلس شورای اسلامی براساس مدل SECA

ایمان شاکر اردکانی\* و نجات محمدی فر\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۵-۳۸
-------------------	--------------------------	-------------------------	------------------

یکی از چالش‌های اساسی انتخاباتی در نظام‌های مردم‌سالار، تخصیص تعداد کرسی‌های پارلمانی به استان‌ها و حوزه‌های انتخابیه است. در این زمینه، کشورها از نظر نسبت نمایندگان به شهروندان در پارلمان بسیار متفاوت عمل می‌کنند و براساس معیارهای مندرج در قوانین انتخاباتی خود، به ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه می‌پردازند. از آنجاکه برای تخصیص تعداد کرسی‌های پارلمانی به حوزه‌های انتخابیه معیارها و قواعد ثابت، استاندارد یا جهانی وجود ندارد که تنظیمات یک مجلس ملی را تعیین کند، کشورها معمولاً براساس عوامل جمعیتی و جغرافیایی این کار را انجام می‌دهند. از این رو، پرسشی که مطرح می‌شود این است که کرسی‌های نمایندگی استان‌ها در مجلس شورای اسلامی چگونه باید بهینه و عادلانه توزیع شود؟ فرضیه اصلی در اینجا مبنی بر توزیع ناعادلانه و غیربهینه کرسی‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی در وضعیت کنونی است. در این راستا، برای پاسخ به سؤال این پژوهش از روش بهینه‌یابی *SECA* بر مبنای معیار جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و شاخص توسعه انسانی استفاده شده است. براساس یافته‌ها، تعداد بهینه نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی تحت دو سناریو و دو رویکرد وزن‌دهی به معیارهای چهارگانه دقیقاً تعیین و مقایسه شده است. این نتایج نشان می‌دهد استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اصفهان، تهران، خوزستان، فارس، گیلان، لرستان، همدان دارای مازاد نماینده بوده و سایر استان‌ها به‌طور کلی با کمبود نماینده روبه‌رو هستند. به عبارتی منشأ بی‌عدالتی در توزیع کرسی‌های مجلس، کرسی‌های نمایندگی اضافی است که به استان‌های دارای مازاد تعلق گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** کرسی نمایندگی؛ تخصیص بهینه؛ مجلس شورای اسلامی؛ برابری سیاسی

\* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران (نویسنده مسئول)؛  
Email: i.shaker@ardakan.ac.ir

\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران؛  
Email: n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

## مقدمه

بدون شک تخصیص تعداد کرسی‌های پارلمانی به حوزه‌های انتخابیه در نظام‌های مردم‌سالار نه تنها مشکلی مهم است، بلکه یک چالش علمی محسوب می‌شود. اختصاص کرسی‌های پارلمانی به استان‌ها پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی دارد چراکه وزن‌های مختلف برای استان‌ها به معنای توزیع متفاوت است. در این زمینه، کشورها از نظر نسبت نمایندگان به شهروندان در پارلمان بسیار متفاوت عمل می‌کنند و براساس معیارهای مندرج در قوانین انتخاباتی خود، به ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه می‌پردازند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت برای تخصیص تعداد کرسی‌های پارلمانی به حوزه‌های انتخابیه معیارها و قواعد ثابت، استاندارد یا جهانی وجود ندارد که تنظیمات یک مجلس ملی را تعیین کند و کشورها با توجه به ساختار اداری و همچنین پیکربندی سیاسی خود به این کار اقدام می‌کنند.

اصطلاح حوزه‌بندی انتخابات یا تعیین محدوده قلمروهای انتخاباتی برای تعیین تعداد کرسی‌های پارلمان در هر محل یا منطقه، به رویه‌های طراحی حوزه‌های انتخابیه و تقسیم‌بندی کرسی‌های مناسب با مناطق مختلف در کشور اشاره دارد (خسروی، ۱۳۷۸: ۲۲۶). رایج‌ترین معیار برای تخصیص تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه، میزان جمعیت است. به طور معمول، تعداد کرسی‌ها (نمایندگان مجلس) با توجه به جمعیت هر کشور در قانون اساسی آن قید شده است. با این حال، مرزهای واقعی هر حوزه باید به گونه‌ای باشد که تعداد ساکنان در حوزه انتخابیه تا حد ممکن، برابر با سهمیه جمعیتی خود، نماینده داشته باشند.

در جمهوری اسلامی ایران اصل شصت و چهارم قانون اساسی بر «عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها» به عنوان معیارهای حوزه‌بندی انتخابات تأکید دارد که از عامل انسانی مندرج در این اصل به «جمعیت» تعبیر می‌شود. همچنین تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵

بر انطباق حتی‌الامکان حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی بر محدوده شهرستان‌ها تأکید دارد. تاکنون در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مقرر قانونی وجود ندارد که عوامل مندرج در اصل شصت و چهارم قانون اساسی را تعریف عملیاتی کند و برای آنها شاخص‌های دقیق و قابل سنجش و همچنین وزن و سهم هر کدام را در ترسیم مرزهای حوزه‌ها و تعداد نمایندگان تعیین کند. با وجود اینکه در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری بر «جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» به‌عنوان مبنایی برای حوزه‌بندی «به‌گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد» تأکید شده است، اما این بند اشاره‌ای به حداقل تعداد «جمعیت» برای داشتن یک نماینده و میزان انحراف از آن ندارد. ازسویی «مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» نیز نیازمند تعیین دقیق شاخص‌ها در قالب یک مقرر قانونی است (میراحمدی، ۱۳۹۹: ۲-۱).

این پژوهش ضمن اینکه اعتقاد دارد در حال حاضر توزیع تعداد کرسی‌های نمایندگی استان‌ها در مجلس غیربهبینه، ناعادلانه و همراه با تبعیض است تلاش می‌کند با بررسی و مقایسه وضعیت موجود تعداد نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی در راستای عدالت انتخاباتی، مدلی ریاضی برای تعیین تعداد بهینه نمایندگان استان‌ها در مجلس شورای اسلامی براساس معیارهایی همچون جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها ارائه دهد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش بازتوزیع تعداد کرسی‌های نمایندگی استان‌ها در مجلس شورای اسلامی براساس مدل SECA<sup>۱</sup> است. در این راستا مطالب به‌ترتیب ذیل تنظیم شده است: مقدمه، مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش و در بخش پایانی نیز به بحث و بررسی و سپس نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

## ۱. مبانی نظری پژوهش

حوزه‌بندی انتخاباتی یا تخصیص کرسی‌ها به حوزه‌های انتخابیه هر استان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای انتخاباتی، همواره دغدغه بسیاری از متفکران سیاسی و اجتماعی بوده است (Balinski and Young, 2001; Serafini, 2012; Grimmett, 2011). تحقق اصل «یک فرد، یک رأی» نیز به‌عنوان اصل اولیه انتخابات به‌معنای برابری رأی هر فرد واجد شرایط رأی دادن فارغ از جایگاه اجتماعی، نژادی و جنسیتی آن تا حد زیادی به ترسیم دقیق حوزه‌های انتخاباتی بستگی دارد (احمدی‌پور، حافظ‌نیا و عبدالوهاب، ۱۳۹۰: ۱۵)؛ بنابراین تعیین درست حوزه‌های انتخابیه بر تحقق یک انتخابات اصیل، رقابتی، آزاد و منصفانه بسیار تأثیرگذار است. مشکل حوزه‌بندی سیاسی از دهه ۱۹۶۰ مورد مطالعه قرار گرفته و مدل‌ها و تکنیک‌های مختلفی با هدف جلوگیری از دست‌کاری مرزهای مناطق که ممکن است به‌نفع برخی از احزاب سیاسی خاص باشد (جری‌مندرینگ)<sup>۱</sup> پیشنهاد شده است (Ricca, Scozzari and Simeone, 2013: 223). انواع مدل‌ها و رویه‌های حوزه‌بندی سیاسی در ادبیات تحقیق، براساس بهینه‌سازی یک یا چند هدف ارائه شده که معمولاً بر پایه شماری از معیارهای جمعیتی، سرزمینی، جغرافیایی و برخی ملاحظات سیاسی انجام می‌گیرد (Williams, 1995; Ricca, Scozzari and Simeone, 2013; Kong, Zhu and Wang, 2019).

رایج‌ترین معیارهای جمعیت‌شناختی مورد استفاده در حوزه‌بندی انتخاباتی شامل دستیابی به برابری نسبی جمعیت مناطق و نمایندگی اقلیت متناسب با طرح ناحیه‌بندی است (Williams, 1995: 14). معیار برابری نسبی جمعیت اغلب با محدودیت‌هایی روی جمعیت ناحیه اعمال می‌شود و مورد انتقاد برخی قرار گرفته

---

1. Gerrymandering



است (Ricca, Scozzari and Simeone, 2013: 225). علاوه بر معیارهای جمعیتی (برابری جمعیت و نمایندگی اقلیت‌ها)، سه معیار جغرافیایی ممکن است برای طراحی و ارزیابی مناطق سیاسی اعمال شود. این معیارها عبارتند از: الف) مجاورت فضایی، ب) تراکم و ج) یکپارچگی جامعه (Ibid.: 223). مجاورت یا پیوستگی ناحیه یک معیار قانع‌کننده است، نه تنها به این دلیل که با نمایندگی منطقه سازگار است، بلکه به این دلیل که یک ناحیه هم‌جوار معمولاً منطقی‌تر یا شهودی‌تر به نظر می‌رسد تا ناحیه‌ای که از بسیاری از قطعات جدا شده تشکیل شده است. برای اینکه یک منطقه به هم‌پیوسته باشد، باید امکان سفر از هر نقطه در منطقه به هر نقطه دیگر آن بدون خروج از منطقه وجود داشته باشد (Grofman, 1985). معیار تراکم به شکل و وسعت یک ناحیه مربوط می‌شود و مستلزم آن است که یک ناحیه در یک فضای نسبتاً کوچک تقسیم‌بندی شود (Ricca, Scozzari and Simeone, 2013: 225). تراکم، درحالی‌که به خودی‌خود هدف نیست، گمان می‌رود که هم نشانگر انسجام داخلی در یک منطقه و هم عدم تجاوزهای تبعیض‌آمیز باشد (Morrill, 1987: 249). با این وجود، این عدم تراکم است که به‌طور معمول با نواحی جری‌مندرینگ (تعیین غیرمنصفانه حوزه‌های انتخاباتی) همراه است. نوع تراکم که معمولاً در حوزه‌بندی به آن اشاره می‌شود تراکم فضایی است.

در مورد یکپارچگی می‌توان گفت هرچند امروزه فناوری‌های حمل‌ونقل و ارتباطات فاصله را کاهش داده‌اند، اما جوامع هنوز تا حد زیادی با نزدیکی جغرافیایی تعریف می‌شوند. جوامع می‌توانند در اشکال و مقیاس‌های مختلف مذهبی، قومی، اقتصادی، شهری یا روستایی وجود داشته باشند. گاهی جوامع برحسب واحدهای دولتی تعریف می‌شوند مانند حوزه یا بخش، شهر یا شهرستان و استان. موریل<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) حوزه‌بندی

1. Morrill

سیاسی را پیشنهاد می‌کند که جوامع برحسب سه مؤلفه نگرینسته شود: الف) وفاداری حزبی، ب) ترکیب نژادی یا قومی و ج) ویژگی شهری در مقابل روستایی. با توجه به نحوه تعریف جوامع، حفظ یکپارچگی جامعه در حوزه‌بندی می‌تواند کار دشواری باشد زیرا علایق و موضوع‌هایی که جوامع را تعریف می‌کنند می‌تواند تحت هر تعدادی از موضوع‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و زیست‌محیطی قرار گیرند. از این رو، منطقه‌بندی به‌منظور نمایندگی این جوامع می‌تواند مشکل‌ساز باشد، زیرا ممکن است منافع و علایق یک منطقه با منافع دیگری منطبق نباشد. در چنین شرایطی، ایجاد یک طرح منطقه‌بندی بدون تکه‌تکه شدن برخی از جامعه غیرممکن خواهد بود. فراگوسو، ریگو و باشینکو<sup>۱</sup> (۱۸۶: ۲۰۱۶) در الگوی پیشنهادی خود، به شناسایی معیارهای همگنی برای ارزیابی عدم تشابه بین واحدهای سرزمینی اشاره می‌کنند. از دیدگاه آنها سطح توسعه‌یافتگی و مشخصات اجتماعی - اقتصادی واحدهای سرزمینی در این زمینه بیشترین اهمیت را دارد.

معیارهای تعیین تعداد نمایندگان هر منطقه در پارلمان نه‌تنها معیارهای جمعیتی و جغرافیایی، بلکه معیارهای سیاسی را نیز دربردارد. از آنجاکه مسئولیت تصویب طرح‌های منطقه‌ای ایالتی و محلی معمولاً به‌عهده نمایندگان منتخب است، برنامه‌ها به‌طور ضمنی، اگر نه آشکارا، با ملاحظات سیاسی شکل می‌گیرند (Taylor and Gudgin, 1976; Morrill, 1981). در مجموع می‌توان گفت هیچ توافق کلی وجود ندارد در مورد اینکه کدام‌یک از این معیارها ذاتاً مهم‌ترند و تنها معیارهایی هستند که باید در نظر گرفته شوند.

دال و لیندبلوم<sup>۲</sup> (۴۱: ۱۹۵۸) به‌جای توجه به معیارهای فوق، بر ارزش برابری

1. Fragoso, Rego and Bushenkov

2. Dahl and Lindblom

سیاسی<sup>۱</sup> به‌عنوان یک مفهوم ضمنی در سیستم انتخاباتی اشاره می‌کنند. از دیدگاه آنها بسیاری از اصلاحات سیاسی برای نیل به برابری سیاسی در عرصه‌های انتخاباتی است. طبق تعریف آنها برابری سیاسی عبارت است از کنترل تصمیمات حکومتی به‌گونه‌ای که ترجیحات هیچ شهروندی وزن بیشتری از ترجیحات شهروند دیگر نداشته باشد اما در تعریف عملیاتی دال و لیندبلوم برابری سیاسی زمانی است که در انتخابات رأی هر شخص وزن یکسانی داشته باشد. به‌نظر می‌رسد برابری سیاسی بدین‌مفهوم در انتخابات ریاست جمهوری که رئیس قوه مجریه مستقیم با رأی مردم انتخاب می‌شود وجود دارد، اما در انتخابات پارلمانی به‌دلیل اینکه مناطق (استان‌ها) با توجه به معیارهای جمعیتی و جغرافیایی، قوانین، اعمال نفوذها و ... تعداد نمایندگان و به‌دنبال آن تعداد آرای متفاوتی دارند برابری سیاسی بدان مفهوم وجود ندارد (Still, 1981: 375). بنابراین موضوع تخصیص بهینه تعداد کرسی‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی با توجه به معیارهای فوق، گامی در جهت نزدیک شدن به برابری سیاسی محسوب می‌شود.

بنابراین و درمجموع اگرچه نمی‌توان معیارها و قواعد ثابت، استاندارد یا جهانی برای تخصیص تعداد کرسی‌های پارلمانی به حوزه‌های انتخابیه را یافت اما براساس مبانی نظری مرور شده معیارهای جمعیت، مساحت، تعداد مناطق و حوزه‌های انتخابیه معیارهای بااهمیتی محسوب می‌شوند.

## ۲. پیشنهاد پژوهش

در اکثر کشورهای دارای نظام پارلمانی همواره تعداد کرسی‌های تخصیص‌یافته به اعضای آن موضوعی چالش‌برانگیز و محل مناقشه بوده و پژوهشگران داخلی و

خارجی سعی کرده‌اند با ارائه مدل‌ها و الگوهای مختلف راهکارهای علمی و عملی برای حل این مسئله در جهت دستیابی به عدالت انتخاباتی ارائه دهند. در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره شده است.

میراحمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی نسبت جمعیت حوزه‌های انتخابیه به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس سرشماری ۱۳۹۵» نشان می‌دهد که بررسی چگونگی توزیع کرسی‌ها بین استان‌ها حاکی از تبعیض و بی‌عدالتی میان استان‌ها در زمینه برخورداری از نماینده نسبت به جمعیت آنهاست. از دیدگاه وی بررسی حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی حاکی از این است که نه تطابق کامل مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری در سطح شهرستان وجود دارد و نه برابری نسبی جمعیت میان حوزه‌های انتخابیه. به‌ویژه از منظر برابری جمعیت، وضعیت بغرنجی بر حوزه‌های انتخابیه حاکم است که توجیهی برای آن وجود ندارد.

حیدریان (۱۳۹۹) در رساله خود با عنوان «آسیب‌شناسی حوزه‌بندی انتخاباتی در ایران و ارائه الگوی بهینه (مورد: مجلس شورای اسلامی)» بیان می‌کند که در کشور ایران با ۲۰۸ حوزه انتخابیه، فقط ۲ سند قانونی اصل شصت و چهارم قانون اساسی و تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری در زمینه حوزه‌بندی وجود دارد که به‌علت فقدان قوانین موضوعه شفاف و همچنین عدم نهاد متولی حوزه‌بندی منجر به آسیب‌ها و چالش‌هایی در تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه شده است.

محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی» نشان داد که در ایران اصول حاکم بر حوزه‌بندی انتخابات که زمینه را برای تحقق یک انتخابات آزاد و منصفانه فراهم می‌کند، رعایت نشده است بنابراین حوزه‌بندی کنونی انتخابات با اشکال‌هایی روبه‌رو است. نویسنده برای

رفع نواقص و اشکال‌های نظام فعلی دو پیشنهاد ارائه کرده است: پیشنهاد اول، طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه است و پیشنهاد دوم، استفاده از نظام تلفیقی است که هم از مزایای نظام اکثریتی و هم از مزایای نظام تناسبی استفاده می‌کند و براساس آن ۵۰ درصد کرسی‌های پارلمان از طریق نظام اکثریتی و ۵۰ درصد دیگر از طریق نظام تناسبی تکمیل خواهد شد.

پیشگاهی فرد، حسینی و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر چگونگی پراکندگی کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در ایران» نشان دادند که در ایران، فرصت برابر در دسترسی به کرسی‌های مجلس برای همه مردم با توجه به وسعت و پراکندگی جمعیت فراهم نیست و تمایز زیادی بین استان‌ها دیده می‌شود. ارزش رأی‌ها در استان‌های مختلف، متفاوت است و مجموعه‌ای از عوامل که عمدتاً منشأ سیاسی و مدیریتی داشته‌اند، به‌صورت زنجیره‌ای به نبود تعادل منجر شده‌اند. کارلسن هاگروت<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «دفاع از حوزه‌های قانونگذاری جغرافیایی» استدلال می‌کند که با وجود انتقاد از حوزه‌های انتخابیه جغرافیایی، این معیار تقسیم‌بندی حوزه‌ها بسیج رأی‌دهندگان حزبی را تقویت می‌کند؛ به شیوه‌های خدمات‌رسانی حوزه انتخابیه در قوه مقننه کمک می‌کند و تحقق فرصت‌های برابر برای نفوذ سیاسی را ترویج می‌کند.

لیو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مدل‌های ریاضی ناحیه‌بندی سیاسی برای دولت‌های دارای نماینده بیشتر» نشان دادند که در ایالات متحده، برای هر ناحیه یک نماینده کنگره انتخاب می‌شود و قانون اساسی برای هر منطقه‌ای تراکم، مجاورت جغرافیایی و تعادل جمعیتی را ایجاد می‌کند. آنها ضمن انتقاد از

---

1. Carlsen Haggrot

2. Liu

این رویه، دو مدل بهینه‌سازی ریاضی را برای اجرای دو معیار سیاسی جدید یعنی «عدالت و رقابت» ارائه می‌دهند. هدف عدالت اطمینان از تخصیص عادلانه کرسی‌ها به احزاب سیاسی با در نظر گرفتن توزیع رأی‌دهندگان است و هدف رقابت، به حداکثر رساندن تعداد مناطق رقابتی برای جلوگیری از راه‌حل‌های منطقه‌ای است که مزیت آشکاری برای یک حزب سیاسی ایجاد می‌کند.

هالس و گارسیا<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تخصیص کرسی‌های پارلمان با استفاده از بهینه‌یابی ریاضی» به بررسی وضعیت نابرابری در تخصیص کرسی‌های نمایندگی پارلمان اسپانیا پرداختند. آنها با استفاده از دو مدل بهینه‌سازی مبتنی بر رویکرد مکان سهولت<sup>۲</sup> و حداقل طبقه‌بندی<sup>۳</sup>  $k$  و دو روش اکتشافی به جواب‌های بهینه برای تعداد کرسی‌های نمایندگی پارلمان اسپانیا دست یافتند.

کالسیک و ولف<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «آیا برگزیت<sup>۵</sup> فرصتی برای اصلاح پارلمان اروپاست؟» به موضوع اصلاح نحوه تخصیص کرسی‌ها به کشورهای عضو پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و پیامدهای آن برای پارلمان اروپا پرداختند. این پژوهش با استفاده از معیار نابرابری و یک مدل بهینه‌سازی ریاضی تعداد بهینه نماینده هر کشور را در پارلمان اروپا تعیین کرده به‌گونه‌ای که با این تعداد نماینده پیشنهادی، نابرابری در توزیع تا ۲۵ درصد کاهش یافته است.

سرافینی<sup>۶</sup> (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «تخصیص کرسی‌های پارلمان اتحادیه اروپا از طریق برنامه‌ریزی خطی اعداد صحیح و سهمیه‌های تجدیدنظر شده» به

- 
1. Hales and Garcia
  2. Facility Location Approach
  3. Minimum K-Partitioning
  4. Kalcik and Wolff
  5. Berxit
  6. Serafini

مشکل تخصیص کرسی‌های نمایندگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پارلمان اروپا در چارچوب الزامات قوانین اتحادیه اروپا پرداخت. نتایج این پژوهش ضمن مشخص کردن تعداد کرسی نمایندگی هر کشور در اتحادیه اروپا، این نتایج را با سایر روش‌های تخصیص در چارچوب قوانین مختلف مقایسه کرده است.

ارزیابی نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد اولاً اصول حاکم بر حوزه‌بندی انتخاباتی در ایران حتی منطبق با عوامل جغرافیایی و جمعیتی کنونی به‌درستی انجام نگرفته است و با اشکال‌ها و چالش‌های اساسی روبه‌رو است که در نتیجه منجر شده تخصیص کرسی‌های مجلس به‌صورت آزادانه، منصفانه و عادلانه نباشد. ثانیاً این نابرابری و تبعیض سیاسی در اکثر کشورهای دارای نظام پارلمانی مشهود است. ثالثاً اغلب پژوهشگران سعی کرده‌اند این تبعیض و بی‌عدالتی را با به‌کارگیری مدل‌های مختلف بهینه‌یابی ریاضی در تخصیص کرسی‌های پارلمان کاهش دهند. در این راستا سعی شده است این پژوهش با کاهش نابرابری سیاسی براساس مدل SECA و با در نظر گرفتن شاخص‌هایی همچون وسعت جغرافیایی، پراکندگی جمعیتی، تعداد شهرستان و درجه توسعه‌یافتگی به بازتوزیع و تخصیص بهینه تعداد کرسی‌های نمایندگی استان‌ها در مجلس شورای اسلامی بپردازد.

### ۳. روش پژوهش

مطالعه حاضر پژوهشی کاربردی است که با هدف طراحی الگویی برای تخصیص بهینه تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ۳۱ استان کشور بر مبنای مدل ارزیابی هم‌زمان معیار و گزینه با تأکید بر چهار معیار جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و سطح توسعه انسانی هر استان به رشته تحریر درآمده است. داده‌ها و اطلاعات مربوط به این معیارها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از سالنامه آماری کل

کشور، نتایج برخی مطالعات پژوهشی و گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمع‌آوری شده است. در این راستا معیار جمعیت هر استان برحسب هزار نفر براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ است که طبق تعریف مرکز آمار ایران شامل مجموع تعداد اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن، مؤسسه‌ای و گروهی است که اقامتگاه معمولی آنها در زمان سرشماری در شهرها و روستاهای (آبادی‌ها) استان واقع شده است. معیار مساحت برحسب کیلومتر مربع و همچنین معیار تعداد شهرستان‌های هر استان بر مبنای آخرین تقسیمات کشوری وزارت کشور در سال ۱۳۹۸ مشخص شده‌اند؛ اما در مورد معیار شاخص توسعه انسانی<sup>۱</sup> برای هر استان با توجه به این نکته که شاخصی با این عنوان در منابع و مراجع رسمی آماری همچون سالنامه و گزارش‌های آماری وجود ندارد و تنها شاخص‌های توسعه انسانی کل کشور در هر سال گزارش می‌شود. بنابراین در مورد این شاخص از نتیجه مطالعه افقه، آهنگری و عسکری پورلاهیجی (۱۳۹۹) استفاده شده است که براساس آن مقادیر شاخص توسعه انسانی به تفکیک هر استان برای سال ۱۳۹۵ براساس سه مؤلفه امید به زندگی، آموزش و درآمد سرانه محاسبه و ارائه شده است.<sup>۲</sup> گفتنی است این شاخص به‌عنوان بخشی از نوآوری این پژوهش و با توجه به رویکرد توجه به مناطق کمتر توسعه‌یافته در نظر گرفته شده است. علاوه بر این با توجه به اینکه مقادیر معیارهای جمعیت، تعداد، شهرستان و شاخص‌های توسعه طی سال‌ها ثابت یا دارای تغییرات اندک است لذا آمار و داده‌های این معیارها تنها در یک سال و براساس سالنامه آماری کل کشور در سال ۱۳۹۸ اخذ شده است.

#### 1. Human Development Index (HDI)

۲. گفتنی است اگرچه مطالعات دیگری نیز به محاسبه شاخص توسعه انسانی استان‌های کشور پرداخته‌اند، ولی به‌دلیل اینکه در مطالعه افقه، آهنگری و عسکری پورلاهیجی (۱۳۹۹) از جدیدترین آمار و اطلاعات در محاسبه شاخص توسعه انسانی استانی استفاده شده، مینا این گزارش قرار گرفته است.



از بین چهار معیار معرفی شده، معیارهای جمعیت، مساحت و تعداد شهرستان معیارهای مثبت و معیار شاخص توسعه انسانی معیار منفی تلقی می‌شود. این بدین مفهوم است که با جمعیت، مساحت و تعداد شهرستان بیشتر، تعداد نمایندگان هر استان در مجلس افزایش می‌یابد اما به دلیل تأکید بر محرومیت‌زدایی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف کشور، با افزایش شاخص توسعه انسانی یک استان تعداد نمایندگان استان در مجلس کاهش می‌یابد. گفتنی است آمار مربوط به تعداد نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی استخراج شده است.

انتخاب این معیارها برای تعیین تعداد نماینده بهینه برای هر استان بر مبنای اصل شصت و چهارم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸ شکل گرفته است: «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یک‌هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ۱۰ سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند».

بنابراین براساس این اصل از قانون اساسی تنها بر عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها به عنوان معیارهای تقسیم‌بندی حوزه انتخابات تأکید شده و به تعاریف عملیاتی آنها، تعیین شاخص‌های دقیق و قابل‌سنجش و وزن و سهم هر کدام در ترسیم مرزهای حوزه‌ها و تعداد نمایندگان اشاره‌ای نشده و حتی در سایر قوانین نیز این ابهام همچنان وجود دارد.

ازسویی برخلاف متن صریح قانون اساسی تنها یک‌بار در سال ۱۳۷۸ بیست

نماینده اضافه شده و از آن زمان تاکنون (بیش از دو دهه) تنها ۲۹۰ نماینده از ۲۰۸ حوزه انتخابیه انتخاب شده‌اند که پنج کرسی از این کرسی‌های مجلس نیز به اقلیت‌های دینی اختصاص یافته است. بنابراین در هر یک از سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۸ باید ۲۰ نماینده به مجموع نمایندگان مجلس اضافه شده و مجموعاً ۳۳۰ نماینده در مجلس شورای اسلامی حضور داشته باشند. این عدم افزایش در بیش از دو دهه گذشته حاکی از وجود اختلاف و همچنین نبود معیارهای روشن و واضح و مورد قبول در مورد نحوه تخصیص این ۴۰ نماینده اضافی بین استان‌هاست.

بنابراین و در مجموع می‌توان گفت برای تخصیص بهینه و عادلانه نمایندگان مجلس بین استان‌ها به تعریف معیارها، وزن و الگویی برای تعیین دقیق تعداد نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی نیاز داریم که هدف اصلی این پژوهش نیز بر مبنای این بحث تعریف شده است. در مطالعه پیش رو در راستای اصل شصت و چهارم قانون اساسی چهار معیار جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و شاخص توسعه انسانی به‌عنوان معرف عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و ... اشاره شده در قانون پیشنهاد و در نظر گرفته شده است.

### ۳-۱. وزن (اهمیت) معیارها

بعد از تعیین معیارها موضوع چالش برانگیز بعدی تعیین وزن این معیارهاست. در مورد وزن معیارهای معرفی شده در بخش قبل چند نکته قابل ملاحظه وجود دارد:

۱. بررسی قوانین و ضوابط تعیین تعداد نمایندگان مجلس در داخل و خارج کشور مؤید این موضوع است که معیار جمعیت در بین معیارها اهمیت بیشتری داشته و بر معیار برابری نسبی جمعیت در حوزه‌های انتخابیه تأکید بیشتری شده است.
۲. به‌طور کلی برای تعیین وزن معیارهای مؤثر در تعیین تعداد نمایندگان سه روش وجود دارد:

الف) استفاده از نظر نخبگان، نمایندگان مجلس و کارشناسان امر در تعیین وزن؛  
ب) استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های تعیین وزن (همچون ANTROPI  
CRITIC, PSI, SECA و ...)

ج) استفاده از وزن‌های پیشنهادی با توجه به اهمیت و برابری نسبی (وزن جمعیت ۵۵ درصد، مساحت ۱۵ درصد، تعداد شهرستان ۱۵ درصد و معکوس شاخص توسعه انسانی ۱۵ درصد).

به نظر می‌رسد در مسئله تخصیص بهینه و عادلانه نمایندگان مجلس استفاده از نظر نخبگان، کارشناسان و نمایندگان مجلس به دلیل تأثیرپذیری از قضاوت ذهنی و ارزش‌ها و ملاحظات قومی، حزبی و سیاسی نامناسب است. عدم افزایش تعداد نمایندگان طی دو دهه گذشته، خود گواهی بر این ادعاست که بین نمایندگان در مورد نحوه تخصیص ۴۰ نماینده اضافی اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال نمایندگان استان تهران برای جذب کرسی‌های بیشتر برای حوزه انتخابیه خود، وزن بیشتری را برای جمعیت و در مقابل نمایندگان استان‌های کمتر توسعه یافته وزن بیشتری را برای عدم توسعه یافتگی و محرومیت در نظر خواهند گرفت. این در حالی است که برای استان‌های پهن‌اور معیار مساحت وزن بیشتری خواهد داشت. از این رو برای کاهش این اختلاف‌ها و تخصیص عادلانه کرسی‌های مجلس استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های تعیین وزن با توجه به اطلاعات خود معیارها، مطلوب‌تر است.

## ۲-۳. مدل تحقیق

در این پژوهش از روش SECA برای تعیین تعداد بهینه نمایندگان هر استان در مجلس براساس چهار معیار معرفی شده در بخش پیشین استفاده شده است. این روش را برای اولین بار کشاورز قرابی و همکاران در سال ۲۰۱۸ ارائه کرده‌اند. در این روش از مدل برنامه‌ریزی خطی برای تعیین هم‌زمان وزن معیارها و رتبه‌بندی نهایی

گزینه‌ها استفاده می‌شود. جدید بودن این روش، تأکید آن بر مسئله برنامه‌ریزی خطی مبتنی بر مدل MCDM برای تعیین وزن معیارها و رتبه‌بندی گزینه‌ها مهم‌ترین دلیل انتخاب این روش در این پژوهش بوده است.

در این روش فرض می‌شود با یک ماتریس تصمیم‌گیری با  $n$  گزینه و  $m$  معیار به صورت ماتریس (۱) روبه‌رو هستیم که  $w_j$  وزن هر معیار بوده و نامشخص است.

$$X = \begin{bmatrix} x_{11} & x_{21} & \dots & x_{1j} & \dots & x_{1m} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2j} & \dots & x_{2m} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{i1} & x_{i2} & \dots & x_{ij} & \dots & x_{im} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{n1} & x_{n2} & \dots & x_{nj} & \dots & x_{nm} \end{bmatrix}_{n \times m} \quad (1)$$

$$i \in \{1, 2, \dots, n\} \quad j \in \{1, 2, \dots, m\}$$

$$x_{ij} > 0$$

در این رابطه  $x_{ij}$  بیانگر ارزیابی  $i$ امین گزینه نسبت به  $j$ امین معیار است. در مرحله بعد باید ماتریس تصمیم که در رابطه (۱) ایجاد شده است را نرمال کنیم. نرمال‌سازی براساس رابطه (۲) صورت گرفته و ماتریس نرمالیز (۲) شکل می‌گیرد.

$$X^N = \begin{bmatrix} x_{11}^N & x_{21}^N & \dots & x_{1j}^N & \dots & x_{1m}^N \\ x_{21}^N & x_{22}^N & \dots & x_{2j}^N & \dots & x_{2m}^N \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{i1}^N & x_{i2}^N & \dots & x_{ij}^N & \dots & x_{im}^N \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{n1}^N & x_{n2}^N & \dots & x_{nj}^N & \dots & x_{nm}^N \end{bmatrix}_{n \times m} \quad (2)$$

به طوری که

$$x_{ij}^N = \begin{cases} \frac{x_{ij}}{\max_k x_{kj}} & \text{if } j \in BC \\ \frac{\min_k x_{kj}}{x_{ij}} & \text{if } j \in NC \end{cases} \quad (۳)$$

در رابطه (۳)،  $BC$  شامل مجموعه معیارهای مثبت (سود) و  $NC$  مجموعه معیارهای منفی (هزینه) هستند. در اینجا  $V_j = [x_{ij}^N]_{n \times 1}$  اشاره به بردار  $j$ امین معیار دارد. برای به دست آوردن اطلاعات متغیر درونی معیار از انحراف معیار عناصر هر بردار ( $\sigma_j$ ) و برای دستیابی به اطلاعات متغیر بین معیارها از ضریب همبستگی بین هر جفت از بردار معیارها ( $r_{jl}$ ) در ماتریس تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. سپس از رابطه (۴) درجه اختلاف بین معیار  $j$ ام و معیارهای دیگر ( $\pi_j$ ) به دست می‌آید:

$$\pi_j = \sum_{l=1}^m (1 - r_{jl}) \quad j, l \in \{1, 2, \dots, m\} \quad (۴)$$

بر مبنای مدل SECA افزایش تغییرپذیری در بردار یک معیار ( $j$ ) و همچنین افزایش میزان درجه اختلاف میان معیار  $j$  و معیارهای دیگر، وزن (یا اهمیت) آن معیار را افزایش می‌دهد. بر این اساس، مقادیر نرمال شده  $\sigma_j$  و  $\pi_j$  به عنوان نقاط مرجع برای وزن معیارها تعریف می‌شود. این مقادیر به صورت روابط (۵) و (۶) تعریف می‌شود:

$$\sigma_j^N = \frac{\sigma_j}{\sum_{l=1}^m \sigma_l} \quad (۵)$$

$$\pi_j^N = \frac{\pi_j}{\sum_{l=1}^m \pi_l} \quad (۶)$$

براساس تعاریف و توضیحات ارائه شده در بالا، مدل برنامه‌ریزی چندهدفه غیرخطی برای تعیین وزن معیارها و رتبه‌بندی گزینه‌ها به صورت روابط زیر تعریف می‌شود:

$$\begin{aligned}
 \text{Max} \quad S_i &= \sum_{j=1}^m w_j x_{ij}^N, \quad \forall i \in \{1, 2, \dots, n\} \\
 \text{Min} \quad \lambda_b &= \sum_{j=1}^m (w_j - \sigma_j^N)^2, \\
 \text{Min} \quad \lambda_c &= \sum_{j=1}^m (w_j - \pi_j^N)^2, \\
 \text{s.t.} \quad \sum_{j=1}^m w_j &= 1, \\
 w_j &\leq 1, \quad \forall j \in \{1, 2, \dots, m\}, \\
 w_j &\geq \varepsilon, \quad \forall j \in \{1, 2, \dots, m\}.
 \end{aligned} \tag{7}$$

در مدل برنامه‌ریزی غیرخطی (۷)، معادله اول، عملکرد کلی هر گزینه را افزایش می‌دهد و معادلات دوم و سوم، انحراف معیارهای وزن را از نقاط مرجع برای هر معیار به حداقل می‌رساند. معادله چهارم نیز تضمین می‌کند که مجموع وزن‌ها برابر با یک و دو معادله پایانی نیز وزن معیارها را برای برخی مقادیر در فاصله  $[\varepsilon, 1]$  تعیین می‌کنند. گفتنی است که  $\varepsilon$  یک پارامتر مثبت کوچک در نظر گرفته شده به عنوان حد پایینی برای وزن معیار است. در این روش، مقدار این پارامتر برابر با  $0.003$  قرار داده شده است. در ادامه برای بهینه‌سازی رابطه (۷)، از تبدیل مدل‌های غیرخطی چندهدفه به یک مدل خطی تک‌هدفه به صورت رابطه (۸) استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned}
 \text{Max } Z &= \lambda_a - \beta(\lambda_b + \lambda_c) \\
 \text{s.t. } \lambda_a &\leq S_i, \quad \forall i \in \{1, 2, \dots, n\} \\
 S_i &= \sum_{j=1}^m w_j x_{ij}^N, \quad \forall i \in \{1, 2, \dots, n\}, \\
 \lambda_b &= \sum_{j=1}^m (w_j - \sigma_j^N)^2, \\
 \lambda_c &= \sum_{j=1}^m (w_j - \sigma_j^N)^2, \\
 \sum_{j=1}^m w_j &= 1, \\
 w_j &\leq 1, \quad \forall j \in \{1, 2, \dots, m\}, \\
 w_j &\geq \varepsilon, \quad \forall j \in \{1, 2, \dots, m\}.
 \end{aligned} \tag{۸}$$

با توجه به رابطه (۸)، هدف حداکثر کردن حداقل امتیاز کلی عملکرد گزینه‌هاست. از آنجا که انحراف از نقاط مرجع باید حداقل باشد، آنها با یک ضریب  $\beta$  ( $\beta \geq 0$ ) از هدف کسر می‌شوند. این ضریب بر اهمیت دستیابی به نقاط مرجع معیارهای وزن تأثیرگذار است. جواب این مسئله بهینه‌یابی نمره عملکرد کلی هر گزینه ( $S_i$ ) و وزن هدف هر معیار ( $W_j$ ) را مشخص می‌کند. در این مدل به‌ازای هر مقدار  $\beta$  مقادیر مختلفی از وزن‌ها به‌دست می‌آید. به‌منظور تعیین  $\beta$  مطلوب ابتدا مدل با  $\beta$  مختلف حل و وزن‌ها محاسبه شده و زمانی که وزن‌ها طی هر مرحله به ثبات رسیده و تغییرات آنها اندک شد،  $\beta$  مورد نظر ملاک قرار می‌گیرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد هنگامی که پارامتر  $\beta$  بزرگ‌تر از ۳ باشد، وزن معیارها باثبات‌تر است. علاوه بر این همبستگی بالایی بین وزن‌های ارائه شده به روش SECA با سایر روش‌ها همچون کریتیک و آنتروپی وجود دارد (Keshavarz-Ghorabae et al., 2018) به‌منظور حل این مدل نیز از نرم‌افزار Lingo استفاده می‌شود.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

قبل از پرداختن به نتایج اصلی پژوهش باید همبستگی بین تعداد کنونی نماینده هر استان با معیارهای چهارگانه جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و شاخص توسعه‌یافتگی استان‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج این ارزیابی در جدول ۱ منعکس شده است.

جدول ۱. ضریب همبستگی بین تعداد کنونی نماینده هر استان با معیارهای چهارگانه

معیار	جمعیت (هزار نفر)	مساحت (کیلومتر مربع)	تعداد شهرستان	شاخص توسعه انسانی
ضریب همبستگی	۰/۹۴	۰/۱۵	۰/۶۹	۰/۴۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

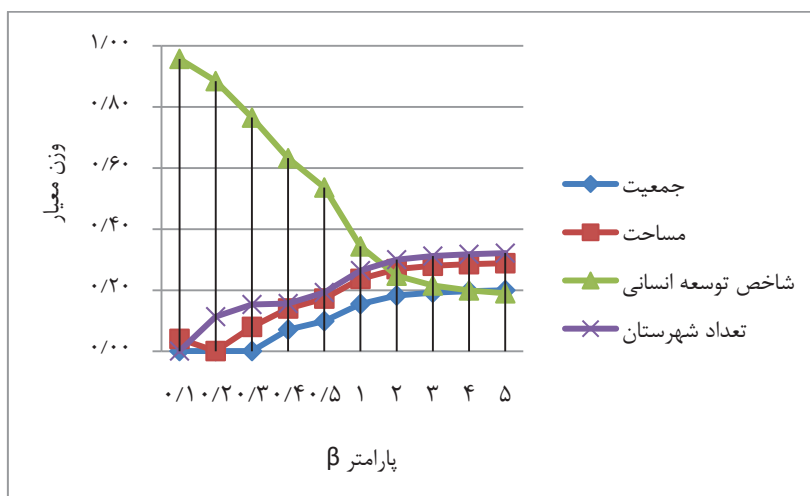
نتایج جدول ۱ حاکی از این است که تعداد فعلی نمایندگان مجلس با جمعیت هر استان بالاترین همبستگی دارد. پایین‌ترین ضریب همبستگی هم به مساحت هر استان مربوط است. متغیر تعداد شهرستان نیز از ضریب همبستگی ۰/۶۹ برخوردار است که بیانگر همبستگی نسبتاً بالای این متغیر با تعداد نمایندگان کنونی هر استان است. علاوه بر این ضریب همبستگی بین شاخص توسعه انسانی و تعداد نمایندگان هر استان نیز ۰/۴۱ است که بیانگر همبستگی نسبتاً پایین سطح توسعه‌یافتگی با تعداد نمایندگان فعلی هر استان است؛ بنابراین و در مجموع این نتایج مؤید این موضوع است که با وضعیت فعلی توزیع کرسی‌های نمایندگی مجلس عامل انسانی (جمعیت) بیشترین نقش در تخصیص تعداد نمایندگان هر استان داشته است و عامل جغرافیایی مساحت و همچنین توسعه استان‌ها نقش کم‌اهمیت‌تری داشته‌اند.

در ادامه نتایج تخصیص بهینه تعداد نمایندگان مجلس برای هر استان براساس مدل SECA و بر مبنای چهار معیار جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و توسعه انسانی هر



استان براساس دو رویکرد تعیین وزن معیارها و همچنین براساس دو سناریو برای تعداد کرسی‌های مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. در رویکرد اول ابتدا وزن معیارها از طریق مدل برنامه‌ریزی خطی به‌شکلی درون‌زا از طریق مدل SECA محاسبه می‌شود. همان‌طور که در بخش مدل پژوهش توضیح داده شد، تعیین مقادیر این وزن‌ها به مقدار پارامتر  $\beta$  حساس است. در این راستا نمودار مربوط به وزن معیارهای چهارگانه به‌ازای  $\beta$  های مختلف براساس مدل SECA به‌صورت نمودار ۱ است.

نمودار ۱. وزن معیارهای چهارگانه به‌ازای مقادیر مختلف  $\beta$  در مدل SECA



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج نمودار ۱ حاکی از این است که وزن معیارهای جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و شاخص توسعه انسانی به‌ازای مقدار  $\beta = 4$  همگرا هستند. بنابراین وزن‌های به‌دست آمده براساس مقدار مذکور ملاک تعیین تعداد بهینه نمایندگان هر استان در مجلس قرار خواهد گرفت.

این در حالی است که براساس رویکرد دوم وزن‌های پیشنهادی (فرضی) معیارها

براساس اهمیت نسبی و برابری آنها مشخص می‌شود. در این رویکرد معیار جمعیت به دلیل تأکید قانون و همچنین همبستگی بالای آن با تعداد نمایندگان کنونی مجلس بالاترین وزن و سایر معیارها وزن‌های مساوی و کمتری نسبت به جمعیت خواهند داشت. مقادیر وزن معیارها براساس هر دو رویکرد در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقادیر وزن معیارها براساس رویکرد

معیارها	وزن براساس رویکرد اول	وزن براساس رویکرد دوم
جمعیت (هزار نفر)	٪۲۰	٪۵۵
مساحت (کیلومتر مربع)	٪۲۹	٪۱۵
تعداد شهرستان	٪۳۲	٪۱۵
شاخص توسعه انسانی	٪۲۰	٪۱۵

مأخذ: همان.

براساس نتایج جدول ۲، در رویکرد اول وزن‌های استخراجی از داده و اطلاعات معیارهای مربوط به هر استان براساس مدل SECA محاسبه شده است. در این رویکرد معیار تعداد شهرستان با وزن ۳۲ درصدی بااهمیت‌ترین معیار و پس از آن معیار مساحت با وزن ۲۹ درصدی قرار دارد. علاوه بر این وزن معیارهای جمعیت و شاخص توسعه انسانی هر استان ۲۰ درصد تعیین شده است. مهم‌ترین مزیت این رویکرد این است که وزن‌ها بدون اعمال نظر، سلیقه، فشار و سایر ملاحظات و تنها براساس اطلاعات داده‌ها و به‌شکلی درون‌زا حاصل می‌شود. همچنین مهم‌ترین ایراد آن وزن پایینی است که به معیار جمعیت، به‌رغم تأکید قانونی بر عامل انسانی، تعلق گرفته است.

اما در رویکرد دوم در تعیین وزن معیارهای مؤثر برای تخصیص بهینه تعداد نمایندگان با توجه به اهمیت نسبی جمعیت، به این معیار وزن ۵۵ درصد و برای سه معیار دیگر وزن یکسان ۱۵ درصدی به‌صورت فرضی و پیشنهادی در نظر گرفته شده است.

پس از تعیین وزن معیارها، براساس سناریو اول تعداد نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی (۲۸۵ نفر)<sup>۱</sup> بر مبنای مدل SECA و دو رویکرد فوق در تعیین وزن، بین استان‌ها بازتوزیع خواهد شد. نتایج این بازتوزیع و تخصیص بهینه تعداد نمایندگان فعلی مجلس در جدول ۳ منعکس شده است.

### جدول ۳. تخصیص بهینه تعداد نمایندگان فعلی مجلس براساس مدل SECA و دو

#### رویکرد وزن‌دهی

استان	تعداد نماینده کنونی	تعداد نماینده براساس رویکرد اول وزن‌دهی	مازاد / کمبود نماینده	تعداد نماینده براساس رویکرد دوم وزن‌دهی	مازاد / کمبود نماینده
آذربایجان شرقی	۱۹	۱۱	+۸	۱۱	+۸
آذربایجان غربی	۱۲	۹	+۳	۱۰	+۲
اردبیل	۷	۷	۰	۷	۰
اصفهان	۱۹	۱۴	+۵	۱۴	+۵
البرز	۳	۶	-۳	۸	-۵
ایلام	۳	۷	-۴	۶	-۳
بوشهر	۴	۷	-۳	۷	-۳
تهران	۳۵	۱۲	+۲۳	۲۰	+۱۵
چهارمحال و بختیاری	۴	۷	-۳	۶	-۲
خراسان جنوبی	۴	۱۱	-۷	۹	-۵
خراسان رضوی	۱۸	۱۵	+۳	۱۶	+۲
خراسان شمالی	۴	۷	-۳	۶	-۲
خوزستان	۱۸	۱۳	+۵	۱۳	+۵

۱. در حال حاضر تعداد کرسی‌های نمایندگان مجلس ۲۹۰ نفر است که مطابق قانون، پنج کرسی به اقلیت‌های مذهبی اختصاص یافته است، لذا ۲۸۵ کرسی باقی‌مانده باید بین ۳۱ استان توزیع شود.

استان	تعداد نماینده کنونی	تعداد نماینده بهینه براساس رویکرد اول وزن دهی	مازاد / کمبود نماینده	تعداد نماینده بهینه براساس رویکرد دوم وزن دهی	مازاد / کمبود نماینده
زنجان	۵	۶	-۱	۶	-۱
سمنان	۴	۹	-۵	۸	-۴
سیستان و بلوچستان	۸	۱۴	-۶	۱۲	-۴
فارس	۱۸	۱۵	+۳	۱۵	+۳
قزوین	۴	۶	-۲	۶	-۲
قم	۳	۷	-۴	۵	-۲
کردستان	۶	۷	-۱	۷	-۱
کرمان	۱۰	۱۵	-۵	۱۳	-۳
کرمانشاه	۸	۸	۰	۸	۰
کهگیلویه و بویراحمد	۳	۶	-۳	۶	-۳
گلستان	۷	۸	-۱	۸	-۱
گیلان	۱۳	۸	+۵	۹	+۴
لرستان	۹	۷	+۲	۷	+۲
مازندران	۱۲	۱۰	+۲	۱۰	+۲
مرکزی	۷	۸	-۱	۸	-۱
هرمزگان	۵	۹	-۴	۹	-۴
همدان	۹	۷	+۲	۷	+۲
یزد	۴	۹	-۵	۸	-۴
مجموع	۲۸۵	۲۸۵	۰	۲۸۵	۰

مأخذ: همان.

براساس یافته‌های مندرج در جدول ۳، تعداد بهینه نمایندگان هر استان در مجلس براساس دو رویکرد وزن دهی به معیارهای جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و شاخص توسعه انسانی براساس مدل SECA مشخص شده است. علاوه بر این

به‌منظور مقایسه نتایج، مقادیر فعلی تعداد نمایندگان هر استان در مجلس نیز در جدول ارائه شده و مقادیر مازاد یا کمبود نماینده فعلی هر استان نسبت به نتایج بهینه در هر دو رویکرد وزن‌دهی مشخص شده است.

نتایج خروجی مدل SECA براساس رویکرد اول وزن‌دهی بیانگر این است که استان‌های خراسان رضوی، فارس، کرمان هریک با ۱۵ نماینده بیشترین و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، قزوین، زنجان و البرز هریک با ۶ نماینده کمترین تعداد نماینده مجلس را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که مقایسه این مقادیر بهینه با تعداد فعلی نمایندگان نشان می‌دهد، ۱۱ استان شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، گیلان، لرستان، مازندران و همدان با مازاد نماینده و ۱۸ استان شامل البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مرکزی، هرمزگان و یزد با کمبود نماینده مواجه هستند. دو استان اردبیل و کرمانشاه نیز بدون مازاد یا کمبود، انحرافی از مقادیر بهینه ندارند؛ به‌عبارت‌دیگر براساس نتایج بهینه‌یابی براساس رویکرد اول وزن‌دهی ۶۰ کرسی نمایندگی باید بازتوزیع شود تا همه استان‌ها در وضعیت بهینه قرار گیرند. این بازتوزیع از استان‌ها دارای مازاد به سمت استان‌های با کمبود نماینده است. اما در رویکرد دوم وزن‌دهی استان تهران با ۲۰ نماینده بیشترین و استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، زنجان، قزوین، قم، کهگیلویه و بویراحمد هریک با ۶ نماینده کمترین تعداد نماینده مجلس را به خود اختصاص داده است. درحالی‌که در این رویکرد ۱۱ استان شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، گیلان، لرستان، مازندران و همدان دارای مازاد نماینده و ۱۸ استان شامل البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال و

بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مرکزی، هرمزگان و یزد دارای کمبود نماینده هستند. دو استان اردبیل و کرمانشاه نیز بدون مازاد یا کمبود، انحرافی از مقادیر بهینه ندارند؛ اما نتایج بهینه‌یابی براساس رویکرد دوم وزن‌دهی منعکس‌کننده این است که ۵۰ کرسی نمایندگی باید بازتوزیع شود تا همه استان‌ها در وضعیت بهینه قرار گیرند. مقایسه نتایج دو رویکرد وزن‌دهی در سناریو اول بیانگر این واقعیت است که در هر دو رویکرد، استان‌های دارای مازاد نماینده، استان‌های دارای کمبود نماینده و استان‌های فاقد مازاد و کمبود، یکسان و مشابه بوده و تنها تفاوت در تعداد مازاد یا کمبود نماینده و میزان بازتوزیع نمایندگان برای رسیدن به سطح بهینه است، به‌گونه‌ای که در رویکرد دوم وزن‌دهی به بازتوزیع تعداد کمتری از کرسی‌های نمایندگی نیاز است.

در ادامه براساس سناریو دوم، تعداد ۴۰ نماینده اضافی در نظر گرفته شده و برمبنای آن تعداد ۳۲۵ کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی برمبنای مدل SECA و دو رویکرد فوق در تعیین وزن معیارها، بین استان‌ها تخصیص می‌یابد. نتایج این بازتوزیع و تخصیص بهینه کرسی مجلس شورای اسلامی در جدول ۴ منعکس شده است.

جدول ۴. تخصیص بهینه ۳۲۵ کرسی نمایندگی مجلس براساس مدل SECA و دو

رویکرد وزن‌دهی

استان	تعداد نماینده کنونی	تعداد نماینده بهینه براساس رویکرد اول وزن‌دهی	مازاد / کمبود نماینده	تعداد نماینده بهینه براساس رویکرد دوم وزن‌دهی	مازاد / کمبود نماینده
آذربایجان شرقی	۱۹	۱۲	+۷	۱۳	+۶
آذربایجان غربی	۱۲	۱۱	+۱	۱۱	+۱
اردبیل	۷	۸	-۱	۸	-۱
اصفهان	۱۹	۱۶	+۳	۱۶	+۳
البرز	۳	۷	-۴	۹	-۶
ایلام	۳	۸	-۵	۷	-۴
بوشهر	۴	۸	-۴	۸	-۴
تهران	۳۵	۱۴	+۲۱	۲۲	+۱۳
چهارمحال و بختیاری	۴	۷	-۳	۷	-۳
خراسان جنوبی	۴	۱۲	-۸	۱۰	-۶
خراسان رضوی	۱۸	۱۷	+۱	۱۸	۰
خراسان شمالی	۴	۸	-۴	۷	-۳
خوزستان	۱۸	۱۵	+۳	۱۵	+۳
زنجان	۵	۸	-۳	۷	-۲
سمنان	۴	۱۰	-۶	۹	-۵
سیستان و بلوچستان	۸	۱۶	-۸	۱۴	-۶
فارس	۱۸	۱۷	+۱	۱۷	+۱
قزوین	۴	۷	-۳	۷	-۳
قم	۳	۶	-۳	۶	-۳
کردستان	۶	۸	-۲	۸	-۲
کرمان	۱۰	۱۷	-۷	۱۵	-۵

استان	تعداد نماینده کنونی	تعداد نماینده بهینه براساس رویکرد اول وزن دهی	مازاد / کمبود نماینده	تعداد نماینده بهینه براساس رویکرد دوم وزن دهی	مازاد / کمبود نماینده
کرمانشاه	۸	۹	+۱	۹	-۱
کهگیلویه و بویراحمد	۳	۷	-۴	۷	-۴
گلستان	۷	۹	-۲	۹	-۲
گیلان	۱۳	۱۰	+۳	۱۰	+۳
لرستان	۹	۸	+۱	۸	+۱
مازندران	۱۲	۱۲	۰	۱۲	۰
مرکزی	۷	۹	-۲	۹	-۲
هرمزگان	۵	۱۱	-۶	۱۰	-۵
همدان	۹	۸	+۱	۸	+۱
یزد	۴	۱۰	-۶	۹	-۵
مجموع	۲۸۵	۳۲۵	-۴۰	۳۲۵	-۴۰

مأخذ: همان.

نتایج ارائه شده در جدول ۴ بیانگر تخصیص بهینه ۳۲۵ کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی (سناریو دوم) و بر مبنای دو رویکرد وزن دهی به معیارهای جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و شاخص توسعه انسانی است؛ به عبارت دیگر این نتایج بیانگر سهم هر استان از ۴۰ نماینده اضافی است که طبق قانون اساسی باید به تعداد نمایندگان فعلی اضافه شود. علاوه بر این به منظور مقایسه این نتایج که بر مبنای مدل SECA حاصل شده است، مقادیر فعلی تعداد نمایندگان هر استان در مجلس نیز در جدول ارائه شده و مقادیر مازاد یا کمبود نماینده فعلی هر استان نسبت به نتایج بهینه در هر دو رویکرد وزن دهی مشخص شده است.

نتایج خروجی مدل SECA در سناریو دوم براساس رویکرد اول وزن دهی بیانگر این است که استان‌های خراسان رضوی، فارس و کرمان هریک با ۱۷ نماینده بیشترین



و استان قم با ۶ نماینده کمترین تعداد نماینده مجلس را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که مقایسه این مقادیر بهینه با تعداد فعلی نمایندگان نشان می‌دهد، ۱۱ استان شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، کرمانشاه، گیلان، لرستان و همدان دارای مازاد نماینده و ۱۹ استان شامل اردبیل، البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مرکزی، هرمزگان و یزد دارای کمبود نماینده هستند. استان مازندران نیز بدون مازاد یا کمبود، انحرافی از مقادیر بهینه ندارد. علاوه بر این نتایج مربوط به رویکرد اول وزن‌دهی نشان می‌دهد که برای رسیدن به تعداد بهینه نمایندگان هر استان باید استان‌های دارای مازاد مجموعاً ۴۳ کرسی از دست داده و به استان‌های دارای کمبود مجموعاً ۸۳ کرسی (شامل ۴۰ کرسی جدید طبق قانون و ۴۳ کرسی از استان‌های دارای مازاد) اختصاص یابد.

اما در رویکرد دوم وزن‌دهی بر مبنای سناریو دوم، استان تهران با ۲۲ نماینده بیشترین و استان قم با ۶ نماینده کمترین تعداد نماینده مجلس را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که مقایسه این مقادیر بهینه با تعداد فعلی نمایندگان نشان می‌دهد، ۹ استان شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خوزستان، فارس، گیلان، لرستان و همدان دارای مازاد نماینده و ۲۰ استان شامل اردبیل، البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مرکزی، هرمزگان و یزد دارای کمبود نماینده هستند. استان‌های خراسان رضوی و مازندران نیز بدون مازاد یا کمبود، انحرافی از مقادیر بهینه ندارند. علاوه بر این، نتایج مربوط به رویکرد دوم وزن‌دهی نشان می‌دهد که

برای رسیدن به تعداد بهینه نمایندگان هر استان باید استان‌های دارای مازاد مجموعاً ۳۱ کرسی از دست داده و به استان‌های دارای کمبود مجموعاً ۷۱ کرسی (شامل ۴۰ کرسی جدید طبق قانون و ۳۱ کرسی از استان‌های دارای مازاد) اختصاص یابد.

## ۵. تحلیل و بررسی

مقایسه نتایج کلی در دو سناریو و در هر دو رویکرد وزن‌دهی بیانگر این واقعیت است که استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خوزستان، فارس، گیلان، لرستان و همدان مازاد نماینده داشته و سایر استان‌ها عمدتاً با کمبود نماینده روبه‌رو هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت منشأ بی‌عدالتی در توزیع کرسی‌های مجلس، نمایندگان اضافی است که به استان‌های فوق تعلق گرفته است. در بین استان‌های کشور، ارزیابی جداگانه وضعیت استان تهران به‌عنوان استانی که بیشترین جمعیت و تعداد نماینده را در مجلس شورای اسلامی و پایتخت کشور دارد از اهمیت دوچندانی برخوردار است. استان تهران در حال حاضر ۳۵ نماینده در مجلس شورای اسلامی دارد، در صورتی که براساس مدل تخصیص بهینه ارائه شده در این پژوهش در سناریو اول بر مبنای رویکرد اول و دوم وزن‌دهی به ترتیب ۱۲ و ۲۰ نماینده و در سناریو دوم در صورت تخصیص ۴۰ نماینده اضافی بر مبنای رویکرد اول و دوم وزن‌دهی به ترتیب ۱۴ و ۲۲ نماینده به این استان تعلق می‌گیرد. علت این تفاوت زیاد به وضعیت و جایگاه استان تهران براساس معیارهای چهارگانه برمی‌گردد. این استان به لحاظ جمعیت رتبه اول، به لحاظ مساحت رتبه ۲۹، به لحاظ تعداد شهرستان رتبه ۱۰ و براساس شاخص توسعه انسانی نیز رتبه اول در بین استان‌های کشور را دارد؛ بنابراین از یکسو چون در رویکرد اول وزن‌دهی، معیار جمعیت (به‌عنوان عامل برتری استان تهران) وزن نسبی پایینی داشته و به لحاظ مساحت نیز این استان در

زمره استان‌های کم مساحت تلقی می‌شود لذا تعداد نماینده بهینه پایین‌تری برای استان تهران نسبت به رویکرد دوم وزن‌دهی تعیین شده است. ازسوی دیگر چون شاخص توسعه انسانی به‌عنوان معیار منفی در تخصیص نمایندگان مجلس در نظر گرفته شده، بنابراین به‌دلیل توسعه‌یافتگی بالای تهران، این شاخص نیز در کاهش تعداد نماینده بهینه برای این استان تأثیر داشته است.

نتایج پژوهش حاضر مانند مطالعه میراحمدی (۱۳۹۹) ضمن مشخص کردن تبعیض و بی‌عدالتی انتخاباتی در توزیع تعداد نمایندگان استان‌ها در مجلس شورای اسلامی به تعیین تعداد بهینه نمایندگان هر استان تحت شرایط و سناریوهای مختلف پرداخته تا ارزش رأی شهروندان ایرانی در استان‌های مختلف برابرتر شود؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش مذکور استفاده از الگوهای بهینه‌یابی ریاضی برای تخصیص بهینه کرسی‌های نمایندگی استان‌ها به‌جای شاخص‌های آمار توصیفی همچون میانگین و انحراف معیار است که از کارایی بالاتری برخوردار است. علاوه بر این الگوی ارائه شده در این پژوهش از انعطاف‌پذیری برخوردار بوده و می‌توان براساس آن معیارها و وزن‌های موردنظر کارشناسان و نمایندگان مجلس را در آن گنجانند و پاسخ‌های بهینه جدید را محاسبه کرد. علاوه بر این تکیه بر مدل پیشنهادی در این پژوهش به‌طور کلی موجب نظام‌مند شدن فرایند توزیع کرسی‌های مجلس، توزیع عادلانه کرسی‌ها بدون توجه به ملاحظات حزبی، سیاسی و فشار لابی‌ها و افزایش سطح رضایت‌مندی مردم از مجلس و مجموعه حاکمیت خواهد شد.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تخصیص بهینه تعداد نمایندگان استان‌های کشور در مجلس شورای اسلامی براساس معیارهای مطلوب در گسترش عدالت سیاسی و افزایش سرمایه اجتماعی نقش بسزایی دارد. بررسی وضعیت فعلی تعداد نمایندگان هر استان در مجلس بیانگر بی‌عدالتی و تبعیض در تخصیص کرسی‌ها بین استان‌ها و حوزه‌های انتخابیه است؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش ارائه الگویی برای تخصیص بهینه تعداد نمایندگان مجلس بین استان‌ها براساس معیارهایی مطلوب است. در این راستا از مدل SECA مبتنی بر چهار معیار جمعیت، مساحت، تعداد شهرستان و سطح توسعه‌یافتگی و براساس دو سناریو (تخصیص ۲۸۵ نماینده فعلی و تخصیص ۴۰ نماینده اضافی) و دو روش وزن‌دهی استفاده شد. داده‌های مربوط به این معیارها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از سالنامه آماری کل کشور، نتایج برخی مطالعات پژوهشی و گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمع‌آوری و از نرم‌افزار Lingo برای حل مدل مربوطه و دستیابی به جواب‌های بهینه بهره گرفته شد. یافته‌های این تحقیق پاسخ دقیق و مشخصی برای تعداد بهینه نمایندگان هر استان تحت سناریوها و رویکردهای مختلف وزن‌دهی به معیارها ارائه می‌دهد.

با توجه به اینکه همه الگوها محدودیت‌هایی دارند، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از مدل‌های دیگر نیز تعداد بهینه نمایندگان هر استان در مجلس مشخص و نتایج آن با نتایج ارائه شده در این پژوهش ترکیب تا عملکرد و پاسخ‌های کاراتری حاصل شود. علاوه بر این بعد از تعیین تعداد بهینه نمایندگان هر استان باید تعداد بهینه نماینده شهرستان‌ها و حوزه‌های انتخابیه هر استان نیز در قالب پژوهشی مستقل برآورد شود.

## منابع و مآخذ

۱. احمدی پور، زهرا، محمدرضا حافظنیا و خوجم‌لی عبدالوهاب (۱۳۹۰). «تحلیل حوزه‌های انتخاباتی استان گلستان بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، ش ۱.
۲. افقه، سیدمرتضی، عبدالمجید آهنگری و حسین عسکری پورلاهیجی (۱۳۹۹). «برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی»، اقتصاد مقداری، ۱۷(۲).
۳. پیشگاهی فرد، زهرا، سیدمحمد حسینی و سیدعلی حسینی (۱۳۹۴). «تحلیلی بر چگونگی پراکندگی کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، دوره ۴۷، ش ۱.
۴. حیدریان، مهدی (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی حوزه‌بندی انتخاباتی در ایران و ارائه الگوی بهینه؛ مورد: مجلس شورای اسلامی»، پایان‌نامه دکتری دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. خسروی، حسن (۱۳۷۸). حقوق انتخابات دمکراتیک، تهران، انتشارات مجد.
۶. محمدی، حسن (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، ش ۱.
۷. میراحمدی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۹). «بررسی نسبت جمعیت حوزه‌های انتخابیه به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس سرشماری ۱۳۹۵»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۷۲۷۴.
8. Balinski, M.L. and H.P. Young (2010). "Fair Representation: Meeting the Ideal of one Man, one Vote", Brookings Institution Press.
9. Carlsen Haggrot, M. (2022). "Geographic Legislative Constituencies: A Defence", *Political Theory*, 00905917221103298.
10. Dahl, R.A. and C.E. Lindblom (1958). *Politics, Economics, and Welfare*, New York, Harper and Bros.
11. Fragoso, R., C. Rego and V. Bushenkov (2016). "Clustering of Territorial Areas: A Multicriteria Districting Problem", *Journal of Quantitative Economics*, 14(2).
12. Grimmett, G., J.F. Laslier, F. Pukelsheim, V.R. Gonzalez, R. Rose, W. Słomczynski and K. Życzkowski (2011). "The Allocation between the EU Member States of the Seats in the European Parliament Cambridge Compromise", Departement D'economie, <http://www.economie.polytechnique.edu/>.

13. Grofman, B. (1985). "Criteria for Districting: A Social Science Perspective", *UCLA L. Rev*, 33 <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/uclalr33&div=12&id=>.
14. Hales, R.O. and S. García (2019). "Congress Seat Allocation Using Mathematical Optimization", *Top*, 27(3).
15. Kalcik, R. and G.B. Wolff (2017). "Is Brexit an Opportunity to Reform the European Parliament?", *Bruegel Policy Contribution*, Issue No. 2.
16. Keshavarz-Ghorabae, M., M. Amiri, E.K. Zavadskas, Z. Turskis and J. Antucheviciene (2018). "Simultaneous Evaluation of Criteria and Alternatives (SECA) for Multi-criteria Decision-making", *Informatica*, 29(2).
17. Kong, Y., Y. Zhu and Y. Wang (2019). "A Center-based Modeling Approach to Solve the Districting Problem", *International Journal of Geographical Information Science*, 33(2).
18. Liu, H., A. Erdogan, R. Lin and H.S.J. Tsao (2020). "Mathematical Models of Political Districting for More Representative Governments", *Computers and Industrial Engineering*, 140, 106265.
19. Morrill, R.L. (1981). *Political Redistricting and Geographic Theory. Resource Publications in Geography*, Association of American Geographers, 1710 Sixteenth Street, NW, Washington, DC 20009.
20. \_\_\_\_\_ (1987). "Redistricting, Region and Representation", *Political Geography Quarterly*, 6(3).
21. \_\_\_\_\_ (1991). "Making Redistricting Models More Flexible and Realistic", *The Operational Geographer*, 9(1).
22. Ricca, F., A. Scozzari and B. Simeone (2013). "Political Districting: from Classical Models to Recent Approaches", *Annals of Operations Research*, 204(1).
23. Serafini, P. (2012). "Allocation of the EU Parliament Seats Via Integer Linear Programming and Revised Quotas", *Mathematical Social Sciences*, 63(2).
24. Still, Jonathan W. (1981). "Political Equality and Election Systems", *Ethics*, 91(3).
25. Taylor, P.J. and G. Gudgin (1976). "The Myth of Non-Partisan Cartography: A Study of Electoral Biases in the English Boundary Commission's Redistribution for 1955-1970", *Urban Studies*, 13(1).
26. Williams Jr, J.C. (1995). "Political Redistricting: A Review", *Papers in Regional Science*, 74(1).

# تبیین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در جهت استقرار ساختار فدرالی ایران

فرهاد مهرگان،\* محمدرضا حاتمی\*\* و احمد شوهانی\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۳۹-۷۴
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

پژوهش حاضر با رویکردی آینده‌پژوهی، به‌منظور شناسایی مؤلفه‌های نظام اداری مدرن و نقش آن در استقرار ساختار فدرالی ایران انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف، بنیادی؛ از نظر ماهیت و روش، توصیفی (پیمایشی) و از نظر روابط بین متغیرها از مطالعات همبستگی است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه محقق ساخته است که با طیف پنج ارزشی طراحی شده و روایی و پایایی آنها با نظر تخصصی خبرگان و آزمون‌های مختلف اندازه‌گیری شد. جامعه آماری تحقیق را محققان و پژوهشگرانی شامل می‌شود که طی ۱۰ سال گذشته درباره متغیرهای فوق مطالعه و نتایج را در فصلنامه‌های معتبر منتشر کرده‌اند. تعداد نمونه آماری براساس فرمول کوکران ۷۳ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های همبستگی، تحلیل مسیر و رگرسیون استفاده شد که به‌ترتیب برای اندازه‌گیری چگونگی رابطه، مقدار اثرگذاری و میزان پیش‌بینی تغییرات متغیرها کاربرد داشتند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد: نخست، مؤلفه‌های بوروکراسی کارآمد، دولت الکترونیک، حاکمیت قانون، پاسخگویی عمومی و مسئولیت اجتماعی قابلیت تبیین نظام اداری مدرن را دارند. همچنین با مؤلفه‌های حاکمیت ملی، حکومت‌های محلی، تفکیک قوا، فعالیت آزادانه احزاب و تمرکززدایی فعالیت‌ها می‌توان ساختار فدرالی را به‌نحوی مطلوب تبیین کرد. دوم، مطابق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی رابطه‌ای مستقیم، مثبت و قابل قبولی وجود دارد. سوم، براساس نتایج آزمون رگرسیون، سهم نسبی هریک از مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در پیش‌بینی تغییرات ساختار فدرالی مشخص شد. به‌طوری‌که بوروکراسی کارآمد بیشترین و مسئولیت اجتماعی کمترین مقدار اثرگذاری را دارند. بر مبنای نتایج به‌دست آمده می‌توان استدلال کرد یک عامل کلیدی و مطمئن برای استقرار نظام فدرال در ایران، به‌کارگیری نظام اداری مدرن براساس مؤلفه‌های مذکور است.

**کلیدواژه‌ها: نظام اداری مدرن؛ ساختار فدرالی؛ ایران**

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Email: mehrgan.farhad@gmail.com

\*\* استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: m.hatami@pnu.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Email: ahmadshohani51@pnu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2023.5376.5134

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های هر دولتی، مدیریت فضای اداری و سیاسی کشور است و این مسئولیت زمانی که جامعه تنوع قومی، زبانی، جغرافیایی و اقتصادی دارد، دولت را با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند. چنین تنوع و گوناگونی در حوزه‌های مختلف می‌تواند بالقوه زمینه‌ساز بروز انواع تعارض‌ها و اختلاف‌های اجتماعی (به اصطلاح شکاف‌های اجتماعی) باشد. شکاف‌های اجتماعی بیانگر خطوط تمایز و تعارضی هستند که بر سر ارزش‌ها، منافع و جهت‌گیری‌های گروه‌های مخالف در جامعه ایجاد می‌شود. در عمل، شکاف‌های اجتماعی به‌منزله پدیده‌های سیاسی هستند که از قابلیت تأثیرگذاری بالایی بر رفتارها و کنش‌های سیاسی شهروندان در جامعه دارند. به عبارت دیگر، شکاف‌های اجتماعی به‌مثابه مرزبندی‌های درونی جوامع انسانی هستند که مفهوم «ما» را از «دیگران» جدا می‌سازند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۱). بر این مبنا، جوامع برخوردار از تنوع بالای اجتماعی، به‌منظور اداره بهتر جامعه، نیازمند راه‌حلی مناسب و مطمئن هستند تا اولاً، میزان تنش‌ها و اختلاف‌های موجود را کاهش دهند و ثانیاً، سطح بالایی از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هر گروه از جامعه را به کار گیرند. ماکس وبر<sup>۱</sup> (به نقل از موزلیس<sup>۲</sup>، ۱۳۹۵: ۱۷) معتقد است در هر رژیم سیاسی وجود یک نظام اداری مدرن لازم و اجتناب‌ناپذیر است و هر نظام اداری عقلایی، مظهر و نمادی از دولت توسعه‌یافته است (وبر، ۱۳۹۷: ۹۶). در این بین دولت‌ها با یک نظام اداری توسعه‌یافته می‌توانند نقش مهم و سازنده‌ای در نیل به اهداف جامعه ایفا کنند. این بدان معناست که هر نظام سیاسی به‌ناچار باید یک نظام اداری توانمند را در کنار خود داشته باشد تا سیاستگذاران بتوانند در تدوین

1. Max Weber

2. Mouzelis



سیاست‌ها و برنامه‌هایشان از دانش و اطلاعات فنی متخصصان اداری استفاده کنند. در بین ساختارهای حکومتی، نظام فدرال به‌عنوان یکی از ساختارهای اداری - سیاسی از کارآمدی چشمگیری برخوردار است. در این ساختار حکومتی، قدرت بین حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی تقسیم شده و هریک از قدرت و اختیار مستقلی برای اعمال برخوردارند. بدین ترتیب، نه حکومت مرکزی، موجودیت قانونی خود را از حکومت‌های محلی کسب می‌کند و نه می‌تواند نظر خود را به آنها دیکته کند. سیستم حکومتی فدرال، نمونه بارزی از سیستم‌های حکومتی غیرمتمرکز یا مرکب است که در آن، تمرکز سیاسی به‌معنای واقعی وجود ندارد (شکیبا مقدم، ۱۳۹۶: ۳۲؛ نوروزیفر، ۱۳۹۷: ۱۲۴). نظام‌های فدرال، مسائل و مشکلات ناشی از حکومت‌های بزرگ را به‌نحو مطلوبی حل کرده و تا حد زیادی مسائل مربوط به تنوع زبانی، مذهبی و فرهنگی را تعدیل کرده‌اند. به‌کارگیری ساختار فدرالی از یک‌طرف، ابزارهایی را برای کنترل بر قدرت حکومت مرکزی مهیا می‌کند و از طرف دیگر، اقدام و عمل سیاسی را در بین شهروندان تسهیل می‌کند. در ساختارهای فدرالی، تقسیم سیستم به واحدهای کوچک‌تر و مستقل می‌تواند کارایی را در حوزه‌های مختلف بالا برد و به صرفه‌جویی بیشتری نسبت به مقیاس، برای تنوع خدمات منجر شود (Anderson, 2018: 25).

براساس مطالب فوق می‌توان استدلال کرد دولت کامل‌ترین نهاد سیاسی است که نظام اداری برخاسته از آن به‌عنوان نمایی از ساختار کلی جامعه، ارتباط نزدیکی با سایر بخش‌های حاکمیتی دارد و مسلماً هر جامعه‌ای که خواهان توسعه است، باید تأکید ویژه‌ای بر توسعه نظام اداری داشته باشد. بنابراین با توجه به پیچیدگی جوامع امروزی دولت‌ها به‌ناچار برای حل مشکلات جامعه نیازمند یک نظام اداری کارآمد و اثربخش هستند. از آنجاکه اجرای قوانین نسبت به تدوین آن مشکل‌تر است، حوزه اجرا (اداره) اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر حوزه‌های حاکمیتی دارد. ایران به‌عنوان یک

کشور در حال توسعه، هیچ‌گاه در پیشینه اداری و سیاسی خود از مزایای داشتن نظام اداری توسعه‌یافته برخوردار نبود و تاکنون شیوه مدیریتی تحت عنوان نظام فدرالی را تجربه نکرده است. البته باید تأکید کرد مسئولان ایرانی همواره در تلاش‌اند تا از طریق سیاستگذاری در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه مدیریت کلان کشور، زیرساخت اداری را در جهت دستیابی به اهداف توسعه‌محور تقویت کنند. ناگفته نماند ایران به دلیل برخورداری از یک ساختار اداری و سیاسی متمرکز و وجود شکاف‌های اجتماعی، در حوزه داخلی و بین‌المللی با چالش‌های متعددی مواجه است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد به‌کارگیری یک نظام اداری کارآمد و استقرار یک ساختار غیرمتمرکز تحت عنوان نظام فدرال در ایران که ظرفیت‌های لازم برای نیل به توسعه فراگیر را دارد، اهمیت ویژه‌ای داشته باشد؛ زیرا از طریق آنها می‌تواند هم انتظارات و خواسته‌های شهروندان را مدیریت کند و هم بخشی از فرایند اداری و سیاسی را به خود شهروندان و نمایندگان آنها واگذار کند. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی تبیین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در استقرار ساختار فدرالی انجام می‌شود تا اولاً، عوامل مهم برای ایجاد نظام اداری مدرن شناسایی و ثانیاً، میزان اثرگذاری نظام اداری مدرن در استقرار ساختار فدرالی مشخص شود. سؤال‌هایی که در این راستا می‌توان مطرح کرد عبارتند از: الف) سازوکارهای لازم برای ایجاد نظام اداری مدرن کدام‌ها هستند؟ ب) آیا نظام اداری مدرن می‌تواند در استقرار و تقویت ساختار فدرالی در ایران نقش پیش‌برنده داشته باشد یا به‌عنوان عاملی بازدارنده عمل می‌کند؟

## ۱. مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری و تحقیقات انجام شده در این خصوص برای تبیین بهتر متغیرهای تحقیق بسیار مؤثر است.

## ۱-۱. نظام اداری مدرن

یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای، نظام اداری آن است که تأثیر کلیدی در تحقق اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. به طوری که هرچقدر نظام اداری از کارآمدی و توانمندی بیشتری برخوردار باشد، به همان اندازه در رسیدن به اهدافشان موفق‌تر هستند. با توجه به اینکه توسعه، فرایندی چندبعدی و زمان‌بر است، تحقق آن نیازمند بسیج تمامی منابع (مالی و انسانی) و وجود بستر اجتماعی آرام و باثبات است و ایجاد چنین شرایطی تنها از عهده دولت برمی‌آید (واینر<sup>۱</sup> و هانتینگتون<sup>۲</sup>، ۱۳۹۶: ۵). ویلسون<sup>۳</sup> معتقد است اداره نمایان‌ترین بخش حکومت است که در عرصه عمل بر حوزه‌های اجرایی وظایف دولت تمرکز دارد و مهم‌ترین اصول آن اختیار، مسئولیت و پاسخگویی است که تضمین‌کننده یک نظام دموکراتیک است. از این منظر نظام اداری نه تنها مانع یا تهدیدی برای ساختار سیاسی نیست، بلکه به‌منزله حافظ منافع عمومی می‌باشد (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۳۹-۳۸). به باور دیوب<sup>۴</sup>، هدف از اداره مدرن نیل به توسعه، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، از بین بردن فقر و بیکاری، بهبود کیفیت زندگی و رفاه و عدالت در بین شهروندان است و تحقق آن مستلزم تدوین سیاست‌های عمومی متناسب با تغییرات ساختاری و ارزشی است (دیوب، ۱۳۹۶: ۴۷). از نظر وبر (۲۰۱۹: ۷۷) مؤثرترین سازمان‌ها در جوامع توسعه‌یافته، سازمان‌های بوروکراتیک و عقلایی هستند، زیرا وجود چنین سازمان‌هایی برای حل مشکلات و هدایت جامعه، حمایت از منافع شهروندان، تولید کالا و خدمات امری اجتناب‌ناپذیر است. به عقیده او، یکی

---

1. Weiner  
2. Huntington  
3. Wilson  
4. Diob

از ویژگی‌های مهم جوامع معاصر، سلطه فرایندهای قانونی و عقلایی است که از طریق شکل‌گیری و توسعه نظام اداری به‌عنوان ابزار کلیدی دولت‌های مدرن به‌کار گرفته می‌شود. به‌بیان‌دیگر، نظام اداری می‌تواند ضمن افزایش قابلیت‌های عملیاتی خود و تأمین نیازهای گروه‌های مختلف، توانایی نظام سیاسی را برای جذب انواع تقاضاها ارتقا دهد. از این‌رو دولت‌های بهره‌مند از نهادهای اداری کارآمد ظرفیت‌های لازم را برای حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند (فولادوند، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

در یک تعریف کلی، نظام اداری مدرن عبارت است از: مجموعه‌ای از سازوکارهای سازمانی و اقدام‌های دولت در راستای بالا بردن رفاه اجتماعی و توانمند کردن افراد و گروه‌های جامعه (Souza, 2017: 29). بیسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۶: ۲) معتقد است توانایی این‌گونه دولت‌ها در ایجاد یک نظام اداری مدرن از اصلی‌ترین ویژگی‌های این نوع دولت‌هاست. به باور دانایی‌فرد (۱۳۹۸: ۱۳۷) نظام سیاسی بدون نظام اداره عقیم است، زیرا تداوم حیات هر نظام سیاسی، در گرو نظام اداری آن است. عده‌ای از محققان باور دارند توسعه اداری پیش‌نیاز توسعه سیاسی است و تأکید می‌کنند در یک نظام توسعه‌یافته، فعالیت‌های سیاسی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سازمان‌های کارا تر، منابع بیشتر و مهارت‌ها و تکنیک‌های ویژه دارند (قوام، ۱۳۹۵: ۹۲). از آنجاکه عملکرد اداره اساساً سیاسی است و در بستر سیاست شکل می‌گیرد، می‌توان گفت دغدغه اندیشمندان مدیریت دولتی مانند نظریه‌پردازان سیاسی، رسیدن به جامعه‌ای مطلوب است، زیرا نظام اداری، ابزار کار دولت برای اداره امور عمومی است و دولت‌ها به‌عنوان نماینده شهروندان، برای مقابله با بحران‌ها نیازمند یک نظام اداری کارآمد هستند تا ضمن ارائه خدمات مناسب، کنترل و نظارت بیشتری بر فرایندهای سیاسی، اجتماعی و ... در بخش‌های مختلف جامعه اعمال کنند. بیشتر مطالعات انجام شده

1. Beeson

در خصوص نظام اداری، نشان می‌دهد یک نظام اداری توسعه یافته از مؤلفه‌هایی چون بوروکراسی کارآمد، دولت الکترونیک، حاکمیت قانون، پاسخگویی عمومی و مسئولیت اجتماعی تشکیل شده و اکثر محققان و صاحب نظران بر این موضوعها اتفاق نظر دارند (واعظی، ۱۳۹۹؛ زرقانی و احمدی، ۱۳۹۸؛ دانایی فرد، ۱۳۹۸؛ طهماسبی، ۱۳۹۵؛ Weber, 2019) لازم است برای تبیین بهتر، هریک از مؤلفه‌های فوق، تعریف شوند:

**الف) بوروکراسی کارآمد:** به نظامی از حکومت اطلاق می‌شود که برای اختیار یا قدرت ادارات دولتی و شاخه‌های آنها در هماهنگ کردن و ایفای دقیق وظایف اداری منفرد، متنوع و پیچیده به وجود می‌آید (Laski, 2019: 70). ویژگی‌هایی چون سلسله‌مراتب اختیار، نظام قوانین و مقررات، تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری لازمه یک بوروکراسی کارآمد است.

**ب) دولت الکترونیک:** نوعی حکومت‌داری است که با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از کارکردها و خدمات دولت پشتیبانی شده و از شهروندان برای مشارکت در فرایندهای سیاسی حمایت می‌شود (عاملی، ۱۳۹۶: ۴۴).

**ج) حاکمیت قانون:** عبارت است از: ارجحیت قانون در یک جامعه که از یک سو نظم را در بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی برپایه قانون ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، از حکم راندن و قدرت‌طلبی دولت و دولتمردان جلوگیری کرده و آن را محدود می‌کند (مرکز مالگیری، ۱۳۹۸: ۲۱).

**د) پاسخگویی عمومی:** فرایندی است که براساس آن مدیران و کارکنان دولتی ضمن داشتن اختیارات، نسبت به نتایج تصمیمات و عملکردشان به شهروندان جوابگو هستند (Jensen, 2020: 273) انواع مختلف پاسخگویی عمومی عبارتند از: مدیریتی، سیاسی، مالی، حرفه‌ای و قانونی (Hall and Ferris, 2014: 135).

**ه) مسئولیت اجتماعی:** تعهد و تمایل سازمان‌های دولتی به پاسخگویی درباره

پیامدهای فعالیت و تصمیماتشان بر جامعه، شهروندان و محیط از مسئولیت‌های اجتماعی است که جنبه‌های اقتصادی، اخلاقی، قانونی و داوطلبانه دارد (زرنندی، معدنی و سروری، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۵).

## ۲-۱. فدرالیسم و ساختار فدرالی

فدرالیسم، برگرفته از ریشه فئودوس<sup>۱</sup> و به معنای عهد، پیمان و قول است. در یک تعریف کلی، فدرالیسم نوعی ترتیبات نهادی است که در آن قدرت عمومی بین حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی تقسیم شده و هریک از این حکومت‌ها در برخی موضوع‌ها صلاحیت اتخاذ تصمیمات نهایی را دارند (Loomis, de Oliveira and Dziedzic, 2021: 78). در فرهنگ روبر، واژه فدرال به معنای اتحاد و متحد شدن معنی شده است و فدرالیسم، چارچوبی از سازمان‌دهی و همبستگی دولتی است که مطابق آن مجموعه نظام سیاسی از یک واحد سیاسی کل (دولت فدرال یا مرکزی) و واحدهای سیاسی جزء (ایالت‌ها) را دربرمی‌گیرد. هرچند این دو واحد (فدرال و ایالت‌ها)، از نهادها و سازمان‌های دولتی مانند حکومت و دستگاه اداری دولتی، پارلمان و قوه قضائیه برخوردارند، اما همه آنها با هم نظام سیاسی واحدی را تشکیل می‌دهند (Burgess, 2016: 27). به بیان دیگر، در نظام‌های فدرال دو سطح اصلی حکومت ملی (مرکزی) و ایالتی (استانی) وجود دارد، اما در برخی موارد یک نظام فدرال با به رسمیت شناختن قدرت حکومت محلی از طریق قانون اساسی یک ساختار سه‌لایه یا بیشتر توزیع قدرت ایجاد می‌کند (صباغیان، ۱۴۰۰: ۱۴۲۰). فدرالیسم خود به دو نوع تقسیم می‌شود: فدرالیسم ملحق‌کننده و جداکننده که نوع دوم بیشتر در کشورهایی با نظام سیاسی متمرکز به وجود می‌آید (خوبروی پاک، ۱۳۹۸: ۱۴).

فدرالیسم را نمی‌توان یک ایدئولوژی مستقل دانست، بلکه شکلی از همبستگی و اتحاد سیاسی است که نمادی از توسعه‌یافتگی جوامع به‌شمار می‌آید (Awa, 2016: 138)؛ لیپست، (۱۳۹۴: ۹۸۷). بر این مبنا، نظام فدرال یک روش حکومتی براساس توزیع و اجرای سرزمینی قدرت سیاسی در یک کشور است و چون براساس تفاوت‌های منطقه‌ای بنا شده، گرایش‌ها و ویژگی‌های اجزای حکومت را به‌رسمیت می‌شناسد (راستی، میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در نظام‌های فدرال، حکومت مرکزی در مورد مسائل و منافع عمومی نظیر ارتش، امنیت، اقتصاد و مسائل مالی، نشان‌های ملی و سیاست‌های خارجی تصمیم‌گیری می‌کند، در حالی که حکومت‌های ایالتی از شخصیت حقوقی و تعریف شده‌ای برخوردارند و حق وضع قوانین و سیاست‌های لازم و سازگار با هویت فرهنگ و آداب و رسوم مربوط به خود را دارند (عالم، ۱۳۹۹: ۱۸۰). در بیشتر ساختارهای فدرالی همکاری بین حکومت مرکزی و ایالت‌ها حول سه موضوع تبیین شده است که ترسیم مرزهای مشخص بین فعالیت‌های حکومتی، ایالتی و فدرال؛ تأسیس حکومت‌های محلی توانمند و حفاظت از هویت آنها و منسجم کردن مفهوم دولت - ملت از منظر سیاسی (Burgess and Gagnon, 2014: 85). را شامل می‌شود. به‌طور کلی، نظام‌های فدرال بر چهار اصل استوارند: اصل تفکیک صلاحیت (تقسیم حاکمیت)، اصل خودمختاری، اصل مشارکت هریک از واحدهای محلی در دولت مرکزی، اصل قوه قضائیه مستقل و دیوان قانون اساسی (Dinan and Heckelman, 2020: 238).

به‌نظر کینگ<sup>۱</sup> ساختارهای فدرال در چهار ویژگی اصلی قابل تبیین هستند: الف) نمایندگی در آن عموماً منطقه‌ای است. ب) نمایندگی منطقه‌ای، حداقل در دو سطح فروملی (محلی و منطقه‌ای) تنظیم شده است. ج) واحدهای منطقه‌ای براساس نظام انتخاباتی در فرایند تصمیم‌گیری‌های ملی وارد می‌شوند. د) ورود و دخالت مناطق در فرایند تصمیم‌گیری‌های مرکز را تنها می‌توان با سازوکارهای قانون اساسی تغییر داد. کینگ بیان می‌کند فدراسیون

شکلی از تقسیم‌بندی دولت است که با انواع خاصی از لیبرال - دموکراسی سازگاری دارند و کشورهایی که در چارچوب قانون اساسی اداره می‌شوند و به دموکراسی پایبند هستند را می‌توان فدراسیون‌های واقعی نامید (King, 2018: 101).

بیشتر مطالعات انجام شده در خصوص فدرالیسم و نظام‌های فدرالی بر مؤلفه‌هایی مانند حاکمیت ملی، حکومت محلی، تفکیک قوا، فعالیت آزادانه احزاب و تمرکززدایی از فعالیت‌ها تأکید کرده‌اند (قبادی، ۱۳۹۱؛ Loomis et al., 2021؛ Zhao et al., 2021؛ Dobrynin, 2020؛ Ansolabehere and Puy, 2020؛ Dinan and Heckelman, 2020: 238). از این رو برای تبیین بهتر، هریک از مؤلفه‌های فوق تعریف می‌شوند:

**حاکمیت ملی:** فرایند اعمال تمام صلاحیت‌ها و اختیاراتی که کشور در چارچوب سرزمین خود انجام می‌دهد. این صلاحیت و اختیارات بر دو نوع است: بعضی مربوط به خود سرزمین و بعضی دیگر به اشخاص موجود در آن مربوط می‌شود (مویر<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

**حکومت محلی:** موجودیتی سازمان‌یافته است که مشخصه‌های حکومتی دارد و از استقلال اداری و مالی (و نه سیاسی) قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و هدف از ایجاد آن ارائه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثری کارایی و اثربخشی است (مقیمی، ۱۳۹۵: ۴۱).

تفکیک قوا: یعنی واگذاری قوای اصلی حکومت (مقننه، مجریه و قضائیه) به نهادهای مختلف است و هدف از آن عنوان یکی از ارکان دموکراسی، جلوگیری از ظهور استبداد و خودکامگی و تمرکز و انحصار قدرت یا به عبارتی تضمین آزادی است (بشیریه، ۱۳۹۷: ۳۴۶).

**فعالیت آزادانه احزاب:** فرایندی است که احزاب بر مبنای قانون در فعالیت‌های سیاسی برای مهار کردن اختلاف‌ها و منازعات و اثرگذاری بر تصمیمات کلان مشارکت دارند (اسمیت<sup>۲</sup>، ۱۳۹۴: ۸۵).

---

1. Moyer  
2. Smite



**تمرکززدایی از فعالیت‌ها:** فرایند واگذاری اختیار به سطوح پایین و در سطح دولت به معنای تفویض قدرت در مسائل سیاسی و اداری به واحدها و تشکیلات محلی (نورزیر، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص متغیرهای این تحقیق، مطالعات گوناگونی با رویکردهای مختلف پژوهشگران (داخلی و خارجی) انجام داده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: واعظی (۱۳۹۹) معتقد است اداره با محور قرار دادن عنصر هدف نفع عمومی که هم‌زمان خدمت و نظم عمومی را دربرمی‌گیرد، می‌تواند توجیه‌گر امتیازات و تعهدات ویژه اداره نسبت به سایر اشخاص و نهادها باشد. زرکانی و احمدی (۱۳۹۸) بیان می‌کنند حاکمیت قانون مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف در تحقق حکمرانی خوب است و با تأکید بر اصل تمرکززدایی کامل، دولت ملی قادر است بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی را به شهروندان در قالب دولت‌های محلی واگذار کند و زمینه‌های تعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقویت کند. کوزه‌گر و رضایی (۱۳۹۸) بر این باورند که تمرکززدایی اگر به‌درستی طراحی شود می‌تواند دمکراسی را بدون تضعیف قدرت دولت افزایش دهد. همچنین تمرکززدایی با استفاده از فناوری‌های نوین سطوح بالاتری از مشارکت و مشروعیت را گسترش می‌دهد که این امر موجب کاهش هزینه‌های برقراری و حفظ نظم، افزایش پاسخگویی عمومی، کاهش نیاز به کارگیری قدرت از سوی دولت می‌شود که در نهایت همه موارد از پیش‌رانه‌های توسعه محسوب می‌شوند. عابدی اردکانی و سلطانی (۱۳۹۷) اظهار می‌دارند تحول‌گرایی در نظام اداری کشور موجب افزایش ظرفیت نظام سیاسی برای پاسخگویی در برابر این ثبات و مشارکت سیاسی و متقابلاً گسترش نهادهای سیاسی

و تقویت توان پاسخگویی نظام سیاسی و برابری و ثبات و مشارکت سیاسی در آن موجب چابکی و کارآمدی نظام اداری - سیاسی خواهد شد. قبادی (۱۳۹۱) معتقد است تمرکززدایی به معنای انتقال مسئولیت از دولت مرکزی به دولت‌های محلی برمبنای قانون است. در واقع برای اینکه مقامات محلی به‌توانند عملکرد موفق‌تری داشته باشند به استقلال مالی و اداری نیاز دارند. ژائو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) ادعا می‌کنند هم تمرکززدایی و هم رقابت بین دولت‌های محلی به‌طور مؤثری مسئولیت اجتماعی هر منطقه را ارتقا می‌دهند. همچنین زیرساخت‌های اداری دولت‌های محلی موجب تقویت همکاری‌ها در سطوح مختلف می‌شود. دوبرینین<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) تأکید می‌کند نظام فدرالی (روسیه) در حل مسائل ملی و توسعه‌ای در کوتاه‌مدت نتایج مثبتی به‌بار آورده بود، ولی بعدها موجب ظهور ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی شد. به‌نظر وی تنها از طریق مدرن‌سازی اداره می‌توان مدل مطلوب فدراتیو ایجاد کرد. آنسولابیه‌ر و پوی<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) بیان می‌کنند تحت حاکمیت یک دولت فدرال و قانون اساسی مشترک می‌توان بسیاری از فرهنگ‌های محلی و اقتصادهای ناهمگون را به‌هم پیوند داد و از طریق نظام اداری کارآمد زمینه‌های توسعه اقتصادی را در هر منطقه فراهم کرد. به‌علاوه با تکیه بر حاکمیت قانون و پاسخگویی در برابر عملکرد دولت می‌توان خطر انشعاب سیاسی، منطقه‌ای، تضاد مدنی و انحلال احتمالی را حذف کرد.

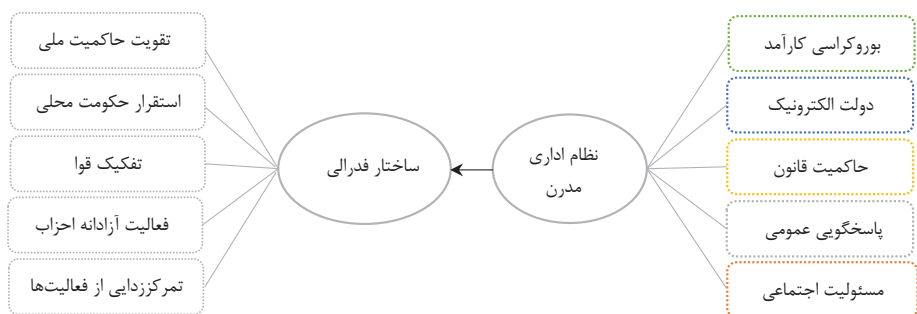
با در نظر گرفتن مبانی نظری تحقیق و پژوهش‌های قبلی، مدل ذیل به‌عنوان مدل مفهومی ارائه شده که در آن نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی به‌ترتیب متغیرهای مستقل و وابسته هستند و هر متغیر با پنج مؤلفه تبیین می‌شوند.

1. Zhao

2. Dobrynin

3. Ansolabehere and Puy

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۳. روش پژوهش

از آنجاکه به لحاظ تاریخی هیچ‌گاه در ایران نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی وجود نداشته، ارائه دیدگاه‌های نظری در خصوص این دو متغیر با واگرایی و همگرایی همراه بوده است. در این مطالعه ضمن بررسی دیدگاه‌های نظری و نتایج عملی محققان، هدف شناسایی و ارائه مؤلفه‌های اصلی متغیرهای فوق برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است تا بتوان تقریبی قابل اطمینان از روندها و واقعیت‌های آینده به دست آورد. در این راستا، مطلوب‌ترین روش برای انجام مطالعه حاضر، آینده‌پژوهی با رویکردی اکتشافی بر مبنای داده‌های کمی است. رویکرد اکتشافی، چارچوبی سنتی برای پیش‌بینی بوده و نتایج حاصل از آن، قابلیت شناخت بهتر تغییرات در آینده و برنامه‌ریزی مناسب برای شرایط مختلف را دارد. با اتکا به این رویکرد می‌توان تصویر واقعی‌تری از آینده طراحی و تصمیمات و سیاست‌های دقیق‌تری اتخاذ کرد. در تعریفی ساده، آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> عبارت است از: مطالعه و ارائه الگوی ذهنی از روابط بین متغیرها که جهت‌گیری مشخصی نسبت به آینده را نشان می‌دهد.

همچنان که گفته شد، براساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مدل مفهومی ارائه شده اما به منظور اعتبارسنجی روابط بین متغیرها و مؤلفه‌های مربوط به آنها باید از مدل‌یابی به روش معادلات ساختاری استفاده شود. بدیهی است معادلات ساختاری روشی مطمئن برای تأیید یا رد مدل مفهومی از طریق داده‌های کمی و آزمون‌های آماری است. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، توصیفی (پیمایشی)، و از نظر روابط بین متغیرها از تحقیقات همبستگی است. افراد مشارکت‌کننده این تحقیق شامل دو گروه می‌شود: گروه اول، خبرگان (اساتید هیئت علمی) که در دو رشته مدیریت دولتی و علوم سیاسی مشغول به تدریس هستند. این افراد به دلیل داشتن دانش علمی و تخصصی‌شان، صرفاً برای سنجش روایی<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> پرسشنامه‌ها در تحقیق حضور داشتند. نحوه انتخاب ایشان به شیوه گلوله برفی و تعداد مورد نیاز با توجه به شرط کفایت داده‌ها، ۲۵ نفر است. گروه دوم، محققان و پژوهشگرانی هستند که در ۱۰ سال گذشته (۱۴۰۰-۱۳۹۰) در خصوص متغیرهای نظام اداری مدرن و نظام فدرالی به شیوه علمی مطالعه کرده و نتایج تحقیقات‌شان در فصلنامه‌های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چاپ شده است. این افراد برای پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه‌ها، طی فرایند گردآوری داده‌ها مشارکت کردند. تعداد این پژوهشگران ۸۹ نفر بود که مطابق برآورد فرمول کوکران<sup>۳</sup>، ۷۳ نفر به‌عنوان نمونه آماری و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد ساختار اجتماعی، اداری و سیاسی ایران، لازم بود از ابزاری مناسب برای گردآوری داده‌ها استفاده شود تا شرایط موجود به نحو مطلوب تبیین گردد. بر این مبنای، دو پرسشنامه مجزا جهت اندازه‌گیری متغیرهای

---

1. Validity  
 2. Reliability  
 3. Cochran Formula

نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی تهیه و تنظیم شد. این پرسشنامه‌ها بعد از مرور ادبیات تحقیق و انجام مطالعات اکتشافی تهیه شد تا مؤلفه‌ها و گویه‌هایی انتخاب شوند که مطلوب‌ترین تبیین را برای هر متغیر ارائه می‌کنند. گفتنی است هریک از پرسشنامه‌ها با طیف پنج ارزشی لیکرت تنظیم و از طریق گوگل فرم به ایمیل پژوهشگران ارسال شد. از آنجا که پرسشنامه‌ها محقق ساخته بودند باید نسبت به روایی و پایایی آنها اطمینان حاصل شود. جهت سنجش روایی پرسشنامه‌ها، روایی محتوا<sup>۱</sup> (نسبت روایی<sup>۲</sup> و شاخص روایی<sup>۳</sup>)، روایی صوری<sup>۴</sup> و روایی سازه<sup>۵</sup> و برای سنجش پایایی، میزان آلفا کرونباخ<sup>۶</sup> آنها اندازه‌گیری شد. در نسبت روایی، مقدار عددی گویه‌ها (۰/۳۷) و در شاخص روایی، مقادیر عددی هریک از گویه‌ها بیشتر از (۰/۷۹) به‌دست آمد که این مقادیر نشان می‌دهد نسبت روایی و شاخص روایی برای همه گویه‌ها مورد تأیید است.<sup>۷</sup> همچنین به‌منظور سنجش روایی صوری، آزمون نمره تأثیر آیتم هر گویه بررسی شد که براساس آن همه گویه‌ها مقدار عددی بالاتر از ۱/۵ (حد قابل قبول) کسب کردند. برای سنجش روایی سازه، آزمون تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۸</sup> انجام شد که در آن شاخص کفایت نمونه‌گیری<sup>۹</sup> بیشتر از (۰/۶) بود و مقدار کای دو [آزمون بارتلت]<sup>۱۰</sup> برای متغیرهای نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی به‌ترتیب

- 
1. Content Validity
  2. Content Validity Ratio (CVR)
  3. Content Validity Index (CVI)
  4. Item Impact Score (IIS)
  5. Structural Validity
  6. Cronbach's Coefficient Alpha

۷. اگر شاخص روایی محتوا در گویه‌ای بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ باشد، باید اصلاح شود و اگر هریک از گویه‌ها کمتر از ۰/۷۰ باشد باید آن گویه حذف شود.

8. Exploratory Factor Analysis (EFA)
9. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)
10. Bartlett's Test

مقادیر (۰/۸۱۲) و (۰/۸۰۱) به دست آمد. نتایج آزمون آلفای کرونباخ، نظام اداری مدرن (۰/۸۵۵) و نظام فدرالی (۰/۸۷۴) به دست آمد که نشان می‌دهد گویه‌های پرسشنامه‌ها از پایایی (همسانی درونی) مطلوبی برخوردارند. جدول ۱ خلاصه نتایج مربوط به روایی و پایایی مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های استخراج شده برای هر متغیر

متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	CVR	CVI	IIS	EFA	پایایی
نظام اداری مدرن	به‌کارگیری بوروکراسی کارآمد	تصمیمات باید توسط مدیران و مسئولان سطوح بالا کنترل و بازنگری شوند.	۰/۴۴	۰/۸۴	۳/۹۶	۰/۷۸	۰/۸۳۵
		وظایف باید مطابق قوانین و بدور از ارزش‌های شخصی انجام شود.	۰/۶۰	۰/۸۷	۳/۹۲	۰/۸۳	
		کارکنان سازمان‌ها باید از تخصص و مهارت‌های لازم برخوردار باشند.	۰/۷۶	۰/۸۹	۴/۱۶	۰/۸۱	
		استخدام و به‌کارگیری افراد باید متناسب با توانایی‌ها و مهارت‌های فردی باشد.	۰/۶۸	۰/۷۸	۴/۲۶	۰/۸۴	
نظام اداری مدرن	استقرار دولت الکترونیک	خدمات الکترونیکی دولتی باید به‌صورت یکپارچه و باکیفیت به شهروندان ارائه شود.	۰/۶۰	۰/۹۲	۴/۰۴	۰/۸۷	۰/۸۱۶
		خدمات الکترونیکی دولتی باید در راستای افزایش مشارکت شهروندان ارائه شود.	۰/۷۶	۰/۸۸	۴/۱۲	۰/۷۹	
		خدمات الکترونیکی دولتی باید تأمین‌کننده امنیت و اعتماد شهروندان باشد.	۰/۶۰	۰/۸۹	۴/۰۸	۰/۸۲	
		شهروندان باید در هر زمان از طریق اینترنت به اطلاعات دسترسی داشته باشند.	۰/۵۲	۰/۹۲	۳/۹۲	۰/۷۶	

متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	CVR	CVI	IIS	EFA	پایایی
۰/۱۸۰۷	حاکمیت قانون	نظارت‌های قانونی باید بر تمامی فرایندهای اداری و سیاسی اعمال شود.	۰/۴۴	۰/۹۷	۴/۳۲	۰/۷۸	
		همه افراد جامعه (حقیقی و حقوقی) باید دارای حق قانونی برابر باشد.	۰/۵۲	۰/۹۲	۴/۱۶	۰/۸۶	
		اجرای بی‌طرفانه قانون باید زیرنظر سیستم قضایی مستقل انجام شود.	۰/۶۰	۰/۹۴	۳/۹۲	۰/۷۴	
		اتخاذ تصمیمات و اجرای آن باید مطابق با قوانین و مقررات باشد.	۰/۵۲	۰/۸۶	۴/۴	۰/۸۲	
نظام اداری مدرن	پاسخگویی عمومی	سازمان‌های دولتی باید وظایف خود را به‌طور شفاف انجام دهند.	۰/۴۴	۰/۸۶	۳/۹۲	۰/۷۹	۰/۱۸۵۹
		سازمان‌های دولتی باید برابر عملکرد خود انتقادپذیر باشند.	۰/۴۴	۰/۸۸	۳/۸۴	۰/۷۸	
		دولت باید در شناسایی و حل بموقع مشکلات اعتماد مردم را جلب کند.	۰/۵۲	۰/۹۰	۳/۹۲	۰/۷۴	
		دولت باید براساس اولویت مسائل جامعه اطلاع‌رسانی کافی داشته باشد.	۰/۶۰	۰/۹۴	۳/۷۸	۰/۷۳	
۰/۱۸۴۲	مسئولیت اجتماعی	فعالیت سازمان‌های دولتی باید در جهت تأمین منافع شهروندان باشد.	۰/۷۶	۰/۹۶	۳/۱۳	۰/۸۶	
		عملکرد دولت باید در جهت حفاظت از سرمایه‌های ملی باشد.	۰/۶۸	۰/۸۹	۳/۱۶	۰/۸۹	
		سازمان‌های دولتی باید در راستای ارزش‌های حاکم بر جامعه فعالیت کنند.	۰/۶۰	۰/۹۲	۳/۴۲	۰/۷۸	
		فعالیت سازمان‌های دولتی باید در جهت افزایش رفاه اجتماعی مردم باشد.	۰/۵۲	۰/۹۷	۳/۱۹	۰/۸۵	
۰/۱۸۳۷	تقویت حاکمیت ملی	از فعالیت گروه‌ها و نهادهایی که برهم‌زننده نظم عمومی هستند، باید جلوگیری شوند.	۰/۴۴	۰/۸۸	۴/۰۲	۰/۸۳	
		برگزاری و شرکت در انتخابات آزاد باعث تقویت منافع ملی می‌شود.	۰/۶۰	۰/۸۹	۳/۳۶	۰/۸۰	
		فعالیت‌های دولت و نظام سیاسی داخلی باید در راستای حفظ استقلال ملی باشد.	۰/۷۶	۰/۹۲	۳/۱۸	۰/۷۶	
		همکاری و تعامل نظام سیاسی در خارج باید بازتابی از اراده مردم باشد.	۰/۶۸	۰/۹۳	۳/۰۹	۰/۷۹	

متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	CVR	CVI	IIS	EFA	پایایی
استقرار و تقویت اداره محلی		انتخاب و به‌کارگیری مسئولان محلی باید توسط فرایندهای مشارکتی مردم باشد.	۰/۶۰	۰/۹۶	۳/۳۲	۰/۷۷	۰/۸۱
		مسئولان محلی باید در تصمیم‌گیری‌های ملی مشارکت کنند.	۰/۷۶	۰/۹۷	۳/۶۴	۰/۸۴	
		مسئولان محلی باید اختیارات لازم برای تدوین و تصویب سیاستگذاری داشته باشند.	۰/۶۰	۰/۹۰	۳/۸۹	۰/۷۲	
		مسئولان محلی باید ابزارهای قانونی برای اعمال قدرت را در اختیار داشته باشند.	۰/۵۲	۰/۸۹	۴/۰۱	۰/۷۹	
ساختار فدرالی	تفکیک قوا	به‌منظور جلوگیری از تمرکز قدرت، باید قدرت سیاسی بین قوای سه‌گانه توزیع شود.	۰/۴۴	۰/۹۰	۳/۶۷	۰/۸۶	۰/۸۱۳
		جهت سامان بهتر امور باید اصل نظارت و تعادل بین قوا سه‌گانه وجود داشته باشد.	۰/۵۲	۰/۹۳	۳/۹۲	۰/۸۰	
		هر یک از قوا باید دارای وظایف اختصاصی و مستقل از یکدیگر داشته باشند.	۰/۶۰	۰/۹۷	۲/۹۸	۰/۷۵	
		توزیع و تفکیک قدرت باید طوری باشد که هر قوه بتواند دو قوه دیگر را محدود کند.	۰/۵۲	۰/۸۹	۲/۷۸	۰/۸۳	
فعالیت آزادانه احزاب سیاسی		فعالیت احزاب سیاسی، باید در راستای آگاهی مردم در مسائل و امور زندگی‌شان باشد.	۰/۴۶	۰/۹۱	۳/۳۷	۰/۷۸	۰/۸۲۶
		فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی باید در جهت اعمال فشار و اصلاح نظام سیاسی باشد.	۰/۴۴	۰/۹۳	۲/۹۴	۰/۷۹	
		مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی، باید منجر به حقوق شهروندی باشد.	۰/۵۲	۰/۹۷	۲/۷۷	۰/۸۵	
		فعالیت احزاب سیاسی باید در راستای تثبیت ارزش‌های دموکراتیک جامعه باشد.	۰/۶۰	۰/۹۵	۳/۳۹	۰/۸۱	



متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	CVR	CVI	IIS	EFA	پایایی
ساختار فدرالی	تمرکززدایی از فعالیت‌ها	هر منطقه باید اختیارات کافی جهت اداره امور خود را داشته باشد.	۰/۷۶	۰/۹۷	۳/۶۹	۰/۷۸	۰/۸۵
		هر منطقه باید مسئول تأمین امنیت شهروندان خود باشد.	۰/۶۸	۰/۹۲	۳/۷۸	۰/۸۳	
		هر منطقه باید مسئول فرایند تولید و توزیع ثروت خود باشد.	۰/۶۰	۰/۸۹	۴/۱۱	۰/۸۹	
		هر منطقه باید توانایی ارائه خدمات در حوزه‌های مختلف به شهروندان را داشته باشند.	۰/۵۲	۰/۹۰	۲/۷۹	۰/۸۴	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

قبل از تحلیل داده‌ها، ابتدا وضعیت جمعیت‌شناختی نمونه‌های مورد مطالعه بررسی شد. در خصوص پاسخ‌دهندگان به سؤال‌های پرسشنامه‌ها به لحاظ جنسیت، ۵۵ نفر (۰/۷۵) مرد و ۱۸ نفر (۰/۲۵) زن بودند. از نظر میزان تحصیلات، ۱۳ نفر (۰/۱۸) کارشناسی ارشد، ۱۳ نفر (۰/۱۸) دانشجوی دکتری و ۶۰ نفر (۰/۸۲) دکتری تخصصی داشتند. به لحاظ رشته تحصیلی ۲۴ نفر (۰/۳۳) علوم سیاسی، ۱۹ نفر (۰/۲۶) اقتصاد، ۱۳ نفر (۰/۱۸)، جامعه‌شناسی و ۱۷ نفر (۰/۲۳) مدیریت دولتی بودند. از نظر سنی، ۸ نفر (۰/۱۱) زیر ۳۵ سال، ۱۷ نفر (۰/۲۳) بین ۳۵ تا ۴۵ سال، ۳۷ نفر (۰/۵۱) بین ۴۶ تا ۵۵ و ۱۱ نفر (۰/۱۵) بالای ۵۵ سال داشتند. از نظر سابقه خدمت، ۱۰ نفر (۰/۱۴) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۱ نفر (۰/۲۹) بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۲۶ نفر (۰/۳۵) بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۱۶ نفر (۰/۲۲) بالای ۲۰ سال داشتند.

در ادامه برای آزمون فرضیه‌ها، ابتدا نحوه توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون شاپیرو - ولیک مشخص شد تا براساس نتایج آن آزمون‌های آماری مناسب انتخاب شوند. از آنجاکه

در آزمون فوق خطای محاسبه شده<sup>۱</sup> بیشتر از مقدار خطای آلفا<sup>۲</sup> بود، نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تأیید قرار گرفت. نتایج آزمون مذکور در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون شاپیرو - ولیک

نتیجه‌گیری	تأیید فرضیه	Sig	Z آماره	متغیرها
نرمال است	H <sub>0</sub>	۰/۰۸۲	۰/۰۹۹	نظام اداری مدرن
نرمال است	H <sub>0</sub>	۰/۰۷۵	۰/۰۹۹	ساختار فدرالی

مأخذ: همان.

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون پیرسون به منظور اندازه‌گیری میزان، جهت و شدت رابطه بین متغیرها انجام شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد:

**فرضیه ۱:** بین بوروکراسی کارآمد و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0/85$ ,  $P < 0/000$ ).

**فرضیه ۲:** بین استقرار دولت الکترونیک و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0/82$ ,  $P < 0/000$ ).

**فرضیه ۳:** بین حاکمیت قانون و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0/84$ ,  $P < 0/000$ ).

**فرضیه ۴:** بین پاسخگویی عمومی و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0/81$ ,  $P < 0/000$ ).

**فرضیه ۵:** بین مسئولیت اجتماعی و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0/80$ ,  $P < 0/000$ ).

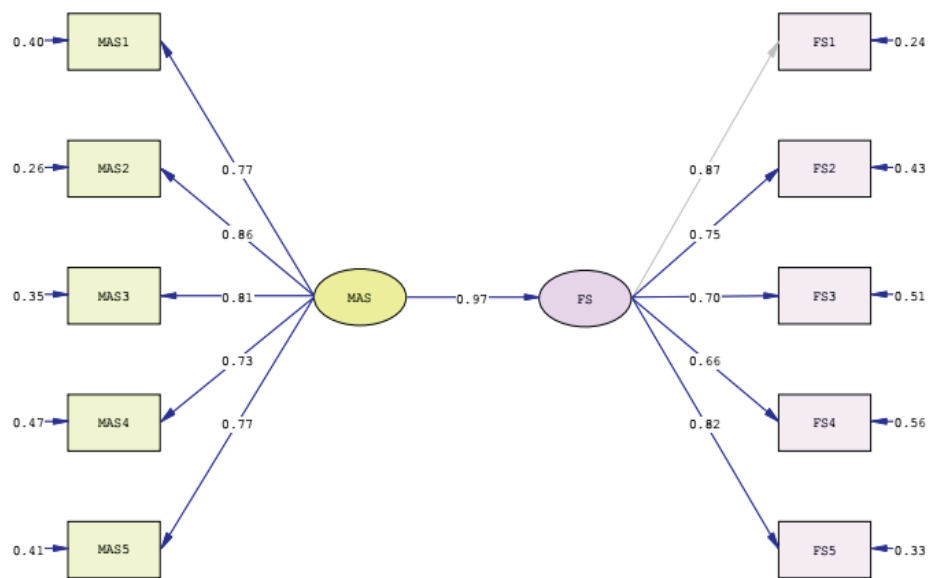
۱. میزان خطایی (Significance یا Sig) است که محقق در رد فرض H<sub>0</sub> مرتکب می‌شود.

۲. مقدار خطای آلفا یا خطای در نظر گرفته شده در این پژوهش ( $\alpha=05/0$ ) است.

در آزمون فرضیه‌های فوق، فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  مورد تأیید قرار گرفت و این بدان معناست رابطه‌ای مثبت، مستقیم و قوی بین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن و نظام فدرالی وجود دارد و برقراری این روابط نمی‌تواند تصادفی باشد.

بعد از آزمون فرضیه‌ها، باید روابط بین متغیرهای پنهان (مستقل و وابسته) و متغیرهای آشکار (مؤلفه‌ها) بررسی شود تا مدل مفهومی تحقیق از نظر آماری اعتبارسنجی شود. به منظور اعتبارسنجی مدل مفهومی، آزمون تحلیل مسیر انجام شد و مقدار ضرایب استاندارد (بارهای عاملی) و میزان T-Value (اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته) مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده از این آزمون، بارهای عاملی در همه مسیرها در حد قابل قبول (یعنی بیش از ۰/۶) و معنادار بودند که این موضوع نشان می‌دهد همه گویه‌ها توانایی تبیین متغیرها را دارند. همچنین میزان اثرگذاری متغیر نظام اداری مدرن به طور مستقیم بر ساختار فدرالی برابر مقدار عددی (۰/۹۷) است. در آزمون T-value از معناداری مسیرها (بین متغیرها و مؤلفه‌های مربوطه) اطمینان حاصل شد به نحوی که مطابق نتایج مقادیر به دست آمده در همه مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ هستند و این مقدار، معنادار بودن مسیرها را تأیید می‌کند. در نهایت مقدار T-value بین دو متغیر نظام اداری مدرن و نظام فدرالی برابر با مقدار عددی (۸/۸۴) به دست آمد که نشان دهنده تأثیرپذیری بالای ساختار فدرالی از نظام اداری مدرن است. شکل‌های ۲ و ۳ به ترتیب مقدار ضرایب استاندارد و مقدار T-value متغیرها و مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

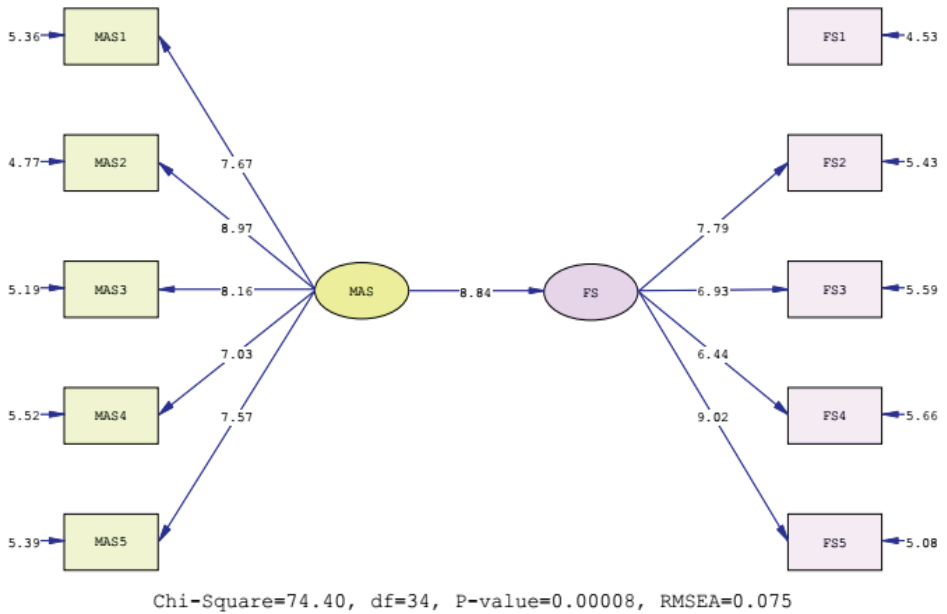
شکل ۲. مقدار ضرایب استاندارد بین متغیرها



Chi-Square=74.40, df=34, P-value=0.00008, RMSEA=0.075

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۳. مقدار T-value بین متغیرها



مأخذ: همان.

مطابق نتایج شاخص‌های نیکویی برازش مشخص شد: اولاً، معادلات ساختاری فوق از برازش قابل قبولی برخوردار است. ثانیاً، تأیید می‌شود داده‌های گردآوری شده، حمایت‌کننده مدل مفهومی است. جدول ۳ دامنه پذیرش و مقدار مشاهده شده هر شاخص را ارائه می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل تحقیق

علامت	شاخص‌های برازش	دامنه پذیرش	مقدار مشاهده شده
X <sup>2</sup> /df	نسبت کای دو به درجه آزادی	بین ۱ تا ۳	۲/۱۸
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۵
NFI	شاخص برازش هنجار شده	بالای ۰/۹۰	۰/۹۱
NNFI	شاخص برازش هنجار نشده	بالای ۰/۹۰	۰/۹۲
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای (تطبیقی)	بالای ۰/۹۰	۰/۹۳
IFI	شاخص برازش فزاینده (افزایشی)	بالای ۰/۹۰	۰/۹۳
GFI	شاخص نیکویی برازش	بالای ۰/۹۰	۰/۹۲
AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	بالای ۰/۹۰	۰/۹۱

مأخذ: همان.

در نهایت به منظور تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیرها، آزمون رگرسیون انجام شد. این آزمون مشخص می‌کند متغیرهای مستقل تا اندازه توانایی تبیین تغییرات متغیر وابسته را دارند. به عبارت دیگر، قابلیت پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته تا چه میزان براساس تغییرات مؤلفه‌های متغیر مستقل است. در این آزمون، خلاصه مدل رگرسیون و ضرایب معادله رگرسیون از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در بخش خلاصه مدل رگرسیون، براساس ضریب همبستگی (پیرسون) میزان همبستگی بین دو متغیر نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی مقدار عددی (۰/۸۷۶) است که نشان می‌دهد میزان همبستگی دو متغیر مستقیم، مثبت و در سطح مطلوب است. با توجه به مقدار ضریب تعیین بین دو متغیر، می‌توان گفت (۰/۷۶۷) از تغییرات ساختار فدرالی به دلیل تغییر نظام اداری مدرن قابل تبیین است. همچنین مطابق مقدار آماره دوربین- واتسون، امکان استفاده از معادله رگرسیون وجود دارد.<sup>۱</sup> از آنجاکه در تحقیق

۱. در آزمون رگرسیون زمانی می‌توان از معادله رگرسیون استفاده کرد که مقدار آزمون دوربین- واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشته باشد.

حاضر پنج متغیر تبیین‌کننده نظام اداری مدرن هستند، سهم نسبی هریک از آنها در اثرگذاری بر ساختار فدرالی مشخص شد. برای پیش‌بینی تغییرات ساختار فدرالی، به ترتیب بوروکراسی کارآمد (۰/۳۸۹)، حاکمیت قانون (۰/۲۰۳)، دولت الکترونیک (۰/۱۷۴)، پاسخگویی عمومی (۰/۱۲۵) و مسئولیت اجتماعی (۰/۱۰۹) اولویت دارند. با توجه به اینکه سطح خطای محاسبه شده متغیرها کمتر از مقدار خطای آلفاست، رابطه معنادار در تبیین و پیش‌بینی متغیرها وجود دارد.

#### جدول ۴. آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی

خلاصه مدل رگرسیون	مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	آزمون دوربین - واتسون
	۱	۰/۸۷۶	۰/۷۶۷	۰/۷۵۰	۶/۹۳۷	۱/۹۶۳
معادله رگرسیون	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره t	Sig
		B	خطای استاندارد	Beta		
	مقدار ثابت	۹/۳۹	۳/۲۲		۲/۹۱	۰/۰۰۵
	بوروکراسی کارآمد	۰/۴۶۷	۰/۳۵۹	۰/۳۸۹	۵/۴۶	۰/۰۰۴
	استقرار دولت الکترونیک	۰/۷۸۸	۰/۴۹۵	۰/۱۷۴	۱/۵۹	۰/۰۰۱
	حاکمیت قانون	۰/۸۵۹	۰/۳۹۰	۰/۲۰۳	۲/۲۰۴	۰/۰۰۰
	پاسخگویی عمومی	۰/۷۱۵	۰/۳۱۴	۰/۱۲۵	۱/۴۶	۰/۰۰۲
	مسئولیت اجتماعی	۰/۴۴۰	۰/۳۶۰	۰/۱۰۹	۱/۲۲	۰/۰۳۱

مأخذ: همان.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدیهی است هر نظام اداری مدرن عامل کلیدی در ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف جامعه است و می‌تواند به‌عنوان ابزار مناسب در اختیار دولت باشد تا حل مسائل و مشکلات مردم را تسهیل کند. مباحث نظری و فرضیه‌های ارائه شده در این پژوهش می‌تواند چنین نگرشی را تقویت کند که اولاً، داشتن یک نظام اداری توسعه‌یافته از طریق مؤلفه‌هایی چون بوروکراسی کارآمد، دولت الکترونیک، حاکمیت قانون، پاسخگویی عمومی و مسئولیت اجتماعی امکان‌پذیر است. ثانیاً، چنین نظام اداری می‌تواند بستر مناسبی برای استقرار ساختار فدرالی را در ایران فراهم کند. مطابق نتایج حاصله؛ فرضیه اول، بر وجود رابطه بین بوروکراسی کارآمد و ساختار فدرالی دلالت داشت که براساس مقدار ضریب پیرسون (۰/۸۵) و بتا (۰/۳۸۹) بین دو متغیر فوق رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد این نتایج با یافته‌های پژوهشی واعظی (۱۳۹۹)، عابدی اردکانی و سلطانی (۱۳۹۷) و دوبرینین (۲۰۲۰) مطابقت دارد. فرضیه دوم، رابطه بین استقرار دولت الکترونیک و ساختار فدرالی را بررسی کرد و با توجه به مقدار ضریب پیرسون (۰/۸۲) و بتا (۰/۱۷۴) رابطه دو متغیر تأیید شد که این موضوع با یافته‌های تحقیقاتی کوزه‌گر و رضایی (۱۳۹۸) و آنسولابیهر و پوی (۲۰۲۰) همخوانی دارد. فرضیه سوم نیز بر وجود رابطه معنادار بین حاکمیت قانون و ساختار فدرالی تأکید داشت که مطابق مقادیر ضریب پیرسون (۰/۸۴) و بتا (۰/۲۰۳) می‌توان گفت این یافته‌ها در راستای نتایج پژوهشی زرقانی و احمدی (۱۳۹۸)، قبادی (۱۳۹۱) و آنسولابیهر و پوی (۲۰۲۰) است. فرضیه چهارم، وجود رابطه بین پاسخگویی عمومی و ساختار فدرالی بررسی کرد که مطابق نتایج حاصله از ضریب پیرسون (۰/۸۱) و بتا (۰/۱۲۵) می‌توان اظهار داشت، نتایج مذکور در راستای نتایج تحقیقاتی کوزه‌گر و رضایی (۱۳۹۸)، عابدی اردکانی و سلطانی (۱۳۹۷) است. فرضیه پنجم، رابطه معنادار



میان مسئولیت اجتماعی و ساختار فدرالی بررسی کرد که مطابق نتایج ضریب پیرسون (۰/۸۰) و بتا (۰/۱۰۹) این نتایج مطابق با یافته‌های پژوهشی زرقانی و احمدی (۱۳۹۸) و ژائو (۲۰۲۱) است. براساس این نتایج می‌توان گفت هر یک از مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در پیش‌بینی تغییرات ساختار فدرالی تأثیرگذارند و در این بین بوروکراسی کارآمد با ۰/۳۸۹ و مسئولیت اجتماعی با ۰/۱۰۹ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان اثرگذاری را در بین مؤلفه‌ها دارند.

بررسی ساختار اداری و سیاسی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد همه آنها در دو مقوله نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی اشتراک دارند. تقریباً در همه این کشورها، موفقیت برنامه‌های دولت در گرو موفقیت نظام اداری آنهاست که در اصل به‌عنوان حافظ منافع ملی شناخته می‌شود. به‌علاوه، نظام اداری در این جوامع ابزار تحقق عدالت اجتماعی است و بدون آن دولت‌ها نمی‌توانند حتی ادعای عدالت را در جامعه داشته باشند. بر این مبنا، پیاده کردن اراده نظام سیاسی بدون یک نظام اداری کارآمد عملاً میسر نخواهد شد. از طرفی، ساختار فدرالی در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد قدرت مرکزی حاصل جمع قدرت ایالت‌هاست و هر ایالت، خود نوعی حکومت متشکل از قوای مجریه، مقننه و قضائیه است. البته قانون اساسی، خودمختاری آنان را تضمین کرده و نحوه حکومت در محدوده جغرافیایی هر ایالت مشخص شده است (Burgess, 2016: 29). گفتنی است در آغاز قرن بیستم، تنها ۹ کشور با نظام فدرالی در جهان وجود داشت (آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، آلمان، مکزیک، سوئیس، آمریکا و ونزوئلا)، اما در پایان قرن بیستم کشورهای بیشتری به این ساختار سیاسی - اداری پیوستند به‌طوری‌که اکثر این کشورها پهناور و پرجمعیت هستند، از نظر فضایی و جمعیت حدود ۵۰ درصد کره زمین را دربرمی‌گیرند. از این‌رو، قرن بیستم را قرن فدرالیسم نامیده‌اند (خوبروی‌پاک، ۱۳۹۷: ۲۸؛ ۱۱۴؛ Boucher and Noël, 2021).

با توجه به نتایجی که نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی در کشورهای توسعه یافته برجای گذاشته است این موضوع برجسته می شود که چنین روندی می تواند در ایران قابلیت اجرایی داشته باشد یا خیر. همچنان که پیش تر عنوان شد در ایران هیچ گاه مدیریت سیاسی - اداری مبتنی بر فدرالیسم وجود نداشته و موضوع های مطرح شده در خصوص مزایا و معایب آن، صرفاً جنبه نظری داشته و در عمل موفقیت یا شکست چنین نظامی تجربه نشده است. از آنجاکه ایران کشوری است که به لحاظ قومی، مذهبی و منابع طبیعی تنوع زیادی دارد و از نظر مساحت جغرافیایی نیز کشور وسیعی محسوب می شود، به کارگیری ساختار فدرالی برای اداره بهتر کشور گزینه مناسبی است. به بیان دیگر، در ایران نیز می توان از نظام فدرالی (نه الزاماً به شیوه غربی) الگوبرداری کرد تا ضمن تقویت حاکمیت ملی و انسجام درونی، از ظرفیت های مناطق مختلف بهره برد و با استقرار دولت های محلی بستر لازم برای رشد و توسعه کشور فراهم آید. از نظر جهت گیری، استقرار نظام فدرالی در ایران به عنوان کشور چند قومی، می تواند یک برنامه سرزمینی و غیرسرزمینی محسوب شود. در برنامه سرزمینی، جوامع قومی - منطقه ای به مناسب ترین وضع تقسیم بندی فضایی می شوند که شامل دولت مرکزی، ایالت ها و مناطق است. اساس این برنامه بر آن است که جوامع قومی - منطقه ای در حوزه خود به رسمیت شناخته شوند. نظام فدرال چنین چارچوبی را مدنظر قرار می دهد که در آن مرزهای میان اجزای فضایی سرزمین با مرزهای میان جوامع قومی - مذهبی یا زبانی آن منطبق است؛ اما چارچوب غیرسرزمینی به جوامع قومی پراکنده یعنی غیرمتمرکز در سرزمینی خاص مربوط می شود.

نظام فدرالی به عنوان شیوه مدیریتی غیرمتمرکز می تواند تبیین کننده الگوی تعاملی بین نظام سیاسی و اداری در کشور باشد، زیرا در اغلب کشورهای توسعه یافته

نتایج مثبت آن قابل مشاهده است. نظام اداری به‌عنوان کانالی مبتنی بر قانونمندی، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی می‌تواند در اختیار نظام غیرمتمرکز باشد تا ضمن ایفای نقش اصلی در هماهنگ کردن سیاست‌ها و اجرای فرایندها در سطح ملی و محلی، به‌عنوان راه‌حلی مطمئن و کارآمد برای مسئله حکومت یک دولت بر اجتماعات مختلف، گرایش‌های متضاد را با هم آشتی دهد. بنابراین نظام اداری از طریق مؤلفه‌هایی که در این مطالعه بررسی شد، ضمن حفظ یکپارچگی و انسجام درونی به‌عنوان مجموعه واحد، می‌تواند حافظ منافع کل کشور در روابط و مناسبات خارجی باشد. به‌عبارت‌دیگر، موفقیت نظام سیاسی در قالب یک نظام فدرال می‌تواند تحت تأثیر اثربخشی و کارایی عملکرد نظام اداری قرار گیرد. در این فراگرد سیستم اداری ضمن فراهم کردن و تأمین نیازهای گروه‌های مختلف جامعه، آنها را با نهادها و هنجارهای موجود مانوس کرده و هم‌زمان با افزایش توانایی نظام سیاسی برای جذب انواع تقاضاهای سیاسی و اجتماعی مختلف، باعث بالا بردن قابلیت‌های خود جهت پاسخ‌دهی به این تقاضاها شود. پس مسلماً وجود یک نظام اداری کارآمد در افزایش قدرت نظام سیاسی برای پاسخگویی بیشتر به تقاضاهای مردم مؤثر است.

هرچند دیدگاه‌های مختلف و گاهاً متضادی درخصوص شیوه مدیریت فدرالی وجود دارد، اما نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که نظام‌های فدرال منبع مهمی برای ظرفیت‌سازی نهادی است و فرایندهای سیاسی و اداری در این سیستم به‌نحوی هدایت می‌شوند که موجودیت عناصر تشکیل‌دهنده آن به‌طور کامل حفظ شود. برخی صاحب‌نظران معتقدند به‌دلیل شیوه مدیریت فدرالی و با ایجاد نهادهای مشترک در کنار حفظ استقلال ملی، می‌توان از تکرار و بروز منازعات جلوگیری کرد و یک صلح پایدار برقرار ساخت؛ زیرا نظام‌های فدرال نه تنها سازگار با آزادی‌های فردی هستند، بلکه شرط لازم آن آزادی‌ها محسوب می‌شوند. درخصوص وضعیت

فعلی ایران، عده‌ای بیان می‌کنند به دلیل ناهمگونی جمعیتی و جغرافیایی و عدم توزیع مناسب منابع زیرزمینی، سامان‌دهی و اداره متمرکز امور به‌منظور حداکثر بهره‌برداری از منابع موجود امری طبیعی و حیاتی است. از طرفی نیز در ایران به‌علت وجود تنوع بالای قومیتی، ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و گرایش‌های اداری - سیاسی پتانسیل‌های کافی وجود دارد که زمینه‌ساز بروز اختلاف‌هاست. در پاسخ به چنین دیدگاهی باید گفت با وجود ویژگی‌های خاص کشور، وقایع تاریخی نشان می‌دهد موجودیت ایران در قالب قومیت‌ها و ملت‌های مختلف همواره از اتحاد و یکپارچگی خود دست برداشته و در مقابل هر نوع اقدام جدایی‌طلبانه از تمامیت ارضی کشور دفاع کرده‌اند. اگرچه در چند برهه تاریخی بخش‌هایی از ایران جدا شده است، اما این صرفاً به دلیل بی‌کفایتی حاکمان و پادشاهان و همچنین نفوذ کشورهای بیگانه بوده است و مردم ایران هیچ‌گاه در چنین مسیرهایی گام برداشته‌اند.

بنابراین اگر عده‌ای این موضوع را مطرح می‌کنند که با برقراری نظام فدرال، امکان تجزیه کشور وجود دارد، چنین دیدگاهی نمی‌تواند صحت داشته باشد؛ زیرا در تمامی کشورهای توسعه‌یافته، شکاف‌های اجتماعی - سیاسی به‌مراتب بیشتر از ایران است، اما به دلیل وجود ارزش‌های فدراتیو و توانمندی نهادها و سازمان‌های اداری، تهدیدهای ناشی از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، به فرصت‌هایی تبدیل شده که در نهایت استفاده از ظرفیت‌های موجود را در مناطق فراهم آورده است. به باور اسمیت، دو راهبرد مهم برای موفقیت استقرار نظام فدرالی با تأکید بر نظام اداری وجود دارد: راهبرد اول، استقرار حکومت مرکزی قدرتمند به‌منظور تأمین وحدت فدراسیون و ایجاد فرایندها و اقدام‌های عملی سازگار با کنترل مرکزی سرزمینی از طریق سازوکارهای اداری است. راهبرد دوم، تلاش برای هم‌زیستی و سازگاری با فشارهای ناشی از تنوع و تکرر، نهادینه‌سازی سطوح بالاتری از خودمختاری قومی - منطقه‌ای است. به کارگیری این

دو راهبرد تضمین نهادی لازم و چارچوب نمایندگی متناسب با خواسته‌های قومی و مذهبی هر منطقه را فراهم می‌کند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۲۳).

در خصوص توصیه‌های سیاستی باید عنوان کرد؛ نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد فدرالی شدن ایران روندی هزینه‌بر و زمان‌بر است، اما برای تسریع و استقرار آن می‌توان از توانمندی‌های یک نظام اداری مدرن و کارآمد استفاده کرد. در ایران رویکردهای اداری و سیاسی بیشتر منطبق با آموزه‌های سنتی شور و مشورت بوده و هنوز الزامات قانونی و فنی یک نظام فدرال مشخص نشده و اکثر فعالیت‌های صورت گرفته در چارچوب عدم تمرکز و تمرکززدایی است که این امر به نوبه خود می‌تواند نخستین گام برای ظهور نظام فدرالی باشد. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین چالش‌ها در حیطه سیاسی (نهادی)، اجتماعی، اداری، تکنولوژیک است. راهکارهای سیاستی برای برون‌رفت از وضع موجود در جهت تمرکززدایی در سه مجموعه راهکارهای کلان، میانی و خرد قابل تفکیک است. اصلاح قانون اساسی و شفاف‌سازی قانون شوراها و گسترش حیطه وظایف شوراها به وظایف اجرایی و تصدی‌گری، گسترش سنت دموکراسی، استفاده مؤثر و کارا تر از ظرفیت‌های دولت الکترونیک، بسترسازی حقوقی و قانونی برای تحقق مشارکت مردمی و افزایش مشارکت‌پذیری در جامعه، تغییر نقش حاکمیتی دولت و سازمان‌های دولتی به نقش تسهیل‌گری و نظارتی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. البته مباحثی مانند حاکمیت استانی و بسط شیوه مدیریت مناطق چندگانه باید به تدریج و به صورت آزمایشی در بخش‌هایی از کشور اجرا شود تا ضمن شناسایی و اصلاح نقاط ضعف آن، نقاط قوت نیز تقویت شود. این موارد می‌تواند اداره کشور را با توجه به بافت متنوع قومی و مذهبی موجود، در مسیر فدرالی شدن قرار دهد.

طبق نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد استقرار نظام فدرالی در ایران به‌عنوان یک

کشور متنوع (قومی، مذهبی، سیاسی و ...) می‌تواند یک برنامه سرزمینی محسوب شود که براساس آن هم تقسیم‌بندی فضایی کشور در قالب دولت مرکزی، ایالت‌ها و مناطق باشد، هم سازمان‌دهی و حوزه‌های حکومتی محلی به رسمیت شناخته شوند. البته این گذار سیاسی - اداری در کشور می‌تواند با اتکا به نظام اداری توانمند بیش‌ازپیش به اهداف خود نائل آید.

در خصوص پیشنهاد‌های پژوهشی باید عنوان کرد، این مطالعه با توجه به ماهیت متغیرها و موضوع‌های مطرح شده، بین‌رشته‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی به‌شمار می‌آید که در آن بخشی از روابط بین متغیرهای اداری و سیاسی از طریق آزمون‌های ضریب همبستگی و رگرسیون بررسی شد تا هم میزان و نوع رابطه بین متغیرها مشخص شود و هم میزان تأثیرپذیری قابل‌برآورد باشد. در حال نظام اداری مدرن و توسعه‌یافته ظرفیت بالایی برای استقرار یک نظام فدرال در ایران دارد و نه تنها تهدیدی برای آن به‌شمار نمی‌رود، بلکه عاملی مهم در نیل به دموکراسی است. ایجاد چنین سازوکاری نشان‌دهنده آن است که هم‌زمان با وجود تنوع و تفاوت در حوزه‌های مختلف، می‌توان انسجام و همگرایی بخش‌های مختلف جامعه را بهتر مدیریت کرد. از این‌رو در راستای نتایج این تحقیق و با در نظر گرفتن اهمیت فرایندهای اداری و سیاسی کشور و تبیین بهتر موضوع، محققان در پژوهش‌های آتی خود موارد ذیل را مطالعه کنند:

- بررسی و ارزیابی مؤلفه‌های نظام فدرالی در راستای تقویت انسجام اجتماعی،
- ارزیابی ظرفیت‌های نظام فدرال در جهت توسعه سیاسی و اقتصادی،
- نقش و جایگاه نظام فدرال در استقرار و تثبیت حکمرانی مطلوب،
- بررسی چالش‌های نظام فدرال در چارچوب ارزش‌های قومی و منطقه‌ای.

## منابع و مآخذ

۱. اسمیت، گراهام (۱۳۹۴). فدرالیسم چالش چند قومی، ترجمه عبدالله رمضانزاده، تهران، نشر میزان.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۹۷). آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر.
۳. خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۹۷). نقدی بر فدرالیسم، تهران، انتشارات شیرازه.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸). فدرالیسم در جهان سوم، جلد اول، تهران، نشر هزار.
۵. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۸). چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، تهران، سمت.
۶. دیوب، شاکونالا (۱۳۹۶). نوسازی و توسعه در جستجوی قالب‌های فکری بدیل، ترجمه احمد موثقی، تهران، انتشارات قومس.
۷. راستی، عمران، دره میرحیدر و فاطمه‌سادات میراحمدی (۱۳۹۶). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
۸. زرقانی، هادی و ابراهیم احمدی (۱۳۹۸). «حکمرانی خوب در دولت‌های محلی، تمرکززدایی»، فصلنامه دولت‌پژوهی، ۵ (۱۹).
۹. زرنندی، سعید، جواد معدنی و سعید سروری (۱۳۹۷). «نقش مسئولیت اجتماعی سازمان در خط‌مشی ارتقای سلامت اداری در بخش دولتی»، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۹ (۲۹).
۱۰. سوائینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون (۱۳۹۶). درک توسعه سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. شکیبا مقدم، محمد (۱۳۹۶). مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها، تهران، انتشارات میر.
۱۲. صباغیان، علی (۱۴۰۰). «ریشه‌ها، ساختار و تحول فدرالیسم در جمهوری فدرال آلمان»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۱ (۴).
۱۳. طباطبایی، محمد (۱۳۹۷). سیاست و حکومت در اروپا، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. طهماسبی، رضا (۱۳۹۵). درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. عابدی اردکانی، محمد و لقمان سلطانی (۱۳۹۷). «رابطه نظام اداری و توسعه سیاسی در جمهوری

- اسلامی ایران با بهره‌گیری از الگوی نظریه جاگورایب»، فصلنامه سیاست، ۵۰ (۲).
۱۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۹). بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۷. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶). نظریه‌ها و مفاهیم اساسی دولت الکترونیک، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فولادوند، عزت‌اله (۱۳۹۶). مراحل و عوامل و موانع رشد سیاسی، تهران، نشر ماهی.
۱۹. قبادی، نسرین (۱۳۹۱). «چالش‌های تأمین مالی دولت‌های محلی و راهکارهای مقابله با آن مطالعه موردی دولت‌های محلی در ایران»، دو ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱۱ و ۱۲.
۲۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، انتشارات قومس.
۲۱. کوزه‌گر، لطفعلی و مصطفی رضایی (۱۳۹۸). «رهیافت توسعه تمرکززدایی از حکومت ملی به قیمت محلی»، فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، ۱ (۱).
۲۲. لیبست، مارتین (۱۳۹۴). دایره‌المعارف دمکراسی، ترجمه کامران فانی و نوراله مرادی، تهران، نشر وزارت امور خارجه.
۲۳. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۸). حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. مقیمی، محمد (۱۳۹۵). اداره امور حکومت‌های محلی: مدیریت شوراهای و شهرداری‌ها، تهران، انتشارات سمت.
۲۵. موزلیس، نیکوس (۱۳۹۵). سازمان و بوروکراسی، تجزیه و تحلیلی از تئوری‌های نوین، ترجمه حسین میرزایی اهرنجانی و احمد تدینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. مویر، ریچارد (۱۳۹۷). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۲۷. نوروزیفر، عبدالرحیم (۱۳۹۷). مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها، تهران، انتشارات بازتاب.
۲۸. واعظی، مجتبی (۱۳۹۹). «مفهوم تحلیلی اداره و مدل‌های آن»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۵ (۴).
۲۹. وبر، ماکس (۱۳۹۷). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر هرمس.



30. Anderson, G. (2018). "Whither the Federation? Federalism under Rudd", *Public Policy*, 5(1).
31. Ansolabehere, S., and M.S. Puy (2020). *Constitutions, Federalism, and National Integration*, Departamento de Teoría e Historia Económica, Facultad de Ciencias Económicas y Empresariales, Universidad de Málaga.
32. Awa, E. (2016). *Government in Nigeria*, California, University of California Press.
33. Beeson, M. (2016). *The Rise and Fall of Developmental State*, Printed at www.espace. Library .uq.edu.au/eserv.
34. Boucher, F. and A. Noël (2021). *Fiscal Federalism in Multinational States Autonomy, Equality, and Diversity*, McGill-Queen's University Press.
35. Burgess, M. (2016). *Comparative Federalism, Theory and Practice*, NewYork, Routledge
36. Burgess, M. and A.G. Gagnon (2014). *Federal Democracies*, London, Routledge.
37. Dinan, J. and J.C. Heckelman (2020). "Stability and Contingency in Federalism Preferences", *Public Administration Review*, 80(2).
38. Dobrynin, N. M. (2020). "The Contemporary Russian Federalism in the Focus of Democracy, Division of Powers and Functionality of Administrative Hierarchy", *Gosudarstvo I Parvo*, (2).
39. Hall, A.T. and G.R. Ferris (2014). "Accountability and Extra-role Behavior", *Employee Responsibilities and Rights Journal*, 23(2).
40. Jensen, H. (2020). *Optimal Degrees of Transparency in Monetary Policy Making*, Manuscript, University of Copenhagen.
41. King, P. (2018). *Federation and Representation*, In M. Burgess and A.Ganon. *Comparative Federalism and Federation* London, Harvester Wheataheaf.
42. Laski, H. (2019). *Encyclopedia of the Social Science*, Ed., F.R.A Selig Max, Vol. 3, NewYork.
43. Loomis, J.J., C.M.R. de Oliveira and M. Dziedzic (2021). "Environmental Federalism in EIA Policy, A Comparative Case Study of Paraná, Brazil and California", *US, Environmental Science and Policy*, 122.
44. Souza, C. (2017). "State Modernization and the Building of Bureaucratic Capacity for the Implementation of Federalized Policies", *Brazilian Journal of Public Administration*, 51(1).
45. Weber, M. (2019). *Economy and Society*, (Edited and Translated by Keith Tribe), Harvard University Press.

46. Zhao, C., F. Feng, Y. Chen and X. Li (2021). "Local Government Competition and Regional Innovation Efficiency, From the Perspective of China-style Fiscal Federalism", *Science and Public Policy*, 48 (4).

# آثار نابرابری توزیع درآمد بر ثروت در ایران

مرضیه ساکیان\*، محمود محمودزاده\*\*، میرحسین موسوی\*\*\* و امیر غلام‌ابری\*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۷۵-۱۰۲
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

بررسی رابطه میان توزیع درآمد و توزیع ثروت در ایران از نظر پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بسیار پراهمیت است. از این رو بررسی نابرابری توزیع درآمد و توزیع ثروت ایران به تفکیک بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند پاسخ سؤال سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران اقتصادی باشد. برای این منظور، این پژوهش براساس مدل پویای نابرابری ثروت پیکتی در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۷ برای ایران انجام گرفته است. نتایج نشان داد در بازه زمانی کوتاه‌مدت، دارایی‌های مختلف با نرخ‌های متفاوتی رشد می‌کنند و از آنجاکه توانایی کسب درآمد و پس‌انداز دهک‌های بالا، بیشتر از دهک‌های پایین است، انتظار می‌رود توزیع درآمد نابرابرتر شده و به نابرابری توزیع ثروت منجر شود. همچنین در بلندمدت پیش‌بینی می‌شود در حالت پایدار اگر بازده سرمایه صفر باشد، مزیت دارایی‌ها نسبت به هم از بین می‌رود و با نرخ تورم رشد می‌کند. ولی آنچه در واقعیت رخ می‌دهد این است که روند توزیع درآمد و سهم ثروت به نفع ۱۰ درصد بالای دهک درآمدی بوده و توزیع ثروت نابرابرتر شده است.

**کلیدواژه‌ها: توزیع درآمد؛ توزیع ثروت؛ کوتاه‌مدت و بلندمدت؛ نابرابری**

\* دانشجوی دکتری اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران؛

Email: marziyehsakiyan@gmail.com

\*\* دانشیار گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: ma.mahmood@iau.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران؛

Email: hmousavi@alzahra.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار گروه ریاضی، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران؛

Email: amir.gholamabri@iau.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5324.5092

## مقدمه

رسیدن به سطح بالای درآمد و ثروت، کانون توجه همه افراد جامعه و دولت‌هاست. به همین علت پرداختن به علل ایجادکننده نابرابری در توزیع درآمد و ثروت<sup>۱</sup> بسیار حائز اهمیت است چراکه به‌رغم تلاش‌های گسترده این نابرابری هر روزه بیشتر می‌شود، به‌طوری‌که آثار آن را در سایر پارامترهای اقتصادی می‌توان مشاهده کرد. براساس گزارش مرکز آمار ایران، عدد ضریب جینی<sup>۲</sup> (شاخص اندازه‌گیری نابرابری در توزیع ثروت و درآمد) کل کشور از ۳۶/۵٪ در سال ۱۳۹۲، به ۴۰/۱٪ در سال ۱۴۰۰ رسیده است و این به افزایش نابرابری و تبعیض و بی‌عدالتی منجر می‌شود. بنابراین ضروری است تا مطالعات و راهکارهای عمیق‌تری برای شناسایی و کاهش این شکاف در میان دهک‌های مختلف درآمدی صورت گیرد.

جدول ۱. ضریب جینی کشور ایران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ (درصد)

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
کل کشور	۳۶/۵	۳۷/۹	۳۸/۵	۳۹/۰	۳۹/۸	۴۰/۹	۳۹/۹	۴۰/۱
مناطق شهری	۳۵/۱	۳۶/۱	۳۶/۸	۳۷/۳	۳۷/۹	۳۹/۴	۳۸/۳	۳۸/۴
مناطق روستایی	۳۲/۴	۳۴/۰	۳۳/۷	۳۳/۶	۳۵/۶	۳۵/۴	۳۵/۴	۳۵/۹

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۹۹.

در زمینه مطالعات صورت گرفته در کشور، می‌توان به مطالعات ابونوری و خوشکار (۱۳۸۵)، احمدی، رستمی‌نیا و غیبی (۱۳۹۵)، رفعت و جزئی‌زاده (۱۳۹۵)، مرادی و سلمان‌پور (۱۳۹۶)، حسین‌زاده (۱۳۹۶)، رحمانی‌فضلی و عرب‌مازار (۱۳۹۵)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۶)، بهشتی، محمدزاده و قاسملو (۱۳۹۸) اشاره کرد. همچنین مطالعاتی

1. Income and Wealth Distribution

2. Gini Coefficient

در خصوص ارتباط شاخص پیچیدگی اقتصادی و توزیع درآمد یا ایجاد رفاه اقتصادی انجام شده است، مانند مؤتمنی، زبیری و شیرازی (۱۳۹۹) و شاه‌آبادی و ارغند (۱۳۹۷). اما براساس تحقیقات صورت گرفته، تاکنون مطالعه‌ای مشاهده نشده که به بررسی توزیع درآمد ایران و تأثیرات آن بر توزیع ثروت پرداخته باشد. به همین دلیل، در این مطالعه سعی شده تا ضمن پرداختن به این خلأ، نگاه عمیق‌تری به نابرابری درآمد و ثروت ایران شود.

بر این اساس، ساختار مطالعه حاضر در پنج بخش با استفاده از داده‌های مرکز آمار برای بررسی توزیع درآمد ایران در بازه کوتاه‌مدت و بلندمدت سازمان‌دهی شده است. پس از مقدمه، مبانی نظری و مطالعات صورت گرفته در این حوزه ارائه شده است. بخش بعدی به روش پژوهش اختصاص دارد که شامل معرفی متغیرها، روابط و تحلیل نتایج آزمون‌هاست و در انتها به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها پرداخته شده است.

## ۱. مبانی نظری

معیارهایی که اقتصاددان‌ها برای سنجش اختلاف در سطح رفاه اقتصادی به کار می‌برند شامل توزیع ثروت، توزیع درآمد و میزان مصرف هستند. توزیع نابرابری درآمدی که از اختلاف سطح رفاه بین افراد در یک گروه، یا بین گروه‌ها در یک جامعه یا بین کشورهای مختلف منتج می‌شود، بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد و بیکاری تأثیر گذاشته و در بلندمدت باعث کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شود و به تبع آن، تمرکز ثروت را در بخش محدودی از افراد جامعه به وجود می‌آورد.

گاربینتی، گوپیلبرت و پیکتی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، در تحقیقی تحت عنوان «محاسبه نابرابری ثروت پویا، روش‌ها، برآوردها و شبیه‌سازی‌ها برای فرانسه (۲۰۱۴-۱۸۰۰)»

1. Garbinti, Goupille-Lebret and Piketty

به بررسی ترکیبی از منابع و روش‌های مختلف (اطلاعات مالیات بر درآمد، ثبت ارث، حساب‌های ملی و مطالعات ثروت) به‌منظور ارائه سری‌های توزیع ثروت برای فرانسه در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۸۰۰ پرداختند. نتایج آنها نشان داد که از دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ افزایش نسبی تمرکز ثروت<sup>۱</sup> با نوسانات زیاد به‌علت تغییرات قیمت دارایی بوده‌اند. در واقع، افزایش نابرابری در درآمد از طریق نرخ پس‌انداز و نرخ بازده به افزایش تمرکز ثروت، به‌رغم تأثیر متضاد بر قیمت‌های مسکن منجر شده است. آنها در نهایت مدل شبیه‌سازی<sup>۲</sup> را توسعه دادند که نشان داد چگونه ترکیب نرخ پس‌انداز، نرخ بازگشت سرمایه و درآمد نیروی کار متفاوت، به اثرات شدید فزاینده و تمرکز ثروت پایدار منجر می‌شود و اینکه چگونه تغییرات کوچک در پارامترهای کلیدی تأثیر زیادی در نابرابری‌های بلندمدت دارد. همچنین آنها شرایطی را مورد بحث قرار دادند که تداوم افزایش انباشت در دهه‌های آینده در آن محتمل‌تر است.

از نظر پیکتی (۲۰۱۵a)، اولین قاعده بنیادی سرمایه‌داری این است که انباشت سرمایه به جریان درآمدی ناشی از سرمایه مربوط می‌شود و نسبت سرمایه به درآمد یا همان  $\beta$  با سهم درآمد از سرمایه مذکور درآمد ملی ارتباط پیدا می‌کند که با آلفا نشان داده می‌شود و  $(\alpha = R * \beta)$  که  $R$  نرخ بازگشت سرمایه است. قانون دوم بنیادین سرمایه این است که در بلندمدت نسبت سرمایه به درآمد یعنی  $\beta$ ، با نرخ پس‌انداز ( $S$ ) و نرخ رشد ( $G$ ) ارتباط پیدا می‌کند  $(\beta = S / G)$  یعنی در بلندمدت نابرابری اقتصادی، ناشی از شکاف ثروتی است که به ارث برده شده است. در نتیجه اقتصاد از نظر پیکتی (۲۰۱۴) در حال حرکت به سمت سرمایه‌داری موروثی است؛ در نهایت بازگشت سرمایه ( $R$ ) بزرگ‌تر از نرخ رشد اقتصادی ( $G$ ) می‌شود. در مورد

---

1. Aggregate Wealth  
2. Simulations

سهام عوامل تولید، سهمی از درآمد ملی که به سرمایه تعلق می‌گیرد، بیشتر از سهمی است که به نیروی کار تعلق می‌گیرد که این به نابرابری بیشتر درآمد منجر می‌شود. در نتیجه سرمایه‌داری را در قرن ۲۱ در مسیر یک‌طرفه به سمت نابرابری می‌داند، مگر در حالی که برنامه‌ریزی‌های مدونی پیش‌بینی شود.

به‌طور کلی برای سنجش نابرابری‌های درآمدی در کشورها از شاخص‌هایی همچون ضریب جینی استفاده می‌شود. اما این شاخص تحت شرایطی، افراد با پس‌انداز اندک یا صفرها را بیش از اندازه برآورد می‌کند که به‌نظر می‌رسد در کنار روش‌هایی که برای سنجش نابرابری ثروت در دسترس هستند، هر کدام بسته به پارامترهای به‌کار رفته در آنها می‌تواند نشان از نقاط ضعف و قوت مختلفی در مسیر تحلیل این پارامترها باشد (Denardi, Erick and Jones, 2016: 5).

تحلیل‌های متفاوتی نیز در مورد علل نابرابری ثروت وجود دارد. نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که تمایل به پس‌انداز، تملک منزل مسکونی، نرخ‌های بازده مختلف، سازوکارهای ارث و تفاوت در پس‌انداز و صرفه‌جویی بین افراد جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد نابرابری در ثروت هستند (Durand, Murtin and Janeiro, 2015: 8; Franzini and Pianta, 2015: 15; Piketty, 2015b: 11).

با وجود بررسی‌های مشابه انجام شده، کماکان یکی از تحقیقات مورد نیاز در ایران بررسی روند نابرابری توزیع درآمد و ثروت است. لذا این مطالعه در نظر دارد تا به کمک متغیرهای درآمد و ثروت خانوار، مسیر نابرابری را در کوتاه‌مدت و در حالت پایدار بلندمدت مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

از آنجاکه اقتصاددانان بسیاری مفهوم نابرابری درآمد یا ثروت را با توجه به مطالعات

خاص خود، از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند، بنابراین دور از ذهن نیست که دیدگاه واحدی از مفهوم نابرابری در میان اقتصاددانان وجود نداشته باشد. پیکتی و زوکمان<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) برآورد کردند که برای یک سطح مشخص از نابرابری مثل نابرابری در درآمد نیروی کار، نرخ پس‌انداز و نرخ بازده، هرچه شکاف بین نرخ تورم و نرخ مالیات بر سود با نرخ رشد اقتصادی بیشتر باشد، سطح نابرابری ثروت بیشتر خواهد بود. گابیکس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۶) نیز نشان دادند که به معرفی هر دو نرخ بازده و نرخ پس‌انداز نیاز است و هدف اصلی آنها توضیح افزایش سریع نابرابری گروه‌های با درآمد بالا در آمریکا در اوایل دهه ۱۹۸۰ است. خارلاموا، استاویتسکی و زاروتیادیس<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) طی تحقیقی نشان دادند که کشورهای اروپای مرکزی و انگلیس در چنان سطحی از توسعه و توزیع مجدد درآمد در اقتصاد هستند که هر تغییر در بهره‌وری نیروی کار با نابرابری درآمد قابل ملاحظه‌ای همراه نیست. ولی برخی کشورهای دیگر به دلیل وابستگی زیاد به اقتصادهای بزرگ‌تر و نبود سازوکار پیشرفته توزیع مجدد درآمد، تحت تأثیر تغییرهای فناوری قرار دارند. لو<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) نیز در پژوهشی، بین نابرابری درآمد ناشی از تفاوت در بهره‌وری نیروی کار و نابرابری درآمد ناشی از تفاوت در درآمد سرمایه، تمایز قائل شده است که خود نکته قابل تأملی در روند شناسایی توزیع ثروت میان دهک‌های درآمدی است.

سرخوش‌سرا و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در ایران در چارچوب دیدگاه‌های توماس پیکتی: رویکرد خودتوضیح‌برداری ساختاری» عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی ایران را در چارچوب

1. Zucman

2. Gabaix

3. Kharlamova, Stavtyskyy and Zarotiadis

4. Luo



دیدگاه‌های توماس پیکتی با استفاده از الگوی خودتوضیح‌برداری ساختاری SVAR برای دوره ۱۳۹۴-۱۳۵۲ مورد تحلیل قرار دادند. نتایج نشان داد که افزایش شکاف نرخ بهره و رشد ( $r-g$ ) ارتباط مثبت و معناداری با افزایش نابرابری و سهم سرمایه از درآمد ملی در ایران نداشته و شواهد محکمی برای تأیید فرضیه پیکتی در ایران وجود ندارد. اشرف گنجوی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در تحقیق «برآورد تأثیر عدم قطعیت متغیرهای کلان اقتصادی و تجارت خارجی بر توزیع درآمد بین دهک‌های درآمدی»، به این نتیجه رسیدند که تورم، بیشترین تأثیر را بر نابرابری درآمدی دهک‌های اول، دوم، سوم، چهارم، هفتم و هشتم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بیشترین تأثیر را بر نابرابری درآمدی دهک‌های نهم و دهم دارد. این نتایج از لحاظ برنامه‌ریزی در مسائل اقتصاد کلان از جمله کنترل تورم و همچنین آماده‌سازی و ایجاد بسترهای اقتصادی لازم برای بهره‌مندی از روابط تجارت خارجی برای کاهش نابرابری درآمدی دهک‌ها اهمیت فراوانی دارند.

### ۳. روش‌شناسی

الگوی مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از مطالعه نابرابری ثروت گاربینتی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) است. در مدل پیکتی، داده‌های کامل مربوط به درآمد و ثروت خانوار در دسترس بوده و مبنای محاسبات قرار گرفته است. اما از آنجاکه اطلاعات ثروتی در دسترس خانوار ایران فقط شامل کارخانه‌ها، املاک و مستغلات مسکونی و اجاره‌ای و مغازه‌ها بوده و شامل اوراق، سهام، طلا، ارز و سپرده‌ها نمی‌شود، لذا از متغیرهای جانشین استفاده شد. سپس با الگوگیری از تحقیق پیکتی و همکارانش فرض شد که درآمد خانوار از دو منبع ناشی می‌شود؛ یکی از سرمایه که همان

1. Garbinti et al.

دارایی‌هاست و شامل درآمد پولی و غیرپولی متفرقه می‌شود و دیگری از کار به دو صورت پولی و غیرپولی که از مجموع مشاغل آزاد (کشاورزی و غیرکشاورزی) و حقوق‌بگیری (عمومی، خصوصی و تعاونی) به دست می‌آید تا بتوان با داده‌های موجود در پرسشنامه خانوار، آنها را محاسبه کرد.

بدین منظور درآمد پولی و غیرپولی خانوارهای شهری، هزینه‌های خانوارهای شهری و حساب‌های کلان (تورم و ...) از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ جمع‌آوری شد. سپس با محاسبه داده‌های مورد نیاز به کمک ابزار پیوت تیبل<sup>۱</sup> اکسل، مدل‌های توزیع درآمد و ثروت مورد بررسی قرار گرفت.

تمرکز این پژوهش بر انباشت ثروت دهک‌های مختلف درآمدی بوده و برای محاسبه و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، تحولات کوتاه‌مدت (با نوسانات شدید قیمت نسبی دارایی‌ها) از بلندمدت تفکیک شد. بخش اول مدل‌ها به محاسبه دارایی، برای نشان دادن تأثیر نیروهای کلیدی (سود حقیقی سرمایه و نرخ پس‌انداز) در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۰ در کوتاه‌مدت اختصاص دارد؛ بخش دوم جزئیات فنی سهم ثروت در بلندمدت و در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۰ را گزارش می‌دهد.

### ۳-۱. توزیع درآمد و ثروت در کوتاه‌مدت

بر اساس مدل پیکتی رابطه تجمع دارایی  $A$  از یک گروه درآمدی  $i$  در زمان  $t+1$  و متغیرهای مورد استفاده آن به صورت رابطه (۱) است.

$$A_T^i = \prod_{t=0+1}^{t=T} (1+p_t)(1+q_{t,A})(1+s_{t,A}^i) A_{t0}^i \quad (1)$$

$A_{t0}^i$ : دارایی دهک  $i$  در زمان  $t$ .

$A_{t+1}^i$  و  $A_t^i$ : دارایی دهک  $i$  در زمان  $t+1$  و  $t$ .

$A_T^i$ : کل دارایی دهک  $i$  در طی زمان

$s_{t,A}^i$ : نرخ رشد دارایی ناشی از پس انداز

$q_t$ : نرخ حقیقی سود سرمایه

$p_t$ : نرخ تورم

که در آن  $q$  بازده حقیقی سود سرمایه، حاصل تفاضل نرخ تورم از نرخ بهره اسمی دارایی اول (درآمد متفرقه پولی) و نرخ بهره اسمی دارایی دوم (درآمد متفرقه غیر پولی) است.

$$q_{t,A_1} = r_{t,A_1} - p_t$$

$$q_{t,A_2} = r_{t,A_2} - p_t$$

(۲)

برای اندازه گیری میزان نرخ بهره اسمی دارایی ها در هر سال از نسبت تفاضل دارایی اول و دوم در سال های متوالی به دارایی سال پایه آن دارایی، استفاده شد:

$$r_{t,A_1} = \frac{MInvInc_{t+1} - MInvInc_t}{MInvInc_t}$$

$$r_{t,A_2} = \frac{NInvInc_{t+1} - NInvInc_t}{NInvInc_t}$$

(۳)

و معادله حسابداری ساده برای توصیف انباشت ثروت بین دوره  $t$  و  $t+1$  به شکل رابطه (۴) در نظر گرفته شد:

$$W_{t+1} = (1 + p_t)(1 + q_t)(W_t + s_t(Y_{Lt} + r_t W_t))$$

(۴)

$p_t$ : نرخ تورم

$q_t$ : بازده حقیقی سود سرمایه

$W_t$ : انباشت ثروت

$s_t$ : نرخ پس انداز

$Y_{L_t}$ : درآمد ناشی از کار

$r_t$ : نرخ بهره اسمی

و سهم دهک  $p$  از ثروت از رابطه زیر به دست آمد:

$$sh_{W_{t+1}}^p = \frac{W_{t+1}^p (1+q_t^p) W_t^p + s_t^p (Y_{L_t}^p + r_t^p W_t^p)}{W_{t+1}^p (1+q_t) W_t + s_t (Y_{L_t} + r_t W_t)} \quad (5)$$

$$\frac{W_t}{Y_{L_t}} = \frac{W_t}{Y_t} \frac{Y_t}{Y_{L_t}} = \frac{\beta_t}{1-\alpha_t} \quad (6)$$

پارامترهای مربوط به توزیع درآمد نیز آلفا  $\alpha$  برابر نسبت درآمد ناشی از سرمایه

(ثروت) به درآمد کل و بتا برابر  $\beta$  نسبت سرمایه (ثروت) به درآمد کل است:

$$\beta = \frac{w}{y}, \text{ و } \alpha = \frac{rw}{y} \quad (7)$$

## ۲-۳. توزیع درآمد و ثروت در بلندمدت

براساس مدل پیکتی در بلندمدت فرض شد که سود تغییرات سرمایه نسبی ناپدید شود<sup>۱</sup> و قیمت‌های دارایی با همان نرخ در طولانی مدت افزایش یابد (که باید در برخی موارد نرخ‌های متفاوتی وجود داشته باشد، در غیر این صورت تنها یک دارایی باقی می‌ماند) و این نرخ همان تورم قیمت مصرف‌کننده است (در غیر این صورت نسبت درآمد ثروت به بی‌نهایت می‌رود)، یعنی:

$$sh_{W_t}^p = sh_W^p \quad (8)$$

۱. یعنی در بلندمدت به علت نرخ تورم با نرخ بازدهی درآمد غیرپولی برابر می‌شود، در نتیجه  $q$  بازده حقیقی سود سرمایه صفر خواهد شد.

و این برابر است با:

$$sh_W^p = \frac{s^p \left( \frac{1-\alpha}{\beta} \right)}{s \left( r + \frac{1-\alpha}{\beta} \right) - s^p \times r^p} sh_{YL}^p \quad (9)$$

با استفاده از:

$$\beta = \frac{s}{g} \text{ and } \alpha = \frac{sr}{g} \quad (10)$$

که فرمول حالت پایدار (۹) را می‌توان به‌تناوب محاسبه کرد:

$$sh_W^p = \left( 1 + \frac{s^p r^p}{g - s^p r^p} \right) \frac{s^p}{s} sh_{YL}^p \quad (11)$$

با:

$$\begin{cases} r = r^p \cdot sh_W^p + r^{1-p} (1 - sh_W^p) \\ s = s^p \cdot sh_r^p + s^{1-p} (1 - sh_r^p) \\ sh_r^p = \frac{s}{g} (r^p \cdot sh_W^p - r \cdot sh_{YL}^p) + sh_{YL}^p \end{cases} \quad (12)$$

که با تحلیل رابطه (۱۱) و (۱۲) می‌شود:

$$sh_W^p = \frac{s^p \cdot sh_{YL}^p (g - s^{1-p} r^{1-p})}{(g - s^p r^p) [s^{1-p} (1 - sh_{YL}^p) + s^p \cdot sh_{YL}^p] + s^p \cdot sh_{YL}^p (s^p r^p - s^{1-p} r^{1-p})} \quad (13)$$

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱. تحلیل نتایج در کوتاه‌مدت

در این مطالعه فرض شد درآمد خانوار از دو منبع ناشی می‌شود: یکی از سرمایه

که همان دارایی‌هاست و شامل درآمد پولی و غیرپولی متفرقه می‌شود و دیگری از کار پولی و غیرپولی که از مجموع مشاغل آزاد (کشاورزی و غیرکشاورزی) و حقوق‌بگیری (عمومی، خصوصی و تعاونی) به‌دست می‌آید و براساس مقادیر پارامترها در بخش قبل، نتایج معادله تجمع دارایی (انباشت سرمایه)  $A_1$  و  $A_2$  برای هر دهک  $i$  در زمان  $t+1$  براساس رابطه زیر محاسبه شد:

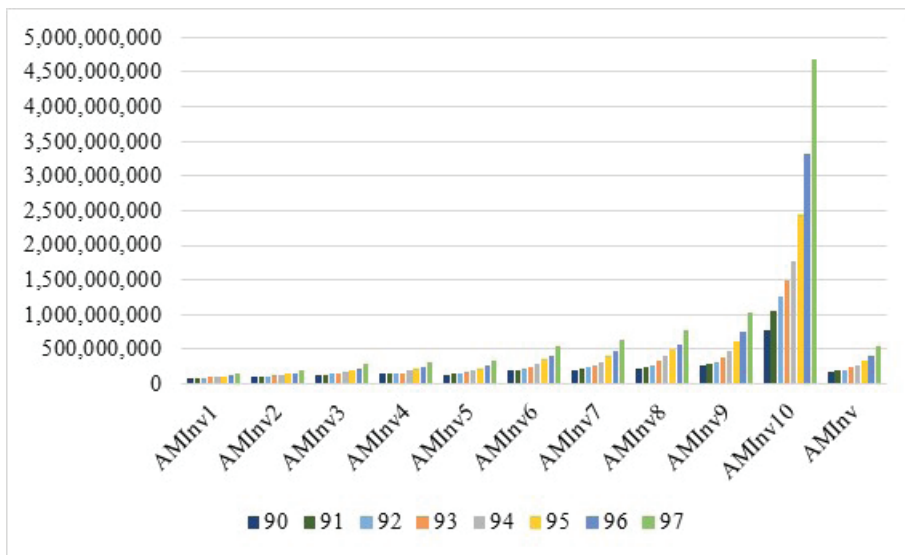
$$A_{t+1}^i = (1+p_t)(1+q_{t,A}) (1+s_{t,A}^i) A_t^i \quad (14)$$

و سهم دهک  $p$  از ثروت، از رابطه (۱۵) به‌دست آمد:

$$sh_{W_{t+1}}^p = \frac{W_{t+1}^p}{W_{t+1}} \frac{1+q_t^p}{1+q_t} \frac{W_t^p + s_t^p (Y_{L_t}^p + r_t^p W_t^p)}{W_t + s_t (Y_{L_t} + r_t W_t)} \quad (15)$$

پیکنی دارایی را به ارزش جاری محاسبه کرد. بر این اساس جریان‌سازی درآمد آن دارایی‌ها برآورد شد که نتایج آن براساس نمودار ۱ به‌دست آمد.

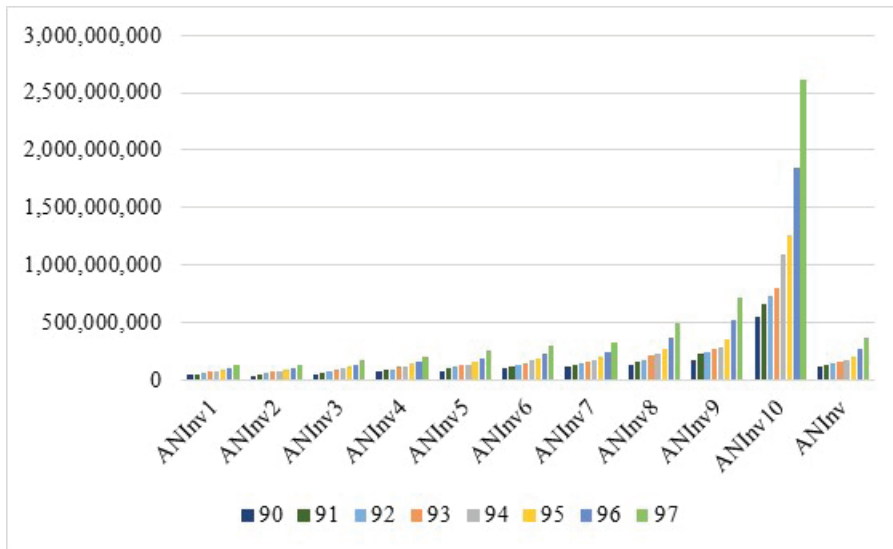
نمودار ۱. میزان درآمد متفرقه پولی (دارایی اول) تفکیک دهک از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷



مأخذ: یافته‌های پژوهش براساس داده‌های مرکز آمار ایران.

همان‌طور که مشخص است سهم دارایی ناشی از درآمدهای متفرقه پولی دهک دهم نسبت به دهک‌های اولیه، رقم بسیار پایینی است. همچنین مقدار دارایی در دهک‌های پایین تغییر خاصی نداشته، اما در دهک‌های بالا به‌ویژه در دهک دهم در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۰، بیش از ۶ برابر شده و در سال ۱۳۹۷ نسبت دارایی دهک دهم به دهک اول بیش از ۴۵ برابر شده است. همچنین با توجه به روند ترسیم شده برای دارایی‌های ناشی از درآمد غیرپولی، درصد بالایی از دارایی‌ها در اختیار دهک‌های بالاست که این مقدار برای دهک دهم در سال ۱۳۹۷ نسبت به سایر دهک‌ها به اوج خود رسیده است.

نمودار ۲. میزان درآمد متفرقه غیر پولی (دارایی دوم) به تفکیک دهک از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷

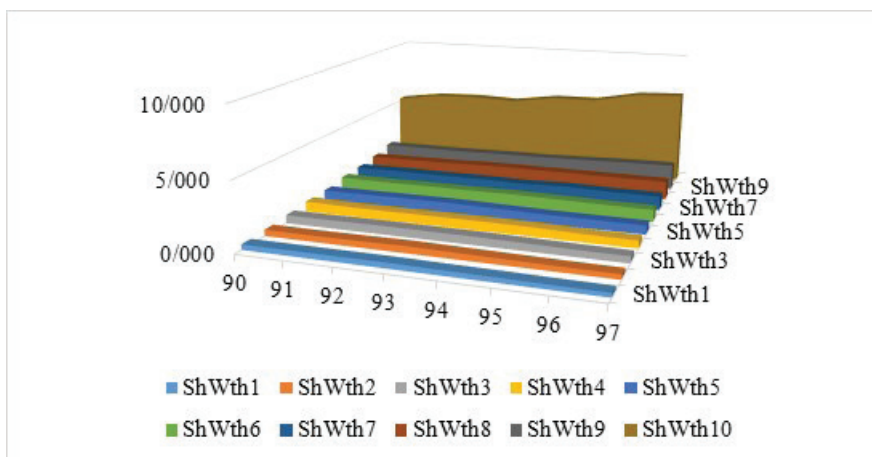


مأخذ: همان.

در نمودار ۲ هم تغییرات دارایی‌های متوسط افراد جامعه ملاحظه می‌شود که اندکی از دهک هفتم بالاتر است و این نشان می‌دهد که سطح بالای دارایی‌ها در دهک‌های بالا، توازن متوسط جامعه را به نفع خود متمرکز کرده است. اما سهم دهک  $i$  از ثروت چگونه به دست می‌آید؟ وقتی که فرد جریانی از درآمدها را به دست می‌آورد، می‌توان براساس آن، ثروت را تخمین زد تا براساس روابط بررسی شود چه سهمی از این دارایی‌ها در جامعه برای دهک دهم و چه مقدار برای دهک نهم و چه میزان برای سایر دهک‌هاست. بنابراین با محاسبه و ترسیم رابطه مورد نظر می‌توان به نمودار ۳ رسید.



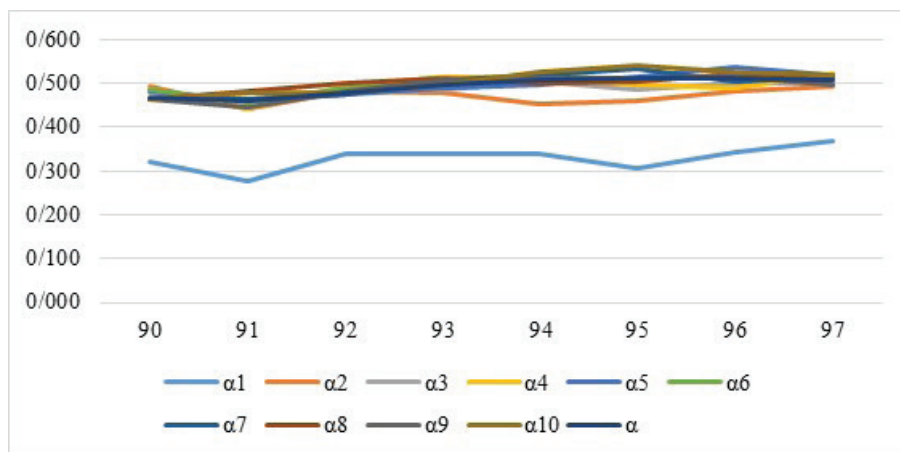
نمودار ۳. سهم دهک i ام از توزیع ثروت از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷



مأخذ: همان.

کاملاً گویاست سهم دهک‌های مختلف طی زمان، تقریباً ثابت بوده و پنج دهک اول نه تنها تقریباً چیزی نداشته‌اند، بلکه با گذشت زمان بدتر هم شده‌اند اما دهک دهم با حفظ سهم بالا طی زمان روند صعودی را تجربه کرده است. همان‌طور که گفته شد،  $\alpha$  نسبت درآمد ناشی از سرمایه (ثروت) به درآمد کل و  $\beta$  نسبت سرمایه (ثروت) به درآمد کل است. اینکه آلفا و بتا چگونه سهم‌های ثروت را تحت تأثیر قرار می‌دهند در نمودارهای بعدی نشان داده شده است.

نمودار ۴. سهم درآمد ناشی از کار به درآمد کل ( $\alpha$ ) به تفکیک دهک از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷

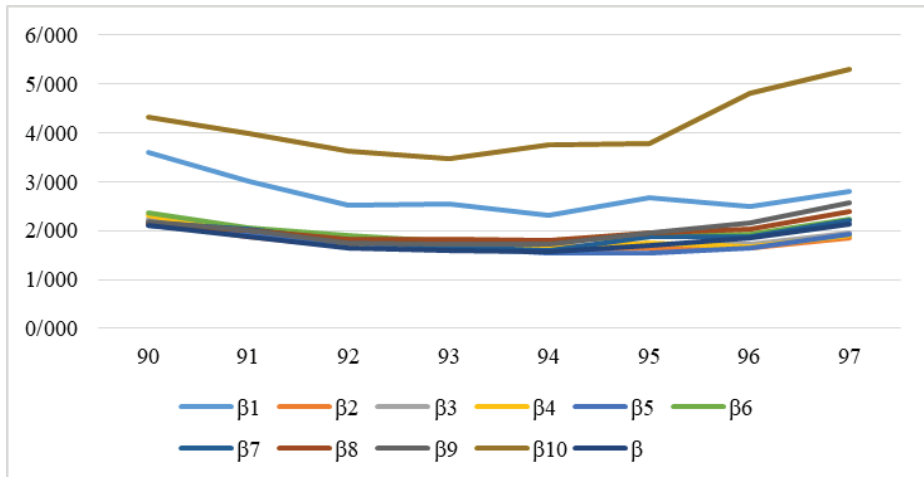


مأخذ: همان.

نمودار ۴ نشان می‌دهد آلفا طی زمان تغییر چندانی نمی‌کند، اما در هر سال عددی به دست می‌آید که برای اغلب دهک‌ها بین ۴۰ تا ۵۰ درصد آن ناشی از ثروت است. در دهک اول هم به دلیل وجود دارایی‌های قابل توجه، بیشتر درآمد خانوارها از درآمد ناشی از کار تأمین می‌شود.

نمودار ۵. میزان سهم درآمد ناشی از سرمایه ( $\beta$ ) به درآمد کل به تفکیک دهک از سال

۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷



مأخذ: همان.

نتایج نمودار ۵ حاکی از آن است که درصد تفاوت زیادی میان دهک‌های بالا و پایین وجود دارد و این به معنای آن است که به‌رغم سایر دهک‌ها در دهک‌های بالا به‌خصوص دهک دهم سهم زیادی از درآمدها ناشی از ثروت است که این نشان از شکاف عمیق بین دهک‌های درآمدی دارد. همان‌طور که شیب رو به بالای منحنی دهک دهم را نشان می‌دهد، فاصله بین نمودارها در دوره زمانی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ عمیق‌تر شده است که آثار شوک تورمی و افزایش قیمت مسکن می‌تواند توجیه‌کننده خوبی برای تمایز نمودار دهک دهم از سال ۱۳۹۳ به بعد باشد.

درآمد ناشی از کار و سرمایه دهک دهم نیز در دوره زمانی یادشده روند صعودی داشته، بنابراین نابرابری درآمدی در طول زمان، نابرابری ثروت را تشدید کرده و با گذشت زمان سهم دهک دهم از ثروت افزایش و سایر دهک‌های درآمدی کاهش یافته است (ساکیان و همکاران، ۱۳۹۹).

## ۲-۴. تحلیل نتایج در بلندمدت

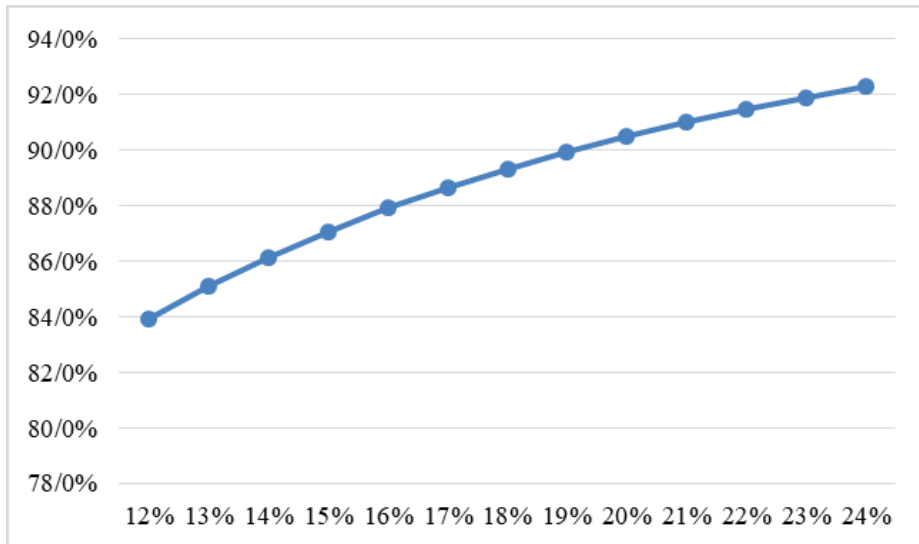
از آنجاکه بررسی آمارهای مربوط به نحوه توزیع سهم ثروت دهک دهم، نشان دهنده نوعی انتقال درآمدی در میان دهک‌هاست، در نتیجه سهم ثروت در حالت پایدار از رابطه زیر به دست آمد:

$$sh_W^p = \frac{s^p \cdot sh_{YL}^p (g - s^{1-p} r^{1-p})}{(g - s^p r^p) [s^{1-p} (1 - sh_{YL}^p) + s^p \cdot sh_{YL}^p] + s^p \cdot sh_{YL}^p (s^p r^p - s^{1-p} r^{1-p})} \quad (۱۶)$$

که از طریق آن می‌توان اهمیت نسبی پارامترهای مختلف (نرخ رشد اقتصادی، نرخ بازده و نرخ پس‌انداز) را به دست آورد.

همان‌طور که در نمودار ۶ مشاهده می‌شود، طی زمان با افزایش پس‌انداز دهک دهم، سهم ثروت این دهک نسبت به سایر دهک‌ها رو به افزایش بوده است.

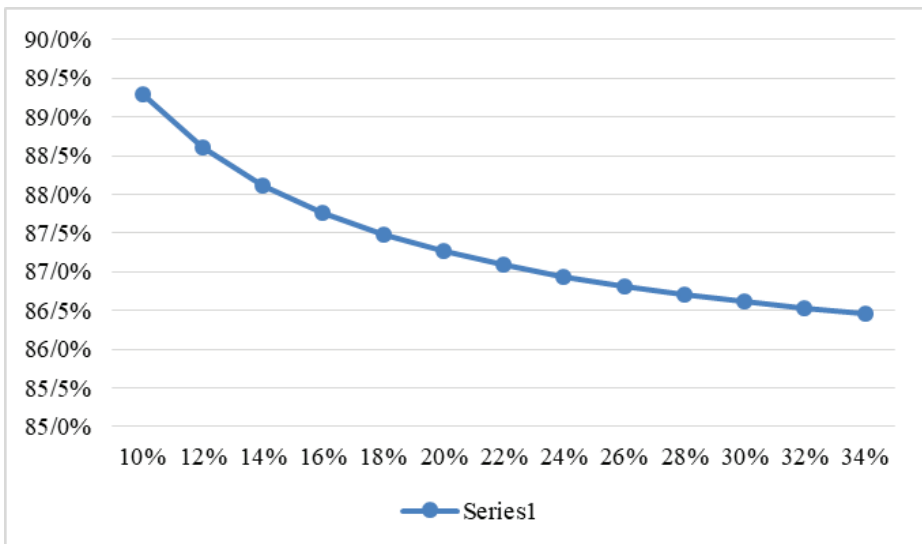
نمودار ۶. سهم ثروت دهک دهم از کل ثروت براساس پس‌انداز دهک دهم



مأخذ: همان.

وقتی کشور، رشد متوسط بالایی را تجربه می‌کند، نشان‌دهنده افزایش درآمد افراد جامعه است. حال مهم این است که نحوه سهم‌بری افراد مختلف جامعه از این میزان افزایش درآمد به چه صورت بوده است؟ با افزایش درآمد و افزایش تولید ناخالص داخلی، پس‌انداز نیز افزایش می‌یابد (حجم پس‌انداز کمتر از مصرف افزایش خواهد یافت)، اما افزایش آن سبب بالا رفتن سایر هزینه‌ها و نیز بالا رفتن تورم در کشور شده که این مهم موجب کاهش قدرت خرید و افزایش مخارج مصرفی و در نهایت کاهش پس‌انداز خواهد شد. افزایش رشد اقتصادی متوسط، کاهش پس‌انداز و سهم دهک دهم در نمودار نزولی ۷ نشان داده شده است. مطلب مهم در این بخش این است که منظور پیکتی از رشد اقتصادی در حالت پایدار، حالت متوسط آن در بلندمدت بوده است و طبیعتاً به زمان و رشد اقتصادی سال به سال مرتبط نیست.

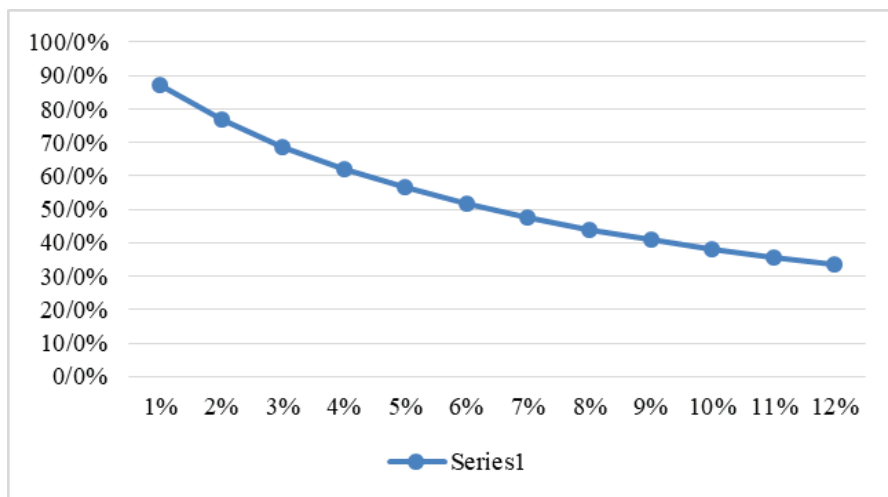
نمودار ۷. سهم ثروت دهک دهم براساس تغییرات رشد اقتصادی متوسط



مأخذ: همان.

با توجه به نمودار ۸، در صورتی که پس‌انداز سایر دهک‌ها رو به افزایش باشد، سهم دهک دهم از کل کاسته شده و به سهم سایر دهک‌ها افزوده می‌شود. در واقع این موضوع با این مسئله ارتباط دارد که نرخ کلی پس‌انداز یک اقتصاد در بلندمدت صفر است. البته به این معنا نیست که هیچ‌کس به پس‌انداز یا مصرف دارایی‌های خود نمی‌پردازد، بلکه به این معناست که پس‌اندازهای مثبت دهک‌هایی که به انباشت دارایی مشغولند، دقیقاً برابر است با پس‌اندازهای منفی دهک‌های دیگری که به مصرف دارایی‌های خود می‌پردازند و برای اقتصادهای در حال رشد، احتمالاً پس‌انداز در بلندمدت مثبت است تا موجودی دارایی‌های سرمایه‌ای با تعداد کارگران و بهره‌وری آنها انطباق پیدا کند.

نمودار ۸. سهم ثروت دهک دهم براساس تغییرات پس‌انداز سایر دهک‌ها

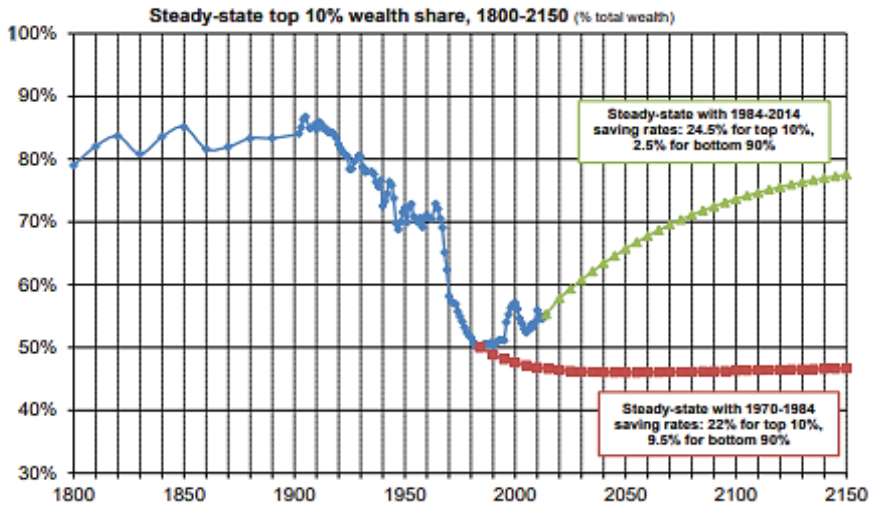


مأخذ: همان.

در تحقیق پیکتی فرض شده که با توجه به داده‌های موجود در کوتاه‌مدت، بتوان سهم ثروت ۱۰ درصد بالای جامعه را تا سال ۲۱۵۰ پیش‌بینی کرد که نتایج نشان

داده تا قبل از سال ۲۰۰۰ این روند کاهشی و در شرایط پایدار بلندمدت ثابت بوده که امری طبیعی است. اما آنچه در واقعیت تا سال ۲۰۱۵ رخ داده، افزایش سهم ثروت ۱۰ درصد بود که به توزیع نابرابرتر درآمد و ثروت منجر شده است که نشان از سیاست‌های غلط اقتصادی در برخی از ادوار تجاری دارد.

نمودار ۹. سهم ثروت دهک دهم در شرایط پایدار



مأخذ: همان.

نتایج مدل به منظور برآورد روند سهم ثروت طی زمان، در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در دو بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت، سهم درآمد نیروی کار تقریباً ثابت مانده، اما تفاوت این سهم در ۱۰ درصد دهک بالا و ۹۰ درصد سایر دهک‌ها غیرقابل اغماض است. در حالی که نیزه رشد اقتصادی فرضی ۱۶ و ۲۲ درصد برای بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت نشان داده شد، سهم ثروت تعادلی ۸۷ و ۷۹ درصد برای ۱۰ درصد دهک بالا و ۱۳ و ۲۱

درصد برای سایرین، به‌وضوح شکاف قابل پیش‌بینی را نشان داده است. همچنین در محاسبات انجام گرفته، نرخ پس‌انداز ۱۵ و ۱۶ درصد دهک بالا در مقابل نرخ پس‌انداز ۱ و ۲ درصد برای سایرین به‌دست آمد.

جدول ۲. سهم دهک دهم و سایر دهک‌ها از ثروت، در بازه کوتاه‌مدت و بلندمدت

دوره زمانی	نرخ رشد اقتصادی	۱۰ درصد گروه ثروت			۹۰ درصد گروه ثروت		سهم ثروت حالت تعادلی	
		سهم درآمد نیروی کار	نرخ بازگشت	نرخ پس‌انداز	نرخ پس‌انداز	نرخ بازگشت	۱۰ درصد	۹۰ درصد
۱۳۹۷-۱۳۸۰	۲۲	۲۸	۲۱	۱۵	۱	۲۱	۸۷	۱۳
۱۳۹۷-۱۳۹۰	۱۶	۲۷	۲۱	۱۶	۲	۱۹	۷۹	۲۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش براساس داده‌های مرکز آمار ایران.

در بخش بعدی تحقیقات، پیکتی براساس یک‌سری فرض قابل پیش‌بینی در قالب شش سناریو، (جدولی مشابه جدول ۳) برای فرانسه ارائه داد که در آن پارامترهای مربوطه در دو طیف سطح پایین و بالا در نظر گرفته شده‌اند. در این راستا و براساس الگوی مورد نظر، نتایج این شش سناریو برای وضعیت ثروت در کشور ایران طبق جدول ۳ نشان داده شده است.



جدول ۳. سهم دهک دهم و سایر دهک‌ها از ثروت، براساس شش سناریوی پیکتی

(درصد)

سناریوی	نرخ رشد اقتصادی	۱۰ درصد گروه ثروت			۹۰ درصد گروه ثروت		سهم ثروت حالت تعادلی	
		سهم درآمد نیروی کار	نرخ بازگشت	نرخ پس‌انداز	نرخ پس‌انداز	نرخ بازگشت	۱۰ درصد	۹۰ درصد
۱	۱۰	۲۸	۱۰	۴۰	۱	۱۰	۹۶	۴
۲	۳۰	۲۸	۳۰	۴۰	۱	۳۰	۹۶	۴
۳	۳۰	۲۸	۱۰	۴۰	۱	۱۰	۹۵	۵
۴	۳۰	۲۸	۱۰	۱۰	۵	۱۰	۴۴	۵۶
۵	۳۰	۲۸	۳۰	۱۰	۵	۳۰	۴۵	۵۵
۶	۱۰	۲۸	۱۰	۱۰	۵	۱۰	۴۵	۵۵

مأخذ: همان.

در جدول ۳، با توجه به فروض مورد نظر، سهم درآمد نیروی کار ۲۸ درصد ثابت در نظر گرفته شده، اما نرخ رشد اقتصادی و نرخ بازگشت سرمایه و نرخ پس‌انداز برای هر دو دهک ۱۰ و ۹۰ درصد ماکزیمم و مینیمم فرض شده است. همچنین در سناریوهای یک تا شش آنچه که برای سهم ثروت حالت تعادلی به دست آمد، حاکی از این است که نرخ رشد اقتصادی مینیمم و نرخ پس‌انداز ماکزیمم، سهم ثروت تعادلی دهک بالا را افزایش داده و سهم ثروت تعادلی سایر دهک‌ها را کاهش می‌دهد.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، توزیع درآمد و ثروت به تفکیک دهک‌های درآمدی در ایران طی بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت ارزیابی شد. نتایج تحقیق نشان داد طی زمان با افزایش پس‌انداز، سهم ثروت دهک دهم نسبت به سایر دهک‌ها رو به افزایش بوده است

و در دو بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت، حتی اگر سهم درآمد نیروی کار تقریباً ثابت بماند، تفاوت این سهم در ۱۰ درصد دهک بالا و ۹۰ درصد سایر دهک‌ها نشان از شکاف عمیق بین این دهک‌ها دارد و به‌علت وجود شکاف درآمدی، دهک‌های بالای درآمدی و ثروتمندان سهم بیشتری از درآمد می‌برند که این باعث می‌شود انباشت ثروت در دست دهک‌های بالای درآمدی افزون‌تر شود و لذا شکاف ثروت بین فقرا و ثروتمندان افزایش پیدا کند. همچنین مشاهده شد که در کوتاه‌مدت دارایی‌های مختلف با نرخ‌های متفاوت رشد می‌کنند و این باعث می‌شود که تمرکز دارایی به‌صورت نابرابر در یک یا چند بازار خاص به‌وجود آید. اما در بلندمدت و در حالت پایدار اگر  $q$ ، یعنی بازده سرمایه صفر باشد (نرخ تورم با نرخ بهره اسمی سرمایه برابر شود)، مزیت دارایی‌ها (پولی و غیرپولی) نسبت به هم از بین می‌رود و با نرخ تورم رشد می‌کند. لذا نرخ بازده در تمام بازارها یکسان می‌شود و افراد تمرکز خاصی به یک بازار نخواهند داشت؛ در نتیجه سهم ثروت دهک دهم ( $p$ ) در مقایسه با ثروت کل ثابت بوده و متغیر نیست. پس به‌دنبال آن تنوع سرمایه‌گذاری به‌وجود خواهد آمد که سیاست رشد اقتصادی را نیز در پی خواهد داشت و هدف مکانیسم بازار هم دقیقاً این مهم را دنبال می‌کند که با ابزارهای متناسب بتواند در بلندمدت تعادل را در بازارها ایجاد کند. این حالت ایدئالی است که براساس مطالعه پیکتی برای ایران نیز پیش‌بینی شد، اما به‌دلیل سیاست‌های نادرست اقتصادی به برهم‌خوردن تعادل پایدار در بلندمدت منجر شد، به‌طوری‌که نابرابری ثروت به نفع دهک‌های بالا شدت یافت.

گفتنی است اطلاعات ثروت در دسترس خانوار در ایران فقط شامل کارخانه‌ها، املاک و مستغلات مسکونی، اجاره‌ای و مغازه‌ها بوده و شامل اوراق، سهام، طلا، ارز و سپرده‌ها نمی‌شود. پس قابل پیش‌بینی است نتایجی که به‌دست آمده، یک برآورد حداقلی است و سطح شکاف فراتر از آن برآورد می‌شود، زیرا بیش از ۵۰ درصد سهم

ثروت بدون احتساب سپرده‌ها، اوراق و ... فقط در اختیار کسانی است که در دهک دهم قرار دارند؛ یعنی در صورت لحاظ داده‌های مربوطه، شکاف ثروت بالاتر از نتایج محاسبات به دست می‌آید.

در نهایت به نظر می‌رسد توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جوامع مختلف ارتباط متقابلی با رشد اقتصادی دارد و به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند متأثر از نقش دولت باشد. به طور مثال در خصوص توزیع نابرابر درآمد و ثروت در دهک‌های بالا، دولت با اعمال مالیات بر دارایی می‌تواند مانع از رشد نابرابر آن شود. همچنین تلاش‌های اقتصاددانان و پژوهشگران برای شناسایی پارامترهای تأثیرگذار، نقش مهمی در ایجاد، حذف یا توسعه نابرابری ایفا می‌کند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود با محاسبه سایر اشکال دارایی و ثروت همچون اوراق قرضه و سهام که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته، بتوان تحقیقات پیکتی را در ایران تکمیل کرده تا ابعاد دیگری از توزیع درآمد و ثروت ارزیابی شود.

## منابع و مآخذ

۱. ابونوری، اسمعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۵). «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران (مطالعه بین استانی)»، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴، ش ۷۷.
۲. احمدی، علی‌اکبر، محمداسماعیل رستمی‌نیا و علیرضا غیبی (۱۳۹۵). «اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM»، *اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*، دوره ۱۰، ش ۳۶.
۳. اشرف گنجوی، رضا، حسین اکبری‌فرد، سیدعبدالمجید جلابی و ماشاءاله ماشین‌چی (۱۴۰۰). «برآورد تأثیر عدم قطعیت متغیرهای کلان اقتصادی و تجارت خارجی بر توزیع درآمد بین دهک‌های درآمدی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، دوره ۱۸، ش ۳.
۴. بهشتی، محمدباقر، پرویز محمدزاده و خلیل قاسملو (۱۳۹۸). «عوامل اساسی مؤثر بر نابرابری درآمدی در بین استان‌های ایران»، *پژوهش‌های برنامه و توسعه*، دوره ۱، ش ۱.
۵. حسین‌زاده، هدایت (۱۳۹۶). «تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۵، ش ۸۲.
۶. دهقانی، علی، سیدمحمدحسن حسینی، محمد فتاحی و صمد حکمتی فرید (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰، رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم»، *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۶، ش ۲۱.
۷. رحمانی‌فضلی، هادی و عباس عرب‌مازار (۱۳۹۵). «تأثیر شکاف بودجه استانی بر شکاف درآمد منطقه‌ای استان‌های ایران با استفاده از مدل PVAR»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۱۰، ش ۲.
۸. رفعت، بتول و الهه جزی‌زاده (۱۳۹۵). «بررسی اثر توسعه مالی استانی بر توزیع درآمد استانی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال شانزدهم، ش ۳.
۹. ساکیان، مرضیه، محمود محمودزاده، امیر غلام‌ابری و میرحسین موسوی (۱۳۹۹). «تحلیل شکاف درآمد

- و ثروت در ایران: رهیافت پیکتی»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، دوره ۶، ش ۱.
۱۰. سرخوش‌سرا، علی، خدیجه نصراللهی، کریم آذربایجانی، رسول بخشی دستجردی (۱۳۹۹). «تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در ایران در چارچوب دیدگاه‌های توماس پیکتی: رویکرد خودتوضیح‌برداری ساختاری»، فصلنامه پژوهش‌های رشد توسعه اقتصادی، دوره ۱۰، ش ۳۹.
۱۱. شاه‌آبادی، ابوالفضل و هانیه ارغند (۱۳۹۷). «تأثیر پیچیدگی اقتصادی (ECI) بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه»، پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۲۳، ش ۸۹.
۱۲. مرادی، مهدی و علی سلیمانپور (۱۳۹۶). «تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۴، ش ۱۰.
۱۳. مرکز آمار ایران، حساب‌های ملی ایران، حساب‌های منطقه‌ای، تهران، دفتر حساب‌های اقتصادی.
۱۴. مؤتمنی، مانی، هدی زبیری و مجتبی شیرازی (۱۳۹۹). «اثر پیچیدگی اقتصادی بر نابرابری درآمد»، فصلنامه راهبرد توسعه، دوره ۱۶، ش ۶۴.

15. Bartolini, D., S. Stossberg and H. Blöchliger (2016). "Fiscal Decentralisation and Regional Disparities", OECD Economics Department Working Papers, 1330, OECD Publishing, Paris.
16. DeNardi, M., F. Erick and J.B. Jones (2016). "Saving After Retirement: A Review", *Annual Review of Economics*, 8.
17. Durand, M., F. Murtin and R.D. Janeiro (2015). "The Relationship between Income and Wealth Inequality: Evidence from the New OECD Wealth Distribution Database", Conference Sponsored by the International Statistical Institute, Rio de Janeiro, Brazil July 26-31.
18. Franzini, M. and M. Pianta (2015). "Four Engines of Inequality", LEM Working Paper Series, No. 2015/20, Scuola Superiore Sant'Anna, Laboratory of Economics and Management (LEM), Pisa.
19. Garbinti, B., J. Goupille-Lebret and T. Piketty (2017). "Accounting for Wealth Inequality Dynamics: Methods, Estimates and Simulations for France (1800-2014)", *Banque de France Working Paper*, No. WP 633, Available at SSRN: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2997069>
20. Gabaix, X., JM. Lasry, P.L. Lions and B. Moll (2016). "The Dynamics of Inequality", *Journal of the Econometric Society*, 84(6).

21. Kharlamova, G., A. Shtavytskyy and G. Zarotiadis (2018). "The Impact of Technological Changes on Income Inequality", The EU States Case Study, *Journal of International Studies*, 11(2).
22. Luo, W. (2020). "Inequality and Government debt: Evidence from OECD Panel Data", *Economics Letters*, Vol. 186, 108869.
23. Piketty, T. and G. Zucman (2014). "Capital is back: Wealth-Income Ratios in Rich Countries, 1700-2010", *Quarterly Journal of Economics*, 129 (3).
24. Piketty, T. (2015a). "About Capital in the Twenty-first Century", *American Economic Review*, 105(5).
25. \_\_\_\_\_ (2015b). "Putting Distribution Back at the Center of Economics: Reflections on Capital in the Twenty-First Century", *Journal of Economic Perspectives*, 29(1).

# قوه قضائیه و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۸: چالش‌ها و راهکارها

عباس امیری،\* مجید روحی دهبنه،\*\* حسن خداوردی\*\*\* و سام سوادکوهی فر\*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۱۳۴-۱۰۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

کارآمدی از موضوع‌های محوری در منظومه علوم سیاسی است که برای نظام‌های سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. کارآمدی در واقع زمینه ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی را فراهم می‌کند. هدف این پژوهش بررسی چالش‌های قوه قضائیه در حوزه کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۷ از منظر ثبات سیاسی است. پرسش این است که قوه قضائیه در حوزه کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در فاصله زمانی مورد نظر با چه چالش‌هایی مواجه بوده و چه راهکارهایی برای ارتقا و تقویت کارآمدی این قوه می‌توان مطرح کرد؟ روش تحقیق در این پژوهش کیفی با بهره‌گیری از مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان حقوقی و تحلیل آن در جداولی به صورت کد شناسه، یافته‌ها و نکات کلیدی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین ابرچالش‌های قوه قضائیه در این دوره را می‌توان در نداشتن استقلال واقعی قضات، اطاله دادرسی، اعمال فشارهای درونی و بیرونی و عدم اجرای کامل قانون دانست. برای مرتفع ساختن این چالش‌ها به نظر می‌رسد حفظ استقلال قضایی قضات، مبارزه با مفسدان اقتصادی، کاهش اطاله دادرسی، تمکین به اجرای قوانین و مقررات، تعامل با قوای دیگر و نهادهای حاکمیتی، از بین بردن زمینه فشار در پرونده‌های قضایی از راهکارهای بهبود کارآمدی قوه قضائیه برای رسیدن به یک نظام سیاسی با ثبات باشد.

**کلیدواژه‌ها: قوه قضائیه؛ ثبات سیاسی؛ کارآمدی؛ اثربخشی؛ جمهوری اسلامی ایران**

\* دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛  
Email: as.amiri313@yahoo.com

\*\* استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسؤل)؛  
Email: majidroohi@iaurasht.ac.ir

\*\*\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛  
Email: h\_khodaverdi@azad.ac.ir

\*\*\*\* دکتری حقوق دعاوی، دانشگاه سنت اتین فرانسه

Email: info.savadkohi@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5248.5018

## مقدمه

ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی در هر جامعه از موضوع‌های مهم در علم سیاست و جامعه‌شناسی کارکردی است. این مفهوم به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم مورد توجه جدی قرار داده شد. تا اواسط دهه ۱۹۶۰، ثبات در قالب استمرار انواع خاصی از نظام سیاسی تعریف می‌شد. ثبات سیاسی در واقع ناظر بر وجود توازن بین خواسته‌های مردم و کارویژه‌های دولتی است. به تعبیر دیگر، درون هر جامعه‌ای چنانچه نظام سیاسی حاکم بتواند به خواسته‌های متنوع مردم پاسخ قانع‌کننده‌ای دهد و از جانب آن تأیید شود، از ثبات برخوردار خواهد بود. یکی از مهم‌ترین موضوع‌های پیرامون ثبات در دولت‌ها، کارآمدی است. در علم سیاست، کارآمدی به کفایت، نفوذ، قابلیت و لیاقت معنا شده است. کارآمدی تحقق عینی یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت است که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند. نظام سیاسی آنگاه کارایی دارد که بتواند وظایف خود را طوری انجام دهد که بیشتر مردم یا حکومت‌شوندگان از آن توقع دارند. با این بیان، کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی نظام سیاسی در رسیدن به اهداف تعیین شده و حل مشکلات است. کارآمدی بر پایه اهداف، توانایی، امکانات، موانع و جوامع مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد (عابدینی، ۱۳۹۲: ۵).

کارآمدی در نظام‌های سیاسی در واقع مبین توانایی آنها برای تحقق هرچه بیشتر اهداف و کارویژه‌های آن است و با مسئله ثبات، ارتباطی تنگاتنگ دارد به طوری که ناکارآمدی نظامها موجبات بی‌ثباتی آن را فراهم می‌کند. در این راستا، قوه قضائیه یکی از ارکان نظام سیاسی در ایران است. براساس اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه قوه‌ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت است. این قوه به مثابه یکی از قوای سه‌گانه در کنار قوای



تقنینی و اجرایی، در تحقق بخشیدن به کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نقش بسیار مهمی دارد.

از این رو این نوشتار به دنبال پاسخ به آن سؤال است که قوه قضائیه در حوزه کارآمدی نظام جمهوری اسلامی از منظر ثبات سیاسی در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۸ با چه چالش‌هایی مواجه بوده و برای رفع مشکلات و چالش‌ها چه راهکارهایی را می‌توان مدنظر قرار داد؟. برای بررسی این موضوع در ادامه پس از طرح چارچوب نظری، به روش پژوهش، ویژگی‌های کارآمدی در دستگاه قضایی و تحلیل مصاحبه‌های کیفی پرداخته شده و در نهایت نتایج پژوهش ارائه شده است.

## ۱. پیشینه تحقیق

در خصوص کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و به‌طور خاص نقش قوه قضائیه، آثار زیادی منتشر شده است. یاری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش «ضرورت‌ها، الزامات و اصلاحات لازم برای افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، ضعف فرهنگ سیاسی، فقدان نظام جامع انتخاباتی کارآمد، ضعف مفرط ساختار حزبی و اعمال نفوذ دولت‌ها در شکل‌گیری مجلس کارآمد و مستقل را از مهم‌ترین موارد مربوط به کارآمدی در ایران برشمرده‌اند. عالی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش «کارآمدی قضایی و امنیت ملی؛ پویایی اندیشه قضایی در برابر پویایی رویه قضایی»، رسالت بنیادین دستگاه قضایی را پاسخگویی آن در برابر رفتارها و تصمیم‌های نهادهای حاکمیتی عنوان کرده است و استدلال می‌کنند که دستگاه قضا نقش برجسته‌ای در یکپارچه‌سازی دولت و ملت به‌عنوان عناصر امنیت ملی دارد. نبوی (۱۳۹۷) در پژوهش «جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی»، نارسایی در نظام قضایی را از چالش‌های نظام برشمرده است و معتقد است که این

موضوع جلب رضایت عمومی را با مشکل مواجه می‌کند. قیصری و قربانی (۱۳۹۴) در پژوهش «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی»، می‌نویسند نظام سیاسی به‌عنوان گسترده‌ترین ساحت نظام اجتماعی، در صورت کارآمدی، تحقق اهداف سایر نظامات اجتماعی را تسهیل می‌کند. زرنگ و مطلبی (۱۳۸۹)، در پژوهش «توسعه قضایی، برگگی از کارنامه و کارآمدی نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران»، به موضوع توسعه قضایی پرداخته و ایجاد پشتوانه قضایی را برای دیگر روندهای توسعه بسیار مهم می‌دانند.

چنانچه دیده می‌شود اغلب پژوهش‌های فوق، کارآمدی نظام سیاسی را به‌طور کلی مورد نظر قرار داده و تنها به ذکر شاخص‌هایی در این باره اکتفا کرده‌اند. این در حالی است که در این پژوهش براساس نظریه سیستمی و با استفاده از روش مصاحبه و آن هم با متخصصان حقوقی متشکل از قضات عالی‌رتبه، کارشناسان و اساتید حقوقی، سعی شده است تا به نقش قوه قضائیه در کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه از منظر ثبات سیاسی پرداخته شود.

## ۲. چارچوب نظری

نظریه سیستم‌ها مهم‌ترین نظریه‌ای است که به مسئله ثبات و بی‌ثباتی توجه دارد. تحلیل سیستمی در پی وقوع انقلاب رفتاری وارد مطالعات سیاسی شد. سیستم مجموعه‌ای از اجزای به‌هم‌پیوسته است که برای هدف مشترک فعالیت می‌کنند. محور بررسی در الگوی سیستمی، مطالعه اشکال گوناگون تعاملات نظام سیاسی با محیط خود است (رئیس‌رودباری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۶). نظریه سیستمی از منظر اندیشمندان بسیاری مورد توجه قرار گرفته است که دیوید ایستون و گابریل آلموند از آن جمله هستند. نگرش سیستمی در حوزه سیاسی را ابتدا ایستون در

قوه قضائیه و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۸... \_\_\_\_\_ ۱۰۷

دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ در دو کتاب نظام سیاسی<sup>۱</sup> و تحلیل نظام‌مند زندگی سیاسی<sup>۲</sup> (Almond, 1965: 183-214) بررسی کرد. ایستون معتقد است که هر سیستم دارای چهار قسمت ورودی، فرایند، خروجی و بازخورد است. در قسمت ورودی انتظارات از نظام و در خروجی پاسخ نظام مورد توجه قرار می‌گیرد (رضوی، ۱۳۹۴: ۲۵). ایستون نظام سیاسی را به‌مثابه یک سیستم در نظر می‌گیرد که از طریق آن ارزش‌ها، خدمات و کالاها برحسب قدرت برای بخش‌های جامعه سهم‌بندی می‌شود. این نظام سه بعد اساسی مقامات سیاسی (حکومت)، رژیم سیاسی (قواعد رسمی و غیررسمی حاکم بر مناقشات درون نظام) و جامعه سیاسی (گروهی از افراد مرتبط با هم برپایه تقسیم کار سیاسی) دارد (Easton, 1969: 1053؛ Marien and Hooghe, 2011: 283). وی بیان می‌کند که محیط نظام سیاسی نسبت به تصمیمات در قالب حمایت یا اعتراض واکنش نشان می‌دهد. در صورت حمایت، نظام سیاسی به تشدید فعالیت می‌پردازد، اما در صورت مخالفت، باید در تصمیم خود تجدیدنظر کند تا با محیط هماهنگ شود (نقیب‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

علاوه بر ایستون، گابریل آلموند<sup>۳</sup> نیز مدل سیستمی را ارائه کرده است که به‌نظر وی دارای سه کارویژه اساسی است: ۱. کارویژه‌های سیستمی شامل جامعه‌پذیری، گزینش کارگزاران، جمع‌آوری منابع و ارتباط‌گیری؛ ۲. کارویژه‌های فرایندی که در خط‌مشی‌گذاری مستقیماً مؤثر است و شامل تصریح منافع گروه‌های ذی‌نفع، تألیف منافع، تصویب خط‌مشی، اجرا و قضاوت خط‌مشی‌هاست و ۳. کارویژه‌های خط‌مشی‌گذاری که شامل استخراج، توزیع و تنظیم که پس از تصویب خط‌مشی به‌مثابه خروجی سیستم، کارکردهای خود را نمایان می‌سازند (آلموند و همکاران،

---

1. Political System

2. A System Analysis of Political Life

3. Gabriel Almond

۱۳۸۱: ۱۴-۱۲). نتایج حاصل از خط‌مشی از طریق بازخورد به سیستم برگشت داده شده و موجبات اصلاح و بهبود خط‌مشی‌ها را فراهم می‌آورد. آلموند ضمن تأثیرپذیری از نظریه سیستمی ایستون، نظام داده-نهاد را مطرح کرده است و بر این اساس، هشت کارکرد را برای نظام سیاسی برمی‌شمرد (Almond, 1970: 16) که پنج کارکرد در بخش نهاد و سه کارکرد در بخش داده نظام قرار دارند. کارکردهای نهاد عبارتند از: ۱. جامعه‌پذیری سیاسی شامل انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر، ۲. گزینش سیاسی شامل انتخاب و آموزش رهبران، ۳. تبیین منافع شامل شناسایی تقاضاها و انتقال آنها از جامعه به تصمیم‌گیرندگان، ۴. تجمع منافع شامل تصفیه و تثبیت تقاضاها به صورت بار قابل اداره روی نظام سیاسی و ۵. ارتباطات سیاسی شامل انتقال پیام‌ها میان عناصر یک نظام و میان نظام سیاسی و محیط آن (قوام، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۱). سه کارکرد بخش داده نیز عبارتند از: ۱. سیاستگذاری که طی آن تقاضاها به تصمیم‌اقتدارآمیز تبدیل می‌شوند، ۲. اجرای قانون که به اثرگذاری تصمیمات ارتباط دارد و ۳. قضاوت قانونی که شباهت زیادی به تفکیک قوای سنتی دارد (Robertston, 1993: 382). در این بین، آلموند بیشتر توجه خود را به نحوه درگیر شدن سیستم‌های سیاسی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، تدقیق و تلفیق منافع و ارتباطات سیاسی معطوف ساخت و ضمن توجه به کارکردهای سیاسی برون‌دادی، شامل قانونگذاری، کاربست قانون و قضاوت براساس قانون، آن را در مورد قوای سه‌گانه آمریکا به کار بست (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۲۳۸).

درمجموع ایستون و آلموند در قالب نظریه سیستمی به کارکردهایی توجه می‌کنند که یک نظام سیاسی انجام می‌دهد. مفهوم نظام سیاسی ناظر به همه فعالیت‌های سیاسی جامعه است که با محیط تعامل دارد (Almond and Powell, 1978: 5). با توجه به اینکه کارآمدی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌ها در پایداری نظام سیاسی

است، این پایداری مستلزم کارکرد خوب ارکان تشکیل‌دهنده نظام سیاسی یعنی قوای سه‌گانه مجریه، قضائیه و مقننه است. چنانچه هر کدام از این ارکان، نتوانند خروجی و کارکرد مثبتی در جامعه داشته باشند؛ در سطح جامعه نارضایتی ایجاد می‌شود. این وضعیت ممکن است زمینه بی‌ثباتی نظام سیاسی را فراهم آورد. بنابراین، قوه قضائیه با توجه به موقعیت و وظایفی که دارد، می‌تواند نقش عمده‌ای در کارآمدی نظام سیاسی ایفا کند.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی است. برای بررسی عمیق‌تر وضعیت نهاد قوه قضائیه از این روش استفاده شده است. گردآوری داده‌های کیفی با روش مصاحبه انجام گرفته است. بدین صورت که ابتدا به تهیه پرسش درباره موضوع اصلی پژوهش پرداخته شد؛ در ادامه پرسشنامه‌ها در اختیار ۳۰ نفر از کارشناس خبره و باتجربه از متخصصین و صاحب‌نظران حقوقی در عرصه قضایی-اجرایی و دانشگاهی قرار داده شده سپس مصاحبه‌های انجام گرفته تحلیل و در جداولی به صورت کد شناسه و نکات کلیدی ارائه شد.

### ۴. قوه قضائیه و کارآمدی نظام سیاسی

قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اعمال حاکمیت، مهم‌ترین نهاد استقرار امنیت و عدالت در عرصه عمومی جامعه است. بعد از انقلاب اسلامی، ساختار قضایی در ایران طبق اصول (۱۰۷) و (۱۵۸) قانون اساسی تعیین شد و طبق اصل (۱۱۰) نیز تشکیل قوه قضائیه، تعیین رئیس و اعضای شورای عالی قضایی برعهده رهبر نهاده شد. امام خمینی در چهارم اسفند ۱۳۵۸ طی حکمی آیت‌اله دکتر بهشتی را به ریاست دیوان عالی کشور و رئیس شورای عالی قضایی و آیت‌اله موسوی اردبیلی را

به‌عنوان دادستان کل کشور منصوب کردند تا تشکیلات قضایی را ایجاد کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۶۴-۱۶۳). در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، شورای عالی قضایی حذف و به‌جای آن، در رأس این قوه یک مجتهد قرار گرفت. پشتیبانی و احقاق حقوق عامه مردم، تضمین و گسترش حقوق و آزادی‌ها و گسترش و اجرای عدالت از مهم‌ترین وظایف این قوه به‌شمار می‌آید. همچنین اصل (۱۵۶) قانون اساسی وظایف قوه قضائیه را اعم از رسیدگی و صدور حکم، نظارت بر حسن اجرای قوانین و کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمان برشمرده است (شیرخانی و ساسان، ۱۳۹۷: ۱۱۳). در اسناد مختلفی اهمیت کارآمدی قوه قضائیه آمده است که یکی از آنها سیاست کلی قضایی ابلاغی پنج‌ساله از سوی رهبری انقلاب است. در سیاست کلی قضایی ابلاغی رهبر انقلاب در ۱۳۸۸/۹/۲ بر کارآمدسازی ساختار قضایی، اداری و ارتقای توانمندی‌های علمی و عملی و سلامت قوه قضائیه برای اجرای وظایف محوله در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام تأکید شده است. کارآمدی در این حوزه از برخی ویژگی‌ها برخوردار است که شامل موارد زیر می‌شود.

#### ۱-۴. پاسخگویی

پاسخگویی در بررسی کارآمدی نظام سیاسی تأثیر بسیار دارد. در جامعه‌ای مبتنی بر حاکمیت قانون، تمامی نهادهای اعمال‌کننده قدرت در برابر شهروندان ملزم به پاسخگویی هستند. دستگاه قضایی نیز از این قاعده مستثنا نیست و برای تصمیماتی که اتخاذ می‌کند، در برابر جامعه و اصحاب دعوا باید پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشد. از جمله شاخص‌های پاسخگویی قوه قضائیه، رسیدگی چندمرحله‌ای، مستند و مستدل بودن احکام قضایی است. رسیدگی چندمرحله‌ای اصلی است که می‌تواند حاکمیت قانون را در راستای تضمین حقوق افراد و ایجاد چارچوب برای اعمال دولت فراهم سازد (رضوانی‌زاد، ۱۳۹۴: ۷۶).

## ۲-۴. استقلال قضایی

استقلال قضایی عنصر ذاتی در ایفای کارکرد قضایی و در کانون مطالعات مربوط به دستگاه قضایی قرار دارد و از موضوع‌های قابل توجه در این زمینه نسبت میان استقلال و پاسخگویی قضایی است. استقلال قضایی خود ابزاری در خدمت یک هدف و آن بی‌طرفی قضایی است (یاوری و تنگستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۳). استقلال قضایی جنبه‌ها و سطوح مختلفی دارد و می‌تواند به صورت مضیق یا موسع تعریف شود. در مفهوم مضیق شامل استقلال کارکردی قضات در رسیدگی به پرونده‌های قضایی و در مفهوم موسع شامل استقلال نهادی دستگاه قضایی می‌شود (Griffith, 1998: 11-13). در ایران نیز قانونگذار با شناسایی قوه قضائیه در کنار قوای مجریه و مقننه (اصل ۵۷)، به تبیین نحوه اداره، صلاحیت‌ها و تشکیلات این قوه پرداخته است.

## ۳-۴. شفافیت

تحقق شفافیت در دستگاه قضایی منوط به علنی بودن رسیدگی است که در اصول (۱۶۵) و (۱۶۸) قانون اساسی پیش‌بینی شده است. رسیدگی علنی، دادخواهان را در مقابل اجرای عدالت به نحو سری یعنی به گونه‌ای که از نظارت شهروندان به دور باشد، مورد حمایت قرار می‌دهد و از طریق شفافیتی که به اجرای عدالت می‌بخشد، به تحقق اهداف دادرسی منصفانه کمک می‌کند. برای تحقق این حق، دادگاه وظیفه دارد علاوه بر انتشار اطلاعات در زمان و مکان محاکمه، تسهیلات کافی را برای حضور علاقه‌مندان فراهم کند (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۲۲). رسیدگی علنی با شفاف‌سازی، زمینه حضور افکار عمومی، نظارت شهروندان بر نحوه اعمال عدالت، نقد آرا از سوی صاحب‌نظران و زمینه کاهش فساد قضایی را فراهم می‌کند (رحمتی فر، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

#### ۴-۴. عدالت جویی

تأکید و توجه به عدالت و تلاش برای تحقق بیشتر آن به کارآمدی هرچه بیشتر سیستم قضایی کمک می‌کند. یکی از شاخص‌های عدالت، برابری است که به معنای تساوی عمومی در مقابل قانون است به طوری که هیچ نوع تبعیضی وجود نداشته باشد. باید وضعیت دسترسی به عدالت به سطحی برسد که افراد به دلیل مشکلاتی چون فرایندهای پیچیده، دوری محاکم، هزینه‌های دادرسی، عدم حمایت از بزه‌دیدگان، شاکیان و خانواده‌های آنان، شرایط نامطلوب فیزیکی و ساختمانی نهادها و محاکم قضایی و عدم ارائه مشاوره‌های حقوقی، از مراجعه به نظام سازمانی عدالت جنایی، بازمانند (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

#### ۵. تحلیل داده‌ها

##### ۵-۱. توصیف آماری جامعه مورد مطالعه

در اینجا سعی شد تا نتایج پاسخ ۳۰ نفر از کارشناسان به این سؤال تشریحی که «از دیدگاه شما مهم‌ترین چالش‌های کارآمدی قوه قضائیه کدام است که در بی‌ثباتی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری دارند و نظام را با چالش مواجه می‌سازند» مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های توصیفی مرتبط افراد پاسخگو در ادامه آمده است.

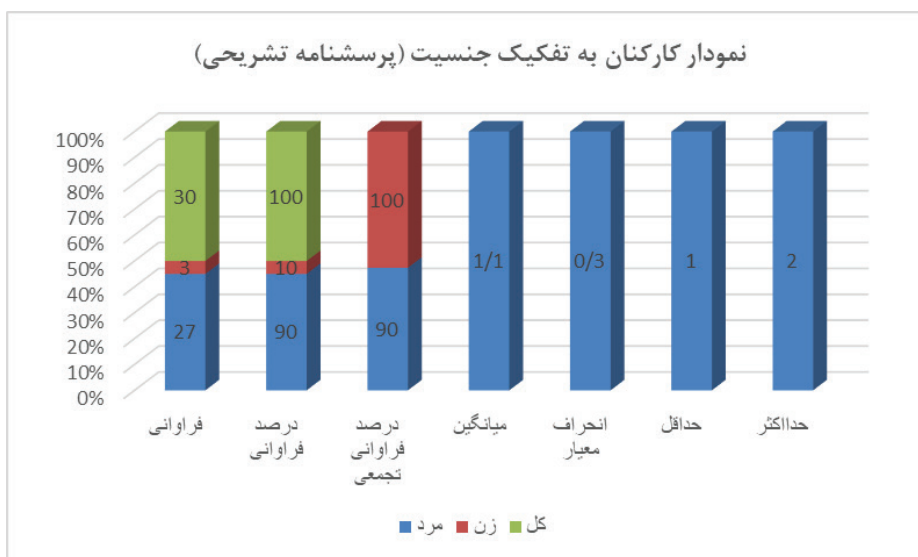


جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کارکنان به تفکیک جنسیت

تفکیک جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
مرد	۲۷	۹۰	۹۰
زن	۳	۱۰	۱۰۰
کل	۳۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱/۱	۰/۳	۱	۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نمودار ۱. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کارکنان به تفکیک جنسیت



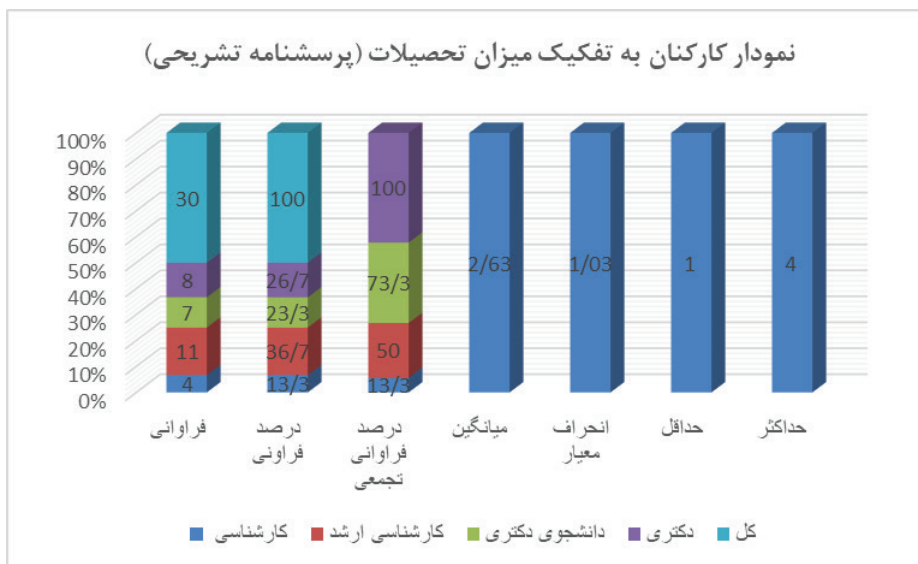
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کارکنان به تفکیک میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کارشناسی	۴	۱۳/۳	۱۳/۳
کارشناسی ارشد	۱۱	۳۶/۷	۵۰
دانشجوی دکتری	۷	۲۳/۳	۷۳/۳
دکتری	۸	۲۶/۷	۱۰۰
کل	۳۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۲/۶۳	۱/۰۳	۱	۴

مأخذ: همان.

نمودار ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کارکنان به تفکیک میزان تحصیلات



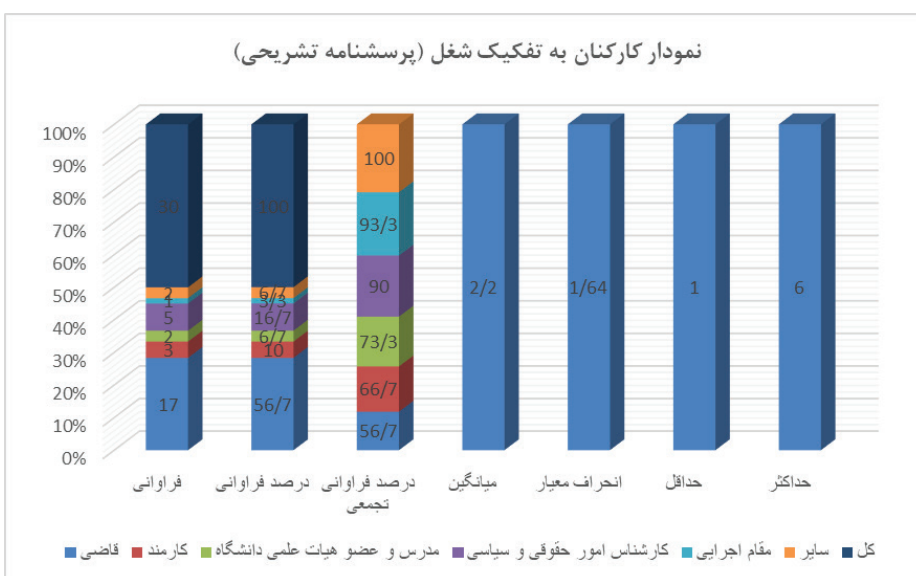
مأخذ: همان.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کارکنان به تفکیک شغل

تفکیک شغل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
قاضی	۱۷	۵۶/۷	۵۶/۷
کارمند	۳	۱۰	۶۶/۷
مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه	۲	۶/۷	۷۳/۳
کارشناس امور حقوقی و سیاسی	۵	۱۶/۷	۹۰
مقام اجرایی	۱	۳/۳	۹۳/۳
سایر با ذکر مورد	۲	۶/۷	۱۰۰
کل	۳۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۲/۲۰	۱/۶۴	۱	۶

مأخذ: همان.

نمودار ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کارکنان به تفکیک شغل



مأخذ: همان.

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که از میان شرکت‌کنندگان ۲۷ نفر مرد و ۳ نفر

زن هستند که بیشترین فراوانی با تحصیلات کارشناسی ارشد ۱۱ نفر (۳۶/۷٪) و کمترین فراوانی نیز با مدرک کارشناسی به ۴ نفر (۱۳/۳٪) مربوط است. نتایج حاصله در مورد اشتغال نیز نشان می‌دهد بیشترین فراوانی به شغل قاضی با ۱۷ نفر (۵۶/۷٪) و کمترین فراوانی به مقام اجرایی با ۱ نفر (۳/۳٪) است.

## ۲-۵. تحلیل کیفی مصاحبه‌ها

پس از توصیف جامعه آماری مورد مطالعه، در این بخش مصاحبه‌ها مورد تحلیل و هر یک از مصاحبه‌ها کدگذاری که یافته‌ها و نکات کلیدی استخراج و به صورت کد شناسه در جدول زیر آمده است.

### جدول ۴. نکات کلیدی مصاحبه با متخصصان حقوقی در مورد چالش‌های کارآمدی قوه

#### قضائیه

نکات کلیدی	یافته‌ها	کد شناسه
سلامت و استقلال قضات	در تشکیلات قضایی کشور، فقط سلامت و استقلال است که مهم است. لذا مهم‌ترین چالش قوه قضائیه در گرو سلامت و استقلال قضات است	T۱
عدم مواجهه با چالش	اعتقاد ندارم که نظام را با چالش مواجه کرده باشد	T۲
فساد، فقدان استقلال در مواجهه با امور حاکمیتی	فساد، فقدان استقلال در مواجهه با امور حاکمیتی	T۳
عدم توجه به وظایف	عدم توجه به وظایف قوه قضائیه و توجه به حوزه‌های دیگری چون وظایف سایر قوا و عدم استقلال قضایی قابل مشاهده است.	T۴
عدم استفاده از قضات متخصص، مشکلات مالی قضات، پرونده‌های زیاد و اطلاع دادرسی	عدم استفاده از قضات متخصص، مشکلات مالی قضات، پرونده‌های زیاد، اطلاع دادرسی	T۵

کد شناسه	یافته ها	نکات کلیدی
T۶	اگر قوه قضائیه ناکارآمد باشد، مسلماً تأثیر منفی در ثبات نظام خواهد داشت	ارتباط کارآمدی با ثبات نظام
T۷	ضعف نظارت بر دستگاه اجرایی، تراکم پرونده‌های قضایی و اعمال فشارهای درونی و بیرونی بر ثبات نظام تأثیر داشته است	ضعف نظارت بر دستگاه اجرایی، تراکم پرونده‌های قضایی و اعمال فشارهای درونی و بیرونی
T۸	۱. عدم توجه به معیشت قضات و کارکنان اداری ۲. عدم استقلال در تصمیم‌گیری‌ها و تأثیرپذیری از جریان‌های مختلف ۳. عدم حاکمیت کافی قانون و دور زدن قانون	عدم توجه به معیشت قضات و کارکنان اداری، عدم استقلال در تصمیم‌گیری‌ها، دور زدن قانون
T۹	مهم‌ترین چالش قوه قضائیه را می‌توان برخورد نامناسب با جرائم سیاسی عنوان کرد	برخورد نامناسب با جرائم سیاسی
T۱۰	عدم اجرای کامل قانون، عدم قاطعیت در اجرای حکم، گزینشی عمل کردن قضاوت با دانه درشت‌ها، سیاسی کردن قوه قضائیه	عدم اجرای کامل قانون، عدم قاطعیت در اجرای حکم، گزینشی عمل کردن قضاوت با دانه درشت‌ها، سیاسی کردن قوه قضائیه
T۱۱	۱. فساد در بین کارکنان قضایی و اداری، قضات و کارشناسان رسمی ۲. انحصاری بودن کانون وکلای دادگستری و کمبود وکیل ۳. عدم نظارت بر تعرفه وکلا ۴. عدم اصلاح قوانین مادر	فساد در بین کارکنان قضایی و اداری، قضات و کارشناسان رسمی، عدم اصلاح قوانین مادر، انحصاری بودن کانون وکلا
T۱۲	۱. فساد در بین کارکنان قضایی و اداری، قضات و کارشناسان رسمی ۲. عدم اصلاح قوانین مادر	فساد در بین کارکنان قضایی و اداری، قضات و کارشناسان رسمی، عدم اصلاح قوانین مادر

نکات کلیدی	یافته ها	کد شناسه
عدم توجه به موضوع پیشگیری از جرم و بسترهای فساد، عدم توجه به حل و فصل عمیق اختلاف‌های مراجعان به دستگاه قضا، تضعیف اصل استقلال قضات	۱. عدم توجه به موضوع پیشگیری از جرم و بسترهای فساد خصوصا در حوزه مسائل اقتصادی که زندگی و معیشت و روزمرگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ۲. عدم توجه به حل و فصل عمیق اختلاف‌های مراجعان به دستگاه قضا و نگاه آماری به پرونده‌ها و حل و فصل اختلاف‌های مردمی ۳. تضعیف اصل استقلال درونی و بیرونی قضات و قوه قضائیه	T۱۳
رانت‌خواری - تجاوز در ثروت‌های عمومی	اگر راهبرد اصلی را در شعار مهم نه به تجاوز به حقوق دیگران بدانیم مهم‌ترین تجاوز در دو دهه اخیر به ثروت‌های عمومی و فرهنگ و رانت‌خواری تبدیل اراضی به ویلا بوده است که باعث شد قشر ضعیف و طبقات آسیب‌دیده در سختی بیشتری باشند	T۱۴
عدم مبارزه و عدم مجازات عاملان اصلی	عدم مبارزه و عدم مجازات عاملان اصلی؛ باید عاملان اصلی در هر لباس و مقامی مجازات شوند، نه افراد دیگر و بعضا بی‌گناه	T۱۵
دخالت در جناح‌بندی‌های سیاسی	دخالت در جناح‌بندی‌های سیاسی، رسیدگی و پیگیری پرونده‌ها براساس جناح‌ها، تقدم افراد بر اجرای قانون و دخالت در اموری که ارتباطی با قوه قضایی ندارند	T۱۶
عدم رعایت حاکمیت قانون و اجرای نادرست قانون، عدم اقتدار و استقلال قضایی، عدم مبارزه هدفمند با فساد اقتصادی	۱. عدم رعایت حاکمیت قانون و اجرای نادرست قانون ۲. عدم اقتدار و استقلال قضایی ۳. عدم رعایت اصل برابری اشخاص در مقابل قانون ۴. عدم مبارزه هدفمند با فساد اقتصادی	T۱۷
عدم احساس عدالت‌خواهی نزد کنشگران عرصه عدالت، نداشتن برنامه برای تأسیس نهادهای قضایی بین‌المللی	۱. عدم احساس عدالت‌خواهی نزد کنشگران عرصه عدالت و ملموس نبودن عدالت برای مردم ۲. عدم تبیین جایگاه دستگاه قضایی برای سایر کشورها و نداشتن برنامه برای تأسیس نهادهای قضایی بین‌المللی اسلامی	T۱۸

نکات کلیدی	یافته‌ها	کد شناسه
<p>عدم مبارزه جدی با مجرمان یقه سفید، عدم مبارزه جدی با رانت و اختلاس، ایجاد تبعیض در تعقیب و دستگیری، عدم توسعه متوازن دستگاه قضایی</p>	<p>۱. عدم مبارزه جدی با مجرمان یقه سفید                  ۲. عدم مبارزه جدی با لایه‌های فساد در بخش‌های اجرایی کشور                  ۳. عدم مبارزه جدی با رانت و اختلاس در بدنه دستگاه اجرایی دولت                  ۴. ایجاد تبعیض در تعقیب و دستگیری                  ۵. عدم توسعه متوازن دستگاه قضایی با مشکلات</p>	<p>T۱۹</p>
<p>ورود انبوه پرونده به دستگاه قضایی، عوام‌گرایی جنایی، بی‌توجهی به نیروی انسانی و کادر متخصص، مخدوش بودن جایگاه قاضی</p>	<p>۱. ابزارهای لازم برای اجرای عدالت در دستگاه قضایی وجود ندارد                  ۲. جایگاه قاضی مخدوش شده است                  ۳. ورود انبوه پرونده به دستگاه قضایی                  ۴. عوام‌گرایی جنایی                  ۵. عدم توجه به نیروی انسانی و کادر متخصص و آموزش آنها</p>	<p>T۲۰</p>
<p>وابستگی مالی به قوه مجریه، مداخله در مسائل سیاسی داخلی یا خارجی، عدم توان برخورد قضایی با گروه‌ها یا اقشار در حاشیه امنیت</p>	<p>وابستگی مالی به قوه مجریه، مداخله بیهوده در مسائل سیاسی داخلی یا خارجی، عدم توان برخورد قضایی با گروه‌ها یا اقشار در حاشیه امنیت، مداخله مجلس یا دستگاه‌های دیگر در دستگاه قضایی</p>	<p>T۲۱</p>
<p>نظام دادرسی اطلاع‌محور، تخصصی نبودن محاکم، عدم به‌روزرسانی دانش قضات</p>	<p>۱. قوانین قدیمی که نیازهای امروزی را برطرف نمی‌کند                  ۲. نظام دادرسی اطلاع‌محور                  ۳. تخصصی نبودن محاکم                  ۴. عدم به‌روزرسانی دانش قضات                  ۵. عدم برخورد قاطع و عبرت‌آموز با قضات و کارکنان متخلف و فاسد</p>	<p>T۲۲</p>
<p>بی‌توجهی به پیشگیری از جرم و بسترهای فساد، بی‌توجهی به حل‌وفصل عمیق اختلاف‌های مراجعان</p>	<p>۱. بی‌توجهی به پیشگیری از جرم و بسترهای فساد                  ۲. بی‌توجهی به حل‌وفصل عمیق اختلاف‌های مراجعان</p>	<p>T۲۳</p>
<p>کمبودهای مربوط به دستگاه نقش اساسی دارد، اما خیلی تلاش صورت می‌گیرد که کمبودها تأثیری بر ثبات نظام نداشته باشد. توجه قوای دیگر به شرح وظایف قوه قضائیه و اجرای تصمیمات این قوه از سوی قوای دیگر بر پایداری ثبات اثر می‌گذارد</p>	<p>کمبودهای مربوط به دستگاه نقش اساسی دارد، اما خیلی تلاش صورت می‌گیرد که کمبودها تأثیری بر ثبات نظام نداشته باشد. توجه قوای دیگر به شرح وظایف قوه قضائیه و اجرای تصمیمات این قوه از سوی قوای دیگر بر پایداری ثبات اثر می‌گذارد</p>	<p>T۲۴</p>

نکات کلیدی	یافته ها	کد شناسه
عدم اقناع عمومی، تردید به دادرسی، غالب بودن گزارش ضابطان به تحقیقات قضایی، ورود به مقولات سیاسی	عدم اقناع عمومی، تردید به دادرسی، غالب بودن گزارش ضابطان به تحقیقات قضایی، ورود به مقولات سیاسی	T۲۵
فساد قضایی	فساد قضایی البته در پرونده‌های بزرگ، پرونده‌های کوچک اثری در بی‌ثباتی نظام سیاسی ندارد	T۲۶
شیوع بی‌اعتمادی عمومی به نحوه رسیدگی	شیوع بی‌اعتمادی عمومی به نحوه رسیدگی و بررسی پرونده‌ها چه درشت و چه ریز	T۲۷
عدم ساختار مناسب و پویایی و چابکی عدم قاطعیت و جدیت در مبارزه با فساد، عدم احترام به حقوق عامه مردم	۱. عدم ساختار مناسب، پویایی و چابکی، دقت و سرعت، تربیت و آموزش نیروهای قضایی مستقل و بادانش و تجربه ۲. عدم قاطعیت و جدیت در مبارزه با فساد ۳. عدم احترام به حقوق عامه مردم	T۲۸
عدم استقلال قضات نسبت به ضابطان خاص، عدم تأمین مالی قضات و کارکنان، فقدان دانش قضایی مناسب	۱. عدم استقلال قضات نسبت به ضابطان خاص به‌نحوی که مردم نتایج دادرسی‌های مهم را منصفانه تلقی نمی‌کنند ۲. فقدان دانش قضایی مناسب ۳. عدم تأمین مالی قضات و کارکنان	T۲۹
تأثیرپذیری در تصمیمات قضایی، ناپختگی در نحوه رسیدگی به پرونده‌ها، سیاست‌زدگی	تأثیرپذیری در تصمیمات قضایی، ناپختگی در نحوه رسیدگی به پرونده‌های مهم، سیاست‌زدگی در مجموعه قوه قضائیه	T۳۰

مأخذ: همان.

در جدول بعدی با توجه به نکات کلیدی استخراج شده از مصاحبه با کارشناسان، ابعاد حاصل از مصاحبه در مورد چالش‌های کارآمدی قوه و تأثیر آن بر بی‌ثباتی نظام سیاسی ارائه شده است.



جدول ۵. مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه با قضات عالی‌رتبه، کارشناسان و اساتید حقوقی

نکات کلیدی	مؤلفه
<p>تضعیف شدن اصل استقلال درونی و بیرونی قضات؛ فقدان استقلال در مواجهه با امور حاکمیتی؛ عدم استفاده از قضات متخصص و حرفه‌ای؛ مشکلات مالی قضات؛ کثرت پرونده‌های قضایی؛ اطاله دادرسی؛ ضعف نظارت بر دستگاه اجرایی؛ اعمال فشارهای درونی و بیرونی؛ عدم توجه به معیشت قضات و کارکنان اداری؛ عدم استقلال در تصمیم‌گیری‌ها؛ دور زدن قانون؛ برخورد نامناسب با جرائم سیاسی؛ عدم اجرای کامل قانون؛ عدم قاطعیت در اجرای حکم؛ گزینشی عمل کردن قضاوت با دانه درشت‌ها؛ انحصاری بودن کانون وکلای دادگستری؛ فساد در بین کارکنان قضایی، اداری، وکلا و کارشناسان رسمی؛ عدم اصلاح قوانین مادر؛ عدم توجه به حل‌وفصل عمیق اختلاف‌های مراجعان به دستگاه قضا؛ رانت‌خواری و تبدیل اراضی ملی به ویلا؛ تجاوز در ثروت‌های عمومی؛ دخالت جناح‌بندی‌های سیاسی؛ عدم رعایت حاکمیت قانون و اجرای نادرست قانون؛ عدم مبارزه هدفمند با فساد اقتصادی؛ عدم احساس عدالت‌خواهی نزد کنشگران عرصه عدالت؛ نداشتن برنامه برای تأسیس نهادهای قضایی بین‌المللی؛ عدم مبارزه جدی با مجرمان یقه سفید؛ ایجاد تبعیض در تعقیب و دستگیری؛ مخدوش بودن جایگاه قاضی؛ وابستگی مالی به قوه مجریه؛ نظام دادرسی اطاله‌محور؛ تخصصی نبودن محاکم؛ عدم به‌روزرسانی دانش قضات؛ توجه نکردن به پیشگیری از جرم و بسترهای فساد؛ توجه نکردن به حل‌وفصل عمیق اختلاف‌های مراجعان؛ عدم اقناع عمومی؛ غالب بودن گزارش ضابطان به تحقیقات قضایی؛ ورود به مقولات سیاسی؛ شیوع بی‌اعتمادی عمومی به نحوه رسیدگی عدم قاطعیت و جدیت در مبارزه با فساد؛ عدم احترام به حقوق عامه مردم؛ تأثیرپذیری در تصمیمات قضایی؛ ناپختگی در نحوه رسیدگی به پرونده‌های مهم؛ سیاست‌زدگی در مجموعه قوه قضائیه</p>	<p>چالش‌های کارآمدی</p>

مأخذ: همان.

در ادامه با بررسی این پرسش که برای بهبود و ارتقای کارکرد قوه قضائیه که بر ثبات نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار باشد، چه راهکارهایی می‌توان متصور شد؟ به تجزیه و تحلیل راهکارهایی پرداخته شد که این مصاحبه‌شوندگان برای بهبود و ارتقای کارکرد قوه قضائیه و تأثیر آن بر ثبات نظام سیاسی ایران ارائه داده‌اند. در جدول ۶ نتایج مصاحبه به‌صورت کد شناسه، یافته‌ها و نکات کلیدی بیان شده است.

جدول ۶. نکات کلیدی حاصل از مصاحبه با متخصصان حقوقی در جهت راهکارهای

بهبود کارکرد قوه قضائیه

نکات کلیدی	یافته‌ها	کد شناسه
<p>تأمین امنیت قضایی؛ ایجاد شفافیت در رسیدگی‌های قضایی؛ تدوین قوانین اثربخش و پرهیز از رویه‌های سلیقه‌ای؛ جلوگیری از حجم فزاینده بررسی‌های قضایی با توسعه عدالت ترمیمی؛ تعامل قوه قضائیه با سایر قوای حاکم؛ مبارزه با فساد درون قوه قضائیه؛ تقویت مدیریت عمومی و منابع؛ ارتقای سلامت اداری</p>	<p>۱. تأمین امنیت قضایی به‌عنوان بخش مهمی از امنیت ملی؛            ۲. ایجاد شفافیت در رسیدگی‌های قضایی؛            ۳. تدوین قوانین اثربخش و پرهیز از رویه‌های سلیقه‌ای؛            ۴. جلوگیری از حجم فزاینده بررسی‌های قضایی با توسعه عدالت ترمیمی؛            ۵. تعامل قوه قضائیه با سایر قوای حاکم؛            ۶. مبارزه با فساد درون قوه قضائیه؛            ۷. تقویت مدیریت عمومی و منابع مالی و سرمایه انسانی و ارتقای سلامت اداری.</p>	T۱
<p>سیاست‌های اجرایی دقیق؛ احترام به حقوق مردم؛ اعتماد مردم به اصل نظام</p>	<p>به‌عنوان یک قاضی، موضوع ثبات نظام سیاسی کشور را در ابعاد گسترده‌تری می‌بینم، اگرچه قوه قضائیه در جهت انجام وظیفه اصلی خویش (مصرح در قانون اساسی) و اجرای دقیق و جامع آن می‌تواند عدالت و برابری را به دنبال داشته باشد و امنیت را برای مردم با اجرای احکام متقن و قاطع برقرار کند، اما موضوع نظام و ثبات به عوامل خارجی و سیاست‌های اجرایی کشور برمی‌گردد. ممکن است درخصوص قانون مجازات اسلامی، دول خارجی و دشمنان نظام، چالش‌های فراوانی را به‌وجود آورند و دستگاه عدلیه نیز با تبیین مواضع اسلام و قوانین شرعی، تأثیرگذار باشد، اما آنچه که برای حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران ضرورت و نقش تعیین‌کننده دارد، امنیت آب و خاک و میهن و مرزها و موضع‌گیری قاطع سیاست خارجی کشور در برابر دشمنان است. احترام به حقوق مردم و تأمین آبرومندانه معیشت مردم و اعتماد مردم به اصل نظام از عوامل دیگر ثبات سیاسی کشور است.</p>	T۲

نکات کلیدی	یافته‌ها	کد شناسه
<p>انتخاب مدیران؛ اتخاذ رویکرد عاقلانه در انتخاب مدیران؛ ارتباط مداوم با مجامع بین‌المللی توجه به مسائل و روابط سیاسی کشورها به‌منظور بهره‌برداری</p>	<p>اجتناب از ورود به مشاغل سیاسی، ارتقای منزلت کارکنان و آسایش رفاه آنان، ریشه‌کن کردن فساد درونی، اتخاذ رویکرد عاقلانه در انتخاب مدیران، تحول در قانونگذاری و ارائه لوایح قضایی کارشناسی شده با هدف کاهش مداخله قضایی در امور غیرضرور، ارتباط مداوم با مجامع بین‌المللی مرتبط با امور قضایی و نیز ارتباط چندجانبه با دادگستری‌های سراسر دنیا بدون توجه به مسائل و روابط سیاسی کشورها به‌منظور بهره‌مندی از نوآوری‌ها و پیشرفت‌های سایر کشورها، توجه به دیدگاه‌های مردم و به‌خصوص نخبگان و صاحب‌نظران.</p>	T۳
<p>به‌کارگیری قضات متخصص؛ پیشگیری از وقوع جرم؛ اجرای عدالت در جامعه و اجرای قوانین و مبارزه با مفسدان اقتصادی؛ اجرای قاطعانه احکام</p>	<p>به‌نظر می‌رسد راهکارهای بهبود کارکرد قوه قضائیه را باید در اعمال وظایف محوله به قضات یعنی بحث به‌کارگیری قضات متخصص و پیشگیری از وقوع جرم، اجرای عدالت در جامعه و اجرای قوانین و مبارزه با مفسدان اقتصادی، کاهش اطلاع و اجرای قاطعانه احکام مشاهده کرد</p>	T۴
<p>افزایش درآمد قضات و کارکنان؛ اصلاح قوانین</p>	<p>۱. افزایش درآمد قضات و کارکنان ۲. تشدید برای اصلاح قوانین</p>	T۵
<p>اصلاح ساختارها؛ ارتقای کیفیت نظام سیاسی کشور</p>	<p>در مجموع یکی از ارگان‌های تأثیرگذار در قوای سه‌گانه قوه قضائیه است که در صورت اصلاح ساختارها و ارتقای کیفیت نظام سیاسی کشور که همان حاکمیت نظام است از آن بهره‌مند خواهد بود</p>	T۶
<p>استقلال قضایی قضات قوه قضائیه؛ تحول راهبردی درون قوه قضائیه؛ بازنگری قوانین؛ فسادستیزی در دستگاه قضایی</p>	<p>۱. استقلال قضایی قضات قوه قضائیه ۲. پاسخگویی رؤسای قوه قضائیه در برابر عملکرد قوه قضائیه ۳. تحول راهبردی درون قوه قضائیه ۴. بازنگری قوانین ۵. فسادستیزی در دستگاه قضایی</p>	T۷
<p>استقلال مالی؛ استقلال در تصمیم‌گیری؛ حاکمیت قانون به‌معنای واقعی کلمه</p>	<p>۱. استقلال مالی ۲. استقلال در تصمیم‌گیری ۳. حاکمیت قانون به‌معنای واقعی کلمه</p>	T۸

کد شناسه	یافته‌ها	نکات کلیدی
T۹	شفافیت در برخورد های قضایی و اجرای قاطع عدالت کیفری در جهت ایجاد احساس امنیت در جامعه با تدوین لوایح قضایی مناسب	شفافیت در برخورد های قضایی؛ اجرای قاطع عدالت کیفری در جهت ایجاد احساس امنیت؛ تدوین لوایح قضایی مناسب
T۱۰	۱. جذب قضات باسواد و سالم ۲. عدم سیاسی کاری ۳. عدم برخورد گزینشی با مجرمان ۴. عدم دخالت بی جا و غیرقانونی از احکام صادره از محاکم کشورهای دیگر ۵. قاطعیت در اجرای حکم	جذب قضات باسواد و سالم؛ عدم سیاسی کاری؛ عدم برخورد گزینشی با مجرمان؛ عدم دخالت بی جا و غیرقانونی از احکام صادره از محاکم کشورهای دیگر
T۱۱	۱. استخدام قضات از بین نخبگان دانشگاهی ۲. حفظ استقلال قضات ۳. نظارت مالی بر اموال و دارایی های قضات و کارکنان دستگاه قضایی ۴. اصلاح قانون های مادر	استخدام قضات از بین نخبگان دانشگاهی؛ حفظ استقلال قضات؛ اصلاح قانون های مادر؛ نظارت مالی بر اموال و دارایی های قضات و کارکنان دستگاه قضایی
T۱۲	۱. استخدام قضات از بین نخبگان دانشگاهی ۲. حفظ استقلال قضات ۳. نظارت مالی بر اموال و دارایی های قضات و کارکنان دستگاه قضایی ۴. اصلاح قانون های مادر	استخدام قضات از بین نخبگان دانشگاهی؛ حفظ استقلال قضات؛ اصلاح قانون های مادر؛ نظارت مالی بر اموال و دارایی های قضات و کارکنان دستگاه قضایی
T۱۳	۱. ارتقا و توجه به اصل استقلال قوه قضائیه و استقلال قضات و رعایت اصل تفکیک قوا ۲. توجه هرچه بیشتر به بحث پیشگیری از جرم به جای مبارزه واکنشی با جرم ۳. توجه به استقلال مالی قوه قضائیه در جهت تحقق بخشیدن به اهداف ۴. اصلاح مسائل ساختاری و مدیریتی و به کار گماشتن مدیریت متخصص دلسوز	ارتقا و توجه به اصل استقلال قوه قضائیه و استقلال قضات و رعایت اصل تفکیک قوا؛ توجه به اصل استقلال قوه قضائیه و استقلال قضات و رعایت اصل تفکیک قوا؛ توجه به استقلال مالی قوه قضائیه؛ اصلاح مسائل ساختاری و مدیریتی
T۱۴	به مشکلات اداری و امور رفاهی قضات و کارکنان اداری پرداخته شود	رفع مشکلات اداری و امور رفاهی قضات و کارکنان اداری
T۱۵	۱. مبارزه جدی و بدون ملاحظه با عاملان فساد، دزدی، اختلاس ۲. مبارزه بدون چشم پوشی با مهره های اصلی فساد در هر مقام و موقعیتی	مبارزه جدی و بدون ملاحظه با عاملان فساد، دزدی، اختلاس

نکات کلیدی	یافته‌ها	کد شناسه
	<p>تمکین به اجرای قوانین و مقررات، حفظ استقلال قضایی قضات و استفاده از ظرفیت همه قضات در رسیدگی به پرونده‌ها و عدم تسلط و دخالت نیروهای اطلاعاتی - امنیتی در رسیدگی به پرونده‌ها و همچنین تشویق قضات قانونمند و برخورد جدی با قضات قانون شکن</p>	T۱۶
<p>حاکمیت قانون در اتخاذ تصمیمات قانونی و عدم تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی؛ استقلال قوه قضائیه و قاضی‌ها؛ اجرای صحیح عدالت قضایی؛ بازبینی و اصلاح قوانین ناکارآمد؛ اصلاح وضع زندان‌ها و کاهش جمعیت کیفری</p>	<p>۱. حاکمیت قانون در اتخاذ تصمیمات قانونی و عدم تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی                  ۲. اجرای صحیح عدالت قضایی                  ۳. استقلال قوه قضائیه و قاضی‌ها                  ۴. حفظ شأن و کرامت کادر قضایی و اداری و توجه ویژه به نیازهای مادی و معنوی آنان                  ۵. بازبینی و اصلاح قوانین ناکارآمد                  ۶. اصلاح وضع زندان‌ها و کاهش جمعیت کیفری</p>	T۱۷
<p>گام برداشتن در چارچوب تبیین شده در قانون اسلامی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تحقق عدالت اسلامی در جامعه؛ جذب و تربیت قضات و کارکنان اداری متعهد و با دانش واقعی حقوقی                  ۳. تبیین جایگاه قضا برای مردم و تکریم و احترام به قضات                  ۴. تعامل با سایر قوا</p>	<p>۱. گام برداشتن در چارچوب تبیین شده در قانون اسلامی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تحقق عدالت اسلامی در جامعه                  ۲. جذب و تربیت قضات و کارکنان اداری متعهد و با دانش واقعی حقوقی                  ۳. تبیین جایگاه قضا برای مردم و تکریم و احترام به قضات                  ۴. تعامل با سایر قوا</p>	T۱۸
<p>توسعه متوازن در بخش‌های مختلف دستگاه قضایی؛ توسعه دادن به بخش منابع انسانی؛ اجرای عدالت در همه بخش‌ها؛ مبارزه جدی با مجرمان یقه سفید</p>	<p>۱. توسعه متوازن در بخش‌های مختلف دستگاه قضایی اعم از ساختار تشکیلات، جذب و آموزش فارغ‌التحصیلان                  ۲. توسعه دادن به بخش منابع انسانی قوه قضائیه خصوصاً کادر قضایی                  ۳. اجرای عدالت در همه بخش‌ها                  ۴. اجرای بدون تبعیض قوانین برای همه ملت ایران                  ۵. مبارزه جدی با مجرمان یقه سفید</p>	T۱۹

کد شناسه	یافته‌ها	نکات کلیدی
T۲۰	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. قضا‌زدایی، جرم‌زدایی و اصلاح قوانین کیفری</li> <li>۲. کاهش مراحل رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی</li> <li>۳. سرعت، دقت و سهولت در رسیدگی‌های قضایی</li> <li>۴. اهمیت دادن به سلامت و کلا مانند سلامت قضات</li> <li>۵. شفافیت در برخوردهای قضایی و علنی بودن محک‌مات</li> <li>۶. توسعه نهادهای شبه‌قضایی</li> </ol>	<p>قضا‌زدایی، جرم‌زدایی و اصلاح قوانین کیفری-کاهش مراحل رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی؛ سرعت، دقت و سهولت در رسیدگی‌های قضایی؛ توسعه نهادهای شبه‌قضایی</p>
T۲۱	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. استقلال مالی و معیشتی نیروی انسانی قوه قضائیه</li> <li>۲. افزایش امنیت شغلی قضات</li> </ol>	<p>استقلال مالی و معیشتی نیروی انسانی قوه قضائیه؛ افزایش امنیت شغلی قضات</p>
T۲۲	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. اصلاح و به‌روزرسانی قوانین</li> <li>۲. تغییر نظام جذب و استخدام قضایی</li> <li>۳. کاهش علمی اطاله دادرسی</li> <li>۴. افزایش کیفیت آرای محاکمه</li> <li>۵. افزایش نظارت‌های درون‌سیستمی</li> <li>۶. برخورد قاطع و عبرت‌آموز با فساد درون سیستم</li> </ol>	<p>اصلاح و به‌روزرسانی قوانین؛ تغییر نظام جذب و استخدام قضایی؛ کاهش علمی اطاله دادرسی؛ افزایش نظارت‌های درون‌سیستمی؛ برخورد قاطع و عبرت‌آموز با فساد درون سیستم</p>
T۲۳	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. توجه به استقلال مالی قوه قضائیه</li> <li>۲. اصلاح مسائل ساختاری و مدیریتی</li> <li>۳. توجه هرچه بیشتر به بحث پیشگیری از جرم</li> </ol>	<p>توجه به استقلال مالی قوه قضائیه؛ اصلاح مسائل ساختاری و مدیریتی؛ توجه هرچه بیشتر به بحث پیشگیری از جرم</p>
T۲۴	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. توجه خاص به جایگاه و منزلت قضا و قاضی و توجه خاص به استقلال قضات همراه با نظارت دقیق</li> <li>۲. تلاش در جهت ارتقا و رفع کمبودهای دستگاه قضایی</li> <li>۳. برنامه‌محور بودن و توجه خاص به برنامه توسعه قضایی</li> </ol>	<p>توجه خاص به جایگاه و منزلت قضا و قاضی؛ توجه خاص به استقلال قضات همراه با نظارت دقیق؛ تلاش در جهت ارتقا و رفع کمبودهای دستگاه قضایی؛ برنامه‌محور بودن و توجه خاص به برنامه توسعه قضایی</p>
T۲۵	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. عدم ورود به سیاست و عدم بیان سیاسی حتی در امور به حق</li> <li>۲. توجه جدی‌تر به اصول پذیرفته شده حقوق بشر</li> <li>۳. مشارکت فعال‌تر قضات باتجربه</li> <li>۴. محدود کردن ضابطان به ارائه گزارش و عدم دخالت آنها در ادامه رسیدگی</li> <li>۵. تقویت جدی و محسوس و ملموس استقلال قضایی و وکیل دادگستری</li> </ol>	<p>عدم ورود به سیاست؛ توجه جدی‌تر به اصول پذیرفته شده حقوق بشر؛ مشارکت فعال‌تر قضات باتجربه؛ تقویت استقلال قضایی</p>

کد شناسه	یافته‌ها	نکات کلیدی
T۲۶	۱. مبارزه جدی و بدون ملاحظه با فساد، اختلاس، دزدی، غارت ۲. مبارزه بدون چشم‌پوشی و مصلحت با مهره‌های اصلی فساد در هر مقام و موقعیتی	مبارزه جدی و بدون ملاحظه با فساد، اختلاس، مبارزه بدون اغماض و مصلحت اندیشی با مهره‌های اصلی فساد در هر مقام و موقعیتی
T۲۷	۱. استفاده از افراد باسواد و متخصص ۲. تغییر در نحوه گزینش کادر اداری ۳. پویایی در تغییرات ۴. تلاش در تغییر قوانین ۵. تغییر در نحوه گزینش قضات	تلاش در تغییر قوانین؛ تغییر در نحوه گزینش قضات؛ تغییر در نحوه گزینش کادر اداری؛ استفاده از افراد باسواد و متخصص
T۲۸	عمل به تمامی موضوعها و نظارت بر آنها جهت رسیدن به اهداف براساس قانون اساسی و قوانین موجود دیگر	عمل به تمامی اهداف قانون اساسی
T۲۹	۱. ارتقای جایگاه قوه قضائیه براساس وظایف و اختیارات ۲. ایجاد سازوکار مناسب برای تأمین استقلال قضات ۳. تأمین مالی قضات و کارکنان دستگاه قضایی متناسب با افزایش نرخ تورم	ارتقای جایگاه قوه قضائیه براساس وظایف و اختیارات؛ ایجاد سازوکار مناسب برای تأمین استقلال قضات؛ تأمین مالی قضات و کارکنان دستگاه قضایی
T۳۰	۱. اجرای عدالت قضایی ۲. پاسداری از حقوق عامه ۳. تسریع در رسیدگی همراه با دقت در پرونده قضایی ۴. استقلال قضایی	اجرای عدالت قضایی؛ دقت در رسیدگی به پرونده قضایی؛ استقلال قضایی؛ صیانت از حقوق عامه

مأخذ: همان.

در جدول ۷ با توجه به نکات کلیدی استخراج شده از مصاحبه‌ها، سعی شده است مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه‌ها برای بهبود کارکرد قوه قضائیه ارائه شود.

### جدول ۷. مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه با ۳۰ نفر از کارشناسان حقوقی و سیاسی

مؤلفه	نکات کلیدی
<p>راهکارهای ارتقای کارکرد قوه قضائیه</p>	<p>تأمین امنیت قضایی؛ ایجاد شفافیت در رسیدگی‌های قضایی؛ تدوین قوانین اثربخش؛ جلوگیری از حجم فزاینده پرونده‌ها؛ بررسی‌های قضایی با توسعه عدالت ترمیمی؛ تعامل قوه قضائیه با سایر قوای حاکم؛ مبارزه با فساد در قوه قضائیه؛ تقویت مدیریت عمومی و منابع؛ ارتقای سلامت اداری؛ سیاست‌های اجرایی دقیق؛ احترام به حقوق مردم؛ اعتماد مردم به اصل نظام؛ اتخاذ رویکرد عادلانه در انتخاب مدیران؛ ارتباط مداوم با مجامع بین‌المللی؛ توجه به مسائل و روابط سیاسی کشورها؛ به‌کارگیری قضات متخصص؛ پیشگیری از وقوع جرم؛ اجرای عدالت در جامعه و اجرای قوانین و مبارزه با مفسدان اقتصادی؛ اجرای قاطعانه احکام؛ افزایش درآمد قضات و کارکنان؛ اصلاح ساختارها؛ ارتقای کیفیت نظام سیاسی کشور؛ استقلال قضایی قضات قوه قضائیه؛ تحول راهبردی درون قوه قضائیه؛ بازنگری قوانین؛ فسادستیزی در دستگاه قضایی؛ استقلال مالی؛ استقلال در تصمیم‌گیری؛ حاکمیت قانون به معنای واقعی کلمه؛ شفافیت در برخورد‌های قضایی؛ اجرای قاطع عدالت کیفری در جهت ایجاد احساس امنیت؛ تدوین لوائح قضایی مناسب؛ جذب قضات باسواد و سالم؛ عدم سیاسی‌کاری؛ عدم برخورد گزینشی با مجرمان؛ عدم دخالت غیرقانونی کشورهای دیگر نسبت به احکام صادره؛ استخدام قضات از بین نخبگان دانشگاهی؛ نظارت مالی بر اموال و دارایی‌های قضات و کارکنان دستگاه قضایی؛ استخدام قضات از بین نخبگان دانشگاهی؛ اصلاح قوانین مادر؛ نظارت مالی بر احوال و دارایی‌های قضات و کارکنان دستگاه قضایی؛ ارتقا و توجه به اصل استقلال قوه قضائیه و استقلال قضات و رعایت اصل تفکیک قوا؛ توجه به استقلال مالی قوه قضائیه؛ اصلاح مسائل ساختاری و مدیریتی؛ رفع مشکلات اداری و امور رفاهی قضات و کارکنان اداری؛ مبارزه جدی و بدون ملاحظه با عاملان فساد، دزدی، اختلاس؛ تمکین به اجرای قوانین و مقررات؛ تشویق قضات قانونمند و برخورد جدی با قضات قانون‌شکن؛ حاکمیت قانون در اتخاذ تصمیمات قانونی و عدم تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی؛ اجرای صحیح عدالت قضایی؛ بازبینی و اصلاح قوانین ناکارآمد؛ اصلاح وضع زندان‌ها و کاهش جمعیت کیفری؛ گام برداشتن در چارچوب تبیین شده در قانون اسلامی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تحقق عدالت اسلامی در جامعه؛ جذب و تربیت قضات و کارکنان اداری متعهد و با دانش؛ تعامل با سایر قوا؛ توسعه متوازن در بخش‌های مختلف دستگاه قضایی؛ توسعه دادن به بخش منابع انسانی؛ اجرای عدالت در همه بخش‌ها؛ مبارزه جدی با مجرمان یقه سفید؛ قضا‌دایی، جرم‌دایی و اصلاح قوانین کیفری؛ کاهش مراحل رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی؛ سرعت، دقت و سهولت در رسیدگی‌های قضایی؛ توسعه نهادهای شبه‌قضایی؛ اجرای سریع قصاص؛ افزایش امنیت شغلی قضات؛ تغییر نظام جذب و استخدام قضایی؛ افزایش کیفیت آرای محاکم؛ افزایش نظارت‌های درون‌سیستمی؛ برخورد قاطع و عبرت‌آموز با فساد درون سیستم؛ اصلاح مسائل ساختاری و مدیریتی؛ توجه هرچه بیشتر به بحث پیشگیری از جرم؛ توجه خاص به جایگاه و منزلت قضا و قاضی؛ توجه خاص به استقلال قضات همراه با نظارت دقیق؛ تلاش در جهت ارتقا و رفع کمبودهای دستگاه قضایی؛ برنامه‌محور بودن و توجه خاص به برنامه توسعه قضایی؛ اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت با استفاده از ظرفیت فعلی و تلاش برای به‌دست آوردن حداکثر بهره‌وری؛ عدم ورود به جناح‌بندی‌های سیاسی؛ توجه جدی‌تر به اصول پذیرفته شده حقوق بشر؛ مشارکت فعال‌تر قضات باتجربه؛ تقویت جدی و محسوس و ملموس استقلال قاضی و وکیل دادگستری؛ مبارزه بدون چشم‌پوشی و مصلحت با مهره‌های اصلی فساد در هر مقام و موقعیتی؛ تلاش در تغییر قوانین؛ تغییر در نحوه گزینش قضات؛ تغییر در نحوه گزینش کادر اداری؛ عمل به تمام اهداف قانون اساسی؛ ارتقای جایگاه قوه قضائیه براساس وظایف و اختیارات؛ ایجاد سازوکار مناسب برای تأمین استقلال قضات؛ تأمین مالی قضات و کارکنان دستگاه قضایی؛ اجرای عدالت قضایی؛ دقت در رسیدگی به پرونده قضایی؛ پاسداری از حقوق عامه.</p>



## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مسائل در خصوص ثبات، موضوع کارآمدی ارکان حاکمیتی نظام‌هاست که به انجام درست وظایف و انتظارات و اثربخشی این ارکان در جامعه اشاره دارد. در این پژوهش سعی شده است تا با طراحی پرسش و مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان حقوقی در سمت‌های مختلف (قضات عالی‌رتبه، وکلا و اساتید حقوقی) و سپس تحلیل کیفی مصاحبه‌ها به این سؤال پاسخ داده شود که مهم‌ترین چالش‌های قوه قضائیه کدامند که در کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۷ نقش مؤثری داشتند؟ و برای بهبود و ارتقای کارکرد قوه قضائیه، چه راهکارهایی را می‌توان متصور شد؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قوه قضائیه در این دو دهه با چالش‌های زیادی همچون سلامت و استقلال قضات، نارضایتی مردم در برخی امور مرتبط قضایی، عدم استفاده از قضات متخصص و حرفه‌ای، اطاله دادرسی، تراکم پرونده‌های قضایی، اعمال فشارهای درونی و بیرونی با دخالت در امر قضا، برخورد نامناسب با جرائم سیاسی، عدم اجرای کامل قانون، عدم قاطعیت در اجرای احکام، گزینشی عمل کردن قضاوت با دانه درشت‌ها، وجود فساد در بین بعضی از قضات و کارشناسان، انحصاری بودن کانون وکلای دادگستری، عدم توجه به موضوع پیشگیری از جرم و از بین بردن بسترهای فساد، عدم توجه به حل و فصل عمیق اختلاف‌های مراجعان به دستگاه قضا، تجاوز در ثروت‌های عمومی، عدم رعایت حاکمیت قانون یا اجرای نادرست قانون، عدم اقتدار و استقلال قضایی، عدم مبارزه هدفمند با فساد اقتصادی، بی‌برنامگی برای تأسیس نهادهای قضایی بین‌المللی، تبعیض در تعقیب و دستگیری، عدم توجه به نیروی انسانی و کادر متخصص، وابستگی مالی به قوه مجریه، عدم استقلال قضات و ناپختگی در نحوه رسیدگی به برخی از پرونده‌های مهم روبه‌رو بوده است که ضمن تأثیر بر کارآمدی

قوه قضائیه، نظام سیاسی جمهوری اسلامی را در مواردی از منظر مشروعیت با چالش مواجه ساخت.

به دلیل وجود بوروکراسی و کیفیت نظام اداری - قضایی به ویژه در حوزه اطاله دادرسی، اثرپذیری از فشارهای سیاسی، مسئله استقلال یا عدم استقلال قضایی، فقدان نگرش راهبردی، وجود محدودیت در اعمال قوانین و مقررات، ارائه ضعیف خدمات عمومی، ضعف در تأمین خواسته‌ها و انتظارات عمومی در رسیدگی به پرونده‌های قضایی، عدم اقناع عمومی در نتایج حاصل از رسیدگی‌های قضایی به ویژه در امر مبارزه با فساد و برخورد با مجرمان و دانه درشت‌ها، می‌توان عملکرد قوه قضائیه را از نظر اثربخشی و کارایی مورد انتقاد قرار داد.

همچنین به نظر می‌رسد مصاحبه‌شوندگانی که خود شاغل در قوه قضائیه هستند، ادعان داشتند که با به‌کارگیری قضات متخصص و پیشگیری از وقوع جرم، اجرای عدالت در جامعه و اجرای قوانین و مبارزه با مفسدان اقتصادی، کاهش اطاله و اجرای قاطعانه احکام، تمکین به اجرای قوانین و مقررات، حفظ استقلال قضایی قضات، استفاده از ظرفیت همه قضات در رسیدگی به پرونده‌ها، عدم تسلط و دخالت نیروهای اطلاعاتی - امنیتی در رسیدگی به پرونده‌ها، تشویق قضات قانون‌مند، برخورد جدی با قضات قانون‌شکن، حفظ استقلال و اقتدار قوه قضائیه، تعامل با قوای دیگر و نهادهای حاکمیتی، تحول بنیادی در تدوین لوایح قضایی، از بین بردن زمینه‌های بی‌عدالتی و ناامنی قضایی در جامعه، از بین بردن زمینه اعمال نفوذ و فشار در پرونده‌های قضایی، ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی قضایی متشکل از قضات، وکلا و حقوق‌دانان تا حد زیادی می‌توان عملکرد و کارکرد قوه قضائیه را ارتقا بخشید. در واقع، اگر قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد نقش مؤثرتری در ثبات و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایفا کند، باید این موارد را راهنما و نصب‌العین خود قرار دهد.

قوه قضائیه و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۸... \_\_\_\_\_ ۱۳۱

به نظر نویسندگان این مقاله و بسیاری از محققان، صاحب نظران و کارشناسان اگر این مشکلات برطرف نشود، چه بسا سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشروعیت نظام سیاسی بیش از پیش کاهش می‌یابد و از این منظر ثبات نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به مخاطره خواهد افتاد.

## منابع و مآخذ

۱. آلموند، گابریل و همکاران (۱۳۸۱). *چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر ریاست جمهوری.
۲. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۹۶). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، تهران، نشر قومس.
۳. رحمتی‌فر، سمانه (۱۳۹۰). «اعمال به زمامداری در رسیدگی‌های قضایی»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره هشتم، ش ۱.
۴. رضوانی‌زاد، طیبیه (۱۳۹۴). «زمامداری و نقش آن در پیشگیری از جرم»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه کاشان.
۵. رضوی، ایمان (۱۳۹۴). «ثبات سیاسی در اندیشه نیکولو ماکیاولی و ساموئل هانتینگتن با تأکید بر دو اثر شه‌ریار و سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. رئیس‌رودباری، وحید و همکاران (۱۳۹۵). *نظام‌های سیاسی تطبیقی: مجموعه علوم سیاسی*، تهران، انتشارات مهر سبحان.
۷. زرنگ، محمد و محسن مطلبی (۱۳۸۹). *توسعه قضایی؛ برگی از کارنامه و کارآمدی نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. شیرخانی، علی و جعفر ساسان (۱۳۹۷). «مقایسه ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در چهار دهه پس از انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال ششم، ش ۱۴.
۹. صادقی، حسین (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، سال دوم، ش ۶۸.
۱۰. عابدینی، آرش (۱۳۹۲). «کارآمدی نظام سیاسی»، *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، شماره مسلسل ۱۳۱۴۲.
۱۱. عالی‌پور، حسن و همکاران (۱۳۹۷). «کارآمدی قضایی و امنیت ملی؛ پویایی اندیشه قضایی در برابر

## قوه قضائیه و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۸... \_\_\_\_\_ ۱۳۳

- پایایی رویه قضایی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۱، ش ۸۲.
۱۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. قیصری، نوراله و مصطفی قربانی (۱۳۹۴). «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم، ش ۲.
۱۴. موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۷۸). صحیفه امام، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. نبوی، مرتضی (۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر سمت.
۱۷. نیکویی، سمیه (۱۳۸۵). «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۷.
۱۸. یاری، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۹). «ضرورت‌ها، الزامات و اصلاحات لازم برای افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره نهم، ش ۳۲.
۱۹. یآوری، اسداله و محمدقاسم تنگستانی (۱۳۹۵). «نظام پاسخگویی قوه قضائیه و نسبت آن با استقلال این قوه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، ش ۹۵.
20. Almond, Gabriel (1970). *Political Development*, Boston, Little Brown and co.
21. \_\_\_\_\_ (1965). "A Developmental Approach to Political Systems", *World Politics*, No. 17.
22. Almond, Gabriel and Bingham Powell (1978). *Comparative Politics: (System Process and Policy)*, Second Edition, Little Brown and Copany.
23. Easton, David (1969). "The New Revolution in Political Science", *The American Political Science Review*, 63 (4).
24. Enieris, Dimitris (2013). "Crisis Social Policy and Social Justice", Available in [www.eprints.lse.ac.uk/50258/1/GreeSE\\_No69.pdf](http://www.eprints.lse.ac.uk/50258/1/GreeSE_No69.pdf).
25. Gauri, Varun and Daniel M. Brinks (2008). "Introduction: The Elements of Legalization and the Triangular Shape of Social and Economic Rights", *Courting Social Justice: Judicial Enforcement of Social and Economic Rights in the Developing World*, Cambridge University Press.

26. Gouveia, A.F., S. Santos and C. Herber (2017). "The Impact of Structural Reforms of the Judicial System: A Survey", Gabinete de Estratégia e Estudos, *Ministério da Economia*, Vol. 64.
27. Griffith, Gareth (1998). "Judicial Accountability", NSW Parliamentary Library Research Service.
28. Ippoliti, R. and M. Vatiéro (2014). "An Analysis of How 2002 Judicial Reorganization has Impacted on the Performance of the First Instance Courts (Preture) in Ticino", Working Paper Università della Svizzera Italiana, IdEP Economic Papers 2014/08.
29. Lsils, David (1986). *International en Cyclopedia of Social Sciences*, New York.
30. Marien, Sofie and Marc Hooghe (2011). "Does Political Trust Matter? An Empirical Investigation into the Relation Between Political Trust and Support for Law Compliance", *European Journal of Political Research*, 50 (2).
31. Robertston, David (1993). "A Dictionary of Modern Politics", Europa Publications Ltd.
32. Sangalji, Mohammad (1395). *Judiciary in Islam*, University of Tehran Press, Fifth Edition, Tehran.
33. Saunders, David (1390). *Patterns of Political Instability, Translated by Hamid Enayat*, Institute for Strategic Studies Publications, Second Edition, Tehran.

# رویکرد دکترین حقوقی در تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق مؤلف در فضای مجازی

محمد شکوری گرکانی\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۱۶۳-۱۳۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

در دعاوی بین‌المللی که عنصر خارجی در دعوا حضور دارد، وقوع تعارض قوانین حتمی است. در چنین مواردی دادرس دادگاه تصمیم می‌گیرد که قانون ماهوی کدام کشور بر دعوی حاکم شود. مبنای تعیین قانون حاکم در نقض حقوق مؤلف در فضای مجازی در حقوق ما چندان روشن نیست اما دکترین حقوقی در سایر کشورها از دیرباز در پی تأسیس قواعدی بوده که با به‌کارگیری آنها مناسب‌ترین قانون برای اعمال بر موضوع‌های مختلف مشخص شود. سیر تحولات نشان می‌دهد که دکترین حقوقی با مرور زمان و پیشرفت فناوری اینترنت، دستخوش تغییر و تحول شده و نظریه‌های جدیدی برای حل مسائل ازسوی حقوق‌دانان ابراز شده است. گسترش استفاده از فناوری اینترنت و نقض مستمر حقوق مؤلفان در آن، مستلزم بهره‌گیری از قواعد حل تعارض جدید بوده و قواعد سنتی در فضای اینترنتی چندان کارآمد نخواهند بود. دکترین حقوقی با اتخاذ سه رویکرد حمایت حداکثری از آثار، تأثیر نقض حق بر منافع اقتصادی دارنده آن و رویکرد تلفیقی که شامل قواعد سنتی و قواعد نوین حل تعارض است، در جهت تعیین قانون حاکم بر دعاوی نقض سایبری حقوق مؤلف گام برداشته است.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای درصدد بررسی قواعد حل تعارض مبتنی بر دکترین حقوقی سنتی و نوین یادشده و تعیین مؤثرترین قاعده برای تعیین قانون حاکم بوده است. به‌نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی و لزوم اعمال قانون واحد بر دعوی، رویکرد حمایت حداکثری از آثار علمی، ادبی و هنری بهترین معیار برای تشخیص قانون حاکم بر دعوی نقض حق خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها: قاعده حل تعارض؛ دکترین حقوقی؛ قانون حاکم؛ فضای مجازی**

\* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Email: majid.shakori@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصدوهفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5317.5087

## مقدمه و طرح مسئله

در دعاوی بین‌المللی، پس از تعیین صلاحیت دادگاه، دادرس باید تصمیم بگیرد که براساس قواعد حقوقی و قانون ماهوی کدام کشور به دعوی رسیدگی شود. در چنین مواردی تعارض قوانین رخ می‌دهد. مسئله تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوق خصوصی به دلیل دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند (الماسی، ۱۳۸۶: ۱۷). در تعیین قانون حاکم و صلاحیت دادگاه این تفاوت وجود دارد که صلاحیت قضایی دادگاه یک کشور، مستلزم اعمال قانون آن کشور نیست و دادگاه نباید به‌صرف اینکه ممکن است قانون بیگانه حاکم شود، از پذیرش دعوا خودداری کند. برای مثال، در دعاوی مربوط به احوال شخصیه بیگانگان، دادگاه‌های ایران صالح هستند ولی مطابق ماده (۷) قانون مدنی، قانون ایران صلاحیت ندارد.

بنابراین دادگاه‌های داخلی باید برای حل هر مسئله‌ای ابتدا به قانون دولت متبوع خود مراجعه کنند و این اصلی است که مورد قبول تمامی کشورهاست و اگر این قانون، ما را به قانون خارجی دلالت کند و آن قانون خارجی هم اجرا شود درواقع منبع ما همان قانونی است که ما را به قانون خارجی دلالت داده است (همان، ۱۳۷۸: ۴۱). مسئله قانون حاکم از این جهت بسیار مهم است که رأی نهایی دادگاه بر مبنای آن صادر می‌شود. مطمئناً در حقوق بین‌الملل خصوصی که کشورهای مختلف و عامل خارجی در آن دخیل هستند، گزینش قانون حاکم امری پیچیده و با ظرافت‌های حقوقی خاص است؛ چه آنکه در این حوزه، هر دعوی از یک سو بین‌المللی است و با کشورهای مختلفی مرتبط است و از سوی دیگر نمی‌توان در یک موضوع چند قانون را اعمال کرد و باید صرفاً براساس قانون یک کشور رأی صادر کرد. بنابراین باید برای انتخاب قانون حاکم، در پی یافتن ضابطه‌ای بود که دسته‌های ارتباط نام دارد.



در مورد قانون حاکم بر نقض مالکیت فکری، کشورها مقررات زیادی ندارند و آن را تابع قانون مسئولیت مدنی قرار می‌دهند؛ یعنی در واقع توجه می‌کنند که دعوی مسئولیت مدنی آنها تابع چه قانونی است و همان قانون را اعمال می‌کنند. با وجود این، قانون حاکم بر نقض مالکیت فکری، در برخی کشورها از جانب قانونگذار تعیین شده است؛ از جمله در اتریش، ایتالیا، کره و بلژیک، مقرراتی در این باره وجود دارد (رجبی و عباسی وفایی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

مقررات مختلفی در خصوص تعارض قوانین حوزه حقوق مالکیت فکری وجود دارد که در دو گروه مجزا تصور می‌شود. نخست، مقرراتی که با استناد به اصل سرزمینی بودن، از تأثیرات اقدام‌های فرامرزی ناقض حق جلوگیری می‌کند و از تأثیر موضوع‌های یادشده بر فرایند دادرسی ممانعت به عمل می‌آورد. مانند اینکه در جهت حمایت از پدیدآورندگان و دارندگان حق در سرزمینی خاص، واردات کالاهایی که ناقض حقوق مالکیت فکری هستند به کشور ممنوع شود. دوم، مقرراتی که به رغم داخلی بودن، با توجه به اقدام‌های مرتبط که در خارج از آن کشور انجام گرفته است، از طرف دادگاه بر رابطه حقوقی حاکم می‌شود و ممکن است منتج به اعمال قانون کشور بیگانه شود (Peukert, 2012: 14).

همان‌گونه که ذکر شد، دادگاه برای صدور رأی و فصل اختلاف، باید قانون حاکم بر آن را تعیین کند. تعیین قانون حاکم بر دعوی مستلزم توصیف مسئله و قرار دادن موضوع دعوی در دسته ارتباط مربوطه است. با قرار دادن هر مسئله در یک دسته ارتباط، خودبه‌خود حکم شامل بر آن مشخص می‌شود، اما باید گفت دسته ارتباط مستقیماً به قانون ماهوی خارجی دلالت ندارد، لذا هنگام رجوع به قانون خارجی نیز باید به قانون حل تعارض، یعنی قانون بین‌المللی آن کشور رجوع کرد، چون قلمرو قانون داخلی یا ماهوی هر کشور را قانون حل تعارض همان کشور تعیین می‌کند (الماسی، ۱۳۷۸: ۴۲).

برای حل تعارض قوانین و برگزیدن قانون حاکم بر دعوی، باید مراحل مختلفی طی شود که شامل سه مرحله است: نخست، تشخیص عامل ارتباط یا عاملی که روابط حقوقی را در یک دسته خاص قرار می‌دهد. دوم، توصیف رابطه حقوقی مورد نظر و قرار دادن هریک از موضوعها در دسته‌های مناسب. سوم، پیوند دسته‌های ارتباط با قانون کشوری که در مورد آن مناسب‌تر باشد. امروزه میان مرحله دوم یعنی توصیف رابطه حقوقی و مرحله سوم یعنی اعمال قانون یک کشور خاص، تأثیر متقابلی وجود ندارد؛ زیرا روابط حقوقی بدون تأکید بر فضای جغرافیایی در حال گسترش است (Geller, 2005: 2-3).

مثال بارز در این زمینه، پرونده وبسایت «پایرت بی»<sup>۱</sup> است که معروف‌ترین پایگاه اینترنتی اشتراک فایل تورنت در اینترنت به‌شمار می‌رود. وبسایتی که با میلیون‌ها کاربر در جهان بیشترین محبوبیتش را مدیون دانلود رایگان فیلم و سریال است. اما طی این مدت دسترسی به وبسایت مذکور که در سال ۲۰۰۳ در سوئد پایه‌گذاری شده بود، در چند کشور از جمله بریتانیا، ایرلند و هلند مسدود شد و سه نفر از پایه‌گذاران آن جریمه و زندانی شدند. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا طی حکمی اعلام کرد که این وبسایت، حق کپی‌رایت را در جهان نادیده گرفته و آن را نقض کرده است. دیوان در رأی خود تصریح کرده است که «حتی اگر کاربران این وبسایت آثار را در دسترس عموم گذاشته باشند، مسئولان آن نقشی مهم و انکارناپذیر در زمینه به اشتراک‌گذاری این آثار دارند.»<sup>۲</sup> این رأی در حالی صادر شده است که مدیران وبسایت مذکور هیچ‌گاه خود رأساً به انتشار آثار دارای کپی‌رایت اقدام نکرده‌اند؛ اما زمینه را برای انتشار این آثار با به اشتراک‌گذاری فایل‌های تورنت از سوی کاربران در آن، مهیا کرده‌اند.

1. Pirate Bay

2. Court of Justice of the European Union, PRESS RELEASE No 64/17, Luxembourg, 14 June 2017, Judgment in Case C-610/15, Stichting Brein v Ziggo BV, XS4ALL Internet BV.

## ۱. توصیف دعوای نقض حق مؤلف

رسیدگی به دعوای خصوصی بین‌المللی مستلزم انتخاب قانون حاکم است (Libling, 1979: 169). به بیان دیگر، در هر موردی که قاضی دادگاه با یک مسئله تعارض قوانین مواجه می‌شود، اولین اقدامی که وی باید انجام دهد این است که به توصیف موضوع دعوی بپردازد؛ یعنی تشخیص دهد که رابطه حقوقی مورد بحث در کدام یک از دسته‌های ارتباط است. توصیف، عبارت است از تعیین نوع امر حقوقی که یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی باید نسبت به آن اجرا شود.

مطابق نظر مرسوم در حقوق بین‌الملل خصوصی، به گروهی از روابط حقوقی مرتبط و همگون که تحت عنوان خاصی، مانند اموال یا احوال شخصیه قرار می‌گیرند، دسته ارتباط اطلاق می‌شود و وسیله‌ای که در هر قاعده حل تعارض برای تعیین قانون حاکم بر یک دسته ارتباط مورد استفاده واقع می‌شود، عامل ارتباط نام دارد (خمامی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۷). در مورد حقوق مالکیت فکری نیز مسئله توصیف اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا این حق به لحاظ ماهیت ویژه خود تفاوت‌های بسیاری با حوزه‌های سنتی مانند دسته‌های ارتباط با اموال یا اسناد دارد. حق فکری از جمله اموال غیرمادی است که از محصولات خرد انسان که ارزش تجاری دارد، حمایت می‌کند (Garner, 2010: 881) این حق از جمله حقوق شخصی مطلق است که دو وجه دارد؛ یعنی با عنایت به شخصی بودن حق، می‌تواند تابع توافق باشد و با توجه به اطلاق حق، امکان نقض آن از جانب اشخاص ثالث وجود دارد (Schack, 2009: 129, 144).

در حال حاضر تمام نظام‌های حقوقی دسته‌های ارتباطی بزرگی مانند دسته اشخاص، دسته اموال، دسته اعمال حقوقی و غیره دارند (الماسی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). مقصود از دسته‌های ارتباط، تشکیل تعدادی از روابط و نهادهای حقوقی است که با مختصات مشابه خود از سایر مجموعه نهادهای حقوقی دیگر متمایز می‌شوند (شیخ‌الاسلامی،

۱۳۸۴: ۱۱۱). برای هر دسته با توجه به عنصر اساسی آن را عامل ارتباط<sup>۱</sup> می‌نامند، قانون حاکم مشخص می‌شود و قاعده حل تعارض و قانون صلاحیت‌دار با ذکر دسته ارتباط و تعیین عامل ارتباط حاصل می‌شود. برای نمونه، وضعیت و اهلیت اشخاص، شکل اسناد و اموال از دسته‌های ارتباط و تابعیت، اقامتگاه، محل وقوع مال و محل انعقاد عقد، عامل ارتباط محسوب می‌شوند (صفایی، ۱۳۹۳: ۸۱).

در نقض حقوق فکری، عملی زیان‌بار ازسوی ناقض حق ارتکاب یافته و به پدیدآورنده یا دارنده حق زیان می‌رساند یعنی حق انحصاری دارنده حق مبنی بر تکثیر، توزیع و بهره‌برداری از اثر را فردی نقض کند. لذا ماهیت عمل نقض نوعی عمل خسارت‌بار و دسته ارتباطی آن در باور کلاسیک و سنتی، دسته مسئولیت مدنی خواهد بود. در مسئولیت مدنی و ورود خسارت به اشخاص، قاعده قانون محل وقوع فعل زیان‌بار<sup>۲</sup> اعمال می‌شده است. بر مبنای این نظریه سنتی، مسئولیت مدنی تحت حکومت قانون محلی است که فعل زیان‌بار در آنجا به بار آمده و دارا شدن ناعادلانه، ایفای ناروا و اداره امور غیر، تحت حاکمیت قانونی است که این اقدام‌ها انجام شده است. طبق این نظریه، قانون محلی که حادثه و اقدام زیان‌بار در آنجا صورت گرفته، شرایط، حدود و آثار دعوای مسئولیت مدنی و نیز میزان و شیوه جبران خسارت را مشخص می‌کند (صالحی ذهابی، ۱۳۸۱: ۱۰۹).

طرفداران این نظریه دلایلی را بر اثبات آن بیان کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند که اولاً، قاعده حکومت قانون محل ارتکاب حادثه زیان‌بار، مطابق با اصل سرزمینی بودن قوانین است. ثانیاً، در مواردی که عمل زیان‌بار موجب خسارت به شخصی می‌شود، زیان‌دیده براساس قوانین محل خسارت، دارای حق مکتسبه می‌شود. بنابراین چنانچه

---

1. Connecting Factor  
2. Lex Loci Delicti

وی در دادگاه دیگری نیز طرح دعوی کند، قانون محل اعطای حق باید حاکم شود. ثالثاً، قانون محل انجام فعل زیان بار با انتظارات و خواسته‌های مشروع طرفین دعوی نیز هماهنگی دارد؛ زیرا هر شخصی حق دارد رفتارهای خود را بر مبنای قوانین و عرف محلی که در آن اقدام به امری می‌کند تنظیم کند و محاسبه خطر و ریسک ناشی از اعمال نیز باید برای اشخاص بر مبنای قانون همان محل ارزیابی شود. عمل زیان بار نیز از این امر مستثنی نیست و باید مطابق قانون محل آن عمل سنجیده شود (همان: ۱۱۲). باید توجه داشت که قواعد تعارض قوانین درباره موضوع‌های خاصی از حقوق مالکیت ادبی و هنری، تا حدی متفاوتند و از این رو ممکن است تعیین عامل ارتباط در خصوص موضوع‌هایی باشد که قابل توصیف به عنوان قراردادی نیستند (Asensio, 2013:6). برخی حقوق دانان به این امر اشاره کرده‌اند که دادگاه در رسیدگی به دعوا، باید در ابتدا بررسی کند که منشأ دعوای کپی‌رایت، اختلاف میان خواهان و خوانده بر سر مالکیت حق است و یا بر سر نقض آن. چنانچه منشأ دعوی، مالکیت حقوق فکری باشد، قانون حاکم بر آن، قانون محل وقوع مال<sup>۱</sup> است و چنانچه اختلاف بر سر نقض حقوق فکری باشد، قاعده قانون محل نقض حق باید حاکم شود (Schack, 2009: 130). حقوق دانان دیگر در مقام توضیح قاعده محل وقوع مال در خصوص حقوق مالکیت فکری، توضیح داده‌اند که قانون حاکم بر مالکیت فکری، قانون محل ابراز فعالیت است؛ زیرا این محل به‌عنوان محل وقوع فرضی مال قبول شده است و نتیجه گرفته‌اند که قانون حاکم بر مالکیت ادبی و هنری، قانون محلی است که اثر در آنجا انتشار یافته است (الماسی، ۱۳۸۶: ۲۹۵). همان‌گونه که ذکر شد، قاعده محل وقوع مال در خصوص دعوای مالکیت حقوق مالکیت فکری کاربرد دارد و نه نقض حقوق یادشده.

## ۲. تعیین قانون حاکم در اسناد بین‌المللی (رم یک و دو)

مقصود از اسناد بین‌المللی، معاهداتی است که به‌صورت چندجانبه میان کشورهای مختلف منعقد شده و بین کشورهای عضو لازم‌الاجراست. در معاهدات بین‌المللی در خصوص تعیین قانون حاکم در موارد نقض حقوق مؤلف، دو معاهده واجد احکام خاصی هستند که به آنها اشاره می‌شود:

### ۲-۱. کنوانسیون رم ۱۹۸۰ (مقرره رم ۱)<sup>۱</sup>

کنوانسیون رم در سال ۱۹۸۰ به تصویب اعضا رسید و متعاقباً به‌عنوان مقررات اتحادیه اروپا تحت عنوان رم (۱) پذیرفته شد. فارغ از ماده (۳) این کنوانسیون که اصل آزادی اراده را به‌عنوان قاعده حل تعارض و مبنای تعیین قانون حاکم برشمرده است، در فرض عدم انتخاب قانون حاکم از سوی طرفین، به‌موجب بند اول ماده (۴) آن، در صورت عدم انتخاب قانون حاکم از سوی طرفین، «قرارداد تابع قانون کشوری است که با آن نزدیک‌ترین رابطه را دارد» و در بند بعدی اماره‌ای برای نزدیک‌ترین ارتباط ارائه می‌دهد: «قانون قابل اعمال در قراردادی که در اینترنت منعقد گشته یا در استفاده از یک حق مالکیت فکری در اینترنت، قانون محلی است که طرف عقدی که باید تعهد را تأدیه کند، در زمان انعقاد قرارداد، در آنجا سکونت داشته باشد و اگر یک شرکت یا مؤسسه یعنی شخص حقوقی است، مرکز اداره مرکزی آنجا می‌باشد.» البته طبق بند پنجم همین ماده، هنگامی که از مجموع اوضاع و احوال برآید که قرارداد روابط نزدیک‌تری با کشور دیگری دارد می‌توان این اماره را کنار گذاشت (الماسی و کاویانی، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

1. EC Convention on the Law Applicable to Contractual Obligations (Rome 1980)

## ۲-۲. مقررات رم (۲) اتحادیه اروپا<sup>۱</sup>

مقرره رم (۲) به‌عنوان مصوبه‌ای لازم‌الاجرا میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ میلادی با هدف تعیین قانون قابل‌اعمال بر تعهدات غیرقراردادی وضع شده است که احکام صریحی در خصوص نقض حقوق مؤلفان در آن ذکر شده است. به‌موجب بند «۱» ماده (۸) این مقرره، قانون حاکم بر دعوی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت فکری، قانون کشور حمایت‌کننده است و در عمل به‌نظر می‌رسد که هیچ تمایزی میان قانون کشور حمایت‌کننده و قانون کشور محل ورود زیان وجود ندارد. همچنین به‌موجب ماده (۱۴) مقرره مذکور، مسئولیت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری از استثنائات اصل حاکمیت اراده شمرده شده و طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند.

## ۳. تعیین قانون حاکم در دکترین حقوقی

تعیین قانون حاکم بر نقض مالکیت فکری از طریق اینترنت و فضای سایبر اهمیت فراوانی دارد؛ چه ماهیت این تکنولوژی سبب می‌شود نقض حق در کشورهای بسیاری تحقق یابد. حال اگر قرار باشد قانون جایی که نقض در آن واقع شده است، حاکم بر دعوی شود، باید براساس قانون ده‌ها کشور به دعوی رسیدگی شود که امری محال است. بنابراین باید چاره‌ای اندیشید و آن هم پیدا کردن راهی برای اعمال قانون واحد بر موضوع است. راهکارهای حل تعارض ارائه شده اعم از قانون محل نقض حق و قانون محل حمایت، زمینه را برای اعمال قوانین کشورهای مختلف فراهم می‌آورد. بنابراین با توجه به ناکارآمدی قواعد حل تعارض سنتی، یافتن قاعده حل

---

1. Regulation (EC) No.864/2007 of European Parliament and of the Council of 11 July 2007 on the Law Applicable to Non- Contractual Obligations (Rome II)

تعارض ویژه فضای اینترنتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

به‌دلیل حاکمیت اصل سرزمینی در حقوق مالکیت فکری، اهمیت تعارض قوانین در آن مدت‌ها انکار می‌شد. برخی وجود قرارداد در خصوص حق مؤلف را به‌عنوان نفی‌کننده تعارض قوانین در نظر می‌گیرند (Dinwoodie, 2001: 435)؛ شاید بدین‌علت که تصور کرده‌اند در قراردادها معمولاً به قانون صالح در صورت اختلاف اشاره شده است و به‌دلیل تقریباً فراگیر شدن قراردادهای کپی‌رایت، دیگر چندان به تعارض قوانین نیازی نیست، درحالی‌که مسائل کپی‌رایتی را بیشتر کسانی نقض می‌کنند که طرف قرارداد نیستند. برخی دیگر معتقدند که تنظیم قواعد تعارض قوانین مالکیت فکری لازم نیست؛ چه اگر لازم بود کشورها را به‌سمت انعقاد کنوانسیون یا توافقنامه می‌کشاند (Drex1, 2005: 150,151).

گفتنی است نظریات مختلفی در میان حقوق‌دانان برای تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق فکری مطرح شده که به دو گروه قواعد حل تعارض سنتی و نوین دسته‌بندی می‌شود.

### ۳-۱. قواعد حل تعارض سنتی

#### ۳-۱-۱. نظریه اعمال قانون مقرّ دادگاه<sup>۱</sup>

قاعده اعمال قانون مقرّ دادگاه برگرفته از اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات است. نمود این اصل در قانون ایران، ماده (۵) قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «کلیه سکنه ایران، اعم از اتباع داخله و خارجه، مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». مطابق این اصل، قوانین هر کشور، اصولاً در مرزهای سیاسی آن کشور اجرا می‌شود و بر تمام اشخاص و اموال موجود در آن حاکم

1. Lex Fori



است. بنابراین برخی حقوق دانان بر این باورند که به استناد ماده (۵) قانون مدنی، در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا تردید در اجرای قانون ایران یا قانون خارجی باشد اصل، اجرای قانون ایران درباره ساکنان آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۸).

باید توجه داشت که نظریه اعمال قانون مقر دادگاه حتی به این مقدار هم بسنده نمی‌کند و برخی معتقدند که حتی در خصوص اشخاصی که ساکن ایران نیستند نیز باید قانون مقر دادگاه ایران اعمال شود؛ زیرا از یک طرف طبق یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی هرگاه قانونی برای حکومت بر مسئله متنازع‌فیه وجود نداشته باشد، قانون مقر دادگاه اعمال خواهد شد و از طرف دیگر قاضی هر کشوری مکلف است طبق قانون کشور خود به دعوی رسیدگی کرده و حکم دعوی را از قوانین کشور خود پیدا کند؛ مگر اینکه قانونگذار به موجب قواعد حل تعارض اجازه اجرای قانون خارجی را داخل کشور دهد. اینک که قانونگذار ملی قاعده حل تعارضی در این زمینه وضع نکرده و اجازه اجرای قانون خارجی را نداده است؛ قاضی به اجرای قانون مقر دادگاه مکلف است؛ اگرچه قانون مناسب هم نباشد (غریبه، ۱۳۸۷).

نکته قابل ذکر اینکه منظور از قاعده قانون مقر دادگاه این است که قانون مقر، به‌عنوان نتیجه تعارض قوانین، بر دعوی حاکم شود و گرنه در همه دعاوی بین‌المللی، قانون مقر خواسته یا ناخواسته تأثیرگذار است؛ برای مثال، توصیف موضوع و پیدا کردن دسته ارتباط، آیین دادرسی و طبقه‌بندی نوع دعوی همواره براساس این قانون صورت می‌گیرد. بنابراین مرجع قضایی ایران، باید در برخورد با مسائل حقوق بین‌الملل، توصیف‌ها و شناسایی‌های قانونی ایران را مبنای تصمیم خود قرار دهد (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۵).

قاعده قانون مقر دادگاه گرچه به اصل سرزمینی و حاکمیت کشورها تکیه دارد اما اعمال آن به‌عنوان یک قاعده حل تعارض از وجاهت چندانی برخوردار نیست؛ زیرا

اولاً، در حقوق بین‌الملل خصوصی همواره اصل بر اعمال قوانین کشوری است که مناسب‌ترین قانون با توجه به موضوع دعوی تلقی شده و بیشترین ارتباط را با دعوای مطروحه داشته باشد. ثانیاً، اعمال قانون مقر دادگاه به‌عنوان قانون ماهوی حاکم بر دعوای ناشی از نقض مالکیت فکری، سبب اعطای آزادی و اختیار بسیار گسترده‌ای برای خواهان جهت اقامه دعوی در مرجع دلخواه خود خواهد شد و طبیعی است که خواهان، دادگاهی انتخاب می‌کند که منافع وی را بیشتر تضمین کند. ثالثاً، اعمال قانون مقر دادگاه بر دعوای ناشی از نقض حق مالکیت فکری نسبت به دیگر دعوای بسیار ناکارآمد و بعضاً غیرمنطقی است زیرا در مسئله حقوق فکری عامل تعیین‌کننده، تابعیت و محل سکونت نیست، بلکه باید عوامل دیگر ارتباطی نیز در آن لحاظ شوند.

با وجود این، برخی نویسندگان طرفدار نظریه اعمال قانون مقر دادگاه، برای تقویت نظریه مذکور به کنوانسیون برن<sup>۱</sup> استناد کرده‌اند. به باور آنها بند «۲» ماده (۵) کنوانسیون برن مستلزم اعمال قانون کشوری است که دادرسی در آن انجام می‌شود؛ حتی اگر اعمال ناقص ادعایی در کشور دیگری واقع شده باشد. این گروه از حقوق‌دانان استدلال کرده‌اند که مطابق این بند «محلی که حمایت درخواست می‌شود» همان محلی است که در آن دعوای نقض کپی‌رایت اقامه می‌شود (Ginsburg, 1995a: 336-337). البته این استدلال به سود قاعده قانون مقر دادگاه، متقاعدکننده نیست و نتوانسته حمایت جهانی را کسب کند. از همه مهم‌تر، قاعده حل تعارض قانون مقر دادگاه، به مسئله انتخاب مساعدترین دادگاه<sup>۲</sup> منجر خواهد شد؛ زیرا نتیجه دعوای نقض حق به کشوری بستگی دارد که خواهان در آن اقامه دعوی می‌کند.

1. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886)

2. Forum Shopping

## ۲-۱-۳. نظریه اعمال قانون مبدأ اثر<sup>۱</sup>

یکی از نظریات در باب تعیین قانون حاکم این است که آثار ادبی و هنری که با شخصیت فرد رابطه نزدیکی دارد، قانون دولت متبوع پدیدآورنده اثر (که در آنجا تولید شده است) حاکم بر دعوی شود. در مورد تعیین کشور محل تولید اثر، اتفاق نظر وجود ندارد و برخی از کشورها با توجه به بند «۲» ماده (۵) کنوانسیون برن، کشوری که اثر برای اولین بار در آن منتشر شده را کشور اصلی پذیرفته‌اند و قانون حاکم را قانون کشوری می‌دانند که اثر برای اولین بار در آن منتشر شده است. در آمریکا دادگاه‌ها معمولاً در مورد کپی‌رایت، قانونی را که بیشترین ارتباط را با طرفین و قضیه دارد، قانون حاکم می‌دانند آن را در عمل، قانون دولت متبوع مؤلف و اولین مکان نشر اثر او معنا کرده‌اند و این، یعنی قاعده قانون کشور مبدأ اثر (Dinwoodie, 2001: 731).

اصل کشور مبدأ از نظر مفهوم و ماهیت، نقطه مقابل اصل سرزمینی به‌شمار می‌رود. بدین جهت که مطابق آن، با تغییر محل اقامه دعوی، قانون حاکم تغییر نخواهد کرد و ثابت می‌ماند. این مسئله به‌نوبه خود می‌تواند به‌عنوان ایرادی نیز برای آن به‌شمار رود. قانون مبتنی بر آن، به‌صورت دائم و ثابت باقی می‌ماند و امکان تغییر آن به‌جهت بعید بودن احتمال تغییر تابعیت فرد و کشوری که برای اولین بار اثر در آن منتشر شده، غیرممکن به‌نظر می‌رسد. ایراد دیگر این نظریه این است که احراز قانون متبوع مؤلف در آثار مشترک و مشاعی پیچیده و دشوار به‌نظر می‌رسد؛ زیرا مشخص نیست که تابعیت کدام‌یک از پدیدآورندگان را باید ملاک قرار داد. افزون بر این، مهم‌ترین ایراد این نظریه در آثار اینترنتی نمود پیدا می‌کند؛ زیرا در اینترنت محل انتشار اثر یا مبدأ اثر به‌کلی نامشخص است و امکان اجرای قاعده مورد بحث در خصوص نقض‌های اینترنتی وجود ندارد. امتیاز این نظریه این است که یک قانون واحد را بر دعوی قابل اعمال می‌داند و

این در خصوص دعاوی اینترنتی مهم است. به هر حال، قاعده کشور مبدأ اثر، از پذیرش عمومی چندانی برخوردار نیست (European Commission, 2000: 11).

## ۲-۳. قواعد حل تعارض نوین

### ۱-۲-۳. قاعده قانون دارای حداکثر حمایت

برخی از حقوق دانان در مقام تعیین قاعده حل تعارض جدید پیشنهاد داده‌اند که مطابق آن در مواردی که حقوق فکری در فضای اینترنتی نقض می‌شوند و مسئله به قانون چند کشور مرتبط می‌شود، قانونی باید بر دعوی نقض حاکم شود که در بر دارنده حداکثر حمایت از حقوق مؤلف باشد (Geller, 1996: 106). بر اساس این نظریه، تعارض میان دو قانون قابل اعمال بر کپی‌رایت، همواره به نفع قانونی حل می‌شود که سطح بالاتری از حمایت را پیش‌بینی کرده است. در این نظریه، هم در خصوص محدوده قرارهای تأمین صادره از دادگاه و هم در تعیین خسارت، قاعده مذکور اعمال خواهد شد.

برای مثال، چنانچه فیلمی که به موجب قانون آلمان تحت حمایت است در ایالات متحده آمریکا کاربری در اینترنت مورد بهره‌برداری قرار دهد؛ دارنده حق می‌تواند با استناد به قانون آلمان، درخواست صدور قرار تأمین کند که این قرار به صورت جهانی قابلیت اجرا دارد (Ibid.: 112-114).

نظریه قانون بیشترین حمایت، جذاب به نظر می‌رسد؛ زیرا ادعا می‌کند که قواعد ساده و درعین حال کاملاً منطبق با اصل رفتار ملی - که اصل اساسی حقوق مالکیت فکری است - ارائه کرده است. افزون بر این، نظریه مذکور تأثیر اقتصادی بهره‌برداری غیرمجاز خواننده را نیز در بررسی تعارض قوانین دخیل کرده است؛ امری که برای دفاع از منافع اقتصادی پدیدآورنده ضروری و موجه است. بنابراین چنانچه حتی قراردادی

میان پدیدآورنده و ناقض حق وجود نداشته باشد، دادگاه‌ها سخت‌گیرانه‌ترین ساختار قراردادی را برای انتقال حقوق فکری در نظر می‌گیرند. بنابراین در هر جا که میان دو یا چند قانون تعارض وجود داشت، قانونی را اعمال می‌کنند که بیشترین حمایت را در نظر گرفته است (Ibid.: 110).

البته انتقادهایی نیز به این نظریه وارد شده است: نخست اینکه نسبت میان این نظریه و اصول بین‌المللی حاکم بر مالکیت فکری مشخص نیست و توافق بین‌المللی بر آن وجود ندارد؛ زیرا معاهدات بین‌المللی که بازتاب‌دهنده توافقات هستند، صراحتاً برخی استثنائات را در خصوص حقوق انحصاری مؤلف در نظر گرفته‌اند برای مثال، مطابق معاهدات، کشورها می‌توانند در خصوص برخی قراردادها از قبیل قراردادهای مصرف اموال فکری و همچنین در مورد نظم عمومی مقرراتی مغایر با حقوق پدیدآورندگان وضع و اجرا کنند که قاعدتاً حداکثر منافع را برای پدیدآورندگان به ارمغان نمی‌آورد. دوم، برخلاف اینکه از جمله ویژگی‌های نظریه، سهولت ذکر شده است، اما با سهولت فاصله بسیار دارد. مبدعان این نظریه همواره منتقد این بوده‌اند که در نتیجه اعمال قواعد حل تعارض سنتی، قانون چند کشور امکان اجرا پیدا می‌کند و خواهان این حق را می‌یابد که قانونی انتخاب کند که بیشترین منافع را برای وی دربردارد. اما این مشکل در این نظریه نیز وجود دارد و خواهان قانونی را در اختیار می‌گیرد که بتواند به‌موجب آن بیشترین خسارت را دریافت کند (Reindl, 1998: 816-817).

پاسخ طرفداران نظریه به انتقادهای مذکور این است که نظریه قانون بیشترین حمایت، با پیشرفت‌های علمی بین‌المللی سازگار و منطبق است؛ زیرا افزایش حمایت از دارندگان حقوق فکری را به‌طور کلی رویه‌های بین‌المللی و کشورهای متعدد پذیرفته‌اند و امری مقبول در جهان است. بنابراین نباید نگران اعمال قانونی بود که حمایت‌های حداکثری برای پدیدآورندگان آثار به ارمغان می‌آورد؛ زیرا این امر سبب

تشویق اهل علم، ادب و هنر به افزایش تولید آثار مورد حمایت قانون خواهد بود (Geller, 1996: 112).

### ۲-۲-۳. قاعده تلفیقی قانون مقرّ دادگاه و نظریه انتشار

پروفسور گینسبورگ برخی قواعد را برای حل تعارض پیشنهاد داده‌اند که اعمال قانون مقرّ دادگاه را بر نقض کپی‌رایت تجویز می‌کند مشروط بر اینکه، حداقل یک عامل ارتباط اضافی نسبت به قانون مقرّ دادگاه وجود داشته باشد. عوامل ارتباطی اضافی شامل: مبدأ اعمال ناقض، محل اقامت خواننده یا تابعیت وی و محل استقرار تجارتخانه خواننده است (Ginsburg, 1995a: 338). قواعد حل اختلاف مورد پیشنهاد گینسبورگ مبتنی بر اصلاح نظریه انتشار است و مزایای این نظریه و فواید رویکرد قانون مقرّ دادگاه را با هم ترکیب کرده است. این قواعد به باور طرفداران آن برای جلوگیری از مسئله انتخاب مساعدترین دادگاه طراحی شده و به دلیل اینکه صرفاً یک قانون را قابل اعمال بر دعاوی نقض کپی‌رایت می‌کند، امتیاز سهولت و عدم پیچیدگی را نیز حفظ کرده است (Ibid.: 337). قاعده قانون مقرّ دادگاه از کاربران در قبال اعمال قوانین غیرمنتظره کپی‌رایت محافظت می‌کند که منجر به سهولت قاعده حل تعارض و از منظر دادگاه، باعث سهولت در تعیین قانون حاکم خواهد بود.

با وجود این، اعمال قواعد ترکیبی قانون مقرّ دادگاه و نظریه انتشار در محیط سایبری، انتقادهایی را سبب شده است: نخست، همان‌گونه که پروفسور گینسبورگ اذعان کرده‌اند، اعمال قانون مقرّ دادگاه به خواننده اجازه می‌دهد تا با اقامت یا انجام فعالیت‌های خود در کشورهای که دارای سطح پایینی از حمایت از حقوق فکری هستند، قواعد مذکور را ملعبه دست قرار دهد. به بیان دیگر، خواننده می‌تواند اقدام‌های ناقض خود را در کشورهای متمرکز کند که حمایت ضعیفی از کپی‌رایت می‌کنند و بدین ترتیب درعین حال که به صورت جهانی از آثار بهره‌برداری می‌کند، از شمول

قوانین سایر کشورها مصون باقی می‌ماند. توجیه چنین قواعدی که یک‌طرفه و به‌نفع خواننده هستند، در فضای اینترنت که اهمیت حمایت از حقوق مؤلفان در آن بیشتر است، بسیار دشوار است.

دومین انتقاد این است که برای تعیین قانون حاکم، دادگاه را به مبدأ فنی شروع اعمال ناقض حق ارجاع می‌دهد. تکیه بر این جنبه‌های فنی به‌ویژه در اینترنت، مشکل‌آفرین است؛ زیرا ساختارهای فضای سایبر غیرمتمرکز بوده و تعیین محل سروری که اثر را به‌صورت عمومی به اشتراک گذاشته، غیرممکن است. بنابراین برخلاف اهداف طرفداران این نظریه، از سهولت و قابلیت پیش‌بینی فاصله دارد.

### ۳-۲-۳. قاعده تلفیقی قانون کشور مبدأ اثر<sup>۱</sup> و نظریه اثر

این نظریه شامل مجموعه‌ای از قواعد حل تعارض است و محلی را که اثر در شبکه اینترنت در دسترس عموم قرار گرفته است، مدنظر قرار می‌دهد اما علاوه بر آن، اگر اقدام‌های کاربر به‌نحو مهمی منافع اقتصادی دارنده حق را در دیگر کشورها متأثر کرده باشد، این اقدام‌ها نیز مورد نظر قرار خواهند گرفت. این رویکرد به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد قانونی را اعمال کنند که عوامل ارتباطی قوی با موضوع دعوی داشته باشد.

مطابق این نظریه، قاعده حل تعارض در وهله نخست باید مبتنی بر محلی باشد که اقدام‌های بهره‌بردارانه از اثر در آنجا آغاز شده است تا تعیین قانون حاکم بر دعوی میسر باشد. اعمال قانون کشور مبدأ از نظر مفهومی قابل توجیه است؛ چراکه تکثیر اثر مشمول کپی‌رایت در فضای سایبری در وهله نخست در جایی رخ می‌دهد که در معرض دسترس عموم قرار داده شده است. معاهدات سازمان جهانی مالکیت فکری<sup>۲</sup> مورخ ۱۹۹۶ این دیدگاه را تأیید می‌کنند؛ زیرا این معاهدات حق ارتباطات عمومی

---

1. Country of Origin Rule

2. Convention Establishing the World Intellectual Property Organization (WIPO)

را به‌عنوان حق اصلی مرتبط با شبکه‌های سایبری مقرر کرده‌اند. قاعده کشور مبدأ، ملاحظات اجرایی را نیز تأمین می‌کند؛ زیرا دادرسی را در مرجعی توصیه می‌کند که دسترسی مناسبی به ادله دارد و قانونی را مقرر می‌دارد که در ابتدا مشخص کند اقدام‌های خواننده غیرقانونی بوده است یا خیر. علاوه بر این، مؤثرترین شیوه‌های جبران خسارت ممکن است به‌موجب قانون کی‌رایت کشوری مقرر شده باشد که اقدام‌های ناقض حق از آنجا شروع شده است. به‌ویژه در خصوص کشف ادله، اخذ قرار تأمین و دستور قضایی و اجرای آرای کیفری مرتبط با قانون کی‌رایت.<sup>۱</sup>

قواعد حل تعارضی که از ایده کشور مبدأ استفاده می‌کنند باید محلی را که اقدام‌های کاربر در آن آغاز شده است، تعیین کنند تا مشخص شود که قانون کی‌رایت کدام کشور باید اعمال شود. دو ضابطه، عوامل ارتباط محل مبدأ را تعیین می‌کنند: نخست، مکان کاربری که در اینترنت اقدام‌های خاصی مرتکب شده است و دوم، محل رایانه‌ای که آثار از طریق آن در دسترس عموم قرار گرفته است (Ibid.: 338). شناسایی کشوری که ارسال اطلاعات از آنجا شروع شده است و محل استقرار کاربری که به بهره‌برداری از اثر اقدام می‌کند، مناسب‌ترین راهکار است؛ زیرا اولاً، معقول به‌نظر می‌رسد که اقدام‌های یک کاربر منطبق با قانون محلی باشد که در آن مستقر است. ثانیاً، این قاعده قطعیت و اطمینان بخشی را برای فعالان فضای اینترنت افزایش می‌دهد؛ زیرا تقریباً شناسایی محل کاربر آسان‌تر از تعیین محل رایانه‌ای است که اقدام‌های بهره‌بردارانه از آن آغاز شده است. به‌ویژه در مواردی که کاربر، یک فرد است، این استدلال متقاعدکننده به‌نظر می‌رسد (Burnstein, 1996: 104).

چنانچه تکثیر غیرمجاز اثر به‌وسیله اشخاص حقوقی اعم از شرکت یا سازمان

۱. اخذ قرار تأمین و دستور قضایی در مواردی بیشترین تأثیر را دارد که در جایی صادر شود که اقامتگاه خواننده در آن واقع است و جایی که اقدام‌های ادعایی ناقض رخ داده است؛ زیرا ادله و شهود معمولاً در آنجا واقع است. رک به دعوی: Creative Technology Ltd V. Aztech System Pte, Ltd 9th Circle (1995).



رخ دهد، ممکن است تعیین محل کاربری که واقعاً بهره‌برداری از اثر در اینترنت را انجام داده، دشوارتر باشد. در این مورد، به نظر می‌رسد محل اصلی تجارت شرکت عامل مناسبی برای تعیین محلی باشد که بهره‌برداری از آن آغاز شده است؛ زیرا این امر بالاترین درجه از پیش‌بینی‌پذیری را برای فعالان این عرصه مهیا می‌سازد (Ginsburg, 1997: 172).

درعین حال ممکن است اقدام به استفاده از اطلاعات در رایانه از محلی شروع شده باشد که تصمیم در مورد محتوا و ارسال برنامه در آن رخ داده است. این امر که در زمینه برنامه‌های ماهواره‌ای مورد توجه قرار گرفته است،<sup>۱</sup> در خصوص اینترنت و فضای سایبر مناسب نیست. فرایند تصمیم‌سازی در زمینه شبکه‌های دیجیتال غالباً نسبت به مورد پخش‌کننده برنامه ماهواره‌ای غیرمتمرکزتر است، زیرا زمان‌بندی، برنامه‌نویسی، اخذ تبلیغات و محیط فنی مستلزم برنامه‌ریزی بلندمدت است.

انتخاب کردن محل رایانه یا دیتابیس (بانک اطلاعاتی) که خواننده اقدام‌های ناقض حق را از آنجا انجام می‌دهد یا سبب تکثیر نقض می‌شود به‌عنوان عامل ارتباط برای تعیین قانون کپی‌رایت حاکم به‌نظر غامض و مشکل‌ساز می‌رسد (Ginsburg, 1995a: 335-336, 338). با وجود این، برخی حقوق‌دانان به خواهان اجازه داده‌اند کشوری را که دیتابیس در آن واقع شده است؛ جایگزین «کشور مبدأ» برای حل تعارض انتخاب کنند (Ibid., 1997: 171).

برای حمایت از این نظر دو استدلال مطرح می‌شود: نخست، ممکن است چند اقدام در یک سرور رخ دهد که به‌لحاظ فنی تحت کپی‌رایت انحصاری دارنده قرار گیرند. آثار زمانی که در سرور ذخیره و تکثیر می‌شوند و در معرض دسترسی عمومی

---

1. See: Proposal for Council Directive on the Coordination of Certain rules Concerning Copyright and Rights Related to Copyright Applicable to Satellite Broadcasting and Cable Retransmission, art, 1(b), 1991.

قرار می‌گیرند؛ زیرا سرور جایی است که سایر کاربران می‌توانند اثر را از آن بازیابی کنند. دوم، چنانچه قانون کپی‌رایت محل قرارگیری سرور حمایت قوی‌تری از قانون کپی‌رایت محلی که خواننده مقیم آن است، مقرر داشته باشد، استناد خواهان به قانون محل قرارگیری سرور، توازن را به هم زده و جایگاه وی را ارتقا می‌دهد. در واقع، در برخی موارد ممکن است تعیین محل واقعی که اثر در آن به‌نحو عمومی قابل دسترسی شده، بی‌جهت دشوار باشد. چنانچه کاربری مثلاً اثر علمی، ادبی یا هنری را از یک دیتابیس ارسال کرده باشد که شناسایی مکان دیتابیس امکان‌پذیر نباشد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، غالباً تعیین محل رایانه‌های دخیل در عملیات بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری در شبکه جهانی اینترنت، امکان ندارد چراکه انتقال آثار مذکور ممکن است در فضای سایبر از یک رایانه در کشوری متفاوت آغاز شود. همچنین آثار می‌تواند ارسال و در یک حافظه کامپیوتری تکثیر شود ولی محل واقعی چنین رایانه‌هایی نامعلوم باقی بماند. علاوه بر این، در مورد رایانه‌های متصل به شبکه، اعمال ناقض حق ممکن است در چند مکان و در یک لحظه اتفاق بیفتد و ممکن است شناسایی مکان دقیقی که عمل ناقض در آنجا رخ داده است، دشوار یا غیرممکن باشد (Burk, 1993: 39-41).

اجازه دادن به خواهان برای استناد به قانون ماهوی محلی که از نظر فنی ارسال اطلاعات از آنجا شروع می‌شود، در برخی موارد چندان منطقی نیست؛ زیرا ممکن است قانونی اعمال شود که هیچ ارتباطی با خواننده ندارد و خواننده نمی‌توانسته از محل وبسایت آگاه بوده باشد. این استدلال، یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت با قاعده حل تعارض تلفیقی پروفیسور گینسبورگ تلقی می‌شود. قاعده‌ای که مقرر می‌دارد چنانچه اعمال ناقض حق از کشوری شروع شده باشد، قانون دولت متبوع دادگاه رسیدگی‌کننده اعمال می‌شود (Ginsburg, 1995a: 338).

1. Compuserve, Inc V. Patterson (1996).

#### ۴-۲-۳. قانون حاکم بر مبنای تأثیر اقتصادی بر منافع دارنده حق

تعیین قانون حاکم بر مبنای قاعده سخت‌گیرانه کشور مبدأ، ریسک‌هایی را نیز به همراه دارد. خواننده ممکن است به کشورهایی با سطوح پایین حمایت از حقوق مؤلف نقل مکان کند تا صرفاً تابع قانون کپی‌رایت ناکارآمد کشور مبدأ قرار گیرد. سطوح ناکافی حمایت از آثار فکری ممکن است در اینترنت بسیار متداول و مشکل‌آفرین باشد؛ بدین نحو که بهره‌برداری غیرمجاز از اثر در یک کشور به منافع اقتصادی دارنده حق در کشور دیگری زیان برساند. تأثیر بر منافع اقتصادی دارنده حق در چند کشور، باید به قواعد حل تعارض مرتبط با فضای سایبر باشد. ضمناً قواعد حل تعارض باید در مواردی که ارتباط با یک محل خارجی، اساسی و قابل ملاحظه نباشد، از کاربران علیه اعمال غیرمنتظره قانون کپی‌رایت خارجی حمایت کند. ایراد احتمالی به چنین نظریه‌ای این است که تکیه بر تأثیرات اقتصادی برای تعیین قانون حاکم و مسئله قابلیت پیش‌بینی، تردیدهای بسیار زیادی را به تحلیل‌های تعارض قوانین وارد می‌کند. به‌ویژه در یک محیط دیجیتالی؛ جایی که تعیین محل و هویت کاربران دشوار است. بررسی تأثیر اقتصادی در موارد حقوق مؤلف نخستین بار در پخش برنامه‌های ماهواره‌ای اعمال شده است. در مواردی که سیگنال‌ها در یک منطقه مرزی دریافت شده ولی دریافت سیگنال‌ها در کشور مورد نظر نبوده است. در اینجا اجماع وجود داشت که در کشور دوم هیچ نقض حقی رخ نداده است (Fabiani, 1988: 23-24).

افزون بر این، برخی پیشنهاد داده‌اند که در مواردی که صرفاً بخش بسیار کوچکی از یک کشور در معرض سیگنال‌های ماهواره قرار داشته باشد، قانون حاکم بر نقض اعمال نشود (WIPO/UNESCO, 1986: 23).

بنابراین مطابق حقوق برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا برای تعیین قانون حاکم بر دعوای نقض کپی‌رایت، باید این مسئله از طرف دادگاه بررسی شود که

آیا اقدام‌های بهره‌بردارانه ناقض حق در کشور خاصی به منافع اقتصادی پدیدآورنده یا دارنده حق، خسارت ایجاد کرده است یا خیر. ایجاد زیان برای منافع اقتصادی دارنده حق فکری به اندازه‌ای مهم است که اعمال قوانین ماهوی خارج از کشور مبدأ اثر را موجه سازد. چنین تأثیرات اقتصادی معمولاً در دو مورد وجود دارد: نخست، بهره‌برداری از آثار دارای کپی‌رایت در شبکه جهانی اینترنت؛ در مواردی که کاربر انگیزه‌های اقتصادی دارد. دوم، مواردی که استفاده شخصی غیرتجاری، آثار قابل ملاحظه‌ای بر منافع اقتصادی دارنده حق در دیگر کشورها داشته باشد. برخی حقوق دانان آمریکایی بر این باورند که باید تمایزی مشابه تمایز استفاده شخصی یا تجاری از اثر، در زمینه قانون کپی‌رایت ایالات متحده آمریکا قائل شد. حقوق دانان آمریکایی استدلال کرده‌اند که در نظر گرفتن تأثیر بر منافع اقتصادی دارنده حق باید به تمایز میان نقض حق و استفاده از اثر بدون نقض حق منجر شود. این گروه از حقوق دانان با ادعان به دشوار بودن تمایز میان استفاده شخصی و تجاری از اثر، باور دارند که دادگاه‌ها در عمل به ارائه راهکارهای معقول قادر خواهند بود (Litman, 1994: 35-36).

### ۱-۴-۲-۳. تأثیر اقتصادی مبتنی بر بهره‌برداری تجاری از اثر<sup>۱</sup>

با توجه به ماهیت جهانی شبکه اینترنت، چنانچه کاربری از آثار مشمول حق مؤلف در فضای سایبر بهره‌برداری تجاری کند، باید این‌طور فرض شود که اقدام‌های وی بر منافع اقتصادی دارنده حق در خارج از سرزمین کاربر تأثیر می‌گذارد؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد محیط اینترنت یک محیط یکپارچه و بدون مرز است و اصل بر این است که اقدام‌های ناقض حق در آن، تأثیرات انکاری‌ناپذیری بر بازار جهانی خواهد گذاشت.

برای مثال، چنانچه ارائه‌کنندگان خدمات آنلاین، براساس درخواست مشتریان -

بدون تلاش در جهت محدود کردن آن دسته از مشتریان که مجاز به دریافت خدمات هستند - دسترسی آنها به فیلم یا موسیقی آنلاین را فراهم کنند، خواهان می‌تواند به منظور اجرای حقوق انحصاری خود، علاوه بر استناد به قانون کپی‌رایت کشور مبدأ اثر، به قوانین کپی‌رایت دیگر کشورها نیز استناد کند؛ صرفاً با اثبات اینکه مشتری در آن کشور خدمات آنلاین دریافت کرده است.<sup>۱</sup>

### ۲-۴-۲. تأثیر اقتصادی مبتنی بر بهره‌برداری غیر تجاری

قواعد حل تعارض مرتبط با فضای سایبر باید به اتخاذ راه‌حل میانه‌ای منجر شود که میان منافع دارندگان حقوق فکری و منافع فردی و عمومی اشخاصی که قصد استفاده از آثار را دارند، توازن ایجاد شود. بنابراین تأسیس قواعد حقوقی با سخت‌گیری کمتر برای کاربران غیر تجاری مناسب‌تر ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر، تکیه صرف به تمایز استفاده تجاری و شخصی در فضای سایبری مشکل‌آفرین است و تمایز میان آنها دشوار است؛ زیرا تکنولوژی اینترنت، اشخاص را قادر می‌سازد که آثار تحت حمایت قانون را بدون سرمایه‌گذاری خاصی در اینترنت به اشتراک گذارند که این امر سبب لطمه به منافع اقتصادی دارندگان حق خواهد شد. کاربران غیر تجاری باید در اصل صرفاً تابع قانون کشور محل اقامت کاربر باشند، اما اگر تأثیر اقتصادی استفاده غیر تجاری از اثر در اینترنت به حد اساسی و قابل ملاحظه برسد، باید منافع دارنده حق غالب شود. اعمال این امر در عمل دشوار است اما غیرممکن نیست؛ چرا که دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در برخی دعاوی،<sup>۲</sup> بررسی آثار مهم در سایر کشورها را به منظور تعیین قابلیت اعمال قانون داخلی بر رفتار واقع در کشور خارجی اعمال کرده‌اند.

---

1. See: Digital Technology in the Fields of Copyright and Related Rights, Submission by the British Copyright Council to the European Commission, Intellectual Property Review, 1996.

2. Hartford Fire Ins Co V. California 113 S. Ct. 1891 (1993)\_ Eurim-Pharm GmbH v. Pfizer, Inc., 593 F. Supp. 1102 (S.D.N.Y. 1984).

بار اثبات اینکه کثرت بهره‌برداری از اثر در کشورهای خارجی خاصی بسیار بوده برعهده خواهان است. البته حقوق تجارت اینترنتی و همچنین برخی از اسناد بین‌المللی تأثیرگذار است. برای مثال، ماده (۱۱) موافقت‌نامه تریپس و ماده (۷) معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری<sup>۱</sup>، ملاک‌هایی در این باب ارائه کرده‌اند. در موارد نقض بین‌المللی حق، دادگاه‌ها باید تصمیم بگیرند که آیا اثرات استفاده غیرتجاری از آثار مشمول حق مؤلف در خارج از کشور مبدأ اثر، در محدوده تعیین شده باقی مانده است یا منافع تجاری دارنده حق را به‌نحو جدی در کشور یا کشورهای معینی تحت تأثیر قرار داده است. در اینجا، برای مثال دادگاه‌ها بررسی می‌کنند که آیا اثر ادبی و هنری در اینترنت به‌نحو متعارف و معقولی بهره‌برداری شده است یا خیر (Hardy, 1994: 1040-1041).

برای تعیین اینکه چه تأثیراتی اساسی و چشمگیر محسوب می‌شوند، برخی از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که اقدام‌های خاصی از سوی اشخاص خصوصی در شمول حقوق انحصاری مؤلف قرار می‌گیرد، حتی اگر ماهیت غیرتجاری داشته باشد. به‌نظر این گروه از حقوق‌دانان، استدلال‌های قوی علیه استثنای کلی استفاده شخصی وجود دارد؛ نظیر تعارض احتمالی با تعهدات، براساس معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری یا نیاز به تضمین کردن مابه‌ازای حقوق دارنده (Ginsburg, 1995b: 1478-1479). اما حقوق‌دانان دیگری با این نظر مخالفند و چنین اظهارنظر کرده‌اند که استفاده شخصی از آثار، درهرحال باید خارج از شمول حقوق انحصاری مؤلفان قرار گیرد (Hamilton, 1996: 621).

---

1. The WIPO Copyright Treaty (WCT)

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریات مختلفی برای معیار تعیین قانون حاکم بر نقض غیرقراردادی حقوق مؤلفان از سوی حقوق‌دانان ابراز شده است که هر یک نهایت کوشش خود را در جهت انطباق با فضای سایبر و تکنولوژی اینترنت به کار بسته‌اند. با وجود این، برخی از آنها نظیر قاعده قانون مقرّ دادگاه اساساً راه‌حل خاصی ارائه نمی‌کنند صرفاً برای حل مشکل تعیین قانون، از باب حکومت سرزمینی قوانین و مقررات و حمایت از آثار، پیشنهاد کرده‌اند که قوانین حمایتی کشور محل برگزاری دادگاه بر دعوی حاکم شود. افزون بر این، همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، نظریات سنتی تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق مؤلفان در فضای اینترنتی کارآمدی چندانی ندارند و غیرمؤثر خواهند بود. بنابراین باید از نظریات نوین و منطبق با تکنولوژی اینترنتی و فضای سایبر بهره برده و با امعان نظر در نظریات یادشده به انتخاب قانون مناسب اقدام کرد.

در این راستا، ملاک‌ها و موازین لازم برای تعیین قانون مناسب اقدامی ضروری به نظر می‌رسد. نخستین معیار قانون مناسب این است که از سهولت و عدم پیچیدگی برخوردار باشد تا دادگاه بتواند در رسیدگی به دعوی آن را تعیین و اعمال کند تا از تعارض آرا و مشکلات ناشی از اجرای رأی نیز پیشگیری به عمل آید. معیار دوم، سازگاری با فضای فاقد مرز و مکان است. تکنولوژی اینترنت مفهوم مکان و مرزها را تا حدود بسیاری از میان برده و خود به جهانی یکپارچه و واحد تبدیل شده است. از این رو معیار مناسب برای دعاوی نقض حقوق فکری در فضای اینترنتی باید بدون در نظر گرفتن هرگونه مکان و کشور خاصی قابل اعمال باشند. با ملحوظ داشتن دو معیار پیش‌گفته، به نظر می‌رسد معیاری که می‌تواند در عین سهولت و عدم تعارض در آرا، با واقعیت‌های فضای سایبر همخوانی داشته باشد، معیار قاعده حداکثر حمایت است که در دکترین حقوقی آمریکا پیشنهاد شده است. مطابق این معیار، در تعارض

قوانین نقض حقوق فکری در فضای سایبر، همواره قانونی حاکم خواهد شد که بالاترین سطح از حمایت را مقرر داشته باشد. برای مثال، چنانچه به موجب قانون داخلی کشوری، حمایت از آثار محدود به سی سال پس از فوت پدیدآورنده شده باشد و قانون ماهوی دیگری، حمایت پنجاهساله از آثار را مقرر کرده باشد، تعارض به نفع قانون دارای حمایت بیشتر حل شده و آن قانون بر دعوی حاکم خواهد شد. با این راهکار، علاوه بر تضمین سطح استاندارد از حمایت از حقوق فعالان علمی، ادبی و هنری، تکلیف خوانندگان احتمالی دعوی نیز پیشاپیش روشن است که عمل ناقضانه آنها با بالاترین سطح حمایت قانونی مواجه خواهد شد.



## منابع و مآخذ

۱. الماسی، نجاد علی (۱۳۷۸). «اجرای قانون خارجی در دادگاه‌های داخلی»، مجله مجتمعی عالی آموزشی، قم، ش ۲.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
۳. الماسی، نجاد علی و مریم کاویانی (۱۳۹۹). «تعیین قانون حاکم بر دعوی حقوقی نقض حق مؤلف در فضای مجازی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۰۹.
۴. خمایی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۷). «تعارض قوانین، تعریف و جایابی عامل ارتباط»، مجله الهیات و حقوق، ش ۲۸.
۵. رجبی، عبدالله و مهدی عباسی وفایی (۱۳۹۵). «قانون حاکم بر نقض حق فکری»، فصلنامه دین و قانون، ش ۱۲.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). «قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی خصوصی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱ و ۲۲.
۷. شیخ‌الاسلامی، سیدمحسن (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۸. صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۱). «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین»، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۳.
۹. صفایی، سیدحسین (۱۳۹۳). مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۱۰. غریبه، علی (۱۳۸۷). «دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بین‌المللی»، پایگاه اینترنتی حقوقی و امور مجلس به آدرس: <http://www.hvm.ir/DetailNews.aspx?id=4427>.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سی‌ویکم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
12. Asensio, Pedro Alberto De Miguel (2013). *The Law Governing International Intellectual Property Licensing Agreements (A Conflict of Laws Analysis)*, Edward Elgar Publishing.
13. Burk, Dan L. (1993). "Patents in Cyberspace: Territoriality and Infringement on Global Computer Networks", *Tulane Law Review*, Vol. 68.
14. Burnstein, Note (1996). "Conflicts on the Net: Choice of Law in Transnational Cyberspace", *Vanderbilt Journal Transnational Law*, Vol. 29.

15. Dinwoodie, Graeme B. (2001). "International Intellectual Property Litigation: A Vehicle for Resurgent Comparativist Thought?", *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 49.
16. Drexl, Josef (2005). "The Proposed Rome II Regulation: European Choice of Law in the Field of Intellectual Property", In *Intellectual Property and Private International Law: Heading for the Future*, Hart Publishing, Josef Drexl and Annette Kureds.
17. European Commission (2000). "Final Report to the Study on Intellectual Property and Conflict of Law", EC Study Contract: ETD/99/B-3000/E/16
18. Fabiani, Mario (1988). "Copyright and Direct Broadcasting by Satellite", *Monthly Review of the World Intellectual Property Organization*.
19. Garner, Brayan A. (2010). *Black's Law Dictionary*, 9<sup>th</sup> Edition, West.
20. Geller, Paul Edward (1996). "Conflicts of Laws in Cyberspace: Rethinking International Copyright", *Journal Copyright Society*, Vol. 44.
21. Geller, Paul Edward (2005). "International Intellectual Property Conflict of Laws and Internet Remedies", *Journal of Intellectual Property Rights*, Vol. 10.
22. Ginsburg, Jane C. (1997). "Copyright Without Borders? Choice of Forum and Choice of Law for Copyright Infringement in Cyberspace", *Cardozo Arts and Entertainment Law Journal*, Vol. 15.
23. Ginsburg, Jane C. (1995a). "Global Use Territorial Rights: Private International Law Questions of the Global Information Infrastructure", *Journal of Copyright Society*, Vol. 42.
24. Ginsburg, Jane C. (1995b). "Putting Cars on the Information Superhighways: Authors, Exploiters and Copyright in Cyberspace", *Columbia Law Review*, Vol. 95.
25. Hamilton, Marci A. (1996). "The TRIPS Agreement: Imperialistic, Outdated, and Overprotective", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 29.
26. Hardy, Trotter (1994). "The Proper Legal Regime for Cyberspace", *University of Pittsburgh Law Review*, Vol. 55.
27. Libling, D.F. (1979). "Formation of International Contracts", *The Modern Law Review*, Vol. 42.
28. Litman, Jessica (1994). "The Exclusive Right to Read", *B Cardozo Arts and Entertainment Law Journal*, Vol. 13.
29. Peukert, Alexander (2012). "Territoriality and Extraterritoriality in Intellectual Property Law", Günther Handl, Joachim Zekoll and Peer Zumbansen (eds.), *Beyond Territoriality: Transnational Legal Authority in an Age of Globalization*, Queen Mary Studies in International Law, Brill Academic Publishing, Leiden/Boston.

رویکرد دکترین حقوقی در تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق مؤلف در فضای مجازی \_\_\_\_\_ ۱۶۳

30. Reindl, Andreas P. (1998). "Choosing Law in Cyberspace: Copyright Conflicts on Global Networks", *Michigan Journal of International Law*, Vol. 19.
31. Schack, Haimo (2009). "The Law Applicable to Unregistered IP Rights After Rome II", *Ritsumeikan Law Review*, Vol. 26.
32. WIPO/UNESCO Committee of Government Experts (1986). "Preparatory Document for and Report of the WIPO/UNESCO Committee of Government Experts", *Copyright Society Journal*, Vol. 22.



# شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی

محسن عین‌علی،\* سیدعباس ابراهیمی،\*\* محسن فرهادی‌نژاد\*\*\* و

حسن دانایی‌فرد\*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۱۶۵-۱۹۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

هدف از پژوهش حاضر شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی است. این مطالعه از لحاظ جهت‌گیری، در دسته پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ ماهیت در گروه پژوهش‌های اکتشافی قرار می‌گیرد. همچنین به لحاظ نوع داده‌ها، کیفی به‌شمار می‌رود. جامعه آماری این پژوهش را همه خبرگان علمی حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی (شامل همه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور با تخصص مرتبط با دانش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی) و خبرگان اجرایی (شامل همه نمایندگان فعلی، ادوار و پژوهشگران حوزه مجلس شورای اسلامی) تشکیل می‌دهند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، روش کتابخانه‌ای و بررسی متون بوده است. بدین منظور، با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، ۱۸ مصاحبه با خبرگان علمی حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و خبرگان اجرایی انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و نرم‌افزار *Maxqda10* استفاده شد. سرانجام، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، نمودار چند سطحی روابط مضامین اکتشافی پژوهش (چالش‌های تحقق شفافیت) با ۲۱۱ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر (چالش سیستمی، رفتاری و محیطی) استخراج شد.

**کلیدواژه‌ها: شفافیت؛ چالش سیستمی؛ چالش رفتاری؛ چالش محیطی؛ مجلس شورای اسلامی**

\* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛  
Email: m\_eynali@semnan.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)؛  
Email: a.ebrahimi@semnan.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛  
Email: farhadi@semnan.ac.ir

\*\*\*\* استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛  
Email: hdanaee@modares.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5320.5090

## مقدمه<sup>۱</sup>

مجلس در ایجاد یک دولت دموکراتیک و حکمرانی خوب بسیار تأثیرگذار است و به‌عنوان نهادی عمومی که وظیفه وضع قانون، نظارت بر قدرت اجرایی، تنظیم سیاست بودجه و استفاده از منابع عمومی را برعهده دارد و منافع عمومی را نمایندگی می‌کند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. علاوه بر این، نقش کلیدی در ایجاد محیطی دارد که برای ارتقای رشد و اطمینان از پاسخگویی و شفافیت همه نهادهای دولتی مفید است (Prasojo, 2009). شفافیت به‌عنوان مبنایی برای ایجاد پاسخگویی در مجلس ضروری است و مستلزم آزادی اطلاعات، دسترسی عمومی و ضمانت‌های قانونی است. شفافیت و پاسخگویی از ملزومات اصلی برای ایجاد حکومت دموکراتیک است و تنها از این طریق می‌توان مجلس را به‌عنوان یکی از ارکان نهادی حاکمیت دموکراتیک قلمداد کرد. شفافیت در مجلس می‌تواند باز بودن فرایندهای دموکراتیک را از طریق گزارش و بازخورد هم از مجلس و هم مردم افزایش دهد. یکپارچگی مجلس، پیوستگی بین پاسخگویی و شفافیت است که مترادف با رفتار عاری از فساد و رانت است. بنابراین مجلس برای اعمال صحیح اقتدار خود، باید پاسخگو و شفاف باشد و این امر باعث افزایش اعتماد مردم و پذیرش تصمیمات سیاسی مجلس می‌شود. در نتیجه، شفافیت باید در سه زمینه ارائه شود:

۱. افشای اطلاعات در مورد موضوعها، وظایف و مسئولیت‌های مجلس از جمله رسیدگی، پیش‌نویس لوایح، روند مشورت، لابی نمایندگان مجلس تا تصمیمات و نتیجه‌گیری در جلسات؛

۲. دسترسی و رویه‌های عمومی برای دستیابی به آن اطلاعات؛

۳. مبنای قانونی برای اجرای حقوق شهروندان برای به‌دست آوردن چنین اطلاعاتی

(Scassa, 2017: 236).

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

بررسی ضرورت تحقق شفافیت آرای نمایندگان می‌تواند به نوع برگزاری انتخابات مجالس در کشورها مربوط باشد. برای مثال انتخابات در کشور ایران به صورت حزبی برگزار نمی‌شود، هرچند در سال‌های اخیر رأی دادن به لیست در کشور باب شده است، اما انتخابات لیستی دلیلی برای انتخابات حزبی نیست. در هر صورت اگر نظر هر نماینده در موافقت و مخالفت با طرح‌ها، لوایح و هر موضوعی که به رأی نماینده نیاز دارد مشخص باشد، این امکان برای مردم محقق خواهد شد که عملکرد و کلای خود را نسبت به شعارهای انتخاباتی‌شان ارزیابی و نمایندگان را نسبت به آن پاسخگو کنند. شفافیت آرای نمایندگان می‌تواند به رفع پنهان کاری و پاسخگویی نمایندگان در سطح ملی و در ابعاد تقنین و نظارتی منجر کند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸). مشروعیت و اقتدار به‌عنوان دو مفهوم کلیدی پیش‌نیازهای ایجاد یک مجلس قوی هستند. مشروعیت از طریق اعتماد قوی مردم در استفاده مجلس از اختیاراتش حاصل می‌شود و اقتدار به اختیارات قانونی و رسمی مجلس اطلاق می‌شود که از طریق فرایندهای دموکراتیک به‌دست می‌آید. از این‌رو، مجلس برای دستیابی به مشروعیت و استفاده مؤثر از قدرت، باید در انجام وظایف خود با شفافیت و پاسخگویی کار کند (Sofyani et al., 2020: 173).

با توجه به اینکه شفافیت و پاسخگویی از الزامات اصلی برای استقرار حکومت دموکراتیک به‌شمار می‌روند، تنها از این طریق مجلس به‌عنوان یکی از ارکان نهادی حکمرانی دموکراتیک می‌تواند اطمینان حاصل کند که آیا عملکرد دولت در پاسخ به نیازها و انتظارات مردم پاسخگو است یا خیر. بنابراین، مجلس به‌عنوان یکی از ستون‌های حکمرانی دموکراتیک، زمانی می‌تواند وظایف خود را به‌درستی انجام دهد که فرایندهایی با کیفیت مطلوب داشته باشد. از طرفی، با ایجاد شفافیت در آرای نمایندگان و تدوین قواعد و سازوکارهای دقیق در خصوص انتشار یافتن و انتشار

نیافتن و همچنین شیوه انتشار این داده‌ها برای دسترسی و تحلیل بهتر می‌توان عملکرد نمایندگان را بهتر رصد کرد و نسبت به تصمیمات خود پاسخگو باشند. در بستر کنونی نظام حقوقی کشور، شفافیت آرای نمایندگان باید با در نظر گرفتن این ملاحظات و اقتضات بررسی شود تا هدف از شفافیت آرای نمایندگان در عمل محقق شود.

همچنین، بررسی وضعیت موجود مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که شفافیت آرای نمایندگان به‌عنوان یکی از محورهای شفافیت عملکرد پارلمان کاملاً عملیاتی و امکان‌پذیر بوده و می‌تواند آغازی بر تحول در این نهاد سرنوشت‌ساز باشد. افزون بر این، مهم‌ترین چالش دولت در پیگیری عدالت مسئله تعارض منافع و مسئله فقدان تحقق شفافیت است. در واقع بدون رفع تعارض و تضاد منافع در نهادهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در حاکمیت و بدون شفافیت اقتصادی و اداری لازم در سیستم‌ها حتی نمی‌توان این زمینه‌ها را برآورده کرد. به‌طوری‌که اگر رفع تعارض و تضاد منافع محقق نشود، تازه می‌توانیم بگوییم که کم‌کم به سمت ساختارسازی برای نیل به عدالت حرکت کرده‌ایم. شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی، هدف این پژوهش است. اما جنبه نوآورانه پژوهش حاضر، پرداختن به نوع‌شناسی و روابط بین چالش‌ها و تفکیک آنها به چالش‌های سیستمی، رفتاری و محیطی و تعیین عرصه و حدود مرز هریک از این چالش‌هاست. مرز سیستم با محیط، مرز ظاهری نیست بلکه قراردادی است. تعریف محیط به تعریف سیستم و مرز آن بستگی دارد که در این پژوهش، با توجه به مصاحبه‌ها این مرز در مضامین سازمان‌دهنده، اعمال شده است. همچنین، مطالعه‌ای که به رویکرد تحقق شفافیت در مجلس اشاره مستقیم کرده باشد در دسترس نبوده یا انجام نشده است و به‌نظر می‌رسد پژوهش حاضر از این حیث جزء نخستین پژوهش‌های علمی در این حوزه



باشد که درصدد پاسخ به سؤال‌های زیر است:

**سؤال اصلی:** چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی کدامند؟

**سؤال‌های فرعی:**

۱. نوع‌شناسی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی چگونه است؟

۲. ارتباط میان چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی چگونه است؟

## ۱. مروری بر مبانی نظری و تجربی پژوهش

### ۱-۱. مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، نقش برجسته‌ای در وضع قانون، اعمال نظارت بر قوه مجریه، تعیین خط‌مشی بودجه و مجوز استفاده از منابع عمومی و نمایندگی منافع عمومی دارد (سلیمانی خوئینی، دانش فرد و نجف‌بیگی، ۱۳۹۸: ۵۳۲). مجلس شورای اسلامی به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد سیاستگذاری در کشور با کارویژه‌های مهمی نظیر قانونگذاری، نظارت و نمایندگی به‌زعم منتقدان همچنان با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده که کارآمدی آن را تحت تأثیر قرار داده است. به‌نظر می‌رسد یک راه‌حل، آموزش نمایندگان ازسوی احزاب سیاسی است (معینی آرانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۹). نمایندگان مجلس در انتخابات سراسری با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شوند. این نمایندگان از حوزه‌های انتخابیه در مناطق گوناگون کشور به مجلس راه می‌یابند، اما طبق نص قانون اساسی جمهوری اسلامی نماینده همه ملت ایران هستند و بر این اساس صلاحیت عام قانونگذاری و نظارت در همه امور کشور را دارند (پروین و سیفی، ۱۳۹۷: ۳۱). بی‌شک مجلس شورای اسلامی که به‌موجب اصل (۵۷) قانون اساسی، یکی از قوای سه‌گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، رسالت‌های مهمی همچون قانونگذاری، تفسیر قوانین عادی و همچنین صلاحیت‌های نظارتی را

احراز کرده است و از این طریق نقشی بی‌بدلیل و بارز را در حاکمیت صحیح قانون به خود اختصاص داده است (داودی، بخشایش اردستانی و عربیان، ۱۳۹۸: ۲۰۹).

## ۲-۱. شفافیت

شفافیت به‌عنوان یک اصل در وضع قوانین پذیرفته شده و در حاکمیت قانون عامل مهمی در پیوند مدیریت و حکمرانی مطلوب است، عنصر تعیین‌کننده محسوب می‌شود (Ammann, 2020: 241). شفافیت، مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است. پنهان‌کاری، امکان بروز فساد را در تصمیم‌گیری افزایش می‌دهد؛ حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹). شفافیت در دهه گذشته به‌عنوان راه کلیدی برای پاسخ به ناکامی‌های توسعه و نقایص دموکراسی ظاهر شده است (Moldaliev, 2021). به‌عبارت‌دیگر، شفافیت یکی از خصایص روشن حکمرانی شایسته است که می‌تواند به‌عنوان سازوکار مؤثر حامی حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان، قدرت را به نقطه تراز مورد انتظار برساند و راهکاری ارزنده برای مبارزه با پدیده‌های شومی مانند فسادهای سیاسی و اقتصادی باشد که از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

تلاش برای دستیابی به شفافیت در مجلس می‌تواند از طریق توسعه مدیریت جلسات و با در دسترس قرار دادن گزارش‌های عمومی در مورد نتایج جلسات انجام شود. چرا باید گزارش نتایج جلسات به مردم ارائه شود؟ در حکمرانی دموکراتیک، مجلس موظف است دسترسی و ارائه همه اطلاعات مربوط به اعمال و وظایف خود را در اختیار عموم قرار دهد. جلسات یک شاخص بسیار مهم در اجرای وظایف مجلس است. در جلسات، بحث و گفتگو بین افراد و گروه‌های حزبی برقرار می‌شود

و همه تصمیمات مجلس شورای اسلامی اتخاذ می‌شود (بررسی و تصمیم‌گیری در مورد لوایح، استفاده از حق تحقیق، انتخاب اعضای کمیسیون دائمی و موارد دیگر). به بیان دیگر، جلسات، جدای از بازدیدهای کاری از حوزه‌های انتخابیه، ضروری‌ترین فعالیت نمایندگان مجلس است. بنابراین، بحث‌ها و رویدادهای مختلفی که در جلسات مجلس رخ می‌دهد، نه تنها باید برای عموم آزاد باشد، بلکه باید ثبت شود و این سوابق در اختیار مردم قرار گیرد. شفافیت در مجلس هنوز هم با تعدادی محدودیت و موانع روبه‌رو است. عوامل زیادی دخیل هستند که از عوامل فرهنگی شروع می‌شود:

۱. ناآگاهی از اهمیت الزام برای دستیابی به شفافیت و پاسخگویی به مردم. این عامل فرهنگی بسیار مهم است، زیرا به ارزش تعهد اخلاقی نمایندگان مجلس در قبال رأی‌دهندگان‌شان مربوط می‌شود.
۲. عوامل ساختاری: محدودیت‌های نهادی برای دستیابی به شفافیت و پاسخگویی، مانند پشتیبانی بوروکراتیک، پشتیبانی سیستم و پشتیبانی از فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۳. عوامل حقوقی: ضعف مبنای قانونی که مجلس را به اعطای دسترسی و ایجاد سیستم‌هایی موظف می‌کند که مردم را به کسب اطلاعات و مشارکت فعال در اجرای وظایف مجلس قادر می‌کند.

شایان ذکر است که ایجاد شفافیت در مجلس مستلزم شفافیت در سازوکار و فرایند جذب نیروهای متخصصی است که به اعضای مجلس، به‌ویژه دستیاران و مشاوران شخصی نمایندگان مجلس کمک می‌کنند (Berntzen, El-Gazzar and Johannessen, 2018: 94). هدف اصلی طرح‌های شفافیت، تقویت پاسخگویی سازمان‌های دولتی به عموم مردم است. به بیان دیگر، شفافیت اعتماد عمومی را نسبت به دولت افزایش می‌دهد. علاوه بر این، استفاده گسترده از اینترنت، همراه با الزامات و حمایت‌های قانونی موجب شفافیت بیشتر دولت می‌شود. در واقع انتشار به‌موقع اطلاعات، جزء ضروری شفافیت است و دسترسی به‌موقع به اطلاعات مستلزم

تلاش فراوان و نیازمند کارکنان آموزش دیده در ادارات دولتی است که به طور قطع هزینه‌هایی را نیز در بر دارد (Bremer, 2013; Dulong de Rosnay and Janssen, 2014; Parycek, Höchtl and Ginner, 2014).

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

با بررسی ادبیات تحقق شفافیت در سایر موضوع‌ها در پژوهش‌های پیشین، نتایج برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در ایران و جهان در ادامه بیان می‌شود.

نوروزپور و پروین (۱۴۰۰) در پژوهش «شفافیت به مثابه عنصری بایسته در اداره خوب مجلس شورای اسلامی» دریافتند که نظام حقوقی ایران در خصوص شفافیت در فرایند قانونگذاری صرفاً به برخی موارد نظیر علنی بودن قانونگذاری، انتشار قوانین، اطلاع ذی‌نفعان (آگاهی همگان) و دسترسی همگانی به قوانین به عنوان یک حق پرداخته شده است. حال آنکه علاوه بر موارد مذکور، تحقق شفافیت در نظام تقنین کشور مستلزم «تدوین و اجرای قواعد رفتاری و پیاده‌سازی شفافیت مشروط آرا» و همچنین «تحقق شفافیت در راستای تنقیح قوانین» است.

مرتب و یآوری (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «شناسایی معیارهای ارزیابی شفافیت در مجلس شورای اسلامی» بیان کردند که مجلس شورای اسلامی اصلی‌ترین نهاد تقنین، وضع خط‌مشی‌ها و همچنین نظارت بر قوانین در جمهوری اسلامی ایران است. وجود ناکارآمدی‌ها و تصویب قوانین متعارض و ناکارآمد در نظام قانونگذاری کشور نشان از آن دارد که بسیاری از عوامل دخیل در قانونگذاری از چشم مردم و خبرگان جامعه مخفی می‌ماند. ایجاد شفافیت در مجلس شورای اسلامی موجب می‌شود تا نظارت مردم بر عملکرد نمایندگانشان بالاتر رود، نمایندگان پاسخگو باشند، فساد کاهش یابد و به تبع، کارایی مجلس شورای اسلامی افزایش یابد. همچنین نبود ابزاری جامع برای ارزیابی شفافیت همه‌جانبه مجلس شورای اسلامی

موجب شده است که شناخت این مسئله تنها به مؤلفه‌های جزئی محدود شود. نتایج پژوهش نشان داد که شفافیت در عملکرد نمایندگان، شفافیت در اطلاعات تعارض منافع نمایندگان، شفافیت کمیسیون‌ها، شفافیت فراکسیون‌ها، شفافیت صحن علنی، شفافیت طرح‌ها، شفافیت لابی‌گری، شفافیت امور اداری مجلس، شفافیت انتخابات مجلس، شفافیت نهادهای مرتبط با مجلس، مشارکت شهروندان و کیفیت اطلاعات مجلس، ابعاد اصلی چارچوب نهایی تشکیل شده برای ارزیابی شفافیت مجلس شورای اسلامی است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش راهبردی شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی از نگاه حکمرانی مطلوب» ضمن بررسی فرایند قانونگذاری پارلمان‌های اتحادیه اروپا، انگلستان، ایتالیا و ایران به این نتیجه رسیدند که شفافیت آرای نمایندگان پارلمان‌های اروپا و ایران می‌تواند نقشی راهبردی در تحقق حق ذاتی مردم در آگاهی از حقوق شهروندی، نظارت بر عملکرد نمایندگان خود و آگاهی از فرایند قانونگذاری ایفا کند و در نهایت سلامتی و کارایی عملکرد مجالس ایران و اتحادیه اروپا را تضمین کند.

منظور و عباسی کلاش (۱۳۹۸) با بررسی «نقش شفافیت در کاهش تعارض منافع و مقابله با فساد در کشور» بیان کردند که مهم‌ترین راهکارهایی که امروزه برای مبارزه با فساد در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت تعارض منافع یعنی استفاده از همه اقدام‌ها و تدابیر اداری، نظارتی، قضایی و شبه‌قضایی لازم برای پیشگیری و کاهش زمینه‌های تعارض منافع است. برای این منظور اغلب از سه راهبرد کلان نظیر: تشدید محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، تغییر قوانین بازی و افزایش شفافیت و نظارت عمومی استفاده می‌شود.

عزیزنژاد (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان «ضرورت و الزامات قانون شفافیت

در حوزه بودجه‌ریزی کشور» به این نتیجه رسید که شفافیت بودجه‌ای، درجه اعتبار بودجه را افزایش داده، هزینه‌های وام‌ستانی را کاهش داده و افزایش حمایت عمومی از سیاست‌های کلان اقتصادی را به همراه دارد؛ در نقطه مقابل، مدیریت غیرشفاف بودجه، ممکن است به بی‌ثباتی، ناکارایی یا تشدید نابرابری منجر شود.

مقدم چوکانی و امیرخانی (۱۳۹۷) به بررسی «ارائه الگویی برای شفافیت بودجه در ایران» پرداختند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین عامل کاهش‌دهنده شفافیت بودجه در ایران فساد اداری و سیاسی است. نتایج پژوهش نشان داد که فساد باعث گسترش عدم شفافیت می‌شود، ضمن اینکه طبق همین پژوهش یکی از راهکارهای مقابله با فساد، افزایش شفافیت است. تسلط رویکرد سیاسی بر بودجه، رتبه دوم را از نظر اهمیت به دست آورده است. نگاه سیاست‌زده به اداره امور عمومی به‌طور عام و بودجه به‌طور خاص از دید مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل مهم کاهش شفافیت بودجه است.

آمون، دهل‌بوم و بلوم‌کوئیست<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) به بررسی «چالش‌های تحقق شفافیت شامل نگرانی‌های مربوط به مالکیت معنوی و حفظ حریم خصوصی» پرداختند. هدف پژوهش نشان دادن چالش‌هایی است که تحقق شفافیت در حوزه نقض مالکیت معنوی و حریم خصوصی در پروژه‌های تحقیقاتی و نوآوری ایجاد می‌کند. چالش اساسی این است که عواقب افشای اطلاعات حساس مربوط به تحلیل هزینه چرخه عمر پروژه می‌تواند بسیار مضر باشد.

گیل گارسیا، گاسکو هرناندز و پاردو<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه خود با عنوان «فراتر از شفافیت، مشارکت و همکاری؟ تأملی در ابعاد دولت باز» دریافتند که دولت باز در دهه گذشته به یک استراتژی مهم برای اصلاحات اداری تبدیل شده است و بسیاری

1. Amon, Dahlbom and Blomqvist

2. Gil-Garcia, Gasco-Hernandez and Pardo

از کشورهای جهان را تشویق به طراحی و اجرای طرح‌های مرتبط با دسترسی به اطلاعات، شفافیت، مشارکت و همکاری کرده است. افزون بر این، چارچوبی را برای درک و بازنمایی چندبعدی دولت باز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی - فنی پیشنهاد کردند که ابعاد آن عبارتند از: در دسترس بودن اطلاعات، شفافیت، مشارکت، همکاری و فناوری اطلاعات.

اجیگو، اجیگو و آمبیتونی<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «جنبه تاریک شفافیت؛ آیا شفافیت به مسئولیت‌پذیری و کنترل فساد کمک می‌کند یا مانع آن می‌شود؟» به این نتیجه رسیدند که شفافیت فرایند اجتماعی پیچیده است. شفافیت به افزایش دموکراسی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت منجر می‌شود. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند ابزاری که از طریق آن شفافیت اعمال می‌شود، خود یک بازیگر اصلی در فرایند شفافیت است.

میلز<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی «شفافیت و پاسخگویی در بین نمایندگان مجلس» پرداختند. این پژوهش شواهدی را در مورد ابتکارات برای ارتقای شفافیت در میان قانونگذاران، اعضای نمایندگان مجلس و فرایندهای قانونگذاری ارائه و بیان می‌کند که تحقق شفافیت چه تأثیری بر افزایش پاسخگویی قانونگذار داشته است. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان بین دو نوع پاسخگویی تمایز قائل شد: پاسخگویی عمودی و افقی. با توجه به پاسخگویی عمودی، تأثیر سه خط‌مشی به‌صورت زیر بررسی شد: ۱. افزایش اطلاعات در مورد نمایندگان مجلس، ۲. افشای دارایی‌های نمایندگان مجلس؛ و ۳. افشای هزینه‌های انتخاباتی نمایندگان مجلس و تأمین‌کنندگان مالی. پارک و بلنکین‌سوپ<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه خود با بررسی «نقش شفافیت و اعتماد

---

1. Ejiogu, Ejiogu and Ambituani

2. Mills

3. Park and Blenkinsopp

در رابطه بین فساد و رضایت شهروندان» بیان کردند که کاهش فساد و بهبود رضایت شهروندان از اهداف مهم دولت است. نتایج پژوهش نشان داد که شفافیت رابطه بین فساد و رضایت را تعدیل می‌کند و افزون بر این اعتماد تأثیر فساد و رضایت را میانجی‌گری می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهش‌های حوزه شفافیت در دو موضوع قابل تأمل است، نخست آنکه بیشتر به شناسایی معیارهای ارزیابی شفافیت پرداخته‌اند و از طرفی ارتباط شفافیت با مفاهیمی نظیر کارآمدی فرایند قانونگذاری و نظریه حکمرانی خوب مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در پژوهش‌های انجام شده شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس مغفول مانده است. از این رو، پژوهشی که به چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس اشاره مستقیم کرده باشد در دسترس نبوده یا انجام نشده است و به نظر می‌رسد پژوهش حاضر از این حیث جزء نخستین پژوهش‌های علمی در این حوزه باشد. گفتنی است سهم اصلی پژوهشگران در این پژوهش «توصیف»، «تحلیل» و «تفسیر» داده‌هاست. موضوع مورد مطالعه از سوی پژوهشگران توصیف و در ادامه یافته‌ها و داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و سپس با ارائه تفسیر به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شده است.

## ۲. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش کیفی با روش تحلیل مضمون است که به لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، اکتشافی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را همه خبرگان علمی حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی (شامل همه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور با تخصص مرتبط با دانش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی) و خبرگان اجرایی (شامل همه نمایندگان



فعلی، ادوار و پژوهش‌گران حوزه مجلس شورای اسلامی) تشکیل می‌دهند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، روش کتابخانه‌ای و بررسی متون است. شایان ذکر است که مصاحبه‌ها به‌طور عموم از نیم تا یک ساعت انجام شد. تعداد نمونه‌های مورد نیاز برای مصاحبه به هدف مطالعه بستگی دارد. در صورتی که هدف از مطالعه، آزمون فرضیه‌ها باشد، حداقل شش نمونه (سه نمونه از هر کدام از گروه‌های مورد مقایسه) مورد نیاز است. در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، با توجه به زمان و منابع در دسترس، تعداد ( $15 \pm 10$ ) نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود (Kvale, 1996: 101). تعداد نمونه در روش‌های کیفی از قبل مشخص نیست و از منطق اشباع داده‌ها پیروی خواهد کرد؛ یعنی هر زمان داده‌ها به اشباع رسید و اطمینان حاصل شد داده جدیدی به‌دست نمی‌آید روند نمونه‌گیری متوقف شده و تعداد نمونه مشخص می‌شود (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۳). بدین‌منظور، با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، مصاحبه با ۱۸ نفر از خبرگان علمی و اجرایی حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و مجلس شورای اسلامی مطابق جدول ۱ انجام شده است. نمونه‌گیری نظری، نوعی نمونه‌گیری هدفمند است که پژوهشگر را در خلق یا کشف نظریه یا مفاهیمی یاری می‌کند که ارتباط نظری آنها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است.

### جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

تعداد	تحصیلات	سوابق اجرایی و پژوهشی	خبرگان
۵	دکتری	اعضای هیئت علمی	خبرگان علمی
۳	کارشناسی ارشد و دکتری	پژوهشگران حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و مجلس شورای اسلامی	
۴	کارشناسی ارشد و دکتری	نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی	خبرگان اجرایی
۶	کارشناسی ارشد و دکتری	نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی	

### ۲-۱. روایی و پایایی پژوهش

پژوهشگران کیفی به جهت افزایش اعتبار پژوهش خود، باید حداقل از دو راهبرد زیر بهره گیرند:

الف) یادداشت‌برداری مفصل و دقیق،

ب) کدگذاری ناشناس به کمک کدگذاری که از تیم پژوهش نیست (Creswell, 2003).

در این پژوهش برای نیل به هدف، اقدام‌های ذیل صورت گرفته است:

- تطبیق اعضا: نظرهای دو نفر از اساتید حوزه خط‌مشی‌گذاری و دو نفر از دانشجویان دکتری رشته مدیریت دولتی (پژوهشگران حوزه مجلس شورای اسلامی) درباره گزارش، فرایند و داده‌های پژوهش دریافت شد و عناوین تعدادی از مفاهیم مطابق نظرهای اصلاحی ایشان مورد بازبینی قرار گرفت.
- درگیری طولانی مدت با موضوع پژوهش: به دلیل جذابیت موضوع پژوهش و کنکاش دقیق پژوهشگران تحقیق، مفاهیم مورد بحث در فرایند بررسی متون، زمان نسبتاً زیادی به طول انجامید.
- کثرت‌گرایی: به منظور ایجاد تنوع در متون مورد بررسی، تلاش شده است تا همه انواع داده‌های متنی از جمله: کتب، مقالات، طرح‌ها و تحلیل‌های منتشر

شده در پایگاه‌های اطلاعاتی گوناگون مورد تحلیل قرار گیرند. گفتنی است یکی از بهترین راه‌های ایجاد دقت، درگیری طولانی‌مدت با موضوع است. به این شکل که پژوهشگر به‌طور کامل درگیر موضوع پژوهش می‌شود، با مشارکت‌کنندگان ارتباط صحیح و مناسب برقرار می‌کند و مفاهیم عمیقی که در فرایند مطالعه آشکار می‌شود را درک می‌کند. این امر موجب می‌شود دقت علمی افزایش یابد. کثرت‌گرایی با ترکیب داده‌ها، مطالعه را تقویت می‌کند. استفاده از چند نوع داده در فرایند پژوهش باعث عبور پژوهشگر از سطحی‌نگری و ایجاد درک عمیق‌تر در پژوهش می‌شود (Guba and Lincoln, 1994).

## ۲-۲. تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و نرم‌افزار Maxqda10 استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌هاست. تحلیل مضمون نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فراگیرند، زیرا این روش برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است (Braun and Clarke, 2006). تجزیه و تحلیل اطلاعات در روش تحلیل مضمون مبتنی بر فرایند کدگذاری است. مضمون بیانگر مفهوم الگوی موجود در داده‌ها و مرتبط با سؤال‌های پژوهش است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Ibid.). شبکه مضامین براساس یک رویه مشخص، طی چهار مرحله «دیدن متن»، «برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب»، «تحلیل اطلاعات کیفی» و نهایتاً «مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ» مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند:

- مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)،
- مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)،

- مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هریک از سه سطح فوق، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

### ۳. یافته‌های پژوهش

در گام نخست، برای آشنایی با داده‌ها، همه داده‌های متنی در خصوص چالش‌های تحقق شفافیت، بازخوانی شد. پس از بازخوانی‌های مکرر؛ در گام دوم ۱۷۸۹ کد باز استخراج شد، در گام بعدی مضامین پایه از تحلیل و ترکیب جملات یادداشت‌گذاری شده بروز و ظهور یافتند. پس از آن و در گام چهارم با توجه به شکل‌گیری ۲۱۱ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده تعیین شد. در گام پنجم نیز با توجه به مضامین سازمان‌دهنده و همچنین ذهنیت شکل گرفته پژوهشگران طی پژوهش، تعداد سه مضمون فراگیر مشخص شد. تم‌ها و الگوهای درون داده‌ها به یکی از دو روش زیر شناسایی می‌شوند: روش استقرایی (پایین به بالا) یا روش نظری - قیاسی (بالا به پایین). در رویکرد استقرایی، تم‌های شناسایی شده بیشتر به خود داده‌ها مرتبط می‌شوند و از داده‌های گردآوری شده به‌دست می‌آیند. در حالی که در رویکرد نظری - قیاسی، داده‌ها از علاقه نظری پژوهشگر به موضوع ناشی می‌شود و از طریق پیشینه پژوهش و زمینه کاری وی بیرون می‌آیند. در این پژوهش برای استخراج مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر از روش استقرایی استفاده شده است. ۲۱۱ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر حاصل شده از ۱۷۸۹ کد باز در همه متون موجود در خصوص چالش‌های تحقق شفافیت در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

همه مضامین مندرج در جدول ۲ در راستای هدف اصلی پژوهش گردآوری شده‌اند که شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی است. در خصوص چالش‌های پیامدی که در واقع خروجی وضعیت غیرشفاف است، توجه به این نکته ضرورت دارد که این چالش‌ها خود سبب بروز وضعیتی می‌شوند که امکان تحقق شفافیت را با مشکل مواجه می‌سازند. به عبارت دیگر چالش‌های پیامدی نسبت علت و معلولی متقابل با وضعیت غیرشفاف دارند. در واقع چالش‌های پیامدی حاصل وضعیت غیرشفاف است که خود عاملی بازدارنده برای تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی است.

جدول ۲. عناوین مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر استخراج شده

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
به رسمیت نشناختن مالکیت عمومی اطلاعات مجلس، رقابت واحدهای سازمانی بر مالکیت داده، مقاومت در برابر تبادل داده‌ها، عدم استفاده از پلتفرم (بستر) باز، تسهیل بارگیری، مکانیسم‌های جستجوی آسان و ایجاد برنامه‌های آنلاین روی وبسایت‌های مجلس، انتشار ناکامل مواضع عمومی، برنامه‌های پیشنهادی، جهت‌گیری‌ها، سؤال‌ها، دادخواست‌ها، سخنرانی‌ها، گزارش‌ها، مهمانان و توصیه‌نامه‌های نمایندگان، عدم دسترسی به اطلاعات اعضای مجلس (اطلاعات تماس، بیانات سودمند، منافع و غیره)، عدم دسترسی به همه اطلاعات عمومی، پاسخگویی مستمر و رعایت استانداردهای بالای اخلاقی، توزیع نامتناسب اطلاعات، ضعف در ترکیب، بازتعریف و استفاده مجدد از اطلاعات و انتشار داده‌ها برای ذی‌نفعان (متشکل از مشاغل، دانشگاه‌ها و نهادهای جامعه مدنی)	چالش‌های داده‌ای	چالش سیستمی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
<p>ارائه اطلاعات دست کاری شده، بی توجهی به پخش زنده جلسات علنی و کمیسیون‌ها، بی ثباتی مدیریتی و تغییر متناوب تصمیم گیرندگان، دخیل نکردن شهروندان در زمینه تهیه پیش نویس قوانین، عدم استقرار فناوری‌های تعاملی جهت تسهیل ارتباط شهروندان و نمایندگان، عدم انتشار تعاملات نمایندگان و دستگاه‌های اجرایی، عدم ایجاد و بهره‌برداری از بسترهای سامانه‌های حاکمیتی، عدم تضمین دسترسی آزاد رسانه‌ها به اطلاعات، عدم توجه به حکمرانی شبکه‌ای، عدم توجه به لزوم تیم فنی متخصص، عدم گزارش‌دهی مستمر نمایندگان به شهروندان، فراهم نبودن امکان دسترسی فراگیر در اقصی نقاط کشور، کاهش توان نظارتی پارلمان، کاهش نقش هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان، نبود زیرساخت‌های فنی مناسب به منظور الکترونیکی کردن فرایندها</p>	<p>چالش‌های فرایندی</p>	
<p>افزایش اتلاف منابع عمومی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، افزایش معضلات اقتصادی مانند: بیکاری، تورم و ... افزایش هزینه‌های دولت، ایجاد تک‌صدایی در جامعه، بی توجهی به فرهنگ آگاهی‌بخشی و اخلاق حرفه‌ای (ترکیب دو آیتم)، تضعیف مشارکت همگانی، تهدید توسعه پایدار، چالش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد مجلس، چالش مسئولیت‌پذیری، عدم اجرای عادلانه قوانین و ایجاد نابرابری (ترکیب دو آیتم)، عدم پاسخگویی عمومی، عدم توجه به شایسته‌گزینی، عدم دستیابی به اهداف، عدم رعایت محرمانگی در امور امنیتی و نظامی، عدم مشروعیت نظام پارلمانی، فرسایش حکمرانی دمکراتیک، کاهش همبستگی اجتماعی، مخدوش شدن تعامل مردم با نهادهای عمومی، مداخله در حریم خصوصی نمایندگان مجلس، عدم دسترسی همگان به فرصت‌های اقتصادی یکسان، کاهش عدالت اجتماعی و بروز شکاف‌های اجتماعی و اختلاف‌های قومیتی و اقلیتی، ارائه بیان نادرست از حقایق موجود و هدر رفتن ظرفیت نهادهای تصمیم‌گیر، اختلال در سیستم قانونگذاری</p>	<p>چالش‌های پیامدی</p>	
<p>اعتقاد به پرداخت‌های تسهیل کننده و فعالیت‌های پاداشی، اقتدارگرایی، بیش اطمینانی در اتخاذ تصمیم، خودرأیی و بی توجهی به اطلاعات تأییدکننده وضع نامطلوب، خودشیفتگی، رفتار ویژه نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد خاص، شکاکیت و بدبینی، عدم اعتقاد به احقاق حق برابر مردم در برابر رفتار مسئولان، عدم اعتقاد به برابری جنسیتی، عدم اعتقاد به توانمندگزینی، عدم اعتقاد به خرد جمعی، عدم اعتقاد به فرهنگ‌سازی گسترده در خصوص نقد عمومی به سیستم قانونگذاری، عدم اعتقاد به گسترش تعامل هموار، مولد و سودمند با مخاطبان، ناتوانایی و مهارت در تصمیم‌گیری، عدم شناخت سویه‌های رفتاری، ناکارایی در مقابله با رشوه، عدم اعتماد، فساد مالی، کوتاه‌بینی مدیریتی، گزارشگری نادرست، نارسایی در پوشش همگانی و شمول‌هراس و محافظه‌کاری، وجود توانایی بالقوه جهت سوءاستفاده از موقعیت اداری، نفوذ خواسته‌های شخصی و نادیده گرفتن منفعت عمومی</p>	<p>چالش‌های فردی</p>	<p>چالش رفتاری</p>

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<p>وابستگی سیاسی، عدم تعدیل ساخت قدرت اجتماعی و قدرت سیاسی توسط احزاب، عدم ایفای نقش فعال احزاب به‌عنوان واسطه و میانجی میان مردم و نهاد قانونگذاری، کاهش سطح انتقاد حزبی و گروهی از سیستم قانونگذاری، کارکرد نامناسب آموزشی و تربیتی احزاب، عدم مشارکت کارای نخبگان احزاب و گروه‌ها در عقلایی ساختن مدیریت کشور، کمک‌های غیرنقدی و حمایت‌های غیرمستقیم مانند دسترسی به رسانه‌ها، تأمین مالی غیرقانونی توسط منتفذان و مؤسسه‌های تجاری، عدم مرزبندی شفاف بین جریان‌ها و احزاب در کشور، محدود بودن عملکرد احزاب به بازوهای برای جریان‌های سیاسی، پرتنگ نبودن نقش احزاب در کشور، عدم ایفای نقش موکل جهت رساندن صدای مردم به صاحبان منصب، وجود روابط گروهی یا حزبی با خطمشی‌گذاران، عدم بهره‌گیری از کانون‌های تفکر، تعارض بین نمایندگان بخش‌های عمومی و خصوصی</p>	<p>چالش‌های گروهی</p>	
<p>عدم محافظت از جامعه مدنی مستقل، ابهام در تکالیف متقابل مجلس و شهروندان، ضعف در کیفیت حکومت همگانی، ضعف مشارکت عمومی، عدم شناخت مناسب نمایندگان از محیط اجتماعی، ضعف مطالبه عمومی در مورد پاسخگو بودن نمایندگان، عدم مشارکت مؤثر مردم در کنترل دموکراتیک مجلس، سخت بودن اندازه‌گیری میزان و گستره عمومی شفافیت، فقدان ادبیات مشترک میان مسئولان و مردم، درک متفاوت مردم و نمایندگان از اولویت مسائل و مشکلات نیازمند قانونگذاری، عدم اعتقاد عمومی به عملکرد صحیح ساختار مجلس، خلاف واقع‌گویی سیاستگذاران به مردم، نابرابری‌های اجتماعی، انعکاس منافع اقلیت قدرتمند در خطمشی‌گذاری، توزیع نابرابر منابع عمومی، عدم پایبندی به نظم از سوی افراد جامعه، کاهش همکاری‌های اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی ناشی از شیوه تعامل نمایندگان با مردم، تضعیف کنترل اجتماعی بر فرایندهای خطمشی‌گذاری، مخدوش شدن اعتماد اجتماعی، انتقال نامناسب مطالبات و تقاضاهای اجتماعی مردم و افکار عمومی به سیستم سیاستگذاری، نهادینه نشدن مشارکت مردم در فرایند قانونگذاری، عدم ارتباط مستمر و بی‌واسطه نمایندگان و شهروندان</p>	<p>چالش‌های اجتماعی</p>	

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
<p>افزایش فساد دولتی، بازار غیررقابتی، بی‌اطلاعی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، بی‌ثباتی بازار، بی‌ثباتی نرخ ارز، پولشویی و فرار مالیاتی، تأثیرگذاری بر طراحی پروژه‌ها و قراردادهای، تضعیف نهادهای عالی حسابرسی، تعارض منافع، تمرکز قدرت اجرا و نظارت اقتصادی در یک نقطه به‌هنگام، ساختار غیرمنسجم نظام مالی، سرمایه‌گذاری غیرمؤثر در بخش خصوصی، ضعف در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، عدم ارائه گزارش اقدام‌ها علیه فساد اقتصادی در کمترین زمان ممکن، عدم توجه به سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، عدم جلب اعتماد عمومی با محوریت خدمت به شهروندان، عدم دسترسی و آگاهی شهروندان به چرایی، چگونگی و مقدار هر مبادله و عمل اقتصادی مخصوصاً در بخش عمومی و دولتی، فعالیت‌های زیرزمینی اقتصادی، فقدان یکپارچگی هوشمند اقتصادی، مدیریت نامطلوب منابع عمومی و توزیع نابرابر آن، نظارت ناکافی بر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی دولت، تسهیلات بانکی رانتهی و نامتقارن</p>	<p>چالش‌های اقتصادی</p>	<p>چالش‌های محیطی</p>
<p>عدم تحقق گفتمان عمومی پیرامون شفافیت با پشتوانه نخبگان سیاسی، فقدان تمهید اقدام‌ها برای جلوگیری از سوءبرداشت و جو پوپولیستی ناشی از انتشار اطلاعات، بی‌نظمی عملکرد احزاب، زوال حکمرانی، بی‌توجهی به حقوق متقابل مجلس و شهروندان، مقاومت ذی‌نفعان، ریسک و خطرپذیری در میزان وسعت انتشار اسناد، حمایت مالی ذی‌نفعان از کمپین‌های انتخاباتی، اقتدارگرایی نهادهای عمومی کشور، مشارکت مقامات دولتی به‌طور مستقیم در فرایند خط‌مشی‌گذاری، سوءاستفاده از جایگاه عمومی، پرداخت‌های غیرقانونی، پیگیری علایق حزبی، تأثیرگذاری بر تنظیم مقررات، نفوذ عناصر ثروت و قدرت، اعمال نفوذ در روند تصمیم‌گیری، تعریف منافع مشترک با خط‌مشی‌گذاران، انتصاب افراد خاص برای مناصب مهم، ابهام معاهده‌ها یا قراردادهای بین‌المللی، عدم به‌کارگیری ارزش‌های دموکراتیک در خط‌مشی‌گذاری، ظهور تصمیمات عمومی نامطلوب سهوی، ناعادلانه بودن خط‌مشی‌ها، ارائه اطلاعات داخلی و محرمانه به گروه‌های ذی‌نفع، فقدان نگاه ملی در قانونگذاری، عدم ایجاد فرایند تصمیم‌گیری فراگیر، کاهش آزانس‌های تنظیم‌گر، کاهش کنترل خارجی، عدم ایجاد رقابت مؤثر، ناآشنایی با عوامل ایجاد ریسک تسخیر خط‌مشی‌ها در مجلس، مخدوش شدن اعتبار (مشروعیت) حکومت، درب‌های گردان، عدم تقسیم عادلانه قدرت میان افراد، مسئولان و سازمان‌های متنوع</p>	<p>چالش‌های سیاسی</p>	

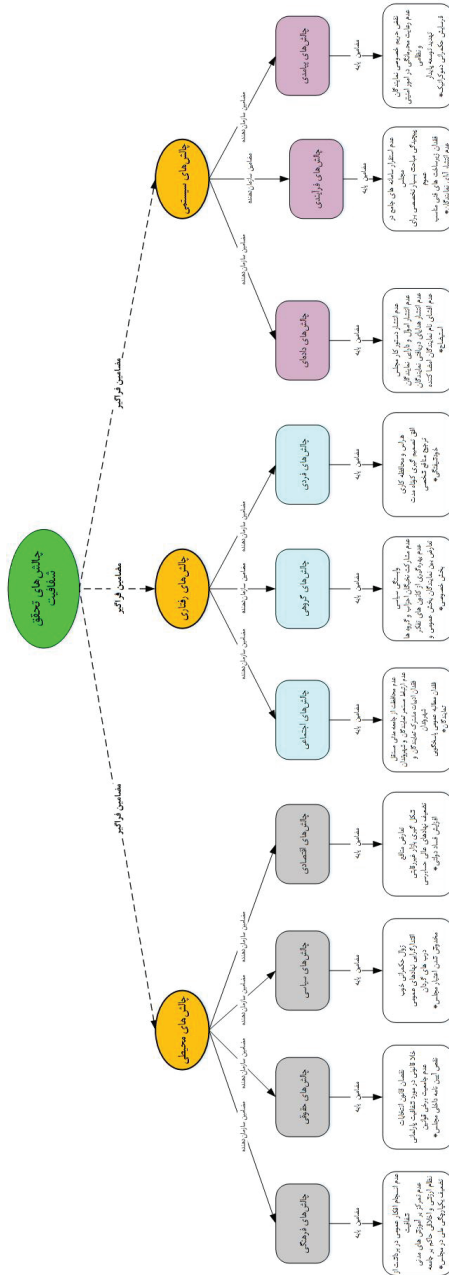


مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<p>خلاً قانونی جهت ارتقای فرهنگ شفافیت، نقص در قانون انتخابات، نقص در قوانین مربوط به فعالیت احزاب، نقص در آیین‌نامه داخلی مجلس، شکاف بین رویه‌های انجام کار و قوانین و مقررات، رویه‌های متفاوت از قوانین مصوب، رویه‌های غیررسمی در اداره مجلس، فقدان تمایز روشن میان امور قانونی و غیرقانونی، ایجاد محدودیت در ادراک فساد، عدم ایجاد مکانیسم و روش‌های مناسب برای کنترل درآمدها و سایر دریافت‌ها، فراهم نبودن امکان انتشار حقایق مربوط به عملیات مالی و وضع درآمدها، هزینه‌ها، دریافت‌ها و پرداخت‌ها برای اطلاع افکار عمومی، عدم برقراری یک نظام نظارت مالی مناسب در تحقق قوانین مصوب مجلس، تصویب قوانین و مقررات ترجیحی، امکان ناکافی ردیابی تخلفات حقوقی، بی‌ثباتی برخی قوانین، جامع نبودن برخی قوانین</p>	<p>چالش‌های حقوقی</p>	
<p>اولویت دادن به کارهای روتین و نهادینه شدن روزمرگی در مجلس، برقراری روابط دوستانه با خط‌مشی‌گذاران، تضعیف یکپارچگی ملی در مجلس، جنجال‌های رسانه‌ای ناشی از شفافیت، عدم ارتقای فرهنگ شفافیت در بین نمایندگان و شهروندان، عدم آموزش روش‌های صحیح و قانونی مطالبه از نمایندگان، عدم انسجام افکار عمومی در برداشت از شفافیت، عدم تقویت سعه‌صدر نمایندگان و سیاستمداران در مواجهه با رسانه‌های آزاد، عدم تمرکز بر آموزش‌های مدنی، عدم محافظت از فرهنگ باز بودن از طریق نظارت در مجلس، فقدان آموزش نحوه استفاده از اطلاعات منتشر شده به اقشار مختلف جامعه، کم‌توجهی عامدانه به قوانین، نگاه بدبینانه مردم نسبت به قانونگذاران، عدم همراهی نظام ارزشی و اخلاقی حاکم بر جامعه، همکاری ضعیف مجلس با سایر نهادها (به اشتراک نگذاشتن تجربیات، اطلاعات، ابزارها و خدمات آموزشی از طریق جلسات تکنیسین‌ها، نمایندگان مجلس و کارشناسان با یکدیگر)</p>	<p>چالش‌های فرهنگی</p>	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۱ نمودار چند سطحی روابط مضامین اکتشافی پژوهش حاضر (۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر) را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، چالش‌های تحقق شفافیت در شکل زیر گزارش شده است.

شکل ۱. نمودار چند سطحی روابط مضامین اکتشافی پژوهش (چالش‌های تحقق شفافیت)



منابع: مفاهیم پایه در چارچوب ۱۸۶ شده است

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و پیشنهادها

پدیده شفافیت سبب کارآمدی و سلامت بیشتر حکمرانی می‌شود. شفافیت راه را بر گروکشی‌های سیاسی می‌بندد، مردم را در فرایند تصمیم‌گیری دخیل می‌کند و به بالا رفتن اعتماد عمومی به مسئولان و حاکمان منجر می‌شود. علاوه بر این شفافیت آرا از حقوق اساسی مردم، از شئون دموکراسی و یکی از مصادیق دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی است. مجلس شورای اسلامی یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که وجود ناکارآمدی در آن، ضربه‌های اساسی به رشد و پیشرفت کشور وارد می‌کند. بنابراین تحقق شفافیت در این نهاد به‌عنوان عامل جلوگیری از ناکارآمدی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. هدف از این پژوهش شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی است. الگوی این پژوهش به‌دنبال شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت در مجلس شورای اسلامی است که براساس نتایج پژوهش سه مضامین فراگیر چالش‌های سیستمی (شامل مضامین سازمان‌دهنده داده‌ای، فرایندی و پیامدی)، چالش‌های رفتاری (شامل مضامین سازمان‌دهنده فردی، گروهی، اجتماعی) و چالش‌های محیطی (شامل مضامین سازمان‌دهنده اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی) شناسایی شدند. با تحقق شفافیت نقاط پرابهام، متعارض و ناکارآمد نظام حقوقی کشور مشخص می‌شود و می‌تواند با عزم مراجع قانونگذاری، گره‌های کوری که طی زمان به‌مرور در نظام حقوقی کشور رخنه کرده است، بازیابی و اصلاح شود. علاوه بر این در بسیاری از موارد از دخالت‌های ناروا و فعالیت‌های غیرضروری جلوگیری می‌کند. این چالش‌ها (رفتاری، سیستمی و محیطی) که به شکاف در میان رویه‌های انجام کار با قوانین و مقررات مصوب منجر می‌شوند، اصلی‌ترین چالش‌ها در مسیر تحقق شفافیت به‌حساب می‌آیند.

شایان ذکر است که شفافیت یکی از خصایص روشن حکمرانی مطلوب است که می‌تواند به‌عنوان سازوکار مؤثر حامی حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان، قدرت را به نقطه تراز مورد انتظار برساند و راهکاری ارزنده برای مبارزه با پدیده‌های شومی مانند فسادهای سیاسی و اقتصادی باشد که از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی هر جامعه‌ای به حساب می‌آید. از طرفی، هدف مجلس شفاف نیز بهبود کیفیت تصمیمات خود با تشویق فعالانه مشارکت عمومی است. چنانچه مجلس اطلاعاتی را که در اختیار دارد با مردم به اشتراک گذارد، از دانش، بازخورد، نظرها و افزایش مشارکت جامعه سود می‌برد.

در این راستا؛ به‌منظور بهره‌مندی از مزایای تحقق شفافیت پیشنهاد می‌شود:

۱. آرای نمایندگان در مسائلی که کارکرد ملی و گاهاً عمومی دارند به‌صورت شفاف منتشر شود. همچنین بهره‌گیری از شاخص‌های ساختاری چون شبکه نظارتی گسترده و نظام قضایی کارآمد، به‌خوبی در نیل به تحقق شفافیت می‌تواند راهگشا باشد.

۲. مجلس با ایجاد مکانیسم‌هایی برای شمول، گسترش دسترسی به اطلاعات و اعمال سیاست‌هایی برای مشاوره آزاد، می‌تواند در مسیر تحقق شفافیت گام بردارد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز ضمن حمایت از شفافیت، بهتر است مرزهای معقولی را برای شفافیت تعیین کنند. شفافیت تنها زمانی می‌تواند مؤثر باشد که گیرنده‌ها به پردازش و هضم اطلاعات ارائه شده قادر باشند، لذا توجه به کیفیت اطلاعات ارائه شده نیز بهتر است مورد توجه قرار گیرد.

۳. با هرگونه ناکامی، فساد و تباهی در سیستم سیاسی و اقتصادی مقابله شود و زمینه برای تحقق مردم‌سالاری فراهم شود؛ چراکه شفافیت به‌عنوان یکی از ابزارهای نظارت مردمی بر پارلمان و تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری در

کشورهاست و می‌تواند بستر تحول در عرصه قانونگذاری را آماده کرده و فرصتی

برای آغاز اصلاحات ساختاری در بخش‌های مختلف جامعه باشد.

۴. ضمن ارتقای بلوغ سیاسی - اجتماعی مردم، تقویت ساختار انگیزشی عموم

مردم برای مشارکت‌جویی در فرایند قانونگذاری کشور فراهم شود.

اگرچه یافته‌های این مطالعه، بینشی قابل توجه در خصوص چالش‌های تحقق

شفافیت در مجلس شورای اسلامی ارائه می‌دهد، اما از محدودیت‌هایی نیز برخوردار

است. نخست آنکه ماهیت این پژوهش که به شناسایی چالش‌های تحقق شفافیت

می‌پردازد، به غلبه نگاه انتقادی و تا حدودی بدبینانه نسبت به مجلس شورای اسلامی

در ذهن مصاحبه‌شوندگان منجر می‌شود که به‌رغم تلاش پژوهشگران در جهت

کنترل این محدودیت و با توجه به تعهد پژوهشگران به امانت‌داری، این نگاه انتقادی

در برخی مضامین پایه قابل مشاهده است. محدودیت بعدی پژوهش عدم همکاری

برخی از خبرگان پژوهش با فرایند مصاحبه به‌ویژه به‌شکل حضوری به‌دلیل شیوع

ویروس کروناست. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که نقش شفافیت را در

توسعه سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود نقش

راهبردی شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی مورد مطالعه

قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

۱. بهرامی، محمدباقر، فریدون اکبرزاده، روح‌اله شهبابی و شیوا جلال‌پور (۱۳۹۹). «نقش راهبردی شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی از نگاه حکمرانی مطلوب»، فصلنامه علمی راهبرد، ۲۹(۲).
۲. پروین، خیراله و محمدمهدی سیفی (۱۳۹۷). «مجلس شورای اسلامی، مجلس برنامه‌ریز یا مجلس قانونگذار در قیاس با نظامی‌های ریاستی - پارلمانی»، مجله فقه حکومتی، ۳(۶).
۳. حبیب‌نژاد، سیداحمد و زهرا عامری (۱۳۹۵). «شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی (با تأکید بر حکومت علوی)»، حقوق اسلامی، ۱۳(۴۹).
۴. داودی، حمیدرضا، احمد بخشایش اردستانی و اصغر عربیان (۱۳۹۸). «بررسی نقش‌های تقنین و نظارتی مجلس شورای اسلامی و نقش آن در الگوی حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹(۳).
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). «نقش و جایگاه مجلس شورای اسلامی در حکمرانی خوب»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۲(۴۸).
۶. رنجبر، هادی، علی‌اکبر حقدوست، مهوش صلصالی، علیرضا خوشدل، محمدعلی سلیمانی و نسیم بهرامی (۱۳۹۱). «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع»، مجله پژوهش علوم سلامت و نظامی، ۱۰(۳).
۷. سلیمانی خوئینی، مهدی، کرم‌اله دانش‌فرد و رضا نجف‌بیگی (۱۳۹۸). «الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر عوامل پیشران»، مدیریت دولتی، ۱۱(۴).
۸. طاهری، محسن و محمدجواد ارسطا (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۳).
۹. عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۵(۲).

۱۰. عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۸). «ضرورت و الزامات قانون شفافیت در حوزه بودجه‌ریزی کشور»، فصلنامه *اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۷۵).

۱۱. مرتب، یحیی و وحید یآوری (۱۴۰۰). «شناسایی معیارهای ارزیابی شفافیت در مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۴(۱).

۱۲. معینی آرانی، مصطفی، جهانبخش محبی‌نیا، احمد بخشایشی اردستانی و کاظم جلالی (۱۴۰۰). «بررسی نقش آموزش‌های احزاب سیاسی در کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر آموزش سیاسی»، *مجلس و راهبرد*، ۲۸(۱۰۵).

۱۳. مقدم‌چوکانی، نگین و طیبیه امیرخانی (۱۳۹۷). «ارائه الگویی برای شفافیت بودجه در ایران»، فصلنامه *علوم مدیریت ایران*، ۱۳(۵۲).

۱۴. منظور، داوود و مصطفی عباسی کلاش (۱۳۹۸). «نقش شفافیت در کاهش تعارض منافع و مقابله با فساد در کشور»، فصلنامه *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۷(۲۷).

۱۵. نوروزپور، حیدرعلی و خیراله پروین (۱۴۰۰). «شفافیت به‌مثابه عنصری بایسته در اداره خوب مجلس شورای اسلامی»، *نشریه پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۳(۸).

16. Ammann, O. (2021). "Transparency at the Expense of Equality and Integrity: Present and Future Directions of Lobby Regulation in the European Parliament", *European Papers-A Journal on Law and Integration*, (1).

17. Amon, F., S. Dahlbom and P. Blomqvist (2021). "Challenges to Transparency Involving Intellectual Property and Privacy Concerns in Life Cycle Assessment/ Costing: A Case Study of New Flame Retarded Polymers", *Cleaner Environmental Systems*, 3, 100045.

18. Androniceanu, A. (2021). "Transparency in Public Administration as A Challenge for Good Democratic Governance", *Administratie si Management Public*, (36).

19. Berntzen, L., R. El-Gazzar and M.R. Johannessen (2018, October). "Parliamentary Open Big Data: A Case Study of the Norwegian Parliament's Open Data Platform", In *European, Mediterranean, and Middle Eastern Conference on Information Systems*, Springer, Cham.

20. Bremer, E.S. (2013). "Incorporation by Reference in an Open-Government Age", *Harvard Journal of Law and Public Policy*, (36).

21. Creswell, J.W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed*

- Methods Approaches*, Second Edition and Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
22. Dulong de Rosnay, M. and K. Janssen (2014). "Legal and Institutional Challenges for Opening Data Across Public Sectors: Towards Common Policy Solutions", *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 1(9).
  23. Ejiogu, A., C. Ejiogu and A. Ambituuni (2019). "The Dark Side of Transparency: Does the Nigeria Extractive Industries Transparency Initiative Help or Hinder Accountability and Corruption Control?", *The British Accounting Review*, 51(5), 100811.
  24. Gil-Garcia, J.R., M. Gasco-Hernandez and T.A. Pardo (2020). "Beyond Transparency, Participation, and Collaboration? A Reflection on the Dimensions of Open Government", *Public Performance and Management Review*, 43(3).
  25. Guba, E.G. and Y.S. Lincoln (1994). "Competing Paradigms in Qualitative Research", *Handbook of Qualitative Research*, 2, 105.
  26. Hasan, R., A.U.F. Ahmad and S.A.B. Siraj (2020). "Building Trust in Waqf Management—Implications of Good Governance and Transparent Reporting", *The Singapore Economic Review*.
  27. Kvale, S. (1996). *Inter Views: An Introduction to Qualitive Research Interviewing*, Sage Publications .
  28. Mills, L. (2017). *Parliamentary Transparency and Accountability*, Linnea Mill 06.04.2017.
  29. Moldaliev, J. (2021). "Localizing Transparency and Accountability in Extractives", *The Extractive Industries and Society*, 100991.
  30. Murphy, J. (2020). *Parliaments and Crisis: Challenges and Innovations: Parliamentary Primer No. 1 (Vol. 1)*, International Institute for Democracy and Electoral Assistance (International IDEA).
  31. Oliveira, R., C. Cappelli and J. Oliveira (2021, June). "An Indicator of Inefficient Visualizations: The Challenge of Transparency During the COVID-19 Pandemic in Brazil: An Indicator of Inefficient Visualizations: The Challenge of Transparency During the COVID-19 Pandemic in Brazil", In *XVII Brazilian Symposium on Information Systems*.
  32. Park, H. and J. Blenkinsopp (2011). "The Roles of Transparency and Trust in the Relationship Between Corruption and Citizen Satisfaction", *International Review of Administrative Sciences*, 77(2).
  33. Parycek, P., J. Höchtl and M. Ginner (2014). "Open Government Data Implementation Evaluation", *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 9(2).



34. Prasojo, E. (2009). *Handbook on Transparency and Accountability of Parliament*, Secretariat General of the House of Representatives of the Republic of Indonesia (DPR RI) and United Nation Development Programme (UNDP).
35. Scassa, T. (2017). “Law Enforcement in the Age of Big Data and Surveillance Intermediaries: Transparency Challenges”, *SCRIPTed*, 14, 239.
36. Sofyani, H., H.A. Riyadh and H. Fahlevi (2020). “Improving Service Quality, Accountability and Transparency of Local Government: The Intervening Role of Information Technology Governance”, *Cogent Business and Management*, 7(1), 1735690.



# تعارض منافع در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران؛ از تبیین مصادیق تعارض تا ارائه راهکارهای مدیریت آن

علی عارفی مسکونی،\* مهدی مظفری اناری\*\* و صابر اسلام\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۲۳۱-۱۹۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

مغایرت و تعارض منافع شخصی یا گروهی اشخاص با منافع حرفه‌ای و سازمانی آنان، پدیده‌ای است که در عرصه‌های مختلف جامعه آثار و تبعات نامطلوبی بر کارکرد صحیح ساختارها و فرایندهای متعدد خواهد گذاشت. یکی از عرصه‌های مشهود تعارض منافع در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی قابل درک است. مراجعی که باید با بی‌طرفی و استقلال کامل در مقام داور منصف و عادل به اظهارنظر تخصصی و فنی به جرائم و تخلفات پزشکی بپردازند و حقوق بیماران و بازماندگان دعوا را استیفا کنند، اما به جهت همکاری و ارتباط نزدیک با یک طرف دعوا (که پزشکان و کادر درمان هستند) در مواردی دچار تعارض منافع شده و در تصمیم‌گیری و صدور نظریه کارشناسی آنان تأثیر می‌گذارد. سؤال اصلی که در این پژوهش مورد توجه است اینکه مصادیق تعارض منافع در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی چیست و چه راهکارهایی در مدیریت و محدود کردن آن وجود دارد؟ در خلال انجام پژوهش مصادیق روشنی از تعارض منافع در این حوزه آشکار می‌شود و اینکه طیف وسیعی از راهکارها مشتمل بر پیشگیرانه (نرم) و سرکوب‌کننده (سخت) وجود داشته که می‌توانند مورد توجه و دقت نظر سیاستگذاران قرار گیرد. این پژوهش که با روش تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است، این هدف را دنبال می‌کند که با ارائه راهکارهای همه‌جانبه و کارآمد به مدیریت تعارض منافع در جهت تضمین حقوق بزه‌دیدگان بیمار، کمک به تحقق عدالت قضایی و درنهایت کارکرد صحیح و عادلانه نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی منتهی شود.

**کلیدواژه‌ها: تعارض منافع؛ کارشناسی جرائم پزشکی؛ قصور پزشکی**

\* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛

Email: arefi@uk.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: mahdi.mozafari@ut.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛

Email: saber.islam1400@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5372.5130

## مقدمه

مقوله درمان بیماران یکی از مهم‌ترین امور در جوامع مختلف محسوب می‌شود. در حقیقت ضرورت نیاز به تشخیص، درمان و اقدام بموقع پزشکان و کادر درمان امری اجتناب‌ناپذیر است اما حرفه پزشکی نیز همچون سایر مشاغل و فعالیت‌ها، آسیب‌ها و تبعاتی برای جامعه، بیماران و اطرافیان خواهد داشت که نمی‌توان به دلیل ارتباط با سلامت و حیات، از پیگیری و طرح آن در عرصه حقوق کیفری چشم پوشید. به‌طور کلی جرائم خاص پزشکی که با ارتباط مستقیم بین روابط پزشک و بیمار یا بازماندگان وی شکل می‌گیرد، عبارتند از: ۱. قتل غیر عمد ناشی از تقصیر در امور پزشکی، ۲. ایراد صدمات بدنی غیر عمد ناشی از تقصیر پزشک، ۳. قتل ترحم‌آمیز، ۴. سقط جنین، ۵. جرائم مربوط به پیوند اعضا (عباسی، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۲۱). این پنج عنوان جرم ارتباط تنگاتنگی با حوزه عملکرد، تخصص و تعهدات پزشکان داشته و از این رو تحت عنوان جرائم خاص پزشکی مدنظر قرار گرفته است. در همه موارد فوق، شکایت شاکی از پزشکان و کادر درمان به دلیل تخصصی بودن حیطه وظایف و عملکردهای پزشکی، نیازمند اظهار نظر کارشناسان این حوزه بوده تا با هم‌اندیشی و بررسی ابعاد مختلف پرونده و معاینات متعدد و ملاحظات بالینی بیمار، تصمیم مقتضی اخذ کرده و به مرجع قضایی اعلام دارند.

کارشناسان در جرائم پزشکی همان کمیسیون‌های تخصصی پزشکی مستقر در سازمان پزشکی قانونی و سازمان نظام پزشکی خواهند بود که در کنار مراجع قضایی و به‌عنوان نهاد کارشناسی به اعلام نظر تخصصی در این عرصه می‌پردازند. در حقیقت قاضی پرونده برای اقناع وجدانی و اخذ تصمیم و صدور رأی مقتضی در پرونده‌های جرائم خاص پزشکی، نیازمند احراز تقصیر پزشک مربوطه یا کادر درمان است که به دلیل فنی و تخصصی بودن امور پزشکی، به اظهار نظر اهل فن نیاز خواهد داشت.

این اظهار نظر در مراجع فعلی کارشناسی پزشکی به نحو آشکاری با تعارض منافع گره خورده است. تعارض منافع «وضعیتی است که در آن یک شخص که مسئول حمایت از منافع دیگران (منفعت اولیه) است، به اتخاذ تصمیماتی قادر است که آثار این تصمیمات دامن گیر دیگران می شود؛ اما به دلیل وجود منافع شخصی، بیم آن وجود دارد که تصمیم گیرنده، منافع شخصی خود (منافع ثانویه) را بر منافع دیگران مقدم دارد» (سیاهبیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰: ۲۰).

در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی گاهی اتفاق می افتد که موقعیت تعارض منافع بر تصمیم گیری و رأی کارشناسی آنان تأثیر گذارد. در واقع هنگامی که اعلام نظر در خصوص جرائم خاص پزشکی به جهت فنی و تخصصی بودن به یک هیئت یا کمیسیون پزشکی مرکب از پزشکان هم صنف متهم ارجاع می شود، این احتمال ممکن است نسبت به برخی از اعضای این گروه برود که به دلیل هم صنف بودن، همکاری و ارتباطات گسترده با پزشک طرف دعوی و سایر کادر درمان، منافع شخصی خویش را بر منافع حرفه ای در مقام کارشناسی و اعلام نظر، ارجحیت دهند که این امر بر صدور نظریه عادلانه و بی طرفانه تأثیر گذار باشد. بنابراین حدوث چنین موقعیتی در موارد استثنائی هم اگر اتفاق بیفتد، موجب می شود اعتبار نظریات و تصمیمات مراجع کارشناسی پزشکی را تحت الشعاع قرار داده و رأی کمیسیون یا هیئت های انتظامی را از حیث ماهیت و محتوا بی اعتبار کند، هر چند در ظاهر ممکن است رأی به نحو قانونی صادر شود و از لحاظ شکلی اعتبار و ارزش لازم را داشته باشد. در مجموعه مقررات آیین دادرسی، یکی از مصادیق توجه به تعارض منافع را می توان ایراد رد دادرس دانست؛ ایرادی که برای حفظ بی طرفی و استقلال عمل مقام قضایی در هنگام رسیدگی تبیین شده و هر گونه رابطه خانوادگی، کاری، قضایی و اظهار نظر قبلی

او را از دادرسی به پرونده بازمی‌دارد.<sup>۱</sup> در قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ در تبصره «۲» ماده (۱۸) به موضوع جهات رد کارشناس اشاره شده و مصادیق آن نیز به قانون آیین دادرسی مدنی احاله شد اما جای خالی ارتباط صنفی و حرفه‌ای در ماده (۹۱) این قانون خالی است. همین خلأ ممکن است زمینه احتمال ایجاد موقعیت تعارض منافع را تقویت کند؛ چراکه رسیدگی اشخاصی که هم‌صنف با متهم بوده و ارتباط کاری و دوستی دیرینه با وی دارند، در موارد استثنائی شاید آنان را در موقعیت تعارض منافع قرار دهد اما به دلیل عدم تصریح قانون به این موضوع به عنوان رد کارشناس، نتوان به آن اعتراض کرد بلکه حتی در مقام عمل، شناخت اعضای هیئت‌ها و کمیسیون‌های پزشکی نیز دشوار بوده و نمی‌توان بدون شناخت آنان به وجود ارتباط کاری، خانوادگی و سایر موارد با پزشکان متهم پی برد. این وضعیت مشهود تعارض منافع لازم است برای تحقق عدالت، استقلال رأی، بی‌طرفی و تضمین حقوق بزه‌دیدگان در دعاوی کیفری و حقوقی و حتی حقوق پزشک طرف دعوی نیز مدیریت شده و با ارائه راهکارهایی به رفع آن و کم کردن تأثیرات منافع شخصی بر حرفه‌ای همت گمارد؛ امری که در عرصه پژوهشی کمتر مورد توجه قرار گرفته و نوآوری تألیف حاضر از این جهت نیز حائز اهمیت است.

در پژوهش حاضر سعی شده نخست ضمن شناخت اجمالی مفهوم تعارض منافع، گونه‌های آن و تطبیق مصادیق این موقعیت‌ها در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی، به بررسی نقش و جایگاه کارشناسی در جرائم پزشکی و ساختار و تشکیلات مراجع قانونی موجود پرداخته شود و در انتها با نگاهی همه‌جانبه، راهکارهای مدیریت تعارض منافع در حوزه اظهارنظر کارشناسی درباره جرائم پزشکی ارائه شود.

۱. ماده (۹۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹.

## ۱. مفهوم‌شناسی تعارض منافع

تعارض منافع یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مقوله فساد و ناکارآمدی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. برای روشن شدن ماهیت وجودی تعارض منافع، باید شناخت دقیقی از مفهوم و ماهیت آن انجام شود و در ادامه رابطه آن با فساد و گونه‌های تعارض منافع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱. مفهوم اصطلاحی تعارض منافع

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس «مجموعه‌ای از شرایط که موجب می‌گردد تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد را تعارض منافع می‌نامند» (رزاقی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶: ۴). همچنین تامپسون در باب تعارض منافع به مجموعه شرایطی اشاره می‌کند که در آن تصمیم حرفه‌ای در مورد یک هدف اولیه تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار می‌گیرد (Thompson, 1993: 573). به بیان ساده‌تر می‌توان چنین گفت که گاهی فعالیت‌های حرفه‌ای شخص تحت تأثیر منافع شخصی او قرار می‌گیرد (Dietrich and Hengstler, 2016: 2293-2295). در حالت کلی، تعارض منافع هنگامی روی می‌دهد که «منافع شخصی یا اقتصادی فرد با وظایف حرفه‌ای یا سازمانی او مغایرت داشته باشد. این مغایرت توانایی وی برای اتخاذ تصمیمات و ارائه قضاوت‌های قابل اطمینان، بی‌طرف و عینی را به تحلیل می‌برد یا آن را ناقص می‌کند» (رجب‌زاده عصارها و عباسیان، ۱۳۹۵: ۱) نهادهای مختلف بین‌المللی نیز تعاریف مختلف و البته مشابهی را برای تعارض منافع مطرح کرده‌اند که ذکر آنها خالی از لطف نیست؛ راهنمای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی<sup>۱</sup>، تعارض منافع را به‌عنوان تعارضی میان وظایف دولتی و منافع خصوصی مأموران دولتی تعریف می‌کند، به‌طوری‌که این منافع می‌تواند به‌صورت ناصحیحی

---

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

وظایف آنها را تحت تأثیر قرار دهد (OECD, 2003: 22). در کنار تعاریف پیش گفته، قانون تعارض منافع کانادا مصوب ۲۰۰۶/۱۲/۱۲ در بخش اول بیان می‌دارد که برای اهداف این قانون، یک دارنده منصب عمومی در هنگام اعمال یک قدرت رسمی یا یک وظیفه رسمی در موقعیت تعارض منافع قرار دارد که فرصتی را برای پیشبرد منافع خصوصی خود یا نزدیکان یا دوستانش یا به منافع خصوصی شخص دیگری به‌طور نامناسب فراهم می‌کند.<sup>۱</sup> به‌ترتیب، تعارض منافع به موقعیتی واقعی یا ادراک شده، اشاره دارد که فرد منفعت شخصی یا خصوصی داشته که می‌تواند بر انجام بی‌طرفانه وظایف کاری او به‌عنوان مقام دولتی، کارمند یا متخصص اثر گذارد. به‌عبارت‌دیگر، تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که فرد، نسبت به پیشبرد منفعتی تعهد داشته باشد، اما به‌جای آن، یک منفعت متعارض را دنبال کند، یا ملزم به پیشبرد هم‌زمان دو منفعت متعارض باشد. غالباً تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که شخص با پیشبرد منفعتی متعارض (با وظیفه کاری خود) برای سودآوری اقدام کند. با وجود این، پیگیری منافع دوستان، بستگان و دیگر شریکان تجاری نیز به شکل‌گیری تعارض منافع منجر می‌شود (Kernaghan and Langford, 2014: 210-214).

## ۲-۱. تعارض منافع و فساد

بانک جهانی مقوله فساد را چنین تعریف کرده است: «سوءاستفاده از جایگاه عمومی برای به‌دست آوردن منافع شخصی» (<https://www.Worldbank.Org/En/>) (Search?Q=Corruption). تعریف بانک جهانی به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت منشأ تمام مفاسد، موضوع فساد در حاکمیت تعارض منافع است؛ اما این تعریف تا حد زیادی قابلیت توسعه برای سایر مفاسد را دارد و به‌جای واژگان «جایگاه عمومی»

1. Conflict of Interest Act



در تعریف فوق، می‌توان از عبارت «هر نوع منصبی (چه عمومی و چه خصوصی)» استفاده کرد. مقایسه بین این دو تعریف (تعریف فساد و تعریف تعارض منافع) روشن می‌کند که چرا مفهوم تعارض منافع و فساد به شدت به هم پیوسته هستند. تعارض منافع زمانی وجود دارد که کارکنان می‌توانند از موقعیت خود سوءاستفاده کنند و فساد زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان از موقعیت خود سوءاستفاده کرده باشند. بنابراین وجود تعارض منافع همیشه به فساد منجر نمی‌شود، اما وقوع هر فساد در بستر یک موقعیت تعارض منافع رخ می‌دهد. بنابراین با توجه به ارتباط بین تعارض منافع و فساد، پیشگیری از تعارض منافع راهکاری اساسی برای پیشگیری از فساد است و این مسئله به حدی مهم است که بسیاری از اقتصاددانان عامل اصلی عدم ایجاد اصلاحات اقتصادی را وجود تعارض منافع در ایران می‌دانند (حیدری و زهاوی، ۱۳۹۷: ۷۲). در موضوع این پژوهش، وجود تعارض منافع در جایگاه کارشناسی جرائم پزشکی، علاوه بر تأثیر نامطلوبی که بر جریان دادرسی و اجرای عدالت خواهد داشت، در بروز فساد و ناکارآمدی نیز نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند.

### ۳-۱. گونه‌های تعارض منافع

منظور از گونه‌ها در تعارض منافع، تقسیم‌بندی انتزاعی یا نظری موقعیت‌های تعارض منافع است که براساس «وضعیت»، «منشأ بروز» و «سطح» مطرح می‌شود (مرتب و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸-۸۲).

#### ۳-۱-۱. تقسیم‌بندی بر مبنای وضعیت

تعارض منافع را می‌توان به سه وضعیت بالفعل، بالقوه و ظاهری یا ادراک‌شده تقسیم کرد؛ تعارض منافع بالفعل یا واقعی ناظر بر موقعیتی است که در زمان حال یا وضع فعلی، موجودیت یافته است، در حالی که تعارض منافع بالقوه ناظر بر وجود نفع و

بروز موقعیت در آینده است. برای مثال، یک مقام دولتی مالک تعداد زیادی از سهام یک شرکت تولید چوب است. در صورتی که در آینده او به عنوان مسئول تدارکات آن سازمان دولتی انتخاب شود، ممکن است برای خرید الوار و چوب، با شرکت خود قرارداد ببندد. نکته قابل توجه آن است که این اتفاقات در زمان آینده رخ خواهد داد. تعارض منافع ظاهری یا ادراک شده نیز به ادراک عمومی از موقعیت تعارض منافع مربوط می‌شود. در برخی موقعیت‌ها، ممکن است چنین به نظر برسد که فرد یا سازمانی در موقعیت تعارض منافع قرار دارد، در حالی که در واقعیت چنین نیست. به هر روی، رفع شائبه تعارض منافع، برای افزایش اعتماد عمومی، ضروری است. در جایگاه کارشناسی جرائم پزشکی می‌توان هر سه گونه تعارض منافع را شاهد بود (همان). در پرونده‌های رسیدگی شده ممکن است این تعارض به صورت بالفعل نمود یابد، در پرونده‌هایی که در آینده ممکن است در خصوص قصور پزشکی در آن مراجع مطرح شوند نیز به صورت بالقوه این احتمال وجود دارد و نهایتاً ممکن است تصور و ادراک عمومی مردم حکایت از وجود تعارض منافع در چنین مراجعی داشته باشد که تعارض منافع ظاهری یا ادراک شده نامیده می‌شود و ضرورت مدیریت آن می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد.

### ۲-۳-۱. تقسیم‌بندی تعارض بر مبنای منشأ بروز

منظور از منشأ بروز تعارض منافع، عامل ایجادکننده موقعیت تعارض منافع است. به‌طور کلی می‌توان دو منشأ بروز را برای موقعیت‌های تعارض منافع در نظر گرفت: تعارض منافع عامل محور یا ناشی از فرد و تعارض منافع ساختار محور یا ناشی از ساختار. تعارض منافع ناشی از عامل به موقعیت‌هایی اشاره دارد که علت به‌وجود آمدن آن، ویژگی‌ها، تصمیم‌ها و اقدام‌های عامل یا موجودیت‌هاست، برخلاف تعارض منافع ناشی از ساختار که فارغ از مداخله عامل، پیشاپیش واجد تعارض منافع

تعارض منافع در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران؛... \_\_\_\_\_ ۲۰۳

هستند (همان: ۸۹-۹۰). تعارض منافع ناشی از ساختار، نه از موجودیت یا عامل بلکه از ماهیت موقعیت ناشی می‌شود. برای مثال، فرض کنید در یک سازمان دولتی، قانونی وجود دارد که براساس آن میزان پاداش مدیر سازمان، متناسب با عملکرد کارکنان آن سازمان تعیین می‌شود. همچنین در یک قانون دیگر، ارزیابی عملکرد کارکنان سازمان از سوی مدیر سازمان، انجام می‌شود. در چنین موقعیتی، تعجب‌آور نخواهد بود اگر شاخص‌های سنجش عملکرد کارکنان، همواره وضعیت بسیار خوب را نشان دهند. در این مثال فرضی، موقعیت مدیر سازمان، یک موقعیت تعارض منافع ساختاری است. این موقعیت نه از ویژگی‌های فردی، تصمیم‌ها یا اقدام‌های مدیر سازمان، بلکه از ماهیت درونی یا ذات جایگاه مدیر سازمان، ناشی می‌شود. در چنین جایگاهی، هر فردی با هر ویژگی و منافی قرار گیرد، بی‌تردید در موقعیت تعارض منافع قرار خواهد گرفت (رزاقی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶: ۸).

مصادیق تعارض منافع ساختاری در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی را می‌توان موقعیت حرفه‌ای، صنفی یا سابقه دوستی و همکاری دیرینه پزشک متهم با اعضای هیئت‌ها یا کمیسیون‌ها، استانی بودن رسیدگی‌ها (رسیدگی کمیسیون‌ها یا هیئت‌های همان استان ارتکاب جرم به پرونده قصور پزشکی) که شائبه دوستی، همکاری و ارتباط دیرینه اعضا با پزشک را ایجاد می‌کند، عدم قابلیت تجدیدنظرخواهی از آرای هیئت‌ها یا کمیسیون‌ها در سطح فراملی دانست. مصادیق تعارض منافع عامل محور را می‌توان فقدان روحیه تعهد شغلی و حرفه‌ای و عدم التزام به نتیجه رأی صادره در دنیا و آخرت دانست که با وجود استثنائی بودن این موارد در نهادهای کارشناسی جرائم پزشکی، باید همین موارد اندک نیز با مدیریت راهکارها مرتفع و محدود شوند.

### ۳-۱. تقسیم‌بندی بر مبنای سطوح تعارض منافع

تعارض منافع براساس سطح آن به دو دسته فردی و سازمانی تقسیم می‌شود؛ در

تعارض منافع فردی هر شخص اعم از مقام یا مسئول دولتی، مدیر، عضو هیئت مدیره، قاضی، پزشک و استاد در موقعیت تعارض منافع قرار می‌گیرد. برای مثال، پزشکی بیماران را در یک کلینیک یا بیمارستان دولتی معاینه می‌کند و برخی از آنها را برای ادامه درمان به مطب خصوصی خود ارجاع می‌دهد، در صورتی که این ارجاع ضرورتی ندارد. در این حالت، پزشک در موقعیت تعارض منافع قرار دارد؛ چراکه قرارگیری در موقعیت «ارجاع به خود» در غیاب نظارت کارآمد، این امکان را برای پزشک فراهم می‌آورد که با نادیده گرفتن تعهد و اخلاق حرفه‌ای و پایمال کردن نفع بیمار و انتفاع عمومی (بیماران)، از موقعیت فراهم شده برای انتفاع شخصی استفاده کند. همچنین می‌توان به تعارض منافع پزشکی اشاره داشت که در جایگاه اظهارنظر کارشناسانه دچار می‌شود. مصداق تعارض منافع فردی را در کارشناسی جرائم پزشکی می‌توان ارتباط، دوستی، موقعیت حرفه‌ای و کاری عضو هیئت یا کمیسیون با پزشک متهم دانست.

تعارض منافع سازمانی برای هر سازمان - در معنای مدیریتی آن - اعم از شرکت خصوصی، سازمان دولتی، هلدینگ، وزارتخانه و حتی دولت در سطح بین‌المللی اتفاق می‌افتد؛ در سازمان‌های مختلف این مسئله بیشتر در برون‌سپاری خدمات پیمانکاری، تنظیم‌گری‌ها، مشاوره و انجام ارزیابی‌ها به‌وجود می‌آید (مرتب و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۴-۹۱). مصداق تعارض منافع سازمانی را می‌توان در کارشناسی جرائم پزشکی به‌جهت استانی بودن رسیدگی هیئت‌ها یا کمیسیون‌ها، فقدان سازمان یا نهاد تخصصی دولتی برای استخدام، آموزش و سرانجام فعالیت در حوزه اظهارنظر و کارشناسی جرائم پزشکی به‌عینه شاهد بود. از این‌رو برای جلوگیری از این‌گونه تعارضات می‌توان به جذب اشخاصی اقدام کرد که صرفاً در بخش دولتی مشغول به خدمت شده و منحصراً برای اظهارنظر و کارشناسی بدون هرگونه اشتغال به فعالیت خصوصی در حوزه پزشکی به‌کار گمارده می‌شوند.

## ۲. کارشناسی در جرائم پزشکی

از آنجاکه تقصیر پزشکی، امری فنی است و مقام قضایی، خالی‌الذهن از علوم پزشکی و فنون آن است، لذا جلب نظر کارشناس متخصص در این خصوص ضروری است. سازمان پزشکی قانونی به موجب بندهای «۱» و «۲» ماده (۱) قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷ مکلف است به همه استعلام‌های مراجع قضایی پاسخ دهد. از این رو تشکیل کمیسیون تخصصی پزشکی قانونی از جمله ابتکارات راهبردی است که برای بررسی تقصیر جزایی پزشکان و حرفه‌های وابسته به آن تشکیل شده و در تهران و برخی استان‌ها فعال است. بنابراین جلب نظریه کمیسیون تخصصی پزشکی قانونی، به‌عنوان نظریه کارشناسی در خصوص بررسی و تقصیر پزشکان، بلامانع است. البته اخذ نظریه نظام پزشکی، به‌عنوان نظریه کارشناسی نیز هیچ منع قانونی نداشته و می‌توان نظریه این سازمان را نیز اخذ کرد (افراسیاب، ۱۳۹۹: ۸۳).

بند «۱» ماده (۱) قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب سال ۱۳۷۲ مقرر کرده است: «اظهارنظر در امور پزشکی و کارشناسی آن، کالبد شکافی و انجام امور آزمایشگاهی و پاراکلینیکی به دستور مراجع ذی‌صلاح قضایی» بند «۲» همین ماده نیز مقرر می‌دارد: «پاسخ به استعلام‌های اداره‌ها و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های دولتی». چنان‌که در مواد مذکور اشاره شد، مرجع واجد صلاحیت برای پاسخگویی به استعلامات قضایی و اظهارنظر در امور پزشکی، سازمان پزشکی قانونی است که از ظرفیت‌ها و امکانات تخصصی چون آزمایشگاه‌های تشخیصی، سالن تشریح کالبد شکافی، افراد آموزش‌دیده برای کالبد شکافی و آناتومی بدن انسان برخوردار بوده و به همین منظور مرجعی قابل‌اعتنا در کارشناسی پرونده‌های پزشکی به‌شمار می‌رود. در کنار این مرجع کارشناسی که از پشتوانه قانونی برخوردار است،

قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران (مصوب سال ۱۳۸۳) به چشم می‌خورد که در عرض این قانون قرار دارد.

بند «ح» ماده (۳) این قانون در بیان وظایف و اختیارات سازمان نظام پزشکی مقرر می‌دارد: «همکاری با مراجع ذی‌صلاح در جهت رسیدگی به تخلفات غیرصنفاً و جرائم شاغلین به حرف پزشکی و وابسته به پزشکی و اظهارنظرهای کارشناسی مشورتی در این رابطه با مراجع ذی‌ربط». همان‌طور که در متن مقرر مذکور تصریح شده است، سازمان نظام پزشکی نیز علاوه بر وظایف و اختیارات مرتبط با امور صنفی پزشکان، در عرصه کارشناسی و اظهارنظرهای تخصصی صلاحیت قانونی داشته و می‌تواند مورد سؤال از طرف مراجع قضایی ذی‌ربط قرار گیرد. علاوه بر آن خود شأنی مستقل نیز داشته و آن صلاحیت قانونی برای احراز تخلفات صنفی پزشکان و کادر درمان، رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن خواهد بود.

بنابراین با توجه به موضوع در ادامه طریقت یا موضوعیت داشتن کارشناسی در جرائم پزشکی و شرایط اختصاصی مراجع کارشناسی جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

## ۱-۲. موضوعیت یا طریقت داشتن آرای مراجع کارشناسی پزشکی

به‌طور کلی با توجه به تخصصی و فنی بودن عملیات پزشکی، جراحی و سایر امور درمانی در مراکز بیمارستانی دولتی و خصوصی و عدم اشراف مقام قضایی به علوم و فناوری‌های مختلف دانش پزشکی، لاجرم استعمال قضایی از مراجع کارشناسی پزشکی (هیئت‌های انتظامی پزشکی و کمیسیون‌های پزشکی قانونی) امری متداول و رایج در فرایند رسیدگی به پرونده‌ها شده است. از این‌رو ادله در نظام دادرسی کیفری، به دو نوع قانونی و قضایی یا آزاد تقسیم می‌شوند. منظور از ادله قانونی مواردی است که صراحتاً

قانون آنها را دلیل بر امری قرار داده است (اقرار، شهادت شهود، قسم و امارات قانونی) و ادله قضایی یا آزاد، ادله‌ای است که بنابر نظر قاضی دلیل بر اثبات امری شناخته می‌شوند و برای وی علم‌آور تلقی می‌شوند (امارات قضایی) (دیان، ۱۳۸۹: ۷).

با چنین تقسیم‌بندی در نظام دادرسی کیفری، قاعدتاً ارجاع به کارشناسی در زمره امارات قضایی تحت عنوان ادله قضایی قرار می‌گیرند. در خصوص موضوعیت یا طریقت داشتن آرای مراجع کارشناسی پزشکی نیز باید قائل به طریقت داشتن آنان بود؛ چراکه «همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد کارشناسی در مواد ادله اثباتی، به‌شمار نرفته و در تابعیت علم قاضی قرار دارد؛ بنابراین قاضی در ارزیابی آن آزاد است و تکلیفی در قبول نظریه کارشناسی برای خود نمی‌بیند. قاضی براساس اختیارات وسیع خود در بررسی ادله، به ارزیابی نظر کارشناسی می‌پردازد در صورتی که نظر کارشناس را مطابق با واقع و صحیح تشخیص دهد و شرایط اعتبار نظر را فراهم ببیند و نقضی در آن نشناسد، به آن ترتیب اثر می‌دهد و آن را مبنای صدور حکم خود قرار می‌دهد، در غیر این صورت تصمیمی را اتخاذ می‌کند که مناسب تشخیص دهد» (صوفی جان، ۱۳۹۵: ۹۱). درحقیقت نظرهای کارشناسی برای رسیدن قاضی به علم و اقناع وجدانی وی نقش ابزاری داشته و خود از شأنیستی مستقل و قابل‌اعتنا برخوردار نیستند. البته تجربه نشان داده است که برخی قضات با توجه به نظرهای کارشناسی یا بر مبنای ادله‌ای که قانع‌کننده باشد، رأی صادر می‌کنند.

دادگستری استان تهران در پژوهشی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ میزان تأثیر اظهارنظرهای کارشناسی پزشکی قانونی را در پرونده‌های کیفری بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد از مجموع ۶۵۰ پرونده بررسی شده، ۶۲ مورد (۹/۸ درصد) نظریه کارشناسی اصلاً پذیرفته نشده بود؛ در ۳۸۶ مورد (۶۰/۹ درصد) نظریه پزشکی قانونی کاملاً مورد پذیرش قاضی پرونده قرار گرفته بود؛ در ۵۸ مورد (۹/۱ درصد) نظریه پزشکی قانونی

به‌طور نسبی پذیرفته شده بود؛ در ۱۰۲ مورد (۱۶/۱ درصد) از پزشکی قانونی استعلام نشده بود؛ در ۳۶ مورد (۵/۷ درصد) قاضی شخصاً میزان ارزش را تعیین کرده بود و در ۴۷ مورد (۷/۴ درصد) به‌نظر می‌رسید قاضی در محاسبه مبلغ دیه اشتباه کرده یا بعضاً ضایعات را از حکم انداخته بود (هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۲). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بیشتر موارد (۶۰/۹ درصد) قاضی پرونده نظریه کارشناسی را به‌طور مطلق مورد پذیرش قرار داده است. این یافته‌ها حکایت از این دارد که در بیشتر موارد مقام قضایی به نظرهای کارشناسانه پزشکان در کمیسیون‌ها و هیئت‌های پزشکی اعتماد کرده و بر همان مبنا رأی صادر می‌کند. بنابراین تمرکز بر ماهیت شکل‌گیری چنین مراجعی و شناخت تعارض منافع در آن و ارائه راهکارهای مدیریت این پدیده ناپسند و آسیب‌زا، بسیار مهم و قابل تأمل است.

## ۲-۲. شرایط اختصاصی کمیسیون‌های کارشناسی جرائم پزشکی

در خصوص تشکیل هیئت‌های انتظامی رسیدگی به جرائم پزشکی در سازمان نظام پزشکی توضیحاتی ارائه می‌شود؛ سازمان نظام پزشکی حسب مورد در هر یک از شهرستان‌ها، مراکز استان‌ها و در کل کشور واجد هیئت‌مدیره بوده که وظایف قانونی سازمان را در حوزه تحت عملکرد خود به انجام می‌رسانند. اما در خصوص رسیدگی به پرونده‌های قصور پزشکی، هیئت‌های انتظامی پزشکی در این سازمان تشکیل شده و به جرائم و تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان پزشکی و درمانی رسیدگی می‌کنند. ماده (۲۸) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳ مقرر کرده است: «سازمان نظام پزشکی به‌منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته در مرکز دارای هیئت‌های عالی انتظامی پزشکی و در مراکز استان‌ها دارای هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و در شهرستان‌ها دارای هیئت‌های بدوی انتظامی پزشکی خواهد بود که مطابق مواد بعدی این قانون تشکیل می‌گردند».



همچنین ماده (۳۵) همین قانون (سازمان نظام پزشکی)، اعضای هیئت‌های بدوی انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای پزشکان را مشخص کرده است. تعداد این اعضا ۱۳ نفر بوده که به شرح ذیل است: «الف) یک نفر قاضی به معرفی ریاست قوه قضائیه، ب) مسئول پزشکی قانونی شهرستان مربوطه یا نماینده وی، ج) پنج نفر از پزشکان شهرستان مربوطه، د) یک نفر از دندان‌پزشکان شهرستان مربوطه، ه) یک نفر از دکترهای داروساز شهرستان مربوطه، و) یک نفر از متخصصان علوم آزمایشگاهی و یا دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی شهرستان مربوطه، ز) یک نفر از کارشناسان پروانه‌دار گروه پزشکی یا بالاتر شهرستان مربوطه، ح) یک نفر پرستار به پیشنهاد سازمان نظام پرستاری، ط) یک نفر از لیسانس‌های گروه مامایی و بالاتر شهرستان مربوطه». این ترکیب ۱۳ نفره حسب مورد در هیئت تجدیدنظر انتظامی در مراکز استان‌ها و هیئت عالی انتظامی پزشکی در تهران نیز مستقر بوده و به رسیدگی به اعتراضات از آرای هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر می‌پردازند.

شرایط عضویت پزشکان مذکور در هیئت‌های انتظامی تنها تبصره «۱» ماده (۳۵) با ذکر عبارت «افراد متدین به دین اسلام و خوش سابقه که تجربه حداقل پنج سال در حرفه مربوطه داشته باشند.» در متن این مقرر قانونی به چشم می‌خورد و شرایط اخلاقی، اعتقادی و گزینشی دیگری ذکر نشده است. شرایطی که در جایگاه رسیدگی، کارشناسی و اعلام‌نظر تخصصی منطقاً و عقلاً لازم بوده و فقدان آن ممکن است باعث جانب‌داری، اعلام‌نظر شخصی، دوری از عدالت و انصاف و عدم رعایت قوانین و مقررات باشد.

در خصوص ترکیب اعضا و شرایط کمیسیون‌های پزشکی قانونی در رسیدگی به جرائم قصور پزشکی نیز آیین‌نامه اجرایی کمیسیون‌های تخصصی پزشکی و رشته‌های وابسته در سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب ۱۳۸۵/۷/۲۲ رئیس

سازمان پزشکی قانونی کشور ملاک عمل است. ماده «۲» این آیین‌نامه مقرر کرده است: «کمیسیون‌ها در اداره کل امور کمیسیون‌های پزشکی سازمان تحت عنوان کمیسیون‌های مرکزی و متناظر آن در ادارات کل پزشکی قانونی استان‌ها و نیز مراکز پزشکی قانونی شهرستان‌های درجه یک در صورت امکان با پیشنهاد مدیرکل استان مربوطه و با موافقت معاون امور پزشکی و بالینی و تأیید رئیس سازمان ایجاد می‌گردد». ماده (۴) این آیین‌نامه نیز اعضای کمیسیون‌ها را متخصصان و کارشناسان خوش سابقه، باتجربه، دارای تسلط علمی، حسن خلق و شهرت متناظر با زمینه تخصصی کمیسیون و ترجیحاً از میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دارندگان برد تخصصی رشته مربوطه دانسته است. ماده (۷) نیز حداقل تعداد افراد حاضر در جلسات کمیسیون را سه نفر دانسته که یک نفر از آنان باید از متخصصان پزشکی قانونی بوده و به‌عنوان کارشناس و دبیر کمیسیون صورت‌جلسات تنظیم شده را امضا کند. حداکثر تعداد اعضای کمیسیون‌ها نیز ۱۱ نفر بوده که حسب مورد پس از هر اعتراض به رأی کمیسیون و تشخیص قاضی پرونده حسب مورد کمیسیون‌های پنج‌نفره، هفت‌نفره، نه‌نفره و نهایتاً یازده‌نفره به پرونده مذکور رسیدگی می‌کنند.

همان‌گونه که در خصوص شرایط عضویت در کمیسیون‌ها گفته شد، تنها یک نفر متخصص پزشکی قانونی که از اعضای سازمان پزشکی قانونی است، عضو ثابت این کمیسیون‌ها بوده و روند احراز صلاحیت و استخدام وی مطابق مقررات قانونی در سازمان پزشکی قانونی صورت گرفته و عملاً عضوی از مجموعه قوه قضائیه به‌شمار می‌رود. بقیه اعضای کمیسیون انتخابی بوده و حسب مورد از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی یا واجدان برد تخصصی به‌شمار می‌روند. این‌گونه اشخاص نیز از فرایند احراز صلاحیت شفاف و قابل‌اعتنایی برخوردار نبوده که همین امر می‌تواند رعایت بی‌طرفی، استقلال عمل، رعایت مر قانون و عدم جانب‌داری آنان را تا حدودی محل شبهه و تردید قرار دهد.

### ۳. راهکارهای مدیریت تعارض منافع در کارشناسی جرائم پزشکی

در این نوشتار به منظور مدیریت و کاهش تعارض منافع در کارشناسی جرائم پزشکی، راهکارهایی برای اصلاح وضع موجود در مقوله کارشناسی جرائم حوزه پزشکی و درمانی ارائه می‌شود. با عنایت به اینکه برخی راهکارها پیشینی و با ماهیت پیشگیرانه و نرم محسوب می‌شوند و برخی دیگر پسینی، سرکوب‌کننده و سخت به‌شمار می‌روند، باید این راهکارها نیز به همین ترتیب طبقه‌بندی شوند. گفتنی است این راهکارها هر یک مستقل از دیگری بوده و در عرض هم قرار دارند. بنابراین هر کدام بنا به شرایط و موقعیت، امکان به‌کارگیری و عملیاتی شدن دارند.

#### ۳-۱. راهکارهای مدیریت تعارض منافع پیشگیرانه و نرم

این راهکارها با نگرشی پیشینی و برای پیشگیری از وقوع تعارض منافع مطرح شده و مورد توجه قرار می‌گیرند. درحقیقت پیش از وقوع تعارض منافع این راهکارها قابلیت اعمال دارند.

##### ۳-۱-۱. تأسیس نهاد مستقل کارشناسان رسمی در امور پزشکی و دارویی با

##### پیش‌بینی دادسرا و دادگاه انتظامی مستقل

امروزه به جهت توسعه دانش و فناوری و شکل‌گیری رشته‌ها و گرایش‌های نوظهور در عالم هستی، تخصصی شدن امور ضرورت یافته است. همان‌طور که دیگر علم پزشکی به تخصص‌های محدود مانند سابق خلاصه نشده و دانشکده‌های پزشکی بیش‌ازپیش در تأسیس گرایش‌های تخصصی در استان‌های مختلف اقدام کرده‌اند. به تبع گسترش و دایره وسیع اقدام‌های پزشکان متخصص و همچنین پیچیدگی‌ها و نقاط مبهم اعمال جراحی و تصمیمات پزشکان در حوزه‌های تخصصی، نمی‌تواند به شیوه سنتی و در چارچوب فرایند کارشناسی رسمی عمومی، مورد بررسی و

رسیدگی دقیق و علمی قرار گیرد. همچنین رسیدگی‌های موجود در سازمان‌های نظام پزشکی و پزشکی قانونی نیز به جهت اینکه انتخاب اعضای این هیئت‌ها از نظام منسجم و مدون خاصی پیروی نمی‌کند و بعضاً ممکن است اصول و معیارهای انتخاب اصلح و ضمانت اجرای اعمال تعارض منافع در خصوص آنان به درستی رعایت نشود. از این رو امروزه به تأسیس نهاد مستقل کارشناسان رسمی در امور پزشکی و دارویی با همکاری سه‌جانبه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان پزشکی قانونی و سازمان نظام پزشکی کشور نیاز است. این نهاد مستقل مزایایی دارد که فقدان آن احساس می‌شود: اولاً فرایند آزمون محور، گزینش و جذب تخصصی موجب انتخاب اشخاصی می‌شود که نسبت به سایر داوطلبان سرآمد و برگزیده محسوب شده و کارایی مطلوبی خواهند داشت. ثانیاً آموزش‌های تخصصی و تربیت علمی و تجربی و همچنین اخلاقی این کارشناسان می‌تواند آینده‌ای درخشان را ترسیم کند تا تعارض منافع در موقعیت‌های بالقوه نیز اساساً به جهت موانع درونی اخلاقی منتفی شود. ثالثاً پیش‌بینی دادسرا و دادگاه انتظامی مستقل در کنار این تأسیس، می‌تواند تخلفات، اعمال نظر و تعارض منافع پزشکان کارشناس در این حوزه را مورد تعقیب قرار داده و با نگاه تخصصی به اعمال مجازات‌های انتظامی مؤثر و بازدارنده بینجامد.

در کنار پیش‌بینی تأسیس چنین نهادی در راستای کارشناسی جرائم پزشکی، لزوم تخصصی شدن فرایند احصای ادله و دفاع متناسب و کارآمد از طرفین دعوا نیز لازم و ضروری است؛ بدین گونه که باید با بازتعریف وظایف سازمان نظام پزشکی در حوزه حمایت صنفی از پزشکان و کادر درمان، وظیفه حمایت و جمع‌آوری و احصای ادله و دفاع لازم از حقوق بیماران را به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در حوزه حمایت از بهداشت و سلامت عمومی بیماران است، واگذار کرد. فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مبتنی بر رویکردهای سیاست جنایی مشارکتی، پیشگیری

از بزه‌دیدگی مکرر و حمایت از بزه‌دیدگان و همچنین مسئولیت اجتماعی آنان قابل توجه است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۵-۱۴۴). در تشریح این تفکیک وظایف باید گفت سازمان نظام پزشکی در راستای حمایت از پزشک طرف دعوا، ادله و مستندات خویش را به مرجع کارشناسی رسمی در امور پزشکی و دارویی تسلیم می‌کند و سازمان مردم‌نهاد پیش‌گفته نیز متقابلاً لوائح و ادله اثباتی و دفاعیه متناسبی را برای حمایت از بیمار (مستنداً به ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲) تقدیم آن مرجع می‌کند تا مرجع مزبور بی‌طرفانه ادله را بررسی و تصمیم شایسته‌ای در کارشناسی مورد نظر اتخاذ کند و شائبه تعارض منافع به حداقل ممکن برسد.

### ۲-۱-۳. بازنگری در جهات رد کارشناس در قانون کارشناسان رسمی دادگستری

تعبیه جهات رد دادرسی در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری به‌منظور حفظ استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی بوده است. درحقیقت بی‌طرفی دادرسی در رسیدگی به دعاوی از این ناشی می‌شود که نباید نسبت به قضیه مورد رسیدگی دچار پیش‌داوری باشد و به خود اجازه ندهد که تحت تأثیر عوامل خارج از پرونده مانند احساسات عمومی، تبلیغات رسانه‌ای و گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی، تعلقات خانوادگی، قومی، نژادی، عقیدتی و ... قرار گیرد. بلکه نظر و رأی خود را بر استدلال‌های عینی مبتنی بر آنچه طی دادرسی ارائه شده استوار سازد (حبیبی و قاسمی صاحبی، ۱۳۹۸: ۱۷). در قلمروی کارشناسی نیز لزوم حفظ بی‌طرفی در انجام وظایف محوله امری محتوم و ضروری است. به همین منظور در تبصره «۲» ماده (۱۸) قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ جهات رد کارشناس پیش‌بینی شده است که اقدامی قابل قبول محسوب می‌شود. اما در مقام کارشناسی و به‌خصوص کارشناسی‌های پزشکی، ارتباط کاری در یک مجموعه (اعم از مطب یا بیمارستان)،

سابقه دیرینه آشنایی و رابطه دوستانه در قالب همکاری‌های پژوهشی و درمانی میان کارشناس و فرد متخلف یا مجرم و حتی رابطه استاد و شاگردی در این خصوص ممکن است به تعارض منافع انجامیده و رسیدگی بی‌طرفانه را با اشکال مواجه سازد. اما به‌رغم قابل توجه بودن این مهم، موارد رد کارشناس به‌موجب مقررہ پیش‌گفته همان موارد رد دادرسی است که در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری آمده است. لذا بازنگری در جهات رد کارشناس و افزودن جهات پیش‌گفته به موارد رد لازم به‌نظر می‌آید؛ چراکه پیش‌بینی این جهات می‌تواند کارشناسی را که در مظان اتهام به‌هنگام اعلام نظریه‌ای مهم و سرنوشت‌ساز قرار می‌گیرد، مبرا کرده و بی‌طرفی و استقلال نظر را تأمین کند.

### ۳-۱-۳. تعبیه سیستم جذب و گزینش اصلح برای احراز صلاحیت کارشناسان

#### جرائم پزشکی

در صورتی که امکانات و ظرفیت بودجه کشور، تکافوی اجرایی کردن تربیت و استخدام متمرکز کارشناسی جرائم پزشکی را در استخدام‌های سالیانه نداشته باشد، باید برای رفع تعارض منافع، با تعبیه و جانمایی سیستم گزینشی قوی، به احراز صلاحیت پزشکان داوطلب کارشناسی پزشکی اقدام کرد. چنان‌که در آغاز پژوهش اشاره شد، در قوانین و مقررات ناظر بر کمیسیون‌های پزشکی قانونی و هیئت‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی، ملاک و شرایط مشخصی برای انتخاب اعضای کارشناس وجود نداشته و این اختیار عمل اداره کمیسیون‌های پزشکی قانونی یا هیئت‌مدیره نظام پزشکی است که به انتخاب کارشناسان مربوطه اقدام کنند. درحقیقت گزینش حکایت از تشخیص نهایی و مقایسه شرایط متقاضیان شغلی با شرایط احراز مشاغل به‌منظور انتخاب اصلح از بین نامزدهای مورد نظر برای تصدی یک شغل دارد (ابطحی، ۱۳۷۴: ۶). یک گزینش کارآمد و قوی در یک سازمان یا مجموعه می‌تواند تضمین‌کننده صحت عملکرد و رفع کاستی‌ها و آسیب‌های احتمالی

موجود باشد.

در حوزه مورد بحث، لازم است با تعریف و احصا کردن شرایط لازم از حیث علمی، فنی، دینی و اعتقادی، اخلاقی و انسانی و درج آن در قوانین مربوطه، سازمان پزشکی قانونی و نظام پزشکی را به تبعیت این معیارها و ملاک‌های انتخابی مکلف کرد تا با بررسی و احراز صلاحیت افراد شایسته و اصلح، اعضای کارشناسی معین شوند. از حیث علمی، مؤلفه سرآمدی در علم پزشکی و سابقه تدریس به‌عنوان عضو هیئت علمی و استاد نمونه؛ از حیث فنی، مؤلفه تجربه و تبحر در معاینه و جراحی بیماران و سابقه اعمال جراحی و فعالیت وسیع در حوزه مورد بحث؛ از حیث دینی و اعتقادی، مؤلفه اعتقاد و التزام به آموزه‌های دین، راسخ بودن در ایمان و اعمال صالح، مقید به دستورات دینی و شرعی، اعتقاد به حق‌الناس و حرمت جان و مال مؤمن؛ از حیث اخلاقی، مؤلفه ادب، متانت، احترام به حقوق بیماران، صبور و خویشتن‌دار، اهل مشورت و دوری از تعصب و جانب‌داری؛ و از حیث انسانی، مؤلفه اعتقاد به کرامت و حیثیت بیمار و خانواده وی، برابری انسان‌ها و فقدان برتری انسان‌ها به‌واسطه علم، ثروت، قدرت و سایر وجوه تمایز می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. گزینش افراد صالح و واجد برتری‌های اخلاقی، اعتقادی و انسانی، می‌تواند خود عاملی مهم در خودمراقبتی شخصی در مقام داوری و کارشناسی باشد تا شخص تصمیم‌گیر هنگام اظهار نظر در جرائم پزشکی با اعتقاد و بینش و بصیرت کافی، از دخیل کردن منافع صنفی پزشکی خویش با منافع جایگاه کارشناسی امتناع ورزد.

بنابراین با توجه به اینکه کارشناسی جرائم پزشکی بازوی توانمندی در کنار مراجع قضایی و مقامات دادسرا و دادگاه در کشف حقیقت به‌شمار می‌روند، احراز صلاحیت آنان اهمیتی کمتر از احراز صلاحیت قضات نخواهد داشت. به همین منظور می‌توان فرایند نظام جذب و گزینش این گروه را شامل موارد ذیل دانست: درخواست نامه شغلی،

مصاحبه اولیه، استعلام، آزمون باورهای دینی و اعتقادی، آزمون سنجش امانت‌داری، آزمون مهارت، دانش شغلی و توانایی، آزمون شخصیت، آزمون صداقت، بررسی پیشینه، مصاحبه تکمیلی، آزمایش‌های پزشکی و نهایتاً تصمیم‌گیری کارگروه‌های جذب و گزینش (فرهی بوزنجانی، سلطانی و سمواتی، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۱۱). هرچند شاید تصور بر این باشد که این فرایند طولانی و عمیق برای یک کارشناسی پاره‌وقت که پست ثابت سازمانی نخواهد بود، کمی نامعقول می‌نماید اما برای تحقق عدالت و سهولت در کشف حقیقت و از همه مهم‌تر افزایش سرمایه اجتماعی و رضایت بزه‌دیدگان از مراجعه به دستگاه قضایی، لازم است این فرایندها تعبیه شده و عملیاتی شوند تا از بروز تعارض منافع در هنگام اظهارنظر کارشناسی اجتناب شود.

#### ۴-۱-۳. استفاده از نظرهای پزشکان متخصص بازنشسته و غیرشاغل در حوزه

##### کارشناسی جرائم پزشکی

در راستای مدیریت تعارض منافع با نگاه پیشگیرانه و نرم، یکی از راهکارهای معقول و منطقی در کنار سایر روش‌های پیشنهادی، بهره‌گیری از نظرها و دیدگاه‌های مطلوب و مؤثر پزشکان متخصصی است که به بازنشستگی نائل آمده‌اند و دیگر ارتباط شغلی و حرفه‌ای خاصی در دانشگاه، بیمارستان، کلینیک یا مطب ندارند. این اشخاص فارغ از تجارب و دانش تخصصی ارزشمند خویش، از هرگونه موقعیت تعارض منافع بالفعل و حتی بالقوه به‌دور بوده و می‌توانند بهتر از افراد شاغل در این حوزه، کارآمدی و بهره‌وری داشته باشند.

#### ۵-۱-۳. تهیه و تدوین کدهای اخلاقی متناسب با وظایف کارشناسان در حوزه

##### تخلفات و جرائم پزشکی

کدهای اخلاقی از طریق ایجاد یک قرارداد اجتماعی ضمنی با عموم مردم که



مضمون آن تعادل بخشیدن به مزیت تخصصی و حرفه‌ای با مسئولیت و تعهد در برابر رفاه و آسایش استفاده‌کننده از خدمت است، به تخصصی‌سازی یک شغل یا حرفه می‌پردازد (ثقه‌الاسلام، عباسی و اسمایی، ۱۳۹۰: ۷۳). درحقیقت تعریف یک کد اخلاقی مانند یک قاعده تنظیم‌کننده روابط بین شاغلان حرفه‌ای و مردم به‌عنوان مراجعان و متقاضیان خدمت است. «تدوین‌کنندگان کدهای اخلاقی سازمان‌های تخصصی نسبت به افراد جامعه تعهد و مسئولیت سنگینی دارند؛ زیرا کدهای اخلاقی در واقع به‌عنوان اسناد گویای روابط عمومی بیان می‌کنند که اعضای سازمان‌ها چه اصولی را در روابط حرفه‌ای خود با مردم باید به کار گیرند؟ همچنین تلاش می‌کنند تا استفاده مناسب و سوءاستفاده از مهارت‌ها و تخصص‌ها را مشخص سازند. به‌علاوه این کدها، قوانین و راهنماهای کلی برای تصمیم‌گیری هستند و به آموزش نسل بعدی متخصصان کمک می‌کنند» (همان: ۷۴-۷۳).

در حوزه تخصصی اظهارنظر کارشناسی در خصوص جرائم و تخلفات پزشکی، تهیه و تنظیم این کدهای اخلاقی می‌تواند بسیار مؤثر و کارآمد باشد. عموماً کارشناسان پزشکی در مواردی که تعارض منافع را در رأی و نظر خویش دخیل می‌کنند، به مسائل اخلاقی و مذموم بودن این مسئله چندان دقت و توجه لازم را نداشته و حتی در مواردی ندانسته اقدام می‌کنند. تهیه و تنظیم کدهای اخلاقی در این حوزه، تفهیم و آموزش صحیح آن به کارشناسان این حوزه و تعیین کمیته اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌های متبوع کارشناسی جرائم پزشکی برای رصد و اعمال ضمانت اجرای مناسب برای کاربست کدهای اخلاقی می‌تواند در زمینه مدیریت تعارض منافع از بعد اخلاق و موانع درونی اخلاقی مؤثر افتد.

### ۶-۱-۳. قاعده‌سازی علنی شدن نظرهای کارشناسان در جرائم پزشکی و قابلیت نظارت و قضاوت رأی کارشناس از منظر شهروندان

در حوزه انتشار آرای قضات در سامانه‌های آرای قضایی، «اعتقاد کلی بر این است که ایجاد امکان نظارت عمومی بهترین راه مطمئن در مقابله با سوءاستفاده از اختیارات قضات است. از آنجا که افراد کمی ممکن است در جامعه وقت یا تمایل داشته باشند که شخصاً در دادگاه حاضر شوند، «اصل عدالت علنی» ایجاب می‌کند که به مطبوعات یا نشریات تخصصی حقوقی اجازه داده شود به جای مردم حاضر شده و از آنچه در دادگاه‌ها می‌گذرد، گزارش گیرند. براساس این اصل است که دادگاه‌ها به تشخیص قاضی، به آنها حق دسترسی به سوابق و مدارک موجود را در دادگاه می‌دهند» (جاوید و شاه مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷). با وحدت ملاک از ضرورت نظارت‌های مردمی بر آرای قضایی، این ضرورت در آرای کارشناسی به‌خصوص در مانحن‌فیه آشکارا به چشم می‌خورد. درحقیقت نظارت مردمی بر آرای کارشناسی که در حوزه تخلف و قصور پزشکی اعلام‌نظر می‌کند، موجب می‌شود تا وی حتی اگر خواستار اعمال‌نظر در مقام تعارض منافع هم باشد، ابزار نظارت مردمی جلوی این امر را گرفته و نوعی پیشگیری و بازدارندگی را به‌دنبال آورد. بنابراین با تعبیه سامانه‌های لازم برای علنی کردن نظرهای کارشناسان جرائم پزشکی و دسترسی‌پذیری عموم شهروندان، می‌توان به مدیریت پیشگیرانه از تعارض منافع (به‌جهت ترس کارشناس از پیگیری و گزارش‌دهی آن به مراجع نظارتی و قضایی) امیدوار بود.

### ۷-۱-۳. آموزش موقعیت‌های تعارض منافع به کارشناسان جرائم پزشکی در پیشگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌های تعارض منافع

همواره آموزش، اطلاع‌رسانی و تولید محتوای متناسب می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم و انحراف مؤثر و مفید باشد. در حوزه کارشناسی جرائم پزشکی، گاهی

اوقات جهل و ناآگاهی از موقعیت تعارض منافع و ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع حرفه‌ای، می‌تواند به بی‌عدالتی در نظریه صادره و تضعیف حقوق حقه بیمار منجر شود. بنابراین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان نظام پزشکی و حتی پزشکی قانونی با تهیه و تنظیم محتوایی متناسب به صورت یک درس‌واره و برگزاری دوره‌های آموزشی برای تبیین قوانین و مقررات تعارض منافع در این حوزه، کارشناسان مزبور را مطلع و آموزش داده و عواقب اعمال نظر در موقعیت تعارض منافع را به آنان گوشزد کنند تا پیشگیری مطلوب حاصل شود.

### ۸-۱-۳. مکتوم ماندن هویت پزشک متخلف یا مقصر در جریان کارشناسی

یکی از مواردی که می‌تواند به تعارض منافع در جریان کارشناسی دامن زده و بر روند تصمیم‌گیری و صدور نظریه کارشناسی اثر گذارد، شناخت هویت پزشک متخلف یا مقصر است که در پرونده مندرج شده است. به گونه‌ای که ضمن کارشناسی و رسیدگی به قصور پزشک مزبور، هویت وی برای همه اعضای هیئت‌ها یا کمیسیون‌ها آشکار بوده و ممکن است این هویت نهان به دلیل آشنایی یا سابقه همکاری و تعامل پیشینی بر تصمیم‌گیری از اعضا نسبت به وی تأثیر داشته باشد. از این رو بهترین راهکار، مکتوم ماندن هویت پزشک در همه مراحل کارشناسی است. البته برای رفع نواقص این دیدگاه، راهکار مطلوب بهره‌گیری از ظرفیت دادرسی انتظامی پزشکی در نظام پزشکی یا دادرسی عمومی و انقلاب در خصوص پرونده‌های مطروحه در پزشکی قانونی است. اساساً فلسفه وجودی نهاد دادرسی کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی‌های اولیه در پرونده کیفری است. چنان‌که به عقیده برخی یکی از مهم‌ترین مراحل قضایی، مرحله تحقیقات مقدماتی است که سنگ بنای پرونده کیفری در این مرحله تدارک دیده می‌شود (کوشکی، ۱۳۸۶: ۸۳) اگر همه اطلاعات لازم و موضوع‌های مورد نیاز برای کارشناسی از سوی دادرسی جمع‌آوری و به نهادهای

کارشناسی ارسال شود، دیگر به حضور شخص پزشک و آشکار بودن هویت وی نیاز نیست و هر زمان که سؤال یا ابهامی متصور بود می‌توان از طریق دادسرای انتظامی یا عمومی این ابهام‌ها رفع شده و در اختیار نهاد کارشناسی قرار گیرد. درحقیقت دادسرا حد واسط پزشک متخلف یا مقصر و نهاد کارشناسی است و این‌گونه تعارض منافع مدیریت شده و به حداقل ممکن می‌رسد.

### ۹-۱-۳. ایجاد نظام یکپارچه حمایت و حفاظت از افشاگران تعارض منافع و

#### تشویق گزارش‌دهی موارد تعارض منافع در کارشناسی جرائم پزشکی

افشاگری، بخشی از نظام کنترل داخلی یک سازمان و از عوامل موفقیت مدیریت شرکتی است. پژوهش‌ها حاکی از این است که افشاگری یکی از راه‌های مؤثر کشف تخلف و تقلب در سازمان‌هاست. به همین دلیل، بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به تدوین و تصویب قوانین و مقررات مروج افشاگری و حمایت از افشاگران مبادرت کرده‌اند (محسنی، ۱۴۰۰: ۲۶۲). درحقیقت افشاگری و گزارش موارد فساد در سازمان‌ها و نهادهای مختلف، می‌تواند ضمن تسهیل در رسیدگی به تخلفات و جرائم، پیشگیری از وقوع جرم یا تخلف را نیز از طریق بازدارندگی جمعی و ترس از برملا شدن و تعقیب به‌دنبال آورد. در حوزه تعارض منافع در کارشناسی‌های مرتبط با تخلفات و جرائم پزشکی نیز می‌توان برای حفظ حقوق بیماران و حتی پزشکان طرف دعوی و لزوم رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه که مرتبط با سلامت و بهداشت عمومی شهروندان جامعه است، نسبت به ایجاد نظام یکپارچه حمایت از افشاگران تعارض منافع و تشویق گزارشگران این حوزه اقدام کرد.

بهترین رویه برای حمایت از افشاگران، مصونیت آنان در برابر هرگونه مسئولیت مدنی، کیفری یا مراحل اداری به‌دلیل پرده برداشتن از تخلف در راستای منافع عمومی است. به‌نظر افشاگری، نقض محرمانگی است که در نتیجه شخص ارائه‌کننده

اطلاعات، خیانت کار محسوب شود؛ از این رو فقط تصویب قوانین متضمن مصونیت‌های قانونی می‌تواند وظیفه رازداری و حفظ محرمانگی یا دیگر محدودیت‌های مرتبط با افشای اطلاعات را از میان برداشته و به ارائه حمایت از شخص افشاگر بینجامد (همان: ۲۷۰). البته باید سامانه‌ای که برای این افشاگری تعبیه می‌شود، نسبت به مکتوم گذاشتن هویت گزارشگر اهتمام داشته و جز در موارد ضرورت هویت، نشانی و سایر مشخصات وی آشکار نشود. علاوه بر حمایت‌های قانونی از افشاگران تعارض منافع که به هر جهت از این موارد اطلاع یافته‌اند، می‌توان نسبت به تشویق و ارائه مزیت‌های مادی و معنوی نیز برای ترغیب بیشتر شهروندان اقدام کرد تا گزارش‌دهی موارد تعارض منافع در جامعه بیش‌ازپیش تقویت شود.

### ۱۰-۱-۳. ارجاع کارشناسی جرائم پزشکی یک استان به استان‌های مجاور

در وضع موجود، یکی از آسیب‌هایی که به تعارض منافع در کارشناسی جرائم پزشکی دامن می‌زند، ارتباطات کاری و دوستانه پزشکان داخل یک استان است که در بیشتر موارد در دانشگاه علوم پزشکی آن استان یا بیمارستان‌های تابعه به امر طبابت پرداخته و داوری و اظهارنظر آنان درباره همکاران خود بعضاً در مظان تشکیک خواهد بود. بی‌طرفی و نداشتن ارتباط با طرفین دعوا، همواره یکی از مهم‌ترین عناصر تحقق عدالت در امر قضاوت به‌شمار می‌رود. در واقع مبنای اصلی بی‌طرفی قضایی را باید در برابری افراد نسبت به یکدیگر و در رابطه با مقامات عمومی در برابر قانون و دادگاه دانست (ناجی زواره، ۱۳۸۹: ۳۳). علاوه بر آن مردم جامعه نیز با حساسیت و نظارت ویژه‌ای به دنبال معیارسنجی این بی‌طرفی در قضاوت‌ها و داوری‌ها هستند و عدالت را مرهون این بی‌طرفی و استقلال رأی می‌دانند (وکیلان و درخشان، ۱۳۹۹: ۲۷۷).

به همین منظور برای برون‌رفت از وضعیت تعارض منافع و کم کردن اثر ارتباطات کارشناسان با پزشکان همکار خود، ارجاع پرونده‌های جرائم پزشکی برای اظهارنظر

در بدو امر به استان‌های همجوار یا سایر استان‌هاست. البته این روش در رویه حاضر در مراحل بعدی اعتراض به رأی کمیسیون‌ها در انتهای کار صورت می‌گیرد و پس از اظهار نظر کارشناسان داخل استان، در صورت اعتراض قابل قبول شاکی، پرونده به استان همجوار ارجاع خواهد شد؛ اما بهتر است قبل از این سیر طولانی، در ابتدای کار این امر انجام و نظریه تخصصی از استان‌های دیگر اخذ شود تا بیم ارتباط کاری و دوستانه اعضای کمیسیون‌ها و هیئت‌ها با پزشکان و کادر درمان استان محل وقوع جرم، به حداقل ممکن برسد. شاید گفته شود این روش به جهت دوری از محل اقامت طرفین دعوا مقرون به صرفه نیست؛ اما باید گفت امروزه با گسترش دادرسی الکترونیکی و توسعه ابزارهای رسانه‌ای، به راحتی می‌توان از یک استان در جلسه کمیسیونی در استان دیگر شرکت کرد و حتی مدارک، ادله و آثار وقوع جرم را ارائه داد. پس به نظر می‌رسد، باید قوانین و مقررات با اولویت کارشناسی استان‌های همجوار یا دیگر استان‌ها بازنگری شده و در راستای کم کردن تعارض منافع گام بردارند.

### ۱-۱-۳. امکان تجدیدنظرخواهی از نظرهای کارشناسی جرائم پزشکی در مراجع بی طرف در سطح فراملی مبتنی بر قراردادهای دو یا چندجانبه همکاری‌های قضایی

یکی دیگر از راهکارهای کاهش تعارض منافع در راستای از بین بردن ارتباطات بین پزشکان داخل کشور در سطح کلان، قابلیت تجدیدنظرخواهی از نظرهای صادره در مراجع بی طرف فراملی است. در واقع امروزه توسعه دانش پزشکی و ارتباطات گسترده پزشکان در جای جای کشور، موجب تسهیل مرادوات آنان با یکدیگر شده و شاید دیگر این روابط دوستانه و همکاری به یک شهر یا استان خلاصه نشود، بلکه در سطح کشوری این موضوع نمایان باشد. درحقیقت درست است که در حال حاضر به نظریه کارشناس واحد در حوزه جرائم پزشکی بسنده نشده و امکان اعتراض مجدد

و رسیدگی در کمیسیون‌های چندنفره پیش‌بینی شده است که در نوع خود اقدامی مؤثر و راهگشا است اما این امر هم نمی‌تواند تعارض منافع را به‌طور کامل منتفی سازد؛ چراکه وقوع قصور پزشکی در یک استان و ارتباط مستمر پزشکان با یکدیگر، دوستی و صمیمیت پزشکان هم‌صنف به‌جهت توسعه ارتباطات در کل کشور و حتی تحصیل پزشک متهم در استانی دیگر یا تهران و وجود رابطه استاد و شاگردی می‌تواند مجدداً شائبه تعارض منافع بالقوه را مطرح سازد. از طرف دیگر بهره‌گیری از نظرها و دانش تخصصی کارشناسان کشورهای دیگر می‌تواند راهگشای برخی ابهام‌ها و نقاط تاریک پرونده‌های پزشکی باشد. به همین منظور می‌توان با هم‌افزایی و همکاری با مراجع قضایی کشورهای همسایه یا حتی منطقه خاورمیانه از طریق قراردادهای دو یا چندجانبه، مراجعی بی‌طرف و مستقل برای تجدیدنظرخواهی از آرای کمیسیون‌ها و هیئت‌های پزشکی تعبیه کرد. البته باید در این روش با محدود کردن امکان تجدیدنظرخواهی به جرائم قصور پزشکی منجر به فوت، دایره وسیع آن را محصور کرده و از اطاله دادرسی و سایر آسیب‌ها در پرونده‌های غیرفوتی چشم‌پوشید.

در این زمینه می‌توان با الگوگیری از اساسنامه تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی<sup>۱</sup> به تدوین اساسنامه‌ای درخصوص ایجاد مرجعی فراملی برای تجدیدنظرخواهی از نظر مراجع کارشناسی جرائم پزشکی اندیشید و صلاحیت رسیدگی به جرائم خطیر ناشی از قصور پزشکان را به آن مرجع اعطا کرد؛ همان‌طور که در فصل دوم از اساسنامه تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی قید شده، دیوان صلاحیت رسیدگی به چهار جنایت را داراست: نسل‌زدایی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز (کیتی شیایزری، ۱۳۹۱: ۶۱). گفتنی است که نظام عدالت کیفری مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تا حد زیادی مبتنی بر دادگاه‌های داخلی دولت‌های عضو است

---

1. Rome Statute of International Criminal Court

و دیوان، مکمل صلاحیت‌های ملی است (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۶). در این خصوص بند «۱۰» دیباچه و ماده (۱) اساسنامه تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی بر این نکته تأکید دارند که دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۱۳). بدین ترتیب رسیدگی در دیوان در صورتی قابل انجام است که دولت صالح تعقیب شخص مربوط را نخواهد یا از انجام آن ناتوان باشد (Ambos, 1999: 3).

با بهره‌گیری از کارایی دیوان کیفری بین‌المللی که به‌عنوان مرجعی بی‌طرف در عرصه بین‌الملل تأسیس شده است، می‌توان با هم‌افزایی بین کشورهای همسایه و منطقه و انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه در همکاری‌های قضایی به تأسیس مراجعی برای اظهارنظر کارشناسی در جرائم مهم قصور پزشکی پرداخت. از این رو با استفاده از نظرهای کارشناسان متخصص حقوق پزشکی در کشورهای دیگر، به اتقان رأی در جرائم مذکور کمک کرده و آثار تعارض منافع را به‌نحو چشمگیری کاهش داد. در همین خصوص، می‌توان در حیطة جرائم منجر به فوت ناشی از قصور پزشکی در صورتی که مراجع پزشکی داخلی از اظهارنظر کارشناسی امتناع کنند یا به دلایلی ناتوان از رسیدگی باشند و موجبات قوی حکایت از تعارض منافع و عدم اتقان نظریه مراجع رسیدگی‌کننده داشته باشد، موضوع به مرجعی فراملی ارجاع شود تا کارشناسان بین‌المللی در حوزه پزشکی به اظهارنظر تخصصی بپردازند. البته این موضوع صرفاً در تشخیص قصور پزشکی و میزان آن تأثیر داشته و نمی‌تواند موضوع‌های فقهی قوانین کشور ما چون مقوله دیات را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع تشخیص مقادیر دیات به موجب قوانین سرزمینی و با تصمیم مقام قضایی اعلام می‌شود و کارشناسان فراملی صرفاً در حوزه امور موضوعی در قلمروی صلاحیت خود اظهار عقیده می‌کنند.



### ۳-۲. راهکارهای مدیریت تعارض منافع سرکوب‌کننده و سخت

در این نوشتار، راهکارهایی مطرح می‌شوند که با نگاه سرکوب‌کننده و سخت به مقابله با تعارض منافع می‌پردازند. این رویکردها عموماً پسینی بوده و پس از وقوع جرم می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

### ۳-۲-۱. جرم‌انگاری خاص اظهارنظر کارشناس پزشکی برخلاف واقع و تعیین مجازات متناسب برای آن

قانونگذار کیفری در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب سال ۱۳۷۵ در ماده (۵۴۰) صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع را مشروط به شرایطی جرم‌انگاری کرده است که قابل انطباق بر مصادیق متعدد از جمله تصدیق‌نامه‌های صادره از سوی کارشناس جرائم پزشکی نیز می‌شود. اما به جهت مقابله مؤثر و سخت با کارشناسی که در حوزه خطیر تشخیص قصور پزشکی تعارض منافع داشته و آن را در رأی و تصمیم خود دخیل می‌کند، باید اقدامی بازدارنده و سرکوب‌کننده به‌نحو مقتضی انجام شود. درحقیقت ابتدا باید اظهارنظر کارشناسی که در موقعیت واقعی (آشکار) یا بالقوه (محتمل) قرار دارد با منع قانونی روبه‌رو شود و اگر این منع مورد توجه قرار نگرفته و رأی کارشناسی توأم با تعارض منافع اصدار شود، با ضمانت اجرای کیفری روبه‌رو شود. بنابراین پیشنهاد این است تا قانونگذار ضمن جرم‌انگاری خاص اظهارنظر خلاف واقع کارشناس جرائم پزشکی به کیفرگذاری متناسب، بازدارنده و مهم‌تر از همه تأمین‌کننده حقوق بزه‌دیده و متضرر از این جرم به‌طور واقعی اقدام کند که به‌واقع این‌گونه مجازات، می‌تواند در مفهوم عام خود، متضمن راهکاری پسینی، سرکوب‌کننده و سخت برای مدیریت تعارض منافع باشد.

## ۲-۳. الزام قانونی توأم با ضمانت اجراهای اداری، مدنی و حتی کیفری در اعلام تعارض منافع در اظهارنظر کارشناسی

یکی از راهکارهای پسینی و سرکوب‌کننده مدیریت تعارض منافع را می‌توان الزامی نمودن اعلام موارد تعارض منافع به‌هنگام رسیدگی و صدور رأی از سوی کارشناسان جرائم پزشکی دانست. درحقیقت کارشناس مزبور خود مکلف است سریعاً موارد تعارض منافع بالفعل یا حتی بالقوه نسبت به موقعیت خویش را به مرجع قضایی ارجاع‌کننده اعلام کند. این می‌تواند نگرشی خودمراقبتی و خودنظارتی در شخص کارشناس باشد تا قبل از آنکه دیگران به این امر اعتراض کنند، خود به موضوع حساسیت نشان دهد. در غیر این صورت باید ضمانت اجرای اداری (تخلف انتظامی کارشناس و اعمال مجازات انتظامی)، مدنی (امکان جبران خسارت بزه‌دیده و متضرر مبتنی بر قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹) و کیفری (جرم‌انگاری ترک فعل و اهمال در اعلام موارد تعارض منافع به مراجع مربوطه) برای پشتوانه اجرای این الزام مورد تقنین قرار گیرد.

## ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعارض منافع وضعیت ناخوشایندی است که در بروز فساد و ناکارآمدی در عرصه‌های مختلف سیاسی، حقوقی، اقتصادی و سایر شئون جامعه اثرگذار بوده و نمی‌توان به‌آسانی از کنار آن گذشت. یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که شاهد این تعارض منافع هستیم، اظهارنظر کارشناسی در جرائم پزشکی است که ارتباط مستقیمی با مقوله سلامت و بهداشت عمومی جامعه دارد. درحقیقت کارشناسان پزشکی بازوی مهم مراجع قضایی در کشف جرم و رسیدگی و صدور حکم مقتضی هستند؛ چراکه نظر تخصصی آنان، مقام قضایی را در کشف حقیقت یاری کرده و

هرچند این نظرها طریقت دارند اما تجربه نشان داده است در اکثر موارد قضات از نظریه کارشناسان پزشکی تبعیت کرده و مطابق با آن رأی مربوطه را اصدار می‌کنند. به همین منظور این کارشناسان در رسیدگی قضایی به پرونده‌های جرائم خاص پزشکی، جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارند؛ چراکه به‌رغم اهمیت بسیار این موضوع، کارشناسان این امر حساس از صنف خود پزشکان بوده که ممکن است در مواردی ارتباط نزدیکی کاری، دوستانه و صمیمانه با متهمان پرونده داشته و منافع صنفی و گروهی آنان با منافع حرفه‌ای خود در جایگاه داوری بی‌طرف دچار تعارض شده و تصمیم‌گیری و صدور نظریه‌ای عادلانه را تحت‌الشعاع خویش قرار دهند. پژوهش حاضر مبتنی بر نگاه همه‌جانبه به مسئله تعارض منافع و از طرف دیگر شناخت کارکرد مراجع کارشناسی جرائم پزشکی، درصدد ارائه راهکار برای مدیریت این تعارض منافع بر آمده است.

بنابراین با بررسی انواع تعارض منافع، مصادیقی از آن در کارشناسی جرائم پزشکی آشکار شده و سعی گردید تا حد ممکن طیف وسیعی از راهکارهای مدیریت تعارض منافع که هم با نگاه پیشگیرانه و نرم و هم با نگاه سرکوب‌کننده و سخت می‌توانند مطرح باشند، مورد پیشنهاد قرار گیرند. این راهکارهای پیشنهادی هر یک به فراخور منابع و ظرفیت‌های موجود امکان اجرایی شدن را خواهند داشت و در عرض یکدیگر قرار دارند. اما لازمه اصلی اجرایی شدن این پیشنهادها، مستلزم سیاستگذاری تقنین مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای فروتقنینی است تا با قوانین لازم و متناسب، چارچوب آن را تعیین کنند. از طرف دیگر همت مسئولان امر در حوزه اجرایی نیاز است تا زیرساخت‌های لازم و سامانه‌های مورد نظر در حوزه‌های پیشنهادی را فعال و توسعه دهند. برخی نیز به اهتمام و دقت نظر مقامات قضایی نیاز دارد که پرونده‌های مزبور را به چنین کارشناسانی ارجاع می‌دهند و خود می‌بایست نظارت و بررسی‌های

لازم را انجام داده و زمینه بروز تعارض منافع را با پیشنهادهای مطروحه مرتفع کنند. در آخر نیز شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد مبتنی بر سیاست جنایی مشارکتی می‌بایست با احساس تکلیف و مسئولیت اجتماعی در این حوزه، ضمن نظارت بر فرایندهای کارشناسی و اعلام موارد تعارض منافع، حمایت‌های لازم را از سامانه‌ها و راهکارهای مدیریت تعارض منافع به‌عمل آورند.

به‌عنوان کلام آخر باید اشاره داشت که مدیریت تعارض منافع در این عرصه خاص، خواسته و مطالبه به‌حق شکات و بیمارانی است که علاوه بر از دست دادن سرمایه مادی خویش، سلامت و آرامش خاطر روحی و روانی خود را هم از دست داده‌اند و انتظار می‌رود اجرای عدالت قضایی و برخورد با مقصران و تهدیدکنندگان سلامت و بهداشت جامعه، موجب کاهش نرخ تکرار قصور یا تقصیرات احتمالی در آینده شود.

## منابع و مآخذ

۱. ابطحی، سیدحسن (۱۳۷۴). «دیدگاه‌های ارزشی اعتقادی گزینش»، فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره پنجم، ش ۱۹.
۲. افراسیاب، محبوب (۱۳۹۹). جرائم پزشکی، دارویی و غذایی، چاپ چهارم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۳. ثقه‌الاسلام، طاهره، محمود عباسی و سیروان اسمایی (۱۳۹۰). «حقوق و اخلاق در روان‌شناسی؛ از تدوین کدهای اخلاقی تا ضمانت اجرای قانونی»، مجله حقوق پزشکی، دوره پنجم، ش ۱۹.
۴. جاوید، محمدجواد و عصمت شاه‌مرادی (۱۳۹۴). «تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفدهم، ش ۴۷.
۵. حبیبی، جواد و حامد قاسمی صاحبی (۱۳۹۸). «مبانی رد دادرسی»، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، دوره نهم، ش ۳۱.
۶. حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸). «صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری: پویایی نظام‌های قضایی ملی در مقابله با بی‌کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۲۶، ش ۴۱.
۷. حیدری، محمد و علی زهاوی (۱۳۹۷). «شیوع فساد در بستر تعارض منافع»، مجله نامه اتاق بازرگانی، دوره جدید، ش ۱۱۵.
۸. دیان، عبدالرسول (۱۳۸۹). ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۹. رجب‌زاده عصارها، امیرحسین و زهره عباسیان (۱۳۹۵). «بخش تضاد منافع در مقالات علمی» [www.samimnoor.ir/view/fa/ArticleView?itemId=51](http://www.samimnoor.ir/view/fa/ArticleView?itemId=51)
۱۰. رزاقی، ابوالفضل و سیدعباس پرهیزکاری (۱۳۹۶). «تعارض منافع، راهکارهای پیشگیری و مدیریت»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۸۰۱.
۱۱. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، ش ۹۹.

۱۲. سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۴۰۰). «بررسی تعارض منافع مقامات قضایی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره دهم، ش ۳۲.

۱۳. صوفی جان، شیدا (۱۳۹۵). «نظریه کارشناسی در امور کیفری، «طریقت یا موضوعیت»»، دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، دوره اول، ش ۱.

۱۴. عباسی، محمود (۱۳۸۹). حقوق جزای پزشکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات حقوقی.

۱۵. فرهی بوزنجانی، برزو، محمدرضا سلطان و محمدهادی سمواتی (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی نظام گزینش دستگاه‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دانشگاه جامع امام‌حسین (ع)، دوره ۴، ش ۲.

۱۶. کوشکی، غلامحسن (۱۳۸۶). «دادسرا: نحوه تعامل میان قوای مجریه و قضائیه»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، دوره ۶، ش ۱۲.

۱۷. کیتی شیایزری، کریانگ‌ساک (۱۳۸۳). حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

۱۸. محسنی، فرید (۱۴۰۰). «پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، ش ۱۱۶.

۱۹. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۱). مجموعه مقررات دیوان کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.

۲۰. مرتب، یحیی، وحید کشفانی‌نیا، مصطفی عباسی، محمد واثقی و مهدی فلاحیان (۱۳۹۹). تعارض منافع در بخش عمومی، تهران، نشر شفافیت و پیشرفت.

۲۱. مشعوف، ابراهیم (۱۳۹۶). قانون نظارت بر رفتار قضات همراه با آیین‌نامه اجرایی آن، چاپ اول، تهران، اندیشه عصر.

۲۲. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۹). دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، چاپ اول، تهران، شهر دانش.

۲۳. وکیلان، حسن و داور درخشان (۱۳۹۹). «راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در

نظام قضایی با رویکرد تطبیقی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، ش ۱۰۹.

۲۴. هاشمی، رعنا (۱۳۸۱). «بررسی میزان تأثیر اظهارنظر کارشناسی پزشکی قانونی در پرونده‌های

کیفری مختومه دادگستری استان تهران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹»، مجله علمی پزشکی

قانونی، دوره ۸، ش ۲۳.

25. Ambos, Kai.(1999) “General Principles of Criminal Law in The Rome Statute”, *Criminal Law Forum*, 10.

26. Dietrich, Daniel R. and Jan G. Hengstler (2016). “Conflict of Interest Statement: Current Dilemma and a Possible Way Forward”, *Archive of Toxicology*, 90(9).

27. Kernaghan, Kenneth and John Langford (2014). *The Responsible Public Servant*, Institute of Public Administration of Canada; 1st edition

28. OECD (2003). “Managing Conflict of Interest in the Public Serve OECD Guidelines and Country Experience OECD”, Publications Service rue André-Pascal Paris Cedex 16, France.

29. Thompson, D.F. (1993). “Understanding Financial Conflicts of Interest”, *New England Journal of Medicine*, 329 (8).

30. <https://www.Worldbank.Org/En/Search?Q=Corruption>





# طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری

فاطمه آموسی،\* صفر فضلی،\*\* زهرا آراستی\*\*\* و سیدمجید الهی\*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۲۷۲-۲۳۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

توسعه کارآفرینی سبز به‌عنوان یک انقلاب کارآفرینی نوظهور، عاملی مؤثر در جهت کاهش آلودگی محیط زیست و استفاده از کمترین امکانات اما بیشترین بهره‌وری در انجام امور مشاغل سبز است. لذا هدف این پژوهش، طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری است تا از این معضل زیست‌محیطی به‌عنوان منبع فرصت استفاده کرده و این خطر زیست‌محیطی و اجتماعی را به ارزش‌های اجتماعی و سود اقتصادی تبدیل کند. روش این پژوهش برحسب هدف بنیادی و گردآوری داده‌ها، کیفی- داده‌بنیاد (سیستماتیک) است. پس از انتخاب ۱۵ نفر از صاحبان کسب‌وکارهای مدیریت پسماند شهری، مدیران شهری و خبرگان این حوزه با روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، داده‌ها گردآوری شدند. سپس در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و در نهایت ۱۱۷ گزاره مفهومی اولیه از کدگذاری باز، ۳۸ مقوله از کدگذاری محوری و ۱۶ عامل اصلی از کدگذاری انتخابی شناسایی شدند. نتایج تأکید می‌کنند مقوله محوری، توسعه کارآفرینی سبز است که با توجه به عوامل علی (مانند ویژگی‌های، فردی و شغلی)، عوامل زمینه‌ای (مانند عوامل نهادی، زیرساختی، محیطی، فناوری و نوآوری) و عوامل مداخله‌گر (مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی و اجتماعی- فرهنگی و آموزشی) شکل گرفته است و با راهبردهای حمایتی، اصلاحی، اجرایی و ساختاری به سه دسته پیامد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یا به عبارتی توسعه پایدار منجر می‌شود. این یافته‌ها به مدیران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران حوزه مدیریت پسماند و توسعه کارآفرینی سبز در ایجاد ارزش (مزیت رقابتی و ثروت) و تحقق آینده‌ای پایدارتر کمک می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** توسعه کارآفرینی؛ کارآفرینی سبز؛ مدیریت پسماند شهری؛ توسعه پایدار؛ نظریه داده‌بنیاد

\* دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: f\_ amousa@yahoo.com  
\*\* استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: fazli@soc.ikiu.ac.ir  
\*\*\* دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛  
Email: arasti@ut.ac.ir  
\*\*\*\* استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: elahi@ikiu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5369.5126

## مقدمه

طی دهه‌های اخیر روند فزاینده مشکلات زیست‌محیطی توجه جامعه بشری را بیشتر از قبل به مسئله حفاظت از محیط زیست جلب کرده است. همچنین تقاضای روزافزون ذی‌نفعان از شرکت‌ها برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، شرکت‌ها را به درگیر شدن در مسئولیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و به‌دست آوردن مقبولیت در بازارهای جهانی تشویق می‌کند (Bobkova et al., 2021: 3). از آنجاکه مسائل زیست‌محیطی یک بخش جدایی‌ناپذیر از مسئولیت‌های اجتماعی و عملکردهای اقتصادی کسب‌وکارها هستند، سیاستگذاران و مدیران شروع به درک اهمیت نوآوری سبز در جهت رسیدن به توسعه پایدار کرده‌اند. لذا شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی سبز از مهم‌ترین اقدام‌های نوآورانه در این زمینه است که به‌عنوان انقلاب کارآفرینی نوظهور و جدید، عاملی مؤثر برای کاهش آلودگی محیط زیست و استفاده از کمترین امکانات اما بیشترین بهره‌وری است. کارآفرینی سبز در واقع حلقه ارتباط کارآفرینی و محیط زیست است (Sulej, Krzywonos and Kwil, 2021: 39). این نوع جدید از کارآفرینی به‌عنوان راهبردی اثربخش برای توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها شناخته شده و توسعه آن می‌تواند تأثیر مهمی در اشتغالزایی پایدار و کاهش مشکلات زیست‌محیطی داشته باشد (رضایی، نادری و رستمی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). همان‌طور که تجربه جهانی نشان می‌دهد، مبنای اساسی کارآفرینی سبز مسئولیت زیست‌محیطی است که باید در سطوح دولت، کسب‌وکارها و جامعه مورد توجه قرار گیرد و مأموریت آن بهبود محیط زیست براساس توسعه پایدار و به‌نفع نسل‌های آینده است (Bobkova et al., 2021: 12).

همچنین، توجه بیش از اندازه به مقوله اقتصادی کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه و غافل ماندن از ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی آن، در درازمدت به بروز مشکلاتی حاد منجر خواهد شد. یکی از مشکلات بزرگ زیست‌محیطی قرن حاضر، پسماندهای

شهری هستند. پسماندها نه تنها تغییر اقلیم ایجاد می کنند بلکه باعث حوادث شدید آب و هوایی، آلودگی هوا و سلامت تنفسی می شوند (Tesprasit et al., 2020: 36). با توسعه شهرها و افزایش جمعیت شهرنشین، مشکلات پسماند شهری در جهان تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۷۰ درصد رشد خواهد کرد (Kaza et al., 2018: 5). در کشور ایران با جمعیتی حدود ۸۰ میلیون نفر سالیانه بیش از ۱۸ میلیون تن و روزانه بالغ بر ۴۹ هزار تن زباله تولید می شود که حدود ۶۸ درصد از آنها دفن غیربهداشتی، ۱۰ درصد دفن بهداشتی و ۲۲ درصد نیز بازیافت می شوند، این در حالی است که ۹۰ درصد از مواد موجود در زباله ها قابل بازیافت است (امین صالحی، نوروز و رضاپور، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

امروزه یکی از حوزه هایی که پتانسیل توسعه کارآفرینی خوبی در آن وجود دارد و از کارآفرینی سبز محسوب می شود، حوزه مدیریت پسماندهاست که توجه به آن در کاهش آسیب به محیط زیست، گسترش اقتصاد دایره ای و ترویج توسعه پایدار نیز کمک شایانی می کند (OECD, 2019). مدیریت پسماندهای شهری به عنوان یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار، شامل هشت مرحله اصلی بوده که جریان پسماند، جمع آوری و روش های پردازش و دفع پسماند را در تعامل با یکدیگر مدیریت می کند. مدیریت پایدار و جامع پسماند باید از لحاظ زیست محیطی مؤثر، از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه و از لحاظ اجتماعی مقبول باشد (منوری، ۱۳۹۹: ۶۶). پسماندها یکی از مواردی هستند که پتانسیل ایجاد فرصت های شغلی جدید دارند و مدیریت پسماندها به خصوص در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر نقش مؤثر آن در حفظ محیط زیست و چرخه اقتصادی، به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه در سطح کلان مطرح است. برای کشور ما که یکی از مسائل و مشکلات موجود آمار بیکاری است، استفاده از این ماده می تواند به عنوان صنعتی استراتژیک تلقی شود. درواقع با ایجاد شغل از پسماند به کاهش آثار مخرب زیست محیطی کمک کرده و جزو

کارآفرینی و مشاغل سبز محسوب شده که از عوامل اساسی برای رسیدن به توسعه پایدار است.

بنابراین ایجاد آگاهی در میان کارآفرینان، تولیدکنندگان، مقامات محلی و غیره برای انجام اقدام‌های نوآورانه در حوزه پسماندها و تبدیل آن به ثروت امری ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی توجه به مقوله کارآفرینی در ایران، عمری کوتاه (کمی بیش از یک دهه) دارد. بدیهی است در این مدت کوتاه، ابزارها و سیاست‌های توسعه کارآفرینی سبز آن گونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته‌اند و محدود هستند. مطالعه‌های انجام گرفته در حوزه فوق در مراحل اولیه رشد خود در ادبیات دانشگاهی هستند (Sulej, Krzywonos and Kwil, 2021: 2) و تنها به حوزه‌های کشاورزی، روستایی و اکوتوریسم و در قالب مطالعه‌های موردی و منطقه‌ای معطوف بوده است. اما مسئله اصلی این است که به رغم مطالعات بسیار در خصوص اهمیت کارآفرینی در امر توسعه پایدار و محیط زیست، ماهیت و چگونگی کارکرد و عملکرد آن همچنان مبهم باقی مانده است (Mensah and Casadevall, 2019: 2). از سوی دیگر، برای توسعه کارآفرینی در زمینه‌های خاص فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و ... باید ابتدا شناختی از فرایندها و سازوکارها و عناصر آن انجام شود. همچنین آسیب‌های زیست‌محیطی و به تبع آن اجتماعی و اقتصادی که در حوزه پسماندهای شهری (به خصوص در کشور ما) به وجود آمده است و با توجه به شکافی که بین برنامه‌ها و اقدام‌های عملیاتی با مأموریت‌ها و چشم‌اندازها در حوزه کارآفرینی سبز وجود دارد، به نظر می‌رسد هنوز مدل و برنامه‌ای جامع و یکپارچه همراه با راهبردهای مؤثر در این زمینه طراحی و اجرا نشده است. با عنایت به موارد ذکر شده و نیز کمبود سوابق پژوهشی روشن و شفاف، فقدان آمارهای دقیق جهانی و ملی در این حوزه، سرمایه‌گذاری‌ها و تولید ناخالص ملی اندک در این خصوص، افزایش

سرانه نرخ بیکاری، رشد بی‌رویه جمعیت در شهرها و معضلات ناشی از حجم بالای پسماندهای شهری و وجود پتانسیل بالای نیروی کار و منابع در بخش فعالیت‌های زیست‌محیطی ما را بر آن داشت که در این پژوهش با درک مسائل یادشده، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری برای رسیدن به مدلی جامع در این خصوص باشیم. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ شناختی و ایجاد پیش‌آینده‌ای نظری برای توسعه این پدیده در کشور، به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که «مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری چگونه است؟». برای پاسخ به این سؤال، روش تحقیق کیفی به شیوه نظریه‌برخاسته از داده‌ها استفاده شده است؛ چراکه در این تحقیق به دنبال یک فراورده تکمیل‌شده و آماده نیستیم؛ بلکه به دنبال موجودیتی پیوسته و در حال تکوین هستیم. همچنین در پی قابلیت‌های تعمیم‌الگوها و مدل‌های از قبل طراحی شده توسعه کارآفرینی سبز به جامعه نیستیم، بلکه به دنبال درک این پدیده (توسعه کارآفرینی سبز) در یک حوزه خاص (مدیریت پسماندهای شهری) و به همان شکل موجود هستیم؛ از این رو از روش داده‌بنیاد استفاده کرده‌ایم تا ذهن خویش را روی هر نشانه‌ای که ممکن است در مجموعه داده‌های به‌دست آمده از جامعه وجود داشته باشد باز نگه داریم. درخصوص پژوهش درباره موضوع مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری؛ پنج بخش مبانی نظری مرتبط با توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها، مطالعات ناظر بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌ها و مؤلفه‌های توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری برآمده از بطن پژوهش به‌همراه پیشنهادهای کاربردی ارائه می‌شود.

## ۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، ظهور روزافزون مشکلات زیست‌محیطی باعث شده است که پایداری و مفاهیم مرتبط با آن مانند نوآوری سبز اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. شرکت‌هایی که از نوآوری بالا بهره می‌برند، می‌توانند از شرایط غیرقابل پیش‌بینی و تلاطم‌های بازار و نیازهای به‌سرعت در حال تغییر مشتریان خود بهتر و سریع‌تر مطلع شوند و راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات بازار و نیز نیازهای مشتریان و ذی‌نفعان ارائه کرده و دارایی‌های خود را بازسازی کنند. مفهوم نوآوری سبز را اولین بار فوسلر و جیمز<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) مطرح کردند که با بهبود و نوآوری در فرایندهای تولید محصول، عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد (Muangmee et al., 2021: 2). نوآوری سبز مشارکت کسب‌وکارها در توسعه پایدار و درعین‌حال افزایش مزیت رقابتی است و به‌عنوان عنصر محوری کارآفرینی، می‌تواند در پاسخ به مشکلات و چالش‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد. درواقع نوآوری سبز یک دیدگاه، ایده، محصول، خدمت یا فرایند جدیدی در نظر گرفته می‌شود که به‌دنبال کاهش آثار منفی زیست‌محیطی است (Seman et al., 2012: 454) که زمینه‌ساز ایجاد کارآفرینی سبز است.

امروزه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق توسعه پایدار، کارآفرینی سبز است که تأثیر بسیار کلیدی در توسعه اقتصادی و پایداری همه جوامع دارد. «کارآفرینی سبز»، نقطه تقاطع از کارآفرینی سنتی، اجتماعی و پایدار است (Vaidya and Honagannavar, 2017: 88). کارآفرینی سبز به‌عنوان فعالیت سودآور و نوآورانه در نظر گرفته می‌شود که به کاهش تأثیر انسان بر محیط زیست کمک می‌کند و تأثیر مثبتی بر جامعه، اقتصاد و محیط زیست دارد (Muo and Adebayo Azeez, 2019: 25). به‌طور کلی، تعاریف متعددی در زمینه کارآفرینی سبز ارائه شده است،

1. Fussler and James

کارآفرینی سبز یک مفهوم نسبتاً جدید بوده و از سال ۱۹۹۰ مورد توجه و رشد قرار گرفته است (OECD, 2011).

کارآفرینی سبز به عنوان یک روایت داستانی توصیف می شود که با آن کارآفرین از حمایت ذی نفعان برای پیگیری و رسیدن به منافع خود برخوردار می شود. این نوع کارآفرینی، شکلی نو از فعالیت کسب و کار است که با نیازهای شرکت برای سودآوری و توسعه با در نظر گرفتن ابعاد محیط زیستی تطابق دارد (Mou and Adebayo, 2019: 19). در واقع نوعی کسب و کار پایدار محور است که بیشتر متوجه بهبود کارایی محیط زیست و کاهش تخریب آن از طریق حفاظت از منابع انرژی، استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، کاهش آلودگی پسماندها، تلفات و کاهش نشر گازهای تخریب کننده جو زمین است. بنابراین هرگونه صنعت، خدمت یا کالایی که به خصوص در بلندمدت ارزش افزوده داشته و در راستای حفاظت از محیط زیست باشد می تواند از فعالیت کارآفرینی سبز به شمار آید (شریف زاده، عبدالله زاده و رهبری، ۱۳۹۸: ۲۰۴). کارآفرینی سبز با در نظر گرفتن منابع محیطی محدود به توسعه، بهبود و پایداری و کسب مزیت رقابتی قادر است.

مدیریت پسماند به عنوان یکی از دغدغه های مهم جوامع بشری بوده و از موضوع های مهم دیگر در امر توسعه پایدار محسوب می شود که به استفاده و بهره گیری از خلاقیت و نوآوری نیازمند است. معمولاً هزینه نوآوری در این حوزه بسیار سنگین است اما از آنجا که ماهیت آن از جنس دانش است، با هزینه بسیار کم نشر خواهد یافت. لذا سرریزهای دانش باعث انتقال فناوری، کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری و ایجاد مزیت رقابتی می شود (رشیدی، ۱۳۹۶). این نظریه را اولین بار آدرس و

لهمان<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۵ مطرح و پس از آن اکس و همکاران<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ وارد پیشینه کارآفرینی کردند. سرریز دانش نقش مهمی در ایجاد و توسعه کسب و کارها و استارت‌آپ‌های نوآور در حوزه محیط زیست دارد. تئوری سرریز دانش کارآفرینی نشان می‌دهد که کارآفرینان سبز از فرصت‌های زیست‌محیطی استفاده می‌کنند که از دانش جدید و ایده‌هایی به‌وجود می‌آیند که هنوز تجاری‌سازی نشده‌اند (Colombelli and Quatraro, 2019: 23). این نظریه، کارآفرینی را با ادبیات کارآفرینی پایدار ترکیب می‌کند و نتایج آن نشان می‌دهد که سهم دانش سبز تأثیر مثبت بیشتری از سهم دانش غیرسبز در امر توسعه کارآفرینی دارد (Demirel et al., 2019: 766). نتایج اغلب پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عموماً سرریزهای دانش در مرز جغرافیایی یک منطقه یا به‌عبارتی در جایی که دانش جدید خلق شده، محدود شده‌اند. بر این اساس سرریز دانش، جریانی خودبه‌خودی، فراگیر و جمعی است که بنگاه‌ها صرفاً به سبب حضور در منطقه از آن بهره‌مند می‌شوند (الهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۹).

توسعه کارآفرینی سبز نیز ضمن فراهم آوردن زمینه رشد و توسعه پایدار، مسائل و مشکلات جاری از جمله فقر، بیکاری، آلودگی‌های زیست‌محیطی و نابسامانی اجتماعی و فرهنگی را مرتفع خواهد کرد و تحت تأثیر عوامل مختلف فردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و ... است (Alwakid, Aparicio and Urbano, 2021: 14; Mukonza Chipu, 2020: 18). همچنین افزایش سطح نوآوری و تسهیل سرریز دانش و به‌دنبال آن توسعه کارآفرینی به عوامل مختلف از جمله ساختارهای نهادی مناسب بستگی دارد. لذا در این امر شبکه‌ای از نهادها در بخش‌های خصوصی و دولتی مؤثرند که فعالیت‌ها و تعاملات آنها به ابتکار، اصلاح و انتشار دانش و فناوری‌های

1. Audretsch and Lehmann

2. Acs et al.



جدید منجر می‌شود (شاه‌آبادی و ساری گل، ۱۳۹۵: ۹۹).

یکی از مهم‌ترین تعاریف نهادها مربوط به نورث<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) است که بیان می‌کند نهادها قوانین بازی در هر جامعه هستند یا به‌طور رسمی‌تر محدودیت‌هایی دارند که تقابل انسان‌ها را شکل می‌دهند. رویکرد نهادی بیانگر آن است که توسعه کارآفرینی، مستلزم کیفیت نهادی مطلوب بوده و تا اصلاحات لازم در نهادها انجام نشود، نمی‌تواند کارآفرینی که موتور توسعه است را تشویق و حمایت کند. در ادبیات نهادگرایی، نهادها در دو گروه رسمی (مانند قوانین رسمی، نظام اجرایی و قانونگذاری، نهادهای سیاسی و حقوقی و غیره) و غیررسمی (مانند قواعد غیررسمی، آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و غیره) طبقه‌بندی می‌شوند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند هم نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده درخصوص توسعه کارآفرینی داشته باشند. ازجمله نهادهای رسمی که بر توسعه کارآفرینی سبز تأثیر می‌گذارد، قوانین و مقررات دولتی در حوزه محیط زیست (ازجمله مدیریت پسماندها) و سیاست‌های حمایتی ازجمله مشوق‌ها و یارانه‌های زیست‌محیطی و غیره است. نگرش اجتماعی و فرهنگی به موضوع‌های محیط زیستی، مشارکت‌های مردمی و ... در زمره نهادهای غیررسمی هستند. براساس تئوری نهادی، شرکت‌ها یا کسب‌وکارها تحت تأثیر فشارهای بیشتر ازسوی عوامل مختلف ازجمله نهادها، جهت کسب و حفظ مشروعیت بیشتر خود، اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی بیشتری را افشا می‌کنند که این سبب افزایش خلاقیت و نوآوری شده و اثربخشی و پاسخگویی شرکت‌ها را افزایش داده و سازمان را مملو از ارزش‌های جامعه می‌کند (Nikolaou, Tasopoulou and Tsagarakis, 2018: 126).

تئوری مشروعیت به‌عنوان ذیل نظریه نهادی پیشنهاد می‌کند که کارآفرینان باید در مورد نهادها و ساختارهای موجود در محدوده محیط عملیاتی خود دانش و آگاهی کامل داشته باشند. این کارآفرینان قبل از ارائه هر کالا یا خدماتی برای پذیرش مشروعیت عمومی، بتوانند این نهادها و ساختارها را شناسایی و درک کنند (Muo and Adebayo, 2019: 23). به‌عنوان مثال، خان<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) استدلال می‌کند تا زمانی که تعادلی بین رشد اقتصادی برای انباشت ثروت و حفاظت از محیط زیست وجود نداشته باشد، هیچ نهادی نمی‌تواند مشروعیت کسب کند چه رسد به توسعه پایدار. دلیل این امر سبز شدن یک رویکرد مدیریت کارآفرینی مبتنی بر پایداری است که اشتباه‌های انجام شده توسط رویکرد مدیریت کارآفرینی سنتی در عملیات تجاری را اصلاح کرده است (Ibid.: 24). تئوری نهادی در توضیح اینکه چرا برخی شرکت‌ها در محیط نهادی یکسان تغییر را می‌پذیرند در حالی که سایرین تغییر را نمی‌پذیرند ضعیف است و این موضوع به ناهمگونی آن منجر می‌شود و از طرفی نقش مدیر را در فرایندهای مشروعیت نادیده می‌گیرد. همانند تئوری نهادی که بیشتر بر تأثیر عوامل خارجی بر اجرای شیوه‌های سبز در کسب‌وکارها متمرکز است و عوامل فردی و داخل سازمانی را آن‌گونه که باید در نظر نمی‌گیرد، تئوری‌های نوآوری و مشروعیت نیز همه متغیرهای مؤثر بر توسعه کارآفرینی را در نظر نمی‌گیرند. با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی عوامل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری صورت نگرفته در ذیل به محدود مطالعات تا حدودی مرتبط اشاره شده است:

از بین پژوهش‌های داخلی می‌توان به مقاله شاهین فر و لاریجانی (۱۳۹۹) اشاره کرد. آنها با «تدوین راهبردهای توسعه کارآفرینی سبز در روستاهای اطراف دریاچه اوان شهرستان قزوین» به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به نتایج کیفی و

1. Khan

پایدار در زمینه کارآفرینی سبز باید در ابتدا، بانک جامع اطلاعاتی از ظرفیت‌های منطقه، نیروی انسانی، پتانسیل‌های اشتغال، وضعیت محیط زیست و تنوع زیستی، شرایط محیطی و مواردی از این دست استخراج شود. سپس با حمایت دولت و سرمایه‌گذاران برای ایجاد و راه‌اندازی زیرساخت‌های ابتدایی در منطقه گام برداشت و پس از آن با روش‌های مختلف از جمله جلب سرمایه‌گذار، جلب مشارکت جامعه محلی و آموزش در زمینه کارآفرینی سبز، فضایی را برای شروع استاندارد و نظام‌مند این نوع کارآفرینی بر پایه اصول صحیح علمی و عملی مهیا ساخت. نتایج پژوهش میوه‌چی و عدالتیان شهرداری (۱۳۹۸) با عنوان «نقش کارآفرینی سبز بر عملکرد زیست‌محیطی (بر اساس مدل خودسازمان‌دهی)» نشان داده است؛ عوامل اساسی مدل خودسازمان‌دهی (به‌عنوان مدل پایه مفهومی برای مباحث کارآفرینی زیست‌محیطی) شامل نهادها و قوانین مرتبط، فناوری کارآمد و حامی محیط زیست، کارآفرینان زیست‌محیطی و بهبود عملکرد اقتصادی است. در پژوهش شریف‌زاده، عبدالله‌زاده و رهبری (۱۳۹۸)، هفت ملاحظه کلیدی شامل سازگاری با محیط زیست، امکان‌پذیری اقتصادی، فنی، تخصصی و زیرساخت‌های تخصصی در منطقه، امکان‌پذیری بازار، پذیرش اجتماعی، اشتغال‌پذیری و سرانجام تطابق با آمایش منطقه (ظرفیت‌ها و منابع طبیعی) به‌عنوان عوامل اصلی برای توسعه کسب‌وکارهای سبز شناخته شده‌اند. در خارج از کشور نیز پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام شده است. نتایج مطالعه ردی کومیثا و ردی کومیثا<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) نشان داد که ایجاد عوامل انگیزشی مانند تشویق جوانان برای حل مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی و رفع کمبود استعدادها از طریق آموزش‌های دانشگاهی، برای ایجاد مدل‌های کسب‌وکار پایدار و

زیست‌محیطی مؤثر است. پوتلوری و فانی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مقاله خود به این نتیجه رسیدند که به‌رغم محدودیت‌های موجود همچون سرمایه‌گذاری اندک، حمایت و پشتیبانی ناچیز سیاستگذاران در کنار سیستم نظارتی غیرپاسخگو، موفقیت کارآفرینان سبز به ویژگی‌های شخصی و مکانیسم‌های ابتکاری آنان (مانند آرمان‌گرایی، نارضایتی از کارفرما / تجارت قبلی، تعهد نسبت به ایده تجارت سبز، پشتکار، محرک آگاهی برای مصرف‌کنندگان، مسئولیت یا پاسخگویی زیست‌محیطی و اجتماعی و ...) بستگی دارد. تسپراسیت و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) به این موضوع دست یافته‌اند که عواملی مانند: نگرانی‌های زیست‌محیطی، ویژگی‌های شخصی، آموزش محیط زیستی و عوامل محیطی روی افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی، تشخیص و شناسایی فرصت و نیز تأمین مالی خوب (به‌عنوان یک مزیت رقابتی) برای توسعه کارآفرینی سبز مؤثرند. میران و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ایجاد تعادل بین رشد اقتصادی با پایداری زیست‌محیطی، یکی از محورهای اصلی کارآفرینی سبز است و عواملی مانند قابلیت جذب سبز، مشارکت زیست‌محیطی، نوآوری سبز، مدیریت و بهره‌برداری از فرصت‌های دوستدار محیط زیست، انگیزه‌گرایی به این نوع کارآفرینی و همچنین قوانین و مقررات زیست‌محیطی بر کارآفرینی سبز تأثیرگذار می‌باشند. نوردین و علی حسن<sup>۴</sup> (۲۰۱۹)، نیز در مطالعه‌ای شناسایی فرصت‌های کارآفرینی سبز، اجرای سیاست‌هایی مانند افزایش حمایت دولت و مردم، آموزش و استفاده از تکنولوژی‌های سبز، اصلاح قوانین و مقررات زیست‌محیطی و شرایط سیاسی و اقتصادی را عاملی مهم در توسعه کارآفرینی و کسب‌وکارهای سبز دانسته‌اند.

---

1. Potluri Seema and Phani

2. Tesprasit etal.

3. Meirun, Makhlof and Ghozali Hassan

4. Nordin and Ali Hassan

همان‌طور که مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد نظریه‌های موجود و پژوهش‌های انجام شده تنها به جنبه‌های محدودی از پدیده توسعه کارآفرینی سبز پرداخته‌اند و مدل جامعی از توسعه کارآفرینی سبز خصوصاً در حوزه پسماندها دیده نمی‌شود. لذا در این پژوهش با تأکید بر نظریه‌های بیان شده در بالا مخصوصاً نظریه‌های نهادی و نوآوری سبز و با استفاده از رویکرد کیفی داده‌بنیاد، ابعاد مختلف فردی، سازمانی و محیطی پدیده کارآفرینی سبز را مدنظر قرار داده و به دنبال مدل جامع‌تری برای توسعه کارآفرینی سبز و به‌طور خاص در حوزه مدیریت پسماندها هستیم.

## ۲. روش‌شناسی

مطالب این پژوهش برحسب هدف، بنیادی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، کیفی-داده‌بنیاد (سیستماتیک) است. برای تحلیل از روش استراوس و کوربین<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) به دلیل تأکید بر دقت تاکتیکی کار، شفافیت فرایند مرحله کدگذاری و توزیع داده‌ها به خوشه‌های مقوله‌ای مشخص و قابلیت مقایسه کار در قالب مدلی مشخص از بین روش‌های داده‌بنیاد به کار گرفته شده است. زمانی که حتی در پیشینه پژوهش مدل‌هایی نیز ارائه شده باشد، ولی برمبنای نمونه‌ها و حالت‌هایی غیر از جمعیت نمونه مدنظر پژوهشگر یا نظریه‌های موجود ناقص باشد از راهبرد نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌شود (Creswell, 2007: 66). انتخاب این روش به دلیل استخراج رویکرد نظری جدید در این زمینه است، هرچند در خصوص توسعه کارآفرینی سبز نظریه‌ها و مدل‌های متعددی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد با توجه به مسائل زیست‌محیطی کلان و عمده در کشور به‌خصوص در حوزه مدیریت پسماندها، به‌کارگیری این نظریه‌ها در جامعه آماری مورد نظر اغلب نتیجه مطلوبی نداشته‌اند. به همین دلیل

اتکا به رویکردی بومی، ضمن متفاوت بودن این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده، می‌تواند به تدوین الگویی منجر شود که برخاسته از نظریه‌های فعالان، مدیران و خبرگان این حوزه است؛ زیرا از طریق رویکرد داده بنیاد، مطالعه و مشاهده زندگی واقعی افراد برای کشف آنچه وجود دارد و به آن اعتقاد دارند، محقق می‌شود.

جامعه آماری پژوهش، فعالان حوزه مدیریت پسماندهای شهری بودند و نمونه آماری به صورت هدفمند از افرادی که در زمینه موضوع مورد مطالعه تجربه داشتند، شامل پیمانکاران بخش خصوصی و نیز مدیران دولتی و خبرگان این حوزه انتخاب شدند. حجم نمونه با اشیاع داده‌ها محدود شد که در مصاحبه سیزدهم حاصل شد، ولی برای اطمینان مصاحبه‌ها تا پانزدهمین مصاحبه ادامه یافت. سؤال‌های مصاحبه با استفاده از روش 5W1H طراحی شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. مصاحبه‌شوندگان شامل هشت نفر فعالان یا پیمانکاران بخش خصوصی، چهار نفر مدیران دولتی حوزه مدیریت پسماندهای شهری و سه نفر خبرگان دانشگاهی بودند. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی و همچنین از نرم‌افزار تحلیل کیفی ATLAS.ti 9 استفاده شده است. ابتدا برای شناسایی مفاهیم از کدگذاری باز استفاده می‌شود که داده‌های اولیه ظهور پیدا می‌کند. کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق، نام‌گذاری و طبقه‌بندی داده‌ها انجام می‌شود. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری؛ داده‌ها به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌یابد و سپس مقوله‌ها و زیرمقوله‌های آنها با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آنها به یکدیگر مرتبط می‌شود.

در این پژوهش، مقوله اصلی (توسعه کارآفرینی سبز) است که به‌عنوان محور فرایند در حال بررسی و اکتشاف قرار گرفت و سپس مقوله‌های دیگر به‌طور نظری به آن ارتباط داده شد. این مقوله‌ها عبارتند از: شرایط علی (علل شکل‌گیری پدیده

اصلی)؛ راهبردهای کنش یا کنش‌های متقابلی که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌شود و شرایط مداخله‌گر (شرایط ساختاری عام مؤثر در راهبردها)، شرایط زمینه‌ای (شرایط محیطی مؤثر بر راهبردها) و پیامدها (نتیجه به‌کار بستن راهبردها). در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله‌های به‌دست آمده از مراحل کدگذاری‌های باز و محوری به‌هم پیوند داده می‌شوند. کدگذاری انتخابی نتایج گام‌های قبلی کدگذاری‌ها را به‌کار می‌برد، مقوله اصلی را انتخاب کرده و به‌شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد و مدل نهایی پژوهش شکل می‌گیرد. برای اطمینان از روایی مصاحبه‌ها، اعتمادسازی در مصاحبه‌ها صورت گرفت، نتایج مصاحبه مجدداً با مصاحبه‌شوندگان مرور و سعی بر رعایت تنوع در انتخاب مصاحبه‌شوندگان شد، همچنین با تنظیم سؤال‌های مصاحبه بدون سوگیری و سعی با دخالت کمتر در صحبت‌های افراد، سوگیری در مصاحبه‌ها به حداقل کاهش یافت. برای افزایش پایایی نیز چند نفر یادداشت‌برداری مفصل و کدگذاری کردند.

### ۳. یافته‌ها

#### ۳-۱. توصیف جمعیت‌شناختی

نمونه آماری مورد مطالعه را ۸۶/۶۷ درصد (۱۳ نفر) آقایان و ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) خانم‌ها تشکیل می‌دادند که حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت در این حوزه داشتند. ۵۳/۳۳ درصد (۸ نفر) در رده سنی ۳۵ تا ۴۵ سال، ۳۳/۳۴ درصد (۵ نفر) در رده سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) هم در رده سنی ۵۶ سال به بالا بوده‌اند. مدارک تحصیلی مصاحبه‌شوندگان شامل ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) دیپلم، ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) کارشناسی، ۳۳/۳۴ درصد (۵ نفر) کارشناسی ارشد و ۴۰ درصد (۶ نفر) دکتری می‌شد. همچنین در مورد سابقه کار ۶۰ درصد (۹ نفر) از افراد شرکت‌کننده

بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۶/۶۶ درصد (۴ نفر) ۲۱ تا ۳۰ سال و ۱۳/۳۴ درصد (۲ نفر) بالای ۳۰ سال سابقه کار داشته‌اند.

### ۳-۲. مقوله‌های پژوهش

در مرحله کدگذاری باز، ابتدا بیش از ۲۷۳ نقل قول یا کد و سپس در مرحله بعد ۱۱۷ مفاهیم متناظر استخراج شد. این مقوله‌ها ارتباط مفهومی با همدیگر دارند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۱۱۷ مفاهیم متناظر تعداد ۳۸ خرده مقوله استخراج شد که ارتباط مفهومی با همدیگر دارند. همچنین به دلیل نزدیکی معنایی بسیاری از خرده مقوله‌ها در مرحله کدگذاری محوری؛ ۳۸ خرده مقوله موجود به ۱۶ مقوله محوری تبدیل شد که در شش دسته ذیل ارائه شده است:

#### ۳-۲-۱. مقوله‌ها یا شرایط علی

این مقوله‌ها رویدادهایی را دربرمی‌گیرد که به وقوع یا رشد و گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (Strauss and Corbin, 2014). این مقوله‌ها شامل ۲۹ مفهوم، ۱۲ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی تحت عنوان ویژگی‌های شخصیتی، سرمایه‌های فردی و توانمندی‌های شغلی هستند که در جدول ۱ آمده است.



جدول ۱. مقوله‌های علی

شرایط	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف
علی	ویژگی‌های شخصیتی	میل به پیشرفت	داشتن علاقه، اشتیاق و انگیزه شخصی به حل مسائل زیست‌محیطی	۱
			داشتن احساس خوب رضایت و عشق به کار و پشتکاری برای پیشرفت	۲
		ریسک‌پذیری	داشتن ریسک‌پذیری	۳
		مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به تعهدات	حساسیت به پرسنل زیرمجموعه	۴
			داشتن مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و پاسخگویی به تعهدات	۵
			خلاقیت و نوآوری در کسب‌وکار خود، استفاده از ایده‌ها و فناوری‌های پایدار و سبز و جدید	۶
		تحمل ابهام	توانایی روبه‌رو شدن با شرایط غیرشفاف و سازمان نیافته	۷
	داشتن قدرت تشخیص سریع‌تر در شرایط مختلف محیطی و رویکرد پیشگیرانه		۸	
	عوامل فردی	الگوی نقش	استفاده از تجارب افراد موفق	۹
			علاقه و احترام به کار پیشکسوتان در این حوزه و اعتماد به آنها	۱۰
		منفعت‌طلبی	تجربه رویداد بی‌پولی و درآمد کم	۱۱
			تمایل به کسب سود اقتصادی و افزایش درآمدها	۱۲
		دانش	سطح علمی و علاقه به انجام کارهای علمی و تحقیقاتی یا داشتن روحیه علمی	۱۳
			شرکت در همایش‌ها و آموزش‌های تخصصی مرتبط داخلی و خارجی برای کسب دانش و آگاهی	۱۴
		نگرش	هوشیاری و استفاده از فرصت تحریم‌ها و شرایط اقتصادی بد	۱۵
			فرصت‌شناسی و داشتن هوشیاری کارآفرینانه	۱۶

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۷	حس و مهارت مدیریت و برنامه‌ریزی داشتن	مهارت‌ها	عوامل فردی	علی
۱۸	مهارت مدیریتی و کارآفرینانه			
۱۹	تمایل به کار تیمی و مشارکتی			
۲۰	تمایل به انتقال دانش و تجربه و اهداف در این حوزه			
۲۱	ارتباط با دوستان و افراد مؤثر در این حوزه و روابط بین‌فردی خوب با آنها			
۲۲	داشتن مهارت‌های اجتماعی			
۲۳	توانایی استفاده از دانش و فناوری‌های به‌روز در این حوزه			
۲۴	تلاش برای هم‌راستا کردن فعالیت‌های خود با سیاست‌های موجود و توجه به منافع کشور			
۲۵	معرفی مناسب و صحیح کار خود به جامعه و مسئولان برای جذب حمایت دولتمردان و تغییر دیدگاه جامعه (کسب مشروعیت)			
۲۶	آشنایی با فرایند و بازار حوزه مدیریت پسماند و سایر مهارت‌های فنی			
۲۷	استفاده از تجارب شغل قبلی	زمینه‌های شغلی و تجربه کاری	توانمندی شغلی	
۲۸	برقراری ارتباط خوب با محیط خارجی و کارآفرینان خارجی			
۲۹	علاقه به تلاش برای ارتقای مداوم سطح کیفیت خدمات به‌منظور جلب رضایت ذی‌نفعان			

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

### ۲-۲-۳. مقوله محوری یا پدیده اصلی

مقوله محوری که همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و تمام مقوله‌های اصلی دیگر به آن مرتبط هستند (Strauss and Corbin, 1990). در این پژوهش توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری به‌عنوان پدیده اصلی است.

### ۳-۲-۳. مقوله‌های زمینه‌ای

این مقوله نشانگر زنجیره‌ای از شرایط محیطی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش شامل ۱۹ مفهوم، ۷ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی است که عبارتند از: نهادهای رسمی و غیررسمی، زیرساخت‌ها، عوامل محیطی، فناوری‌ها و نوآوری. مفاهیم این مقوله در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲. مقوله‌های زمینه‌ای

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱	نبود چارچوب نهادی مناسب برای حمایت از حوزه مدیریت پسماندها	نهادهای رسمی	عوامل نهادی	زمینه‌ای
۲	نبود سازمان یا صنفی برای کسب و کارهای این حوزه (لزوم یک سازمان پاسخگو)			
۳	طولانی بودن مدت زمان اخذ مجوز به علت همخوانی نداشتن و موازی کاری و دخیل بودن چندین نهاد			
۴	حمایت دولت از طریق تأمین مکان سایت و بخشی از زیرساخت‌ها (حمایت‌های غیرمالی دولت)			
۵	نبود مشارکت مردمی مناسب در فرایندهای مدیریت پسماند به خصوص بخش تفکیک از مبدأ	نهادهای غیررسمی		
۶	نبود نگرش اجتماعی قوی در جامعه به حوزه مدیریت پسماند			
۷	عدم همکاری مفید با مراکز علمی و دانشگاهی در این خصوص			
۸	عدم توجه در مکان‌یابی سایت‌های پسماند	تجهیزات امکانات	زیرساخت‌ها	
۹	نیاز به سیستم مدیریت مناسب پسماند در کشور			
۱۰	زمان‌بر و هزینه‌بر بودن ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات و ...			

شرایط	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف	
زمینه‌ای	فناوری و نوآوری	دسترسی به فناوری‌ها	ناآشنایی با فناوری‌های جدید و پیشرفته	۱۱	
			توجه کم به نوآوری	۱۲	
			توجه کم به سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های سبز و بروز دنیا	۱۳	
	عوامل محیطی	محیط ملی و منطقه‌ای	کاربرد نوآوری و فناوری‌ها	پایین بودن سطح دانش فنی و تکنولوژی و فناوری‌های نوین و مناسب در حوزه مدیریت پسماندها در کشور ما	۱۴
				تأثیر بحران‌های مختلف مثل کرونا بر حوزه مدیریت پسماندها	۱۵
				تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با عوامل محیطی مانند موقعیت جغرافیایی	۱۶
				تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با عوامل فرهنگی	۱۷
				تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با شرایط اجتماعی	۱۸
				تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با شرایط اقتصادی	۱۹

مأخذ: همان.

#### ۴-۲-۳. مقوله‌های مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر که به شرایط میانجی یا واسطه‌ای نیز معروفند، کلی و عمومی هستند که راهبردها از آنها متأثر می‌شوند. در واقع آنها شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند. عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی، فرهنگ، آموزش و هنجارهای اجتماعی از مقوله‌های مداخله‌گر این پژوهش هستند که شامل ۳۲ مفهوم، ۱۱ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی است و در جدول ۳ آورده شده است.

### جدول ۳. مقوله‌های مداخله‌گر

شرایط	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف
مداخله‌گر	عوامل اقتصادی	شوک‌ها و مشکلات اقتصادی	وضعیت تحریم‌ها در جامعه	۱
			وجود تورم در اقتصاد	۲
			وضع اقتصادی موجود جامعه	۳
			سرمایه‌گذاری کم در حوزه مدیریت پسماند	۴
		مشکلات رقابتی	شرایط نابرابر رقابت در حوزه مدیریت پسماندها با سایر حوزه‌ها	۵
		وضعیت بازار محصولات	عدم یکپارچگی بازار	۶
			تخصصی بودن بازار هدف (اثر شناخت، تجربه و منطقه جغرافیایی و ... بر بازار این حوزه)	۷
		تأمین مالی	کمک در تأمین مالی از سوی شهرداری و فروش محصولات (کمپوست و بازیافت)	۸
			منبع همیشه در دسترس و تمام نشدنی ماده اولیه	۹
			جذب سریع‌تر و راحت‌تر بخشی از منابع مالی	۱۰
			وجود منابع مالی مخاطره‌پذیر	۱۱
	عوامل سیاسی	سیاست‌های نظارتی	نبود نظارت‌های مناسب در حوزه‌های اجرای مراحل مدیریت پسماند	۱۲
			تحت نظارت چندین نهاد دولتی بودن و وجود دستگاه‌های نظارتی متعدد در این حوزه	۱۳
			روابطی بودن انتخاب پیمانکاران	۱۴
		سیاست‌های تأمین مالی	عدم توجه به این حوزه در بودجه عمومی	۱۵
			عدم حمایت دولت برای ورود سرمایه‌گذاران به این حوزه	۱۶
		سیاست‌های حمایتی	ایجاد صندوق ملی محیط زیست	۱۷
			اجرای معافیت‌های مالیاتی در سال‌های اخیر	۱۸

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۹	وجود قوانین و مقررات زیست‌محیطی	موانع قانونی	عوامل قانونی	مداخله‌گر
۲۰	شفاف نبودن برخی مواد قانونی			
۲۱	نبود ضمانت اجرایی قوانین			
۲۲	مشکل قانون کار برای کارکنان این حوزه			
۲۳	نقش ضعیف NGOها در این حوزه	شبکه‌های اجتماعی	عوامل اجتماعی، آموزشی و فرهنگی	
۲۴	نبود شبکه‌های سراسری و قوی در این حوزه			
۲۵	عدم تعامل مناسب با شبکه‌های موجود			
۲۶	نبود آموزش کافی در این حوزه در شرح وظایف پیمانکاران	آموزش‌های تخصصی و ترویج و فرهنگ‌سازی		
۲۷	پایین بودن سطح دانش و آگاهی در زمینه توسعه کارآفرینی سبز			
۲۸	امکان وجود دوره‌های آموزشی متنوع‌تر و تخصصی‌تر در حوزه مدیریت پسماندها			
۲۹	نقش پررنگ دولت در حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی			
۳۰	عدم توجه کافی و لازم به فرهنگ و آموزش در حوزه مدیریت پسماندها			
۳۱	عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغات مؤثر در این حوزه در جامعه			
۳۲	عدم تعامل سازنده و مؤثر بین نهادهای ذی‌ربط			

مأخذ: همان.

### ۵-۲-۳. مقوله‌های راهبردی

این مقوله‌ها، راهبردهایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده محوری ارائه می‌دهند. راهبردهای حمایتی، اصلاحی، اجرایی (عملکردی)، ساختاری، آموزشی و فرهنگی که شامل ۲۳ مفهوم، ۵ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی می‌باشند از مقوله‌های راهبردهای این پژوهش هستند که در جدول شماره ۴ آورده شده‌اند.

جدول ۴. مقوله‌های راهبردی

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱	توجه بیشتر به بهره‌مندی از هر نوع یارانه و تسهیلات، معافیت‌ها و حمایت‌ها، بسته‌های تشویقی و ...	حمایت‌ها و مشوق‌ها و پیش‌برنده‌ها	راهبردهای حمایتی	راهبردها
۲	تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای سبز و استفاده از نوآوری‌های سبز در این حوزه			
۳	اصلاح قوانین و مقررات و استانداردهای زیست‌محیطی و مدیریت پسماندها	اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها	راهبردهای اصلاحی	
۴	اصلاح قوانین مالیاتی مرتبط با کسب‌وکارها و کارآفرینان سبز			
۵	تدوین دستورالعمل‌های نظارتی مناسب در این حوزه			
۶	تعیین شاخص‌ها و استانداردهای دقیق کسب‌وکارهای سبز			
۷	طراحی و توسعه سیستم کارآمد ارزیابی و مدیریت عملکرد کسب‌وکارهای فعال در این حوزه	فعالیت‌های اجرایی و عملکردی	راهبردهای اجرایی (عملکردی)	
۸	لزوم به‌کارگیری فناوری مناسب و نوین برای کاهش تخریب محیط زیست			
۹	واگذاری تمامی مسئولیت‌ها در سلسله‌مراتب حوزه مدیریت پسماندها به صاحبان این نوع کسب‌وکار			

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۰	لزوم الگوبرداری و استفاده از تجربه کشورهای موفق در این حوزه	آموزش و فرهنگ‌سازی برای نهادهای کارآفرینی سبز	راهبردهای آموزشی و فرهنگ‌سازی	
۱۱	لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و نوین در این حوزه			
۱۲	تدوین یک سند ملی برای ترویج و توسعه کارآفرینی سبز به‌خصوص در حوزه مدیریت پسماندها			
۱۳	ایجاد مراکز مشاوره و آموزش کارآفرینی سبز در راستای بهبود مهارت‌ها و شایستگی‌های فردی کارآفرینان			
۱۴	توجه پروژه‌های تحقیقاتی به شناسایی ظرفیت‌های موجود در حوزه مدیریت پسماندها			
۱۵	معرفی و تبلیغ رایگان دستاوردهای کسب‌وکارهای سبز در این حوزه در سطح جامعه			
۱۶	فراهم‌سازی فرصت‌های مناسب رسانه‌ای برای معرفی کارآفرینی سبز در حوزه‌های مختلف مخصوصاً حوزه مدیریت پسماندها			
۱۷	جلب همکاری دانشگاهیان و نخبگان جامعه برای بهره‌گیری پایدار از ظرفیتهای حوزه مدیریت پسماندها			
۱۸	معرفی ظرفیت‌های کارآفرینانه در حوزه مدیریت پسماند به دانشجویان و علاقه‌مندان و تشویق به راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه			
۱۹	لزوم تشکیل یک سازمان یا صنف متولی این امر در کشور	طراحی مجدد فرایندها و ساختارها	راهبردهای ساختاری	
۲۰	لزوم تدوین برنامه‌ها و سیاست‌ها و اهداف ویژه در این حوزه			
۲۱	لزوم ایجاد ارتباط و تعامل مناسب بین نهادهای مرتبط در این حوزه			
۲۲	لزوم پاسخگویی شفاف و تعامل سازنده با نهادهای نظارتی در این حوزه			
۲۳	لزوم استفاده از رویکردهای نوآورانه و دوستدار محیط‌زیست			



### ۶-۲-۳. مقوله‌های پیامدی

مقوله‌های پیامدی، نتیجه و حاصل راهبردها در مقابله با پدیده یا برای اداره و کنترل پدیده است. این مقوله‌ها شامل ۱۴ مفهوم، ۳ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی به نام توسعه پایدار هستند که در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. مقوله‌های پیامدی

شرایط	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف
پیامدها	توسعه پایدار	منفعت‌های اجتماعی	ارزش‌آفرینی برای جامعه	۱
			داشتن منفعت ملی (ایمنی، بهداشت، اجتماعی و ...)	۲
			افزایش آگاهی جامعه با مفاهیم کارآفرینی سبز و مدیریت پسماند	۳
			ارتقای سطح و کیفیت زندگی	۴
			توسعه مشارکت نهادهای مدنی	۵
			ایجاد نگرش خوب در ذی‌نفعان کلیدی و افکار عمومی جامعه (دستیابی به مزیت رقابتی)	۶
		منفعت‌های اقتصادی	ایجاد کار شایسته	۷
			سود اقتصادی قابل قبول	۸
			کمک به رشد اقتصادی پایدار	۹
			گسترش اقتصاد دایره‌ای	۱۰
			کمک به کاهش هزینه‌های دولت	۱۱
		منفعت‌های زیست‌محیطی	کمک به اصلاح الگوی مصرف و تولید پایدار	۱۲
			جلوگیری از آلودگی محیط زیست و کمک به حفظ و بهبود کارایی محیط زیست	۱۳
			کاهش آلودگی‌ها و بیماری‌های ناشی از عدم مدیریت بهینه پسماندها	۱۴

### ۳-۳. کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز و محوری به پیدایش مجموعه‌ای از مقولات می‌انجامد و با پیوند دادن مقولات به یکدیگر کدگذاری انتخابی گویند که نتایج گام‌های قبلی کدگذاری را به کار می‌برد و مقوله اصلی را انتخاب می‌کند و به‌شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد و برخی مقوله‌ها را پالایش و توسعه می‌دهد (Strauss and Corbin, 2014). با ترکیب ۱۶ مقوله اصلی پژوهش، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری انتخابی به دست آمد که با توجه به توضیحات فوق می‌تواند همه مباحث فعالان بخش خصوصی، مدیران دولتی و خبرگان دانشگاهی در حوزه کارآفرینی محیط زیست و مدیریت پسماند را تحت پوشش قرار دهد و جنبه تحلیلی نیز داشته باشد. براساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده ارائه شده است، جامعه آماری این پژوهش (افراد مصاحبه‌شونده)، در تجارب خود شرایط علی، بستر و پیامدهای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری را تجربه، درک یا تصور می‌کنند. از آنجاکه این افراد، کارگزاران و مجریان برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان مدیریت کارآفرینی و فرهنگ زیست‌محیطی کشور هستند و در موارد متعدد خود در مسائل مدیریتی و اجرای استراتژیک سهیم بوده‌اند، از کارآمدی و اثرگذاری عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها تشخیص دقیقی دارند. حال در این پژوهش باید مقوله‌ها را بهم مرتبط ساخت و نظام نظری ویژه‌ای را ارائه داد.

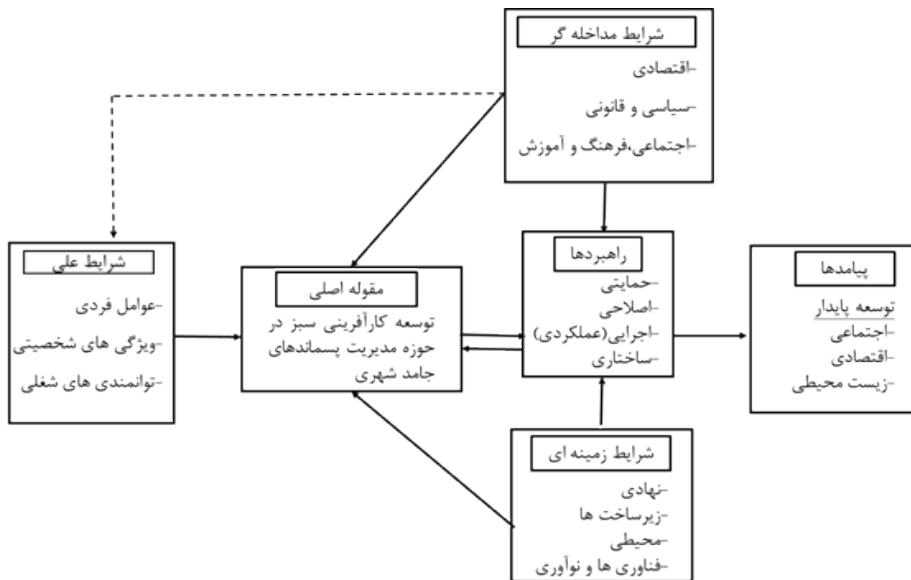
مقوله‌هایی که نتیجه کدگذاری انتخابی مربوط به پدیده توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری است عبارتند از: «ویژگی‌های شخصیتی، سرمایه‌های فردی و توانمندی‌های شغلی از جمله عوامل علی مؤثر و ضروری برای توسعه کارآفرینی سبز در زمینه مدیریت پسماندهای شهری می‌باشند. در تحلیل این مدل باید گفت شرایط مداخله‌گری نیز وجود دارد که می‌تواند در

توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری هم تأثیر شتاب‌دهنده یا تسهیل‌کننده و هم بازدارنده داشته باشد. این شرایط مداخله‌گر اثری چندسویه در مدل دارد و هم‌زمان بر پدیده مرکزی و بر راهبردهای موجود در مدل اثر مستقیم و بر شرایط علی به صورت غیرمستقیم اثر دارند. حمایت‌ها و مشوق‌ها، اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها، فعالیت‌های اجرایی و عملکردی، طراحی مجدد فرایندها و ساختارها، آموزش و فرهنگ‌سازی از جمله راهبردهای مؤثر برای نهادینه کردن کارآفرینی سبز در این حوزه است که با شرایط مداخله‌گری مانند عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی-قانونی، اجتماعی-فرهنگی و آموزشی، فرایند توسعه کارآفرینی سبز را تسهیل و تسریع می‌کنند. زمینه‌های انجام دادن این مهم با توجه به عواملی مانند نهادهای رسمی و غیررسمی، زیرساخت‌ها، بحران‌ها و عوامل محیطی، فناوری‌های نوین و نوآوری‌ها در این حوزه فراهم است که به اجرای راهبردها نیز کمک شایانی می‌کنند. یک رابطه دوسویه در مدل وجود دارد و آن هم اثر راهبردها به طور هم‌زمان بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها و بر پیامدهاست. منافع اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، پیامدهای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری محسوب می‌شوند و همه ذیل پیامد اصلی و مهم توسعه پایدار قرار می‌گیرند».

مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری در شکل ۱ ارائه شده است. برای اعتبار بخشیدن به ارتباطات بین مقوله‌ها و داده‌ها، یادداشت‌ها و کدگذاری‌ها بررسی شد و پس از مقایسه، اطمینان حاصل شد که طرح نظری، موارد مشاهده شده را تبیین می‌کند. برای افزایش اعتبار، مدل در اختیار خبرگان قرار گرفت که علاوه بر کارآفرینی و مدیریت پسماند با روش نظریه داده‌بنیاد نیز آشنا بودند و از آنان خواسته شد در مورد فرایند تدوین الگو و مدل

نهایی نظر دهند. بیشتر آنها مدل را تأیید کردند و برخی نیز نظر اصلاحی داشتند که در فرایند رفت و برگشتی، اصلاحات اعمال و نظر نهایی لحاظ شد.

شکل ۱. مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محیط زیست در کشورهای توسعه یافته نه یک مسئله فردی، بلکه خواست همگانی است که سهم آیندگان نیز در آن ادا می‌شود. اما در همه کشورها اوضاع به یک شکل نیست و امروزه بسیاری از کشورهای جهان با مسائل زیست‌محیطی مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کنند. شاخص‌های جهانی وضعیت محیط زیست و نمونه عینی آن در زندگی مردم ایران نشان می‌دهد که محیط زیست کشور وضعیت مطلوبی ندارد. همچنین تحولات زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی از یک سو و

گسترش فرایندهای تخریب محیط زیست در کشور ما به‌مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث شده موضوع حفاظت از محیط زیست بیش از گذشته در کانون توجه سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کشور قرار گیرد. از جمله مسائل زیست‌محیطی مهم در جهان و از جمله کشور ما مسئله پسماندهاست که فرصت‌های کسب‌وکار فراوانی در دل آن نهفته است. به‌بیان دیگر، کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها از طریق توسعه کسب‌وکار، ایجاد اشتغال، بهبود سطح رفاه اجتماعی و حفظ محیط زیست می‌تواند نقش در خور توجهی در توسعه همه‌جانبه کشورها ایفا کند. نتایج این پژوهش که به‌منظور طراحی مدلی برای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد تدوین شده، اهمیت و ارزش علمی بالایی دارد و نشان می‌دهد توسعه کارآفرینی در این حوزه، متأثر از عوامل گوناگونی است که مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

براساس مدل به‌دست آمده در این پژوهش، ویژگی‌های شخصی، عوامل فردی و توانمندی‌های شغلی از جمله عوامل ضروری بوده که اوضاع مساعدی را برای ورود کارآفرینان به حوزه‌های محیط زیستی از جمله مدیریت پسماندها فراهم می‌کنند. به‌عبارت دیگر، شرایط علی عواملی هستند که بر مقوله محوری اثرگذار است؛ شروطی لازم ولی ناکافی که برای دستیابی به پیامدهای حاصل از به‌کارگیری راهبردهاست؛ به‌گونه‌ای که وجود هر یک از موارد ذکر شده می‌تواند محرک فرد در ایجاد کسب‌وکارهای سبز شود.

شایان ذکر است از آنجاکه بسیاری از ویژگی‌های بیان شده علاوه بر جنبه ذاتی، جنبه اکتسابی نیز دارد، تمامی افراد با تقویت این ویژگی‌ها مانند اشتیاق و انگیزه برای حل مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، می‌توانند با نگرشی دقیق به‌طور مؤثرتر و هوشیارانه به شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار در این حوزه که هنوز تجاری‌سازی

نشده‌اند اقدام کرده و با کسب دانش و مهارت‌های فردی در این خصوص به نوآوری، نشر و انتقال فناوری، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و ایجاد مزیت رقابتی کمک کنند و در مسیر ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای سبز گام بردارند. در این پژوهش ضمن تأیید مطالعات الوکید و همکاران (۲۰۲۱)، یواروا و همکاران (۲۰۲۱)، میران و همکاران (۲۰۲۰) و تسپراسیت و همکاران (۲۰۲۰) که تنها ویژگی‌های شخصیتی نظیر استقلال‌طلبی، خوش‌بینی، خلاقیت، خودباوری و ... را در ایجاد تمایل برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای سبز مؤثر می‌دانند، به نقش مؤثر عوامل فردی مانند دانش، نگرش و مهارت‌های مختلف مدیریتی، اجتماعی، تخصصی و توانمندی‌های شغلی در انتقال دانش و نوآوری تأکید ویژه داشته که در نظریه سرریز دانش به آنها اشاره شده است.

در پژوهش‌های گذشته مفاهیمی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای مدل توسعه کارآفرینی سبز به این جامعیت مورد بررسی قرار نگرفته (کمتر به آن پرداخته شده) است. شرایط زمینه‌ای شامل عوامل نهادی، محیطی، زیرساخت‌ها، فناوری و نوآوری‌هاست. به‌بیان دیگر، طبق مدل تا زمینه وجود نداشته باشد، راهبردها آن‌طور که باید و شاید به نتیجه نمی‌رسند؛ یعنی در شرایط زمینه‌ای مناسب همچون وجود زیرساخت‌ها و بسترهای خوب کارآفرینی، محیط مطلوب برای کسب‌وکار، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دولتی و عمومی، محیط نهادی مناسب و ...، فعالیت‌های کارآفرینانه به‌طور مؤثرتری امکان پذیرند و در صورت وقوع، احتمال دستیابی به موفقیت تا حد چشمگیری افزایش می‌یابد. نتایج این بخش با نتایج مطالعات یواروا و همکاران (۲۰۲۱)، وفالوکید (۲۰۲۱)، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، شاهین‌فر و لاریجانی (۱۳۹۹)، میوه‌چی و عدالتیان شهریاری (۱۳۹۸) هم‌راستا است که به

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

عوامل نهادی، محیطی و فرهنگی - اجتماعی اشاره کرده‌اند. طبق نظریه نهادی، محیط نهادی کشورها عامل مهمی در توسعه کارآفرینی است.

بررسی مفاهیم و مؤلفه‌های شرایط زمینه‌ای در این پژوهش نشان می‌دهد که در سایه وجود چارچوب نهادی و سازمان یا سیستم پاسخگوی مناسب، نگرش و مشارکتهای بالا و تأمین امکانات و زیرساخت‌های مطلوب در حوزه مدیریت صحیح پسماندها، توجه و سرمایه‌گذاری‌ها برای جذب و توسعه فناوری‌ها و دانش فنی در این حوزه افزایش می‌یابد. در پژوهش‌های پیشین تنها به نقش نهادهای رسمی پرداخته شده در حالی که در پژوهش حاضر علاوه بر نهادهای رسمی به نهادهای غیررسمی (مانند مشارکتهای مردمی مناسب، نگرش اجتماعی قوی در جامعه و همکاری با نهادهای مرتبط و ...) که از تنوع، پیچیدگی و ماندگاری بیشتری نسبت به نهادهای رسمی برخوردارند نیز در کنار سایر عوامل زمینه‌ای مانند مقوله‌های محیطی، زیرساختی و فناوری توجه ویژه‌ای شده است.

عوامل مداخله‌گر بخش دیگری از مدل پژوهش هستند که در راستای تسهیل یا محدودیت تأثیر شرایط علی بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری عمل می‌کنند و در واقع شرایطی عمومی هستند که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مقوله‌های اقتصادی (مانند سوددهی و رشد اقتصادی، مشکلات رقابتی، بازار محصولات و ...) با نتایج پژوهش‌های پوتلوری و فانی (۲۰۲۰)، مویاکمنت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) و شاهین‌فر و لاریجانی (۱۳۹۹) همخوانی دارند. در پژوهش‌های هوآنگ تین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) و میران و همکاران (۲۰۲۰) به مقوله‌های سیاسی و قانونی از جمله (سیاست‌های نظارتی، مالی، حمایتی و موانع قانونی) توجه شده است. همچنین مقوله‌های اجتماعی - فرهنگی و آموزشی (مانند آموزش‌های تخصصی،

1. Moya-Clemente

2. Hoang Tien

ترویج فرهنگ‌سازی، توسعه شبکه‌های اجتماعی، تعامل و دسترسی با هم‌صنفان، منابع اطلاعاتی و ...)، که با پژوهش‌های موکونزا چیپو (۲۰۲۰)، یواروا و همکاران (۲۰۲۱) و شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارند، از جمله عوامل مداخله‌گر هستند. به‌طور کلی کارآفرینی و توسعه آن ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی دارد و نتیجه آن در رشد اقتصادی منعکس می‌شود. بنابراین باید عوامل ذکر شده در این پژوهش متناظر با شرایط و فرهنگ و رسوم هر ملت تهیه و تدوین شود. مؤلفه‌های قانونی باید به کارآفرینان، مصرف‌کنندگان و صاحبان کسب‌وکارها برای رسیدن به سطح رشد اقتصادی پایدار اعتماد به نفس لازم را دهد. دولت نیز به دلیل نقش اصلی که در مدیریت کشور به عهده دارد، می‌تواند از طریق حمایت‌های مختلف از جمله آموزش، مالی و ... کارآفرینی را در جامعه نهادینه کند، چراکه این کار سبب افزایش انگیزه و اشتیاق افراد به کارآفرینی می‌شود. در این پژوهش به تأثیر شرایط مداخله‌گر بر شرایط علی نیز پرداخته شده که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره نشده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند وضعیت اقتصادی جامعه، شرایط بازار، برخی سیاست‌های تشویقی مالیاتی و ... به تمایل و انگیزه در کارآفرینان برای کسب سود در حوزه مدیریت پسماندها منجر شده، بنابراین کارآفرینان سبز با درک و شناخت دقیق از شرایط حاکم بر جامعه، می‌توانند در جهت هم‌راستا کردن فعالیت‌های خود با شرایط سیاسی و اقتصادی موجود گام بردارند که این امر به توسعه کارآفرینی سبز می‌انجامد.

در مدل فوق راهبردها، کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر قرار دارند و راهبردهای حمایتی (مشوق‌ها و پیش‌برنده‌ها)، اصلاحی (اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها)، اجرایی (فعالیت‌های اجرایی و عملکردی)، آموزشی - فرهنگی و ساختاری (طراحی مجدد فرایندها و ساختارها) را شامل می‌شوند. بنابراین افراد،



گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع گوناگون هریک به سهم خود با اتخاذ این راهبردها می‌توانند در مسیر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری ایران گامی مؤثر بردارند. به بیان دیگر، توسعه کارآفرینی سبز در حوزه فوق از مسیر راهبردها می‌تواند به پیامدهای ارزشمند متعددی منجر شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. مقوله‌های راهبردی اعلام شده به صورت موردی و کلی با نتایج پژوهش‌های ردی کومیثا (۲۰۲۱)، وفالوکید (۲۰۲۱)، چیپو (۲۰۲۰)، هوآنگ تین و همکاران (۲۰۲۰)، نوردین و علی حسن (۲۰۱۹) مشابهت دارد. در پژوهش حاضر، علاوه بر اینکه به راهبردهای مختلف و جامعی اشاره شده آنها به طور مشخص نام‌گذاری و گروه‌بندی نیز شده‌اند. در حالی که در پژوهش‌های پیشین تنها به ارائه چند راهبرد کلی بسنده شده است. همچنین در این پژوهش به تأثیر دوگانه راهبردها (هم بر پدیده اصلی و هم پیامدها) اشاره شده است.

پیامدهای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری که شامل ابعاد توسعه پایدار یعنی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، آخرین بخش از مدل پژوهش است که نشان‌دهنده نتایجی است که در اثر راهبردها پدیدار می‌شوند؛ یعنی اتخاذ راهبردهای بیان شده در زمینه توسعه کارآفرینی سبز در این حوزه می‌تواند موجب رشد اقتصادی، ایجاد آثار مثبت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، دستیابی به مزیت رقابتی و نیز حفاظت از محیط زیست کشور یا به عبارتی نیل به توسعه پایدار شود. نتایج این بخش با نتایج مطالعات وفالوکید (۲۰۲۱) و هوآنگ تین و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. در بخش منفعت‌های اجتماعی به دنبال افزایش دانش و آگاهی جامعه با مفاهیم کارآفرینی سبز و مدیریت صحیح پسماندها، ارزش‌آفرینی برای جامعه و دستیابی به مزیت رقابتی از طریق ایجاد نگرش خوب در ذی‌نفعان کلیدی و افکار عمومی جامعه هستیم. در بخش آثار یا پیامدهای

اقتصادی می‌توان به کمک برای رشد اقتصادی پایدار و گسترش اقتصاد دایره‌ای و ایجاد و توسعه کار شایسته اشاره کرد. در بخش مزایای زیست‌محیطی هم به مواردی مانند کمک به اصلاح الگوی مصرف و تولید پایدار و نیز کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی توجه ویژه‌ای شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام شده به توصیف کلی پدیده کارآفرینی سبز پرداخته و صرفاً یک یا چند بعد از ابعاد مورد بررسی در این پژوهش را مدنظر قرار داده‌اند. حال آنکه این مطالعه به صورت گسترده همه عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری را به طور شفاف بیان کرده و با نگرش جامعی که به مسئله توسعه کارآفرینی سبز با توجه به اقتضات بومی ایران و براساس موقعیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور داشته بسیار حائز اهمیت است.

مشارکت این تحقیق با توجه به نوپا بودن نظریه نوآوری سبز در کارآفرینی قابل توجه است و با ارتباط دادن آن با نظریه‌هایی مانند سرریز دانش و استفاده آن در این حوزه به گسترش دانش در این خصوص کمک کرده است. همچنین نظریه نهادی و ذیل آن نظریه مشروعیت با اینکه در حوزه کارآفرینی سال‌هاست استفاده شده ولی کاربرد این نظریه‌ها در حوزه کارآفرینی سبز جدید است و با توجه به یافته‌های تحقیق در قسمت‌های مختلف خصوصاً در بخش نهادهای غیررسمی مشارکت قابل توجهی در این نظریه داشته است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدودیت‌های روش تحقیق کیفی، جامعه و نمونه تحقیق خصوصاً در شرایط گسترش ویروس کووید ۱۹ در سطح کشور اشاره کرد که شرایط و تعداد مصاحبه‌های حضوری را با محدودیتی جدی مواجه ساخت. مطالعات آتی می‌تواند در نمونه‌ای وسیع‌تر و با تحقیق کمی در

جامعه‌ای گسترده و در حوزه‌های مختلف کارآفرینی سبز انجام شود. همچنین کاربرد مدل مستخرج از این تحقیق و بررسی نتایج آن در حوزه‌های مختلف کارآفرینی سبز یکی دیگر از مسیرهای پژوهشی پیش رو باشد.

براساس یافته‌های این پژوهش در جهت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه کارآفرینی سبز می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

با توجه به نقش مؤثر عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در توسعه کارآفرینی سبز پیشنهاد می‌شود دولت و سیاستگذاران به‌جای ورود و دخالت مستقیم از طریق تأسیس صندوق حمایتی یا اعطای تسهیلات بدون سیاستگذاری، به انجام اصلاحات نهادی اقدام کنند. همچنین با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه متغیرهای فرهنگی و نهادهای غیررسمی و نیز شرایط محیطی و مداخله‌گر مطلوب، اعتماد متقابل به‌وجود آمده و انگیزه سرمایه‌گذاری در حوزه کارآفرینی سبز را تقویت می‌کند. از طریق بازنگری در قوانین و استانداردهای موجود، قوانین مالیاتی، قواعد کار و ... می‌توان در راستای تحقق اهداف کسب‌وکارهای سبز گامی مؤثر برداشت.

با توجه به نقش نگرش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در پیدایش این نوع فعالیت‌های کارآفرینانه، برگزاری جشنواره‌های کارآفرینان برتر سبز، انتخاب کارآفرینان برتر ملی از میان کارآفرینان زیست‌محیطی و اجتماعی و معرفی آنان در رسانه‌های جمعی می‌تواند موجبات تقویت فرهنگ کارآفرینی سبز را فراهم کند. از طرفی، معرفی فرصت‌های کسب‌وکار در عرصه‌های زیست‌محیطی با برگزاری دوره‌های آموزشی و حمایت از افرادی که دغدغه فعالیت‌های زیست‌محیطی را دارند، می‌تواند در پیدایش فعالیت‌های کارآفرینانه سبز اثرگذار باشد. مدیران باید فرصت‌ها، مشکلات، موانع و پتانسیل‌های موجود در حوزه مدیریت پسماندها را شناسایی و از فرصت‌های جدید بهره‌برداری کنند و در راستای اجرای راهبردها و پیامدهای آن کمک گیرند. جهت

تقویت شرایط علی در حوزه توسعه کارآفرینی سبز در ایران پیشنهاد می‌شود تا نسبت به آگاه‌سازی افراد در جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینی و ارائه مشوق‌های اقتصادی برای افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه اقدام‌های لازم انجام پذیرد. از جمله پیشنهاد‌های کاربردی دیگر می‌توان به توسعه مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌های زیست‌محیطی در ایران برای گسترش نوآوری و کارآفرینی سبز؛ ایجاد مدل‌های مالی برای تأمین مالی کارآفرینان سبز در ایران همچون سایر کشورها؛ هم‌راستایی و انسجام نهادهای مختلف برای کاهش و رفع مشکلات زیست‌محیطی از جمله پسماندها و تدوین یک سند ملی برای ترویج و توسعه کارآفرینی سبز به‌خصوص در حوزه مدیریت پسماندها اشاره کرد.

## منابع و مآخذ

۱. الهی، صفورا، سعید شوال پور، ناصر باقری مقدم و رضا نقی‌زاده (۱۳۹۹). «تحلیل سازوکارهای سرریز محلی دانش و بررسی پویایی آنها از منظر جغرافیای اقتصادی تکاملی (مورد مطالعه: خوشه تجهیزات نفت، گاز و پتروشیمی خوزستان)»، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره هشتم، ش ۳.
  ۲. امین صالحی، فرناس، عارف نوروز و کامبیز رضاپور (۱۳۹۷). «اولویت‌بندی فناوری‌های تبدیل پسماند شهری به سوخت زیستی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال چهارم، ش ۱۳.
  ۳. رشیدی، ورا (۱۳۹۶). «مروری بر مفهوم نظریه سرریز دانش کارآفرینی و اثرات آن بر کارآفرینی»، کنفرانس پارادایم‌های نوین مدیریت و علوم رفتاری، تهران، <https://civilica.com/doc/743108>
  ۴. رضایی، بیژن، نادر نادری و سحر رستمی (۱۳۹۹). «طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه)»، فصلنامه محیط زیست و توسعه پایدار، دوره ۹، ش ۱.
  ۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل و سارا ساری‌گل (۱۳۹۵). «اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای در حال توسعه منتخب»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۰(۷۸).
  ۶. شاهین‌فر، شیما و مریم لاریجانی (۱۳۹۹). «تدوین راهبردهای توسعه کارآفرینی سبز در روستاهای اطراف دریاچه اوان شهرستان قزوین»، دهمین همایش سراسری محیط زیست انرژی و منابع طبیعی پایدار، تهران.
  ۷. شریف‌زاده، محمدشریف، غلامحسین عبدالزاده و محمد رهبری (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌بندی زمینه‌های توسعه کسب‌وکارهای سبز در استان گلستان»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۲، ش ۲.
  ۸. منوری، مسعود (۱۳۹۹). *استراتژی‌های مدیریت پسماند شهری*، چاپ سوم، تهران، نشر تالاب.
  ۹. میوه‌چی، لیلا و جمشید عدالتیان شهریاری (۱۳۹۸). «نقش کارآفرینی سبز بر عملکرد زیست‌محیطی (براساس مدل خودسازمان‌دهی)»، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال سوم، ش ۲۵.
10. Acs, Z.J., D.B. Audretsch, P. Braunerhjelm and B. Carlsson (2009). "The Knowledge Spillover Theory of Entrepreneurship", *Small Business Economics*, 32(1).

11. Alwakid, W., S. Aparicio and D. Urbano (2021). "The Influence of Green Entrepreneurship on Sustainable Development in Saudi Arabia: The Role of Formal Institutions", *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18, 5433.
12. Audretsch, D.B. and E.E. Lehmann (2005). "Does the Knowledge Spillover Theory of Entrepreneurship Hold for Regions?", *Research Policy*, 34(8).
13. Bobkova, A., N. Andryeyeva, L. Verbivska, V. Kozlovtseva and Viktoriia Velychko (2021). "Environmental Responsibility in the Development of Green Entrepreneurship", *Estudios de Economia Aplicada*, Vol. 38-4 // ISSN: 1133-3197.
14. Colombelli, A. and F. Quatraro (2019) "Green start-ups and Local Knowledge Spillovers from Clean and Dirty Technologies", *Small Bus Econ*, 52.
15. Creswell, J.W. (2007). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
16. Demirel, P., Q.C. Li, F. Rentocchini and J.P. Tamvada (2019). "Born to be Green: New Insights into the Economics and Management of Green Entrepreneurship", *Small Business Economics*, 52.
17. Emerson, W.M. et al. (2011). "Stakeholder Theory: Issues to Resolve", *Management Decision*, Vol. 49, Iss. 2.
18. Hoang Tien, N., N. Quang Dai and K. To Thi (2020). "Green Entrepreneurship Understanding in Vietnam", *International Journal of Entrepreneurship*, Vol. 24, Issue: two.
19. Kaza, S., L. Yao, P. Bhada and F. Van Woerden (2018). "What a Waste 2.0, A Global Snapshot of Solid Waste Management to 2050", International Bank for Reconstruction and Development / the World Bank Group.
20. Khan, M. (2015). "Green Human Resource Management – A Prerequisite for Sustainable Environment", *Progress in Science and Engineering Research Journal*, 18(3).
21. Meirun, T., L. Makhlof and M. Ghazali Hassan (2020). "Environmental Outcomes of Green Entrepreneurship Harmonization", *Sustainability* , 12, 10615; doi: 10.3390/su122410615.
22. Mensah, J. and S. Ricart Casadevall (2019). "Sustainable Development: Meaning, History, Principles, Pillars, and Implications for Human Action: Literature Review", *Cogent Social Sciences*, 5, Article ID: 1653531. <https://doi.org/10.1080/23311886.2019.1653531>.
23. Moya-Clemente, I., G. Ribes-Giner and O. Pantoja-Díaz (2020). "Identifying Environmental and Economic Development Factors in Sustainable Entrepreneurship

- Over Time by Partial Least Squares (PLS)”, *PLOS ONE*, 15, <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0238462>.
24. Muangmee, Ch., Z. Dacko-Pikiewicz, N. Meekaewkunchorn, N. Kassakorn and B. Khalid (2021). “Green Entrepreneurial Orientation and Green Innovation in Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs)”, *Social Sciences*, 10, <https://doi.org/10.3390/socsci10040136>.
  25. Mukonza, Chipso (2020). “Analysis of Factors Influencing Green Entrepreneurship in South Africa”, UNU -INRA Working Paper, No. 20.
  26. Muo, Ik and A. Adebayo Azeez (2019). “Green Entrepreneurship: Literature Review and Agenda for Future Research”, *International Journal of Entrepreneurial Knowledge*, Vol. 7.
  27. Nikolaou, E., K. Tasopoulou and K. Tsagarakis (2018). “A Typology of Green Entrepreneurs Based on Institutional and Resource-based Views”, *The Journal of Entrepreneurship*, 27(1).
  28. Nordin, R. and R. Ali Hassan (2019). “The Role of Opportunities for Green Entrepreneurship Towards Investigating the Practice of Green Entrepreneurship among SMEs in Malaysia”, *Review of Integrative Business and Economics Research*, Vol. 8, Supplementary Issue 1.
  29. North, D.C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press.
  30. OECD (2011). *Sustainable Manufacturing and Eco-innovation: Framework, Practices*, U.S: OECD.
  31. OECD (2019). *Waste Management and the Circular Economy in Selected OECD Countries: Evidence from Environmental Performance Reviews*, OECD Environmental Performance Reviews, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/9789264309395-en>.
  32. Potluri, Seema and B.V. Phani (2020). “Incentivizing Green Entrepreneurship: A Proposed Policy Prescription (A Study of Entrepreneurial Insights From An Emerging Economy Perspective)”, *Journal of Cleaner Production*, 259 (120843).
  33. Reddy Kummitha, H. and R.K. Reddy Kummitha (2021). “Sustainable Entrepreneurship Training: A Study of Motivational Factors”, *The International Journal of Management Education*, No. 19.
  34. Seman, N., N. Zakuan, A. Jusoh, M. Arif and M. Saman (2012). “The Relationship of Green Supply Chain Management and Green Innovation Concept”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 57.
  35. Strauss, A. and J. Corbin (2014). “Basics of Qualitative Research: Techniques and

- Procedures for Developing Grounded Theory”, Sage Publications.
36. \_\_\_\_\_ (1990). “Basics of Qualitative Research”, Sage Publications.
37. Sulej, K.P., M. Krzywonos and I. Kwil (2021). “Environmental Entrepreneurship Bibliometric and Contentanalysis of the Subject Literature Based on H-Core”, *Journal of Cleaner Production*, Vol. 295.
38. Uvarova, I., I. Mavlutova and D. Atstaja (2021). “Development of the Green Entrepreneurial Mindset Through Modern Entrepreneurship Education”, IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science 628 (2021) 012034.
39. Tesprasit, K., P. Aksharanandana and A. Kanchanavibhu (2020). “Building Green Entrepreneurship: A Journey of Environmental Awareness to Green Entrepreneurs in Thailand”, *Journal of Information Technology Applications and Management*, Vol. 27, No. 5.
40. Vaidya, P.N. and D.V. Honagannavar (2017). “Green Entrepreneurship Towards Sustainable Environment”, *International Journal of Commerce and Management* 3(1).



# واکاوی چالش‌های مزایده در قانون اجرای احکام مدنی

یاسر غلامی،\* میثم جوادی\*\* و محمدباقر مقدسی\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۲۷۳-۳۰۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

مزایده یکی از مراحل مهم اجرای احکام مدنی است که طی آن اموالی که از محکوم‌علیه یافت شده به فروش می‌رسد تا از طریق آن طلب محکوم‌له پرداخت شود. به‌رغم اینکه قانون اجرای احکام مدنی تلاش کرده همه ضوابط ناظر بر مزایده را بیان کند، ولی نگاهی به قانون و رویه قضایی نشان می‌دهد ابهام‌های زیادی در عرصه عمل وجود دارد. در این مقاله نارسایی‌های قانون در خصوص ماهیت مزایده، ابهام برای درخواست‌کنندگان مجاز در برگزاری مزایده، ابهام در ابلاغ زمان مزایده به طرفین و اشخاص ثالث، فقدان معیار مشخص در قیمت مجاز فروش مال در مزایده دوم، همگام نبودن قانون با دارایی‌های روز در خصوص ارزهای دیجیتال و فقدان سازوکار قانونی در فروش سهام شرکت‌های بورسی، ابهام در قابلیت شرکت محکوم‌له در مزایده، ابهام در قابلیت فروش تمام مال مشاعی که صرفاً قسمتی از آن توقیف شده، ابهام در تشخیص بالاترین قیمت مزایده، اختلاف در الزام محکوم‌له به پرداخت ۱۰ درصد در صورت شرکت در مزایده، عدول برنده از مزایده، عدول قاضی از تنفیذ مزایده، شکایت از مزایده و طرح دعوی مستقل ابطال مزایده، قابلیت درخواست تأخیر یا توقف مزایده و اجمال در مصادیق ضبط ۱۰ درصد از مبلغ مزایده، بررسی شده‌اند. این مسائل که موجب تشتت رویه قضایی شده ضرورت بازنگری قانون اجرای احکام مدنی و تدوین قانونی جامع را اجتناب‌ناپذیر کرده است. این مقاله تلاش دارد به روش توصیفی و تحلیلی و با توجه به رویه حاکم بر مزایده، نارسایی‌های تقنین را در مقطع پیش، حین و پس از برگزاری مزایده شناسایی، معرفی و راهکار خود را ارائه کند.

**کلیدواژه‌ها: قانون اجرای احکام مدنی؛ مزایده؛ دادورز؛ محکوم‌علیه**

\* دکتر حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)؛  
Email: yassergh8@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران؛  
Email: meysam.javadi313@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد؛  
Email: mbmoghadasi@ub.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفتم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5292.5058

## مقدمه

برگزاری مزایده یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند اجرای حکم است. این مرحله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه نقطه عملیاتی اجرای حکم است و طی آن مالی از دارایی محکوم‌علیه به محکوم‌له داده می‌شود. این انتقال مال میان دو دارایی مستلزم رعایت تشریفات است که قانون اجرای احکام مدنی (۱۳۵۶) پیش‌بینی کرده است. عدم رعایت این تشریفات گاهی اعتبار و صحت مزایده را با ایراد مواجه می‌کند. بنابر اهمیت این موضوع فصل سوم قانون اجرای احکام مدنی در دو مبحث جداگانه تشریفات مربوط به فروش اموال منقول و اموال غیرمنقول را پیش‌بینی کرده است. ضوابط مقرر در این فصل هرچند تا حد زیادی پاسخگوی نیازهای نظری و عملی مأموران اجراست، اما جامعیت لازم را ندارد. نارسایی‌های قانون در این زمینه می‌تواند از سکوت، نقص، ابهام یا حتی تعارض مواد قانونی ناشی باشد. امری که در اصل (۱۶۷) قانون اساسی نیز پیش‌بینی و بیان شده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». با این اوصاف قاضی اجرای احکام و سایر متصدیان اجرا (مدیر اجرا و دادورزان) باید در برابر هر خلأ قانونی راهکار مناسب را یافته و حکم را اجرا کنند و نمی‌توانند به بهانه سکوت، نقص، ابهام یا تعارض در قانون از اجرای حکم امتناع ورزند. پرسش اصلی این تحقیق عبارت از این است که آیا مقررات حاکم بر مزایده در قانون اجرای احکام مدنی پاسخگوی تمام جوانب و فروعات مزایده است یا خیر؟ با نگاهی به قانون یادشده باید گفت پاسخ این پرسش منفی است؛ چراکه با بررسی این قانون درمی‌یابیم که موارد متعددی از سکوت، اجمال یا نقص قانون وجود دارد. هدف

اصلی این پژوهش نیز شناسایی و شمارش مهم‌ترین نارسایی‌های قانون اجرای احکام در مبحث مزایده و دسته‌بندی و ارائه راهکار متناسب با هریک از آنهاست. این مقاله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است و مطالب آن بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و تجربه نگارندگان در مرحله اجرای احکام تهیه شده است. در این راستا ابتدا مفهوم و ماهیت مزایده بررسی خواهد شد و سپس نارسایی‌های قانون اجرای احکام مدنی در سه مبحث پیش از مزایده، حین مزایده و پس از مزایده بررسی می‌شود.

### ۱. ابهام در ماهیت حقوقی مزایده

مزایده در لغت به معنای «بر یکدیگر افزودن و بالای دست هم رفتن» است و از آن به عنوان حراج هم نام برده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۵۱۵). در اصطلاح حقوقی مزایده معنای مشابهی دارد و نوعی از فروش مال به بالاترین قیمت پیشنهادی است. در مزایده قیمتی به عنوان «قیمت پایه» با رضایت طرفین یا نظر کارشناس مشخص می‌شود و فروشنده بهای مال را به مسابقه می‌گذارد تا بهترین پیشنهاد را برگزیند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۲۲). هرکس بیشتر از دیگری مبلغی را پرداخت کند برنده مزایده خواهد بود. اصطلاح «مناقصه» در برابر مزایده به کار می‌رود و با این هدف برگزار می‌شود که شخصی که به مال یا خدمتی نیاز دارد با ایجاد رقابت میان فروشندگان مال یا ارائه‌دهندگان خدمت، آن مال یا خدمت را به کمترین بها در اختیار گیرد (شمس، ج ۲، ۱۳۹۸: ۵۱۷).

یکی از ابهام‌های اساسی در قانون اجرای احکام مدنی ناظر بر ماهیت حقوقی مزایده است. اهمیت این موضوع از این جهت است که بر اساس ماهیت هر عمل حقوقی، آثار متمایزی بر آن بار می‌شود. بنابراین اگر بیع تلقی شود احکام بیع و اگر صلح یا یک قرارداد نامعین تلقی شود، تابع احکام آنها خواهد بود.

با دقت در فرایند اجرای مزایده در قانون اجرای احکام مدنی، به نظر می‌رسد مزایده عقد به معنای واقعی نیست، بلکه قالبی است که قرارداد در آن ریخته می‌شود و انتقال مال را در مسیر معین محقق می‌سازد؛ همانند وصیت تملیکی که عقد یا ایقاع را در خود جای می‌دهد (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۳۸۹). مطابق این تحلیل، مزایده قالب انتقال و آنچه سبب انتقال می‌شود «فروش» است. از این رو ماده (۱۱۴) قانون اجرای احکام مدنی بیان داشته است: «فروش از طریق مزایده به عمل می‌آید». هرچند در قانون اجرای احکام مدنی مزایده تنها راه فروش اموال نیست و فروش عادی هم در خصوص اموال ضایع شدنی و اشیایی که نگهداری آنها مستلزم هزینه نگهداری گزاف باشد، پیش‌بینی شده است. با این حال طریق عادی برای فروش مزایده است و نمی‌توان سایر عقود و قراردادها از قبیل صلح یا معاوضه را در قالب مزایده آورد. در هر حال عقدی که در قالب مزایده می‌آید لزوماً باید بیع باشد و تکرار واژه فروش در قانون اجرای احکام مدنی نیز دلالت بر این مهم می‌کند. هرچند این امر نوعی عقد تشریفاتی به‌شمار رفته (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۹)، اما آن تشریفات ماهیت بیع را سلب نمی‌کند و حکومت قواعد عمومی بر بیع مزایده‌ای باقی می‌ماند. انتخاب قالب مزایده از سوی مقنن برای حفظ حقوق محکوم‌علیه از طریق فروش مال به بالاترین قیمت است و نه مستثنی کردن آن از قواعد عمومی قراردادها. ممکن است برنده مزایده به‌موجب یکی از اسباب قانونی خیار فسخ بیع را پیدا کند یا به سبب یکی از اسباب ماهیتی مدعی بطلان آن شود. بنابراین جز در مواردی که برخلاف اهداف قانون برای پایان دادن به اجرای رأی است مانند پیش‌بینی خیار شرط برای خریدار، می‌توان از قواعد عمومی قراردادها و نیز شروط ضمن عقد در قرارداد دفاع کرد (همان).

## ۲. نارسایی‌های تقنین در مقطع پیش از برگزاری مزایده

برگزاری مزایده منوط به رعایت تشریفات پیشینی خاص از قبیل ارزیابی مال، نشر آگهی و ... است. دقت در قانون اجرای احکام مدنی نشان می‌دهد که موضوع‌های مهمی در این مقطع ابهام داشته، ناقص بوده یا مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است.

### ۱-۲. ابهام در عداد متقاضیان برگزاری مزایده

مطابق ماده (۲) قانون اجرای احکام مدنی، احکام دادگاه‌ها وقتی به‌موقع اجرا گذاشته می‌شوند که محکوم‌له، وکیل یا نماینده قانونی او کتباً درخواست کند. این قانون در تعریف محکوم‌له ساکت است و ابهام‌هایی را ایجاد کرده است. محکوم‌له با تکیه بر ظاهر قانون اجرای احکام مدنی تعریف ویژه خود را دارد. با تکیه بر این قانون محکوم‌له شخصی است که خواهان دعوی بوده و کلاً یا جزئاً حکم به سود او صادر شده است. پس چنانچه دادگاه در حکمی که صادر کرده خواهان را کلاً یا جزئاً محکوم به بی‌حقی نماید خواننده این دعوی اگرچه در دعوی کلاً پیروز شده است، اما از نظر قانون اجرای احکام مدنی محکوم‌له به‌شمار نمی‌رود؛ زیرا نه‌تنها اقامه دعوا نکرده بلکه در حکم صادره حقی برای وی اعلام نشده است. باین‌حال از منظر قانون آیین دادرسی مدنی این شخص محکوم‌له به‌شمار می‌رود، اما از منظر قانون اجرای احکام مدنی محکوم‌له محسوب نمی‌شود.

با پذیرش این تعریف ابهام‌هایی پیش می‌آید از قبیل اینکه آیا خواننده دعوا در گزارش اصلاحی تنظیمی دادگاه می‌تواند درخواست اجرای رأی و برگزاری مزایده کند؟ یا اگر تعهدات متقابلی در گزارش اصلاحی پیش‌بینی شود، آیا هر دو طرف می‌توانند اجرای تعهد طرف مقابل را بخواهند؟ مثلاً اگر شخصی علیه دیگری دعوی الزام به تنظیم سند رسمی اقامه کرده و سپس با طرف مقابل سازش نموده و در گزارش اصلاحی، خود را متعهد به پرداخت باقی‌مانده ثمن به خواننده کرده باشد، آیا

خواننده دعوی حق درخواست اجرای گزارش اصلاحی به سود خود و مزایده اموال برای گرفتن ثمن را دارد؟ آیا در دستور فروش مال مشاع یا تقسیم ترکه، خوانندگان می‌توانند درخواست برگزاری مزایده را به دادگاه ارائه کنند؟ آیا ورشکسته می‌تواند درخواست برگزاری مزایده کند؟

قانون اجرای احکام پاسخ صریحی به این قسم پرسش‌ها ندارد اما پاسخ به آنها در گرو ارائه تعریف مناسب از محکوم‌له است. اگر محکوم‌له را صرفاً کسی بدانیم که خواهان پرونده محاکمات بوده است دو اشکال پیش می‌آید: اشکال اول اینکه، تمام پرونده‌های وارده به اجرای احکام مدنی لزوماً حکم در معنای اخص کلمه نیست تا بتوان برای آن محکوم‌له تصور کرد؛ مانند دستور فروش مال مشاع. اشکال دوم، گاهی اجرای حکم دادگاه لزوماً محدود به تأمین منافع خواهان نبوده بلکه منافی برای خواننده نیز دارد مانند حکم بر تقسیم ترکه. بنابراین به نظر می‌رسد در هر موردی که بتوان برای یکی از طرفین دعوی حق مشروع و مستقیمی در اجرای حکم یافت باید به او حق تقاضای برگزاری مزایده داد ولو اینکه خواهان پرونده محاکماتی نبوده باشد. البته این حق محدود به طرفین دعواست و به شخص ثالث تسری نمی‌یابد. با این تعریف از محکوم‌له درخصوص آن نوع از گزارش اصلاحی که در آن برای هر دو طرف تعهداتی پیش‌بینی شده است (مثلاً خواهان ملتزم به پرداخت ثمن و خواننده ملتزم به تنظیم سند رسمی شده) با وجود نارسایی قانون باید گفت چنانچه خواهان درخواست اجرای آن را نکند، خواننده می‌تواند اجرای آن را درخواست کند؛ چراکه حق مشروع را برای او در اجرای حکم می‌توان یافت. دادگاه در هنگام صدور گزارش اصلاحی (سازش‌نامه) در مقام رسیدگی و قضاوت نیست تا بتوان آن سند را ماهیتاً حکم تلقی کرد بلکه به‌عنوان یک مقام رسمی، توافق‌های طرفین را همچون سردفتر اسناد رسمی نوشته و به آن رسمیت می‌دهد. به همین دلیل مطابق ماده (۱۸۴)

قانون آیین دادرسی مدنی از حیث اجرایی همانند احکام دادگاه لازم‌الاجرا خواهد بود. همچنین در خصوص تقسیم مال مشاع یا تقسیم ترکه چنانچه شرکای مال مشاع در نحوه تقسیم مال به توافق و سازش نرسند دادگاه مکلف است چنانچه مال شرایط تقسیم را داشته باشد (شرایطی از قبیل ممنوع نبودن و مشتمل بر ضرر نبودن و ...) آن را تقسیم کند و صورت مجلس تقسیم را تنظیم و در آن سهم هریک از شرکا را معین کند. این تصمیم دادگاه مطابق ماده (۳۲۴) قانون امور حسبی حکم تلقی می‌شود و قابل شکایت از طرق عادی و فوق‌العاده است. در نهایت به نظر می‌رسد پس از قطعیت حکم هریک از مالکان مشاع یا ورثه حق درخواست اجرای تقسیم‌نامه را دارند؛ زیرا مطابق ماده (۳۱۷) قانون امور حسبی، چنانچه مال قابل تقسیم نباشد هریک از ورثه می‌توانند فروش آن را از طریق مزایده درخواست کنند. بدیهی است چنانچه در خصوص دعوی تقسیم مال مشاع یا دعوی تقسیم ترکه، دادگاه به گزارش اصلاحی و سازش‌نامه مبادرت کرد؛ سازش‌نامه قابلیت اجرا خواهد یافت.

در خصوص ورشکسته نیز می‌توان گفت با توجه به مقررات حقوق تجارت، تاجر به محض قطعیت حکم ورشکستگی، از مداخله و تصرف در اموال و دارایی خویش ممنوع می‌شود. از آنجاکه درخواست برگزاری مزایده نیز مستلزم تصرف داشتن و مرتبط با اقدام‌های اجرایی است؛ تاجر حق درخواست برگزاری مزایده را ندارد. همان‌گونه که فراز پایانی ماده (۴۱۹) قانون تجارت بیان کرده «از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی اعم از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید به طرفیت مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود». در حقیقت با صدور حکم ورشکستگی همه دعاوی فردی تعلیق می‌شوند (اسکینی، ۱۳۸۷: ۷۰) از جمله این موارد مزایده‌هایی است که به طرفیت ورشکسته در حال اجراست. هیچ طلبکاری

حق ندارد به‌طور انفرادی درخواست مزایده کند و مطالبه طلب باید به طرفیت مدیر تصفیه و با رعایت مقررات حاکم بر تصفیه دیون ورشکسته انجام شود.

## ۲-۲. ابهام در ابلاغ زمان مزایده به طرفین و اشخاص ثالث

هرچند ماده (۱۱۹) قانون اجرای احکام مدنی انتشار آگهی مزایده را با هدف اطلاع عموم مردم الزامی کرده است اما در خصوص ابلاغ به محکوم‌علیه و محکوم‌له حکمی ندارد. درحالی‌که تأمین منافع محکوم‌علیه اقتضا دارد زمان و مکان مزایده به وی ابلاغ شود؛ زیرا مطابق ماده (۱۳۰) قانون اجرای احکام مدنی محکوم‌علیه می‌تواند تقاضا کند برخی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند یا اینکه خود بالاترین قیمت پیشنهادی را دهد و از فروش مال جلوگیری کند. در ماده اخیرالذکر قانونگذار حق تقدم در خرید و نیز اختیار در تقدم و تأخر در فروش اموال را برای محکوم‌علیه پیش‌بینی کرده است که اجرای آنها مستلزم ابلاغ زمان و مکان مزایده به محکوم‌علیه و اطلاع اوست. درحالی‌که برای اجرای صحیح این حق محکوم‌علیه ضمانت اجرایی وضع نشده و ممکن است به‌دلیل عدم اطلاع محکوم‌علیه از زمان و مکان مزایده زمینه شرکت وی در مزایده سلب شود. از این‌رو رفع این نقص قانونی ضرورت دارد. هرچند اداره حقوقی قوه قضائیه در جهت شفاف‌سازی از این ابهام در نظریه مشورتی شماره ۷/۶۴۶۸ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۴ بیان کرده است: «نظر به اینکه حسب ماده (۱۳۰) قانون اجرای احکام مدنی صاحب مال می‌تواند بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش مال جلوگیری کند لازم است وقت مزایده به او ابلاغ شود و در این صورت چنانچه حضور پیدا نکند تأثیری در انجام مزایده نخواهد داشت». به‌رغم سکوت قانونگذار، محکوم‌له نیز حقوق مشابهی در زمینه شرکت در مزایده دارد و لزوم ابلاغ به وی را توجیه می‌کند. تاجایی که اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۹۸/۶۴۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۰ بیان کرده است: «ابلاغ وقت مزایده به طرفین



یا وکلای آنان الزامی بوده و عدم ابلاغ می‌تواند از موجبات عدم تنفیذ و ابطال مزایده باشد». در خصوص شخص ثالثی که مال خود را به اجرای احکام معرفی کرده است نیز لزوم ابلاغ زمان مزایده ضروری است؛ چراکه وی برخلاف طرفین به پرونده دسترسی ندارد و نمی‌تواند از زمان مزایده اطلاع یابد و در نتیجه ممکن است به حقوق او لطمه وارد شود؛ زیرا وی می‌تواند مطابق ماده (۱۳۰) قانون اجرای احکام در روز مزایده با دادن بالاترین قیمت مانع از فروش مال شود و رعایت این حق مستلزم ابلاغ زمان و مکان مزایده به او است (شمس، ج ۲، ۱۳۹۸: ۵۲۵).

### ۲-۳. فقدان سازوکار قانونی در فروش سهام شرکت‌های بورسی

سهام شرکت‌ها یا در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است یا خیر؛ اگر سهام شرکتی در بورس پذیرفته نشده باشد فروش آن در قالب مزایده سنتی صورت می‌گیرد و پس از برگزاری مزایده مشخصات خریدار سهام به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام و در دفتر ثبت سهام ثبت می‌شود. باین حال در خصوص سهام شرکت‌های بورسی موضوع متفاوت است؛ زیرا مطابق ماده (۱۱۴) قانون اجرای احکام مدنی فروش اموال از طریق مزایده به عمل می‌آید و برگزاری مزایده نیز فرع بر رعایت تشریفات ویژه‌ای از قبیل انتشار آگهی مزایده و رعایت موعد قانونی از تاریخ انتشار آگهی و سایر تشریفات است. رعایت این تشریفات هر چند در خصوص اموال منقول عینی بسیار ضروری و حافظ منافع طرفین پرونده اجرایی است، اما در زمینه اموال غیرمادی مانند سهام شرکت‌های بورسی چنین ضرورتی احساس نمی‌شود. در خصوص نحوه فروش سهام محکوم‌علیه در شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار، قانون اجرای احکام مدنی ساکت است. آنچه مسلم است اینکه سازوکار خرید و فروش سهام در بورس به واسطه کارگزاری‌ها بوده و با فرایند سنتی مزایده در قانون اجرای احکام مدنی انطباق ندارد. در عین حال ممنوعیتی هم نداشته و امکان فروش از دو طریق

مزایده و فروش سهام از طریق بورس وجود دارد (شمس، ج ۱، ۱۳۹۸: ۳۵۵)؛ هرچند با توجه به سهولت فروش سهام از طریق بورس، محاکم عموماً روش فروش سهام را در بورس انتخاب می‌کنند. آنچه موجب ترجیح روش فروش سهام از طریق بورس بر روش فروش از طریق مزایده در اجرای احکام مدنی است، مزایای فروش از طریق بورس است. از جمله این مزایا می‌توان به سرعت و امنیت در فروش به دلیل انجام آن در بستر امن معاملاتی اشاره کرد. مزیت دیگری که دارد در نقدی بودن فروش و پرداخت آنی ثمن از سوی خریدار است. مزیت دیگر در کاهش هزینه‌های اجرای حکم از قبیل ارجاع امر به کارشناسی برای ارزیابی قیمت و منتفی شدن موضوع اعتراض به ارزیابی و به دنبال آن ارجاع امر به هیئت‌های سه و پنج نفره کارشناسی است که امروزه مرسوم است؛ چراکه با کشف قیمت آنی و لحظه‌ای در سامانه‌های معاملاتی بورسی که تعداد متقاضیان خرید حتی ممکن است از چند هزار نفر نیز عبور کند، مقرون به واقع‌ترین مظنه به دست می‌آید و متصدیان اجرا را از هرگونه صدور قرار کارشناسی برای ارزیابی قیمت بی‌نیاز می‌کند. حضور خیل بیشتری از مردم در مزایده و در نتیجه کشف قیمت واقعی و مظنه روز و نیز بی‌نیازی از اعلام و نشر آگهی در روزنامه از عوامل مهمی هستند که موجب ترجیح روش مزایده در بورس بر برگزاری مزایده سنتی در محل شعبه اجرای احکام مدنی است.

#### ۲-۴. همگام نبودن قانون با دارایی‌های روز در فروش ارزهای دیجیتال

ارزهای دیجیتال نوعی پول دیجیتال مقررات‌گذاری نشده‌اند که به‌طور معمول از سوی توسعه‌دهندگان آن کنترل می‌شوند و اعضای یک جامعه مجازی خاص آن را پذیرفته و مورد استفاده قرار می‌دهند (روشن، مظفری و میرزایی، ۱۳۹۸: ۵۰). این نوع پول کارکردهای سه‌گانه پول (سنجش ارزش، ذخیره ارزش، وسیله مبادله) را داراست (سلیمانی‌پور، سلطانی‌نژاد و پورمطهر، ۱۳۹۸: ۱۷۳). ارزیابی مبتنی بر

فناوری رمزنگاری (کریپتوکارنسی)<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند که با قرار گرفتن ذیل عنوان کلی ارزهای مجازی، امنیت و صحت پرداخت‌ها و مبادلات را در چارچوب عملکردی مشخص، تضمین می‌کنند (خلیلی پاچی و شاملو، ۱۴۰۰: ۳۰). این ارزها نوعی از پول الکترونیکی هستند با این تفاوت که همه تراکنش‌ها در آن رمزنگاری می‌شوند و فاقد نقطه مرکزی برای نظارت و کنترل شبکه و تراکنش‌ها بوده و برای تمام اعضای شبکه شفاف است. برای مجموعه این صفات، از عناوینی همانند «ارز دیجیتال»، «رمز ارز»، «پول مجازی» و «کریپتوکارنسی» استفاده می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۴۰۰: ۲). بیشتر ارزهای دیجیتال به منظور امنیت بیشتر، حذف واسطه‌ها و ناشناس بودن طراحی شده‌اند (DeVries, 2016: 1). این ارزها را هیچ بانک یا مؤسسه مالی یا حتی دولتی کنترل نمی‌کند و کاملاً غیرقابل ردیابی هستند (Lansky, 2018: 20)، یعنی برخلاف پول‌های رایج مانند دلار، تحت نظارت بانک مرکزی تکثیر و تنظیم نمی‌شوند (محمد علی‌نژاد و فرقانی، ۱۳۹۷).

امروزه ارزهای دیجیتال یکی از اقلام ارزشمند دارایی محکوم‌علیه به‌شمار رفته و هر روز به تعداد افرادی افزوده می‌شود که این قبیل دارایی‌ها را برای توقیف و مزایده به اجرای احکام معرفی می‌کنند. محل نگهداری این ارزها در صرافی یا در کیف پول‌های مخصوص است. صرافی ارز دیجیتال بستری است که در آن اشخاص ارزهای دیجیتال خود را معامله، تبدیل یا به کیف پول شخصی منتقل می‌کنند (Sood, Bansal and Enbody, 2013: 60). کیف پول وسیله‌ای برای دریافت، ارسال و ذخیره ارزهاست (Okic and et.al, 2019: 65-75). با توجه به قدمت قانون اجرای احکام و نوظهور بودن این دارایی‌ها درخصوص چگونگی توقیف و فروش این ارزها قانون ناقص است (غلامی، جوادی و مقدسی، ۱۴۰۱). با این وجود به نظر می‌رسد

در وضعیت فعلی و تا قبل از پیش‌بینی بستر و سازوکار مناسب مقنن، دادورز باید از طرق مقتضی که بیان آنها مجال مستقلی می‌طلبد به محل نگهداری ارزها دسترسی پیدا کرده و نسبت به توقیف و فروش آنها اقدام کند. از جمله روش‌های پیشنهادی این است که چنانچه دارایی‌های دیجیتال محکوم‌علیه در یک صرافی یا کیف پول ایرانی باشد اجرای احکام ضمن مکاتبه با مدیر صرافی یا کیف دیجیتال دستور توقیف آنها را صادر کند. به این ترتیب با توجه به اینکه روش معامله ارزهای دیجیتال نیز در بستری مشابه سازمان بورس و از طریق مزایده است دستور فروش ارزهای دیجیتال در سامانه معاملاتی و واریز مبلغ به حساب محکوم‌علیه یا صندوق سپرده دادگستری را صادر کند. اما چنانچه صرافی یا کیف پولی که ارزها در آن نگهداری می‌شود خارجی باشد در عمل دادورز کاری از پیش نخواهد برد مگر اینکه به طرق اختیاری یا قهری به رمز ورود حساب محکوم‌علیه در صرافی یا کیف پول خارجی دست پیدا کرده و نسبت به توقیف و فروش آنها و انتقال وجوه ناشی از فروش به حساب محکوم‌علیه یا صندوق سپرده دادگستری اقدام کند.

### ۳. نارسایی‌های تقنینی حین برگزاری مزایده

رعایت ضوابط حین برگزاری مزایده اهمیت زیادی دارد؛ چراکه چنانچه این تشریفات رعایت نشود، ممکن است کل فرایند مزایده را با چالش مواجه کرده و چه بسا در معرض ابطال قرار دهد. نگاهی به قانون اجرای احکام مدنی نشان می‌دهد در این مرحله نیز ایرادهای تقنینی متعددی وجود دارد.

#### ۳-۱. فقدان معیار مشخص برای قیمت فروش مال در مزایده دوم

براساس صدر ماده (۱۳۱) قانون اجرای احکام مدنی پس از یک مرتبه برگزاری مزایده و نبودن خریدار، محکوم‌له می‌تواند تجدید مزایده را درخواست کند. در ادامه این

ماده بیان شده است: «در صورت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت». عبارت «به هر میزانی» موجب اختلاف نظر در رویه قضایی و ابهام و اجمال به تفاسیر مختلف شده است. دسته‌ای معتقدند ظاهر ماده حکایت از این دارد که در مزایده دوم باید مال را به هر قیمتی که خریدار داشته باشد فروخت و قیمت کارشناسی ملاک عمل نخواهد بود. طرفداران این نظریه به قصور محکوم‌علیه در تأدیه حق محکوم‌له استناد می‌کنند. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز همسو با این نظر در نظریه شماره ۷/۳۷۶۲ مورخ ۱۳۸۴/۶/۸ بیان کرده است: «اگر مزایده تجدید شود مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت مع‌ذلک این میزان هم نباید نامتعارف باشد». دسته دوم معتقدند اگر کسی قیمت کم پیشنهاد کرد اصلاً خریدار تلقی نمی‌شود (موحدیان، ۱۳۹۵: ۲۷۸) و منظور از «به هر میزانی» در ماده (۱۳۱) قانون اجرای احکام مدنی آن قسمت از مال مورد مزایده شامل دانگ یا عدد است که قابل فروش است. با این توضیح که اگر «به هر میزانی» را به هر قیمت (کمتر از قیمت کارشناسی) بدانیم و عمل کنیم برخلاف مصلحت محکوم‌علیه و در تضاد با ماده (۱۳۲) قانون یادشده اقدام کرده‌ایم هرچند اختلاف قیمت ناچیز باشد؛ چراکه ماده (۱۳۲) در خصوص محکوم‌له مقرر کرده اگر محکوم‌له بخواهد مال را در قبال طلب خود بردارد باید به قیمت کارشناسی بردارد و این مهم نشان می‌دهد که در خصوص دیگران هم در هر حال قیمت کارشناسی باید لحاظ شود (مهاجری، ۱۳۸۴: ۷۰۹-۷۰۸).

درحقیقت در این خصوص نه‌تنها با ابهام و اجمال قانون مواجه‌ایم بلکه با تعارض ماده (۱۳۱) (خرید مال توسط غیر به هر قیمت) با ماده (۱۳۲) (قبول مال توسط محکوم‌له براساس قیمت کارشناسی) هم روبه‌رو هستیم.

برخی دیگر به نظر سومی متوسل شده‌اند و بر این باورند که مقنن از عبارت «به هر میزانی» همان «به هر قیمت» را در نظر دارد اما نه قیمت ارزیابی شده کارشناس

بلکه قیمتی پایین‌تر از آن، تا حدی که تفاوت فاحش نباشد و عرف نیز بر بیع صحه بگذارد و مزایده حالت سفهی پیدا نکند و از تعادل عوضین خارج نشود. این وضعیت هرچند به زیان محکوم‌علیه است، اما چون منتسب به قصور و عهدشکنی اوست، نباید گلایه کند (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۴۱۳). شاید بتوان در این باره معیار ۱۰ یا ۲۰ درصد کمتر از قیمت کارشناسی یا یک‌پنجم - که قبلاً در خیار غبن در قانون مدنی اشاره شده بود - را پیشنهاد داد. اما هیچ‌یک از این معیارها در وضعیت جنبه فعلی الزام‌آوری نداشته و موجب اختلاف نظر در رویه قضایی شده است.

قانونگذار در آخرین اراده‌اش برای قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (۱۳۹۴/۰۲/۰۱) معیاری را درباره وثایق بیان کرده که بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری مجاز می‌گیرند که می‌تواند معیاری شفاف و مشخص باشد و بتوان در سکوت و اجمال قانون اجرای احکام مدنی، از آن برای سایر موارد وحدت ملاک گرفت. بند دوم تبصره «۴» ماده (۱۹) این قانون در مقام بیان نحوه وصول مطالبات بانک‌ها از واحدهای تولیدی بدهکار بیان می‌دارد: «در مورد معاملات بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مجاز، هرگاه مال مورد وثیقه به مبلغ پایه کارشناسی رسمی دادگستری مرضی‌الطرفین خریداری نداشته باشد، به تقاضای بستانکار و ضمن اخطار به تسهیلات‌گیرنده و راهن، مهلت دو ماهه داده می‌شود تا طلب بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری را پرداخت کند و یا ملک مورد وثیقه را با پرداخت تمام یا بخشی از طلب بانک تا سقف مبلغ پایه مزایده فک رهن کند. چنانچه ظرف مدت مذکور طلب بستانکار پرداخت نشود، مال مورد مزایده به بالاترین مبلغ پیشنهادی مشروط بر اینکه کمتر از هفتاد درصد (۷۰٪) مبلغ پایه مزایده نباشد، به فروش رسیده و طلب بستانکار وصول می‌شود. در صورتی که در مزایده اول، مال مورد مزایده به فروش نرسد، تکرار مزایده با قیمت کارشناسی جدید بلامانع است». کمتر

نبودن قیمت فروش از ۷۰ درصد قیمت کارشناس یک ضابطه عینی و شفاف به‌دست می‌دهد که معقول و پذیرفتنی به‌نظر می‌رسد و می‌تواند در اصلاحات قانون اجرای احکام مدنی مورد تکرار و تأیید قرار گیرد. اما تا هنگام اصلاح قانون به‌نظر می‌آید چون مطالبات بانک‌ها ویژگی خاصی ندارد در سایر موارد هم بتوان از آن وحدت ملاک گرفت و نقص قانون اجرای احکام مدنی را با آن مرتفع کرد.

### ۳-۲. اختلاف در الزام محکوم‌له به پرداخت ۱۰ درصد در صورت شرکت در مزایده

براساس ماده (۱۲۷) قانون اجرای احکام مدنی، محکوم‌له می‌تواند مانند سایرین در مزایده و خرید مال شرکت کند. آنچه موجب ابهام و در نتیجه اختلاف نظر شده است به الزام یا عدم الزام وی به پرداخت بهای اموال و از جمله ۱۰ درصد در مجلس مزایده مربوط می‌شود. ظاهر ماده (۱۲۷) گویای حق شرکت وی در مزایده و در نتیجه الزام وی به پرداخت بهای اموال است. برخی حقوق‌دانان نیز از این نظر حمایت کرده‌اند (شمس، ج ۲، ۱۳۹۸: ۵۳۷). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ این دیدگاه را پذیرفته و بیان کرده است: «مقنن در ماده (۱۲۹) قانون اجرای احکام مدنی بین محکوم‌له با سایر کسانی که ممکن است برنده مزایده شوند قائل به تبعیض نشده است و لذا چنانچه ... محکوم‌له برنده مزایده شود باید ۱۰ درصد بها را فی‌المجلس تسلیم کند». با این حال به‌نظر می‌رسد این برداشت منطقی نیست؛ زیرا خریدار در مزایده مال را می‌خرد و بهای آن را می‌پردازد تا در مقابل محکوم‌به، به محکوم‌له داده شود.

بنابراین وقتی خریدار در مزایده شخص محکوم‌له باشد پرداخت بهای مال و به وعده (نسیه) قرار دادن آن را باید به دلیل تهاتر منتفی دانست. مگر اینکه بهای اموال مورد مزایده بیشتر از مبلغ محکوم‌به باشد که در آن صورت اجرای احکام باید تفاوت بهای اموال را تا میزان محکوم‌به با کسر هزینه‌های اجرایی نقداً از محکوم‌له

دریافت کند. در این مرحله چنانچه قائل بر این باشیم که مأمور اجرا می‌تواند پرداخت مابه‌التفاوت را به وعده قرار دهد می‌توان این اجازه را به وی اعطا کرد تا ۱۰ درصد از مابه‌التفاوت را فی‌المجلس از محکوم‌له بگیرد. بنابراین محکوم‌له با وجود حق شرکت در مزایده تکلیفی به پرداخت بهای مال ندارد. هر برداشت دیگری جز این موجب تعارض آن با ماده (۱۳۱) قانون مذکور خواهد شد که در فرض نبودن خریدار در مزایده، به محکوم‌له حق داده است تا معادل طلب خود را از اموال مورد مزایده به قیمت ارزیابی شده قبول کند. بدیهی است قبول مال در قبال طلب خود با عدم لزوم پرداخت بهای مال ملازمه دارد.

### ۳-۳. ابهام در قابلیت فروش تمام مال غیرمنقول مشاع

اموالی که از محکوم‌علیه توقیف می‌شود از دو قسم خارج نیست: اموال منقول و غیرمنقول. در هنگام توقیف مال منقول، آن مال به‌طور کامل توقیف می‌شود و مقنن اجازه توقیف بخش مشاعی آن را نداده است حتی اگر مبلغ محکوم‌به بسیار کمتر از ارزش مال منقول باشد. مطابق ماده (۵۱) قانون اجرای احکام مدنی: «از اموال محکوم‌علیه به میزانی توقیف می‌شود که معادل محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد. در این صورت اگر مال غیرمنقول باشد مقدار مشاعی از آنکه معادل محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی باشد توقیف می‌گردد». بنابراین در مال غیرمنقول امکان توقیف مقدار مشاع وجود دارد.

در هنگام مزایده اموال منقول مأمور اجرا با دشواری خاصی روبه‌رو نبوده و دادورز می‌تواند با رعایت حق محکوم‌علیه در انتخاب تقدم یا تأخر فروش هریک از اموال، آنها را به مقدار محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی بفروشد. ماده (۱۳۵) قانون اجرای احکام مدنی در مبحث مزایده اموال منقول بیان می‌دارد اگر قسمتی از اموال توقیف شده



برای پرداخت محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی کافی باشد بقیه اموال فروخته نمی‌شود و به صاحب آن مسترد می‌شود. اما نارسایی قانون اجرای احکام به اموال غیرمنقول مربوط است که اجازه توقیف قسمت مشاعی از آن را داده است. این نارسایی از آنجا ناشی می‌شود که در هنگام مزایده، خرید مقدار مشاعی از مال غیرمنقول با اقبال عمومی کمتری روبه‌رو می‌شود؛ زیرا خریدار مزایده با محکوم‌علیه شریک مشاعی خواهند شد و هرگونه انتفاع و تصرف مادی در مال منوط به کسب رضای شرکا خواهد بود؛ امری که در نظر خریداران عیب به‌شمار می‌آید و از رغبت آنان به شرکت در مزایده می‌کاهد. با وجود ابهام قانون اجرای احکام مدنی نمی‌توان به این بهانه که خریداری برای قسمت مشاعی پیدا نمی‌شود از مال رفع توقیف کرد و از اجرای حکم از محل آن صرف‌نظر نمود بلکه باید به تناسب عرفی میان محکوم‌به و قسمت مشاع مال به نسبت کل آن توجه کرد. چنانچه فاصله بین آنها زیاد نباشد و تناسب عرفی وجود داشته باشد باید کل مال فروخته شود. برای مثال اگر مبلغ محکوم‌به معادل پنج دانگ از شش دانگ باشد باید تمام مال فروخته شود و بهای مازاد به محکوم‌علیه مسترد شود؛ چراکه اگر یک دانگ باقی‌مانده فروخته نشود آن بخش به‌تنهایی با اقبال خرید روبه‌رو نخواهد شد. بنابراین مصلحت طرفین و نیز اجرای احکام در این موارد فروش تمام مال خواهد بود امری که نیازمند اعطای مجوز صریح مقنن بوده و در وضعیت فعلی گرایش چندانی به این نظر مشاهده نمی‌شود.

#### ۳-۴. ابهام در تشخیص بالاترین قیمت در مزایده

مطابق ماده (۱۲۸) قانون اجرای احکام مدنی در مزایده، مال متعلق به کسی است که بالاترین قیمت را ارائه دهد. تشخیص بالاترین قیمت در فرضی که خریداران نقد و به وعده (نسیه) هر دو حضور دارند با چالش مواجه می‌شود. به‌ویژه اینکه ماده (۱۲۹) قانون اجرای احکام این اختیار را به دادورز داده است تا به خریدار برای پرداخت بهای

مال مهلت اعطا کند. البته در این صورت باید ۱۰ درصد از بهای مال نقد پرداخت شود و باقی مانده را ظرف یک ماه پرداخت کند. گاهی برای مزایده خریداران متعدد حضور دارند که بعضی قیمت پایین اما نقدی و بعضی قیمت بالاتر اما غیر نقد (به وعده) پیشنهاد می‌دهند. در چنین فرضی قانون اجرای احکام مدنی در تشخیص بالاترین قیمت ناقص است. شاید در نگاه اول چنین به نظر رسد که باید قیمت بالاتر ولو غیر نقد را پذیرفت به‌ویژه که دادورز اختیار قانونی فروش به وعده را هم دارد. اما به نظر می‌رسد اختیار مذکور ناظر بر حالتی است که خریدار نقدی وجود نداشته باشد. البته محکوم‌له می‌تواند با تأخیر در وصول حق خود و اعطای مهلت موافقت کند یا محکوم‌علیه به دلیل ادامه سلطه وی بر مالش حق دارد پیشنهاد غیر نقد اما بالاتر را قبول کند. باین حال در صورتی که محکوم‌له موافق نباشد پیشنهاد غیر نقد بالاتر به خودی خود حق تقدمی ایجاد نمی‌کند و باید اصل سرعت در اجرا را به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر اجرای آرای مدنی در نظر گرفت و با قطعی کردن بیع در زمان مزایده و دریافت بهای مال زمینه تأدیه حقوق محکوم‌له را فراهم آورد (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۴۰۳)؛ چراکه برخلاف نظر برخی نویسندگان (شمس، ج ۲، ۱۳۹۸: ۵۳۸) قانون اجرای احکام مدنی در راستای اصل فوریت و سرعت اجرا در مزایده، اصل را بر نقدی بودن قرار داده است و فروش مال به وعده (نسیه) را اختیاری اعلام کرده است. علاوه بر این، نباید به اطلاق عبارت «بالاترین قیمت» در ماده مذکور در همه موارد اعتماد کرد و قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» را از یاد برد. درحقیقت رضایت محکوم‌علیه به قیمت پایین‌تر استثنای این ماده به‌شمار می‌رود. از این رو اگر محکوم‌علیه به فروش مال به قیمتی پایین‌تر به شخصی خاص رضایت داشته باشد، باید به حق او احترام گذاشت مشروط به اینکه مبلغ مورد رضایت او کفاف محکوم‌به و هزینه‌های اجرا را دهد.

### ۵-۳. ابهام در قابلیت عدول برنده از قبول مزایده

قانون اجرای احکام مدنی در خصوص حق انصراف و عدول برنده مزایده ساکت است. اما صرف نظر از ماهیت مزایده آنچه مسلم است لازم و غیرقابل فسخ بودن مزایده است؛ چراکه رسالت ذاتی اجرای احکام پایان دادن به نزاع از طریق اجرای سریع و فوری حکم است و قابل فسخ بودن مزایده با این رسالت منافات دارد. درعین حال بسیار پیش می‌آید که شخصی در مزایده حاضر شده و بالاترین قیمت را پیشنهاد داده و سپس انصراف می‌دهد. قانون مقرر صریحی در این باره ندارد. همچنین نمی‌توان انکار کرد که مزایده به لحاظ قواعد عمومی تابع قواعد عمومی قرارداد است و خيارات قانونی از جمله خیار مجلس در آن راه دارد و برنده مزایده تا زمانی که در مجلس مزایده حاضر است حق انصراف از آن را دارد. اما در کاربرد این خیار نباید حدود و ثغور و اقتضانات عملی اجرای احکام را فراموش کرد.

بنابراین اگر شخصی در مزایده حاضر شده و رقم بالایی را پیشنهاد داده است و صورت جلسه شده و رقبا نیز مجلس مزایده را ترک کرده‌اند، امکان تمسک به خیار مجلس وجود نخواهد شد؛ چراکه وی پس از جری تشریفات مزایده و کارشناسی قیمت و نشر آگهی، در روز موعود، در میان سایر رقبا حاضر شده و با اعلام قاطع خود موجب ترک مجلس مزایده از سوی رقبا شده و در چنین فرضی دیگر حق استناد به خیار مجلس نخواهد داشت. از این رو استناد وی به خیار مجلس محدود به زمانی است که هنوز مجلس مزایده برپاست و سایر رقبا حاضر بوده و ناظر بر انصراف وی هستند و می‌توانند پیشنهادهای خود را بیان کنند. با بیرون رفتن رقبا از مجلس مزایده در حقیقت مزایده پایان یافته و از آن لحظه دیگر امکان تمسک به خیار مجلس وجود ندارد.

### ۳-۶. نقص قانون در قابلیت درخواست محکوم‌له برای تأخیر یا توقیف مزایده

مطابق ماده (۲۴) قانون اجرای احکام مدنی دادورز پس از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل، توقیف یا قطع کند یا به تأخیر اندازد مگر به موجب قرار دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد یا ابراز رسید از محکوم‌له دایر بر وصول محکوم‌به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجرا. این سؤال پیش می‌آید که آیا محکوم‌له حق درخواست لغو برگزاری مزایده را در روز مزایده دارد یا خیر؟ اگر آری محدوده اختیار وی به چه میزان است؟ قانون اجرای احکام مدنی در این باره حکم صریحی ندارد و ظاهر ماده (۲۴) در بردارنده اختیار مطلق محکوم‌له است و حاکمیت ابتدایی وی بر شروع فرایند اجرا استمرار این حاکمیت در ادامه فرایند اجرا را نیز به ذهن متبادر می‌کند اما با قدری توجه به مصالح محکوم‌علیه و مصالح عمومی دادگستری این برداشت اشتباه به نظر می‌رسد؛ چراکه برگزاری مزایده مستلزم صرف زمان از سوی متصدیان اجرا و هزینه‌هایی از جمله هزینه‌های کارشناسی و نگهداری مال توسط محکوم‌علیه است. طولانی شدن فرایند اجرای حکم صرفاً محکوم‌له را متضرر نمی‌کند تا وی بتواند حاکمیت مطلق بر فرایند اجرای حکم داشته باشد و هر زمان بخواهد برگزاری مزایده را لغو کند؛ بلکه در مقابل، نظم عمومی دادگستری در سایه کثرت پرونده‌ها و نیز هزینه‌های چندباره کارشناسی اموال توقیف شده و همچنین هزینه نگهداری آنها که در نهایت همگی بر محکوم‌علیه تحمیل خواهد شد، حاکمیت مطلق محکوم‌له را بر فرایند اجرا مقید می‌کند. از این رو در راستای اجرایی شدن ماده (۲۴) قانون اجرای احکام مدنی از یک سو و جلوگیری از سوءاستفاده محکوم‌له از اختیارات قانونی خود باید به قدر متیقن اکتفا کرد و صرفاً یک بار به محکوم‌له اجازه داد تا بدون ارائه دلیل موجه برگزاری مزایده را لغو کند. کما اینکه ماده (۹۹) قانون آیین دادرسی مدنی

در خصوص زمان رسیدگی نیز بیان می‌دارد: «دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت طرفین فقط برای یک‌بار به تأخیر اندازد». بنابراین هرچند محکوم‌له در فرایند اجرای احکام مُحق است، اما طبق اصل چهلم قانون اساسی نمی‌تواند استفاده از این حق را وسیله اضرار به محکوم‌علیه یا نظام اجرای احکام دادگستری قرار دهد.

#### ۴. نارسایی‌های تقنین پس از برگزاری مزایده

با برگزاری مزایده، وظایف دادگاه و مأموران اجرای احکام خاتمه نمی‌یابد، بلکه ممکن است مسائلی مطرح شود که موجب بروز شبهاتی در خصوص صحت مزایده شود. مسائلی که در برخی موارد قانونگذار راهکاری برای حل آن پیش‌بینی نکرده است.

#### ۴-۱. ابهام در قابلیت شکایت از نحوه برگزاری مزایده

برگزاری مزایده یکی از اقدام‌هایی است که دادورز در فرایند اجرای حکم انجام می‌دهد. فرایند پر از فرازونشیبی که ممکن است با اشکال، اشتباه و تخلف از مقررات قانونی باشد. بر همین مبنا مقنن در ماده (۱۴۲) قانون اجرای احکام مدنی باب شکایت از دادورز را پس از برگزاری مزایده باز گذاشته و بیان داشته شکایت درباره تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدام‌های دادورز ظرف یک هفته از تاریخ وقوع با دادگاهی است که دادورز در آنجا مأموریت دارد. برابر این ماده دادگاه در وقت فوق‌العاده به موضوع شکایت رسیدگی کرده و در صورتی که شکایت را وارد و مؤثر دانست اقدامی را که برخلاف مقررات شده است را ابطال کرده و دستور مقتضی صادر می‌کند. واژه شکایت در این ماده در مفهوم عام است و نارضایتی شخص از اقدام‌های دادورز و برگزاری مزایده را می‌رساند. هدفی که از این شکایت دنبال می‌شود چیزی جز بی‌اثر کردن مزایده نیست. جهات شکایت شخص از دادورز می‌تواند تخلف وی از

مقررات قانونی پیش، حین یا پس از اجرای مزایده باشد. تخلفاتی از جمله عدم رعایت مقررات نشر آگهی مزایده، عدم رعایت مقررات جلسه مزایده موضوع ماده (۱۳۶) و ... می‌توانند مورد شکایت باشند. اما مطابق قسمت اخیر ماده (۱۴۲) قانون اجرای احکام مدنی آنچه در رسیدگی دادگاه و ابطال اقدام‌های دادورز اهمیت دارد، وارد و مؤثر بودن تخلفات است. با وجود شناسایی حق شکایت، نارسایی عمده قانون در خصوص آیین رسیدگی به این شکایت است. نقص قانونی که به اختلاف‌های عمده‌ای در رویه قضایی منجر شده و دعاوی متعدد با خواسته‌های گوناگون از قبیل دعوای ابطال مزایده و دعوای ابطال عملیات اجرایی و ابطال سند را به دنبال خود آورده است.

اولین نارسایی مبدأ شروع مهلت یک هفته‌ای است. این مهلت یک هفته‌ای در مواد (۱۳۶) و (۱۴۲) قانون اجرای احکام مدنی مورد اشاره قرار گرفته اما قانون در خصوص مبدأ شروع آن ساکت است. به نظر می‌رسد باید مبدأ را از تاریخ آگاهی و اطلاع شاکی از تخلف مورد ادعا دانست و نه از تاریخ برگزاری مزایده. باین حال چنانچه پس از مزایده به طرفین ابلاغ شده باشد صرف نظر از حضور یا عدم حضورشان در جلسه مزایده، باید مبدأ شروع مهلت را از تاریخ برگزاری مزایده در نظر گرفت؛ چراکه می‌توانسته‌اند در مهلت قانونی به پرونده اجرایی مراجعه کرده و از تخلفات احتمالی آگاهی یابند. باب چنین شکایتی نمی‌تواند تا ابد باز بماند مگر در خصوص محکوم‌علیهی که در تمام مراحل دادرسی و اجرا غایب بوده است. بدیهی است در صورت عدم رعایت مهلت، همچون سایر مهلت‌های قانونی که آمره‌اند، حق شکایت اسقاط می‌شود.

نارسایی دوم به معرفی ذی‌نفع در طرح شکایت مربوط است. این سؤال مطرح می‌شود که چه اشخاصی می‌توانند شکایت از مزایده را اقامه کنند؟ محکوم‌له، محکوم‌علیه، برنده مزایده و یا شخص ثالث؟ قانون در این باره سکوت کرده است.

محکوم‌له به دلیل فقدان تصور نفعی به سبب ابطال مزایده فاقد سمت در شکایت است، اما محکوم‌علیه به عنوان مالک مال و نیز برنده مزایده به عنوان خریداری که ممکن است از تخلفات دادورز زیان دیده باشد می‌تواند شاکی شود. از این رو برخلاف برخی حقوق دانان (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۴۳۴) حق طرح این شکایت محدود به محکوم‌علیه نیست؛ چراکه برای مثال برنده مزایده می‌تواند از کوتاهی دادورز در ذکر این مهم که ملک مورد مزایده در طرح دولتی واقع شده یا مستأجر دارد، زیان دیده باشد و حق شکایت دارد. اما در خصوص اشخاص ثالث که نسبت به اقدام‌های دادورز شکایتی نداشته و بلکه ادعای حقی نسبت به اموال مورد مزایده داشته موضوع از شمول ماده (۱۴۲) خارج بوده و مشمول مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی است.

نارسایی سوم در خصوص احصایی یا تمثیلی بودن جهات شکایت است. ماده (۱۳۶) قانون اجرای احکام مدنی وقوع چهار تخلف را موجب سقوط اعتبار مزایده و تجدید آن دانسته است. این پرسش مطرح است که آیا در سایر موارد که بعضاً از موارد مذکور در این ماده مهم‌ترند، امکان شکایت از مزایده وجود دارد؟ هرچند پاسخی در قانون یافت نمی‌شود اما به نظر می‌رسد نباید جهات شکایت را محدود به این موارد کرد. در غیر این صورت مواد (۱۰۵) و (۱۳۸) لغو و بیهوده خواهند بود. مقنن در ماده (۱۰۵) دادورز را مکلف به ذکر محل وقوع ملک و حدود و اوصاف آن از قبیل مشاع یا مفروز بودن و حقوق احتمالی سایر افراد نسبت به آن کرده است. ماده (۱۳۸) نیز دادورز را به ذکر اوصاف دقیق ملک در آگهی مزایده مکلف کرده است؛ اوصافی که در ایجاد علم، آگاهی، قصد و رضای خریدار مؤثرند. بنابراین تفسیر منطقی از مجموع مواد قانون اقتضا دارد جهات شکایت محدود به موارد مخصوص در ماده (۱۳۶) نشود و این اختیار را طبق ماده (۱۴۲) به دادگاه داد تا چنانچه اقدام‌های دادورز را «وارد» و «مؤثر» تشخیص دهد آن را ابطال کند.

نارسایی چهارم ناظر بر قابلیت اعتراض به تصمیم دادگاه است. قانون در این زمینه مقرر صریحی ندارد اما با توجه به ماده (۱۴۲) قانون اجرای احکام مدنی که بیان داشته اگر دادگاه شکایت را وارد دانست اقدام خلاف قانون را ابطال و دستور مقتضی صادر می‌کند می‌توان گفت تصمیم دادگاه قابل اعتراض نخواهد بود؛ زیرا مطابق این ماده دادگاه پس از ابطال، دستور جدید و مقتضی صادر می‌کند که این نشان از قطعی بودن تصمیم مذکور است. ضمن اینکه اصولاً فقط آرای دادگاه که در قالب حکم و قرار باشند قابل اعتراض هستند و نه عموم تصمیمات دادگاه.

#### ۲-۴. اختلاف در قابلیت عدول از تنفیذ مزایده

تنفیذ مزایده اصطلاحی برخواسته از رویه قضایی است و در قانون از آن سخن گفته نشده است. طبق ماده (۱۴۱) قانون اجرای احکام مدنی در اموال غیرمنقول پس از انجام مزایده صورت مجلس تنظیم و در آن مشخصات مالک، خریدار، ملک و قیمتی که به فروش رسیده است نوشته می‌شود و جهت نظارت به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاه ارسال می‌شود. مطابق ماده (۱۴۳)، دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور انتقال سند را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است. از این اقدام به‌عنوان «تنفیذ مزایده» یاد می‌شود که آخرین لایه نظارتی دادگاه بوده و پس از آن انتقال سند به نام خریدار انجام می‌شود. در این زمینه نارسایی قانون اجرای احکام مدنی ناظر به قابلیت عدول از تنفیذ است. هرچند ظاهر قانون این تصمیم را قطعی اعلام کرده است، اما رویه قضایی در تفسیر از قطعی بودن و عدم قابلیت عدول از آن به‌ویژه در زمانی که جهات بطلان مزایده قبل از انتقال سند مسلم و آشکار شده است تردید دارد. برخی حقوق دانان نیز به‌دنبال همین تردید عدول از تنفیذ را پذیرفته‌اند تا زمانی که هنوز سند به نام خریدار منتقل نشده است (شمس، ج ۲، ۱۳۹۸: ۵۹۰).



در خصوص امکان عدول از تنفیذ پس از انتقال سند به نام خریدار مزایده، پاسخگویی دشوار است؛ زیرا مانع جدیدی به نام سند رسمی پیش روی دادگاه وجود دارد که ابطال علی‌الرأس و مستقیم سند را با دشواری روبه‌رو می‌کند. در این باره نظریه شماره ۷/۹۴/۱۲۶۸ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه حق عدول از تنفیذ را پذیرفته و بیان داشته انتقال سند و انتقالات بعد به اشخاص ثالث نیز مانع از دستور یادشده نیست. با وجود ابهام در قانون به نظر می‌رسد این مقدار از توسعه اختیار دادگاه پذیرفتنی نبوده و بهتر است میان دو فرض تفکیک قائل شد. فرض اول اینکه سند به نام خریدار منتقل شده و به غیر منتقل نکرده و هنوز به نام اوست. در اینجا می‌توان اختیار دادگاه را توسعه داد و به دلیل عدم انتقال به غیر و کشف فساد مزایده، سند را رأساً ابطال کرد. در تأیید این اختیار می‌توان به ماده (۱۳۶) استناد کرد اما در فرض دوم که خریدار در مزایده آن را به غیر منتقل کرده و سند به نام شخص ثالث صادر شده است نمی‌توان از توسعه اختیار دادگاه حمایت کرد؛ چراکه شخص ثالث به‌عنوان فردی که در جریان مزایده نبوده و اساساً نمی‌توانسته از جهات و موجبات بطلان مزایده علم حاصل کند در پناه سند رسمی حق قابل حمایتی به‌دست آورده است که دادگاه را از ابطال سند بازمی‌دارد.

### ۳-۴. ابهام در قابلیت اقامه دعوی مستقل ابطال مزایده

یکی از نارسایی‌های مهم قانون ناظر بر قابلیت ابطال مزایده از طریق اقامه آن در قالب دعوای مستقل حقوقی است؛ امری بسیار شایع که محاکم قضایی نیز درباره نحوه برخورد با چنین دعوای دچار اختلاف نظر هستند. قانون اجرای احکام مدنی در این زمینه بسیار نارس است و مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است. بخش بزرگی از رویه قضایی ضمن پذیرش چنین دعوایی در بررسی جهات و موجبات آن سهل‌گیری کرده و مزایده‌هایی که گاهی سال‌ها از زمان آن می‌گذرد و چندین بار میان ایادی

مختلف منتقل شده‌اند را باطل اعلام می‌کند. رویه‌ای که علاوه بر سلب اعتماد از دادگستری و تضعیف جایگاه اقدام‌های آن در جامعه، موجب تشکیل پرونده‌های بسیاری به تبع ابطال نابجای یک مزایده می‌شود. پرسش اصلی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا خارج از چارچوب موضوع ماده (۱۴۲) قانون اجرای احکام مدنی، امکان طرح دعوای مستقل و خارج از مدت مذکور با خواسته ابطال عملیات اجرایی یا ابطال مزایده وجود دارد خیر؟ قانون در پاسخ به این پرسش، مقررہ صریحی ندارد و رویه قضایی نیز مشخص نیست.

در تأیید و تقویت امکان طرح چنین دعوایی دلایلی را می‌توان ارائه کرد از جمله اینکه: اولاً، دادخواهی مستقل حق هر فردی است و تا زمانی که در این موضوع با ایراد اعتبار امر مختومه برخورد نکند، قابلیت رسیدگی وجود دارد. ثانیاً، در برخی موارد متقاضی ابطال شخص ثالث است که اساساً مستقیم یا غیرمستقیم در فرایند عملیات اجرایی حضور نداشته تا بتواند از حق شکایت مذکور در ماده (۱۴۲) استفاده کند لذا تنها راه ممکن برای دادخواهی وی طرح دعوای مستقل است. ثالثاً، ابطال مزایده در واقع ادعای امری خلاف اصل صحت معاملات است که بهتر است طی یک دادرسی کامل و دقیق و با لحاظ اصل دو درجه‌ای بودن دادرسی باشد تا از اعتبار کافی برخوردار شود. رابعاً، اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. اینکه قانون اجرای احکام مدنی جهات ابطال مزایده را احصا کرده و هیچ حکم صریح یا ضمنی در خصوص عدم امکان طرح دعوای مستقل اعلام نداشته گویای حق دادخواهی مستقل است. چه بسا برخی از عواملی که ممکن است مطابق قواعد عمومی قراردادهای ایرادهای ماهوی وارد بر بیع باشند بر مزایده وارد شود یا ادعای فسخ آن به یکی از جهات قانونی مطرح گردد که مستلزم طرح آن در قالب دعوایی مستقل است؛ زیرا همان‌گونه که برخی نویسندگان گفته‌اند سقوط چنین حقوقی نسبت به بیعی که از طریق مزایده انجام می‌شود نیازمند تصریح قانونی است

که وجود ندارد. از این رو قواعد عام حاکم است و به دستاویز منعقد شدن بیع در قالب مزایده نمی‌توان دعوا را غیر قابل استماع دانست (همان: ۵۷۸).

از سوی دیگر، در مخالفت با امکان طرح مستقل دعوای ابطال عملیات اجرایی و ابطال مزایده، استدلال‌های زیر قابل ارائه است: اولاً، قانونگذار جهات بطلان مزایده را احصا کرده و در مقام بیان بوده و موعد قانونی یک هفته‌ای هم برای رسیدگی به آن در نظر گرفته است. بنابراین عدم استفاده مدعی از این حق شکایت نوعی اسقاط ضمنی حق هرگونه ادعا در آینده محسوب می‌شود. ثانیاً، در صورت مواجهه با عوامل بطلان مزایده، دادگاه (دادرس اجرای احکام) می‌تواند رأساً از دستور تنفیذ مزایده عدول کرده و مزایده را باطل اعلام کند. لذا اساساً نیازی به طرح دعوای حقوقی مستقل و طی مراحل طولانی دادرسی نیست.

در وضعیت سکوت قانون و نارسایی آن باید به دنبال راهی بود که به اصول حقوقی و عدالت طرفینی نزدیک‌تر باشد. باید بین فروض مختلف قائل به تفکیک شد: همان‌طور که در مبحث تنفیذ مزایده اشاره شد چنانچه جهات بطلان مربوط به تشریفات پیش و حین مزایده بوده یا اینکه به طرفین پرونده و اشخاص شرکت‌کننده در مزایده (خریداران) مربوط بوده اما هنوز مزایده تنفیذ نشده یا تنفیذ شده اما سند رسمی به نام خریدار منتقل نشده یا حتی سند به نام خریدار انتقال یافته و هنوز به نام اوست، در این وضعیت دادگاه مکلف است رأساً وضعیت مزایده را بررسی کرده و در صورت لزوم آن را باطل کند. اما چنانچه ادعای بطلان مزایده را اشخاص ذی‌نفع در زمانی مطرح کنند که مزایده تنفیذ شده و سند آن از مالکیت خریدار خارج و به غیر منتقل شده است و یا جهات بطلان مزایده ناظر بر قواعد عمومی قراردادها بوده و نه تشریفات مزایده، به‌ناچار باید دعوای مستقل را پذیرفت.

#### ۴-۴. اجمال در مصادیق ضبط ۱۰ درصد از مبلغ مزایده

مطابق ماده (۱۲۹) قانون اجرای احکام مدنی چنانچه خریدار در مزایده، مال را به وعده (نسیه) بخرد باید ۱۰ درصد از قیمت پیشنهادی اش را همزمان بپردازد و باقی مانده را ظرف مهلت یک ماه پرداخت کند وگرنه مبلغ به نفع دولت ضبط خواهد شد. یکی از نارسایی های قانون عبارت مطلق مذکور در این ماده مبنی بر ضبط ۱۰ درصد در پایان مهلت است. اطلاقی که می تواند مشکل آفرین باشد و این ابهام را ایجاد می کند که چنانچه در مهلت یک ماهه باقی مانده بهای مال پرداخت نشد و برنده مزایده علت تأخیر را عذرهای موجه قانونی مذکور در ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی مدنی عنوان کرد، تکلیف دادورز چیست؟ حتی ممکن است عذر موجهی هم اعلام نکند اما در مهلت مقرر به پرداخت قادر نشود، آیا باید بلافاصله وجه را ضبط کرد؟ قانون اجرای احکام مدنی در پاسخ به این سؤال ها نارساست.

به نظر می رسد نه تنها تمسک به عمومات (عذرهای موجه قانونی) برای توجیه دیر کرد خریدار مسموع است، بلکه حتی بدون اظهار عذر موجه نیز به شرط رضایت محکوم له و محکوم علیه امکان تمدید مهلت وجود داشته باشد؛ چراکه با تحقق مزایده مقتضی مالکیت خریدار ایجاد شده است و تخلف وی از پرداخت در موعد مانعی موقتی ایجاد کرده است که با پرداخت باقی مانده وجه ولو خارج از مدت این مانع برطرف می شود (اذا زال المانع عاد الممنوع). درحقیقت با تحقق مزایده حق مالکیت برای خریدار ایجاد شده است و ماهیت سپرده ای که برنده مزایده به اجرای احکام تحویل می دهد وجه التزام تخلف قراردادی نیست که به محض تخلف توقیف شود بلکه برای تحکیم قرارداد است (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۴۰۵). بنابراین نباید صرف چند روز تأخیر در پرداخت موجب ضبط آن شود. این عدم سخت گیری به لحاظ اقتصادی نیز - از این حیث که اجرای احکام را از مزایده دوم می رهاند و محکوم له نیز زودتر به حق خویش می رسد - مفید است.

با عدم پذیرش این نظر باید به‌ناچار با رعایت تمام تشریفات مزایده دوم را برگزار کرد که هم پیدا شدن خریدار در آن مزایده و هم فروختن مال در حدود قیمت کارشناسی قطعیت ندارد. بنا به مراتب فوق اگر تا قبل از انتشار آگهی مزایده دوم و حتی شاید بتوان گفت تا قبل از برگزاری جلسه مزایده دوم (همان موضوع) باقی‌مانده وجه پرداخت شد باید از برگزاری مزایده دوم دست کشید. درعین حال به‌دلیل سکوت قانون این موضوع به اختلاف رویه در محاکم منجر شده است.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگر از مرحله اجرای احکام به‌عنوان مهم‌ترین مرحله فرایند دادرسی نام برد، سخن گزافی نیست، چراکه در این مرحله نتایج مراحل قبلی به ثمر نشست و خواهان به مقصود می‌رسد. در این میان می‌توان از مزایده به‌عنوان قلب مرحله اجرای احکام یاد کرد؛ زیرا از کانال مزایده، اموال یافت شده از محکوم‌علیه به فروش رسیده و محکوم‌له به آنچه خواسته خود می‌رسد. از این‌رو قانون اجرای احکام مدنی، فصل مجزایی به این موضوع اختصاص داده است. به‌رغم این موضوع با گذشت بیش از ۴۰ سال از تاریخ تصویب قانون اجرای احکام مدنی، نارسایی‌های این قانون زمینه تشتت و اختلاف نظر در رویه قضایی را موجب شده است. گرچه برخی از این نارسایی‌ها از طرح مسائل مستحدثه و ظهور اموال جدید مانند ارزهای دیجیتال و سهام شرکت‌های بورسی ناشی می‌شود، ولی در مواردی به‌علت عدم توجه قانونگذار به جنبه‌های عملی اجرای احکام مدنی است. بر این اساس تدوین قانون جدید اجرای احکام مدنی با لحاظ پیشرفت‌های عصر جدید و با الهام از مسائلی که در این مدت در مرحله اجرا مطرح شده است، ضرورتی انکارناپذیر است. از این‌رو در تدوین قانون جدید باید ضمن توجه به نظرهای حقوق‌دانان، از تجربه مأموران اجرای احکام نیز استفاده شده و قانون جامعی تدوین شود.

## منابع و مأخذ

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۷). حقوق تجارت؛ ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
۲. حبیب‌زاده، طاهر (۱۴۰۰). «رمز ارزها از نظر مبانی فقهی و حقوقی»، قابل دسترسی در [www.drhabibzadeh.com](http://www.drhabibzadeh.com).
۳. خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳). حقوق حاکم بر اجرای آرای مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴. خلیلی پاچی، عارف و باقر شاملو (۱۴۰۰). «جرم‌انگاری در حوزه رمز ارزها»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۲۱.
۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه، چاپ اول از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. روشن، محمد، مصطفی مظفری و هانیه میرزایی (۱۳۹۸). «بررسی فقهی و حقوقی بیت‌کوین»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، ش ۸۸.
۷. سلیمانی‌پور، محمد مهدی، حامد سلطانی‌نژاد و مهدی پورمطهر (۱۳۹۸). «بررسی فقهی پول مجازی»، فصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ش ۲.
۸. شمس، عبدالله (۱۳۹۸). اجرای احکام مدنی، جلد‌های اول و دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات دراک.
۹. قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۸). مختصر قراردادها و تعهدات، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۰. غلامی، یاسر، میثم جوادی و محمدباقر مقدسی (۱۴۰۱). «اجرای احکام مدنی از محل ارزهای دیجیتال»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۲۱.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). عقود معین، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار.
۱۲. محمدعلی‌نژاد، بهزاد و شهاب فرقانی (۱۳۹۷). «بررسی جنبه‌های استفاده از ارزهای دیجیتال بر تجارت الکترونیک در ایران»، تهران، کنفرانس بین‌المللی نوآوری در مدیریت کسب‌وکار و اقتصاد.
۱۳. موحدیان، غلامرضا (۱۳۹۵). آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات فکرسازان.
۱۴. مهاجری، علی (۱۳۸۴). شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان.

16. Lansky, J. (2018). "Possible State Approaches to Cryptocurrencies", *Journal of Systems Integration*, Vol. 9(1).
17. Okic, S., A. Cvetkovic, S. Adamovic, N. Ristic and P. Spalevic (2019). "Comparative Analysis of Cryptocurrency Wallets Vs Traditional Wallets", *Ekonomika*, Vol. 65(3).
18. Sood, A.K., R. Bansal and R. Enbody (2013). "Cybercrime: Dissecting the State of Underground Enterprise", *IEEE Internet Computing*, No. 1.





# ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور

حسن اختری،\* رضا جلالی،\*\* علی اکبر امینی\*\*\* و کاظم جلالی\*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۳۰۵-۳۳۴
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

نمایندگان مجلس از نظارت و پاسخگویی در قبال رفتار و عملکردشان مصون نیستند و اکثر پارلمان‌های دنیا نوعی نظارت (درون‌سازمانی، برون‌سازمانی یا ترکیبی) بر رفتار نمایندگان خود دارند و کسی در اصل نظارت بر رفتار نمایندگان تردید چندانی ندارد اما در شیوه اعمال نظارت تفاوت‌ها و رویه‌های مختلفی به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر، با هدف ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور انجام شد. روش مطالعه پیمایشی است و نمونه تحقیق را ۱۶۳ نفر از نمایندگان ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل داده‌اند. برای طراحی پرسشنامه، ابتدا با ۱۲ نفر از افرادی که بیش از سه دوره سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی داشتند، مصاحبه عمیق صورت گرفت و سپس از درون مصاحبه‌ها، پرسشنامه طراحی شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۹۴/۸ درصد از افراد نمونه مطالعه مرد و ۵/۲ درصد زن بودند. بیش از نیمی از پاسخگویان تحصیلات دکتری و نمایندگان دوره‌های نهم (۲۲/۵ درصد) و هشتم (۱۹/۷ درصد) مجلس شورای اسلامی دارای بیشترین درصد بودند. ۷۰/۶ درصد از پاسخگویان آسیب‌شناسی مجلس را بسیار ضروری می‌دانستند و حدود ۱۷ درصد عملکرد مجلس شورای اسلامی را در ۴۰ سال خدمت در زمینه قانونگذاری موفق و ۷۶/۵ درصد عملکرد مجلس شورای اسلامی را در زمینه موفقیت در نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی پایینی ارزیابی کردند. نتایج تحلیل دو متغیر نشان داد که بین آسیب‌شناسی عملکرد و همچنین بین مستدل و منطقی بودن رأی نمایندگان به طرح‌ها و لوایح قانونی و تشکیل مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود دارد. بر مبنای نتایج رگرسیون لجستیک متغیرهای جنس، تحصیلات، سن، نمره کارایی مجلس در گروه ۱۱ تا ۱۵، میزان اهمیت کارایی و ارزیابی عملکرد مجلس تأثیر مستقیم و نمره ۱۵ تا ۲۰ کارایی تأثیر معنادار و معکوس بر احتمال (تشکیل) اجرایی بودن مجلس مشورتی محلی را در حوزه‌های انتخابیه کشور دارند. بر این اساس به میزانی که اهمیت کارآمدی و عملکرد مجلس شورای اسلامی افزایش پیدا می‌کند، نیاز به متشکل شدن نخبگان حوزه در جهت مشاوره به نمایندگان، برای تأثیرگذاری در وظایف نمایندگی بالا می‌رود. این امر به همکاری تفکرات بیشتر برای نظارت منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای اسلامی؛ انتخابات؛ ارتباط نظام‌مند در حوزه انتخابیه؛ مجلس مشورتی محلی

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ Email: akhtarihassan@yahoo.com

\*\* استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)؛ Email: rez.jalali@iauctb.ac.ir

\*\*\* استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ Email: ali.amini@iauctb.ac.ir

\*\*\*\* استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ Email: Kazem.jalali@iauctb.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5330.5096

## مقدمه و بیان مسئله<sup>۱</sup>

در قرن اخیر، پارلمان‌ها همواره توجه زیادی را در عرصه بین‌المللی و محلی به خود جلب کرده‌اند. شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد اهمیت پارلمان‌ها و جایگاه آنها را در حکمرانی دموکراتیک، به دلیل نقش مهم آنها در قانونگذاری، نظارت بر قوه مجریه و نمایندگی از منافع شهروندان را درک کرده‌اند (Mandelbaum, 2012). پارلمان‌ها از اصلی‌ترین ارکان ایجاد دموکراسی و حکمرانی خوب در کشورها هستند و در ایجاد یک حکومت پاسخگو و کارآمد تأثیرگذارند (Parsojo, 2009).

براساس اصول اسلامی، همواره مسئولیت‌پذیری با پاسخگویی همراه شده است و این دو اصل دو روی یک سکه‌اند. در حکومت اسلامی هر فرد که مسئولیتی می‌پذیرد به تبع باید نسبت به عملکرد و اقدام‌های خود پاسخگو باشد و برای هر اقدام، دلیل و استدلالی متقن داشته باشد. هرچه مسئولیت سنگین‌تر و خطیرتر، پاسخگویی به آن بیشتر می‌شود. نظام نوبنیان و بدیع جمهوری اسلامی ایران که داعیه‌دار ایجاد حکومتی مبتنی بر موازین و آموزه‌های شرع مقدس اسلام است، از دیرباز کوشیده تا با تأکید بر اصل ولایت فقیه، نظامی را پی‌ریزی کند که در آن حاکمیت و تشریح به خداوند اختصاص داده شود و همگان تسلیم اوامر ذات باری تعالی باشند. در کنار این اعتقاد بنیادین که محتوای نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد ساختارهای مدرن حکومت و برخی نهادهای مدرن دولتی نیز ایجاد شده است تا از این طریق راه‌های دستیابی به اهداف مزبور تسهیل شود. از جمله نهادهای مدرن مورد اشاره می‌توان به مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که به سبب ارزش و جایگاه بی‌مثال، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی آن را در رأس امور و نمایندگان را عصاره فضائل ملت خوانده‌اند (داوودی، بخشایش اردستانی و عربیان، ۱۳۹۸).

۱. مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از تز دکتری با عنوان «ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم سیاسی است.

مجلس، یکی از اساسی‌ترین ارکان حاکمیتی و تصمیم‌سازی در کشورها به‌شمار می‌رود. بسیاری از نظام‌های دنیا از مجلس برخوردار و به‌تناسب تحت تأثیر بوده‌اند (Chiru, 2018). به‌عبارتی در کشورهای دموکراتیک که به شیوه دموکراسی (مردم‌سالاری) و با حضور و رأی مردم اداره می‌شوند، پارلمان (مجلس) جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه قوه مقننه در چنین نظام‌های سیاسی نقطه تعادل و کانون مرکزی نظام محسوب می‌شود. از طرفی در دنیای امروز تصور تحقق دموکراسی بدون وجود پارلمان امری غیرممکن خواهد بود. حضور نمایندگان مردم در خانه ملت (مجلس) که قاعدتاً باید با انتخابی آزادانه و آگاهانه در فرصت‌های برابر انجام شود، می‌تواند مشروعیت نظام را تأمین کند. از طرف دیگر با توزیع قدرت بین ارکان حکومت و نقش قانونگذاری و نظارتی مجلس روی قوه مجریه که مسئولیت اجرایی حکومت را برعهده دارد و قوه قضائیه که عهده‌دار دادخواهی و تظلم‌خواهی در جامعه است مقبولیت نظام را با بالا بردن کارآمدی، تضمین می‌کند. بنابراین نمایندگان مردم در مجلس نقش مهم و کلیدی در اداره و تداوم حکومت برعهده دارند که هرگونه غفلت یا تعلل و تسامح در انجام وظیفه نمایندگی می‌تواند روند کارکرد نظام را با مشکلات جدی مواجه سازد. مجلس در ایران نیز حائز اهمیت بوده و مظهر اصلی مردم‌سالاری دینی، اراده و حاکمیت مردم محسوب می‌شود. از نظر امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، مجلس در رأس امور است و قریب به ۶۰ اصل (حدود یک‌سوم از قانون اساسی)، به مسائل مجلس مربوط می‌شود که حاکی از اهمیت مجلس در اداره امور کشور است. ضمن اینکه براساس اصل پنجاه‌وهفتم قانون اساسی، «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که این قوا مستقل از یکدیگر و زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند». همچنین براساس اصل پنجاه‌وهفتم قانون اساسی اعمال

قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که اعضای آن را نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌دهند (مسیبی، خانمحمدی و حسونود، ۱۳۹۹).

بی‌شک مجلس شورای اسلامی رسالت‌های مهمی همچون قانونگذاری، تفسیر قوانین عادی و صلاحیت‌های نظارتی را احراز کرده است و از این طریق نقشی بی‌بدیل و بارز را در حاکمیت صحیح قانون به خود اختصاص داده است. یقیناً با توجه به تأثیرگذاری مجلس شورای اسلامی، سرنوشت مسائل کشور در گرو کیفیت و کارکرد این نهاد قانونگذار است (یاری، آذین و گلشنی، ۱۳۹۹). مجلس شورای اسلامی نهاد قانونگذار کشور است که تمام شریان‌های حیاتی کشور را کنترل می‌کند و از این‌رو نیازمند ساختاری کارآمد است.

مجلس شورای اسلامی در کشور ما با نقایص و چالش‌های زیربنایی مواجه است. از جمله اینکه آیا عملکرد مجلس شورای اسلامی توانسته است این جایگاه ویژه را در بعد قانونگذاری و وظیفه نظارتی بر دستگاه‌ها و سازمان‌های حکومتی حفظ کند؟ وکلای ملت بعد از انتخاب شدن و استقرار در کرسی‌های مجلس چه ارتباط تعریف شده و ارگانیکی با حوزه‌های نمایندگی خود دارند؟ طی چه فرایند و سازوکاری از نیازهای واقعی موکلان خود مطلع می‌شوند؟ چه جریان و اشخاصی در تصمیم‌سازی نمایندگان دخالت دارند؟ استفاده و کیل ملت از «خرد جمعی» برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و راهبردی در کدام اتاق فکر اتفاق می‌افتد؟ آیا اصولاً نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی به یک اتاق فکر- که متشکل از نخبگان و فرهیختگان حوزه انتخابیه آنها باشند- نیاز دارند؟ در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته این ارتباط معمولاً از طریق احزاب و تشکل‌های صنفی و سیاسی برقرار می‌شود. اصولاً یکی از کارکردهای احزاب حلقه واسط بین مردم و حکومت است. در این کشورها برنامه‌های کلان از سوی احزاب، البته با مشارکت مردم به‌عنوان اعضای آنها طراحی، ارائه و

ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور \_\_\_\_\_ ۳۰۹

همچنین با نظارت آنها اجرایی می‌شود. در ایران احزاب نقش مؤثری در برنامه‌ریزی و هدایت جامعه و معادلات سیاسی داخلی و خارجی ندارند و این نقص باعث می‌شود میان مجلس شورای اسلامی و مردم (به‌ویژه نخبگان) ارتباط فکری و اجرایی اندکی برقرار شود که به‌نوبه خود در کاهش اعتماد میان مجلس و مردم و افزایش فاصله میان این دو رکن اساسی نقش مهمی دارد. ازسوی دیگر ضعف‌های جدی و مهمی در فرایندهای قانونگذاری و سیاستگذاری ملی وجود دارد (نظیر وجود انبوه قوانین ضعیف، متعارض و ناکارآمد و نیز نحیف بودن دریچه‌های مشارکت فکری و اجرایی مردم در امور گوناگون حاکمیتی).

به‌منظور افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیل به آرمان‌های انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی و اصلاحات ساختاری ضرورتی انکارناپذیر است که به‌نظر می‌رسد با تشکیل مجلس مشورتی محلی در مرکز حوزه انتخابیه، بتوان زمینه مشارکت داوطلبانه، آزادانه و آگاهانه فرهیختگان و نخبگان متعهد دانشگاهی و حوزوی به‌همراه پیشکسوتان باتجربه جامعه را فراهم کند. وجود چنین تشکیلات مردم‌نهادی می‌تواند وکلای مردم را در مجلس شورای اسلامی از «خرد جمعی» بهره‌مند کرده و ارتباط نظام‌مند و قانونمند نماینده با حوزه انتخابیه را برقرار کند. بر این اساس با پژوهش در خصوص اینکه آیا تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور ضرورت و امکان‌پذیر است؟ و عوامل مؤثر بر آن کدامند؟ به این موضوع پرداخته می‌شود.

## ۱. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

وجود پارلمان یا سیستم نمایندگی، اغلب به‌عنوان یکی از جلوه‌های روشن دموکراسی جدید تعبیر می‌شود، زیرا تاکنون بدیلی برای آن یافت نشده و به همین دلیل غیرقابل تشکیک و چالش است (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۵۹). بر این اساس، نظام پارلمانی به‌عنوان

واقعیتی سیاسی و قانونی نهادینه شده وجود دارد (Morgan and Schleitter, 2004). مور کلارک، مورخ یونانی می‌نویسد که در زمان امپراتور آگوستوس، رومیان مجموعه اداری را تجربه کرده‌اند که بعضی از ویژگی‌های پارلمان‌های امروزی را داشتند. دسته‌هایی از فرستادگان مردم، به صورت انتخابی و گاهی انتصابی تشکیل می‌شدند که تا حدودی از اختیار وضع مالیات برخوردار بودند. در ورای این روند در مورد شکل‌گیری پارلمان یا سیستم نمایندگی، مفهومی وجود دارد که نشان‌دهنده مسیری است که ما با استناد به آن، عبارت نظام پارلمانی و نمایندگی را به کار می‌بریم (سیدین‌زاده و انصاری، ۱۳۹۸: ۲۰). در عین حال، این روند تاریخی به ما خاطر نشان می‌کند که چه اموری را از نمایندگان مان انتظار داشته باشیم و آنان باید مانع انجام چه اموری شوند که در راستای منافع عمومی نیستند، چگونه انسان‌هایی باشند، و ارتباط ما با آنان چگونه باشد (Morris, 2012: 8).

هانا پیتکین و آنتونی بیرچ دو نفر از مشهورترین نویسندگانی هستند که تلاش کرده‌اند، نگاه قابل فهم و همه‌جانبه‌ای از موضوع پارلمان و سیستم نمایندگی ارائه دهند؛ هرچند ممکن است نگاه و تعریف این دو از تعریف معمول و مرسوم از نظام نمایندگی و پارلمانی، با بقیه متفاوت باشد، یا تنها یک یا چند معنای خاص مورد اتفاق نظر آنها باشد. بیرچ بیان می‌کند که نظام پارلمانی، تنها یک معنا ندارد. نگاه و تعریف او از سیستم نمایندگی، کاربردهای زیادی دارد و هر تعریف به لحاظ منطقی از سایر تعریف‌ها مجزا و متفاوت است (Zareei and Fozi, 2017: 10).

از سوی دیگر، پیتکین معروف‌ترین نظریه‌پرداز نظام‌های پارلمانی، در اثر معروف خود با عنوان مفهوم نمایندگی یا سیستم پارلمانی بر این نظر است که مفهوم نظام نمایندگی نمی‌تواند نماد یک مفهوم انتقالی باشد، بلکه خود به تنهایی نماد ایده و عقیده بسیار چندساحتی و در عین حال، دارای معانی متعدد است (Pitkin, 1967: 241).

اساس نظریه نظام پارلمانی و نمایندگی، حول سه پرسش اساسی شکل می‌گیرد: چه کسی نماینده می‌شود؟ بر چه چیز یا چیزهایی نمایندگی می‌کند؟ چگونه نمایندگی می‌کند؟ پرسش اساسی در اینجا این است که قدرت در کجا واقع شده است؟ دو نظر در این مورد وجود دارد؛ یک نظر این است که قدرت از بالا و صاحبان قدرت است و به هر شکل و با هر عنوانی که بخواهند آن را اعمال می‌کنند؛ نظر دیگر این است که قدرت از پایین است و از مردم گرفته شده و اعمال می‌شود. نظریه «ارتقای عمودی»، مبتنی بر بحث‌هایی است که شباهتی به دیدگاه‌های نظریه پردازان دموکراسی ندارد. در دموکراسی، قدرت سیاسی را مردم ایجاد می‌کنند و در نتیجه، از سوی آنها نمایندگی می‌شود و پیش از هر چیز، حاکم و رئیس کشور، تابع قدرت مردم است (رجبلو و خوشنام، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

حاکم به‌عنوان نمادی از مردم‌سالاری، براساس نظام پارلمانی، قدرت را در راستای منافع آنان به کار می‌برد. در حالی که در نظریه انتخاب طبیعی یا گزینش الهی، قدرت حاکم یا پادشاه از قدرت الهی ناشی بوده و حاکم تنها به خدا پاسخگو است و پارلمان، برای حاکم و پادشاه، نقش کارگزاری یا حداکثر نقش مشورتی دارد. در قرن هفدهم، ژان ژاک روسو در اثر معروفش با عنوان *قرارداد اجتماعی*، نظریه‌های سنتی درباره سیستم نمایندگی و پارلمان را به چالش کشید و از این تاریخ قدرت سیاسی در نحوه اداره جامعه مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، قدرت سیاسی محدود می‌شود و در مقابل اعمال قدرت، مجبور به حسابرسی و پاسخگویی است. در واقع، نقطه عزیمت محدودسازی قدرت و ایجاد سیستم پارلمانی از *لویتان* اثر هابز آغاز شد. از نظر او، مردم‌سالاری و سیستم پارلمانی، روشی غیر از نظریه طبیعی دولت از منظر جان لاک است (Hobbes, 2002: 125). از اینجا به بعد است که نظریه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، جایگزین نظریه سنتی و گزینش طبیعی حکومت می‌شود. در

نظریه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هابز، کاستی‌ها و ضعف‌های نظریه قدرت طبیعی رفع و اصلاح می‌شوند. براساس این نظریه، نماینده کسی است که به‌محض انتخاب شدن، باید بداند که در برابر اعمالش در دوران نمایندگی، پاسخگو است و رابطه‌ای که براساس نظریه قدرت بین موکل و نماینده وجود داشت، کنار گذاشته می‌شود، زیرا در نظریه طبیعی قدرت، اعتقاد به پاسخگویی به مردم، در حد ضعیف و ناچیز است. در تمام نظریه‌های معطوف به قدرت، انتخابات بیشترین نقش را برای نمایندگان به‌عنوان کارگزاران قدرت حاکمه قائل است و از نقطه‌نظر تأمین اهداف مردم با نظام‌های مبتنی بر پاسخگویی به مردم تفاوت زیادی دارد. برای نظریه‌پردازان طرفدار حکومت و اقتدارگرایان، هدف انتخابات، گزینش و ایجاد فرصت‌هایی برای انتخاب نمایندگان خاص است. انتخابات با هدف و حساب شده برای مردم و نمایندگان است و هدف انتقال قدرت از شخصی به شخص دیگر است و پس از آن، نمایندگان از پاسخگویی و مسئولیت در برابر مردم آزاد و معافند (Morris, 2012: 14).

دیوید اپتر برای نشان دادن انسجام درونی و جامعیت علم سیاست، از ۶ رهیافت عمده یا «تم اصلی» استفاده می‌کند که در تحول و توسعه تدریجی، تحلیل سیاسی را به‌عنوان منظومه‌ای نشان می‌دهد که عبارتند از:

۱. فلسفه سیاسی: <sup>۱</sup> فلسفه سیاسی مورد توجه در اینجا مطالعه کاربرد عقل و خرد در امور انسانی است. در گذشته‌های دور مطالعه سیاست محاط در قلمرو فلسفه سیاسی بود. به این معنا که در تحلیل سیاسی تأکید روی مقاصد، غایات اخلاقی و نیت بود. در این قلمرو مسائلی از قبیل عدالت، انصاف، آزادی و سایر ارزش‌های جامعه مدنی و موازینی که کمک به استقرار نظم و آنچه که برای انسان مفید و خوب است.



۲. نهادگرایی: <sup>۱</sup> آرمان‌ها و مقاصد فلسفه سیاسی در قالب نهادها جان می‌گیرند. در واقع برای نیل به غایات که فلسفه سیاسی برای حکومت تعیین می‌کند، نهادسازی ضرورت دارد. نهادها زندگی اجتماعی را با ابزارهای سیاسی به نظم در می‌آورد. در این فراگرد، نهادها سرشت و طبیعت اهداف سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند مثلاً برای استقرار دموکراسی در جامعه به نهادهایی نیاز است که کمک می‌کند مردم از طریق انتخابات نمایندگان خود را در قوای مجریه و مقننه منصوب کنند.

۳. رفتارگرایی: <sup>۲</sup> فرد در جامعه به‌عنوان یک انسان سیاسی تلقی می‌شود که رفتارش در نیل به غایات و حفظ و ارتقای ارزش‌های آن بااهمیت است. در مقوله رفتارگرایی، توجه از نهادها به افراد معطوف می‌شود. چه انگیزه‌هایی رفتار انسان را در جامعه تعیین می‌کند؟ اولویت‌ها، ترجیحات، افکار و اندیشه‌های انسان، رفتار متقابل فرد و حکومت را شکل می‌دهد.

۴. کثرت‌گرایی: <sup>۳</sup> مفهوم «پلورالیسم» یا کثرت‌گرایی در همین معناست که جامعه به درجه‌ای از تسامح و تساهل برسد که افراد فارغ از اختلاف‌های اعتباری مانند قومیت، نژاد، زبان، طبقه، مذهب و غیره با هم در یک محیط تفاهم‌آمیز فعالیت، رقابت و همکاری سازنده کنند. در جوامع «مدرن» و به غایت پیچیده امروزی، فراهم کردن چنین زمینه‌ای برای وفاق اجتماعی و رشد، آگاهی‌های فردی و جمعی برای مشارکت و همکاری برای توسعه کمی و کیفی جامعه بسیار حساس و با اهمیت است.

---

1. Institutionalism

2. Behaviouralism

3. Pluralism

۵. ساختارگرایی: <sup>۱</sup> تقسیم فعالیت‌های مربوط به زندگی اجتماعی در یک شبکه به هم‌پیوسته، نقش‌ها، طبقات و روش‌های قانونمند برای تسهیل ارتباطات متقابل در قلمرو ساختارگرایی قرار می‌گیرد.

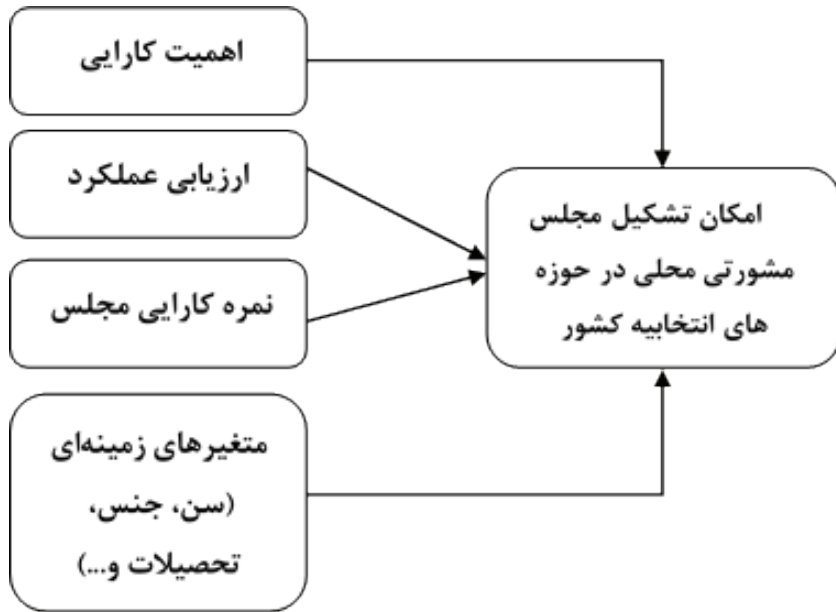
۶. توسعه‌گرایی: <sup>۲</sup> از آنجاکه ساختارها همواره در تغییر و دگرگونی هستند، رهیافت توسعه‌گرا در مطالعه سیاست، توجهش معطوف به فراگرد رشد و صنعتی شدن و تأثیر آن بر شکل و ماهیت خط‌مشی‌های حکومتی است (اپتر، ۱۴۰۰).

با وجود متفاوت بودن هر یک از این رویکردها، هر شش رهیافت به‌نحوی با هم در ارتباط هستند. فلسفه سیاسی شرایط تحقق دموکراسی را معین می‌کند. نهادگرایی ابزار استقرار دموکراسی را به‌دست می‌دهد. رفتارگرایی می‌گوید چه کسی، چگونه و چه زمانی در زندگی واقعی سیاسی با چه انگیزه‌ای به‌دنبال راه‌حل‌های برنامه‌ریزی شده برای نیل به دموکراسی می‌رود. کثرت‌گرایی با مسئله مشارکت و پاسخگویی به نیازهای جمعی در جامعه سروکار دارد. ساختارگرایی مسئله اینکه چگونه رفتار سیاسی تعیین می‌شود، طرح می‌کند و بالاخره توسعه‌گرایی بر مقوله تغییر و تحول تأکید دارد. بر این اساس تشکیل اتاق فکر برای استفاده از خرد جمعی در تصمیم‌گیری‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی را با رهیافت فلسفه سیاسی، هدفمند کردن رأی نمایندگان را با رهیافت نهادگرایی، اراده و اختیارات نمایندگان و مشارکت داوطلبانه نخبگان را با رهیافت رفتارگرایی، ساختار مجلس مشورتی را با رهیافت ساختارگرایی، زمینه‌سازی مجلس مشورتی محلی برای حضور نخبگان جامعه با تضارب آرا در تصمیم‌گیری‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رهیافت کثرت‌گرایی و همچنین برقراری ارتباط سیستماتیک نماینده با مردم - که راه توسعه را در پی خواهد داشت را با رهیافت توسعه‌گرایی می‌توان با کمی تساهل و تسامح تبیین کرد.

1. Structuralism

2. Developmentalism

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه پژوهش باید خاطر نشان کرد که به رغم اهمیت موضوع، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. اما برخی مطالعات به جنبه‌های دیگر مجلس شورای اسلامی پرداخته‌اند. برای مثال صابری و طحان نظیف (۱۴۰۰) در پژوهشی بیان کردند که مجلس شورای اسلامی با توجه به وظیفه قانونگذاری و نظارت که برعهده دارد و نیز ظرفیت ساختاری بخش‌های مختلف مجلس، می‌تواند مهم‌ترین نقش را در فرایند ارزیابی تأثیرات قانون برعهده داشته باشد. در این زمینه مجلس شورای اسلامی می‌تواند از نظرهای گروه‌های مدنی و کمک سایر نهادها برای ارزیابی تأثیر قانون بهره برد. حقیقی و کولیایی (۱۳۹۶) در پژوهش خود درباره مجلس ششم و نهم نشان دادند که پارلمان یا مجلس در ساختار قدرت سیاسی کشورها جایگاه و

اهمیت ویژه‌ای دارند. هر دو مجلس به دلیل بی‌نظمی‌های گوناگون و نداشتن برنامه مدون و اختلاف نظر در برابر نهادهای مختلف در تضاد بوده‌اند. نتایج پژوهش جلالیان (۱۳۹۶) بیانگر آن است که منشأ کاستی و ضعف‌های قوه مقننه را می‌توان به عوامل داخلی (یعنی از درون مجلس و نمایندگان) و عوامل بیرونی، طبقه‌بندی کرد و به‌منظور ارتقا و توانمندسازی نظام قانونگذاری کشور، علاوه بر اصلاحات تکنیکی و جزئی، باید اصلاح فراگیر و هماهنگ ساختار سیاسی، حقوقی، فرهنگی و مدیریتی کشور نیز مدنظر قرار گیرد. متیوز<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی بیان کرد که در پاسخ به بحران دموکراسی، قوه مقننه در سراسر جهان در حال توسعه مکانیسم‌های مشارکتی جدید برای ارتقای مشارکت پارلمانی و ایجاد فرصت‌های دیگر برای شهروندان در زمینه تأثیرگذاری بر سیاستگذاری هستند. باین حال، به‌رغم رواج چنین ابتکاراتی، اطلاعات کمی وجود دارد در مورد اینکه آیا نخبگان سیاسی پذیرای نظرهای عمومی هستند. نتایج نشان‌دهنده بی‌علاقگی قابل توجه - در مواردی ضدیت - از سوی نمایندگان منتخب است. به‌ویژه، این نگرانی‌ها را آشکار می‌کند که طومارهای الکترونیکی پارلمانی خطر تضعیف روابط بین نمایندگان مجلس و رأی‌دهندگان آنها را به‌همراه دارد. غرق کردن دستور کار پارلمان با مسائل فوری، اما نه لزوماً مهم به‌طور گسترده‌تر، نخبگان سیاسی را به تفکر واداشته‌اند. کانتوری<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) بیان کرد که این پژوهش بر الگوهای تجدید و تداوم در پارلمان یونان تمرکز دارد. سه نگرانی اصلی مورد بحث قرار گرفته است: الگوهای گردش نمایندگان تازه‌وارد؛ الگوهای گردش پارلمان در خصوص تحولات سیاسی و انتخاباتی که با بحران بدهی معرفی شده است و الگوهای تداوم برای نمایندگان قدیمی مجلس در عین توجه به نخبگان.

---

1. Matthews

2. Kountouri

نتایج بیانگر این است که نمایندگان مجلس آینده تمایل دارند منابع آموزشی و سیاسی جریان اصلی نمایندگان اصلی پارلمان را تکرار کنند و در عین حال الگوهای قدرتمندی برای تداوم وجود دارد که فرصت‌های شغلی نمایندگان قدیمی را حفظ می‌کند. با این حال، چرخش پارلمانی در مواقع بحران و همچنین از طریق تجدید نسل‌های سیاسی در عین توجه به نخبگان سیاسی امکان‌پذیر است.

### ۳. روش تحقیق

روش تحقیق با توجه به هدف، پیمایشی و از نوع تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری همه نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی را شامل می‌شود. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه و در حجم نمونه ۱۶۳۱ نفری از نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۰ گردآوری شده است. برای پیدا کردن نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس طی نامه‌نگاری‌ها و مراجعات حضوری و تلفنی مختلف، نمایندگان بسیاری از مصاحبه و تکمیل پرسشنامه سر باز می‌زدند. برخی از نمایندگان هم اجازه مراجعه نمی‌دادند. همچنین بسیاری از نمایندگان دوره‌های گذشته برای توزیع پرسشنامه قابل شناسایی نبودند، بر این اساس از افرادی از جمعیت هدف بهره گرفته شد که در دسترس و مایل به شرکت بودند. برای طراحی پرسشنامه، ابتدا با ۱۲ نفر از نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی مصاحبه عمیق صورت گرفت و سپس از درون مصاحبه‌ها پرسشنامه طراحی شد. روایی پرسشنامه محتوایی است و بر اساس نظر اساتید راهنما و مشاور پرسشنامه تدوین شد. برای بررسی پایایی ابزار

---

۱. در نهایت به دلیل عدم پاسخگویی نمایندگان مجلس، تعداد ۱۵۳ پرسشنامه کامل گردآوری شد. در بین نمونه آماری نمایندگان دوره دوم ۶ نفر (۲/۸ درصد)، دوره سوم ۱۰ نفر (۴/۷ درصد)، دوره چهارم ۹ نفر (۴/۲ درصد)، دوره پنجم ۱۳ نفر (۶/۱ درصد)، دوره ششم ۱۵ نفر (۷ درصد)، دوره هفتم ۳۹ نفر (۱۸/۳ درصد)، دوره هشتم ۴۲ نفر (۱۹/۷ درصد)، دوره نهم ۴۸ نفر (۲۲/۵ درصد) و دوره دهم ۳۱ نفر (۱۴/۶ درصد) بودند. ۲۶ نفر از نمایندگان هم اینکه در کدام دوره مجلس شورای اسلامی حضور داشته باشند را اعلام نکردند.

از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شد. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون شد و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها میزان ضریب پایایی محاسبه شد. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که مؤلفه‌های پژوهش از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱. میزان پایایی مؤلفه‌های پژوهش

مقدار آلفا کرونباخ	متغیرها
۰/۸۷۱	میزان اهمیت کارایی مجلس
۰/۷۱۴	ارزیابی عملکرد مجلس

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. توصیف ویژگی‌های جمعیتی نمونه

مطابق نتایج جدول ۲، ۱۴۵ نفر (۹۴/۸) از افراد نمونه مطالعه مرد و ۸ نفر (۵/۲) درصد) زن بودند. ۵/۲ درصد افراد مدرک لیسانس، ۴۲/۵ درصد کارشناسی ارشد و ۵۲/۳ درصد دارای مدرک دکتری هستند. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که بیش از نیمی از پاسخگویان تحصیلات دکتری دارند. بیشتر افراد (۳۵/۹ درصد) براساس نوع شغل قبل از نمایندگی فرهنگی، مدرس و هیئت علمی دانشگاه هستند و سپس گروه مدیرکل، فرماندار و معاون فرماندار با ۲۷/۵ درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین نمایندگان دوره‌های نهم (۲۲/۵ درصد) و هشتم (۱۹/۷ درصد) مجلس شورای اسلامی دارای بیشترین نسبت هستند.

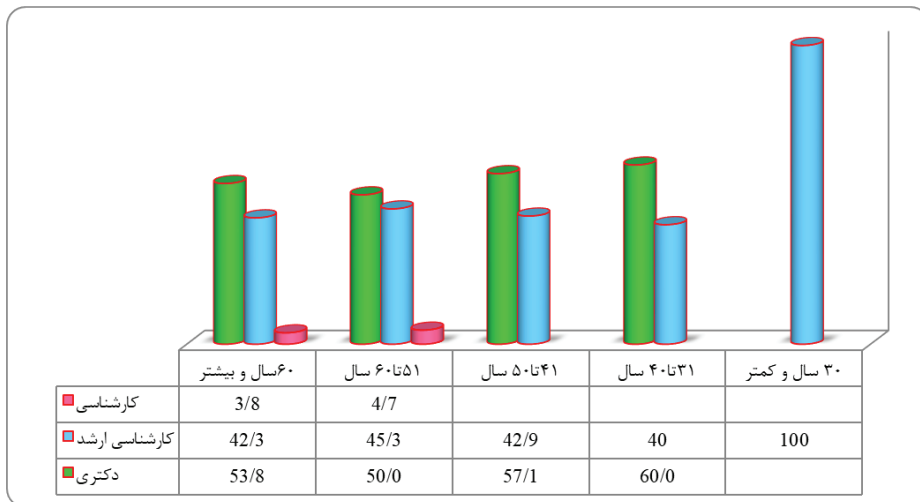
جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد فراوانی
جنس <sup>۱</sup>	مرد	۱۴۵	۹۴/۸
	زن	۸	۵/۲
تحصیلات	لیسانس <sup>۲</sup>	۸	۵/۲
	کارشناسی ارشد	۶۵	۴۲/۵
	دکتری	۸۰	۵۲/۳
نوع شغل قبل از نمایندگی	فرهنگی / مدرس و هیئت علمی دانشگاه	۵۵	۳۵/۹
	نظامی (پاسدار)	۱۴	۹/۲
	مدیرکل، فرماندار و معاون فرماندار	۴۲	۲۷/۵
	وکیل، قاضی	۱۲	۷/۸
	کارمند، کارمند وزارت خارجه	۱۳	۸/۵
	جراح و متخصص چشم	۳	۲/۰
	مهندس	۲	۱/۳

مأخذ: همان.

۱. علت کم بودن نمایندگان زن در نمونه مورد مطالعه به این دلیل است که در دوره‌های مختلف نمایندگی مجلس شورای اسلامی همواره نسبت زنان کمتر از ۶ درصد بوده است. برای مثال در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۴/۴، ۴/۴، ۲/۷، ۳/۱ و ۵/۹ درصد از تعداد کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی زن بودند. میانگین تعداد زنان در دوره‌های مختلف نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۹ نفر بوده است.
۲. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹ با تصویب طرح داشتن مدرک تحصیلی فوق لیسانس یا معادل آن به شرط داشتن پنج سال سابقه خدمتی در پست مدیریتی و برای نمایندگان دوره‌های قبل، داشتن مدرک کارشناسی یا معادل حوزوی آن را الزامی کردند.

نمودار ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سن و تحصیلات



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

از آنجاکه جوان‌ترین پاسخ‌گویان در این نمونه تحقیق در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر قرار دارد، اولین طبقه در این جدول مربوط به گروه سنی ۳۰ سال و کمتر است. براساس نمودار ۱ در مجموع از کل جمعیت نمونه تحقیق، ۴ نفر (۱۰۰ درصد) از افرادی که تحصیلات کارشناسی ارشد دارند در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر قرار دارند. همچنین ۶۰ درصد افراد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۵۷/۱ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰، ۵۰ درصد افراد در گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال و ۵۳/۸ درصد افراد در گروه سنی ۶۰ سال و بیشتر دارای تحصیلات دکتری هستند.

جدول ۳، توزیع افراد نمونه مورد مطالعه براساس ضرورت آسیب‌شناسی مجلس را نشان می‌دهد. بر این اساس ۷۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان آسیب‌شناسی مجلس را بسیار ضروری می‌دانند و هیچ فردی مخالفتی با ضرورت آسیب‌شناسی مجلس نداشته است. حدود ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان عملکرد مجلس شورای اسلامی را در ۴۰ سال خدمت در زمینه قانونگذاری موفق دانسته‌اند. همچنین حدود ۱۷ درصد



ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور \_\_\_\_\_ ۳۲۱

از پاسخگویان عملکرد مجلس شورای اسلامی را در نظارت بر دستگاه‌های اجرایی موفق ارزیابی کردند در حالی که بیش از دوسوم (۷۶/۵ درصد) ناموفق ارزیابی کردند و فقط ۴ درصد عملکرد مجلس شورای اسلامی را بسیار موفق بیان کردند. از سوی دیگر ۱۱/۱ درصد مستدل و منطقی بودن رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به طرح‌ها و لوایح قانونی را زیاد ارزیابی کردند. در مقابل ۲۰/۳ درصد میزان منطقی بودن رأی نمایندگان به طرح‌ها و لوایح قانونی را پایین ارزیابی کردند. ۷۳/۱ درصد از پاسخگویان که در دوره‌های مختلف مجلس سابقه نمایندگی داشتند به کارآمدی مجلس شورای اسلامی نمره ۱۱ تا ۱۵ داده‌اند و همچنین ۲۳/۴ درصد نیز نمره ۱۰ و کمتر از ۱۰ را به ادوار مختلف مجلس در زمینه کارآمدی دادند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب ضرورت آسیب‌شناسی مجلس و

#### میزان موفقیت آن

درصد معتبر	فراوانی	طبقات	متغیرها
۱/۳	۲	تا حدودی	آسیب‌شناسی عملکرد مجلس
۲۸/۱	۴۳	زیاد	
۷۰/۶	۱۰۸	خیلی زیاد	
۳/۳	۵	خیلی کم	موفقیت در قانونگذاری مجلس
۱۳/۷	۲۱	کم	
۶۶	۱۰۱	تا حدودی	
۹/۸	۱۵	زیاد	
۷/۲	۱۱	خیلی زیاد	
۱۸/۳	۲۸	خیلی کم	موفقیت در نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی
۵۸/۲	۸۹	کم	
۱۹/۶	۳۰	تا حدودی	
۲/۰	۳	زیاد	
۲/۰	۳	خیلی زیاد	

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد معتبر
رأی منطقی به طرح‌ها و لوایح قانونی	خیلی کم	۹	۵/۹
	کم	۲۲	۱۴/۴
	تا حدودی	۱۰۵	۶۸/۶
	زیاد	۱۷	۱۱/۱
	خیلی زیاد	۰	۰
نمره کارآمدی مجلس	۱۰ و کمتر	۳۴	۲۳/۴
	۱۱ تا ۱۵	۱۰۶	۷۳/۱
	۱۶ تا ۲۰	۵	۳/۴
	بی‌پاسخ	۸	-

مأخذ: همان.

جدول ۴. توزیع درصدی گروه نمونه برحسب اهمیت مجلس مشورتی محلی

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد معتبر
یاری رساندن تشکیل مجلس مشورتی محلی به نمایندگان	خیلی کم	۳	۲/۰
	کم	۱۰	۶/۸
	تا حدودی	۵۷	۳۸/۵
	زیاد	۶۳	۴۲/۶
	خیلی زیاد	۱۵	۱۰/۱
	بی‌پاسخ	۵	-
امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه انتخابیه	ایدئالیستی و غیرممکن است	۳۳	۲۳/۴
	امکان‌پذیر و اجرایی است	۱۰۸	۷۶/۶
	بی‌پاسخ	۱۲	-

مأخذ: همان.

براساس جدول ۴، ۵۲/۷ درصد از افراد نمونه، نقش مجلس مشورتی محلی را در یاری رساندن به نمایندگان مجلس در انجام وظایف نظارتی در حوزه‌های انتخابیه

ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور \_\_\_\_\_ ۳۲۳

بالا می‌دانند و در مقابل ۸/۸ درصد تأثیر آن را در زمینه یاری رساندن به نمایندگان در انجام وظایف نظارتی در حوزه‌های انتخابیه پایین ارزیابی کردند. ۷۶/۶ درصد از پاسخگویان تشکیل مجلس مشورتی محلی را امکان‌پذیر و اجرایی می‌دانند و ۲۳/۴ درصد نیز چنین تشکیلی را ایدئالیستی و غیرممکن می‌دانند.

## ۴-۲. تحلیل دو متغیره

براساس نتایج جدول ۵، از آنجاکه سطح معناداری به‌دست آمده بالاتر از ۰/۰۵ است بنابراین بین متغیر جنس و تشکیل مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود ندارد. در سطح معناداری ۰/۰۳۳ رابطه معناداری بین سن و تشکیل مجلس مشورتی محلی وجود دارد. رابطه معناداری بین سطح تحصیلات و تشکیل مجلس مشورتی محلی وجود دارد. افراد دارای تحصیلات دکتری، بیشتر از افراد دارای تحصیلات لیسانس و کارشناسی ارشد، تشکیل مجلس مشورتی محلی را امکان‌پذیر و اجرایی می‌دانند. همچنین در سطح معناداری ۰/۰۳۱ رابطه معناداری بین آسیب‌شناسی عملکرد مجلس شورای اسلامی و تشکیل مجلس مشورتی محلی وجود دارد. افرادی که ضرورت آسیب‌شناسی مجلس شورای اسلامی را بالا می‌دانند، بیشتر از سایرین تشکیل مجلس مشورتی محلی را امکان‌پذیر و اجرایی می‌دانند.

جدول ۵. آزمون معناداری کای اسکوئر برای بررسی رابطه بین متغیرهای

جمعیت‌شناختی و تشکیل مجلس مشورتی محلی

سطح معناداری	مقدار آزمون کای اسکوئر	تشکیل مجلس مشورتی محلی		طبقات	متغیرها
		امکان‌پذیر و اجرایی	ایدئالیستی و غیرممکن		
۰/۴۲۵	۰/۶۳۸	۷۵/۷	۲۴/۳	مردان	جنس
		۱۰۰	۰/۰	زنان	
۰/۰۳۳	۱۰/۴۵	۱۰۰	۰/۰	۳۰ سال و کمتر	سن
		۷۱/۴	۲۸/۶	۳۱ تا ۴۰ سال	
		۶۱/۹	۳۸/۱	۴۱ تا ۵۰ سال	
		۷۸/۱	۲۱/۹	۵۱ تا ۶۰ سال	
		۱۰۰	۰/۰	۶۱ سال و بیشتر	
۰/۰۱۲	۹/۵۳	۵۸/۳	۴۱/۷	کارشناسی	تحصیلات
		۸۵/۵	۱۴/۵	کارشناسی ارشد	
		۸۶/۴	۱۳/۶	دکتری	
۰/۰۳۱	۶/۹۲	۶۲/۸	۳۷/۲	تا حدودی	آسیب‌شناسی عملکرد مجلس
		۸۲/۳	۱۷/۷	زیاد	
		۱۰۰	۰/۰	خیلی زیاد	

مأخذ: همان.

جدول ۶، نتایج آزمون کای اسکوئر را در مورد رابطه بین موفقیت مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری و تشکیل مجلس مشورتی محلی را نشان می‌دهد، از آنجاکه سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین موفقیت مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری و تشکیل

ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور \_\_\_\_\_ ۳۲۵

مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین توفیق مجلس در نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی با تشکیل مجلس مشورتی محلی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد. در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین مستدل و منطقی بودن رأی نمایندگان به طرح‌ها و لوایح قانونی و تشکیل مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود دارد. از آنجا که سطح معناداری به دست آمده هر متغیر بالاتر از ۰/۰۵ است در نتیجه بین متغیر بدون پشتوانه حزبی بودن مجلس شورای اسلامی با تشکیل مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود ندارد و به عبارتی فرض H0 تأیید می‌شود.

جدول ۶. آزمون معناداری کای اسکوئر برای بررسی رابطه بین موفقیت مجلس شورای

#### اسلامی و تشکیل مجلس مشورتی محلی

سطح معناداری	مقدار آزمون کای اسکوئر	تشکیل مجلس مشورتی محلی		طبقات	مؤلفه‌ها
		امکان‌پذیر و اجرایی	ایدئالیستی و غیرممکن		
۰/۰۴۲	۸/۵۹	۱۰۰/۰	۰/۰	خیلی کم	موفقیت در قانونگذاری
		۵۰/۰	۵۰/۰	کم	
		۸۰/۰	۲۰/۰	تا حدودی	
		۸۰/۰	۲۰/۰	زیاد	
		۸۱/۸	۱۸/۲	خیلی زیاد	
۰/۰۴۸	۵/۵۶	۶۰/۷	۳۹/۳	خیلی کم	توفیق در نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها
		۸۰/۰	۲۰/۰	کم	
		۷۹/۹	۲۰/۱	تا حدودی	
		۱۰۰/۰	۰/۰	خیلی زیاد	

سطح معناداری	مقدار آزمون کای اسکوئر	تشکیل مجلس مشورتی محلی		طبقات	مؤلفه‌ها
		امکان پذیر و اجرایی	ایدئالیستی و غیرممکن		
۰/۰۰۱	۱۷/۰۹	۱۰۰/۰	۰/۰	خیلی کم	مستدل و منطقی بودن رأی نمایندگان به طرح‌ها و لوایح قانونی
		۶۸/۴	۳۱/۶	کم	
		۸۲/۳	۱۷/۷	تا حدودی	
		۴۱/۲	۵۸/۸	زیاد	
۰/۰۰۱	۳۰/۸۴	۱۰۰/۰	۰/۰	کاملاً مخالفم	بدون پشتوانه حزبی بودن مجلس شورای اسلامی
		۲۳/۱	۷۶/۹	مخالفم	
		۸۳/۹	۱۶/۱	تا حدودی	
		۸۸/۲	۱۱/۸	موافقم	
		۶۹/۰	۳۱/۰	کاملاً موافقم	

مأخذ: همان.

### ۳-۴. تحلیل چند متغیره

رگرسیون لجستیک و تحلیل تشخیصی، روندهای آماری هستند که برای پیش‌بینی در عضویت گروهی به کار می‌روند. هر دو روند به ما امکان می‌دهند تا یک متغیر وابسته طبقه‌ای را براساس تعدادی متغیر پیش‌بین یا مستقل، پیش‌بینی کنیم. این متغیرهای مستقل معمولاً پیوسته هستند، اما رگرسیون لجستیک از عهده متغیرهای مستقل طبقه‌ای برمی‌آید. به‌طور کلی رگرسیون لجستیک در مقایسه با تحلیل تشخیصی می‌تواند در گستره وسیع‌تری از موقعیت‌ها به کار رود (بریس، کمپ و سنلگار، ۱۳۹۱: ۳۹۴).

همان‌طور که می‌دانیم در صورتی که متغیر وابسته از نوع اسمی دو وجهی (۱). غیرممکن و ایدئالیستی بودن تشکیل مجلس مشورتی محلی؛ ۲. قابل اجرا و ممکن بودن تشکیل مجلس مشورتی محلی) باشد، در این صورت باید از رگرسیون لجستیک استفاده کرد. در این روش براساس متغیرهای مستقل و زمینه‌ای تحقیق شامل

ضرورت و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در حوزه‌های انتخابیه کشور \_\_\_\_\_ ۳۲۷

جنس، سن، تحصیلات، نمره کارایی مجلس و اهمیت کارآمدی مجلس و ارزیابی عملکرد مجلس هستند. از آنجاکه رگرسیون لجستیک به چند روش محاسبه می‌شود، در این تحقیق از روش رگرسیون هم‌زمان استفاده شده است و تمامی متغیرهای مستقل به‌طور هم‌زمان وارد تحلیل شده و اثر تمامی متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر متغیر وابسته بررسی می‌شود.

جهت پی بردن به رابطه و تأثیر متغیر مستقل و زمینه‌ای بر تغییرات متغیر وابسته ابتدا به ارقام ضریب (B) توجه می‌کنیم. ارقام این ستون، مقادیر برآورده شده برای ضرایب مربوط به هر ستون یکی از طبقات متغیرهای مستقل و زمینه‌ای را نشان می‌دهد برای شناخت جهت رابطه موجود بین احتمال وقوع تغییر در متغیر وابسته و هر یک از طبقات مستقل نسبت به طبقه مرجع همان متغیر مستقل باید به علامت ضریب (B) توجه کنیم.

جدول ۷. پیش‌بینی تشکیل مجلس مشورتی محلی با استفاده از رگرسیون لجستیک

مدل لجستیک			متغیر مستقل B	
	sig	(B) Exp		
-	-	-	زن (مرجع)	جنس
**	۲/۱۹۳	۰/۷۸۵	مرد	
-	-	-	کارشناسی (مرجع)	تحصیلات
**	۱/۶۹۱	۱/۳۷۰	کارشناسی ارشد	
**	۱/۷۳۱	۰/۵۴۹	دکتری	
-	-	-	کمتر از ۱۰ (مرجع)	نمره کارایی مجلس
**	۱/۵۴۱	۰/۶۱۵	۱۱ تا ۱۵	
**	۰/۵۱۸	۰/۶۵۷	۱۶ تا ۲۰	

مدل لجستیک			متغیر مستقل B	
	sig	(B) Exp		
-	-	-	۳۰ سال و کمتر (مرجع)	
**	۲۳/۴۴۷	۳/۱۵۵	۳۱-۴۰	
**	۶۵/۵۷۰	۴/۱۸۳	۴۱-۵۰	
**	۴۶/۵۴۵	۶/۱۳۷	۵۱-۶۰	
**	۱۱۰/۹۲۴	۷/۰۰۶	۶۱ سال و بیشتر	
*	۱/۰۳۳	۰/۰۳۳	میزان اهمیت کارایی مجلس	
**	۱/۰۶۶	۰/۰۶۴	ارزیابی عملکرد مجلس	
**	۰/۲۳۰	-۱۰/۲۰۲	درصد ثابت	
۸۲/۹			درصد درستی	
ns ۷/۱۷			Chi Square	
۱۷۵/۳۸			Log likelihood -2	
۰/۵۶۰			Nagelkerke R Square	

مأخذ: همان.

در مدل نهایی، معادله رگرسیون لجستیک تأثیر متغیرهای مختلف بر امکان اجرایی بودن مجلس مشورتی محلی بررسی و تأثیر هم‌زمان همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای جنس، تحصیلات، سن، نمره کارایی مجلس در گروه ۱۱ تا ۱۵، میزان اهمیت کارایی و میزان ارزیابی عملکرد مجلس تأثیر معناداری بر احتمال (وقوع) اجرایی بودن مجلس مشورتی محلی دارند. از سوی دیگر گروه نمره کارایی ۱۵ تا ۲۰ تأثیر معنادار و معکوس بر احتمال (وقوع) اجرایی بودن مجلس مشورتی محلی دارند.



## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وجود نهاد مجلس شورای اسلامی یکی از مهم‌ترین تجلیات مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی است. نمایندگان مجلس را مردم انتخاب می‌کنند تا در جایگاه قدرت از طرف مردم برای سرنوشت کشور تصمیم‌گیری کنند. آنها وکیل مردم برای عمل براساس منافع و دغدغه‌های مردم شناخته می‌شوند و موظفند تا در چارچوب اصول اسلامی در جهت ریل‌گذاری برای ترقی و پیشرفت کشور اقدام کنند. مجلس شورای اسلامی در ساختار قدرت سیاسی کشور جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. مجلس را قوه عاقله هر نظامی قلمداد می‌کنند و آن را تجلی اراده عمومی به حساب می‌آورند که کارویژه آن وضع قانون یا قواعد کلی لازم‌الاجراست. در این پژوهش با استفاده از داده‌های گردآوری شده به بررسی وضع موجود و خلأهای مجلس شورای اسلامی و امکان تشکیل مجلس مشورتی محلی در مرکز حوزه انتخابیه پرداخته شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ۷۰/۶ درصد از پاسخگویان، آسیب‌شناسی مجلس را بسیار ضروری می‌دانند. بیش از دوسوم (۷۶/۵ درصد) پاسخگویان، عملکرد مجلس شورای اسلامی را در این زمینه قانونگذاری پایین ارزیابی کردند. ۵۲/۷ درصد از افراد نقش مجلس مشورتی محلی را در یاری رساندن به نمایندگان مجلس در انجام وظایف نظارتی در حوزه‌های انتخابیه بالا می‌دانند.

نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد که بین سن و سطح تحصیلات با تشکیل مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود دارد. افرادی که ضرورت آسیب‌شناسی مجلس شورای اسلامی را بالا می‌دانند، بیشتر از سایرین تشکیل مجلس مشورتی محلی را امکان‌پذیر و اجرایی می‌دانند. همچنین بین موفقیت مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری و تشکیل مجلس مشورتی محلی رابطه معناداری وجود دارد. بین توفیق مجلس در نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی با تشکیل مجلس مشورتی

محلی رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت نتایج تحلیل چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای جنس، تحصیلات، سن، نمره کارایی مجلس در گروه ۱۱ تا ۱۵، میزان اهمیت کارایی و میزان ارزیابی عملکرد مجلس تأثیر معناداری بر احتمال (وقوع) اجرایی بودن مجلس مشورتی محلی دارند. از سوی دیگر گروه نمره کارایی ۱۵ تا ۲۰ تأثیر معنادار و معکوس بر احتمال (وقوع) اجرایی بودن مجلس مشورتی محلی دارند. می‌توان گفت نظارت یکی از اصول مهم در کشورهای مبتنی بر دموکراسی است که با اجرای شایسته آن قوای حاکمه از فساد سیاسی و اقتصادی دور نگاه داشته می‌شود. در این بین نظارت بر نمایندگان پارلمان نیز در بسیاری از کشورها و از جمله ایران مورد توجه قرار گرفته است. هر چند نمایندگان باید استقلال و آزادی بیان داشته باشند ولی برخلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد نظارت بر نمایندگان منافاتی با این امتیازات ندارد. جلوگیری از فساد سیاسی، رانت‌خواری، حفظ وحدت پارلمان و ... نظارت بر نمایندگان را ضروری می‌سازد. در این بین نحوه نظارت بر نمایندگان و شیوه‌های اجرای آن بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در کشور ما پس از تصویب قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان شیوه نظارت درون‌سازمانی پذیرفته شده است (قزل‌سوفلو، ۱۳۹۴). از سوی دیگر نظارت کارآمد و مؤثر، در نتیجه تبعیت از قوانین و مقررات و رعایت اصول ارزشی و کارآمدی نظام دموکراتیک حاصل می‌شود. از این رو با اجرای چنین اصولی است که می‌توان ارزیابی و قضاوتی درست در خصوص خصایص منصفانه و آزاد بودن رفتار پارلمان داشت.

با توجه به جایگاه مهم و اساسی نمایندگان مجلس در تأثیرگذاری مستقیم بر سرنوشت جامعه، تضمین مصالح عمومی کمترین چیزی است که از یک نهاد مهم پارلمان انتظار می‌رود. چه اینکه مقام‌های عمومی هر یک صلاحیت‌های خاصی دارند که با قانون اساسی و قوانین عادی به آنها اعطا شده است. این صلاحیت‌ها وجود

برخی تکالیف حرفه‌ای را برای مقام‌های مذکور به‌دنبال دارد. انجام تکالیف حرفه‌ای موجب نگرش مثبت به آنها و جایگاه‌شان می‌شود و درنهایت باعث ترمیم اعتماد عمومی به آنها خواهد شد. پاسخگویی اساساً در دموکراسی‌های مبتنی بر نمایندگی معنادار است یعنی جایی که ارتباط میان حاکمان و شهروندان براساس رابطه اصیل- وکیل طراحی شده است. در چنین ارتباط و ضوابطی نحوه انجام کار معین می‌شود و وکیل فقط مجاز است در این محدوده اقدام کند. این امر محوری که اندیشمندانی نظیر جان لاک در عرصه روابط سیاسی حاکمان و شهروندان به کار گرفته شده در نهاد نمایندگی متبلور شده است. وقتی قدرت نمایندگی از اصیل یعنی شهروندان به وکیل یعنی صاحب‌منصبان سیاسی منتقل می‌شود، ناگزیر باید سازوکاری وجود داشته باشد که براساس آن وکیل بابت اقدام‌هایی که انجام می‌دهد، پاسخگو باشد و در صورت ارتکاب تخلف، تنبیه یا از سمتش عزل شود. بر این اساس نظارت مردم بر اجزای حاکمیت یکی از مهم‌ترین وظایف برشمرده شده برای مردم در حکومت‌های اسلامی است. مردم نمی‌توانند نسبت به عملکرد مسئولانی که خود انتخاب کرده‌اند، بی‌تفاوت باشند و باید با رصد رفتار و عملکرد آنان، همواره بر آنها نظارت داشته و مانع انحراف و سوءاستفاده شوند.

بر مبنای نتایج پژوهش به‌نظر می‌رسد که با قوانین موجود و با استفاده از توانمندی‌های محلی و ظرفیت‌های خالی دستگاه‌های اجرایی و دعوت از نیروهای داوطلب خدمت با ایجاد شرایط برابر برای حضور آنها، تشکیل مجلس مشورتی محلی در مرکز حوزه‌های انتخابیه می‌تواند این خلأ را پر کرده و موکلان را در تصمیم‌سازی نمایندگان خود یاری و مشارکت دهند. این مجلس محلی می‌تواند کمیسیون‌هایی به تعداد و متناظر با کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی داشته باشد برای بررسی و تطبیق منافع ملی و محلی روی طرح‌ها و لوایح که باید در مجلس مورد تصویب

قرار گیرد. نماینده یا نمایندگان حوزه انتخابیه مجلس طرح‌ها و لوایح را برای بررسی، کارشناسی و اظهارنظر مشورتی به مجلس محلی ارجاع دهند، تا تأثیر آنها (در صورت نهایی شدن) را در حوزه انتخابیه مورد بررسی قرار داده و سپس پیشنهادهای مربوطه را برای طرح در صحن علنی مجلس بیان کنند. از طرفی این مجلس محلی می‌تواند مطالبات و نیازهای حوزه انتخابیه را تجمیع، اولویت‌بندی و در قالب طرح‌های پیشنهادی به نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

## منابع و مآخذ

۱. اپتر، ارنست (۱۴۰۰). *مقدمه‌ای بر تحلیل سیاسی*، ترجمه عرفان ایمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲. اسولیوان، نوئل (۱۳۸۸). *نظریه سیاسی در گذار (بررسی انتقادی)*، ترجمه حسن آب‌نیک، تهران، انتشارات کویر.
۳. بریس، نیکلا، ریچارد کمپ و رزمی سنلگار (۱۳۹۱). *تحلیل داده‌های روان‌شناسی با برنامه*، ترجمه خدیجه علی‌آباد و سیدعلی صمدی، ویرایش دوم، چاپ دوازدهم، تهران، نشر دوران.
۴. جلالیان، عسگر (۱۳۹۶). «کارآمدی مجلس شورای اسلامی و راهکارهای ارتقای آن در حقوق داخلی»، *فصلنامه راهبرد*، دوره ۲۲، ش ۸۲.
۵. حقیقی، علی محمد و حدیثه کولیایی (۱۳۹۶). «بررسی تحولات دوره ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی»، *پژوهش ملل*، ش ۲۰.
۶. داودی، حمیدرضا، احمد بخشایش اردستانی و اصغر عربیان (۱۳۹۸). «بررسی نقش‌های تقنین و نظارتی مجلس شورای اسلامی و نقش آن در الگوی حکمرانی خوب»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۹، ش ۳.
۷. رجب‌لو، علی و مژگان خوش‌نام (۱۳۹۵). «جهانی شدن و سرنوشت مدل‌های دموکراسی»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۱، ش ۸.
۸. سیدین‌زاده، میرقاسم و منصور انصاری (۱۳۹۸). «رابطه روش حکومتی با فرایند دموکراسی‌سازی و تحکیم دموکراسی»، *اندیشه سیاسی در اسلام*، دوره ۶، ش ۲۲.
۹. صابری، علی و هادی طحان‌نظیف (۱۴۰۰). «مجلس شورای اسلامی و لزوم ارزیابی تأثیرات قانون در مرحله تقنین»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، دوره ۹، ش ۱۰.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۹۶). «نظام پارلمانی در اروپا، از تعامل سیستم‌های مونو و بی‌کامرالیسم تا تعادل میان مجالس عالی و ملی»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۱، ش ۲۴.

۱۱. قزل‌سوفلو، محمود (۱۳۹۴). «نظارت بر رفتار و عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نظام

جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱۲. مسیعی، سیدمحمدعلی، هادی خانمحمدی و مهدی حسنونند (۱۳۹۹). «شناسایی شاخص‌های ارزیابی

عملکرد نمایندگان مجلس»، *مطالعات راهبردی بسیج*، دوره ۲۳، ش ۸۹.

۱۳. یاری، محمدجواد، احمد آذین و علیرضا گلشینی (۱۳۹۹). «ضرورت‌ها، الزامات و اصلاحات لازم برای

افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره ۱۲،

ش ۳۲.

14. Chiru, M. (2018). “The Electoral Value of Constituency-Oriented Parliamentary Questions in Hungary and Romania”, *Parliamentary Affairs*, Vol. 71, No. 4.
15. Hobbes, T. (2002). *Leviathan*, Perterborough, Broadview Press.
16. Kountouri, F. (2018). “Patterns of Renewal and Continuity in Parliamentary Elites, The Greek MPs from 1996 to 2015”, *The Journal of Legislative Studies*, Vol. 24, No. 4.
17. Mandelbaum, G.A. (2012). “Strengthening Parliamentary Accountability, Citizen Engagement, and Access to Information: A Global Survey of Parliamentary Monitoring Organizations”, *World Bank Institute*, Vol. 13, No. 70.
18. Matthews, F. (2021). “The Value of ‘Between-Election’ Political Participation: Do Parliamentary E-Petitions Matter to Political Elites?”, *The British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 23, No. 3.
19. Morgan, Edward and Petra Schleitter (2004). “Governmental Change in A Presidential-Parliamentary Regime: The Case of Russia 1992-2007”, *Post-Soviet*, Vol. 20, No. 2.
20. Morris, C. (2012). *Parliamentary Election, Representation and Law*, UK: Hart Publishing Ltd.
21. Parsojo, E. (2009). *Handbook on Transparency and Accountability of Parliament*, UNDP Parliamentiary Support Program.
22. Pitkin, H.F. (1967). *The Concept of Representation*, Berkeley: University of California Press.
23. Zareei, A. and Y. Foz (2017). “Analysis of Political and Social Contexture of Islamic Consultative Assembly’s representatives; First to Five Periods”, *Contemporary Political Investigations*, Vol. 7, No. 22.

# تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران: رویکرد تحلیل اثرات متقابل در آینده‌پژوهی

صبا اجاقی،\* روح‌اله بیات،\*\* صفر فضلی،\*\*\* عین‌اله کشاورز ترک \*\*\*\*

و علی فتح طاهری \*\*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۳۷۷-۳۳۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

بسترسازی برای ایجاد فضای مناسب اشتغال در هر کشور، یکی از عوامل مهم در ایجاد رشد اقتصادی و در نهایت افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم است. لذا این پژوهش سعی دارد با شناسایی پیشران‌های کلیدی اثرگذار، بر وضعیت آینده اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور بپردازد. از این رو به منظور شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر اشتغال و رفاه از روش اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با خبرگان حوزه اشتغال و رفاه در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی استفاده شده و پس از احصای مؤلفه‌های کلیدی اثرگذار بر آینده اشتغال و رفاه کشور، عوامل در قالب ماتریس اثرات متقابل طراحی و در میان خبرگان توزیع و سپس با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک (MIC MAC) اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر سنجیده شده است. در این پژوهش، متغیرهای ساختار اقتصادی، سرمایه‌گذاری، محیط کسب و کار، نظام رفاهی و عدالت اجتماعی به عنوان متغیرهای دو وجهی، متغیرهای سیاست‌گذاری، روابط بین‌المللی، قوانین و مقررات و نظام بانکی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای نظام آموزشی و نظام بانکی به عنوان متغیرهای تنظیمی، متغیرهای نظام پرداخت‌ها و منابع انسانی به عنوان متغیرهای تأثیرپذیر و متغیرهای نظام آموزشی، نظام فرهنگی و تکنولوژی به عنوان متغیرهای مستقل شناخته شد.

**کلیدواژه‌ها: اشتغال؛ رفاه اجتماعی؛ آینده‌پژوهی؛ ماتریس اثرات متقابل**

\* دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: setareh\_6968@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)؛  
Email: r.bayat@soc.ikiu.ac.ir

\*\*\* استاد گروه مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: fazli@soc.ikiu.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار گروه آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: e.keshavarz@soc.ikiu.ac.ir

\*\*\*\*\* استاد گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛  
Email: fathtaheri@hum.ikiu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفتم، بهار ۱۴۰۳

doi:10.22034/MR.2022.5406.5161

## مقدمه

اشتغال یکی از شاخصه‌های بسیار مهم در کاهش فقر در سیستم‌های رفاه اجتماعی کشورهاست، زیرا این استراتژی می‌تواند به افراد محروم برای داشتن یک زندگی بهتر و در نهایت توسعه اجتماعی کمک کند (Wang, Chan and Han, 2019). طی یک دهه اخیر، معضل بیکاری مهم‌ترین چالش در کشور محسوب می‌شود اما مسئله مهم‌تر دیگر، آینده اشتغال و بازار کار در کشور است؛ چراکه دنیای امروز به‌شدت در حال تغییر و دگرگونی است و نیروی کار در آینده با دنیایی متفاوت از امروز روبه‌رو خواهد شد. در سایه این تغییرات، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند در دنیای متغیر کنونی، جوامعی موفق هستند که به‌خوبی فضای موجود و تعاملات آینده را بشناسند و بر مبنای آن چشم‌انداز، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی اتخاذ کنند. از طرفی، بستر سازی برای ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار در هر کشور، یکی از عوامل مهم در ایجاد اشتغال، رشد سرمایه‌گذاری‌ها، رونق و رشد اقتصادی و در نهایت افزایش رفاه مردم است (فلاح حقیقی و میرترابی، ۱۳۹۶).

اساس این پژوهش مبتنی بر پیش‌بینی آینده است؛ به‌عبارت‌دیگر تلاش شده تا با استفاده از روش‌های مدون آینده‌پژوهی، ساختار اشتغال و به‌تبع آن رفاه اجتماعی، ارزیابی شود. آینده‌پژوهی، اصول و روش‌های مطالعه و تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام درباره علوم و فناوری مرتبط با آینده است. آینده‌پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف مطالعه آینده را به‌کار می‌گیرد و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌کند و در واقع وسیله‌ای برای معماری هوشمندانه آینده است (دلیری، ۱۳۹۸). در آینده‌پژوهی، اولین و مهم‌ترین گام، تعیین پیش‌شرایط کلیدی است تا بتوان بر پایه آن مسیر تغییرات را در جهت رسیدن به اهداف به‌درستی پیمود. این پیش‌شرایطها مشابه فرمانی هستند که با تغییر جهت آن می‌توان جهت حرکت



اتومبیل را تغییر داد. اگرچه عوامل بسیار زیادی در حرکت اتومبیل نقش دارند، اما رها کردن فرمان در مسیر جاده پیش‌رو می‌تواند دیگر اجزا را که به خوبی کار می‌کنند، از بین ببرد. نادیده گرفتن پیشران‌های کلیدی در سیستم (با توجه به نقش و اهمیت آنها) می‌تواند تأثیر زیان‌باری بر کل سیستم مورد نظر گذارد. بنابراین لزوم شناسایی و توجه ویژه به این عوامل امری ضروری است (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۸).

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار بهار ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که ۲/۹ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۰)، ۴/۰ درصد افزایش یافته است. همچنین در بهار ۱۴۰۱، به میزان ۹/۴۰ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۰) ۵/۰ درصد کاهش یافته است. جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در این فصل ۲۳ میلیون و ۵۷۸ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۹۸ هزار نفر کاهش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، بخش خدمات با ۲/۵۱ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۷/۳۲ درصد و کشاورزی با ۰/۱۶ درصد قرار دارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۰/۲۴ درصد از فعالان این گروه سنی در بهار ۱۴۰۱ بیکار بوده‌اند. بررسی تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد، این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۰) ۹/۱ درصد افزایش یافته است. بررسی نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، ۶/۱۶ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند. این در

حالی است که تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد این نرخ نسبت به بهار ۱۴۰۰، به میزان ۰/۱ درصد افزایش یافته است. بررسی سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، ۷/۹ درصد جمعیت شاغل، به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت بیشتر و...) کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند. این در حالی است که ۳/۴۰ درصد از شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر، بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار کرده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).

طی ۴۰ سال گذشته، اشتغال تماموقت به روشی کمتر متداول برای کار زنان و مردان تبدیل شده است. بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۲۰۱۸، نسبت مردانی که تماموقت کار می‌کنند از ۹۵٪ به ۸۱٪ کاهش یافته است. در همین دوره، سهم زنانی که تماموقت کار می‌کنند از حدود دوسوم به نصف کاهش یافته است (Curtin University, 2018). از این رو با توجه به آمار بالای نرخ بیکاری و به تبع آن فقر در کشور، کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و به‌ویژه نرخ بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور، باید توجهی ویژه به ساختار اشتغال و سیاستگذاری در این راستا شود تا در آینده از خیل عظیم جمعیت تحصیل کرده جویای کار پشتیبانی و از بیکاری آنان جلوگیری شود. قاعدتاً تشدید بیکاری و مهم‌تر از آن بیکاری قشر تحصیل کرده می‌تواند تأثیر زیادی در توزیع ثروت و درآمد و همچنین افزایش فقر و کاهش سطح رفاه اجتماعی در جامعه داشته باشد. بنابراین افزایش نرخ بیکاری، آسیب مهمی برای کشور در سال‌های آتی خواهد گذاشت.

گفتمنی است، تحقیقات اندکی در حوزه شناسایی و بررسی پیشران‌های اشتغال با استفاده از رویکرد تحلیل اثرات متقاطع صورت گرفته که اکثر این تحقیقات، تنها به شناسایی پیشران‌های کلیدی حوزه اشتغال پرداخته‌اند؛ اما در این پژوهش، محققان

به بررسی پیشران‌های کلیدی اشتغال در کنار مؤلفه رفاه اجتماعی پرداخته‌اند، در واقع می‌توان گفت اشتغالی مدنظر است که بتواند به تحقق مفهوم رفاه اجتماعی منجر شود. از این‌رو هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل و پیشران‌های مهم اثرگذار بر آینده اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران با بهره‌گیری از رویکرد ماتریس اثرات متقاطع است و نگارندگان به دنبال پاسخگویی به این سؤال کلیدی هستند که چه عواملی به‌عنوان پیشران‌های کلیدی در وضعیت اشتغال و رفاه کشور مطرح است؟

## ۱. ادبیات نظری

### ۱-۱. مفهوم اشتغال

یکی از اهداف کلان توسعه در بیشتر کشورها و از جمله ایران، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. امروزه مسائل اشتغال و بیکاری به‌طور وسیع در مباحث اقتصادی کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی مطرح است. مسائل فوق‌زمانی که ابعاد آنها با مسائل اجتماعی درمی‌آمیزد، اهمیت بالاتری به خود می‌گیرد. مشکل ناشی از پدیده بیکاری و عدم اشتغال علاوه بر اینکه مشکلات اقتصادی را به دنبال دارد، منشأ بروز اختلالات رفتاری و کرداری در جامعه می‌شود (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۹).

از طرفی، یکی از شرایط مهم برای موفقیت پایدار در اقتصاد کنونی، گسترش کسب‌وکارهای کوچک است که در تثبیت درآمدها، رشد اقتصادی و اشتغال جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند (Luo, 2000). به‌طوری‌که امروز اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته بر محور کسب‌وکارهای کوچک و متوسط استوار است (ایزدخواه و اصغری‌زاده، ۱۳۸۸). بنابراین توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و بنگاه‌های اقتصادی کوچک، ابزاری نیرومند برای شناخت فرصت‌هایی است که بهره‌گیری از

آنها می‌تواند باعث رفع مشکلاتی همچون اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، پایین بودن بهره‌وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات، رکود اقتصادی و افزایش رقابت شود (Landstrom, 2005).

اشتغال از اساسی‌ترین فعالیت‌های زندگی است؛ فرد باید شغلی را برگزیند و از طریق آن به امرار معاش بپردازد. وظیفه نقش و کار خاصی را که در برابر پاداش (حقوق و دستمزد) انجام شود شغل می‌گویند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵). در فرهنگ لغت اقتصادی اشتغال عبارت است از خدمات انجام شده در قبال دریافت حقوق یا دستمزد تحت قرارداد. تعدادی از افراد در یک اقتصاد که خدمات را با انعقاد قرارداد ارائه می‌دهند (Hashimzade, Myies and Black, 2017). اشتغال رابطه حقوقی است که قانون کار تعریف می‌کند. اشتغال نوع خاصی از قرارداد کار بین کارفرما و کارمند تعریف می‌شود (Mann, 2018). همچنین، اشتغال شرایطی است که در آن تمام منابع اقتصادی هر کشور (و به‌طور خاص نیروی کار) به‌طور کامل به‌کار گرفته شود (Law, 2016). در این پژوهش، اشتغال به‌معنای انجام کاری معین در ازای دریافت مزد است، به‌نوعی که این مزد بتواند سطح معینی از رفاه، آسایش و امنیت خاطر را در افراد ایجاد کند.

به عقیده اقتصاددانان کلاسیک، بازار کار بازار رقابتی است که همواره در تعادل به‌سر می‌برد و نیروی انسانی موجود به‌طور کامل به‌وسیله دستگاه‌های تولید در بازار کار جذب می‌شوند؛ به‌طوری‌که هرگز بیکاری به‌وجود نمی‌آید. در این مدل، امکان پیدایش بیکاری غیرارادی وجود ندارد. کلاسیک‌های جدید مانند پیروان مکتب کلاسیک، موافق «سیاست عدم مداخله دولت» در اقتصاد است. پیروان مکتب کلاسیک جدید بحث انتظارات عقلایی را مطرح می‌کنند و معتقدند که سیاست‌های پیش‌بینی نشده در کوتاه‌مدت اغلب موجب تغییر تولید و اشتغال می‌شود و اطلاعات بازار کار کامل نیست

و با اصلاح و جستجوی شغل، بازار کار به تعادل می‌رسد. کینزین‌ها<sup>۱</sup> حامی دخالت دولت در مسئله اشتغال بودند. آنان معتقدند سطح اشتغال با میزان تولید و میزان تولید با تقاضای مؤثر (میزان خرید کالا و خدمات) ارتباط مستقیم دارد (سعدی و موسوی، ۱۳۹۲). در این پژوهش، از مدل‌ها و الگوهای اشتغالی که در این بخش به آنها خواهیم پرداخت، به جهت تعیین عوامل کلیدی مؤثر بر اشتغال استفاده شده است. در مدل اشتغالی که توبین و وانگ در سال ۲۰۱۶ ارائه کرده‌اند، به چند مؤلفه کلیدی در حوزه اشتغال اشاره شده است که عبارتند از: ابعاد اقتصادی، تکنولوژیک، اجتماعی و محیطی. در این مدل ونگ و توبن، هریک از ابعاد را به دو بخش مثبت و منفی (اثرات مطلوب و نامطلوب) طبقه‌بندی کرده‌اند (Thoben and Wang, 2016).

در مدل دیگری از اشتغال که موحدی و همکاران مطرح کرده‌اند، به هفت مؤلفه کلیدی: حمایت‌های دولت (مالی و ایجاد تعاونی‌ها)، آگاهی اجتماعی - فرهنگی (ایجاد فرهنگ تعاون، ارتقای جایگاه تعاونی‌ها در میان دانش‌آموختگان و دانشجویان)، اعتقاد و باور در جهت ایجاد تعاونی‌ها (افزایش توانایی رقابت در بازار، ایجاد انگیزه فردی و اشتیاق و افزایش توانایی‌های فنی با تعاونی‌ها)، حمایت از کارآفرینی و خوداشتغالی (توسعه کسب‌وکارهای کوچک، حمایت از مشاغل کارآفرینانه و خوداشتغالی‌ها)، خدمات آموزشی و مشاوره‌ای (ارائه خدمات آموزشی برای راه‌اندازی کسب‌وکار و مشاوره در جهت مدیریت کسب‌وکار)، حمایت‌های مالی و بودجه‌ای (اعطای اعتبار و تسهیلات برای ایجاد کسب‌وکار) و حمایت‌های اجتماع (حمایت رسانه‌ها از کسب‌وکارها، حمایت در جهت ایجاد بازار برای کسب‌وکارهای کوچک) توجه شده است (موحدی، لطیفی و فتحی، ۱۳۹۱). در الگوی اشتغال اکراین که پاتیکا و همکاران در سال ۲۰۲۱ مطرح کرده‌اند، دو بعد ذهنی و عینی در نظر

---

1. John Maynard Keynes

گرفته شده است. عوامل ذهنی (فردی) شامل سن، جنسیت، تحصیلات، ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصی، توانایی خوداشتغالی، وضعیت سلامت و ... است و عوامل عینی شامل عوامل اجتماعی (محل اقامت، دستمزد، طول عمر، جمعیت، مهاجرت و ...)، عوامل اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات و ...)، عوامل سیاسی (ثبات سیاسی، سیاست‌های مالیاتی، جنگ‌های داخلی و ...) و عوامل نهادی (عملکرد نهادهای اقتصادی، مدیریت غیرمتمرکز و ...) است (Patyka et al., 2021).

## ۲-۱. مفهوم رفاه اجتماعی

از قرن هجدهم، جرمی بنتام و دیوید هیوم، رفاه را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت و به‌منزله خیر و خوشبختی تعریف کردند، پیگو<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) نیز آن را مقوله کمی قابل اندازه‌گیری با پول و مرتبط با آمال و آرزوهای فرد در نظر گرفت و سولر<sup>۲</sup> (۱۹۷۴) بر ترجیحات و تمایلات فرد تأکید کرد. جان راولز<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) هم رفاه را عادلانه بودن توزیع منابع می‌داند. فیتز پاتریک رفاه اجتماعی را در معنایی بسیار وسیع در نظر می‌گیرد و آن را شادکامی، تأمین ترجیحات و نیازها، رهایی و مقایسه‌های نسبی که هر فرد از نظر رفاه خود با دیگران دارد، تعریف می‌کند (فیتز پاتریک، ۱۳۸۳). از طرف دیگر، از بین رفتن فقر و محرومیت، مجموعه‌ای از خدمات و مؤسسه‌های اجتماعی با هدف دستیابی افراد به زندگی مطلوب، درجاتی از بهبود اجتماعی در وضعیت افراد، بازار کار و دستمزد و اوضاع مادی، اشتغال و پرداخت کمک هزینه‌های اجتماعی از جمله ابعاد رفاه اجتماعی محسوب می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۴).

1 .Pigou Arthur Cecil

2 .Suler

3 .John Rawls

### ۱-۳. آینده پژوهی

آینده پژوهی، اصول و روش‌های مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام در خصوص علوم و فنون مرتبط با آینده است. آینده پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها آینده بدیل و احتمالی را ترسیم می‌کند (قاسمی و قبادیان، ۱۳۹۴). آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌ای بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد (محیط، ۱۳۹۶).

### ۱-۴. تحلیل اثرات متقابل / ساختاری

یکی از محدودیت‌های اساسی روش‌های پیش‌بینی آینده مثل روش‌های شهودی (امثال مصاحبه‌ها، فنون دلفی، جلسات طوفان فکری و غیره که عمدتاً مبتنی بر نظرها و بینش نخبگان) این است که آنها، رویدادها و روندها را یک‌به‌یک پیش‌بینی می‌کنند، بدون اینکه به تأثیرات احتمالی آنها بر یکدیگر اشاره کنند، درحالی‌که اغلب رویدادها و روندها کم‌وبیش و به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط هستند. توجه به روابط متقابل میان این رویدادها و روندها می‌تواند در ارتقای صحت و دقت پیش‌بینی‌های آینده مؤثر باشد. در پاسخ به این نیاز و رفع کاستی‌های موجود در دیگر روش‌ها، مفهوم تأثیر متقابل را هلمر و گوردون<sup>۱</sup> مطرح کردند. این روش از این پرسش ساده به‌دست آمد که «آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد؟» روش تحلیل ساختاری با بهره‌گیری از مفهوم تحلیل اثرات متقابل میان متغیرها، به دنبال مشخص کردن متغیرهای کلیدی (آشکار یا پنهان) به‌منظور دریافت نظرها و تشویق مشارکت‌کنندگان و ذی‌نفعان در مورد جوانب و رفتارهای پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی یک سیستم است (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Helmer and Gordon

## ۲. اهداف پژوهش

### ۲-۱. هدف اصلی

تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران.

### ۲-۲. اهداف فرعی پژوهش

- تعیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده اشتغال و رفاه اجتماعی کشور ایران؛
- تعیین متغیرهای تأثیرپذیر در آینده اشتغال و رفاه اجتماعی کشور ایران؛
- تعیین متغیرهای دوجبهی در آینده اشتغال و رفاه اجتماعی کشور ایران؛
- تعیین متغیرهای تنظیمی در آینده اشتغال و رفاه اجتماعی کشور ایران؛
- تعیین متغیرهای مستقل در آینده اشتغال و رفاه اجتماعی کشور ایران.

## ۳. پیشینه پژوهش

در این بخش از پژوهش به بررسی آثار و مقالات اخیر در حوزه اشتغال در داخل و خارج از کشور خواهیم پرداخت. دلیری (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «آینده پژوهی اشتغال و بیکاری با رویکرد سیاست‌های کلی اشتغال» تلاش کرده تا آینده اشتغال استان گلستان را با استفاده از روش آینده پژوهی پیش‌بینی کند. در این پژوهش برای تحلیل آینده نرخ بیکاری در استان گلستان در سه حالت خوش‌بینانه، بدبینانه و حد متوسط در طرف عرضه نیروی کار و آینده‌های ممکن یازده‌گانه در طرف تقاضای نیروی کار، معرفی شده که براساس آن نرخ بیکاری برای استان گلستان تا افق ۱۴۰۵ پیش‌بینی شده است. عنابستانی و حسینی کهنوج (۱۳۹۷) در پژوهش «تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت در مناطق روستایی شهرستان جیرفت» با استفاده از روش دلفی و در قالب



نرم‌افزار میک‌مک، عوامل از بعد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مورد آزمایش قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای نوسان محصولات کشاورزی، تخصیص یارانه به سرمایه‌گذاران و حمایت از کارآفرینان، همراهی سازمان امور مالیاتی، کاهش هزینه‌های تولیدی اعضا و توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فراورده‌های گوناگون کشاورزی به ترتیب بیشترین میزان تأثیرگذاری نسبت به سایر متغیرها را داشتند.

عالی‌پور و عنایتی (۱۳۹۹) در پژوهش «طراحی مدل آینده بازار کار در افق ۱۴۰۴ با رویکرد جهادی و اقتصاد مقاومتی» نشان می‌دهند که ایجاد شهرک‌های صنعتی کوچک و کارگاه‌های تولیدی بومی در استان، جلوگیری از هجوم واردات به استان و توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی و نیازسنجی در نظام آموزشی استان مازندران، به ترتیب بیشترین اثرگذاری را در بازار کار مازندران در راستای افق ۱۴۰۴ خواهد داشت. در پژوهشی دیگر، هزار جریبی و سبحانی (۱۳۹۷) به بررسی راهبردهای سیاستگذاری جوانان در ایران پرداخته‌اند و چالش‌های بازار کار را با استفاده از مدل SWOT شناسایی کرده‌اند. فرصت‌ها و تهدیدهای بازار کار ایران به چهار مقوله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی و نقاط قوت و ضعف در سه مقوله اقتصادی، سیاسی و نیروی انسانی طبقه‌بندی شده است. مرادی و مرادی‌آورزمان (۱۳۹۴) به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال پایدار شرکت‌های تعاونی در نهاوند پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که به ترتیب عوامل تسهیلات بانکی، قوانین و مقررات بانکی، جذب سرمایه‌گذار، فرهنگ کار گروهی و حمایت و نظارت دولت بیشترین تأثیر را بر اشتغال پایدار نهاوند دارد.

سعدی و موسوی (۱۳۹۲) به بررسی عوامل و سیاست‌های مؤثر بر اشتغال نیروی کار پرداخته و نشان دادند که در کوتاه‌مدت می‌توان با استفاده از تسهیلات و تحریک تولید، اشتغال را افزایش داد اما مهم‌ترین عامل ایجاد اشتغال در بلندمدت سرمایه‌گذاری و به تبع آن، رشد اقتصاد شناسایی شده است. در پژوهشی مشابه،

زنگانه و همکاران (۱۳۹۹) به شناسایی و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های اشتغال پایدار با تأکید بر سیاست‌های کلی اشتغال پرداخته و عوامل اثرگذار بر اشتغال را در پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط زیست و تکنولوژی طبقه‌بندی کردند. شرفی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهش «شناسایی عوامل مؤثر در اشتغال با رویکرد کارآفرینی پایدار مبتنی بر سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری» با تحلیل داده‌ها نشان دادند عوامل ساختاری و نهادی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی، آموزش و تکنولوژیکی در اشتغال با رویکرد کارآفرینی پایدار در بخش کشاورزی اثرگذارند. جعفری و همکاران (۱۳۹۵)، در مطالعه خود نتیجه‌گیری کردند که متغیر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بر اشتغال در ایران مؤثرند و در بین متغیرهای زیرساخت اقتصادی، بخش حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات به ترتیب درجه اثربخشی بر متغیر اشتغال اثر مثبت دارند، همچنین در بخش زیرساخت‌های اجتماعی بخش گردشگری، تأمین اجتماعی، مسکن، بهداشت، نفت و آموزش به ترتیب بیشترین اثر مثبت را بر اشتغال می‌گذارند.

در پژوهش پاتیکا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در کشور اوکراین پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عواملی مانند سن، جنسیت، میزان تحصیلات، تجربه و ... در کنار عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیرساختی بر اشتغال در کشور اوکراین اثرگذار است. ناجری و گانو<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان می‌دهد که کنترل فساد بر سهولت انجام تجارت تأثیر مثبت می‌گذارد؛ لذا تدوین سیاست‌هایی برای جلوگیری از فساد، افزایش تولید ناخالص داخلی را تشویق می‌کند. افزایش تولید ناخالص داخلی محرک مثبتی برای

1. Patyka

2. Nageri and Gunu

راه‌اندازی مشاغل و ایجاد اشتغال خواهد بود. تاران و نگوین<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر کارایی تجارت بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME): شواهدی از ویتنام» را به انجام رساندند. نتایج نشان داد که سه عامل کسب‌وکارها و مشاغل را تحت تأثیر قرار می‌دهد: ۱. گروهی از عوامل نهادی، سیاست‌گذاری و زیرساختی؛ ۲. گروهی از عوامل مرتبط با شرکت‌ها و ۳. گروهی از عوامل مرتبط با محیط خارجی و پیرامونی کسب‌وکارها. بنی‌روبین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) به تعیین استراتژی ایدئال در تسهیل اشتغال برای افزایش سرمایه‌گذاری عمومی در منطقه ملاوی با استفاده از روش SWOT پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که ارائه سیاست‌های خاص مرتبط با فناوری‌های نوین به اشتغال و اقدام‌های دولت به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاران، جمع‌آوری داده‌های مربوط به منابع و امکانات، استفاده مؤثر و کارآمد از بودجه، ساخت پایگاه داده‌ای بازار کار و ایجاد بانک اطلاعاتی از کارکنان ماهر و آموزش‌دیده می‌تواند سطح اشتغال را افزایش دهد.

ترزویو<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در بلغارستان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بلغارستان با مشکلات جدی در تضمین نیروی کار با کیفیت از متخصصان با تحصیلات متوسطه، متخصصان بازار کار با مهارت‌های لازم و توانایی کار با فناوری‌های مدرن مواجه است. خروج متخصصان از کشور، علاوه بر مهاجرت مستمر جوانان، یکی از مشکلات جدی بازار کار در سال‌های آینده خواهد بود. رافیل و روجیلیو<sup>۴</sup> (۲۰۱۹)، در مطالعه تقاضای اشتغال در صنایع کارخانه‌ای مکزیک با استفاده از آمار و اطلاعات سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۷ و ۱۹ زیربخش صنایع

---

1. Taran and Nguyen

2. Benirobin

3. Terziev

4. Rafael and Rogelio

کارخانه‌ای و روش پانل دیتا نتیجه‌گیری می‌کنند که کشش تقاضای اشتغال نسبت به دستمزد منفی و فقط در اشتغال تخصصی با معنی است و بهره‌وری نیروی کار و صادرات به ترتیب تأثیر منفی و مثبت بر تقاضای اشتغال دارند. نیو مارک<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، در مطالعه ارتباط بین حداقل دستمزد و اشتغال در آمریکا، ابتدا به صورت تاریخی می‌پردازد و در ادامه از جنبه نظری بحث را ادامه می‌دهد و نشان می‌دهد که در زمان حداقل دستمزد چگونه کارگران به جستجوی شغل می‌پردازند و در نهایت با افزایش حداقل دستمزد در آمریکا در دوره‌های بعد به سایر کشورها هم سرایت می‌کند یعنی افزایش حداقل دستمزد در آمریکا به سایر کشورها نیز منتقل خواهد شد. ونگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش «تأثیرات سیستم رفاه اجتماعی بر وضعیت اشتغال گروه‌های کم‌درآمد در شهرهای چین» به اهمیت استراتژی کاهش فقر و مسئله «وابستگی به رفاه» در میان گروه‌های کم‌درآمد در شهرهای چین پرداخته‌اند.

کوهن<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش «تأثیر سیاست‌های رفاهی و استخدامی بر مهاجرت و بیکاری»، به بررسی ارتباط بین مهاجرت و بیکاری محلی بر اساس سه مقصد مهاجرپذیر؛ یونان، آلمان و ایالات متحده می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر سه کشور با سیاست‌های مختلف رفاهی و استخدامی که در هریک از آنها به وجود آمده، همبستگی بالایی بین این دو شاخص ایجاد کرده‌اند. در یونان، جایی که سیاست رفاه و اشتغال، تقویت شده است؛ رابطه مثبتی بین شاخص‌ها وجود دارد. آلمان که سیاست محافظه‌کارانه‌ای را برای تشویق اشتغال در پیش گرفته است، رابطه منفی بین این دو شاخص مشاهده می‌شود. در مقابل، ایالات متحده سیاست لیبرال مهاجرت را اجرا می‌کند که ارتباط دوسویه‌ای بین شاخص‌ها ایجاد می‌کند.

1. Neumark

2. Wang, Chan and Han

3. Cohen

#### ۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی، براساس ماهیت داده‌ها با روش‌های جدید علم آینده‌پژوهی، در گروه تحقیقات اکتشافی و تحلیلی قرار دارد که با به‌کارگیری ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی انجام گرفته است. جامعه هدف در این پژوهش مسئولان اشتغال و رفاه اجتماعی در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی کشور و همچنین محققان و پژوهشگران حوزه اشتغال و رفاه در مؤسسه عالی پژوهشی تأمین اجتماعی هستند. در مرحله نخست (بخش کیفی) ابتدا به‌منظور تعریف مسئله و شناسایی ابعاد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است، سپس برای شناسایی سایر عوامل مؤثر بر اشتغال و رفاه از ابزار مصاحبه و پرسشنامه باز استفاده شده است. در فاز اول پژوهش، پس از مصاحبه با ۲۲ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان حوزه اشتغال و رفاه وزارت کار و سازمان‌های تابعه، پژوهش به اشباع نظری رسید و فرایند مصاحبه متوقف شد. همچنین محققان در راستای تعمیم‌پذیری نتایج مطالعه به سراسر کشور از سازمان‌های زیرمجموعه وزارت کار در بعضی شهرستان‌ها (اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه و همدان) نیز بهره گرفته‌اند. در گام دوم، پس از احصای عوامل و مؤلفه‌های کلیدی اثرگذار بر آینده اشتغال و رفاه کشور، عوامل در قالب ماتریس اثرات متقابل طراحی و در میان خبرگان توزیع شد و از ایشان خواسته شد تا در چارچوب ماتریس اثرات متقابل بر مبنای میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها با استفاده از اعدادی در طیف ۰ تا ۳ امتیازدهی کنند. در این امتیازدهی ۰ به‌منزله بدون تأثیر، ۱ به‌منزله تأثیر ضعیف، ۲ به‌منزله تأثیر متوسط و ۳ به‌معنای تأثیر زیاد است. سپس امتیازها در ماتریس متقاطع وارد شد تا با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک‌مک اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر سنجیده شود، سپس درنهایت با تحلیل

و تفسیر خروجی نرم افزار میک مک پیشران های کلیدی اثرگذار بر وضعیت آینده اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور مشخص شد.

## ۵. یافته های پژوهش

با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، داده های حاصل از فاز اول روش دلفی، طبقه بندی شد. بدین صورت که ابتدا تمامی داده ها و مفاهیم اصلی از متن مصاحبه ها استخراج شد و این عناوین کدهای باز را تشکیل دادند، سپس چند کد باز با مفاهیم مشابه در یک کد مفهومی (متغیر) طبقه بندی شد. در این پژوهش، ابتدا ۹۷ کد اولیه استخراج شد و سپس در ۱۴ کد مفهومی نظام بانکی، نظام پرداختها، فضای سرمایه گذاری، ساختار اقتصادی، نظام آموزشی، عدالت اجتماعی، نظام فرهنگی و اجتماعی، منابع انسانی، قوانین و مقررات، سیاستگذاری، روابط بین المللی، تکنولوژی، فضای کسب و کار و نظام رفاهی جای گرفتند. این عوامل به شرح جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مقوله بندی کدهای اولیه استخراج شده از مصاحبه ها

متغیرها	شاخص های اولیه
نظام بانکی	مقررات و ضوابط دریافت تسهیلات بانکی
	شرایط و روش بازپرداخت تسهیلات
	عدم تمکین بانکها از سیاستهای اشتغالزای دولت
	میزان کارمزد و بهره وام کسب و کار
	عدم شفافیت در ساختار بانکها
	فقدان نظارت بر منابع مالی و عملکرد بانکها

متغیرها	شاخص‌های اولیه
نظام پرداخت‌ها	پرداخت یارانه به دستمزدها برای به‌کارگیری بیکاران در صنعت
	عدم کفایت مزدی شاغلان کشور
	وجود نظام دستمزد دو قسمتی در آینده بازار کار
	تدوین سیاست‌های نادرست در تعیین حداقل دستمزد
	افزایش مستمر شکاف میان نرخ تورم و حداقل دستمزدها
	عدم تناسب میان میزان کار و مزد دریافتی
قوانین و مقررات	چسبندگی بودن قانون کار و ناهماهنگی آن با شرایط روز کشور
	جایگزینی مقررات‌زدایی به‌جای مقررات‌زایی در ساختار کسب‌وکارها
	تشریفات دیوان‌سالار در راه‌اندازی کسب‌وکار (فرایند اخذ مجوز، ثبت برند و ...)
	عدم شفافیت و وجود فساد اداری
	بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری
	اصلاح قوانین صادرات و واردات و قوانین گمرکی
سرمایه‌گذاری	ضعیف بودن سه‌جانبه‌گرایی در تدوین قوانین کار
	جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش‌های مختلف تولید
	میزان ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت
	فقدان فضای امن به جهت سرمایه‌گذاری در کشور (بیمه سرمایه‌گذار و ...)
	ضعف بازار سرمایه در بخش تأمین مالی
	فرار سرمایه‌ها از ایران
روابط بین‌المللی	شکل‌گیری مناسبات جدید منطقه‌ای
	تحریم‌های بین‌المللی
	سایه جنگ و عدم امنیت در کشور
	عضویت در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی
	روابط پرتنش ایران در سطح بین‌المللی

متغیرها	شاخص‌های اولیه
فضای کسب و کار کشور	تقویت بازار مصرف کالاهای داخلی و حمایت از تولید
	حرکت تدریجی از سمت اشتغال رسمی به اشتغال غیررسمی در آینده
	بروز و ظهور بنگاه‌های چندملیتی در آینده کشور
	احیای صنایع اشتغال‌زا در کشور
	وجود مناطق آزاد تجاری و اقتصادی در کشور
	سودآور بودن حوزه‌های غیرمولد اقتصادی و مشاغل کاذب
	فقدان بنیادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها
	عرضه کالاهای خارجی قاچاق در بازار داخلی
ساختار اقتصادی	تفوق دولت بر اقتصاد کشور
	نرخ تورم
	میزان درآمد سرانه افراد
	وجود انحصار در برخی صنایع و حوزه‌های اقتصادی
	تولید ناخالص داخلی غیرنفتی
	ثبات شاخص‌های اقتصادی
نظام فرهنگی و اجتماعی	نوسان‌های نرخ ارز
	علاقه به استخدام رسمی و دولتی
	تغییر سبک زندگی و الگوهای اشتغال در آینده
	وجود آزادی‌های اجتماعی برای انتخاب شغل در جامعه
	تغییر نگرش افراد جامعه به کارآفرینان و تولیدکنندگان
	تقویت فرهنگ کسب و کار و کارآفرینی در کشور
	ارتقای روحیه مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی در میان اقشار مختلف جامعه
	فقدان نگاه ارزشی به کار
عدم پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی توسط کارفرمایان	



متغیرها	شاخص‌های اولیه
نظام آموزشی	انطباق میان رشته‌های آموزشی و نیاز بازار کار
	ارائه خدمات مشاوره‌ای برای ورود به بازار کار
	ارائه آموزش‌های تخصصی بازار کار توسط مراکز فنی و حرفه‌ای
	عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار
	رواج مدرک‌گرایی
تکنولوژی	تقسیم یک جایگاه شغلی بین چندین نفر در آینده به دلیل ورود ربات‌ها
	دسترسی به فناوری‌های نوین صنعتی جهان در جهت ارتقای بهره‌وری نیروی کار
	افزایش سهم مشاغل اطلاعاتی و برجسته شدن کسب‌وکارهای پلتفرم در آینده بازار کار
	کاهش ساعات کاری نیروی انسانی به دلیل ورود تکنولوژی در آینده
	حمایت از مشاغل دانش‌بنیان و فناوری‌محور
	ناآشنایی واحدهای تولیدی با تکنولوژی‌های روز تولید
	فراهم‌سازی زیرساخت‌های شبکه و فناوری اطلاعات به منظور راه‌اندازی کسب‌وکارها
سیاست‌گذاری	بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین داخلی در جهت ایجاد اشتغال
	عدم ابتناء سیاست‌های اشتغال بر موازین علمی و تحقیقاتی
	ناهماهنگی و تناسب میان سیاست‌های لایه‌های کلان و برنامه‌های عملیاتی
	جایگزینی مفهوم سیاست اقتصادی به جای اقتصاد سیاسی
	عدم شفافیت آمار و اطلاعات بازار کار
	گسست سیاست‌های اشتغال و عدم هم‌افزایی میان سیاست‌ها
	انحراف از سیاست‌ها و برنامه‌های بازار کار در فاز اجرا
	نظارت دولت بر اجرای درست سیاست‌ها
	تهیه اطلس جامع اشتغال کشور
توجه به نخبگان اقتصادی کشور در سیاست‌گذاری‌ها	

متغیرها	شاخص‌های اولیه
منابع انسانی	تغییرات دموگرافیک و جمعیتی (بسته شدن پنجره جمعیتی جوانان در آینده)
	افزایش سن ورود به بازار کار در آینده و کاهش بهره‌وری نیروی کار
	کمبود نیروی انسانی ماهر و متناسب با بازار کار
	حمایت از زنان برای ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SME) در حوزه مشاغل خانگی
	ورود مجدد بازنشستگان به بازار کار و اشغال جایگاه‌های شغلی
	مهاجرت نیروی کار متخصص و خروج از بازار داخلی
	جایگزینی ضوابط به جای روابط در انتخاب نیروی کار
	کاهش فرزندآوری و کاهش نیروی کار در آینده
نظام رفاهی	سلامت جسمی و روحی نیروی کار
	امنیت شغلی نیروی انسانی سازمان‌ها
	بالا بودن نرخ بیکاری دهک‌های پایین درآمدی
	بی‌کیفیت و ناپایدار بودن مشاغل برای دهک‌های پایین درآمدی
	تضعیف درآمد سرانه افراد به‌ویژه در دهک‌های پایین درآمدی
	ایجاد و گسترش صندوق‌های حمایت از شاغلان مانند صندوق‌های بازنشستگی و تعاونی
	سرکوب دستمزد نیروی کار و اجبار سیستم رفاهی به حمایت بیشتر اقشار ضعیف بودن سیستم مساعدت‌های اجتماعی در جهت توانمندسازی اقشار ضعیف
	مفهوم کار شایسته و حفظ کرامت و عزت نفس افراد
عدالت اجتماعی	برابری حقوق و دستمزد در زنان و مردان در برابر کار هم‌ارزش
	روند نزولی ضریب جینی در آینده
	توزیع عادلانه امکانات و منابع مالی در میان اقشار و مناطق مختلف کشور
	تقسیم بهنجار فرصت‌های شغلی
	عدم عدالت مزدی در کشور
	طرد اقتصادی، اجتماعی و قومیتی گروه‌های خاص (زنان سرپرست خانوار و ...) از بازار کار

## ۵-۱. تحلیل کلی سیستم

عوامل مستخرج از مصاحبه با بهره‌گیری از روش تحلیل اثرات متقابل / ساختاری با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفتند. براساس تعداد متغیرها ابعاد ماتریس اثرات متقابل ۱۴\*۱۴ است. تعداد تکرارها دوبار در نظر گرفته شده است. میزان پرشدگی ماتریس ۷۹/۵۹٪ است که نشان‌دهنده ضریب خوبی است. از مجموعه ۱۵۶ رابطه قابل‌ارزیابی در ماتریس ۴۰ رابطه عدد صفر، ۳۵ رابطه عدد یک، ۵۴ رابطه عدد دو و ۶۷ رابطه عدد سه بوده است. از طرف دیگر ماتریس براساس شاخص‌های آماری از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۱۰ و ۱۰۰ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن است.

جدول ۲. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل

مقدار	شاخص
۱۴	ابعاد ماتریس
۲	تعداد تکرارها
۴۰	تعداد صفرها
۳۵	تعداد یک
۵۴	تعداد دو
۶۷	تعداد سه
۱۵۶	جمع
۷۹/۵۹٪	درجه پرشدگی

مأخذ: همان.

جدول ۳. درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس

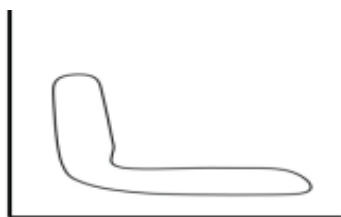
چرخش	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
۱	۱۱۰٪	۹۶٪
۲	۱۰۰٪	۹۸٪

مأخذ: همان.

۲-۵. ارزیابی پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها

نحوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی، حاکی از میزان پایداری یا ناپایداری سیستم است. در روش شناسی و تحلیل میک مک در مجموع دو نوع پراکنش تعریف شده که به نام سیستم‌های پایدار و ناپایدار معروفند. در سیستم‌های پایدار، پراکنش متغیرها به صورت  $L$  است. چنانچه متغیرها از سمت محور مختصات به سمت انتهای نمودار و در حوالی آن پخش شده باشند، سیستم ناپایدار است.

شکل ۱. شکل شماتیک سیستم‌های پایدار و ناپایدار



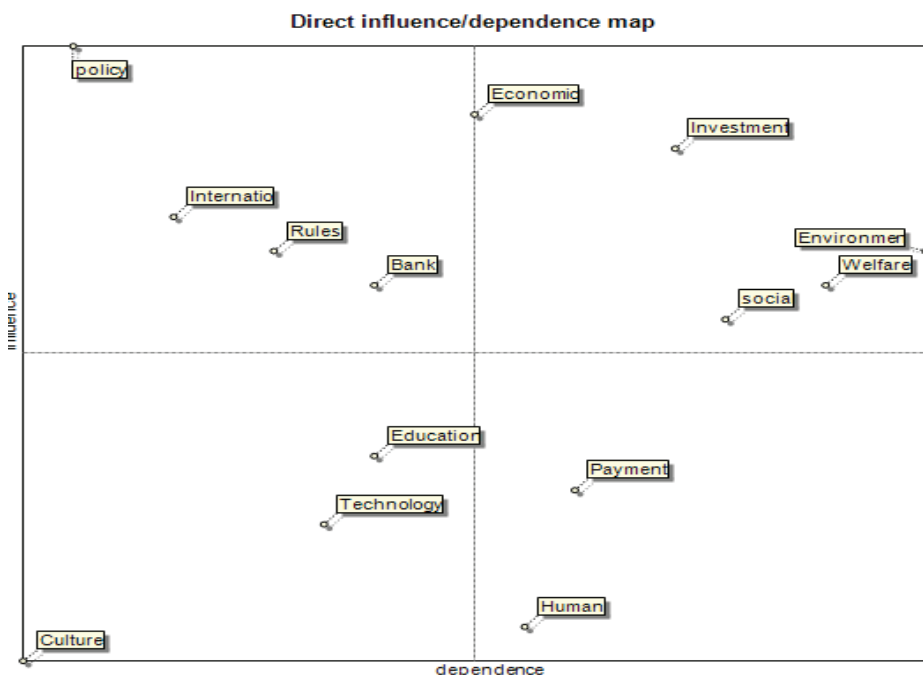
سیستم‌های پایدار



سیستم‌های ناپایدار

مأخذ: پورسهراب، ۱۳۹۴.

### نمودار ۱. پراکندگی متغیرها براساس تأثیرات مستقیم متغیرها



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرها می‌توان دریافت، وضعیت ناپایداری سیستم است. در این سیستم می‌توان پنج نوع متغیر را جستجو کرد که عبارتند از: متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای دووجهی (متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف)، متغیرهای تنظیمی، متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه سیستم و متغیرهای مستقل.

### ۳-۵. ارزیابی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم متغیرها

جدول ۴. میزان اثرات مستقیم متغیرها

ردیف	متغیر	میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری
۱	سیاستگذاری	۹۴۹	۵۰۲
۲	ساختار اقتصادی	۸۹۳	۷۲۶
۳	سرمایه‌گذاری	۸۶۵	۸۳۷
۴	روابط بین‌المللی	۸۱۰	۵۵۸
۵	قوانین و مقررات	۷۸۲	۶۱۴
۶	محیط کسب و کار	۷۸۲	۹۷۷
۷	نظام بانکی	۷۵۴	۶۷۰
۸	نظام رفاهی	۷۵۴	۹۲۱
۹	عدالت اجتماعی	۷۲۶	۸۶۵
۱۰	نظام آموزشی	۶۱۴	۶۷۰
۱۱	نظام پرداخت‌ها	۵۸۶	۷۸۲
۱۲	تکنولوژی	۵۵۸	۶۴۲
۱۳	منابع انسانی	۴۷۴	۷۵۴
۱۴	نظام فرهنگی - اجتماعی	۴۴۶	۴۷۴

مأخذ: همان.

#### ۱-۳-۵. متغیرهای دوجبهی

ناحیه ۱ به متغیرهای راهبردی یا دوجبهی تعلق دارد که به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند و در قسمت شمال شرقی نمودار ۱ قرار می‌گیرند. هم قابل دستکاری و کنترل هستند و هم بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر می‌گذارند؛ یعنی شاخص‌های ناپایداری را تشکیل می‌دهند. در برخی از منابع به عنوان متغیرهای اعتماد از آنها نام برده شده است. متغیرهایی که بالای خط قطری این ناحیه قرار

می‌گیرند، متغیرهای «ریسک» نامیده می‌شوند؛ زیرا ظرفیت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی را دارند؛ یعنی به سرعت تغییرات بر آنها اثر می‌گذارند و آنها نیز این تغییرات را خیلی سریع به متغیرهای وابسته در ناحیه منتقل می‌کنند. متغیرهایی که زیر خط قطری این ناحیه قرار می‌گیرند، متغیرهای «هدف» نامیده می‌شوند و نتایج سیستم را به نمایش می‌گذارند. به عبارت دیگر، با دستکاری این متغیرها سیستم تغییرات تکاملی را در پیش خواهد گرفت. متغیرهای دوجهی ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به متغیرهای کلیدی سیستم را دارند که تعداد زیادی از آنها در این پژوهش به عنوان متغیرهای کلیدی انتخاب شده‌اند. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری به عنوان متغیرهای دوجهی شناخته شده‌اند.

#### جدول ۵. متغیرهای دوجهی در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

نوع متغیر	متغیر	طبقه‌بندی
متغیر ریسک	ساختار اقتصادی	فاکتور اقتصادی
متغیر ریسک	سرمایه‌گذاری	فاکتور اقتصادی
متغیر هدف	محیط کسب و کار	فاکتور اقتصادی
متغیر هدف	نظام رفاهی	فاکتور اجتماعی
متغیر هدف	عدالت اجتماعی	فاکتور اجتماعی

مأخذ: همان.

#### ۲-۳-۵. متغیرهای تأثیرگذار

ناحیه ۲ متغیرهایی که درصد تأثیرگذاری آنها نسبت به تأثیرپذیری بسیار بالاتر هستند را شامل می‌شود و این متغیرها در شمال غربی پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری قرار می‌گیرند. در این راستا با توجه به شناسایی سیستم به عنوان سیستم ناپایدار وجود

عوامل تأثیرگذار با درجه بسیار بالا و قرارگیری در منتهی‌الیه نمودار در سمت شمال غربی بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا وجود متغیرها در این محل بیشتر در سیستم‌های پایدار حاکم است. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری، متغیرهای تأثیرگذار نامیده می‌شوند (امجدی، ۱۳۹۵).

جدول ۶. متغیرهای تأثیرگذار در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

متغیر	طبقه‌بندی
سیاستگذاری	فاکتور زیربنایی
روابط بین‌المللی	فاکتور سیاسی
قوانین و مقررات	فاکتور سیاسی
نظام بانکی	فاکتور اقتصادی

مأخذ: همان.

### ۳-۳-۵. متغیرهای تنظیمی

متغیرهای تنظیمی در اطراف مرکز ثقل نمودار یا پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری قرار دارند و در برخی مواقع به‌عنوان اهرم ثانویه (متغیرهای هدف ضعیف یا متغیرهای ریسک ضعیف) عمل می‌کنند. این متغیرها می‌توانند به متغیرهای تأثیرگذار و دوجبهی ارتقا یابند. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری به‌عنوان متغیرهای تنظیمی شناخته می‌شوند (رهسپار و همکاران، ۱۳۹۸).



جدول ۷. متغیرهای تنظیمی در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

متغیر	طبقه‌بندی
نظام آموزشی	فاکتور آموزش
نظام بانکی	فاکتور اقتصادی

مأخذ: همان.

#### ۴-۳-۵. متغیرهای تأثیرپذیر

این متغیرها در قسمت جنوب شرقی پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری قرار دارند و می‌توان آنها را متغیرهای صفحه نیز نامید. این متغیرها از تأثیرپذیری بسیار بالا در سیستم و تأثیرگذاری بسیار پایین در سیستم برخوردارند. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری به‌عنوان متغیرهای تأثیرپذیر شناخته می‌شوند (امجدی، ۱۳۹۵).

جدول ۸. متغیرهای تأثیرپذیر در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

متغیر	طبقه‌بندی
نظام پرداختها	فاکتور اقتصادی
منابع انسانی	فاکتور اجتماعی

مأخذ: همان.

#### ۵-۳-۵. متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل دارای تأثیرگذاری و همچنین تأثیرپذیری بسیار پایین هستند. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری به‌عنوان متغیرهای مستقل شناخته می‌شوند.

جدول ۹. متغیرهای تأثیرپذیر در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

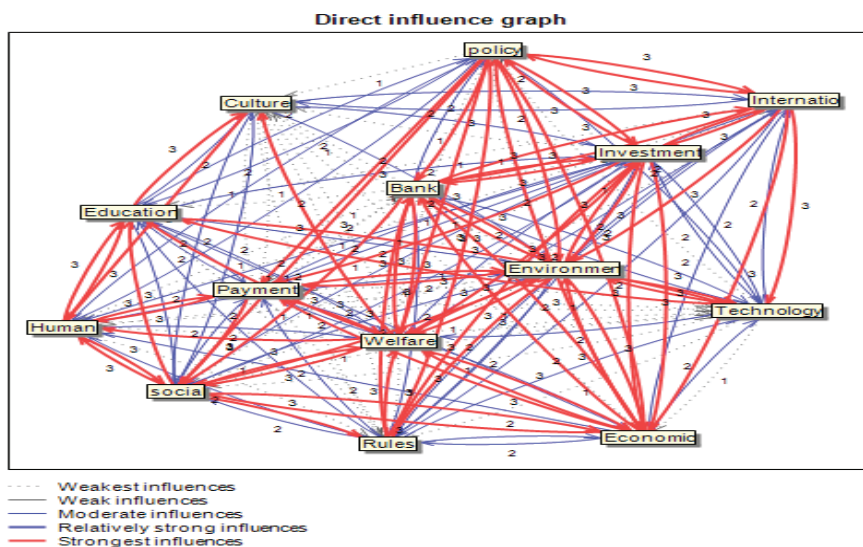
متغیر	طبقه‌بندی
نظام آموزشی	فاکتور آموزش
نظام فرهنگی	فاکتور فرهنگی
تکنولوژی	فاکتور تکنولوژی

مأخذ: همان.

۴-۵. تحلیل گراف اثرگذاری

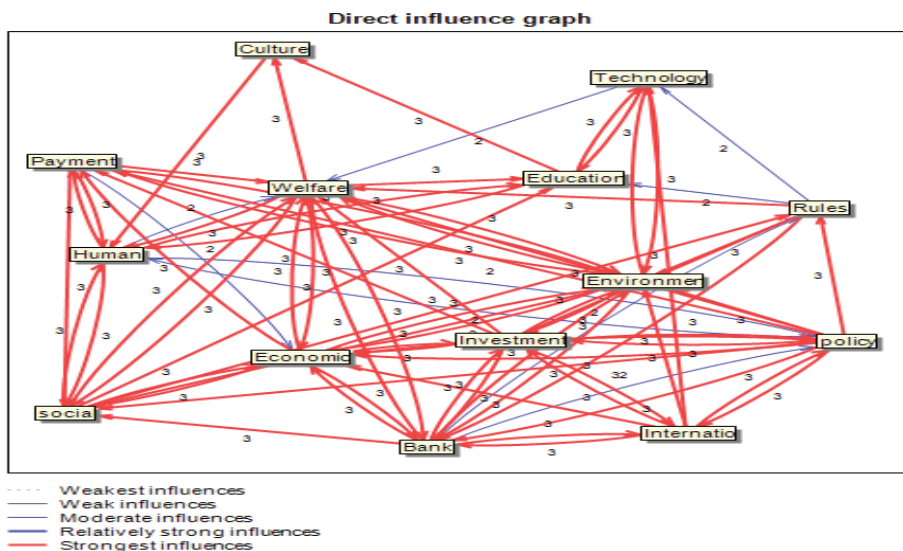
گراف اثرگذاری نشان‌دهنده روابط متغیرها و چگونگی اثرگذاری آنها بر همدیگر است. این گراف در قالب خطوط قرمز و آبی نشان داده می‌شود که انتهای هر خط با یک پیکان مشخص شده و بیانگر جهت اثرگذاری متغیر است. خطوط قرمز نشان‌دهنده اثرگذاری شدید عوامل بر همدیگر است و خطوط آبی با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می‌دهند.

شکل ۲. شماتیک سیستم‌های پایدار و ناپایدار



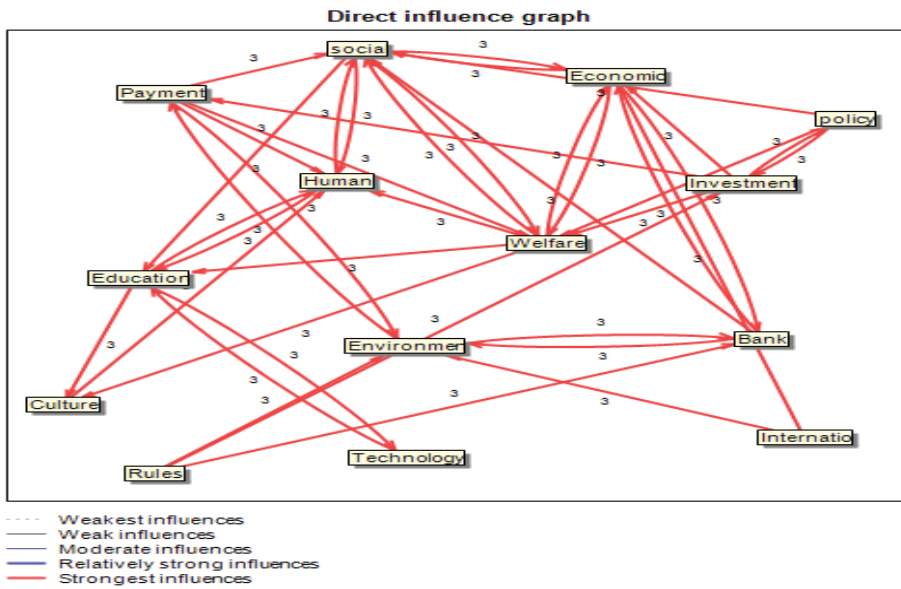
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۳. ارتباط مستقیم بین متغیرها (تأثیرات میانه تا بسیار قوی)



مأخذ: همان.

شکل ۴. ارتباط مستقیم بین متغیرها (تأثیرات بسیار قوی)



مأخذ: همان.

### ۵-۵. ارزیابی تأثیرگذاری و تأثیر پذیری غیرمستقیم متغیرها

در این روش هر کدام از روابط متغیرها با نرم افزار میک مک به توان ۲، ۳، ۴، ۵ و ... رسانده و بر این اساس اثرات غیرمستقیم متغیرها سنجیده شده است. در تحلیل صفحه پراکندگی تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی همانند صفحه پراکندگی تأثیرات مستقیم متغیرها می توان پنج متغیر تأثیر گذار، دوجهی، تنظیمی، تأثیر پذیر و متغیرهای مستقل را شناسایی کرد. در جدول ذیل میزان تأثیر گذاری و تأثیر پذیری غیرمستقیم متغیرها نمایش داده شده است.

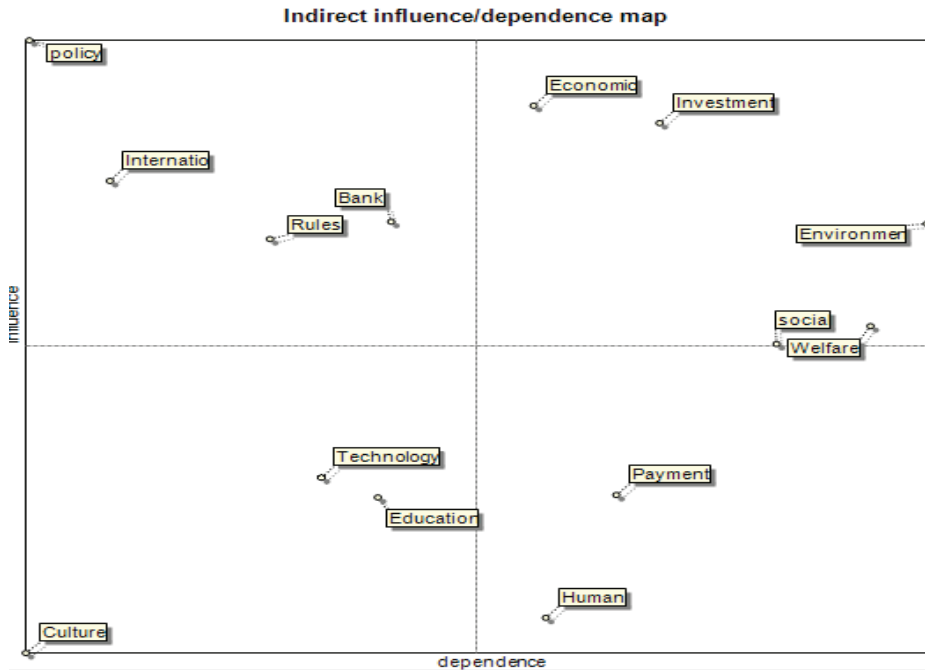
جدول ۱۰. میزان اثرات غیرمستقیم متغیرها

ردیف	متغیر	میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری
۱	سیاستگذاری	۹۶۰	۴۹۶
۲	ساختار اقتصادی	۹۰۳	۷۵۰
۳	سرمایه‌گذاری	۸۸۸	۸۱۴
۴	روابط بین‌المللی	۸۳۸	۵۳۶
۵	نظام بانکی	۸۰۳	۶۷۸
۶	محیط کسب‌وکار	۸۰۱	۹۴۹
۷	قوانین و مقررات	۷۸۸	۶۱۷
۸	نظام رفاهی	۷۱۳	۹۲۱
۹	عدالت اجتماعی	۶۹۷	۸۷۳
۱۰	تکنولوژی	۵۸۲	۶۴۳
۱۱	نظام پرداخت‌ها	۵۶۷	۷۹۲
۱۲	نظام آموزشی	۵۶۴	۶۷۲
۱۳	منابع انسانی	۴۶۰	۷۵۷
۱۴	نظام فرهنگی - اجتماعی	۴۳۰	۴۹۴

مأخذ: همان.

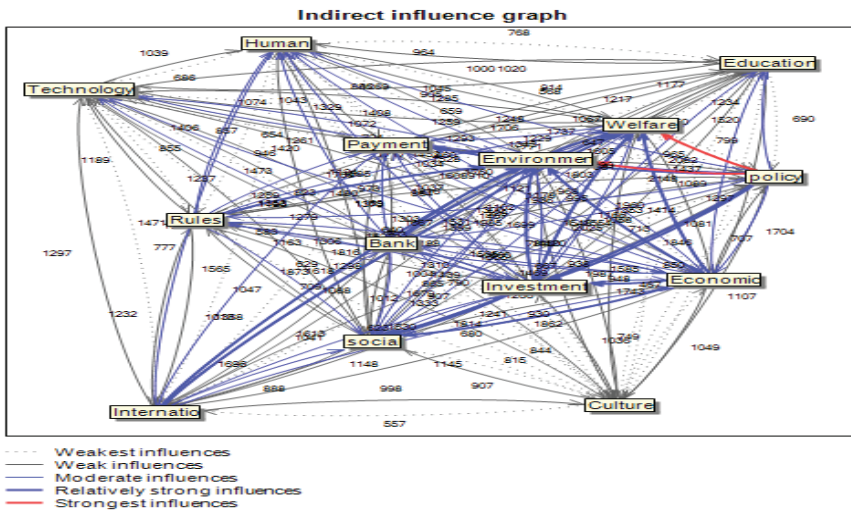
نمودار ۲ پراکندگی متغیرها را در چهار ناحیه اول، دوم، سوم و چهارم نشان می‌دهد. متغیرهای ناحیه اول، تأثیرگذار؛ متغیرهای ناحیه دوم دوجبهی، متغیرهای ناحیه سوم مستقل و متغیرهای ناحیه چهارم نیز تأثیرپذیر هستند.

نمودار ۲. پراکندگی متغیرها براساس تأثیرات غیرمستقیم متغیرها



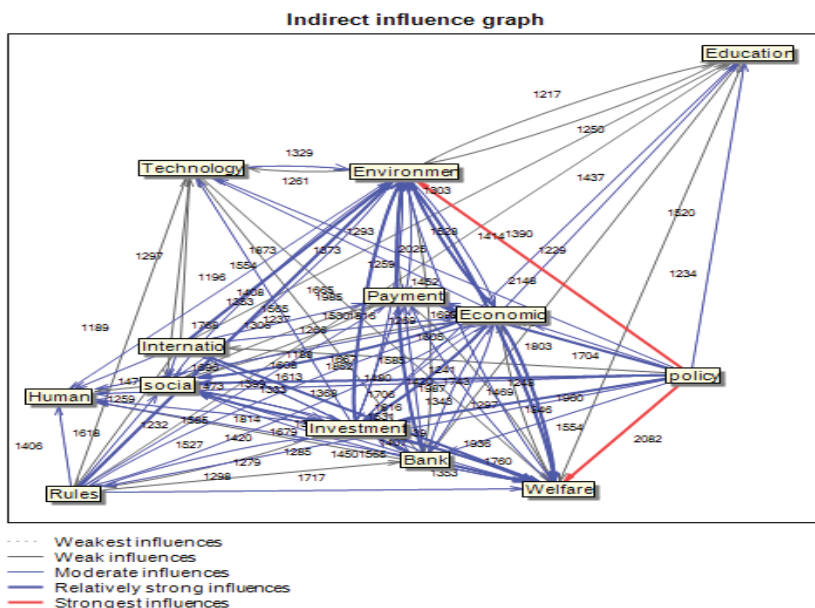
مأخذ: همان.

شکل ۵. ارتباط غیرمستقیم میان متغیرها (تأثیرات بسیار ضعیف تا بسیار قوی)



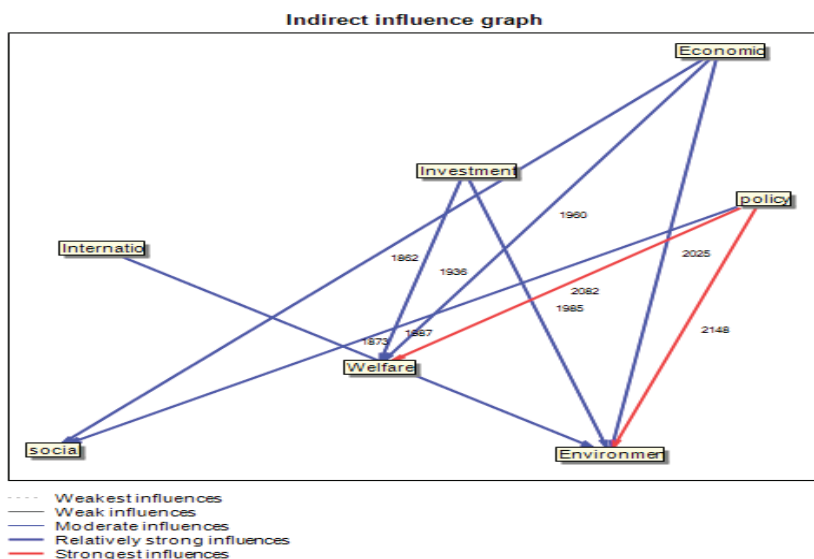
مأخذ: همان.

شکل ۶. ارتباط غیرمستقیم میان متغیرها (تأثیرات ضعیف تا بسیار قوی)



مأخذ: همان.

شکل ۷. ارتباط غیرمستقیم میان متغیرها (تأثیرات میانه تا بسیار قوی)



مأخذ: همان.

جدول ۱۱. رتبه‌بندی متغیرها براساس اثرات مستقیم و غیرمستقیم

رتبه	مستقیم		غیر مستقیم	
	تأثیر گذاری	تأثیر پذیر	تأثیر پذیر	تأثیر گذاری
۱	سیاست‌گذاری	محیط کسب و کار	سیاست‌گذاری	محیط کسب و کار
۲	ساختار اقتصادی	نظام رفاهی	ساختار اقتصادی	نظام رفاهی
۳	سرمایه‌گذاری	عدالت اجتماعی	سرمایه‌گذاری	عدالت اجتماعی
۴	روابط بین‌المللی	سرمایه‌گذاری	روابط بین‌المللی	سرمایه‌گذاری
۵	قوانین و مقررات	نظام پرداخت‌ها	نظام بانکی	نظام پرداخت‌ها
۶	محیط کسب و کار	منابع انسانی	محیط کسب و کار	منابع انسانی
۷	نظام بانکی	ساختار اقتصادی	قوانین و مقررات	ساختار اقتصادی
۸	نظام رفاهی	نظام بانکی	نظام رفاهی	نظام بانکی
۹	عدالت اجتماعی	نظام آموزشی	عدالت اجتماعی	نظام آموزشی
۱۰	نظام آموزشی	تکنولوژی	تکنولوژی	تکنولوژی
۱۱	نظام پرداخت‌ها	قوانین و مقررات	نظام پرداخت‌ها	قوانین و مقررات
۱۲	تکنولوژی	روابط بین‌المللی	نظام آموزشی	روابط بین‌المللی
۱۳	منابع انسانی	سیاست‌گذاری	منابع انسانی	سیاست‌گذاری
۱۴	نظام فرهنگی - اجتماعی	نظام فرهنگی - اجتماعی	نظام فرهنگی - اجتماعی	نظام فرهنگی - اجتماعی

مأخذ: همان.



در این پژوهش سعی بر آن بوده که عوامل مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی با بهره‌گیری از روش دلفی و ابزار مصاحبه از خبرگان و کارشناسان این حوزه استخراج شود و سپس با استفاده از تحلیل ساختاری و ماتریس اثرات متقابل در نرم‌افزار میک‌مک ارتباط این عوامل با هم سنجیده و عوامل دارای اولویت در حکم عوامل کلیدی یا پیشران‌های اثرگذار بر اشتغال و رفاه اجتماعی شناسایی شود. در جدول ذیل پیشران‌های کلیدی حوزه اشتغال و رفاه اجتماعی ذکر شده است.

جدول ۱۲. پیشران‌های کلیدی مؤثر در حوزه اشتغال و رفاه اجتماعی کشور

پیشران‌های کلیدی	ردیف
سیاستگذاری	۱
ساختار اقتصادی	۲
سرمایه‌گذاری	۳
روابط بین‌المللی	۴
قوانین و مقررات	۵
محیط کسب‌وکار	۶
نظام بانکی	۷
نظام رفاهی	۸
عدالت اجتماعی	۹
نظام آموزشی	۱۰

مأخذ: همان.

## ۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عاملی که می‌تواند در اشتغال و رفاه کشور اثرگذار باشد، سیاستگذاری است. کاهش نرخ بیکاری نیروی انسانی در کشورهای مختلف و از جمله در کشور ما از اهداف عمده سیاست‌های

کلان اقتصادی دولت است. در این راستا بررسی توان اشتغال‌زایی بخش‌های مختلف اقتصادی و نیز برنامه‌ریزی‌های لازم همراه با اقدام‌های عملی در این زمینه می‌تواند موجبات کاهش شدت بحران‌های آتی ناشی از پدیده بیکاری را فراهم آورد. از این رو در این پژوهش، تدوین و اجرای سیاست‌های اشتغال‌زا در آینده، تسهیل قوانین و مقررات مرتبط با کسب‌وکار، کاهش فساد و بوروکراسی‌های زائد اداری، جرح و تعدیل سیاست‌های ناکارآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و اشتغال‌زا و همچنین آماده‌سازی جوانان برای ورود به بازار کار، حمایت از راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SME) و به‌طور کلی ایجاد اشتغال پایدار در تعهدات و وظایف دولت در مقوله سیاست‌گذاری است.

موضوع مهم دیگر، اثر متغیرهای کلان و ساختار اقتصادی کشور بر وضعیت آینده اشتغال است. یکی از این متغیرها، نوسان‌های نرخ ارز است، با توجه به اینکه بخش عظیمی از واحدهای تولیدی مواد اولیه خود را از خارج وارد می‌کنند، مشاهده می‌کنیم که از یک‌سو روند صعودی نرخ ارز، بر افزایش قیمت تمام‌شده واحدهای تولیدی اثرگذار خواهد بود و از سوی دیگر محدودیت منابع ارزی باعث کاهش سطح تولید و اشتغال خواهد شد. موضوع بسیار مهم دیگر، سرمایه‌گذاری است. در راستای جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، کشور ما با مسائل و مشکلات متعددی روبه‌رو است که از آن جمله می‌توان به قوانین و مقررات بازدارنده، بالا بودن رتبه ریسک کشور در فعالیت‌های تولیدی، حاکمیت اقتصاد دولتی، ناکافی بودن بسترها و زیرساخت‌های فیزیکی، بوروکراسی زائد اداری، وجود ذهنیت منفی به وضعیت اقتصادی و امنیتی ایران، نامطلوب بودن فضای کسب‌وکار، تحریم‌های اقتصادی و مسائل و مشکلات جهانی اشاره کرد. پس از این عوامل، به ترتیب اولویت و اهمیت در سیاست‌گذاری اشتغال و رفاه به عواملی نظیر روابط آینده ایران با سایر کشورها، قوانین و مقررات

موجود در راستای راه‌اندازی کسب‌وکارهای آینده، فضای کسب‌وکار و تولید در ایران، نظام بانکی آینده و قوانین زیرمجموعه آن، نظام حمایتی رفاه در سطح کشور، عدالت و برابری اجتماعی و نظام آموزشی آینده قرار می‌گیرد.

در نهایت می‌توان گفت نتایج این پژوهش با پژوهش عالی‌پور و عنایتی (۱۳۹۹) در زیرمعیار فضای تولیدی و کسب‌وکار، روابط و تجارت بین‌الملل و همچنین نظام و سیستم آموزشی مطابقت و همخوانی دارد. همچنین با پژوهش هزار جریبی و سبحانی (۱۳۹۷) در ابعاد سیستم آموزشی و فساد اداری و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی با پژوهش زنگانه و همکاران (۱۳۹۹) مطابقت دارد. پژوهش شرفی و همکاران (۱۳۹۸) در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، آموزش و تکنولوژی با این پژوهش همخوانی و مطابقت دارد. پژوهش پاتیکا و همکاران (۲۰۲۱) در عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پژوهش بنی‌روبین و همکاران (۲۰۲۰) در ابعاد تکنولوژی و فناوری، اقدام‌های دولت برای جذب سرمایه‌گذار و نیروی انسانی با این پژوهش هماهنگی و مطابقت دارد. این پژوهش با نتایج پژوهش ناجری و گانو (۲۰۲۰) در بُعد قوانین و مقررات و تأثیر فساد بر راه‌اندازی کسب‌وکارها و اشتغال‌زایی آنها و با پژوهش تاران و نگوین (۲۰۱۹) در بعد سیاست‌گذاری و عوامل مرتبط با محیط پیرامونی کسب‌وکارها مطابقت و هماهنگی دارد. پژوهش نیو مارک (۲۰۱۸) نیز در بحث حقوق و دستمزد و تأثیر آن بر اشتغال مطابق این پژوهش است.

## - پیشنهادها

- بازنگری و تجدیدنظر در سیستم بانکی آینده به منظور هدف‌مندی تسهیلات اعطایی به کسب‌وکارهای اشتغال‌زا؛
- برقراری فضای امن سرمایه‌گذاری در کشور و ارائه سیاست‌های تشویقی

- به‌منظور جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در آینده؛
- تقویت و ایجاد ثبات در خصوص شاخص‌های اقتصادی مؤثر در فضای تولید و اشتغال در آینده؛
  - ایجاد و تقویت ساختارهای فرهنگی و باورهای اجتماعی در خصوص ارزش کار و هدایت نیروی کار فعال به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی؛
  - ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در آینده مبتنی بر تکنولوژی‌های جدید در سراسر دنیا و تلاش در راستای ایجاد تکنولوژی‌های جدید داخلی؛
  - بازنگری و تجدیدنظر در نظام پرداخت‌ها در آینده و برابری حقوق و دستمزد در سطح جامعه در برابر کار هم‌ارزش به‌منظور برقراری رفاه اجتماعی؛
  - برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صحیح و دقیق در راستای تغییرات جمعیت‌شناختی آینده؛
  - ارائه سیاست‌های کارآمد برای برقراری ارتباط مؤثر در آینده با سایر کشورها و تعامل سازنده با آنان در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌های خارجی و همچنین تقویت بنیه تولید در کشور؛
  - برنامه‌ریزی برای آینده جوانان و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و اشتغال‌زا؛
  - برنامه‌ریزی برای تقویت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در آینده؛
  - بازنگری و تجدیدنظر کلی در سرفصل‌ها و دروس دانشگاهی آینده منطبق با نیازهای صنایع و بنگاه‌های اقتصادی؛
  - تقویت سیاست‌های عدالت اجتماعی در خصوص توزیع و تخصیص منابع تولیدی و مالی برای ایجاد اشتغال هدفمند و پایدار؛
  - تقویت نظام رفاهی آینده به‌منظور ایجاد اشتغال بلندمدت برای اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر و دهک‌های پایین درآمدی جامعه به‌منظور کاهش فقر و افزایش

تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران... \_\_\_\_\_ ۳۷۳

سطح رفاه؛

- نظارت مداوم و مستمر دولت بر قوانین و مقررات و اجرای دقیق و درست سیاست‌های اشتغال و رفاه در کشور.

## منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۴). «نگاهی به پژوهش‌های رفاه اجتماعی در ایران؛ با تمرکز بر مقالات علمی - پژوهشی در دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۰»، *تأمین اجتماعی*، ۱۳(۵).
۲. امجدی، زهرا (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل کلیدی مؤثر در توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز.
۳. ایزدخواه، محمدمهدی و عزت‌اله اصغری‌زاده (۱۳۸۸). «تأمین مالی در پروژه‌های تکنولوژی‌محور در مراحل مختلف عمر محصول»، *انجمن علمی مدیریت: اولین کنفرانس مدیریت اجرایی*.
۴. پورسهراب، آناهید (۱۳۹۴). «تبیین راهبردهای آمیختگی با رویکرد سناریونویسی سازمان فضایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده معماری و هنر، گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان.
۵. جعفری، رامین، تقی ابراهیمی سالاری، مهدی بهنام و نرگس صالح‌نیا (۱۳۹۵). «تعیین عوامل مؤثر بر اشتغال در ایران با تأکید بر زیرساخت‌ها (۱۳۹۳-۱۳۵۸)»، *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد*، تربت حیدریه.
۶. دلیری، حسین (۱۳۹۸). «آینده‌پژوهی اشتغال و بیکاری با رویکرد سیاست‌های کلی اشتغال»، فصلنامه *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۷(۳).
۷. رهسپار، زهره، کیوان صالحی، میترا عزتی و محمدمهدی ذوالفقارزاده کرمانی (۱۳۹۸). «شناسایی و تحلیل ساختاری تأثیر متقابل پیشران‌های تغییر در حوزه آموزش و پرورش»، *نوآوری‌های آموزشی*، ۷(۱۸).
۸. زنگانه، ناصر، محمودرضا مستقیمی، روح‌اله سمیعی و مجید نصیری (۱۳۹۹). «شناسایی و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های اشتغال پایدار با تأکید بر سیاست‌های کلی اشتغال با مدل ANP فازی»، *کارآفرینی در کشاورزی*، ۷(۲).
۹. سعیدی، محمدرضا و میرحسین موسوی (۱۳۹۲). «بررسی عوامل و سیاست‌های مؤثر بر اشتغال نیروی کار»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۳(۴۹).
۱۰. شرفی، مرضیه، بابک ضیاء، روح‌اله سمیعی و محمودرضا مستقیمی (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل مؤثر در اشتغال با رویکرد کارآفرینی پایدار مبتنی بر سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغی از سوی مقام معظم

تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران... \_\_\_\_\_ ۳۷۵

رهبری»، مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، ۲(۳).

۱۱. صدیقی، الهام، عبدالرسول سلمان ماهینی، سیدحامد میرکریمی، حسن دلیری، فث برایان (۱۳۹۸).

«شناسایی و تحلیل پیشران‌های کلیدی آمایش منطقه‌ای براساس آینده‌پژوهی در شهرستان گرگان».

آمایش سرزمین، ۱۱(۲).

۱۲. عالی‌پور، علیرضا و ترانه عنایتی (۱۳۹۹). «طراحی مدل آینده بازار کار در افق ۱۴۰۴ با رویکرد مدیریت

جهادی و اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه/اقتصاد دفاع، ۵(۱۸).

۱۳. علی‌بیگی، جواد، حمید جلالیان، فرهاد عزیزپور و حسین مهدی‌زاده (۱۳۹۶). «تهیه نقشه پیشران‌های

اصلی برای آینده‌پژوهی راهبردی اثرات اجرای طرح سامانه گرمسیری بر توسعه دشت‌های مهران و

گدارخوش در راستای مدیریت برنامه‌ریزی»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۴(۷۰).

۱۴. عنابستانی، علی‌اکبر و سیدرضا حسینی کهنوج (۱۳۹۷). «تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر

اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت در مناطق روستایی شهرستان جیرفت»، فصلنامه/اقتصاد فضا و

توسعه روستایی، ۴(۴).

۱۵. فلاح حقیقی، نگین و مهدیه میرترابی (۱۳۹۶). «مشکلات شرکت‌های دانش‌بنیان کشاورزی مستقر در

سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران»، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۴(۴).

۱۶. فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۳). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ترجمه هرمز همایونفر، مؤسسه

عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

۱۷. قاسمی، احمدرضا و محمدرضا قبادیان (۱۳۹۴). «ترسیم و رتبه‌بندی سناریوهای آینده صنعت برق ایران با

بهره‌گیری از نقشه شناختی فازی و تحلیل سناریو»، فصلنامه علمی مدیریت توسعه فناوری، ۳(۱).

۱۸. محیط، رضا (۱۳۹۶). «تدوین سناریوهای شرکت پالایش گاز سرخون و قشم در شرایط کاهش

خوراک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

۱۹. مرادی، مرتضی و سیدشهریار مرادی آورزمان (۱۳۹۴). «شناسایی و مقایسه عوامل مؤثر بر اشتغال

پایدار شرکت‌های تعاونی و خصوصی در شهرستان نهاوند»، تعاون و کشاورزی، ۴(۱۶).

۲۰. مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار بهار ۱۴۰۱.

۲۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت آماری اشتغال و بیکاری جوانان».

۲۲. موحدی، رضا، سمیه لطیفی و هادی فتحی (۱۳۹۱). «تحلیل نقش تعاونی‌ها در بهبود اشتغال

فارغ‌التحصیلان کشاورزی»، مجله بین‌المللی کشاورزی، ۲(۳).

۲۳. هزار جریبی، جعفر و بهمن سبحانی (۱۳۹۷). «راهبردهای سیاست‌گذاری اشتغال جوانان در ایران»،

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷(۴۱).

24. Benirobin, P.R., Muchlis Hamdi, Rossy Lambelanova and Reydonnizar Moenek (2020). "Determining the Ideal Strategy in Facilitating Employment to Increase Public Investment in Melawi Regency using the SWOT Method", *International Journal of Science and Society*, 2(4).
25. Cohen, Erez (2017). "Effect of Welfare and Employment Policies on the Correlation between Migration and Unemployment", *Economics and Sociology*, 10(1). DOI: 10.14254/2071-789X.2017/10-1/18.
26. Curtin University (2018). *Future of Work in Australia: Preparing for Tomorrow's World*, Bankwest Curtin Economics Center.
27. Hashimzade, Nigar, Gareth Myles and John Black (2017). *A Dictionary of Economics* (5 ed.), Retrieved from <https://www.oxfordreference.com/>: DOI: 10.1093/acref/9780198759430.001.0001
28. Landstrom, Hans (2005). "Pioneers in Entrepreneurship and Small Business Research Part of the Book Series", *International Studies in Entrepreneurship*, Vol. 8.
29. Law, Jonathan (2016). *A Dictionary of Business and Management* (6 ed.), Retrieved from <https://www.oxfordreference.com/>: DOI: 10.1093/acref/9780199684984.001.0001
30. Luo, Yadong (2000). "Dynamic Capabilities in International Expansion", *Journal of World Business*, 35(4).
31. Mann, Trischa (2018). *Australian Law Dictionary* (3 ed.), Retrieved from <https://www.oxfordreference.com/>: DOI: 10.1093/acref/9780190304737.001.0001
32. Nageri, Kamaldeen Ibraheem and Umar Gunu (2020) "Corruption and Ease of Doing Business: Evidence from ECOWAS", *Acta Universitatis Sapientiae, Economics And Business*, Vol. 8 (1).
33. Neumark, David (2018). *The Econometrics and Economics of the Employment Effects of Minimum Wages: Getting from Known Unknowns to Known Knowns*, Institute of Labor Economics.
34. Patyka, Nataliia, Olena Gryschenko, Anatolii Kucher, Maria Heldak and Beata



- تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال و رفاه اجتماعی در کشور ایران... \_\_\_\_\_ ۳۷۷
- Raszka (2021). "Assessment of the Degree of Factors Impact on Employment in Ukraine's Agriculture", *Sustainability*, 13(2); <https://doi.org/10.3390/su13020564>.
35. Rafael, Tavares Luna and Varela Llamas Rogelio (2019). "The Demand for Employment in the Manufacturing Industry in Mexico", *Contaduría y Administración*, 64(1).
36. Taran, Thi Cam Thanh and Ngoc Tien Nguyen (2019). "Identify Factors Affecting Business Efficiency of Small and Medium Enterprises (SMEs): Evidence from Vietnam", *Management Science Letters*, 9(12).
37. Terziev, Venelin (2019). "Factors Influencing Employment and Unemployment", *International E-Journal of Advances in Social Sciences*, 5(14).
38. Thoben, Klaus-Dieter and Molin Wang (2016). "A Survey With Analytic Hierarchy Process for Selecting an Optimal Combination of Employing Electric Commercial Vehicles in the Urban Freight Transport", In K.D. Shaker Verlag Editors: K. Berns, *Proceedings of the 4th. Commercial Vehicle Technology Symposium (CVT 2016)*.
39. Wang, Shen-cheng, Kin-sun Chan and Ke-qing Han (2019). "Impacts of Social Welfare System on the Employment Status of Low-Income Groups in Urban China", *Public Administration and Policy*, 22(2).



# تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران

حامد قادرمزی، \* افشین بهمنی، \*\* رؤیا الماسی \*\*\* و بیان مبارکی \*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱	شماره صفحه: ۳۷۹-۴۱۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

بیمه اجتماعی از مهم‌ترین برنامه‌های تحقق سیاست‌های اجتماعی به‌منظور فراهم کردن امنیت اجتماعی - اقتصادی افراد در دوران سالمندی و ازکارافتادگی است. پژوهش حاضر به دنبال تحلیل تطبیقی استان‌های کشور از نظر سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در میان ساکنان شهرهای زیر بیست هزار نفر است. به‌لحاظ روش‌شناسی، نوع تحقیق کاربردی و ماهیت آن توصیفی - تحلیلی و جامعه‌آماری نیز تعداد ۹۰۳ نقطه شهری بوده است. روش مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها در مرحله اول، ارزیابی شاخص ضریب نهادینگی بیمه اجتماعی و شاخص جامعه‌پذیری از نظر ضریب نفوذ بیمه‌ای بوده و در گام بعدی، شاخص کلی (تلفیقی) جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در چارچوب تکنیک مولتی‌مورا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل تعداد محدود کارگزاری‌ها و مکان‌گزینی غیرمتوازن آنها، ضریب نهادینگی بیمه اجتماعی ۴۶/۶ درصد بوده و جامعه‌پذیری آن نیز به دلایلی همچون دسترسی نامطلوب، ضعف آگاهی و اطلاع‌رسانی و ضعف آموزشی و عملکرد کارگزاری‌ها ۳/۱ درصد بوده است. همچنین نتایج شاخص کلی جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی نشان می‌دهد که استان همدان با ضریب  $UI=0/0003367$ ، از بالاترین میزان مطلوبیت و بیشترین سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در سطح شهرهای زیر بیست هزار نفر برخوردار بوده و در پایین‌ترین سطح نیز استان خوزستان با ضریب  $UI=0/0000027$  قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌های اجتماعی؛ بیمه اجتماعی؛ بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر

\* دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی؛

Email: Gadermarzi@khu.ac.ir

\*\* دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: Afshin.Bahmani@ut.ac.ir

\*\*\* کارشناس ارشد مهندسی سیستم‌های سلامت، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه امیرکبیر؛

Email: R.almasi93121@gmail.com

\*\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز؛

Email: Bayan\_mobaraki@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصدوهفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi:10.22034/MR.2021.4543.4445

## مقدمه<sup>۱</sup>

مسائل، محدودیت‌ها و دشواری‌هایی که به شیوه‌های گوناگون جوانب زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ مدیران و برنامه‌ریزان و همچنین اقشار مختلف اجتماعی را بر آن داشته که برای مواجهه نظام‌مند با این تنگناها چاره‌جویی کنند. از این‌رو تصمیم‌های کلی که دولتمردان برای از میان برداشتن مسائل پیش رو اتخاذ می‌کنند، سیاست‌هایی محسوب می‌شوند که هدف آنها تحول در وضع موجود و به تعبیری گذار از شرایط موجود به وضعیت مطلوب است. با توجه به اینکه بخش عظیمی از دغدغه‌ها و مشکلات فراروی جوامع گوناگون به مسائل اجتماعی مربوط است، مهم‌ترین تدابیر و سیاست‌هایی که دولت‌ها برای ایجاد تحول در جامعه مدنظر دارند، سیاست‌های اجتماعی هستند. سیاست‌های بیمه اجتماعی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های چندجانبه اجتماعی، اقدامی سیاسی در راستای برقراری نظم اجتماعی و ایجاد تحول بنیادین در شرایط نامناسب و پیچیده اجتماعی است که پس از جنگ جهانی دوم، به‌عنوان موضوعی آکادمیک و هم‌زمان با افزایش گرایش‌ها به دولت رفاه در دانشگاه‌های انگلیس مورد توجه قرار گرفت. در ابتدا این موضوع از سوی ویلیام بوریج<sup>۲</sup> با تأکید بر پنج مؤلفه مسکن، سلامت، فقر، آموزش و بیکاری درباره کل جامعه مطرح شد. امروزه نظام سیاست اجتماعی طیف وسیعی از خدمات و تسهیلات را دربرمی‌گیرد که اهدافی از جمله محدودیت‌زدایی، برقراری عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و سیاست‌های فقرزدا را دنبال می‌کند. حمایت اجتماعی یک مفهوم چندبعدی است که خانواده، نهاد اجتماعی و دولت سه رکن اصلی آن به‌شمار می‌روند (Zorlo et al, 2014; Rodrigo and Byrne, 2011).

۱. زمان انتظار نهایی‌سازی چاپ نزد نویسنده: دو سال (۲۴ ماه).

اقدام‌های حمایتی و رفاهی در اغلب جوامع در قالب نظام جامع تأمین اجتماعی اجرایی می‌شود. تأمین اجتماعی که ترکیبی از بیمه اجتماعی و امنیت اجتماعی است، سیستمی جامع بوده که بخش‌هایی از جامعه را در برابر حوادث طبیعی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی مورد انتظار یا پیش‌بینی نشده، تحت پوشش حمایتی خود قرار می‌دهد. براساس ماده (۲۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فردی به‌عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از امنیت اجتماعی را دارد و برخورداری از امنیت در شرایط بیکاری، بیماری، معلولیت، بیوگی، پیری یا ازکارافتادگی، مزیتی اجتماعی محسوب می‌شود (Laiglesia, 2011). در ایران نیز ماده (۲۹) قانون اساسی بیان می‌دارد حق دسترسی به امنیت اجتماعی برای عموم، وظیفه دینی، ملی و ضرورت انکارناپذیر برای بخش‌هایی از جامعه است (Zarei and Shojaei, 2015: 702). حفاظت و حمایت اجتماعی به‌ویژه در مناطق محروم کشورهای در حال توسعه و فقیر در قالب بیمه اجتماعی در حال افزایش است (FAO, 2015; World Bank, 2015). اکثر کشورهای جهان به نوعی از سیستم بیمه اجتماعی مبتنی بر مشارکت برخوردارند، اما تعداد معدودی از آنها سیستم جامع تأمین اجتماعی دارند (ILO, 2010).

یکی از مباحث اساسی در راه‌اندازی نظام جامع تأمین اجتماعی مبتنی بر ارائه خدمات بیمه‌ای، تلاش برای هدفمندسازی سیاست‌های بیمه‌ای (Devereux et al., 2017) و کاهش فقر از طریق جامعیت نظام حمایتی، هدف قرار دادن اقشار بی‌بضاعت و نیازمند (Valli, 2018)، متنوع کردن خدمات پوشش بیمه‌ای و تحت پوشش قرار دادن طیف گسترده‌تری از طبقات اجتماعی - اقتصادی جامعه است (Huang and Gao, 2018). مناطق روستایی و شهرهای کوچک به‌دلیل شرایط ویژه زیستی و خصیصه‌های متمایز اجتماعی - اقتصادی، پایین بودن سطح درآمدی و آسیب‌پذیری فعالیت‌های معیشتی، بیشتر از هر گروه اجتماعی دیگر نیازمند بهره‌مندی از خدمات

بیمه‌ای هستند. این خدمات باید به گونه‌ای باشد که امنیت اقتصادی و اجتماعی آنها را تا حدودی تأمین کند. امنیت اجتماعی که به صلح اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس منتج می‌شود، نیازمند نوعی مشارکت جمعی است که با آگاهی بخشی و افزایش شناخت مردم از مزایای بهره‌مندی از پوشش بیمه‌ای حاصل خواهد شد (ENASP, 2018).

ساکنان شهرهای زیر بیست هزار نفر (شهرهای کوچک) همچون نواحی روستایی و عشایری به لحاظ ویژگی‌های حساس شغلی، معیشتی و درآمدی (فصلی بودن اشتغال و ناپایداری درآمدی) در مواجهه با افت و خیزهای اقتصادی، به نسبت از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و همین عامل ضرورت پشتوانه مالی قابل اتکا برای دوران سال خوردگی و ناتوانی را مضاعف می‌کند. این بایستگی‌ها و الزامات موجبات تصویب قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی را فراهم کرد و به دنبال آن در راستای عمل به اصل (۲۹) قانون اساسی و تحقق اصل عدالت اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر تشکیل شده و ساکنان سکونتگاه‌های یادشده را تحت پوشش خدمات بیمه اجتماعی قرار داده است (شفیعی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۷).

شهرهای زیر بیست هزار نفر در ایران (تعداد ۹۰۳ شهر) بیش از دوسوم تعداد کل شهرها را شامل می‌شود و از نظر جمعیتی نیز با ۵۹۷۹۴۲۹ نفر، ۱۰/۱ درصد کل جمعیت شهری کشور را دربر گرفته‌اند. این شهرها به لحاظ سلسله‌مراتب سکونتگاهی در پایین‌ترین سطح فضایی قرار داشته و جزء شهرهای کوچک محسوب می‌شوند. شهرهای یادشده با توجه به اینکه غالباً در نتیجه تصمیمات سیاسی - اداری ایجاد شده و از نظر ساختار اجتماعی - اقتصادی به‌ویژه در زمینه جمعیت و اشتغال دارای فرم، ماهیت و عملکرد روستایی هستند، همانند سکونتگاه‌های روستایی از امکانات و خدمات رفاهی محدودی بهره‌مند بوده و اقتصاد آسیب‌پذیر و شکننده‌ای

دارند. بنابراین تعداد بسیاری از شهرهای زیر بیست هزار نفر به‌ویژه شهرهای واقع در مناطق دورافتاده از شهرهای محروم و کم‌برخوردار بوده و ساکنان آنها از امنیت اجتماعی - اقتصادی چندانی برخوردار نبوده و به دلیل اشتغال ناپایدار و درآمد پُرنوسان پشتوانه مالی قابل‌اتکایی برای دوران سالمندی ندارند. با توجه به اینکه صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، ساکنان شهرهای زیر بیست هزار نفر را به‌عنوان مهم‌ترین جوامع مخاطب خود برای گسترش چتر پوشش بیمه اجتماعی و توانمندسازی و محرومیت‌زدایی آنها مورد بررسی قرار داده، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که وضعیت گسترش و نفوذ بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در سطح شهرهای زیر بیست هزار نفر کل کشور چگونه است؟ از این‌رو به‌منظور شناسایی و دستیابی به درک جامع ابعاد مفهومی موضوع و بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط و همچنین بررسی پیشینه مطالعات انجام شده چارچوب نظری تحقیق تشریح و تبیین خواهد شد.

## ۱. ادبیات موضوع و مبانی نظری

سیاست‌ها مجموعه تدابیری برای مواجهه مطلوب با مسائل پیش رو هستند که دولت‌ها اتخاذ می‌کنند. دلیل عمده اتخاذ سیاست‌ها، وجود مسائل و پیچیدگی‌هایی است که ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. گزینش سیاستی مطلوب نیازمند صرف زمان، هزینه و بهره‌گیری بهینه از منابع است. سیاست‌هایی که دغدغه‌های اجتماعی را برطرف کرده و موانع و محدودیت‌های اجتماعی را از میان بردارند، مقبولیت و مشروعیت سیاستگذاران را میان گروه‌های مختلف اجتماعی ارتقا بخشیده و بر سطح اعتماد و مشارکت عمومی برای پیشبرد سایر سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌افزایند.

سیاستگذاری‌های اجتماعی، اقدامی سیاسی در راستای برقراری نظم اجتماعی و

ایجاد تحول بنیادین در شرایط نامناسب و پیچیده اجتماعی هستند. این سیاست‌ها به‌عنوان راهکاری برای تأمین خدمات اجتماعی در بخش‌هایی همچون آموزش، بهداشت، اشتغال و تأمین اجتماعی تعریف شده و ابزاری قلمداد می‌شوند که دولت‌ها برای تنظیم و تکمیل نهادهای بازاری و ساختارهای اجتماعی به‌کار می‌گیرند. سیاست‌های اجتماعی از این جهت که به حمایت سیاسی از شهروندان و ارتقای سرمایه انسانی و همچنین رونق اشتغال می‌پردازند، در ارتقای شاخص‌های اقتصادی بسیار مؤثر بوده و قادرند با پیوند دادن حلقه‌های توسعه انسانی و اقتصادی در بلندمدت با تقویت تقاضای داخلی و ایجاد جوامع منسجم، به نفع عموم جامعه باشند (Orbiz, 2007: 7; Mkandawire, 2007). آنچه که مبنای نظری و حقیقت مفهومی سیاست‌های اجتماعی را عینیت می‌بخشد، گذار از دشواری‌های اجتماعی پیش رو و رسیدن آحاد جامعه به وضعیت مطلوب و پسندیده اجتماعی است. به همین دلیل آنچه در این مقاله در خصوص اهداف و ابعاد مفهومی سیاستگذاری اجتماعی مطرح می‌شود، بر تحول‌گرایی و مطلوبیت سیاست‌های اجتماعی تأکید دارد. در این نوع سیاست‌ها نکته مهم این است که همه اقشار و گروه‌ها به‌عنوان مجموعه‌ای واحد و یکسان در نظر گرفته شوند و بحثی با عنوان نژاد، زبان، اقلیت، اکثریت و گروه‌های قومی برای دریافت خدمات اجتماعی برتر وجود نداشته باشد (بیکر، ۱۳۸۲: ۸). از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاستگذاری اجتماعی محوریت قرار دادن منافع عموم مردم و توجه به اصل عدالت‌گستری است. از این‌رو سیاستگذاری اجتماعی در گام اول نگرش کل‌گرایانه و متوازن را ترویج می‌دهد. بسیاری از سیاست‌های اجتماعی با این هدف اتخاذ می‌شوند که بر پیامدهای زیان‌بار و غیرقابل قبول سیاست‌های اجتماعی نامطلوب گذشته فائق آیند.

فیتز پاتریک (۱۳۸۱) درونمایه اصلی سیاست اجتماعی را تأکید آگاهانه بر تحول



اجتماعی می‌داند و از آن به‌عنوان روندی نام‌می‌برد که رفاه یا بهزیستی جامعه به حداکثر می‌رسد. از دیدگاه تاج‌مزیبانی، غفاری و باقری (۱۳۹۶) هدف از سیاست‌گذاری اجتماعی حداکثر کردن فرصت‌های مردم برای داشتن یک زندگی خوب است. جوردن<sup>۱</sup> (۲۰۱۰ و ۲۰۱۳) معتقد است سیاست‌گذاری اجتماعی باید در جستجوی قوانین، سازمان‌ها و ساختارهایی برای حفظ روابط متقابل و انسجام در میان جمعیت باشد. به‌طور کلی سیاست مناسب اجتماعی، سیاستی است که جامعه آن را بپذیرد و شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع احساس کنند که تصمیمات سیاسی، ارزش‌های مهم آنها همچون انصاف و برابری، سازگاری، عدالت و مانند آن را منعکس می‌کند. سیاست مطلوب باید از حیث سیاسی ماندگار باشد به این معنا که به‌اندازه کافی جامعه هدف را پوشش دهد و از حمایت جمعی عمیق برخوردار باشد و از نظر تکنیکی صحیح و با معیارهای تکنیکی و عملی ایجاد شده برای حمایت از آن مطابقت داشته باشد (Smith, 2003: 11).

از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست مطلوب اجتماعی، محوریت قرار دادن منافع عموم مردم و توجه به اصل عدالت‌گستری است. به‌عبارت‌دیگر جامعه‌پذیری و مقبولیت سیاست‌های اجتماعی و رفاهی در میان جامعه مخاطب از الزامات سیاست‌گذاری است. جامعه‌پذیری فرایندی است که افراد هنجارها و رویه‌های جامعه را می‌پذیرند و نهادینه می‌کنند. از عناصر کلیدی در جامعه‌پذیری سیاست‌های رفاهی «درجه نهادینگی» است. نهادینه‌سازی یا نهادینه کردن به‌معنای قانونمند کردن کنش‌های اجتماعی بر مبنای قواعد رسمی در جهت به‌وجود آوردن انگاره‌های پایدار است. فرایندی است که در آن سازمان‌ها و رویه‌ها ارزش و ثبات به‌دست خواهند آورد (Judge, 2003). از این‌رو بیمه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیربخش‌های سیاست‌های اجتماعی نیازمند نهادینه‌سازی و به‌دنبال آن افزایش میزان جامعه‌پذیری

---

1. Jordan

در میان جامعه هدف است.

یکی از اقدام‌های برجسته در زمینه سیاست‌های اجتماعی حوزه بیمه‌ای در ایران، اجرای قانون بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر در چارچوب قانون نظام جامع رفاه اجتماعی است (رضوانی و کوچکی، ۱۳۹۶: ۴۴۶). صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر از سال ۱۳۸۴ به‌طور رسمی آغاز به فعالیت کرد و به‌منظور تسهیل در پیشبرد اهداف صندوق؛ در مراکز استان‌ها، مدیران استانی و در سطح شهرها و روستاهای هر استان کارگزاری‌هایی مستقر شده‌اند که خدمات بیمه‌ای به جامعه مخاطب ارائه می‌دهند. براساس آخرین دستورالعمل صندوق؛ ساکنان روستاها، مناطق عشایری، کشاورزان غیرساکن روستاها، شاغلان فصلی و ساکنان شهرهای زیر بیست هزار نفر، رانندگان حمل بار و مسافر برون‌شهری و کارکنان مراکز و شرکت‌های وابسته به سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی به شرط قرارگیری در محدوده سنی هجده تا پنجاه سال و عقد قرارداد مشارکت در پرداخت حق بیمه در یکی از کارگزاری‌ها، تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار خواهند گرفت. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حمایتی دولت از بیمه‌شدگان صندوق، پرداخت دوسوم حق بیمه آنهاست. این سیاست اقدام شایسته‌ای از سوی دولت برای رفع محدودیت‌ها و برقراری عدالت اجتماعی در مناطق محروم کشور از جمله شهرهای زیر بیست هزار نفر به‌شمار می‌رود (صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، ۱۳۹۸). با توجه به مطلوبیت این سیاست برای تبدیل بیمه اجتماعی به یک واقعیت نهادینه شده در جامعه، توجه به دو راهکار مهم الزامی است: اول باورسازی که از طریق اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی در مورد آن به‌دست می‌آید و دوم توجه به نهادسازی است، زیرا حمایت‌های اجتماعی در قالب نهادها، سازمان‌ها و تشکیلات قانونی جنبه عینی به خود می‌گیرند.

بازیگران عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی براساس دو رویکرد دولت‌محوری و جامعه‌محوری در جهت‌دهی به نوع و ماهیت سیاست‌ها، اولویت‌های فکری مجزا و نگرش‌های متفاوتی دارند. به طوری که هر گروه براساس ایدئولوژی و منافعی که دنبال می‌کند، دیدگاه متمایزی در مورد ماهیت، ساختار، فرایند و چگونگی تحلیل سیاست‌های اجتماعی دارد. نظریه‌پردازان دیدگاه لیبرال بر مهارت‌آموزی و ارتقای فرصت‌های آموزشی در مواجهه با مسائل متعدد اجتماعی تأکید دارند. امیل دورکیم از نظریه‌پردازان این دیدگاه، ترویج نظم اجتماعی را راهکاری برای جلوگیری از تجزیه اجتماعی برشمرده و مخالف حاکمیت نظام سرمایه‌داری در حل محدودیت‌های اجتماعی است. وی معتقد است که تمامی گروه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی در تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی، تأثیرگذار و ذی‌نفع هستند. از این رو به نوعی تقسیم کار در برخورد با دغدغه‌های اجتماعی تأکید دارد (Russell, 2011: 30).

در جوامع محافظه‌کار، در عین محوریت قرار دادن باورها و سنت‌های دیرینه به حمایت اجتماعی در ابعاد مختلف توجه می‌شود، اما در این جوامع با توجه به پویایی مسائل اجتماعی و ظهور محدودیت‌های جدید و پیچیده در گذر زمان، سیاست‌گذاری اجتماعی، روزآمد نبوده و فرایندها و اصول آن خالی از نوآوری و واکنش زود هنگام است. به همین دلیل تنگناها و معضلات اجتماعی در زنجیره‌ای قرار می‌گیرند که به دلیل عدم سیاست‌گذاری مطلوب از «دغدغه اجتماعی» به «مسئله اجتماعی» تبدیل شده و واکنش نامناسب نسبت به مسئله موجود باعث پدیدار شدن «مشکل» بزرگ‌تر شده که به دنبال آن «معضل اجتماعی» ظهور خواهد یافت. نگرش سوسیالیستی به آرمان‌ها و اهداف نهایی سیاست‌گذاری اجتماعی؛ یعنی برابری حداکثری میان افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تأکید دارد و مالکیت و مشارکت جمعی را که با آن منافع و برتری‌های فردی نادیده گرفته می‌شود، تأیید می‌کند. سیاست‌های اجتماعی

و رفاهی دولتهایی که ساختار حاکمیتی آنها گرایش‌های سوسیالیستی دارد، مخالف اقدام‌هایی همچون سپردن امور به بخش خصوصی و اقتصاد بازار هستند. نگرش ذهنی مبتنی بر دیدگاه سوسیال‌دمکراسی نسبت به سیاست‌های اجتماعی، گریزی است از جنبه‌های نامطلوب دو دیدگاه لیبرالیستی و سوسیالیسم مارکسیستی و نگرشی اعتدال‌گرایانه نسبت به جنبش‌های سرمایه‌داری. در رویکرد سوسیال‌دمکراسی، نقش دولت‌ها در فرایند سیاستگذاری اجتماعی برجسته است. در ایران روند سیاستگذاری اجتماعی در حوزه بیمه‌ای، رویکردی دولت‌محور است، اما با تحولاتی که در قوانین و اهداف بیمه اجتماعی انجام شده زمینه‌های گذار آن به سوی جامعه‌محوری فراهم شده است. همچنین به دلیل مشارکتی شدن پرداخت حق بیمه، گرایش به دیدگاه لیبرالی از سوی سیاستگذاران و مدیران بیشتر شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

به منظور درک و اشراف گسترده‌تر از موضوع پژوهش و همچنین در راستای شناخت و آگاهی از روش‌شناسی و نتایج تحقیقات مشابه موضوع این تحقیق، برخی از پژوهش‌های خارجی و داخلی بررسی شدند که در ادامه به مرور مهم‌ترین نتایج این تحقیقات می‌پردازیم.

کُ و یانگ پژوهشی با عنوان «بیمه‌های اجتماعی در جمعیت سالخورده: تأثیرات برنامه انتقال دولت در کره جنوبی» انجام داده‌اند. در این پژوهش تأثیر بیمه جدید اجتماعی بر کیفیت زندگی افراد سالخورده، نیروی کار و همچنین کمک‌های مالی فرزندان به والدین خود ارزیابی شده است. نتایج تحقیق نشان داد که با تحت پوشش قرار گرفتن افراد سالمند در بیمه‌های اجتماعی، نیاز آنها به دریافت کمک‌های نقدی از فرزندان کمتر و سطح کیفی زندگی آنها تا حدودی ارتقا یافته است (Koh and Yang, 2019). بلانک نیز پژوهشی

با عنوان «وضعیت بیمه‌های اجتماعی دولت آلمان» انجام داده که در آن بر نقش مؤثر بیمه‌های اجتماعی در نظام رفاهی این کشور تأکید کرده است. وی ضمن ارزیابی تحولات بیمه اجتماعی آلمان، معتقد است که تحولات انجام شده در ساختار بیمه اجتماعی اغلب در چهار بخش بودجه، پوشش، مزایا و حاکمیت انجام گرفته و تأکید می‌کند که بیمه‌های اجتماعی از نظر ساختاری دست نخورده باقی مانده و پیوند میان فعالیت - رفاه به‌عنوان زمینه اصلی رفاه اجتماعی تفسیر شده است (Blank, 2019).

ورمزیاری و مرادی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به «واکاوی موانع توسعه بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در شهرستان کرمانشاه» پرداخته‌اند. یافته‌های مقاله نشان داد که چند مقوله محوری با عنوان موانع ساختاری، اجرایی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و انگیزشی به موانع اساسی توسعه بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در شهرستان کرمانشاه مطرح بوده است. براساس نتایج، موانع ساختاری به‌عنوان مانع کلیدی توسعه بیمه اجتماعی مطرح بوده که این مشکل برگرفته از مفاهیمی شامل ضعف ضوابط، سازمان‌دهی نامناسب نیروی کار روستایی و عشایری و پوشش ناکافی خدمات است. ابراهیمی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزشیابی عملکرد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر (مورد مطالعه: صندوق بیمه اجتماعی شهرستان خرم‌آباد» دریافت که عملکرد صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در حد متوسط و بالاتر بوده و بیشترین اولویت به ترتیب متعلق به اهداف مشترک، اهداف مرتبط با ازکارافتادگی، فوت و بازنشستگی است. اهدافی که بیشتر محقق شده‌اند به ترتیب اولویت عبارت بودند از: برخورد مناسب کارگزاری با ارباب‌رجوع، سهولت در رسیدگی به امور توسط کارگزار، مبلغ حق بیمه مناسب و سهولت در وصول مستمری ازکارافتادگی. همچنین نتایج نشان داد که بیمه اجتماعی باعث افزایش رضایت از زندگی، افزایش امید به آینده و اعتقاد به زندگی شایسته در دوران ناتوانی است.

شفیعی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر نهادینه‌سازی بیمه اجتماعی در روستاهای شهرستان کبودرآهنگ» دریافتند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نهادینه‌سازی بیمه اجتماعی در قالب سه عامل شناختی - هنجاری، فرهنگی - اجتماعی و تنظیمی دسته‌بندی می‌شود. در این تحقیق پیشنهاد شده که صندوق بیمه اجتماعی روستائیان به آگاهی ارباب‌رجوعان توجه و با بهره‌گیری از ظرفیت گسترده رسانه‌ها و توان فنی کارگزاران، زمینه اطلاع‌رسانی مناسب و فراگیر را برای جامعه هدف فراهم کند.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع تحقیق می‌توان گفت که در اغلب پژوهش‌ها، نگرشی یک‌جانبه و تک‌شاخصی به مقوله پذیرش بیمه اجتماعی در میان روستائیان وجود داشته و در بیشتر موارد به جنبه‌های مثبت بهره‌گیری از پوشش بیمه اجتماعی و به‌طور کلی آثار مثبت گرایش به‌سوی عضویت در بیمه اجتماعی توجه شده است. در این پژوهش علاوه بر برشمردن مزیت‌ها و منافع گسترش چتر پوشش بیمه اجتماعی به عوامل و موانع پیش‌روی توسعه ضریب نفوذ بیمه اجتماعی و همچنین تعریف و تدوین شاخص‌های جدید ارزیابی سطح پذیرش و گسترش این نوع بیمه به‌صورت تک‌شاخصی، تلفیقی و بهره‌گیری از روش‌شناسی نوین در جهت رتبه‌بندی استان‌ها به‌عنوان جنبه‌های نوآورانه و متمایز از سایر پژوهش‌ها و تحقیقات پیشین توجه و تأکید شده است.

### ۳. روش‌شناسی

در این پژوهش برای نشان دادن میزان جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در شهرهای زیر بیست هزار نفر از روش‌شناسی نوع کاربردی و ماهیت توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق تعداد ۹۰۳ نقطه شهری زیر بیست هزار نفر

بوده و اتکای اصلی تحلیل‌ها بر اسناد و داده‌های اخذ شده از واحد آمار، فناوری اطلاعات و محاسبات بیمه‌ای صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد: اول با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده شاخص نهادینگی بیمه اجتماعی (ضریب برخورداری شهرهای زیر بیست هزار نفر از نهاد کارگزاری بیمه اجتماعی) و شاخص جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی برمبنای معیار ضریب نفوذ بیمه‌ای در مورد مجموع شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور ارزیابی شد. در مرحله دوم به منظور ارزیابی جامع و چندجانبه ضریب جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی؛ از شاخص ترکیبی و تلفیقی ضریب جامعه‌پذیری کلی که شامل چهار معیار ضریب نفوذ بیمه‌ای، نسبت بیمه‌شدگان غیرفعال، نسبت بیمه‌شدگان شهرهای زیر بیست هزار نفر به کل بیمه‌شدگان و ضریب نهادینگی بیمه اجتماعی استفاده شد. تکنیک مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها و همچنین مقایسه و رتبه‌بندی استان‌ها برمبنای شاخص کلی جامعه‌پذیری، روش مولتی‌مورا<sup>۱</sup> بوده و برای وزن‌دهی به شاخص‌ها نیز از مدل وزن‌دهی تخصیص نقطه‌ای استفاده شده است.

### ۱-۳. تکنیک مولتی‌مورا

روش مولتی‌مورا برای تصمیم‌گیری فرایند تعیین اهداف، جمع‌آوری اطلاعات مرتبط و انتخاب گزینه بهینه و مطلوب است (Hess and Siciliano, 1996). یکی از روش‌هایی که طیف گسترده‌ای از کاربردها برای تصمیم‌گیری در شرایط متناقض و پیچیده و همچنین مسائل به‌هم پیوسته را دارد، تکنیک مولتی‌مورا است. این مدل را می‌توان برای انتخاب مکان‌های بهینه، انتخاب محصولات و تولیدات، انتخاب مکان‌های در خطر ریسک و هر جایی به کار برد که احتیاج به تصمیم‌گیری بهینه داشته باشد (Dey et al., 2012: 659). تکنیک مورا معیارهای مطلوب و نامطلوب را

با هم و هم‌زمان برای رتبه‌بندی به‌منظور انتخاب یک گزینه از میان تمامی گزینه‌ها به‌کار می‌گیرد. این روش با یک ماتریس تصمیم‌گیری برای نشان دادن عملکرد گزینه‌های مختلف، با توجه به معیارهای مختلف شروع می‌شود (حاجی‌نژاد، فتاحی و پایدار، ۱۳۹۴). مراحل تحلیل داده‌ها در این مدل به شرح زیر است:

### مرحله اول: تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری

$$\begin{bmatrix} X_{11} & X_{12} & \dots & \dots & X_{1n} \\ X_{21} & X_{22} & \dots & \dots & X_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ X_{m1} & X_{m2} & \dots & \dots & X_{mn} \end{bmatrix} \quad (1)$$

در این ماتریس،  $X_{ij}^*$  نشان‌دهنده مقدار گزینه  $i$ ام از گزینه  $j$ ام است. همچنین  $m$  تعداد گزینه‌ها و  $n$  تعداد معیارهاست.

### مرحله دوم: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری

به‌دلیل اینکه تکنیک مورا از معیارهای مطلوب و نامطلوب برای رتبه‌بندی گزینه‌ها استفاده می‌کند، ماتریس تصمیم‌گیری دارای بُعد است و نمی‌توان معیارها را با هم مقایسه کرد. از این‌رو در این مدل گام اساسی بعد از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری، نرمالیزه کردن داده‌هاست، تا از این طریق معیارهای ارزیابی بدون بُعد شوند و همه عناصر ماتریس قابل مقایسه باشد. تکنیک مورد استفاده برای نرمالیزه کردن داده‌ها در این پژوهش، تکنیک بی‌مقیاس‌سازی معمولی است. در این روش مطابق تابع زیر هر یک از مؤلفه‌های ماتریس تصمیم‌گیری بر مجموع مؤلفه‌های ستون مربوطه تقسیم می‌شود.

$$X_{ij}^* = \frac{X_{ij}}{\sum_{i=1}^m X_{ij}} \quad (2)$$

در این تابع،  $X_{ij}^*$  مقدار بی‌بعد شده یا نرمالیزه شده گزینه  $i$ ام از معیار  $j$ ام



است. این مقدار همیشه بین [۰ و ۱] است. باید گفت که با استفاده از این روش نرمال‌سازی، عناصر ماتریس تصمیم‌گیری بدون در نظر گرفتن مطلوب بودن و نامطلوب بودن آنهاست. در این مرحله باید به وزن‌دهی معیارها اقدام کرد. برای وزن‌دهی به شاخص‌ها، پس از تعیین معیارهای ارزیابی از پانزده نفر از مدیران و کارشناسان صندوق بیمه اجتماعی خواسته شد تا شاخص‌ها را اولویت‌بندی کرده و درنهایت بر مبنای امتیازهای داده شده از تکنیک وزن‌دهی تخصیص نقطه‌ای برای تعیین وزن نهایی معیارها استفاده شد. مطابق این روش، وزن شاخص‌های ارزیابی در یک طیف عددی مثلاً ۱ تا ۱۰۰ در نظر گرفته می‌شود و وزن استاندارد هر شاخص از تقسیم آن بر مجموع مقادیر مربوط به کل شاخص‌ها محاسبه می‌شود:

$$W_i = \frac{X_i}{\sum X_i} \quad (3)$$

### مرحله سوم: محاسبه مقدار مطلوبیت و عدم مطلوبیت مقادیر نرمالیزه شده

برآورز و زاوادسکاس برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر، مدل موورا<sup>۱</sup> را گسترش دادند که باعث شد نتایج این تکنیک در تصمیم‌گیری‌ها بسیار قوی‌تر و دقیق‌تر شود. شکل گسترش‌یافته مدل موورا به مدل مولتی‌مورا یا شکل کامل ضربی معروف است. تکنیک مولتی‌مورا با استفاده از تابع زیر عمل می‌کند:

$$U_i = \frac{A_i}{B_i}$$

$$A_i = \prod_{j=1}^g w_j X_{ij}^*$$

$$B_i = \prod_{j=g+1}^n w_j X_{ij}^* \quad (4)$$

در این رابطه  $U_i$  معادل درجه سودمندی گزینه  $i$ ام است. مقدار درجه سودمندی یا مطلوبیت بین صفر و یک تغییر می‌کند و هرچه این ضریب به عدد ۱ نزدیک‌تر

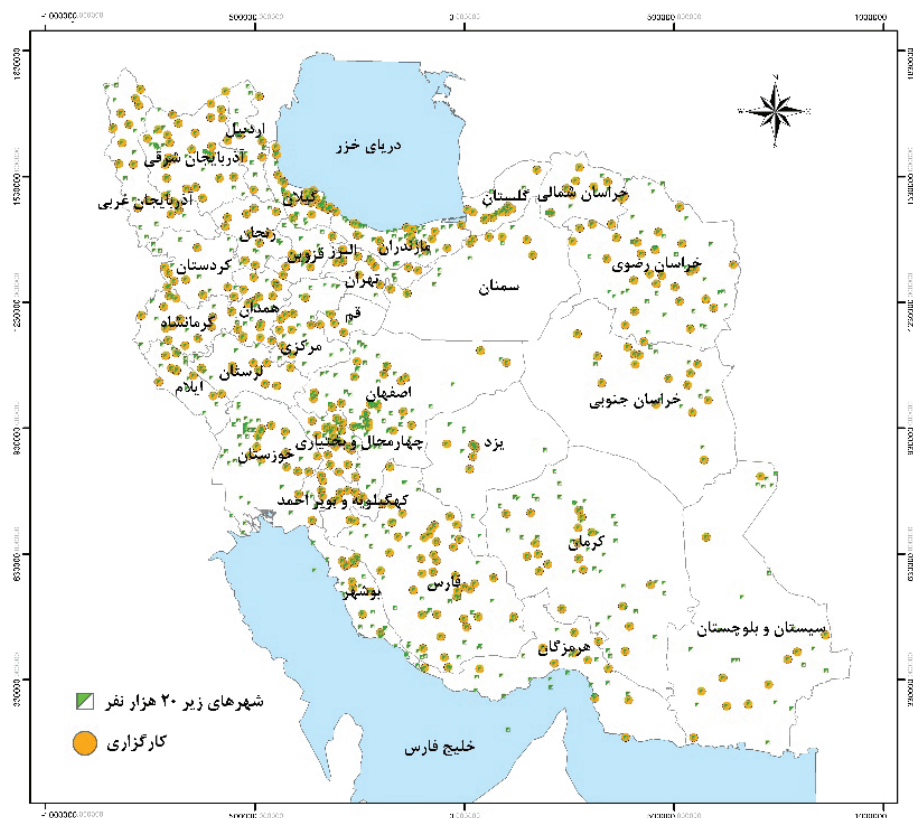
باشد، مطلوبیت جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی بالاتر خواهد بود.

#### ۴. یافته‌ها

##### ۴-۱. شاخص نهادینگی بیمه اجتماعی

برای اینکه بیمه‌های اجتماعی در میان جوامع هدف نهادینه شوند به استقرار و اعتمادسازی نهادی نیاز دارند. به عبارت دیگر مستقر کردن نهادهای مرتبط با بیمه اجتماعی در قالب نمایندگی‌های استانی و کارگزاری‌های این نوع بیمه در مراکز شهرستان و همچنین شهرها و سکونتگاه‌های روستایی و مناطق عشایری از یک‌سو موجب دسترسی گروه‌های هدف به بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای می‌شود و از سوی دیگر با افزایش اطلاع‌رسانی و ارتقای سطح آگاهی افراد نسبت به وجود چنین خدمات و مزایای بیمه‌ای، گرایش و اعتماد بیشتری برای عضویت در صندوق بیمه اجتماعی شکل خواهد گرفت. بر این اساس مکان‌گزینی بهینه کارگزاری‌ها و برخورداری هر شهر زیر بیست هزار نفر از حداقل یک کارگزاری، گامی مؤثر در راستای گسترش پوشش بیمه‌ای و معیاری تعیین‌کننده برای سطح نهادینگی بیمه اجتماعی در این شهرها خواهد بود. با توجه به داده‌های اخذ شده از تعداد کل شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور (۹۰۳ شهر)، ۴۲۱ نقطه شهری از کارگزاری بیمه اجتماعی بهره‌مند بودند (شکل ۱) که نشان می‌دهد سطح نهادینگی بیمه اجتماعی در شهرهای یادشده ۴۶/۶ درصد بوده و بیش از نیمی از ساکنان شهرهای زیر بیست هزار نفر، دسترسی مطلوبی به کارگزاری نداشتند. این شرایط کاهش اعتماد اجتماعی و پذیرش اجتماعی به نسبت پایین این نوع بیمه را به دلیل ضعف استقرار نهادی و به تبع آن ضعف آگاهی عمومی از وجود خدمات و مزایای بیمه اجتماعی در پی خواهد داشت.

شکل ۱. پراکنش جغرافیایی کارگزاری‌ها در سطح شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۲-۴. شاخص جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی بر مبنای ضریب نفوذ بیمه‌ای

مؤلفه‌های مختلفی در میزان گرایش مردم به عضویت در بیمه‌های اجتماعی تعیین‌کننده هستند. جامعه مخاطب با در نظر گرفتن امتیازات و منافع که از پوشش بیمه‌ای منتفع می‌شود، نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش آن تصمیم خواهد گرفت. اما فقط داشتن مزایا و منافع، دلیلی بر افزایش سطح جامعه‌پذیری بیمه‌های اجتماعی نیست، بلکه معیارهایی همچون استطاعت مالی، آگاهی و اشراف نسبت به خدمات و مزیت‌های بیمه‌ای، دسترسی به کارگزاری‌ها و در مجموع؛ سطح اعتماد

جمعی در میزان پذیرش بیمه اجتماعی تأثیر بسیاری خواهد گذاشت. مواردی که به آنها اشاره شد، پیشرانها و موانع جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی محسوب می‌شوند. برای تعیین ضریب جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی باید ضریب نفوذ آن را ارزیابی کرد که با سنجش نسبت افراد بیمه شده به جمعیت هدف (۱۸ تا ۵۰ سال) ساکن شهرهای زیر بیست هزار نفر به دست می‌آید که به صورت بالقوه، قابلیت و شرایط بهره‌مندی از پوشش بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر را دارند. براساس یافته‌ها در سال ۱۳۹۵، تعداد ۵۹۷۳۰۴۲ نفر در شهرهای زیر بیست هزار نفر کل کشور سکونت داشته‌اند که از این تعداد ۳۲۴۸۳۵۰ نفر (معادل ۵۴/۴ درصد)، در گروه سنی ۱۸ تا ۵۰ سال قرار داشته و واجد شرایط سنی عضویت در صندوق بیمه اجتماعی بوده‌اند. به‌رغم این ظرفیت جمعیتی، فقط ۱۰۰۵۲۲ نفر تا پایان نیمه اول سال ۱۳۹۸ از خدمات بیمه‌ای صندوق بیمه اجتماعی بهره‌مند شده‌اند که نشان می‌دهد شاخص جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در این شهرها، ۳/۱ درصد است (جدول ۱). به‌عبارت‌دیگر از هر ۱۰۰ نفری که در شهرهای مورد اشاره سکونت داشته و شروط سنی و سکونتی بهره‌مندی از پوشش بیمه اجتماعی را داشته‌اند حدود سه نفر تحت پوشش قرار گرفته‌اند که ضریب بسیار پایینی است.

### جدول ۱. شاخص جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در

#### شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور

شرح	جمعیت شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر	جمعیت ۱۸ تا ۵۰ سال	نسبت گروه سنی ۱۸ تا ۵۰ سال	تعداد بیمه شده در شهر زیر ۲۰ هزار	ضریب نفوذ بیمه‌ای
کل کشور	۵۹۷۳۰۴۲	۳۲۴۸۳۵۰	۵۴/۴	۱۰۰۵۲۲	۳/۱

مأخذ: محاسبه بر مبنای داده‌های مرکز آمار ایران و واحد آمار و اطلاعات صندوق بیمه اجتماعی.

### ۳-۴. شاخص کلی جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی

همان‌طور که اشاره شد عوامل و معیارهای متعددی در تعیین سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی دخیل هستند. در این پژوهش به‌منظور دست یافتن به تحلیلی جامع و درک کلی جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در میان ساکنان شهرهای کمتر از بیست هزار نفر کشور، از تلفیق چهار شاخص ضریب نفوذ بیمه‌ای، نسبت بیمه‌شدگان غیرفعال، نسبت بیمه‌شدگان شهرهای زیر بیست هزار نفر از کل بیمه‌شدگان و درجه نهادینگی بیمه اجتماعی بهره گرفته شد.

شاخص ضریب نفوذ بیمه‌ای، درصدی است از نسبت تعداد بیمه‌شدگان به کل جامعه هدف و شاخص نسبت بیمه‌شدگان غیرفعال هم درصد بیمه‌شدگانی را نشان می‌دهد که یا نسبت به تمدید قرارداد بیمه‌ای خود اقدام نکرده یا اینکه از پوشش بیمه اجتماعی خارج شده‌اند. همچنین شاخص نسبت بیمه‌شدگان شهرهای کمتر از بیست هزار نفر از کل، بیانگر تعداد بیمه‌شدگانی است که از شرایط سنی و سکونتی برخوردار بوده و عضو صندوق شده‌اند. شاخص درجه نهادینگی بیمه اجتماعی به سهم شهرهای زیر بیست هزار نفر از کارگزاری‌های صندوق بیمه اجتماعی اشاره دارد. برای به‌کارگیری هم‌زمان شاخص‌های یادشده و امکان تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای استان‌های کشور به‌لحاظ شاخص جامعه‌پذیری کلی از تکنیک موورا استفاده شد که با توجه به آن در مرحله نخست، ماتریس داده‌های خام به شرح جدول ۲ ترسیم شد.

جدول ۲. ماتریس داده‌های خام

استان	ضریب نفوذ بیمه‌ای	نسبت بیمه شده غیرفعال	نسبت بیمه‌شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل	درجه نهادینگی بیمه اجتماعی
آذربایجان شرقی	۷/۳	۲۷/۶	۶/۴	۵۵/۶
آذربایجان غربی	۵	۲۹	۵/۱	۵۵/۶
اردبیل	۸/۴	۵۲/۲	۹/۳	۳۸/۱
اصفهان	۲/۳	۴۵/۸	۱۲/۱	۲۵/۹
البرز	۱	۳۷/۸	۱/۸	۱۰۰
ایلام	۴/۶	۴۱/۸	۹/۴	۴۵
بوشهر	۱/۵	۵۹	۱۳/۲	۳۵/۷
تهران	۳/۵	۶۴/۶	۵/۷	۵۴/۵
چهارمحال و بختیاری	۳/۲	۳۷/۲	۱۴/۲	۵۵/۹
خراسان جنوبی	۳/۶	۳۱/۴	۷/۴	۶۲/۵
خراسان رضوی	۳/۳	۴۲/۹	۴/۸	۴۶/۴
خراسان شمالی	۷	۳۲/۶	۷/۴	۵۵/۶
خوزستان	۱	۵۰	۲/۶	۲۸/۸
زنجان	۳/۳	۳۰	۴	۵۸/۸
سمنان	۴/۱	۵۰/۹	۱۲/۴	۵۲/۳
سیستان و بلوچستان	۸	۵۲/۶	۲/۹	۳۶/۷
فارس	۳/۵	۴۰/۵	۸/۳	۵۳/۲
قزوین	۳/۹	۳۴/۳	۸	۵۰
قم	۲/۶	۴۰/۲	۵/۲	۸۰
کرمانشاه	۴/۱	۴۲/۹	۲/۷	۹/۶
کردستان	۵/۵	۲۵/۳	۳/۱	۴۰
کرمان	۱/۳	۶۸/۱	۴/۴	۳/۳

تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران ————— ۳۹۹

استان	ضریب نفوذ بیمه‌ای	نسبت بیمه شده غیرفعال	نسبت بیمه‌شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل	درجه نهادینگی بیمه اجتماعی
کهگیلویه و بویراحمد	۴/۲	۵۱/۳	۷/۵	۷/۸
گلستان	۲/۹	۳۶/۹	۵/۱	۶۱/۱
گیلان	۱/۷	۳۹/۴	۴/۱	۵۸/۵
لرستان	۳/۴	۳۹/۹	۱/۶	۵۶/۳
مازندران	۲/۵	۳۹/۸	۴/۱	۳۷/۵
مرکزی	۲/۷	۳۰/۸	۴/۷	۳۶
هرمزگان	۰/۸	۴۹/۶	۵/۱	۳۸/۷
همدان	۹/۴	۲۸/۹	۸/۲	۷۲/۷
یزد	۲/۵	۳۶	۸/۶	۴۲/۹
مجموع	۱۰۹/۱	۱۲۸۹/۳	۱۹۹/۴	۱۶۱۶/۲

مأخذ: همان.

به‌منظور بی‌بُعد کردن معیارها و فراهم کردن پیش‌نیازهای مقایسه استان‌ها با یکدیگر به نرمالیزه‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری اقدام شد. برای این امر با تکنیک بی‌مقیاس‌سازی معمولی هریک از مؤلفه‌های ماتریس تصمیم‌گیری بر مجموع مؤلفه‌های ستون مربوط به خود تقسیم شد (جدول ۳). این اقدام موجب می‌شود تا بتوان در گام بعدی مطلوب بودن یا نبودن معیارها را در نظر گرفت.

جدول ۳. مقادیر نرمالیزه شده داده‌ها

استان	ضریب نفوذ بیمه‌ای	نسبت بیمه شده غیرفعال	نسبت بیمه شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل	درجه نهادینگی بیمه اجتماعی
آذربایجان شرقی	۰/۰۶۶۹	۰/۰۲۱۴	۰/۰۳۲۱	۰/۰۳۴۴
آذربایجان غربی	۰/۰۴۵۸	۰/۰۲۲۵	۰/۰۲۵۶	۰/۰۳۴۴
اردبیل	۰/۰۷۷۰	۰/۰۴۰۵	۰/۰۴۶۶	۰/۰۲۳۶
اصفهان	۰/۰۲۱۱	۰/۰۳۵۵	۰/۰۶۰۷	۰/۰۱۶۰
البرز	۰/۰۰۹۲	۰/۰۲۹۳	۰/۰۰۹۰	۰/۰۶۱۹
ایلام	۰/۰۴۲۲	۰/۰۳۲۴	۰/۰۴۷۱	۰/۰۲۷۸
بوشهر	۰/۰۱۳۷	۰/۰۴۵۸	۰/۰۶۶۲	۰/۰۲۲۱
تهران	۰/۰۳۲۱	۰/۰۵۰۱	۰/۰۲۸۶	۰/۰۳۳۷
چهارمحال و بختیاری	۰/۰۲۹۳	۰/۰۲۸۹	۰/۰۷۱۲	۰/۰۳۴۶
خراسان جنوبی	۰/۰۳۳۰	۰/۰۲۴۴	۰/۰۳۷۱	۰/۰۳۸۷
خراسان رضوی	۰/۰۳۰۲	۰/۰۳۳۳	۰/۰۲۴۱	۰/۰۲۸۷
خراسان شمالی	۰/۰۶۴۲	۰/۰۲۵۳	۰/۰۳۷۱	۰/۰۳۴۴
خوزستان	۰/۰۰۹۲	۰/۰۳۸۸	۰/۰۱۳۰	۰/۰۱۷۸
زنجان	۰/۰۳۰۲	۰/۰۲۳۳	۰/۰۲۰۱	۰/۰۳۶۴
سمنان	۰/۰۳۷۶	۰/۰۳۹۵	۰/۰۶۲۲	۰/۰۳۳۰
سیستان و بلوچستان	۰/۰۰۷۳	۰/۰۴۰۸	۰/۰۱۴۵	۰/۰۲۲۷
فارس	۰/۰۳۲۱	۰/۰۳۱۴	۰/۰۴۱۶	۰/۰۳۲۹
قزوین	۰/۰۳۵۷	۰/۰۲۶۶	۰/۰۴۰۱	۰/۰۳۰۹
قم	۰/۰۲۳۸	۰/۰۳۱۲	۰/۰۲۶۱	۰/۰۴۹۵
کرمانشاه	۰/۰۳۷۶	۰/۰۳۳۳	۰/۰۱۳۵	۰/۰۳۸۳
کردستان	۰/۰۵۰۴	۰/۰۱۹۶	۰/۰۱۵۵	۰/۰۲۴۷
کرمان	۰/۰۱۱۹	۰/۰۵۲۸	۰/۰۲۲۱	۰/۰۲۰۶



تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران ————— ۴۰۱

استان	ضریب نفوذ بیمه‌ای	نسبت بیمه شده غیرفعال	نسبت بیمه‌شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل	درجه نهادینگی بیمه اجتماعی
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۰۲۲۰	۰/۰۳۹۸	۰/۰۳۷۶	۰/۰۵۳۰
گلستان	۰/۰۲۶۶	۰/۰۲۸۶	۰/۰۲۵۶	۰/۰۳۷۸
گیلان	۰/۰۱۵۶	۰/۰۳۰۶	۰/۰۲۰۶	۰/۰۳۶۲
لرستان	۰/۰۳۱۲	۰/۰۳۰۹	۰/۰۰۸۰	۰/۰۳۴۸
مازندران	۰/۰۲۲۹	۰/۰۳۰۹	۰/۰۲۰۶	۰/۰۲۳۲
مرکزی	۰/۰۲۴۷	۰/۰۲۳۹	۰/۰۲۳۶	۰/۰۲۲۳
هرمزگان	۰/۰۰۷۳	۰/۰۳۸۵	۰/۰۲۵۶	۰/۰۲۳۹
همدان	۰/۰۸۶۲	۰/۰۲۲۴	۰/۰۴۱۱	۰/۰۴۵۰
یزد	۰/۰۲۲۹	۰/۰۲۷۹	۰/۰۴۳۱	۰/۰۲۶۵
مجموع	۱	۱	۱	۱

مأخذ: همان.

با در نظر گرفتن این نکته که معیارهای چهارگانه تأثیر یکسانی در جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی ندارند، از روش وزن‌دهی تخصیص نقطه‌ای استفاده شد. بر این اساس معیارهای مشخص شده در اختیار پانزده نفر از مدیران و کارشناسان صندوق بیمه اجتماعی قرار گرفت تا میزان اهمیت آنها را نسبت به یکدیگر تعیین کنند. سپس با استانداردسازی مجموع امتیازات به روش یادشده، به تعیین وزن نهایی هر معیار اقدام شد که بر مبنای آن معیار ضریب نفوذ بیمه‌ای (X1) با ۰/۳۸ درصد بیشترین میزان تأثیرگذاری را در تعیین میزان جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی خواهد داشت. همچنین به ترتیب معیارهای نسبت بیمه‌شدگان شهرهای زیر بیست هزار نفر به کل بیمه‌شدگان، نسبت بیمه‌شدگان غیرفعال و درجه نهادینگی بیمه اجتماعی در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار گرفتند (جدول ۴).

جدول ۴. وزن دهی به معیارها

وزن استاندارد	وزن اولیه	معیار
۰/۳۸	۳۸	ضریب نفوذ بیمه‌ای (X۱)
۰/۲۳	۲۳	نسبت بیمه شده غیرفعال (X۲)
۰/۲۹	۲۹	نسبت بیمه‌شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل (X۳)
۰/۱	۱۰	درجه نهادبندی بیمه اجتماعی (X۴)
	۱۰۰	مجموع

مأخذ: همان.

در گام بعدی بر مبنای وزن استاندارد هریک از داده‌ها از طریق ضرب اوزان محاسبه شده در ماتریس نرمالیزه شده، ماتریس وزنی استاندارد شده محاسبه شد (جدول ۵).

جدول ۵. ماتریس نرمالیزه شده وزنی گزینه‌ها

استان	ضریب نفوذ بیمه‌ای (+)	نسبت بیمه شده غیرفعال (-)	نسبت بیمه‌شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل (+)	درجه نهادبندی بیمه اجتماعی (+)
آذربایجان شرقی	۰/۰۲۵۴	۰/۰۰۴۹	۰/۰۰۹۳	۰/۰۰۳۴
آذربایجان غربی	۰/۰۱۷۴	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۷۴	۰/۰۰۳۴
اردبیل	۰/۰۲۹۳	۰/۰۰۹۳	۰/۰۱۳۵	۰/۰۰۲۴
اصفهان	۰/۰۰۸۰	۰/۰۰۸۲	۰/۰۱۷۶	۰/۰۰۱۶
البرز	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۶۲
ایلام	۰/۰۱۶۰	۰/۰۰۷۵	۰/۰۱۳۷	۰/۰۰۲۸
بوشهر	۰/۰۰۵۲	۰/۰۱۰۵	۰/۰۱۹۲	۰/۰۰۲۲
تهران	۰/۰۱۲۲	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۸۳	۰/۰۰۳۴
چهارمحال و بختیاری	۰/۰۱۱۱	۰/۰۰۶۶	۰/۰۲۰۷	۰/۰۰۳۵
خراسان جنوبی	۰/۰۱۲۵	۰/۰۰۵۶	۰/۰۱۰۸	۰/۰۰۳۹
خراسان رضوی	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۷۷	۰/۰۰۷۰	۰/۰۰۲۹

تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران \_\_\_\_\_ ۴۰۳

استان	ضریب نفوذ بیمه‌ای (+)	نسبت بیمه شده غیرفعال (-)	نسبت بیمه شدگان شهر زیر بیست هزار نفر از کل (+)	درجه نهادینگی بیمه اجتماعی (+)
خراسان شمالی	۰/۰۲۴۴	۰/۰۰۵۸	۰/۰۱۰۸	۰/۰۰۳۴
خوزستان	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۸۹	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۱۸
زنجان	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۵۴	۰/۰۰۵۸	۰/۰۰۳۶
سمنان	۰/۰۱۴۳	۰/۰۰۹۱	۰/۰۱۸۰	۰/۰۰۳۳
سیستان و بلوچستان	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۹۴	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۲۳
فارس	۰/۰۱۲۲	۰/۰۰۷۲	۰/۰۱۲۱	۰/۰۰۳۳
قزوین	۰/۰۱۳۶	۰/۰۰۶۱	۰/۰۱۱۶	۰/۰۰۳۱
قم	۰/۰۰۹۱	۰/۰۰۷۲	۰/۰۰۷۶	۰/۰۰۴۹
کرمانشاه	۰/۰۱۴۳	۰/۰۰۷۷	۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۳۸
کردستان	۰/۰۱۹۲	۰/۰۰۴۵	۰/۰۰۴۵	۰/۰۰۲۵
کرمان	۰/۰۰۴۵	۰/۰۱۲۱	۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۲۱
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۰۰۸۴	۰/۰۰۹۲	۰/۰۱۰۹	۰/۰۰۵۳
گلستان	۰/۰۱۰۱	۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۷۴	۰/۰۰۳۸
گیلان	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۷۰	۰/۰۰۶۰	۰/۰۰۳۶
لرستان	۰/۰۱۱۸	۰/۰۰۷۱	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۳۵
مازندران	۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۷۱	۰/۰۰۶۰	۰/۰۰۲۳
مرکزی	۰/۰۰۹۴	۰/۰۰۵۵	۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۲۲
هرمزگان	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۸۸	۰/۰۰۷۴	۰/۰۰۲۴
همدان	۰/۰۳۲۷	۰/۰۰۵۲	۰/۰۱۱۹	۰/۰۰۴۵
یزد	۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۶۴	۰/۰۱۲۵	۰/۰۰۲۷
مجموع	۰/۳۸	۰/۲۳	۰/۲۹	۰/۱

مأخذ: همان.

پس از نرمالیزه‌سازی وزنی گزینه‌ها، معیارهای مطلوب (دارای جهت مثبت) و معیارهای نامطلوب (دارای جهت منفی) محاسبه می‌شوند تا درجه سودمندی گزینه‌ها یا به عبارتی مطلوبیت جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در سطح شهرهای زیر بیست هزار نفر به تفکیک استان به صورت رتبه‌بندی شده مشخص شود. با توجه به مثبت بودن شاخص‌های اول، سوم و چهارم، حاصل ضرب این سه شاخص برای هر کدام از استان‌ها محاسبه و به‌عنوان معیار مطلوبیت در نظر گرفته شد. به دلیل اینکه معیار دوم (نسبت بیمه شده غیرفعال) تنها معیار دارای جهت منفی است، داده‌های مربوط به این معیار به‌عنوان شاخص عدم مطلوبیت در نظر گرفته شد.

پس از محاسبه معیارهای مورد اشاره، رتبه نهایی هر استان از طریق تقسیم حاصل ضرب معیارهای مطلوب بر معیارهای نامطلوب محاسبه شد. بنابراین داده‌های محاسبه شده مربوط به عملکرد مطلوب و غیرمطلوب استان‌ها در ستون  $U_i$  مشخص شد که براساس آن استان همدان با ضریب  $U_i = 0/0003367$  از بالاترین میزان مطلوبیت و بیشترین سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در سطح شهرهای زیر بیست هزار نفر برخوردار بوده و بعد از آن به ترتیب استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان شمالی و چهارمحال و بختیاری در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. پایین‌ترین سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی نیز با ضریب  $U_i = 0/0000027$  مربوط به استان خوزستان بوده و پس از آن استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان پایین‌ترین سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی را داشتند (جدول ۶).

جدول ۶. محاسبه درجه سودمندی گزینه‌ها و رتبه‌بندی استان‌ها

Rank	$U_i$	$B_i$	$A_i$	استان
۱	۰/۰۰۰۰۳۳۶۷	۰/۰۰۰۵۲	۰/۰۰۰۰۰۱۷۵	همدان
۲	۰/۰۰۰۰۱۶۳۹	۰/۰۰۰۴۹	۰/۰۰۰۰۰۰۸۰	آذربایجان شرقی
۳	۰/۰۰۰۰۱۵۴۶	۰/۰۰۰۵۸	۰/۰۰۰۰۰۰۹۰	خراسان شمالی
۴	۰/۰۰۰۰۱۲۱۸	۰/۰۰۰۶۶	۰/۰۰۰۰۰۰۸۰	چهارمحال و بختیاری
۵	۰/۰۰۰۰۱۰۲۱	۰/۰۰۰۹۳	۰/۰۰۰۰۰۰۹۵	اردبیل
۶	۰/۰۰۰۰۹۴۰	۰/۰۰۰۵۶	۰/۰۰۰۰۰۰۵۳	خراسان جنوبی
۷	۰/۰۰۰۰۹۳۳	۰/۰۰۰۹۱	۰/۰۰۰۰۰۰۸۵	سمنان
۸	۰/۰۰۰۰۸۴۲	۰/۰۰۰۵۲	۰/۰۰۰۰۰۰۴۴	آذربایجان غربی
۹	۰/۰۰۰۰۸۱۸	۰/۰۰۰۷۵	۰/۰۰۰۰۰۰۶۱	ایلام
۱۰	۰/۰۰۰۰۸۰۲	۰/۰۰۰۶۱	۰/۰۰۰۰۰۰۴۹	قزوین
۱۱	۰/۰۰۰۰۶۷۷	۰/۰۰۰۷۲	۰/۰۰۰۰۰۰۴۹	فارس
۱۲	۰/۰۰۰۰۵۲۷	۰/۰۰۰۹۲	۰/۰۰۰۰۰۰۴۹	کهگیلویه و بویراحمد
۱۳	۰/۰۰۰۰۴۸۰	۰/۰۰۰۴۵	۰/۰۰۰۰۰۰۲۹	کردستان
۱۴	۰/۰۰۰۰۴۷۱	۰/۰۰۰۷۲	۰/۰۰۰۰۰۰۳۴	قم
۱۵	۰/۰۰۰۰۴۵۹	۰/۰۰۰۶۴	۰/۰۰۰۰۰۰۲۹	یزد
۱۶	۰/۰۰۰۰۴۴۵	۰/۰۰۰۵۴	۰/۰۰۰۰۰۰۲۴	زنجان
۱۷	۰/۰۰۰۰۴۳۰	۰/۰۰۰۶۶	۰/۰۰۰۰۰۰۲۸	گلستان
۱۸	۰/۰۰۰۰۳۰۳	۰/۰۰۰۷۷	۰/۰۰۰۰۰۰۲۳	خراسان رضوی
۱۹	۰/۰۰۰۰۲۹۹	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۰۰۰۰۳۴	تهران
۲۰	۰/۰۰۰۰۲۷۵	۰/۰۰۰۷۷	۰/۰۰۰۰۰۰۲۱	کرمانشاه
۲۱	۰/۰۰۰۰۲۷۵	۰/۰۰۰۸۲	۰/۰۰۰۰۰۰۲۳	اصفهان
۲۲	۰/۰۰۰۰۲۵۶	۰/۰۰۰۵۵	۰/۰۰۰۰۰۰۱۴	مرکزی
۲۳	۰/۰۰۰۰۲۰۹	۰/۰۱۰۵	۰/۰۰۰۰۰۰۲۲	بوشهر
۲۴	۰/۰۰۰۰۱۸۲	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۰۰۰۱۳	گیلان
۲۵	۰/۰۰۰۰۱۶۹	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۰۰۰۰۰۱۲	مازندران

Rank	$U_i$	$B_i$	$A_i$	استان
۲۶	۰/۰۰۰۰۱۳۴	۰/۰۰۷۱	۰/۰۰۰۰۰۰۰۹	لرستان
۲۷	۰/۰۰۰۰۰۸۴	۰/۰۰۰۶۷	۰/۰۰۰۰۰۰۰۶	البرز
۲۸	۰/۰۰۰۰۰۵۷	۰/۰۰۰۸۸	۰/۰۰۰۰۰۰۰۵	هرمزگان
۲۹	۰/۰۰۰۰۰۵۰	۰/۰۱۲۱	۰/۰۰۰۰۰۰۰۶	کرمان
۳۰	۰/۰۰۰۰۰۲۹	۰/۰۰۰۹۴	۰/۰۰۰۰۰۰۰۳	سیستان و بلوچستان
۳۱	۰/۰۰۰۰۰۲۷	۰/۰۰۰۸۹	۰/۰۰۰۰۰۰۰۲	خوزستان

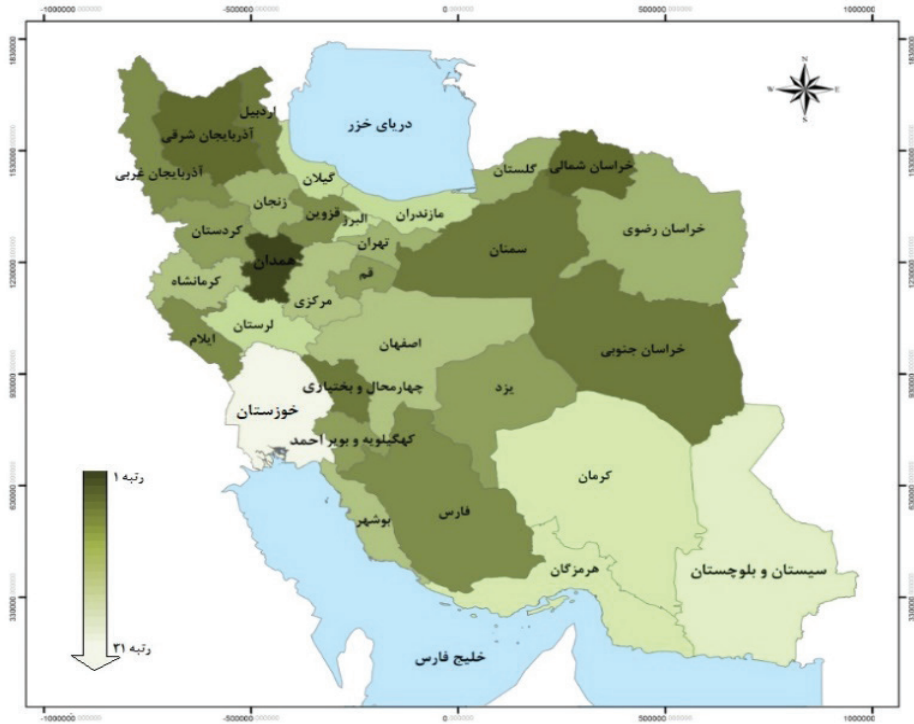
مأخذ: همان.

پراکنش جغرافیایی مطلوبیت جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی به‌گونه‌ای است که از ۱۰ استان برتر، هفت استان در نیمه غربی کشور واقع شده‌اند. استان سیستان و بلوچستان به‌رغم درجه بالای محرومیت و لزوم تلاش برای گسترش چتر بیمه‌ای و فراهم کردن پشتوانه‌های مالی و اجتماعی برای ساکنان کم‌بضاعت آن علاوه بر انزوا و دورافتادگی جغرافیایی؛ دچار غفلت، طردشدگی و واپس ماندگی از پوشش خدمات بیمه‌ای شده است. فارغ از این استان، به‌طور کلی می‌توان گفت توزیع جغرافیایی مطلوبیت جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در کشور به نسبت موزون و فراگیر است، اگرچه باید اذعان کرد که این سودمندی عملکردی در مقایسه و مطابقت استان‌ها با یکدیگر معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین اگر ضریب کلی جامعه‌پذیری را جدا از بحث رتبه‌بندی استان‌ها در نظر بگیریم، عدم جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور نمود پیدا می‌کند (شکل ۲).

تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران ————— ۴۰۷

شکل ۲. رتبه‌بندی استان‌ها به لحاظ مطلوبیت جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در شهرهای

زیر بیست هزار نفر



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیتی که سیاست‌ها و برنامه‌های بیمه اجتماعی نزد گروه‌های مختلف دارند، در پژوهش حاضر به بررسی این سیاست‌ها و سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در میان ساکنان شهرهای زیر بیست هزار نفر پرداخته شد. بررسی‌ها نشان داد که در حوزه سیاست‌های کلان، راهبردها و چشم‌اندازهای مشخصی در قالب اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز بیست‌ساله وجود دارد. در حوزه عملیاتی و اجرایی شدن برنامه‌ها و

طرح‌های مرتبط با سیاست‌های یادشده نیز اگرچه با تأخیر بوده، اما از سال ۱۳۸۴ ساختاری قانونی و اجرایی با عنوان بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر شکل گرفته که مهم‌ترین هدف آن گسترش چتر پوشش بیمه‌ای در مناطق محروم به‌ویژه روستاها، مناطق عشایری و شهرهای زیر بیست هزار نفر بوده است. در این پژوهش با توجه به اینکه تعداد ۹۰۳ نقطه شهری کشور در فهرست شهرهای زیر بیست هزار نفر قرار گرفته، به بررسی سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در میان ساکنان این شهرها و مقایسه مطلوبیت عملکردی استان‌ها در این زمینه پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که به‌رغم گذشت حدود پانزده سال از تأسیس صندوق بیمه اجتماعی، تاکنون پوشش بیمه‌ای آن در میان جامعه هدف (در اینجا شهرهای زیر بیست هزار نفر) نهادینه نشده است. به‌طوری‌که ۴۲۱ نقطه شهری که بیش از نیمی از شهرهای مورد اشاره را دربرمی‌گیرند، کارگزاری بیمه اجتماعی مستقر نشده که این مسئله یکی از مهم‌ترین عوامل عدم سهولت دسترسی ساکنان و همچنین ضعف آگاهی آنها از وجود چنین خدمات بیمه‌ای خواهد بود. همچنین بسیاری از ساکنان این شهرها نسبت به کارگزاری‌های واقع در شهرهای مجاور، اعتماد و اطمینان کافی نداشته و نسبت به سرانجام سرمایه‌گذاری که انجام می‌دهند خوش‌بین نیستند.

ارزیابی ضریب نفوذ بیمه‌ای که یکی از مهم‌ترین سنجه‌های جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی است، نشان‌دهنده مقدار بسیار پایین ۳/۱ درصدی است. به‌عبارت‌دیگر از ۳۲۴۸۳۵۰ نفری که در این شهرها سکونت داشته و واجد شرایط سنی بهره‌مندی از پوشش بیمه اجتماعی بوده‌اند، تنها ۱۰۰۵۲۲ نفر تحت پوشش قرار گرفته‌اند. این در حالی است که محدودیت‌هایی ازجمله سرپرست خانوار بودن، جنسیت و اشتغال برای عضویت در بیمه اجتماعی وجود نداشته و هر شخصی که در گروه سنی ۱۸ تا ۵۰ سال قرار داشته باشد، حائز شرایط بهره‌مندی از پوشش بیمه‌ای خواهد بود. پایین



بودن ضریب نفوذ بیمه‌ای در این شهرها، این واقعیت را نمایان می‌کند که جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در میان جامعه مخاطب؛ مستلزم اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، ارتقای مهارت‌های شغلی کارگزاران، گسترش طیف خدمات بیمه‌ای و مکان‌گزینی بهینه کارگزاری‌هاست. پذیرش اجتماعی این نوع بیمه نیازمند اعتمادسازی است و ایجاد اطمینان و اعتماد در گروه‌های هدف، مستلزم نهادسازی و تحول ساختاری، مدیریتی و منابع انسانی خواهد بود.

در بررسی شاخص کلی جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی، یافته‌ها نشان داد که اگرچه شرایط نامطلوبی در شهرهای زیر بیست هزار نفر وجود دارد، با این حال میان استان‌های مختلف کشور نیز شکاف عمیقی پدیدار شده است، به طوری که براساس رتبه‌بندی انجام شده با استفاده از روش مولتی‌مورا، استان‌های همدان، آذربایجان شرقی و خراسان شمالی دارای بیشترین میزان جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی بوده و استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و کرمان نیز در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. با توجه به تحلیل‌های انجام شده می‌توان گفت که نتایج پژوهش با نتایج تحقیق ورمزیاری و مرادی (۱۳۹۶) در موانع ساختاری، نتایج پژوهش ابراهیمی (۱۳۹۴) در خصوص ضعف‌های متنوع کارگزاران و نتایج پژوهش شفیعی، مجردی و کرمی دهکردی (۱۳۹۱) از نظر نقش عوامل شناختی - هنجاری، فرهنگی - اجتماعی و تنظیمی در میزان نهادینه‌سازی بیمه اجتماعی همسو و هماهنگ است. در مجموع می‌توان گفت که گسترش ضریب نفوذ بیمه اجتماعی و به تبع آن افزایش ضریب جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در گام اول مستلزم نهادسازی و در مراحل بعدی، نیازمند اعتمادسازی است. در راستای نتایج به‌دست آمده به‌منظور افزایش سطح جامعه‌پذیری بیمه اجتماعی در شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- مکان‌گزینی بهینه کارگزاری‌ها و استقرار حداقل یک کارگزاری در هر شهر زیر بیست هزار نفر،
- گسترش اعتماد عمومی از طریق تنوع‌بخشی به خدمات و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به ساکنان،
- آموزش‌های شغلی و مهارتی کارگزاران در اطلاع‌رسانی و اقناع ساکنان به‌منظور ترغیب آنها به بهره‌مندی از پوشش بیمه‌ای،
- توجه به حفظ بیمه‌شدگان فعلی در عین تلاش برای گسترش چتر بیمه‌ای از طریق اطلاع‌رسانی.

## منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، ندا (۱۳۹۴). «ارزشیابی عملکرد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر (مورد مطالعه: صندوق بیمه اجتماعی شهرستان خرم‌آباد)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان.
۲. بیکر، واین (۱۳۸۲). مدیریت سرمایه اجتماعی، ترجمه مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی مندجین، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۳. تاج‌مزیانی، علی‌اکبر، غلامرضا غفاری و یاسر باقری (۱۳۹۶). «وضعیت زمان، مسئله‌بودگی و صورت‌بندی سیاستگذاری اجتماعی (مطالعه موردی: لویح و طرح‌های مجلس هشتم و نهم)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۳).
۴. حاجی‌نژاد، علی، احداله فتاحی و ابوذر پایدار (۱۳۹۴). کاربرد مدل‌ها و فنون تصمیم‌گیری در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی، شهری و گردشگری، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵. رضوانی، محمدرضا و فاطمه عزیزی (۱۳۹۱). «چالش‌های بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر در کشور»، رفاه اجتماعی، ۱۳(۴۸).
۶. رضوانی، محمدرضا و محمد کوچکی (۱۳۹۶). «تحلیل آثار بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر بر امنیت اجتماعی و احساس تعلق جامعه روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان بدره - استان ایلام)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۲).
۷. شفیعی‌زاده، حمید (۱۳۹۰). «ارائه مدلی برای نهادینه‌سازی بیمه اجتماعی در بین روستاییان شهرستان کبودرآهنگ»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان.
۸. شفیعی‌زاده، غلامرضا مجردی و اسماعیل کرمی دهکردی (۱۳۹۱). «عوامل موثر بر نهادینه‌سازی بیمه اجتماعی در روستاهای شهرستان کبودرآهنگ»، پژوهش‌های روستایی، ۱۲(۴).
۹. صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر (۱۳۹۸). «گزارش عملکرد صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در شهرهای زیر بیست هزار نفر کشور»، کارگروه امور کلان، راهبردی و آینده‌پژوهی.

۱۰. فیتزپاتریک، تونی (۱۳۸۱). *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.

۱۱. مریدی، سیاوش (۱۳۸۴). «مبانی نظری و تجارب جهانی تأمین اجتماعی روستاییان، پیشینه تأمین اجتماعی و تجربه ۶ کشور برگزیده در زمینه تأمین اجتماعی روستاییان»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، ۷(۲۱).

۱۲. ورمزیاری، حجت و مصطفی مرادی (۱۳۹۶). «واکاوی موانع توسعه بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در شهرستان کرمانشاه»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۷(۶۶).

۱۳. وصالی، سعید و رضا امیدی (۱۳۹۳). «سیاستگذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹(۱).

14. Blank, F. (2019). "The State of the German Social Insurance State", *Reform and Resilience*, 54(3).
15. Devereux, S. et al. (2017). "The Targeting Effectiveness of Social Transfers", *Journal of Development Effectiveness*, Vol. 2.
16. Dey, B., B. Bairge, B. Sarker and S. Sanyal (2012). "A MOORA Based Fuzzy Multi-criteria Decision Making Approach for Supply Chain Strategy Selection", *International Journal of Industrial Engineering*, 3(4).
17. ENASP (2018). "The Social Protection for Rural Populations of Europe", European Network of Agricultural Social Protection Systems.
18. FAO (2015). "The State of Food and Agriculture 2015 (Food and Agricultural Organization)", *Social Protection and Agriculture: Breaking the Cycle of Rural Poverty*, FAO, Rome.
19. Hees, P. and J. Siciliano (1996). *Management Responsibility for performance*, New York: McGraw- Hill.
20. Huang, Xian and Qin Gao (2018). *Does Social Insurance Enrollment Improve Citizen Assessment of Local Government Performance? Evidence from China*, Social Science Research.
21. ILO (2010). *World Social Security Report 2010-2011*, International Labour Office, Geneva.
22. Judge, D. (2003). "Legislative Institutionalization: A Bent Analytical Arrow?", *Government and Opposition*, Vol. 8.
23. Koh, K. and H. Yang (2019). "Social Insurance in an Aging Population: Impacts of a Government Transfer Program in South Korea", *Economic Development and*

تحلیل تطبیقی سطح گسترش و پذیرش سیاست‌های حوزه بیمه اجتماعی در ایران \_\_\_\_\_ ۴۱۳  
*Cultural Change*, 69.

24. Laiglesia, Juan R.de (2011). "Coverage Gaps in Social Protection: What Role for Institutional Innovations?", Paper Prepared for the International Conference on Social Cohesion and Development Paris.
25. Mkandawire, T. (2007). "Transformative Social Policy and Innovation in Developing Countries", *The European Journal of Development Research*, 19(1).
26. Orbiz, I. (2007). "Social Policy, Department for Economic and Social Affairs (Undesa)", United Nations.
27. Rodrigo, M.J. and S. Byrne (2011). "Social Support and Personal Agency in At-Risk Mothers", *Psychosoc Interv*, Vol. 20.
28. Russell, J.W. (2011). *Double Standard Social Policy in Europe and the United States*, Rowman and Littlefield Publishers, INC., Second Edition.
29. Smith, Bruce L. (2003). *Public Policy and Public Participation: Engaging Citizens and Community in the Development of Public Policy*, Health Canada.
30. Valli, Elsa (2018). "Targeting of Social Protection in 11 Ethiopian Villages", United Nations Children's Fund (UNICEF).
31. World Bank (2015). *The State of Social Safety Nets 2015*, World Bank, Washington D.C.
32. Zarei, Mehdi and Abdolnaser Shojaei (2015). "Analysis of Key Factors Influencing People's Willingness to Join the Social Insurance Fund for Farmers, Villagers and Nomads", *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, Vol. 5.
33. Zurlo, K.A., H. Hu and C.C. Huang (2014). "The Effects of Family, Community, and Public Policy on Depressive Symptoms among Elderly Chinese", *J. Sociol. Soc. Work*, Vol. 2.



# بنیان‌های نهاد تلف حکمی و بهره‌گیری از آن: راهبردی برای صیانت از اعتبار سند رسمی

مصطفی‌السان،\* مهدی ایثاری\*\* و محمدرضا فتحی\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶	شماره صفحه: ۴۴۴-۴۱۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

تلف حکمی در برابر تلف واقعی قرار می‌گیرد. مقصود این است که تحت شرایطی، از حیث آثار و احکام مرتبط با رجوع به عین مال، با مالی که تلف نشده، همان رفتاری شود که با مال تلف شده می‌شود. این امر، با برخی چالش‌های فقهی و حقوقی روبه‌رو بوده و در عین حال، آثار مثبتی را از حیث حمایت از سند رسمی و نهایتاً کاهش دعاوی در پی دارد.

در این پژوهش بررسی می‌شود که تا چه حد می‌توان از نهاد تلف حکمی برای دفاع از اعتبار سند رسمی مؤخر در برابر اسناد عادی و به‌طور کلی قرارداد عادی مقدم بهره گرفت. از این رو گسترش نهاد تلف حکمی، از جهات مختلف باید مورد حمایت قرار گیرد: اول، برای حمایت از قانون ثبت اسناد و املاک و مواد مختلف آن، از جمله مواد (۲۲)، (۴۶) و (۴۷) این قانون؛ دوم، برای حمایت از خریدار رسمی با حسن نیت که به سند رسمی اعتماد کرده و ملک را طی تمام تشریفات قانونی خریداری کرده است؛ سوم، امکان مراجعه شخص زیان‌دیده (منتقل‌الیه عادی) برای مطالبه غرامت به شخصی که ملک از او به‌طور مستقیم به وی انتقال (عادی) یافته وجود دارد و نیازی به برهم زدن نظم معاملاتی در مورد قراردادهایی نیست که به‌طور رسمی، با حسن نیت و با رعایت قوانین و مقررات منعقد شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تلف حکمی؛ مبانی قانونی؛ اعتبار سند رسمی؛ تعارض دلیل؛ روبه قضایی

---

\* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: m\_elsan@sbu.ac.ir

\*\* دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان؛

Email: mahdiisari@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران؛

Email: mr.fathi1401@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5290.5056

## مقدمه

اگر مالی حقیقتاً از بین نرود ولی از نظر قانونگذار همان حکم را داشته باشد که تلف حقیقی آن حکم را دارد، در این صورت این تلف را تلف حکمی می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۸۸۵). این نهاد، از جمله با هدف حمایت از معامله‌گران دارای حسن نیت و اعتبار مطلق بخشیدن به اسناد رسمی، در حال تقویت است.

درواقع، آخرین اراده قانونگذار در ماده (۲۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۳) را باید به‌عنوان قاعده‌ای فراگیر در تشخیص اعتبار یا بی‌اعتباری معامله عادی در برابر انتقال رسمی به‌کار گرفت. رعایت اصل حسن نیت نیز در قوانین ما از جمله در ماده (۸) قانون مسئولیت مدنی (اعمال مخالف حسن نیت)، ماده (۴۰) قانون دریایی (طلبکار با حسن نیت)، ماده (۳) قانون تجارت الکترونیکی (لزوم رعایت حسن نیت در تفسیر قانون) و ماده (۱۵۴) قانون تجارت (دریافت وجه یا ربحی از سوی شریک با مسئولیت محدود) پذیرفته شده است. به پشتیبانی قاعده تلف حکمی، شخص ثالث دارای حسن نیت باید از بازگرداندن عین مال معاف باشد و انتقال‌دهنده عادی باید به جبران و بازگرداندن مثل یا قیمت مورد معامله به‌ذی‌نفع (منتقل‌الیه با سند عادی)، مکلف شود. در این راستا رویه قضایی نیز با لحاظ خلأهای قانونی موجود، قاعده تلف حکمی را مبتنی بر اصل حسن نیت تقویت کرده است.

تأکید پژوهش بر اجرای کامل مقررات قانون ثبت اسناد و املاک از حیث اعتبار مطلق سند رسمی و عدم امکان خدشه در آن با سند عادی است تا از خریدار (انتقال‌گیرنده) با حسن نیتی که طبق قانون عمل کرده و ملک با سند رسمی به‌وی انتقال یافته، در برابر خریدار عادی (ولو با قرارداد مقدم) حمایت شود. در این راستا، به قوانین و مقررات مختلفی مراجعه شده که می‌تواند در تأیید نهاد تلف حکمی به‌کار گرفته شود. این پژوهش در قالب سه گفتار: ۱. مبانی قانونی نهاد تلف حکمی؛



بنیان‌های نهاد تلف حکمی و بهره‌گیری از آن: راهبردی برای صیانت از اعتبار سند رسمی — ۴۱۷

۲. مبانی تحلیلی قاعده تلف حکمی و ۳. مصادیق شایع تلف حکمی در رویه قضایی؛  
به بررسی موضوع بنیان‌های نهاد تلف حکمی و بهره‌گیری از آن و همچنین راهبردی  
برای صیانت از اعتبار سند رسمی می‌پردازیم.

## ۱. مبانی قانونی و فقهی نهاد تلف حکمی

بررسی قوانین و مقررات مختلف و آرای فقهای عظام نشان می‌دهد که از نظر  
قانونی و فقهی نهاد تلف حکمی از جهات مختلف قابل حمایت است:

۱. شخصی که برخلاف مفاد امره قانون ثبت اسناد و املاک و با وجود اینکه ملک  
سابقه ثبتی داشته و مانعی برای انتقال رسمی آن وجود ندارد، قولنامه (سند  
عادی) را مبنای انتقال ملک برای خود قبول می‌کند، در واقع خطر می‌کند.  
ریسک او این است که شاید آن ملک به شخص یا اشخاص دیگری نیز به صورت  
عادی انتقال یافته یا در آینده انتقال یابد. این مخاطره نباید به طرفی تحمیل  
شود که وفق قوانین و مقررات عمل کرده و سند رسمی مالکیت با طی تشریفات  
قانونی به نام وی انتقال می‌یابد.

بنابر یک دیدگاه، نقل و انتقال عادی اموال و املاک دارای سابقه ثبتی، انتقال  
مالکیت را در پی نداشته و صرفاً تعهد به بیع است (شهیدی، ۱۳۷۱). این دیدگاه  
هرچند مخالفانی دارد (کهنی خشکبیجاری و رستمی چلکاسری، ۱۳۹۰)، اما  
می‌تواند در راستای حمایت از این ایده به کار گرفته شود که اعتمادکننده به  
سند عادی، باید آثار اعتماد مغایر با قانون خود را نیز بپذیرد و نمی‌تواند در برابر  
منتقل‌الیه رسمی به قرارداد عادی استناد کند.

۲. مواد (۱۲۹۱) و (۱۳۰۵) قانون مدنی با لحاظ مواد (۲۲) و (۴۶) و (۴۷) قانون  
ثبت اسناد و املاک، مفید این معناست که قرارداد عادی با هر عنوان اعم از

قولنامه، مبیعه‌نامه، قرارداد پیش‌فروش و ...، چه از حیث تاریخ و چه از حیث محتوا در برابر سند رسمی قابل استناد نیست. هرگاه این قاعده را مطلق بدانیم و اثبات خلاف آن را با سند عادی نپذیریم، راهی غیر از قاعده تلف حکمی برای جبران خسارت زیان‌دیده (از نقل و انتقال عادی مغایر با انتقال رسمی) باقی نمی‌ماند؛ زیرا شخصی که با قرارداد عادی ملکی را خریداری کرده و سپس احراز شده که آن ملک با سند رسمی به شخص دیگری انتقال یافته، برای جبران خسارت و مطالبه غرامت باید به ناقل مراجعه کند.

۳. با لحاظ مقررات قانون ثبت اسناد و املاک به‌خصوص حمایتی که دولت از اسناد رسمی (مواد ۷۰) و (۷۳) قانون ثبت) و قطعیت آن (عدم استماع هیچ دعوی مدنی و جزایی) دارد (ماده ۲۴) قانون ثبت)، مالک (خریدار رسمی) می‌تواند به مشتری جاهل (شخصی که با سند عادی ملکی را خریداری کرده) مراجعه کند و عین مال را از او دریافت کند. بدیهی است که با توجه به ملاک ماده (۳۲۵) قانون مدنی حق مشتری جاهل در مورد مطالبه غرامات از طرف یا طرف‌هایی که با سوءنیت ملکی را با سند عادی انتقال داده‌اند، به استناد قاعده غرور مفروض است. البته گسترش محتوای ماده (۳۲۵) به این نحو که خریدار رسمی بر هر خریدار و مدعی دیگری مقدم باشد، مستلزم مفروض گرفتن سوءنیت هر شخصی است که به سند (قرارداد) عادی اعتماد کرده و آن را به‌عنوان مبنای نقل و انتقال می‌پذیرد. در واقع، عدم رعایت قانون (ماده ۲۲) قانون ثبت اسناد و املاک و دیگر مقررات ثبتی)، به‌معنای سوءنیت یا حداقل پذیرش ریسک است.

۴. ماده (۴۲۹) قانون مدنی، در بحث خیار عیب، حاوی مبحث مهمی است که می‌توان از محتوای آن برای گسترش قاعده تلف حکمی، بهره گرفت. این ماده تصریح دارد:

«در موارد ذیل مشتری نمی‌تواند بیع را فسخ کند و فقط می‌تواند ارش بگیرد:

۱. در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به‌غیر،

۲. در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر به فعل مشتری باشد یا نه،

۳. در صورتی که بعد از قبض مبیع عیب دیگری در آن حادث شود مگر اینکه در زمان خیار مختص به مشتری حادث شده باشد که در این صورت مانع از فسخ و رد نیست».

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ماده فوق تلف مبیع نزد مشتری، انتقال به‌غیر و نیز تغییر مبیع (اعم از تغییر قهری، به فعل مشتری یا ثالث) را دارای یک حکم می‌داند. بدین معنا که در تمامی این موارد، مشتری حق فسخ بیع را نداشته و می‌تواند ارش بگیرد. به عبارت دیگر، «تلف» و «انتقال به‌غیر» دارای یک حکم بوده و انتقال به‌غیر در حکم تلف است. پیش‌بینی حق مطالبه ارش و نه حق فسخ در چنین حالتی، به جهت تعلق حق ثالث (منتقل‌الیه) به ملک است که امکان استرداد آن به بایع اول و فسخ بیع به سبب خیار عیب را منتفی می‌سازد. ماده (۴۶) قانون اجرای احکام مدنی نیز می‌تواند در راستای تقویت قاعده تلف حکمی به کار گرفته شود. «در فرضی که حکم دادگاه دایر بر تسلیم عین معین باشد در صورتی که مال از دسترس خارج شده باشد یا تلف گردد محکوم‌له حق دارد تا قیمت آن را براساس تجویز ماده (۴۶) قانون اجرای احکام مدنی مطالبه نماید» (السان، منوچهری و مظلومی، ۱۴۰۰).

این ماده، «تلف» و «عدم دسترسی» به عین معین را یک حکم دانسته است. از این رو می‌توان چنین تحلیل کرد که وقتی ملکی با سند رسمی به شخص ثالث انتقال می‌یابد، دیگر در دسترس ناقل یا منتقل‌الیه عادی نیست. با این وصف،

مراجعه مشتری به بایع در چنین مواردی، در قالب مطالبه غرامت خواهد بود و استرداد عین مال برای تعلق و تثبیت حق مالکیت رسمی شخص ثالث غیرممکن است.

۶. وفق ماده (۲۱۴) قانون مجازات اسلامی، «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید». تعلق حقوق اشخاص ثالث یا تبدیل مال (مانند تبدیل زمین به ساختمان یا تغییر کاربری آن) از مصادیق بارز «عدم امکان رد مثل»، مذکور در این ماده است که تداعی کننده ماده (۳۲۳) قانون مدنی برای جبران خسارات وارد شده به مالک چه به صورت موقت (بدل حیلولة) و چه به صورت دائم (تلف حکمی و پرداخت قیمت) است.

۷. ماده (۷) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، تلف حقیقی و حکمی را زیر یک عنوان آورده و دارای آثار و احکام قانونی واحد دانسته است. بدین معنا که از حیث نحوه اجرای حکم نسبت به عین معین، هیچ تفاوتی میان اینکه آن عین واقعاً تلف شده باشد یا در حکم تلف باشد، وجود ندارد. با توجه به قاعده نظم عمومی و حمایت‌هایی که در قانون ثبت در راستای اعتبار مطلق سند رسمی مقرر شده و بطلان آن جز در موارد خاص و استثنائی پذیرفته نشده؛ لذا مال منتقل شده با سند رسمی که چنین مورد حمایت دولت و حاکمیت است؛ دیگر قابل برگشت به سهولت و آسانی نیست و نباید در رویه قضایی این مسئله یعنی بطلان سند تبدیل به قاعده شود، چراکه بیم آن می‌رود تمامی اسناد تنظیم شده رسمی متزلزل شوند.

۸. در ماده (۲۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، در خصوص «انتقال مال

به دیگری به هر نحو به‌وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به‌نحوی که باقی‌مانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد» تصریح شده که این عمل در صورت تحقق ارکان آن، جرم است. به‌عنوان اثر ممنوعیت انتقال مال به قصد فرار از دین، در انتهای این ماده مقرر شده: «در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده به‌عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء خواهد شد» (برای تحلیل وضعیت فقهی حقوقی معاملات به قصد فرار از دین با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، رجوع کنید به: خورسندیان، سخنور و جانبازی، ۱۳۹۸). در این ماده، به‌درستی اثر «تلف» و «انتقال به‌غیر»، یکسان در نظر گرفته شده است.

۹. در آرای فقها لزوم رد عین مال مغضوب از غاصب با سوءنیت و اینکه غاصب با علم به رفتار خلاف، اقدامی علیه خود می‌کند مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> این شدت برخورد با هدف بازدارندگی مورد نظر این بزرگان بوده است. اما اگر خریدار جاهل و با حسن نیت را نیز همسان با خریدار عالم بدانیم از مسیر صحیح خارج شده‌ایم زیرا نه عالم است و نه اقدامی علیه خود انجام داده تا چنین مجازات شود. ازسوی دیگر، کسی که با اعتماد به سند رسمی و با حسن نیت معامله‌ای می‌کند، همواره باید مورد حمایت حاکمیت و مراجع قضایی باشد؛ زیرا تردیدی وجود ندارد که اصل حسن نیت به‌عنوان یک اصل حقوقی مترقی باید رعایت

---

۱. شهید ثانی در کتاب *مسالك الافهام* فرموده‌اند: «یهدم البناء لرد الخشبۃ و لا یبالی بما صنع، لأن دفع المغضوب إلى المالك واجب علی الفور و لا یتیم إلا بهذا. و عدوان الغاصب لا یناسبه التخفیف، و هو الذی أدخل الضرر علی نفسه. و الثانی: أنه لا ینزع، لأن السفینة لا تدوم فی البحر، فیسهل الصبر إلى انتهائها إلى الشط، فتؤخذ القیمۃ للحیلولة، إلى أن یتیسر الفصل فی اللوح مع أرش النقص إن نقص و یسترد القیمه، جمعا بین الحقیقین.» اگر در نتیجه رد عین مصالح بنای ساخته شده فرو ریزد به این موضوع اهمیت نمی‌دهیم؛ زیرا رد مال غضب شده به مالک فوری بوده و جز به آن تمام نمی‌شود و غاصب متجاوز مستحق تخفیف نیست زیرا او به ضرر خود اقدام کرده است؛ مگر در مورد قایقی که در دریا یا رود شناور است که در این صورت تا رسیدن به ساحل باید بدل به مالک رد شود به جهت رعایت و جمع بین دو حق (عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۱۷۷).

شود. بر این بنیاد، حفظ نظم در پرتو حفظ اعتبار اسناد رسمی همواره بر سایر قواعد حقوقی از جمله رد عین مال مغضوب در قواعد غصب رجحان دارد. علاوه بر آن عاملی (شهید ثانی) در *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام* مبتنی بر قاعده تلف ناشی از تعذر در رد عین، مالک را مستحق دریافت بدل می‌داند، هر چند عین آن باقی باشد.<sup>۱</sup>

علاوه بر این در حقوق کشورمان به استناد منابع و مبانی فقهی که در ملاک مواد (۲۸۶) و (۳۶۳) قانون مدنی تجلی یافته، در خیار غبن و اقاله، انحلال عقد بر انتقال مورد معامله تأثیری ندارد و حق استرداد آن عین از منتقل‌الیه بعدی را ایجاد نمی‌کند (تقی‌پور، عباسی سرمدی و کریمی پناوندانی، ۱۳۹۹). طبق ماده (۳۶۳) قانون مدنی وجود خیار فسخ برای متبایعین یا وجود اجلی برای تأدیه ثمن، مانع انتقال نیست. در فقه امامیه به‌عنوان یکی از منابع تدوین قانون مدنی ایران، عقد، علت تامه نقل و انتقال است و وجود خیار مانع انتقال مالکیت به ذوالخیار یا من علیه الخیار نیست و تمامی ادله صحت و نفوذ بیع بر این امر دلالت دارند. در همین خصوص، یکی از فقها معتقد است: «اگر مشتری، مدعی غبن بوده و در عین حال، مبیع از تصرف وی خارج شده و به‌غیر انتقال یافته باشد، برای اعمال خیار غبن باید مثل آن را به غابن بدهد» (میرزای قمی، ۱۳۷۲: ۸۹). همچنین اظهار شده: «تلف یکی از عوضین مانع فسخ نیست؛ در این صورت به‌جای چیزی که تلف شده، مثل آن (اگر مثلی باشد) و قیمت آن (در صورت قیمی بودن)، تأدیه می‌شود» (یزدی، ۱۳۹۷: ۱۷۵). یکی دیگر از فقهای عالی‌قدر یعنی مرحوم محمدحسن بن باقر نجفی (صاحب جواهر) در فرضی مشهور استفاده

۱. شهید ثانی در کتاب *مسالك الافهام* قاعده تلف را در مود تعذر رد عین فرموده‌اند: «أن الانتقال إلى البدل قد يكون لتلف العين، و قد يكون لتعذر ردها و إن كانت باقية كما مرّ، و الأمر هنا من هذا القبيل، فيستحق المالك البدل للحيلولة بتعذر العين» (عاملی، ۱۴۱۳ هـ. ق: ۲۵۵).

بنیان‌های نهاد تلف حکمی و بهره‌گیری از آن: راهبردی برای صیانت از اعتبار سند رسمی — ۴۲۳

از مصالح یا چوب در بنا و کشتی به‌صورتی که رد عین مال منجر به خرابی شود، به‌نظر شهید ثانی در *مسالك الافهام* اشاره می‌کند و با عبارت «ظاهر هم عدم وجوب ردها و آنها تنزل منزله المعدومه» (نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق: ۷۶) وضع موجود را تلف شده، تلقی کرده است.

## ۲. مبانی تحلیلی قاعده تلف حکمی

رویکردهای مختلف در مورد تلف حکمی وجود دارد که بیشتر متکی بر اندیشه‌های عملی و واقعیت‌هایی است که در تزاخم منافع مالک رسمی و دارنده بیع‌نامه عادی وجود دارد. در این گفتار به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

### ۲-۱. تحلیل نهاد تلف حکمی بر مبنای اعتبار مطلق سند رسمی

با لحاظ این امر که مقررات ثبت اموال غیرمنقول و نقل‌وانتقالات آن به‌جهت رعایت نظم عمومی و حفظ حقوق دولت و مردم و پرهیز از تحقق اختلاف بین اشخاص مورد توجه جدی نظام حقوقی ایران بوده، نیروی الزام‌آور قراردادهای خصوصی در چنین وضعیتی، دیگر براساس اصول اولیه مانند رضایی بودن عقود حرکت نمی‌کند و الزام‌های کاملاً تشریفاتی را به‌همراه دارد. درواقع، بعد از تصویب مقررات ثبتی، قانونگذار عقود پنهان را از رابطه طرفین آن فراتر ندانسته و آثار آن را فقط متوجه طرفین آن می‌داند. بنابراین اگر قراردادی برخلاف عقد پنهان و مقدم طرفین منعقد شود که براساس ظاهر، تشریفات و لوازم ثبت معاملات رعایت شده باشد، درهرحال مقدم بر آن عقد پنهان است؛ مگر اینکه شخص ثالث از عقد پنهان مطلع بوده یا امکان اطلاع داشته و به‌ضرر خود اقدام کند که در این صورت عقد در مقابل وی قابل استناد خواهد بود.

همچنان که برخی از علمای حقوق با استناد به مقررات مواد (۲۲) و (۴۸) قانون

ثبت قائل به تشریفاتی بودن عقد بیع مال غیرمنقول به جهات متعدد از جمله امری بودن مقررات مزبور، احراز شرایط صحت معامله توسط سردفتر، جلوگیری از فرار در پرداخت مالیات، جلوگیری از معاملات معارض و عدم تملک این اموال از سوی بیگانگان دانسته است و بر این بنیاد چنین نتیجه می‌گیرند که اسناد عادی کافی برای انتقال مالکیت نیست و ثبت انتقال در دفتر املاک که از لوازم اداری تنظیم سند رسمی انتقال است و تأخیر در آن، مانع از نفوذ معامله نیست، ولی تنظیم و امضای سند نزد سردفتر از شرایط این انتقال است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۳). اما اگر به باور برخی دیگر از حقوق دانان حتی بر رضایی بودن معاملات اموال غیرمنقول اصرار داشته (هاشمی، ۱۳۷۴، ۱۲۷) و چنین اعتقادی داشته باشیم که اگر مقنن به بطلان و بی‌اعتباری سند عادی نظر داشته باید همه ادله را غیرقابل پذیرش اعلام می‌کرد، در حالی که ماده (۴۸) قانون ثبت فقط سند عادی را در مقام اثبات وقوع معامله غیرقابل پذیرش می‌داند نه اینکه سایر ادله را نیز قابل پذیرش نداند (شهیدی، ۱۳۷۱: ۵۷)، به جهت حفظ نظم عمومی و اعتبار بخشیدن به اسناد رسمی برای جبران خسارت خریدار عادی با سند مقدم چون امکان رد عین برای وی به همین جهت وجود ندارد، انتقال مبیع با سند رسمی را باید از موارد عدم امکان عرفی رد عین مبیع و در نتیجه بر بنیاد تلف حکمی، خریدار می‌تواند قیمت مبیع را از فروشنده با سند عادی مطالبه کند.

ماده (۷۲) قانون ثبت اسناد و املاک مقرر می‌دارد: «کلیه معاملات راجع به اموال غیرمنقول که برطبق مقررات راجع به ثبت املاک ثبت شده است، نسبت به طرفین معامله و قائم‌مقام قانونی آنها و اشخاص ثالث دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد داشت». «این مقرر قانونی در واقع بیان‌کننده اعتبار اسناد رسمی ثبت شده، نسبت به اسناد عادی می‌باشد و گرنه اگر منظور مقنن صرفاً اعتبار اسناد رسمی مقدم نسبت به



انتقالات عادی مؤخر بود، این امر نیازی به وضع قانون و قاعده حقوقی جدید نداشت و طبق اصول حقوقی مندرج در قانون مدنی و سایر قوانین ماهوی، علی‌القاعده سند مقدم‌التاریخ بر سند مؤخر، از حیث اعتبار تقدم دارد. مفاد مواد (۲۲)، (۴۷) و (۴۸) قانون ثبت نیز تأییدکننده این نظر می‌باشد» (رأی شماره ۱۴۰۰/۰۹/۱۴۰۰۲۳۴۰۱۰ شعبه ۳ دادگاه حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران).<sup>۱</sup>

وفق بند «۶» ماده (۱۴۷) اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک، در مواردی که متصرف با در دست داشتن سند عادی تقاضای سند رسمی دارد، موضوع به هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۲) این قانون ارجاع می‌شود. هیئت مذکور، رسیدگی کرده و پس از احراز تصرف مالکانه متقاضی، مراتب را به اداره ثبت اعلام تا دو نوبت به فاصله پانزده روز به‌نحو مقتضی آگهی کند. در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض واصل شود معترض به دادگاه صالح هدایت می‌شود و اقدام‌های ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. چنانچه اعتراض نرسد، اداره ثبت طبق مقررات سند مالکیت را صادر خواهد کرد. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

به حکم قانون، صدور سند مالکیت مانع از مراجعه زیان‌دیده به دادگاه نیست؛ لیکن قسمت اخیر بند «۶» ماده موصوف را بنا به قیاس اولویت نباید ناسخ قوانین آمره در قانون ثبت اسناد و املاک دانست؛ در واقع، قانونگذار برای اعتراض به رأی هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۱۴۷) قانون ثبت اسناد و املاک مهلت و شرایط معین مقرر داشته و پس از سپری شدن مواعد مقرر، اعتراض به آرای صادره را مسموع نمی‌داند. در این خصوص، اگر قائل به این دیدگاه باشیم که منظور قانونگذار در قسمت اخیر ماده به‌منزله حق مدعی ضرر برای مراجعه به دادگاه و بطلان سند

۱. آرای شعب در سامانه ملی آرای قضایی به نشانی: <https://ara.jri.ac.ir/>

رسمی صادره است، کاملاً تفسیری برخلاف صدر بند «۶» ماده موصوف و قصد قانونگذار خواهد بود. به عبارت دیگر، این امر ناقض غرض و خلاف حکمت قانونگذار است، لیکن قطعاً نظر قانونگذار، با توجه به قید عبارت «صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست»؛ به منزله حق مدعی ضرر برای مراجعه به دادگاه برای بطلان سند رسمی صادره نیست.

ماده (۲۲) قانون ثبت اسناد و املاک مقرر می‌دارد: «همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده و یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت». همچنین مواد (۴۶) و (۴۷) قانون ثبت اسناد و املاک، ثبت معاملات املاک غیرمنقول را جز در موارد استثنائی اجباری دانسته و ماده (۴۸) قانون مذکور نیز بیان می‌دارد: «سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده در هیچ‌یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد بود».

با توجه به مقررات فوق، ثبت ملک به نام هر کس سلب مالکیت از غیر می‌کند و منظور از واژه «دولت» در ماده (۲۲) قانون ثبت تنها قوه مجریه نبوده، بلکه مراد قوه حاکمه کشور است که قوای سه‌گانه و تمام تشکیلات رسمی کشور را شامل می‌شود. در نتیجه ثبت ملک آثار مثبت و منفی داشته و اثبات مالکیت کسی که ملک به نام او ثبت شده، اثر مثبت و سلب مالکیت اغیار از آثار منفی آن است.

در این راستا قانونگذار برای ثبت املاک و صدور سند تشریفات خاص قائل شده است. از طرفی ماده (۷۰) قانون ثبت اسناد و املاک کشور بیان می‌دارد: سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود، مگر آنکه مجعولیت آن سند ثابت شود.

مستفاد از مقررات مواد (۲۲)، (۲۴) و (۷۳) قانون ثبت اسناد و املاک، ابطال سند رسمی و رسیدگی به این ادعا در صورتی امکان دارد که از جهت تنظیم سند و رعایت تشریفات و مقررات ثبتی، ایراد شکلی وجود داشته باشد. اگر سبب دعوای بطلان سند مالکیت رسمی، تقدم معامله عادی یا بطلان شروط قراردادی مندرج در قرارداد تسهیلاتی بانکی باشد، اشکالی در صدور سند و شرایط شکلی سند رسمی وجود ندارد. از این رو، چنین اسبابی قانوناً نمی‌تواند دعوای ابطال سند رسمی مالکیت را توجیه کند.

از آنجاکه استرداد عین مال غیرمنقول ثبت شده، مخالف نظم عمومی و اجتماعی که مهم‌ترین غرض قانونگذار از الزامی کردن ثبت رسمی اموال غیرمنقول است به‌شمار می‌رود. از این رو انتقال رسمی ملک موضوع خواسته به منتقل‌الیه را باید از مصادیق بارز تلف حکمی مال غیرمنقول مورد ادعای دارنده قولنامه عادی تلقی کرد، چه اینکه قانونگذار در برخی موارد، انتقال مال را مرادف با تلف قرار داده است (از جمله قسمت آخر ماده (۲۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴).

تضمین امنیت معاملات درباره اموال غیرمنقول با سند رسمی مورد تأکید و توجه قانونگذار بوده، لذا ادعای اشخاص ثالث اعم از مدعی انتقال عادی یا طرف قرارداد تسهیلاتی بانک راجع به عین، پذیرفته نیست و نسبت به عین مورد معامله توجیه قانونی ندارد. بنابراین در این فرض و آنچه از قسمت اخیر بند «۶» ماده (۱۴۷) قانون ثبت اسناد و املاک مبنی بر «صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست»، برداشت می‌شود این است که زیان‌دیده باید به‌جای تقاضای بطلان سند رسمی صادره و مطالبه عین مبیع تالف و ادعا در خصوص عین مال غیرمنقول ثبت شده به نام غیر (در صورت اثبات ادعای خویش) قیمت ملک را از شخصی که ملک را به‌طور عادی از وی انتقال گرفته، مطالبه کند.

همچنین از مواد (۷۲) و (۷۳) قانون ثبت اسناد و املاک و ملاک ماده (۱۱۴) قانون مذکور مستفاد می‌شود، از این حیث که صدور سند مالکیت رسمی ولو با عمل مجرمانه موجب بی‌اعتباری و ابطال سند رسمی تنظیم شده نبوده و مدعی صرفاً حق مطالبه قیمت آن را خواهد داشت. لذا ادعای ذی‌نفع راجع به عین، پذیرفته نیست. در نتیجه، صدور سند رسمی مالکیت ملک موضوع خواسته وفق قانون موصوف را باید از مصادیق بارز تلف حکمی مال غیرمنقول مورد ادعای خواهان تلقی کرد، بنابراین خواهان به جای مطالبه عین تالف و ادعا در خصوص عین مال غیرمنقول ثبت شده که در راستای قانون موصوف صادر و پس از سپری شدن مواعد مقرر اعتراض به آرای صادره منجر به صدور سند رسمی شده، در صورت اثبات ادعا، صرفاً حق مطالبه قیمت ملک و دیگر خسارات مورد ادعا را به‌عنوان متضرر خواهد داشت (رای شماره ۹۹۰۴۴۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۳۰ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان دامغان).

## ۲-۲. تأثیر حسن نیت و مرور زمان در تقویت نهاد تلف حکمی

طبق ماده (۱۰) قانون مدنی، قراردادهای خصوصی بین طرفین و قائم‌مقام قانونی آنها لازم و دارای اعتبار است؛ وقتی یکی از طرفین همین قرارداد خصوصی و عادی، ملک را با سند رسمی به شخص ثالث با حسن نیت منتقل کند، شخص ثالث مطابق ماده (۷۲) قانون ثبت اسناد حقوق کامل به‌دست می‌آورد. از طرف دیگر قراردادهای عادی نمی‌توانند حق شخص ثالث با حسن نیت را به استناد قرارداد عادی و پنهانی تضییع کنند. در این فرض، ضمانت اجرای تخلف از قرارداد، جایگزین اجرای این تعهد می‌شود؛ مگر اینکه مجدداً مالکیت فروشنده به‌لحاظ تملک مجدد مبیع یا با اثبات به بیع شرط و یا معامله با حق استرداد اعاده شود که در این صورت، خریدار با سند عادی مقدم می‌تواند به‌لحاظ رفع مانع، اجرای تعهد را مطالبه کند. از این‌رو، در شرایطی که عقد منعقد با سند رسمی، فسخ یا منفسخ نشده، عمل بایع در حکم اتلاف مبیع است (قسمتی از استدلال

دادرس احمد همتی کلوانی در رأی شماره ۱۰/۲۳۴۰۱۴۰۰۹/۱۴۰۰ شعبه ۳ دادگاه حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران).

علاوه بر حسن نیت، مرور زمان نیز می‌تواند به‌عنوان مبنا برای تقویت تلف حکمی به‌کار گرفته شود. فرض کنید قرارداد بیعی نسبت به ملکی منعقد شده و سند رسمی آن به نام خریدار تنظیم می‌شود. در این قرارداد، شرط فاسخی با این مضمون وجود داشته که اگر هریک از چک‌های مشتری وصول نشود، بیع خودبه‌خود منفسخ است. بایع بیست سال بعد از انعقاد معامله، به شرط فاسخ متوسل می‌شود؛ این در حالی است که همین ملک را خریدار به‌غیر انتقال داده، موضوع نقل و انتقالات متعدد قرار گرفته، کاربری آن تغییر یافته یا به‌صورت زمین بوده و در آن ساختمان احداث شده است. در این قضیه، علاوه بر قرارداد میان بایع و مشتری اول و شرط فاسخ مندرج در قرارداد ایشان، حقوق اشخاص ثالث نیز مطرح است. در واقع، حتی اگر تمامی ادعاهای خواهان در این دادرسی درست باشد و ملک دو سال بعد از معامله اول به ایادی بعدی منتقل شده باشد، باز هم ادعای بایع اول نسبت به خریداران بعدی، قابل استماع نیست زیرا هدف از تنظیم سند رسمی و تکلیف به تنظیم سند رسمی (ماده ۴۸) قانون ثبت) حفظ امنیت مالی، اقتصادی و نظم عمومی بوده و گذشت زمان با لحاظ عرف و عادت میان عموم مردم، آثار بطلان و بازگرداندن عین ملک آن هم پس از چندین نقل و انتقال رسمی را به‌نحو غیرقابل اجتناب جبران‌ناپذیر می‌سازد.

«با این توضیح که قرارداد یک موجود اعتباری است و هنگامی که منعقد می‌شود و اثر بیرونی و خارجی خود را بر جای می‌گذارد، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن، هرچه زمان می‌گذرد آثارش در عالم واقع بیشتر ریشه می‌دواند. هنگامی که به یک قرارداد عمل می‌شود، عنصر زمان هرچه پیش می‌رود، گمان به‌درستی آن را به یقین نزدیک و حفظ آثار آن را ایجاب می‌کند. انضباط اجتماعی نیز مؤید چنین امری است؛ زیرا قاطبه

عقلای جامعه باور به درستی و اتقان وضعیت سابقه معاملات دارند و ابطال آن را جز در موارد استثنائی جایز نمی‌شمارند. خاصه اینکه اگر ملک به هر دلیلی به درستی انتقال نیابد و حقوق مالک تزییع شود، مهلتی متعارف و معقول برای زیان دیده در راستای احیای حقوق خود قائلند و با گذشت زمان [زیاد، برای مثال بیست یا سی سال] رابطه شخص با مال را به طور کامل خاتمه یافته می‌پندارند. گو اینکه اصل صحت قراردادها را بر استصحاب بقای حق رجوع مالک به عین، مقدم می‌شمارند.

تخدیش چنین اعتمادی در جامعه حقیقتاً خلاف نظر قانونگذار تلقی و مخالف نظم عمومی در معاملات املاک به ویژه املاکی است که سابقه ثبتی دارند. به دیگر سخن، عنصر زمان همواره مورد اعتماد قانونگذار در تمام نظام‌های حقوقی است و بسیاری از قوانین موجود در کشور ما نیز با ارج نهادن به سابقه، تصویب شده است. این عامل (زمان) در حقوق برخی کشورها مثل فرانسه آن چنان قدرتمند تلقی می‌شود که از مرور زمان به عنوان یکی از اسباب تملک یاد می‌شود (مرور زمان مملک). در مانحن فیه هنگامی که از عمر عمل به یک رویداد حقوقی [مدت زمان زیادی، برای مثال بیست یا سی سال] می‌گذرد و موضوع قرارداد متعلق حق اشخاص ثالث با حسن نیت واقع می‌شود یا لاقلاً دلیلی بر سوءنیت آنان وجود ندارد و ملک را با اعتماد مشروع و متعارف به سوابق آن چنانی در تصرفات خریداری و در آن تصرف کرده‌اند؛ آنگاه عدالت اجتماعی و منصفیت قضایی مکافات تأخیر خواهان [بایع اول] در بازبایی حقوق خود را به پای اشخاص ثالث نمی‌داند؛ زیرا بر این باور است که با گذشت زمان طولانی اگرچه حق رجوع همچنان باقی است، اما ضمانت اجرای آن تغییر خواهد کرد. با این وصف که مال حکماً تلف شده محسوب و خواهان صرفاً حق مراجعه به عامل زیان (برای دریافت مثل یا قیمت) را خواهد داشت.

به تعبیر دیگر دانش حقوق باید وسیله اخلاقی کردن قراردادها را در اختیار داشته

باشد. بنابراین دادگاه با گام نهادن در مسیر اخلاق به حکم عدالت و انصاف، استحقاق خواهان در تحمل رفتار ناشایستی که ادعا می‌کند [بایع اول] مرتکب شده است (عدم پرداخت چک‌ها) اولی بر سزاواری اشخاص ثالث با حسن نیت، در آسیب دیدن از آن رفتار می‌داند. به این ترتیب از نظر دادگاه در چنین شرایطی، مال موضوع خواسته تلف حکمی محسوب و خواهان به مکافات تأخیر ناروا و غیرمنطقی خود، با اثبات جمیع شرایط قانونی تنها می‌تواند برای مطالبه مثل یا قیمت مال به عامل زیان رجوع کند. با چنین اندیشه‌ای رجوع خواهان به عین سزاوار نخواهند بود» (قسمتی از استدلال دادرس رضا رضایی مقدم در رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۱۹۶۴۳۰۱۴۱۲ - دادرس شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان نور، صادره در پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۱۹۶۴۳۰۰۴۱۲).

از این رو، با لحاظ لزوم ترجیح واقعیت بر منطقی و امعان نظر به اصل فقهی اولویت دفع مفسده بر جلب منفعت، برای خواسته‌های بایع اول علیه منتقل‌الیه‌هم ثالث، صدور حکم به بطلان دعوا موجه و شایسته است و دادرس اندیشمند نیز دقیقاً چنین رأی صادر کرده است.

### ۲-۳. بررسی و تحلیل رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ دیوان عالی کشور

به موجب رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ - ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور: «مستفاد از مواد (۲۱۹)، (۲۲۰)، (۲۲۴)، (۲۲۵) و (۴۵۴) قانون مدنی، چنانچه در ضمن عقد بیع، شرط شود در صورت عدم پرداخت اقساط ثمن در مواعد تعیین شده، فروشنده حق فسخ و استرداد مبیع را دارد، با تحقق شرط و اعمال حق فسخ ولو اینکه خریدار بدون در نظر گرفتن حق فسخ، مبیع را به شخص دیگری فروخته باشد، مبیع باید به بایع مسترد شود و عدم اطلاع خریدار بعدی از شرط مذکور با توجه به درج آن در متن قرارداد، به اقتضای رفتار متعارف اشخاص و حق تقدم مالک، موجب بی‌اثر شدن شرط و زوال حق مالک اولیه نسبت به عین مال نخواهد بود».

این رأی وحدت رویه به دلیل اختلاف نظر شعب شانزدهم و بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران، در خصوص تأثیر فسخ بیع در معاملات قبل از فسخ، صادر شده است. به طوری که شعبه بیست و پنجم فسخ بیع را مؤثر در معاملات انجام شده قبل از فسخ نمی داند، اما شعبه شانزدهم این معاملات را باطل اعلام کرده است.

به عنوان مقدمه صدور این رأی وحدت رویه، دادستان کل کشور در بند سوم از نظریه خود وارد بحث تلف حکمی نیز شده است. با این مضمون که: «تصرفات خریدار در جایی که خیار بایع ناشی از توافق طرفین باشد (شرط مندرج در قرارداد اولیه یا همان خیار تخلف از شرط) چون بنا بر استرداد عین در صورت وقوع تخلف است، تصرف مشتری، تصرفی متزلزل است و فسخ بایع می تواند به صحت عقد واقع شده توسط خریدار خلل وارد آورد، ولی تصرفات خریدار در جایی که خیار بایع ناشی از حکم قانونی باشد، تصرف نافذ شمرده می شود و مورد معامله در حکم تلف محسوب می شود و فروشنده باید بدل را مطالبه نماید. اما در مانحن فیه، آنچه مبنای فسخ بوده، شرط مورد تراضی در ضمن قرارداد بوده است که خریدار با عدم پاس کردن چک مرتکب تخلف از قرارداد شده و قرارداد منتهی به فسخ شده و لزوماً باید عوضین مسترد شود و چون خریدار اول با علم به وجود شرط در قرارداد، اقدام به معامله کرده، معامله دوم وی با خریدار دوم با عدم تنفیذ فروشنده، غیر نافذ و نتیجه عدم نفوذ، بطلان قرارداد است. لذا با عنایت به مراتب مارالذکر و توجه به نظریه حضرت آیت اله خوئی (ره) مبنی بر اینکه در خصوص مورد، خریدار حق انتقال عین را به طور مطلق ندارد، چون مالکیت وی بر مبیع کاملاً مستقر نشده و متزلزل است و با توجه به نظریه صاحب مکاسب مبنی بر اینکه غرض بایع از جعل خیار شرط، استرداد عین مال خویش است و استرداد عین مال، محقق نخواهد شد، مگر اینکه مشتری ملتزم به حفاظت از مال برای بایع باشد و با در نظر گرفتن اینکه حق بایع تا زمان محقق نشدن



مقتضای شرط فسخ و یا احراز اعمال یا اسقاط حق، باقی است و چون عین موجود است، تحت هیچ عنوان تلف حکمی محسوب نمی‌شود، لذا در نتیجه، رأی صادره از شعبه ۱۶ دادگاه تجدید نظر صحیح و مطابق با موازین قانونی است.»

این تحلیل و تفکیک از تلف حکمی، به شدت مضیق بوده و از سویی مبنای روشنی ندارد. به علاوه، این تحلیل در تضاد با اصل لزوم قراردادهای، اصل حمایت از اشخاص دارای حسن نیت و منع تزلزل عقود و ایقاعات است. به علاوه، همانند رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ و ۸۰۵، این رأی نیز باب طرح دعاوی متعدد و سوءاستفاده از حق را خواهد گشود؛ زیرا برای مثال، حتی با وصول نشدن آخرین چک از ۱۰ چکی که به عنوان ثمن معامله پرداخت شده، با توجه به افزایش قیمت املاک و اموال، بایع اولیه، دستاویزی برای فسخ و انحلال زنجیره‌ای از قراردادهای، خواهد داشت. بدون اینکه غرامتی را بابت قسمت عمده‌ای از ثمن که سابقاً وصول کرده، برعهده داشته باشد. چراکه چنین فروشنده‌ای، بر فرض مطالبه مشتری، تنها اصل ثمن را مسترد خواهد کرد.

همانند بسیاری از آرای وحدت رویه صادره در سال‌های اخیر، رویه قضایی و اداره کل حقوقی قوه قضائیه، برای تعدیل یا پیشگیری از آثار منفی و سوءاستفاده‌های ممکن از رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور وارد عمل شده‌اند. به موجب نظریه مشورتی شماره ۱۴۰۰/۷/۳۱۷-۱۴۰۰/۵/۳۱-۱۴۰۰/۵/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، «با توجه به حکم مقرر در ماده (۴۵۴) قانون مدنی مبنی بر اینکه «هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود، اجاره باطل نمی‌شود» و ماده (۴۵۵) همان قانون که مقرر می‌دارد «اگر پس از عقد بیع، مشتری تمام یا قسمتی از بیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد» و دیگر مواد قانون مدنی مانند ملاک ماده (۲۸۶) و مواد (۲۸۷)، (۳۶۳) و (۳۶۴) این قانون، تصرف طرفی که در اثر عقد مالک شده است،

در موضوع تملیک نافذ بوده و فسخ یا انفساخ بعدی به آن صدمه نمی‌زند؛ مگر اینکه برخلاف آن به‌طور ضمنی یا صریح تراضی شده باشد و یا خریدار اول صریحاً یا ضمناً برای مدت معینی حق انتقال به‌غیر را از خود سلب کرده باشد. رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور هم ناظر بر مواردی است که در قرارداد برخلاف قاعده صدرالاشاره تصریح شده است» (نظریه مشورتی شماره ۱۴۰۰/۷/۳۱۷ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

### ۳. مصادیق شایع تلف حکمی در رویه قضایی

در این گفتار، مصادیقی از تلف حکمی که در رویه قضایی مورد بحث قرار گرفته و آرای مقتضی در مورد آنها صادر شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. تلف حکمی با انتقال مورد معامله از طریق سند رسمی به احراز بیع مقدم

از جمله دعاوی شایعی که در محاکم مطرح است دعوی ابطال سند رسمی با احراز عقد بیع مقدم است که در رویه قضایی با تشتت آرای زیادی در این خصوص مواجهیم. قطعاً هر رویکردی مخالف با اعتبار بخشیدن به اسناد رسمی آثار سوء فراوانی دارد که اهداف اصلی قانون و دادگستری که همانا رعایت عدل و نظم است را زیر سؤال خواهد برد.

به همین جهت دیدگاهی که اخیراً در رویه قضایی نمود پیدا کرده و در آرای محاکم منعکس شده این است که چون ثبت ملک به نام هرکسی مالکیت را از دیگری سلب می‌کند و منظور از واژه دولت در ماده (۲۲) قانون ثبت تنها قوه مجریه نیست؛ بلکه مراد حاکمیت است که شامل قوای سه‌گانه و تمام تشکیلات رسمی کشور است. در نتیجه ثبت ملک دارای آثار مثبت و منفی بوده و اثبات مالکیت کسی که ملک به نام او ثبت شده، اثر مثبت و سلب مالکیت اغیار از آثار منفی آن است. به‌علاوه، انتظام



## ۲-۳. تلف حکمی در اجرای رأی هیئت ماده (۱۴۷) اصلاحی قانون ثبت یا آرای هیئت تعیین تکلیف اراضی

از جمله دعاوی که در پی اصلاح ماده (۱۴۷) قانون ثبت در دادگاه‌ها هنوز در جریان است، اعتراض به آرای هیئت حل اختلاف همین ماده است. در مورد این دسته از دعاوی، با استناد به نهاد تلف حکمی می‌توان پس از صدور سند مالکیت براساس آرای این هیئت‌ها، ملک موضوع دعوا را تلف شده انگاشته و مدعی را صرفاً مستحق دریافت خسارت دانست. همان‌طور که در رویه قضایی به‌درستی تبیین شده، هرگاه پس از انتشار آگهی و در مواعد قانونی (گذشت زمان دو ماه از تاریخ انتشار) اعتراضی به رأی صادره از هیئت حل اختلاف واصل نشود و سند مالکیت آن به نام متقاضی صادر و تسلیم شده باشد، طبق بند «۶» ماده (۱۴۷) اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک، مواردی که متصرف با در دست داشتن سند عادی تقاضای سند رسمی دارد موضوع به هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۲) این قانون ارجاع می‌شود، هیئت رسیدگی کرده و پس از احراز تصرف مالکانه متقاضی، مراتب را به اداره ثبت اعلام تا در دو نوبت به فاصله پانزده روز به‌نحو مقتضی آگهی کند. در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض واصل شود معترض به دادگاه صالح هدایت می‌شود و اقدام‌های ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. چنانچه اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات، سند مالکیت را صادر خواهد کرد. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

از مواد (۷۲) و (۷۳) قانون ثبت اسناد و املاک و ملاک ماده (۱۱۴) قانون مذکور مستفاد می‌شود که صدور سند مالکیت رسمی ولو با عمل مجرمانه موجب بی‌اعتباری و ابطال سند رسمی تنظیمی نبوده و مدعی صرفاً، حق مطالبه قیمت آن را خواهد داشت. لذا ادعای مدعی راجع به عین، پذیرفته نیست و صدور سند رسمی مالکیت

بنیان‌های نهاد تلف حکمی و بهره‌گیری از آن: راهبردی برای صیانت از اعتبار سند رسمی — ۴۳۷

ملک موضوع خواسته وفق قانون موصوف را باید از مصادیق بارز تلف حکمی مال غیرمنقول مورد ادعای خواهان تلقی کرد. در چنین مواردی، مدعی به‌جای مطالبه عین تالف و ادعا در خصوص عین مال غیرمنقول ثبت شده که در راستای قانون موصوف سند مالکیت برای آن صادر و پس از سپری شدن مواعد مقرر اعتراض به آرای صادره به صدور سند رسمی منجر شده، در صورت اثبات ادعا صرفاً حق مطالبه قیمت ملک و دیگر خسارات مورد ادعا را به‌عنوان متضرر خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### ۳-۳. تلف حکمی پس از صدور سند مالکیت در اجرای آرای هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۱۳۳) قانون برنامه چهارم

از جمله هیئت‌هایی که مجاز به صدور رأی به سند مالکیت برای ثبت و ضبط املاک تحت تصرف مالکان در محدوده شهرها و روستاها شده، هیئت حل اختلاف ماده (۱۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مستقر در ثبت اسناد و املاک است. پرسش این است که اگر شخصی پس از طرح درخواست در این هیئت و صدور رأی و انقضای مواعد موفق به اخذ سند مالکیت شود، آیا مدعی می‌تواند بدون محدودیت زمانی، متعرض رأی صادره از این هیئت شود؟ در پاسخ، به‌نظر می‌رسد با توجه به محدودیت زمانی مذکور، پاسخ به این مسئله قطعاً منفی خواهد بود. در آرای محاکم نیز این امر دارای سابقه است؛ مثلاً در دعوی که احدی از ورثه، به استناد تقسیم‌نامه عادی متعرض رأی صادره از این هیئت شده و تقاضای بطلان سند مالکیت و پرداخت اجرت‌المثل را نموده، چنین اتخاذ تصمیم شده است:

«اگرچه صحت و اصالت تقسیم‌نامه عادی در دادنامه سابق‌الصدور از سوی این

---

۱. رأی شماره ۱۳۹۹/۰۵/۳۰-۹۹۰۹۹۷۲۳۳۰۴۰۰۴۴۹ صادر شده از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی دامغان که با رأی شماره ۱۳۹۹/۰۷/۱۳-۹۹۰۹۹۷۲۳۳۱۵۸۰۰۴۶۷ شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان سمنان که دقیقاً با همان مبانی مذکور در رأی دادگاه نخستین تأیید شده است.

دادگاه مورد تأیید قرار گرفته است؛ لیکن در خصوص املاکی که سابقه ثبتی دارند، اشخاص نمی‌توانند به دلخواه نسبت به تقسیم ملک اقدام نمایند و می‌بایست مجوز از مرجع ذی‌ربط دریافت نمایند. ضمن اینکه الزام اشخاص به اصلاح سند، صرفاً به جهت اینکه با مفاد سند عادی از قبیل تقسیم‌نامه مغایرت دارد، قابل پذیرش نیست. از طرفی دارنده سند رسمی را تا زمانی که سند وی دارای اعتبار است، نمی‌توان از ملک دارای سند رسمی، به رفع تصرف ملزم کرد. همچنین الزام دارنده سند رسمی به پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف، مادامی که تصرفات وی در محدوده سند است و همچنین دریافت خسارت تأخیر تأدیه فاقد وجاهت قانونی است و [لذا]... خواهان می‌تواند با اثبات ادعا مطالبه خسارت نماید»<sup>۱</sup>.

#### ۳-۴. تلف حکمی با انتقال مورد معامله قبل از انفساخ قرارداد

گرچه رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰/۳/۰۴/۱۴۰۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور فروشنده را برای مطالبه عین مورد معامله مستحق می‌داند؛ اما این امر را همواره باید در نظر داشت که اثر انفساخ قرارداد نیز ناظر به آینده است و اثر قهقرایی ندارد و انحلال و رفع اثر از قرارداد نتیجه قهری انفساخ قرارداد است؛ چراکه تا قبل از انحلال قرارداد، فروشنده حق انتقال آپارتمان را به دیگری داشته و در زمان وقوع معامله بعدی، معامله بین فروشنده و خریدار اولیه نسبت به موضوع معامله، همچنان معتبر بوده است. با این وصف، انتقال به دیگری به موجب سند رسمی، به منزله تلف حکمی است. در عین حال، بقا و صحت معامله بعدی نافی حق مدعی (فروشنده اولیه) در مطالبه قیمت مبیع نخواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. رأی شماره ۱۳۹۹/۱۱/۳۰-۹۹۰۹۹۷۲۳۲۱۳۰۰۷۷۳ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی مهدیشهر؛ این رأی با همان جهات و مبانی به موجب رأی شماره ۱۴۰۰۴۹۳۹۰۰۰۰۳۶۱۵۵ شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان سمنان تأیید شده است.

۲. رأی شماره ۱۳۹۳/۰۳/۰۵-۱۷۹ شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی بخش کهریزک که با رأی شماره

### ۵-۳. تلف حکمی با انتقال مورد معامله در زمان خیار

اثر فسخ نسبت به آینده بوده و به روابط حقوقی گذشته متعاملان اثر قهقراایی ندارد؛ بنابراین معامله انجام شده قبل از اعمال خیار، بر مبنای اصل صحت و لزوم، معامله قانونی و شرعی تلقی می‌شود؛ چراکه هیچ دلیلی بر بطلان یا بی‌اعتباری آن وجود ندارد. از این رو، اعلام فسخ از سوی فروشنده اولیه اثری در بیع بعدی ندارد. به‌عنوان قاعده باید گفت، وجود خیار برای فروشنده، مانع انتقال توسط خریدار نیست. به همین جهت ماده (۳۶۳) قانون مدنی مقرر داشته، در عقد بیع وجود خیار فسخ برای متبایعین با وجود اجلی برای تسلیم مبیع یا تأدیه ثمن (به‌طور تمثیلی) مانع انتقال نمی‌شود. مطابق نص این ماده حق فسخ فروشنده مانع انتقال مبیع توسط خریدار به دیگری نیست؛ مگر اینکه قرارداد اولیه به‌صورت بیع شرط واقع شده باشد که در آن صورت فروشنده با فسخ معامله قصد دارد عین مبیع را مسترد کند.

در این مورد ماده (۴۶۰) قانون مدنی مقرر داشته، در بیع شرط مشتری نمی‌تواند در مبیع تصرفی که منافی خیار باشد از قبیل نقل و انتقال و غیره انجام دهد. حال سؤال این است با توجه به فسخ قرارداد حقوق من له الخیار فروشنده اولیه چه می‌شود؟

در این فرض مشهور، فقهای قدیم و جدید اعتقاد دارند چون تصرف در زمان خیار و تصرف غابن صحیح و لازم است و لذا موجبی برای تزلزل عقد اولیه وجود ندارد؛ قبل از ظهور حق فسخ برای فروشنده اولیه خیار فعلیت نداشته و تصرف اولیه موجب فسخ قرارداد منعقد نمی‌شود. در این وضعیت مبیع در حکم تلف (تلف حکمی) بوده و من له الخیار باید بدل عین را یوم‌الفسخ از خریدار اول بگیرد.<sup>۱</sup> با توجه به محدودیت‌های بیع شرط، در سایر خیارها نیز به طریق اولی همین قاعده جاری خواهد بود. در

۱۲۷۹-۲۲۲۸۰-۹۹۷۰-۹۳۰۲۴/۰۹/۱۳۹۳ شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است.

۱. رأی شماره ۳۳۵-۱۰۰۳۳۱۶۳۰۹۹۷۲۱۶۳۰۵/۱۵۰۱۳۹۳ شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران که با رأی شماره

۱۰۸۵-۲۲۱۸۰-۹۹۷۰-۹۳۰۲۴/۰۸/۱۳۹۳ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است.

همین راستا اداره حقوقی در نظر مشورتی<sup>۱</sup> که اخیراً صادر کرده، با تفسیری منطقی از رأی وحدت رویه همین استدلال را تأیید می‌کند.

### ۳-۶. تلف حکمی مورد معامله با تملک آن از سوی مرتهن در اداره اجرای ثبت

چنان که تمام یا قسمتی از دستور اجرا را دادگاه باطل کند، به حکم ماده (۷) قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی (مصوب ۱۳۲۲/۰۶/۲۷)، عملیات اجرایی به حالت قبل اعاده خواهد شد. در این فرض، هرگاه شخص ثالث با اعتماد به سند رسمی، مالی را از بستانکار خریده باشد، نباید مکلف به بازگرداندن عین همان مال و در نتیجه محکوم به بطلان سندی شود که هیچ تقصیری در به دست آوردن آن نداشته است. اگر دیدگاه دیگری داشته و قائل به غصبی بودن تصرفات خریدار از بستانکار و محکومیت وی به رد عین و بطلان سند رسمی وی باشیم، ناخودآگاه به یاد مثل قدیمی خواهیم افتاد که: «گنه کرد در بلخ آهنگری... به شوشتر زدند گردن مسگری»؛ در رویه قضایی نیز این امر پذیرفته شده که اگر بستانکاری بیش از مطالبات استحقاقی خویش در اجرای ثبت اقدام به تملک اموالی کند، در صورت انتقال مال موضوع نظر به شخص ثالث با حسن نیت، بدهکار را صرفاً مستحق دریافت خسارت یعنی بهای عین مال تلف شده از بستانکار غیرمحق می‌داند، نه بطلان سند رسمی و بازگرداندن عین از ثالث بی‌گناه.<sup>۲</sup>

۱. در نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۱۴۰۰/۷/۳۱۷ به تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ بیان شده است: «با توجه به حکم مقرر در ماده (۴۵۴) قانون مدنی مبنی بر اینکه «هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود اجاره باطل نمی‌شود...» و ماده (۴۵۵) همان قانون که مقرر می‌دارد «اگر پس از عقد بیع مشتری تمام یا قسمتی از بیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد...» و دیگر مواد قانون مدنی مانند ملاک ماده (۲۸۶) و مواد (۲۸۷)، (۳۶۳) و (۳۶۴) این قانون، تصرف طرفی که در اثر عقد مالک شده است، در موضوع تملیک نافذ بوده و فسخ یا انفساخ بعدی به آن صدمه نمی‌زند؛ مگر اینکه برخلاف آن به‌طور ضمنی یا صریح تراضی شده باشد و یا خریدار اول صریحاً یا ضمناً برای مدت معینی حق انتقال به غیر را از خود سلب کرده باشد. رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور هم ناظر بر مواردی است که در قرارداد برخلاف قاعده صدرالاشاره تصریح شده است.»

۲. رأی شماره ۱۰۸۱۰۴۴-۱۴۰۰۴۹۳۹۰۰۰-۱۴۰۰/۰۸/۰۸-شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سمنان.



#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گسترش نهاد تلف حکمی در راستای صیانت از حق مالکانه اشخاص دارای حسن نیت، با برخی از قواعد فقهی و حقوقی برخورد می‌کند. در نتیجه این تلاقی اگر قائل به مبانی سنتی باشیم، باید به تاریخ سند عادی مقدم یا به اعتبار سند عادی اثبات شده با شهادت شهود، بها دهیم. این کار، هر چند سابقه حقوق را به هم نمی‌ریزد و اصراری بر داشته‌های پیشین است، اما با نیازها و مقتضیات ناشی از چیستی و چرایی سند رسمی تضاد آشکار دارد. تعارض میان سند عادی مقدم و سند رسمی مؤخر، محور اصلی بحث در نهاد تلف حکمی است. با فرض پذیرش اعتبار مطلق سند رسمی، از طریق سند عادی نمی‌توان اعتبار سند رسمی را مخدوش کرد. در نتیجه دارنده سند عادی یا هر دلیل و مستند مالکیت غیر از سند رسمی، باید برای مطالبه غرامت و خسارت به شخصی که به‌طور مستقیم به وی زیان‌زده مراجعه کند. البته اگر بتواند حسن نیت خود را اثبات کرده و از جمله برای دادگاه صالح توجیه کند که چرا برای معامله و نقل و انتقال خویش از سند رسمی استفاده نکرده است.

سند رسمی با هدف ضابطه‌مند کردن مالکیت اشخاص، نسبت به املاک ثبت شده ایجاد شده و قانون ثبت اسناد و املاک، تمام تلاش خود را در مواد متعدد برای اعتباربخشی مطلق به کار گرفته است. مع‌الأسف، این هدف ارزشمند که می‌توانست از بروز دعاوی متعدد و تراکم دعاوی در محاکم بکاهد، با تحلیل‌هایی مبنی بر اعتبار بینه شرعی و امکان اثبات اعتبار و حتی تقدم تاریخ سند عادی در برابر سند رسمی، به سستی گراییده است.

نهاد تلف حکمی، در ترازویی که در یک کفه آن، خریدار رسمی و با حسن نیت و در کفه دیگر آن، خریدار عادی قرار دارد، صرف‌نظر از تاریخ معامله، خریدار رسمی را مالک عین می‌شناسد و خریدار عادی را به طرح دعاوی مطالبه مثل، غرامت یا قیمت یا هر خسارت عادلانه دیگری به طرفیت ناقل عادی رهنمون می‌سازد زیرا با اعتبار

بخشیدن به سند رسمی این پرسش به میان می‌آید که تکلیف معامله با سند عادی چه خواهد بود. بدون تردید باید این معامله را نسبت به شخص ثالث و خصوصاً دارنده سند رسمی غیرقابل استناد و به بطلان نسبی آن نسبت به دیگران نظر داد و همان کاری که رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۷/۰۹/۷۳۳۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در برخی از مصادیق معامله باطل انجام داده و در رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ - ۱۴۰۰/۴/۱ به تکمیل آن اهتمام ورزیده و سپس در رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ - ۱۴۰۰/۳/۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (با اشکال‌ها و ایرادهایی که در این مقاله نمی‌گنجد)، تبیین شده است. بنابراین باید برای جبران این اشکال‌ها با بهره‌مندی از مفهوم عرفی عدم امکان رد عین و نهایتاً تلف حکمی رویه قضایی و دیوان عالی کشور را به سمت راهکار عادلانه برای حفظ و اعتبار بخشیدن به اسناد رسمی هدایت کرد. چنان که پس از هفت سال از رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۷/۰۹/۷۳۳۲۰ و مقاومت دادگاه‌ها برای جبران خسارت خریدار بر مبنای قیمت روز مبیع رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ - ۱۴۰۰/۴/۱ نیز این رویه را در نهایت پذیرفته است و این نزاع و تشتت آرا برای همیشه از رویه محاکم رخت بر بسته است.

به هر حال، خریدار عادی به عنوان «مغرور» باید به «من غره» مراجعه کند؛ اما نمی‌تواند از «غار» مالی را بگیرد که به طور رسمی حق شخص ثالث قرار گرفته است. برای رسیدن به این حمایت گسترده از سند رسمی، به وضع قانون جدید نیاز نبوده و قانون ثبت اسناد و املاک و دیگر مقررات مرتبط در حوزه سند رسمی کفایت می‌کند. تنها چیزی که ضروری است، اصرار رویه قضایی بر اعتبار بی‌چون و چرای سند رسمی و متروک کردن رویه و مقررات مغایر (از جمله قسمت اخیر ماده (۶۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰)) است.

## منابع و مآخذ

۱. آقاخانی، ابوالفضل (۱۴۰۰). «مفهوم و قلمرو تلف حکمی موضوع عقد با نگاهی به نظام حقوقی». مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، ش ۱۱۶.
۲. اسدی، بهنام (۱۳۹۷). «اتلاف حکمی و موضوعی در حقوق ایران». مجله قانون یار، دوره ۲، ش ۸.
۳. السان، مصطفی، محمدرضا منوچهری و سجاد مظلومی (۱۴۰۰). «شرایط و استثنای بازداشت بدهکار در اجرای محکومیت‌های مالی»، مجله حقوقی دادگستری، انتشار آنلاین در: [http://www.zljz.ir/article\\_245423.html](http://www.zljz.ir/article_245423.html).
۴. تقی‌پور، بهرام، مهدی عباسی سرمدی و مهدی کریمی پناوندانی (۱۳۹۹). «وضعیت معاملات مستقل و مرتبط بین انعقاد عقد تا زمان انحلال در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۹۰.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، گنج دانش.
۶. جوانمرد، بهروز و فاطمه بخشعلی (۱۳۹۹). «نقدی بر رأی صادره در خصوص اعتراض ثالث به عملیات اجرایی املاک توقیف شده موضوع ماده (۲۲) قانون ثبت»، فصلنامه رأی، دوره ۹، ش ۳۳.
۷. خمینی، سیدمصطفی (۱۳۷۶). کتاب خیارات، جلد اول، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. خورسندیان، محمدعلی، مهدی سخنور و داوود جانبازی (۱۳۹۸). «تحلیل وضعیت فقهی حقوقی معاملات به قصد فرار از دین با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۱، ش ۳.
۹. سامانه ملی آرای قضایی به نشانی: <https://ara.jri.ac.ir/>.
۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۷۱). «قرارداد تشکیل بیع»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۰.
۱۱. شهیدی، مهدی (۱۳۷۲). «فروش مال غیرمنقول بدون تنظیم سند رسمی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۱۱ و ۱۲.

۱۲. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ه. ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرايع الاسلام*، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، جلد اول و سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران، نشر دادگستر.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *توجیه و نقد رویه قضایی*، تهران، نشر میزان.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *اثبات و دلیل اثبات*، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۱۷. کهنی خشکبیجاری، محمود و عبدالله رستمی چلکاسری (۱۳۹۰). «بررسی لزوم قولنامه در فقه امامیه»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوم، ش ۱ (پیاپی ۳).
۱۸. موسوی الخمینی، سیدروح‌اله (۱۴۲۱ ق). *کتاب البیع*، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۳۷۲). *جامع‌الشتات*، جلد دوم، تهران، انتشارات کیهان.
۲۰. نجفی (صاحب الجواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ ه. ق). *جواهرالکلام فی شرايع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. هاشمی، سیداحمد (۱۳۷۴). «حقوق ثبت»، جزوه درسی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۳-۱۳۷۴ دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۷). *سؤال و جواب (استفتائات و آرای فقیه کبیر سیدمحمدکاظم یزدی)*، به اهتمام سیدمصطفی محقق داماد، جلد اول، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

# شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ با تأکید بر انتظارات دولت

شهربانو خشکاب\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۴۴۵-۴۹۵
-------------------	-------------------------	-------------------------	---------------------

آموزش عالی در جوامع، نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد، نه تنها به لحاظ اینکه تربیت نخبگان را برعهده دارد و مبنایی را برای جامعه‌ای برخوردار از فناوری مهیا می‌سازد، بلکه از این منظر که مهم‌ترین نهاد فکری است که تأثیر بسیار گسترده‌ای بر فرهنگ و امور سیاسی دارد. هدف پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت بود که به روش کیفی و با استفاده از رویکرد فراترکیب انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات منابع اسنادی و جامعه آماری تمام منابع علمی معتبر منتشر شده داخلی مرتبط با موضوع پژوهش برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بودند. روش نمونه‌گیری پژوهش، هدفمند و براساس ابزار برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی بوده و برای گردآوری و تحلیل داده‌ها از الگوی هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و بروسو<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) استفاده شد. دستاورد پژوهش شناسایی و مقوله‌بندی پنج مؤلفه اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت شامل؛ توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار بود. همچنین براساس نتایج آزمون آنتروپی شانون مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار، توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی در مطالعات داخلی از اولویت اول تا پنجم برخوردار بودند. در پایان، مبتنی بر دستاوردهای پژوهش پیشنهادهای مقتضی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی؛ مبانی سیاسی - اجتماعی؛ فراترکیب؛ آنتروپی شانون

\* دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران؛

Email: khoshkab.sh@gmail.com

1. Sandelowski and Barroso

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصدوهفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5402.5163

## مقدمه

به زعم فوکو سیاست<sup>۱</sup> کوشش برای شرکت در قدرت یا کوشش برای نفوذ در تخصیص قدرت چه در میان دولت‌ها و چه در میان گروه در یک دولت است. از سویی، قدرت عملی است که موجب تغییر یا جهت‌دهی (راهبری) رفتار دیگران می‌شود (نظری، بشیری گیوی و جنتی، ۱۳۹۲). فوکو با استفاده از مفهوم تبارشناسی به بررسی رابطه قدرت، دانش و حقیقت می‌پردازد (قادری، ۱۳۹۰) و معتقد است قدرت را نباید به نهادهای سیاسی محدود کرد، قدرت در تمام جامعه جاری است و نقشی مستقیماً مولد ایفا می‌کند. به نظر او دانش عمیقاً با روابط قدرت در آمیخته و هم‌پای پیشرفت در اعمال قدرت پیش می‌رود. به عبارت دیگر، هر جا قدرت اعمال شود، دانش نیز تولید می‌شود. از این منظر، علوم انسانی درون شبکه روابط قدرت شکل گرفته‌اند و در مقابل، خود به پیشبرد تکنولوژی‌های قدرت یاری می‌رسانند. در واقع کوشش فوکو معطوف به روابط متقابل قدرت و دانش است (فتاحی، ۱۳۸۷: ۶۷) وی معتقد است، هیچ رابطه قدرتی را نمی‌توان تصور کرد که قرین حوزه‌ای از دانش نباشد و هیچ دانشی هم نیست که متضمن روابط قدرت نباشد.

دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی به دلیل نقش علمی و پیشرو آنها به عنوان نهاد پرچم‌دار رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری، از آغاز شکل‌گیری از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند، از این رو سیاست‌های آنها همواره مورد توجه خاص دولت‌ها و ملت‌ها بوده است (قادری، ۱۳۹۰: ۱). نهادهای سیاستگذار در حوزه آموزش عالی نیز در تلاشند تا با برقراری مکانیسم‌های سیاستی و حمایتی، تدوین اهداف سیاستی در حوزه نظام آموزش عالی و شناساندن گروه‌های مشخص مورد هدف در اهداف سیاستی، فرایند توسعه پایدار کشور بهبود و عملکردها

را افزایش دهند (قاضی‌نوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۱). این ارتباط پایدار بین نظام آموزش عالی و نهاد سیاست را آلتباخ<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) این‌گونه مورد تأکید قرار داده است که آموزش عالی در جهان سوم نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد، نه تنها به لحاظ اینکه تربیت نخبگان را برعهده دارد و مبنایی را برای جامعه‌ای برخوردار از تکنولوژی مهیا می‌سازد بلکه از این منظر که مهم‌ترین نهاد فکری است که تأثیر بسیار گسترده‌ای بر فرهنگ و امور سیاسی دارد (سلطانی، ۱۳۹۰: ۶).

فوکو معتقد است، عوامل گوناگونی در فضایی همچون دانشگاه برای تحلیل کارکرد قدرت وجود دارند که این عوامل از نوع روابط، دانش، آزادی، مقاومت، رابطه و نظایر آن قابل استنباط هستند (تاجیک، ۱۳۸۶؛ به نقل از مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). فرض اصلی این است که فضای دانشگاه به مثابه ساخت قدرت دارای نشانه‌های سخت‌افزاری همچون معماری، پراکندگی فضا، اشغال مکان، میزان ساخت‌وساز و آرایش فضا، تفکیک رشته‌ها و دانشکده‌ها، شیوه فرم‌دهی کلاس‌ها، ستون‌ها و مواردی از این قبیل است که می‌تواند در ساخت قدرت اثرگذار باشد. همچنین مناسبات نرم‌افزاری مانند روابط استادان و دانشجویان، زبان بدن و روابط بوروکراتیک منشأ قدرت هستند. با اتکا به دیدگاه فوکو در خصوص رابطه دانش و قدرت، زمینه تأثیر متقابل نهاد آموزش عالی و سیاست در تحقق اهداف ملی، توجیهی منطقی و مستدل است. بدین ترتیب، آموزش عالی در چارچوب کارکردهای آموزشی و پژوهشی و همچنین خدماتی خود، فرصت تحقق اهداف نهاد سیاست را در راستای دستیابی به مشروعیت، قدرت و پایداری فراهم می‌سازد و ازسویی نهاد سیاست نیز بر حمایت از آموزش عالی و پیشبرد اهداف و توسعه آن تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای می‌گذارد (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

با عنایت به تبیین فوق از تعامل دوسویه نظام آموزش عالی و نهاد سیاست

(دولت) آشکار است که حمایت نهاد سیاست از آموزش عالی منوط به میزان حصول موفقیت نظام آموزش عالی در تحقق اهداف نهاد سیاست و دستیابی به مشروعیت، قدرت و پایداری آن است. بنابراین شناسایی و آگاهی از ابعاد و وجوه متنوع برنامه‌ها و فعالیت‌های مورد انتظار نهاد سیاست از نظام آموزش عالی و چگونگی (کمیت و کیفیت) برنامه‌ریزی‌های راهبردی مؤثر برای تحقق، توسعه و پیشبرد این امور با هدف کسب حمایت‌های مادی و معنوی دولت از نظام آموزش عالی، می‌تواند یک چالش و بلکه یک مسئله‌محوری، برای نظام‌های آموزش عالی باشد. در این راستا، پژوهش حاضر سعی کرده است به این سؤال اساسی پاسخ دهد که الگوی مناسب برای شناسایی و درک چیستی و ماهیت ابعاد و سطوح مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی که بتواند نقشه راه مؤثری را برای تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های سیاستگذاران و مدیران نظام آموزش عالی و جهت‌دهی تلاش‌های علمی سازمان‌یافته و منسجم آنها هم‌راستا با انتظارات دولت، فراهم سازد، کدام است؟ به‌منظور پاسخگویی به سؤال کلی پژوهش، سؤال‌های جزئی ذیل دنبال شده‌اند:

۱. وجوه و ابعاد متنوع مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت کدامند؟

۲. مؤلفه‌های اصلی و سطوح مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت کدامند؟

۳. الگوی پیشنهادی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت کدام است؟

در ادامه پژوهش و به‌منظور پاسخگویی به مسئله‌محوری و سؤال‌های اصلی پژوهش، چهار گام اساسی انجام شده است. در گام نخست، مبانی و ادبیات نظری متعارف مرتبط با موضوع پژوهش ارائه شده است. سپس به روش‌شناسی، بیان نتایج و



دستاوردهای پژوهش و ارائه الگوی پژوهش پرداخته شده است. در نهایت نتیجه‌گیری و مبتنی بر دستاوردهای پژوهش پیشنهادهای مقتضی ارائه شده است.

## ۱. مبانی نظری

به‌طور کلی، می‌توان گفت سیاست در دو معنای کلی به کار می‌رود؛ یکی به معنای علم اداره کردن دولت و دیگری که خاص‌تر از آن است در سیاستگذاری سازمانی و عمومی استعمال می‌شود (هاشمیان و خلیلی، ۱۳۹۲: ۸-۷). براساس تعریف فوق، مبانی سیاسی آموزش عالی در چارچوب مفهوم خاص آن یعنی سیاستگذاری نظام آموزش عالی مصداق می‌یابد. علم سیاستگذاری به مطالعه سیاست‌ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه‌های گوناگونی چون سیاست آموزش و پژوهش، بهداشت و کشاورزی همچنین زیرمجموعه‌های گوناگون هر یک از این موارد می‌پردازد. این علم می‌کوشد شناخت عملی ما را در سیاست‌های بخش عمومی گسترش دهد و دخالت‌های دولتی را در امور جامعه باز شناسد (نادری، نوروزی و سیادت، ۱۳۹۵: ۲۰). بنابراین سیاست دارای وجه تعمدی است که برای تحقق یک مقصود معین و روشن طراحی شده که دربردارنده تصمیمات و نتایج آن است؛ دارای ساختار و سابقه است؛ ماهیتاً وجه سیاسی دارد؛ پویا و ابزاری است که با آن می‌توان هدف‌های تعیین شده را تحقق بخشید (آهن‌چیان، ۱۳۹۱: ۷۴).

بورديو نیز در بسط دیدگاه نظری کلی خود «جامعه‌شناسی علم» بر مفاهیمی چون میدان، سرمایه و قدرت تأکید دارد (فرهمند، ۱۳۹۲: ۶۰). بنا به تعریف بورديو، میدان عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها صورت می‌پذیرد (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۳). میدان‌های مختلف موجود در جامعه، در حال تأثیرگذاری متقابل بر یکدیگر خواهند بود و

درحقیقت بین آنها نوعی کشمکش وجود دارد، در این بین میدان قدرت را باید میدان اصلی یا غالب در هر جامعه تلقی کرد. درواقع میدان قدرت، مهم‌ترین میدان است که بر همه اثر می‌گذارد و به‌عبارتی نوعی فرامیدان است. میدان قدرت با میدان دولت و سیاست منطبق نیست، بلکه میدان دولت میدان دیگری است که درون میدان قدرت قرار گرفته و سرمایه دولتی، مهم‌ترین سرمایه آن است (پیربابایی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۶). در این میدان، نظام ساخت‌یافته موقعیت‌هایی است که افراد یا نهادها اشغال می‌کنند و ماهیت آن تعیین‌کننده وضعیت برای دارندگان این موقعیت‌هاست (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۳).

بورديو استدلال می‌کند ما می‌توانیم دستاوردهای علمی را به‌مثابه پیامد تعاملات متقابل در یک میدان درک کنیم و بشناسیم. به‌نظر وی میدان‌ها به‌معنای حوزه‌های تولید، گردش و تخصیص کالاها، خدمات، دانش یا منزلت و موقعیت‌های رقابتی هستند. در این راستا میدان علمی، فضایی تعاملی یا یک ساختار روابطی است که راهکارها و عملکردهای مربوط به افراد علاقه‌مند به مشارکت را تعیین می‌کند و اصولاً تا حدود زیادی از خودمختاری یا استقلال از محیط بیرونی برخوردار است. این میدان به‌دلیل توانایی‌اش برای کنترل، استخدام، جامعه‌پذیری، تخصص‌کنشگران و تحمیل ایدئولوژی خاص، بسیار خودمختار است. درواقع، از نظر بورديو، اقتدار علمی نوع خاصی از سرمایه است که قابل‌انباشت، انتقال و حتی قابل‌تغییر به نوع دیگری از سرمایه تحت شرایطی خاص است که به کنشگر امکان می‌دهد دستاوردهای چشمگیری را ارائه دهد (فرهمند، ۱۳۹۲: ۵۹).

با توجه به دیدگاه بورديو، میدان علمی نهاد آموزش عالی با بهره‌مندی از فضای تعاملی و ساختار روابطی، زمینه تعامل با حوزه‌های مختلف اجتماع از جمله نهاد سیاست و دولت را برای تحقق اهداف ملی و به‌صورت متقابل، تحقق اهداف خود دارد. به‌رغم پتانسیل و

قابلیت رابطه تعاملی و پویایی که آموزش عالی می‌تواند با نهادهای اجتماعی در جهت نوسازی و توسعه اجتماعی در سطوح مختلف داشته باشد، گاه نهادهای آموزشی عملاً همان ساخت سنتی توزیع سرمایه فرهنگی را رعایت کرده و نظام پیشین را بازتولید می‌کنند (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۵). با این وصف، آنچه می‌تواند میدان قدرت نظام آموزش عالی را از تله بازتولید سرمایه علمی و فرهنگی سنتی رها سازد، استمداد جستن از مبانی و اصول نظری متعدد و متنوعی است که گستره جامعی از پیچیدگی‌ها، ابعاد و وجوه شکل‌گیری و توسعه سرمایه انسانی، اجتماعی و فرهنگی را در بستر میدان سیاست پوشش دهد. همچنین در نظریه دمکراتیک<sup>۱</sup> (سال ۱۹۸۴) تأکید شده بر آموزش شهروندی و ارتقا و دفاع از منافع شخصی و آزادی‌های فردی، جهت‌گیری رفتار شهروندی شامل وابستگی متقابل افراد جامعه به نظم دمکراتیک، ایجاد انگیزه برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدنی و گفتمان در مورد موضوع‌های عمومی که در نهایت عمل دمکراتیک را محقق می‌سازد. در همین راستا، طرفداران نظریه دمکراتیک معتقدند، دولت‌ها باید نسبت به تعلیم و تربیت و بالا بردن سطح آگاهی همه بخش‌های جامعه به‌منظور ایجاد محیطی آرام همراه با احترام به حقوق بشر و تنوع‌های فرهنگی و ارزشی و تقویت چنین اقدام‌هایی در میان افراد جوان جامعه اهتمام لازم را داشته باشند. در واقع آنها معتقدند، آماده کردن افراد جوان جامعه برای مشارکت متعهدانه و مبتنی بر احترام به حقوق بشر، برابری، عدالت و کثرت‌گرایی، مستلزم آموزش اصول دمکراتیک است (Osler and Starkey, 2006: 341).

نظریه پردازان نظریه کارکردگرایی ساختاری<sup>۲</sup> از جمله پارسونز (۱۹۳۰) رویکرد جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی را با تأکید بر چهار کارکرد: حفظ و نگاهداری

---

1. Democratic Theory

2. Structural Functionalism Theory

الگو، دستیابی به هدف، تطبیق یا سازواری و یکپارچگی مورد توجه قرار داده است. کارکردهایی که هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم حیات خود ناگزیر از انجام دادن آنهاست و شرط اساسی تداوم نظام نیز محسوب می‌شوند. بر این اساس، هر جامعه‌ای می‌کوشد تا از طریق جامعه‌پذیری فرهنگی، گرایش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی را به‌منظور حفظ و نگاهداری کل نظام اجتماعی به نسل‌های بعد منتقل سازد (خواجه سروی، ۱۳۷۸: ۲۹۳). از سوی دیگر، اعتماد اجتماعی افراد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده آنها نسبت به یکدیگر و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی‌شان در چارچوب نظریه اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup> به‌عنوان بخشی از نشانگان فرهنگی پایدار، به بقای دموکراسی و تحقق سیاست‌ها و انتظارات میدان قدرت سیاست از مسیر نظام‌های آموزش عالی کمک می‌کند (امام جمعه‌زاده و مرندی، ۱۳۹۱: ۷).

همچنین از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اواسط دهه ۱۹۶۰، در چارچوب نظریه نوسازی<sup>۲</sup> (موسوی‌نژاد و اکوانی، ۱۳۹۲) و با عنایت به ظهور تقاضاهای جدید در بستر مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی، برخورداری نظام سیاسی از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت عملکردها و برنامه‌های نهادهای اثرگذار در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و نیز افزایش مشارکت و توسعه سیاسی (نظری، بشیری گیوی و جنتی، ۱۳۹۲: ۱۴۰) تأکید شد. توان پاسخگویی به تقاضاها به‌ویژه در شرایط نوظهور، مستلزم توانایی نظام‌ها و نهادها در تأمین منابع است و دانشگاه‌ها نیز همچون سایر نهادهای اجتماعی در محیط‌های واقعی باید نسبت به آحاد جامعه و نیازهای آنها پاسخگو باشند. بنابراین با استناد به نظریه وابستگی منابع<sup>۳</sup> در سال

1. Theory of Social Trust

2. Modernization Theory

3. Resource Dependence Theory

۱۹۷۰، استقلال دانشگاه‌ها با پیش‌فرض فعالیت مستقل و مبتنی بر معیارها و قوانین خودشان بدون اتکا به حمایت‌های بیرونی، تا حد قابل‌ملاحظه‌ای نقض می‌شود. براساس این نظریه، پیشنهاد محوری این است که دانشگاه‌ها از رویکردهای مختلف برای مدیریت وابستگی منابع خود و دستیابی به استقلال بیشتر در جهت کاهش عدم اطمینان از جریان تأمین منابع محیطی عمل کنند که البته این شیوه استقلال دانشگاه به معنای عدم کنترل دولت بر دانشگاه‌ها نیست، بلکه هدف افزایش قابلیت پاسخگویی دانشگاه‌ها به طیف گسترده و متنوع نیازهای جامعه در چارچوب یک ساختار حمایتی ازسوی دولت‌هاست (Okai and Worlu, 2014: 198).

## ۲. پیشینه پژوهش

از دهه‌های اخیر، تلاش‌های علمی بسیاری در خصوص کارکردهای نظام‌های آموزش عالی با هدف پاسخگویی به سیاست‌ها و تقاضاهای نظام سیاسی و نهاد دولت ازسوی پژوهشگران داخلی و خارجی انجام شده است. از جمله؛ اَبس<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی ابزارها و گزینه‌های راهبردی برای سیاستگذاری آموزش شهروندی»، با بررسی چالش‌ها، ابزارها و سیاست‌های آموزش شهروندی شورا و اتحادیه اروپا، استدلال کرده است؛ هم شورای اروپا و هم شورای اتحادیه اروپا با محدودیت‌های قانونی و منابع چشمگیری مواجه‌اند تا حدی که این محدودیت‌ها، ظرفیت آنها را برای شکل دادن و اجرای سیاستگذاری آموزش شهروندی در سطح ملی محدود می‌کند. وی اذعان کرده است هر دو نهاد به شدت به اطلاعات، منابع مالی و ابزارهای سازمانی برای تأثیرگذاری بر سیاستگذاری آموزش شهروندی نیازمندند.

هوریموتو و نینومیا لیم<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «چگونه آموزش عالی می‌تواند آموزش شهروندی را در ژاپن توسعه دهد»، به روش کتابخانه‌ای و مرور اسنادی، پیشینه و تاریخچه، تعاریف و تصویر کلی برنامه‌های درسی و همچنین اهداف آموزش شهروندی و شیوه‌های آن را به سبک توکای ژاپن از شروع برنامه در سال ۲۰۱۷ بررسی کرده‌اند. آنها در قالب دستاورد پژوهش خود اذعان داشته‌اند؛ برنامه‌های مورد نظر صرفاً مجموعه‌ای از روش‌های آموزشی نیستند، بلکه فلسفه‌ای هستند که برای یادگیری خودراهبر از سوی شهروندان ارزش قائل‌اند و مشارکت واقعی آنها را در ایجاد فرهنگ یادگیری جمعی تشویق می‌کنند.

زالنینه و پیرا<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «آموزش عالی پایدار: چشم‌انداز جهانی» اذعان داشته‌اند، نهادهای آموزش عالی به‌عنوان عوامل کلیدی آموزش و رهبران آینده اجرای موفق اهداف توسعه پایدار<sup>۳</sup> در پیاده‌سازی این اهداف بسیار ناهمگون عمل کرده‌اند. آنها اذعان داشتند، آموزش عالی به‌ویژه در هدف پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در همه جا، تأمین زندگی سالم و ارتقای رفاه برای همه سنین، برابری جنسیتی، کار شایسته و رشد اقتصادی، مصرف و تولید مسئولانه، تغییر آب و هوا، صلح، عدالت و نهادهای اثربخش موفق عمل نکرده است. ازسویی، تأکید کرده‌اند برای ایجاد تغییر مورد نیاز در آموزش، اصول پایداری نیاز است، برنامه‌های درسی، شیوه‌های عملیاتی، ارتقای فرهنگ سازمانی، ترکیب اصول پایداری، محیط سیاسی و منافع ذی‌نفعان، توجه به کیفیت، جنسیت، کاهش ضایعات و مصرف انرژی، کاربست روش‌های مختلف تحصیلی برای دانشجویان سطوح مختلف، مورد توجه قرار گیرد.

1 Horimoto and Ninomiya -Lim

2. Zalėnienė and Pereira

3 Sustainable Development Goals (SDGs)

فیندلر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با هدف «مفهوم‌سازی اثرات نهادهای آموزش عالی بر پایداری» با استفاده از روش مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش با استفاده از مقالات منتشر شده معتبر برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ و روش تحلیل محتوای استقرایی در قالب دستاوردهای خود اذعان داشتند نهادهای آموزش عالی مسئولیت ذاتی در ایجاد پایداری جوامع دارند. دستاورد پژوهش آنها نشان داد آموزش بر کیفیت نیروی کار و رشد اقتصادی؛ پژوهش بر جهت‌گیری پژوهش‌ها به سمت کسب‌وکار و سیاست‌گذاری، تغییر عملکردهای کاری و اجتماعی؛ دستاوردها بر گفتمان فرهنگی و انسجام اجتماعی؛ عملکرد دانشکده‌ها بر توزیع تغییرات تدریجی و عملگرایی؛ تجارب دانشکده‌ها بر مهاجرت دانشجویان و توسعه شهروندی اثرگذار است. بنابراین نهادهای آموزش عالی باید توسعه پایدار را در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های راهبردی خود در نظر داشته باشند. ناوارو مدینا و دی - آلبا فرناندز<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) با هدف «مطالعه تطبیقی آموزش شهروندی در برنامه درسی اروپا» بر گنجاندن آموزش شهروندی در برنامه درسی تأکید کرده‌اند. آنها اذعان داشته‌اند اهداف آموزش شهروندی با توجه به قوانین ملی، بستر، سنت‌ها، میراث فرهنگی و مهم‌تر از همه بسته به رویکرد برنامه درسی در هر کشور به روشی متفاوت تدوین شده است. دستاورد این مطالعه بر آموزش شهروندی در چارچوب برنامه‌های درسی مبتنی بر رویه‌ها، ارزش‌ها و محتوای مشخص، ارائه اطلاعات ضروری در خصوص تاریخچه، جغرافیا و سیاست کشور، مشارکت و تجارب سیاسی در مدرسه و سطح محلی، ایجاد ابزارهای ضروری، توانایی‌ها، صلاحیت‌ها و ارزش‌های لازم برای مسئولیت‌پذیری جهت ایفای نقش‌های بزرگسالی در دانشجویان، تأکید کرده است.

---

1. Findler et al.

2. Navarro- Medina and de-Alba Fernandez

گالستون<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «دانش سیاسی، مشارکت سیاسی و آموزش شهروندی» اذعان کرده است به‌رغم افزایش چشمگیر آموزش رسمی، سطح دانش سیاسی در فارغ‌التحصیلان کالج کاهش یافته است. وی در تحقیقات اخیر نشان می‌دهد آموزش شهروندی مبتنی بر کلاس درس، می‌تواند دانش سیاسی را به میزان چشمگیری افزایش دهد. وی استدلال کرده است، یادگیری ارائه خدمات از مسیر ترکیب تجارب شهروندی مبتنی بر جامعه و آموزش نظام‌مند کلاس درس در مورد تجارب شهروندی یک نوآوری امیدوارکننده است، واقعیتی که در عمل و در مطالعات تجربی در نهادهای آموزش عالی مشاهده نمی‌شود.

آرایش و شیخی (۱۳۹۹) با هدف بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی نشان دادند، بین آموزش شهروندی و شاخص‌های توسعه پایدار شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین اذعان داشتند جهت تأثیر بیشتر آموزش شهروندی بر توسعه پایدار شهری باید ابتدا بستر آموزش (جامعیت و پویایی قانون، رفاه و تأمین اجتماعی) در جامعه فراهم شود، سپس شرایط مداخله‌گر (بی‌اعتمادی نهادی، عدم توسعه فرهنگی و ناکارآمدی آموزش رسمی) مرتفع شود.

راد و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «طراحی چارچوبی برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های آموزش عالی پایدار در ایران»، با استفاده از روش کیفی فراترکیب و تحلیل چارچوبی مبتنی بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی، شاخص‌های پایداری دانشگاه‌ها را در ۲۵ مؤلفه و هشت بعد شامل: مدیریت زیست‌محیطی پردیس؛ آموزش پایدار؛ مشارکت‌کنندگان؛ مدیریتی پایدار؛ سرمایه اجتماعی؛ پژوهش پایدار؛ نظارت، ارزیابی و گزارش‌دهی؛ اداری و مالی ارائه کردند. صالحی و پازوکی‌نژاد

1. Galston



(۱۳۹۳) با هدف مطالعه آموزش عالی به‌عنوان ابزاری نوین در توسعه پایدار، الگوی آموزش عالی پایدار با تأکید بر پایداری محیط زیستی را با استفاده از روش مطالعه اسنادی مورد بررسی قرار داده است. دستاوردهای این پژوهش نشان داد؛ بهبود شبکه‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌های علمی، بازنگری برنامه‌های درسی و دوره‌های آموزشی موجود؛ بازنگری شیوه‌های تدریس و رویکردهای آموزش محیط زیست؛ تدوین برنامه‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای در بستر توسعه آموزش عالی پایدار؛ اتخاذ رویکرد سبز در عملیات روزمره یک دانشگاه پایدار و ممانعت از تأثیر منفی بر جوامع انسانی یا اکوسیستم‌ها؛ ارائه خدمات به جوامع محلی، ملی و بین‌المللی برای تضمین آینده‌ای سالم از نظر محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی از ضروریات است. قورچیان و افتخارزاده (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتاب‌های درسی متوسطه، براساس نظرهای گوناگون، آیات و روایات و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا و رویکرد پژوهش کاربردی مبتنی بر واحد تحلیل شامل صفحه، پرسش‌ها و تصویر و با استناد به روش ویلیام رومی و محاسبه ضریب درگیری مفاهیم نشان داد، در منابع درسی دوره متوسطه، طیفی از توجه اندک تا مطلوب به مؤلفه‌های توسعه سیاسی وجود دارد. همچنین میزان توزیع مؤلفه‌ها در کل محتوا، به‌طور معناداری نامتوازن است. با نقد و بررسی پیشینه پژوهش، چند نکته محوری قابل‌استنباط است که البته نوآوری پژوهش حاضر نیز محسوب می‌شود: نخست اینکه، اگرچه مطالعات با محوریت مطالعه و بررسی ابعاد مرتبط با مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران متعدد قرار گرفته و دانش بسیاری نیز در این زمینه تولید شده است، با این حال این حجم از دانش موجب شده اطلاع و تسلط کامل بر همه ابعاد موضوع و به‌روز بودن آنها تا حد زیادی امکان‌ناپذیر باشد. در این شرایط

انجام پژوهش‌های ترکیبی که عصاره پژوهش‌های انجام شده در موضوعی خاص را به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهند، می‌تواند رویکرد مطالعاتی اثربخشی برای دستیابی به دستاوردهای بدیع و کاربردی باشد.

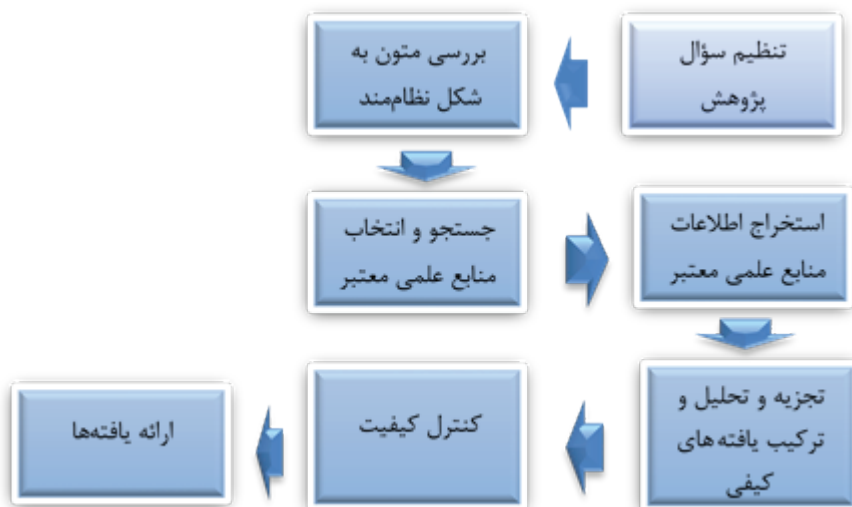
نکته دوم اینکه، همان‌طور که در پیشینه مطالعات موجود اشاره شد، هر یک از پژوهشگران با نگاه خود، جنبه‌های خاصی از ابعاد و وجوه پدیده مورد مطالعه را بررسی کرده‌اند و در عمل تاکنون مطالعه‌ای در چارچوب جامع و یکپارچه با ملحوظ داشتن ابعاد متعدد مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی به‌ویژه با تأکید بر انتظارات دولت، انجام نشده است. نهایت اینکه، اجرای اقدام‌های راهبردی در هر عرصه‌ای بیش از هر چیز مستلزم بهره‌مندی از طرح، برنامه و الگویی است که به‌عنوان نقشه راه و ابزار علمی - فنی مناسب در راستای تحقق اهداف تعیین شده، مورد استفاده قرار گیرد. تحلیل و ارزیابی دقیق، شفاف و جامع مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با کاربست الگوهایی که کاستی، نقصان یا کم‌توجهی به تعاملات، وجوه و ابعاد متنوع این عرصه داشته باشند، ابزارهای علمی مؤثری برای قضاوت و تفسیر دستاوردها نخواهد بود. بنابراین با هدف مرتفع ساختن خلأهای پژوهشی مورد اشاره در این پژوهش سعی شد با کاربست روش فراترکیب، ضمن توسعه دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، ابعاد مورد کم‌توجهی و بعضاً مغفول مانده از مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، در بستری جامع، یکپارچه و نظام‌مند شناسایی، دسته‌بندی و الگوی پژوهش براساس آن ارائه شود.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف، با استفاده از روش کیفی مبتنی بر فراترکیب و تحلیل چارچوبی داده‌ها مبتنی بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزار

MAXQDA انجام شده است. فراترکیب از طریق فراهم کردن نگرش نظام‌مند برای پژوهشگران از راه ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی را کشف می‌کند و با این روش دانش جاری را ارتقا می‌دهد و دیدی جامع و گسترده در زمینه مسائل پدید می‌آورد (زنگنه‌نژاد، حاجی‌حیدری و آذر، ۱۴۰۰: ۱۰۳)؛ در واقع ترکیب تفسیر داده‌ها و یافته‌های اصلی مطالعات منتخب است. فراترکیب عصاره‌ای از تفسیرهای مطالعات پیشین نیست، بلکه یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به‌منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است که حاکی از فهم عمیق محقق در این خصوص است (Zimmer, 2006: 312-313). در این پژوهش از فرایند هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و بروسو (۲۰۰۷) برای انجام فراترکیب استفاده شده است.

### شکل ۱. گام‌های روش فراترکیب



گام اول، تنظیم سؤال پژوهش است. با عنایت به هدف پژوهش؛ شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، سؤال‌های اصلی پژوهش این است که وجوه، مؤلفه‌های اصلی و سطوح مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت کدامند؟ اولویت مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت چگونه است؟

گام دوم، بررسی متون به روش نظام‌مند و شناسایی منابع علمی معتبر مرتبط است. جامعه آماری شامل تمام مطالعات و پژوهش‌های منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر داخلی با هدف ارائه یک الگوی چند سطحی بومی‌سازی شده است که براساس کلیدواژه‌های مرتبط مورد جستجو قرار گرفتند. چارچوب زمانی جستجوی پژوهش‌های مرتبط شامل سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۸۰ با هدف ملحوظ داشتن طیفی از مباحث و موضوع‌های مرتبط با موضوع پژوهش در سطح داخلی است. برای جستجو و شناسایی منابع علمی مورد بررسی در قالب مقالات معتبر علمی از کلیدواژگان مرتبط شامل «سیاست‌های آموزش عالی، توسعه آموزش عالی، مهارت‌های شهروندی، حقوق شهروندی، آموزش شهروندی، جامعه‌پذیری، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه پایداری، پارادایم توسعه، آموزش عالی و توسعه پایدار، نظام سیاسی، اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، توسعه سیاسی» در بستر پایگاه‌های اطلاعاتی علمی الکترونیکی داخلی شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، مجلات تخصصی نور، مگیران، سیویلیکا و علم نت استفاده شده است.

در گام سوم، عناوین منابع علمی معتبر شناسایی شده (تعداد ۹۸ مقاله مرتبط)، براساس معیارهای ورود<sup>۱</sup> به مطالعه: ۱. حداکثر تناسب منابع گزینشی با موضوع پژوهش، ۲. تمرکز واحد تحلیل مطالعات منتخب بر نهاد دانشگاه و جوه متنوع مأموریت‌های سیاست‌محور نظام آموزش عالی، ۳. انتشار مطالعات منتخب ناشران و پایگاه‌های منابع علمی الکترونیکی و چاپی معتبر، ۴. تناسب قابل قبول دستاورد مطالعات منتخب برای پیگیری اهداف پژوهش و معیارهای خروج؛<sup>۲</sup> اجرای فعالیت‌های پژوهشی در عرصه‌هایی غیر از نظام آموزش و نهادهای دانشگاهی، بررسی و تعداد ۲۹ سند نامرتب حذف و تعداد ۶۹ منبع باقی ماندند. سپس منابع علمی باقی مانده، براساس شاخص‌های ابزار برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی<sup>۳</sup> غربالگری و ناب‌سازی شدند. براساس این برنامه، منابع علمی مبتنی بر ۱۰ معیار شامل: اهداف تحقیق، منطق روش، طرح تحقیق، نمونه‌برداری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری، ملاحظات اخلاقی، دقت در تجزیه و تحلیل، بیان شفاف یافته‌ها و ارزش تحقیق، بررسی و به هریک از معیارها امتیاز با مقیاس (یک تا پنج) تخصیص یافت و بر این اساس، منابعی که میانگین امتیاز کمتر از ۲/۵ کسب کردند، حذف شدند (Finfgeld, 2003: 901). در این مرحله نیز تعداد ۳۳ منبع علمی حذف و در نهایت تعداد ۳۶ منبع علمی برای تحلیل متن و پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، انتخاب شدند.

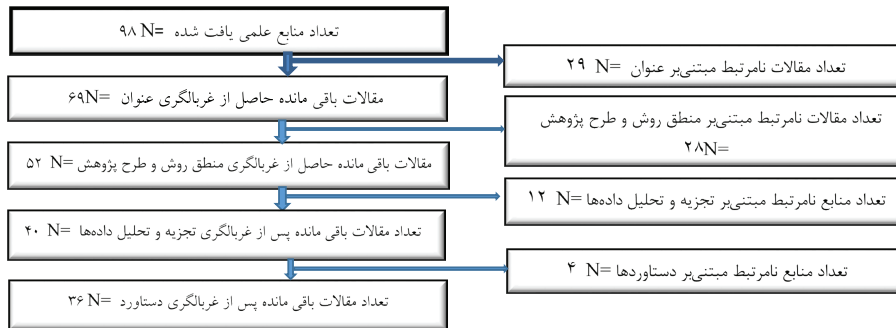
---

1. Inclusion Criteria

2. Exclusion Criteria

3. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)

## شکل ۲. خلاصه نتایج جستجو و غربالگری منابع علمی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در گام چهارم، مقالات منتخب به‌طور دقیق و به‌صورت خط به خط مطالعه و بررسی و به‌صورت هم‌زمان داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش تحلیل استقرایی (جزء به کل) از این متون استخراج شدند. البته ضمن تحلیل متون منتخب، همچنان فرایند نمونه‌گیری ادامه پیدا کرد، چراکه با تحلیل داده‌ها و احتمال ظهور استنباط‌های جدید، امکان نمونه‌گیری و جمع‌آوری مجدد اطلاعات وجود داشته و این اقدام تا رسیدن به مرحله اشباع نظری به‌طوری‌که داده‌های گردآوری شده جدید، تکرار داده‌های قبلی بوده و اطلاعات جدیدی حاصل نشود، می‌تواند ادامه یابد. در ادامه، مفاهیم با ارزش محتوایی اندک حذف و مفاهیم مشابه در یکدیگر ادغام و به‌این ترتیب مجموعه‌ای از مفاهیم پایه استخراج شدند.

گام پنجم، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی است. در این گام کدهای استخراج شده در مرحله قبل که دارای ماهیت مشابه بودند، ذیل یک گروه قرار گرفته و مفاهیم را تشکیل دادند. در ادامه نیز مفاهیم مشابه، مقوله‌ها را ایجاد کردند.

گام ششم، به کنترل کیفیت مربوط می‌شود. روایی داده‌ها از طریق روایی صوری و محتوایی حاصل شد. بدین ترتیب که مؤلفه‌های شناسایی شده و الگوی حاصل، در

اختیار پنج نفر از صاحب‌نظران این عرصه قرار گرفت و با نظر آنها و عدم تغییر الگو، روایی صوری و محتوایی تأیید شد. به‌منظور ارزیابی پایایی از روش کدگذاری مجدد (کدگذاری همکار) و محاسبه شاخص کاپای کوهن<sup>۱</sup> استفاده شد. بدین‌منظور، یک نفر از پژوهشگران آشنا با عرصه پژوهش حاضر، مفاهیم پایه مستخرج از متون پژوهش‌های علمی منتخب را بدون آگاهی از اطلاعات کدگذاری و مقوله‌بندی انجام شده از سوی پژوهشگر، جداگانه کدگذاری و مقوله‌بندی کرد. مقدار شاخص کاپا در سطح معناداری ۰/۰۰۱ معادل ۰/۷۱ محاسبه شد که با توجه به کوچک‌تر بودن عدد معناداری از مقدار  $(\alpha=0/05)$  فرض استقلال کدهای استخراجی رد و پایایی مناسب کدها تأیید شد.

جدول ۱. خلاصه محاسبات ضریب کاپای کوهن

سطح معناداری	انحراف استاندارد	مقدار آماره	
۰/۰۰۱	۰/۵۸	۰/۷۱	کاپای مقدار توافق
	۶۶		تعداد موارد متغیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

گام هفتم فراترکیب، به ارائه یافته‌های پژوهش اختصاص دارد. در این بخش از پژوهش تمام مؤلفه‌های مربوط به مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت، از ۳۶ مقاله منتخب استخراج و سپس کدگذاری شدند. براساس اطلاعات جدول ۲، دستاورد تحلیل بخشی از داده‌های مستخرج از مطالعات منتخب، شناسایی ۱۰ کد باز مقوله‌بندی شده در چارچوب ابعاد سه‌گانه کدهای محوری؛ «بازتدوین آموزش شهروندی»، «توسعه مشارکت و راهبری امور شهروندی» و «تهداینه‌سازی قانونگرایی

1. Cohen's Kappa Coefficient

اخلاق محور» است. در مرحله کدگذاری انتخابی با مقوله‌بندی ابعاد سه‌گانه، مؤلفه اصلی «توسعه شهروندی» ارائه و در سطح مبانی فردی جایابی شد.

جدول ۲. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی توسعه شهروندی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	فردی	توسعه شهروندی	بازتدوین آموزش شهروندی	بازنگری برنامه‌های درسی مبتنی بر آموزش شهروندی؛ آشنایی با وظایف، حقوق و نقش‌های شهروندی؛ کمک به پیشرفت و تکامل نقش شهروندی	۱۹-۲۰ ۲۲-۳۲
			توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی	بسترسازی همکاری و مشارکت ذی‌نفعان در تربیت شهروندی؛ تعمیق روحیه کثرت‌گرایی در امور جامعه؛ مشورت، تصمیم‌گیری و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی	۱۹-۲۰ ۲۱-۲۲ ۲۳-۲۵
			نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور	پرورش منش آزادی‌خواهی و مسئولیت‌پذیری؛ بسط فرهنگ قانون‌گرایی؛ توسعه وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی؛ توجه به حقوق فردی و اجتماعی	۲۱-۲۲ ۲۳-۲۴ ۲۵

مأخذ: همان.

در جدول ۳ مؤلفه اصلی «جامعه‌پذیری سیاسی» و ابعاد و نشانگرهای آن ارائه شده است. این مؤلفه اصلی از مقوله‌بندی چهار بعد: «بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد»، «راهبری جامعه‌پذیری نهادی»، «تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا» و «خودتنظیمی تعهدگرا» حاصل، ارائه و در سطح مبانی فردی جایابی شده است. تعداد نشانگرهای مؤلفه مذکور نیز شامل ۱۳ کد باز است.



جدول ۳. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی جامعه‌پذیری سیاسی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

کد منابع علمی معتبر	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	سطح	مقوله اصلی
۲۲-۲۴-۳۱	تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم؛ تربیت انسان‌های قانونمند، مشارکت‌پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش	بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد		فردی	مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی
۳۳-۳۴-۲۷	راهبری تشکلهای سیاسی، احزاب، شخصیت‌های سیاسی، سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت علوم در جامعه‌پذیری سیاسی؛ هدایت نهادهای آموزشی و رسانه‌ها در جامعه‌پذیری سیاسی؛ هدایت نهاد خانواده در جامعه‌پذیری سیاسی؛ شکل‌گیری انتخاب آگاهانه، نگرش‌ها و تفکرات برای پذیرش نقش‌های سیاسی	راهبری جامعه‌پذیری نهادی	جامعه‌پذیری سیاسی		
۳۵-۳۸-۲۸-۳۶-۲۲-۲۵-۳۳-۳۱	توسعه الگوهای رفتاری وحدت‌محور و مشارکت‌مدارانه هویت ملی؛ آموزش و توسعه الگوهای ارزشی و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی؛ تقویت هویت فرهنگی در شهروندان و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی	تعمیق هویت‌گرا			
۲۹-۲۵-۳۱-۳۰-۳۲	آگاهی از حوادث و مشکلات جاری جامعه؛ مسئولیت‌پذیری در قبال وظایف و نقش‌ها مبتنی بر اصول اخلاقی؛ پذیرش قدرت قانونی و بررسی و نقد عقاید و ایده‌ها؛ کنترل کشش‌ها و خواسته‌های ناهمسو و ناهمخوان با جامعه	خودتنظیمی تعهدگرا			

مأخذ: همان.

در جدول ۴ اطلاعات مؤلفه اصلی «مشارکت سیاسی» ذیل سطح ملی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ارائه شده است. مؤلفه مذکور حاصل مقوله‌بندی ۱۱ کد باز در چارچوب ۲ کد محوری است که با عنوان ابعاد «ترویج باورهای

ارزشی مشارکت» و «شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت» در سطح ملی جایابی شده‌اند.

#### جدول ۴. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی مشارکت سیاسی مبانی سیاسی - اجتماعی

##### آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	ملی	مشارکت سیاسی	ترویج باورهای ارزشی مشارکت	تأکید بر حذف قشربندی اجتماعی و تأکید بر همزیستی با اقوام مختلف؛ تقویت حس مشارکت فعال در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی؛ داشتن انگیزه مشارکت در موضوع‌ها و مداخله در حل مناقشات جامعه؛ احساس تکلیف اجتماعی و سیاسی	۲۴-۱ ۳۱-۲۵
			شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت	آگاهی و دانش درباره حکومت و دولت؛ توسعه حس وطن‌پرستی و افزایش مشارکت در انتخابات ملی؛ مقابله با فرهنگ‌های تحمیلی سیاسی یا دولتی؛ پرورش روح تشکیلاتی و فعالیت سازمانی؛ افزایش توان ابراز وفاداری به نظام، نمادهای سیاسی و افتخارات ملی؛ آشنایی با قوانین ملی و مجلس شورای اسلامی؛ آموزش جهت‌گیری وابستگی ایدئولوژی و حزبی	۲۳-۲۵ ۳۲-۳۱ -۲

مأخذ: همان.

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۵ پس از غربالگری و تصفیه مجموعه‌ای از مفاهیمی که به‌لحاظ نظری از اشتراک معنایی و محتوایی برخوردار بودند، تعداد ۲۲ کد باز، ذیل چهار بعد محوری «چابکی علمی»، «انتظام دانایی‌محور امور اقتصادی -

اجتماعی»، «بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری» و «راهبری خدمات پایداری» مقوله‌بندی شدند. در ادامه و در مرحله کدگذاری انتخابی نیز چهار بعد شناسایی شده در چارچوب مبانی نظری مقوله‌بندی و با عنوان مؤلفه اصلی «توسعه پایدار» در سطح ملی جایابی شدند.

جدول ۵. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی توسعه پایدار مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش

عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	ملی	توسعه پایدار	چابکی علمی	توجه به اهمیت آزادی و استقلال علمی در پاسخگویی به امور اجتماعی؛ توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک و استقرار سیستم پایش و پاسخگویی نظام‌مند؛ اعتقاد به ماهیت علم و تلاش برای توسعه آن؛ اعتقاد به همگانی بودن دانش و تلاش برای استفاده از آن برای رفاه عمومی، ساختارهای حکومتی و رهبری متأثر از ساختارهای مدیریتی و علمی دانشگاه؛ عدم تأثیرپذیری فعالیت‌های علمی از نگرش‌های سیاسی مدیران؛ انتشار نتایج حاصل از فعالیت‌های علمی بدون محدودیت‌های غیرعلمی	۳۱-۷ ۱۵-۱۶ ۱۷

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	ملی	توسعه پایدار	انتظام دانایی محور امور اقتصادی - اجتماعی	توسعه درآمدهای اختصاصی، خیریه، املاک و مستغلات دانشگاهی؛ مدیریت درآمد مازاد حاصل از درآمدهای اختصاصی؛ توسعه مهارت قضاوت دقیق و علمی در ارزیابی های اجتماعی؛ گسترش هویت آکادمیک و انتقال آن به جامعه؛ هدایت همگان به پاسداشت اندیشه علمی در مناسبات اقتصادی - اجتماعی	۱۵-۱۴ ۳۱-۱۶ ۱۸-۳۲
			بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایدار	افزایش تعداد دانشجویان، مراکز عالی تحقیقاتی و آموزشی؛ تربیت تحصیل کردگان از قشرهای مختلف مردم؛ تقویت گرایش به استفاده از محصولات داخلی؛ آموزش مهارت های کنشی - اجتماعی و بهبود الگوی مصرف؛ ارتقای سواد محیطی، زیباشناختی و تعهد به تغییر سبک زندگی و عادات مصرف به منظور حفظ محیط؛ بازنگری شیوه های تدریس و رویکردهای آموزش محیط زیست؛ تدوین برنامه های میان رشته ای و فرارشته ای در بستر توسعه آموزش عالی پایدار	۲۵-۸ ۴-۳۱ ۱۲-۱۰ ۱۱
			راهبری خدمات پایدار	آشنایی با روش های آلودگی زیست محیطی و مبارزه با آن؛ کاهش خسارت ها و هزینه های وارده بر مدیریت شهری؛ ارائه خدمات به جوامع محلی، ملی و بین المللی برای تضمین آینده ای سالم از نظر محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی؛ داشتن برنامه راهبردی و نمایه عملیاتی و مشارکت و مشورت با افراد و نهادها	۲۵-۹ ۱۲-۱۰ ۲۳-۱۳

مأخذ: همان.

در جدول ۶ اطلاعات مرتبط با مؤلفه اصلی «توسعه سیاسی» ارائه شده است. مؤلفه مورد نظر حاصل مقوله بندی ۱۲ کد باز با عنوان نشانگر است که از مقوله بندی آنها

مبتنی بر مبانی نظری پژوهش تعداد سه بعد: «بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی»، «تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی»، «تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی» ارائه شده‌اند. مؤلفه اصلی «توسعه سیاسی» در سطح فراملی جایابی شده است.

جدول ۶. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی توسعه سیاسی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

کد منابع علمی معتبر	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	سطح	مقوله اصلی
۳-۶-۱	تأکید بر توسعه‌یافتگی مبتنی بر بازدهی آموزشی؛ پرورش بینش‌ها و شم سیاسی اجتماعی؛ زمینه‌سازی برای توسعه مهارت‌ها و توانایی سیاسی و اجتماعی	بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی			
۴-۳۱-۲۵ ۳۲	بازتولید فرهنگ در محیط جهانی و مبادله بین فرهنگی و چند فرهنگی؛ تمایل و توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی	تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی			
۲۳-۲۸ ۳۲-۴-۳۶ ۶-۵	افزایش آگاهی از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن؛ آگاهی از احزاب سیاسی و حقوق بین‌المللی؛ توسعه روابط سیاسی غیررسمی و یکپارچگی سیاسی؛ توسعه توانایی جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن؛ توسعه آموزه‌های تضمین بقا و استمرار نظام سیاسی؛ قدرت‌یابی بر تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی؛ عمق بخشیدن و اعتلای سیاست و تقویت هویت سیاسی، نوآوری و نوسازی در فرهنگ و مناسبات اجتماعی	تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی	توسعه سیاسی	فراملی	مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی

## ۱-۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌های مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

به‌منظور تعیین میزان پشتیبانی مطالعات گذشته هریک از مفاهیم شناسایی شده، از روش آنتروپی شانون<sup>۱</sup> استفاده شد. در روش آنتروپی شانون، محتوای دستاوردهای کیفی به‌صورت کمی توصیف می‌شوند، به همین دلیل این روش را می‌توان تبدیل داده‌های کیفی به کمی قلمداد کرد. برای استفاده از الگوریتم آنتروپی شانون ابتدا پیام‌ها برحسب مقوله‌ها و به‌تناسب هر مصاحبه در قالب فراوانی شمارش و سپس با استفاده از رابطه ۱ مقدار عدم اطمینان حاصل از هر مقوله محاسبه شده است.<sup>۲</sup>

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m p_{ij} \ln(p_{ij}), \forall j$$

در مرحله بعد، با استفاده از بار اطلاعاتی ابعاد و مؤلفه‌ها، ضریب اهمیت هریک از ابعاد و مؤلفه‌ها با استفاده از رابطه ۲ محاسبه شده است.

$$w_j = \frac{E_j}{\sum_{i=1}^m E_j}; \forall j$$

دستاورد حاصل از اجرای الگوریتم آنتروپی شانون در جدول ۷ ارائه شده است.

---

۱. با هدف توصیف کمی داده‌های کیفی و تعیین میزان اهمیت هریک از ابعاد مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با استفاده از روش آنتروپی شانون، ابتدا پیام‌ها برحسب مقوله‌ها و به‌تناسب هر منبع علمی در قالب فراوانی شمارش و با محاسبه مقدار عدم اطمینان و بار اطلاعاتی ابعاد، ضریب اهمیت هریک از ابعاد و مؤلفه‌ها محاسبه شد.  
 ۲. در معادله (۱)  $k$  ضریبی ثابت است که از فرمول  $\frac{1}{\ln(m)}$  به‌دست می‌آید.  $m$  تعداد متونی است که در آن از یک مفهوم صحبت شده و  $p$  نماد احتمال ذکر یک مفهوم در یک متن است که بیانگر وزنی است که هر مقاله به یک شاخص، مؤلفه یا بعد داده است.

جدول ۷. ضرایب اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش

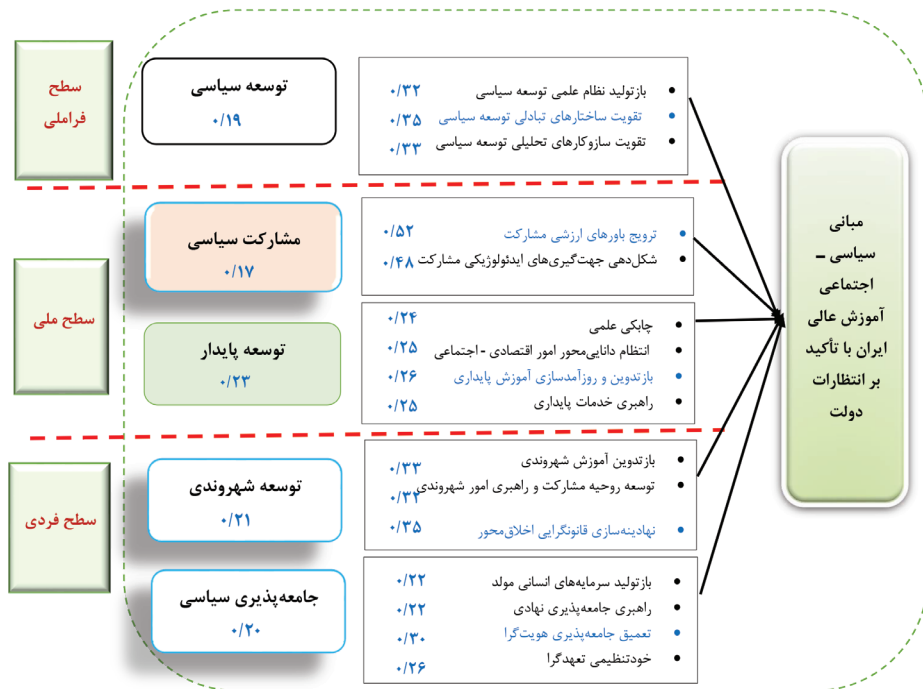
عالی با تأکید بر انتظارات دولت

اهمیت مؤلفه‌های اصلی	اهمیت ابعاد	تعداد ارجاعات	ابعاد	مؤلفه‌های اصلی	پدیده‌محوری
۰/۲۰	۰/۳۳	۴	بازتدوین آموزش شهروندی	توسعه شهروندی	مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت
	۰/۳۲	۶	توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی		
	۰/۳۵	۵	نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور		
۰/۲۱	۰/۲۲	۳	بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد	جامعه‌پذیری سیاسی	
	۰/۲۲	۳	راهبری جامعه‌پذیری نهادی		
	۰/۳۰	۸	تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا		
	۰/۲۶	۵	خودتنظیمی تعهدگرا		
۰/۱۷	۰/۵۲	۴	ترویج باورهای ارزشی مشارکت	مشارکت سیاسی	
	۰/۴۸	۵	شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت		
۰/۲۳	۰/۲۴	۵	چابکی علمی	توسعه پایدار	
	۰/۲۵	۶	انتظام دانایی‌محور امور اقتصادی - اجتماعی		
	۰/۲۶	۷	بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری		
	۰/۲۵	۶	راهبری خدمات پایداری		
۰/۲۰	۰/۳۲	۳	بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی	توسعه سیاسی	
	۰/۳۵	۴	تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی		
	۰/۳۳	۷	تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی		

مأخذ: همان.

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۷ مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار با ضریب اهمیت (۰/۲۳)، جامعه‌پذیری سیاسی با ضریب اهمیت (۰/۲۱)، مؤلفه اصلی توسعه شهروندی با ضریب اهمیت (۰/۲۰)، توسعه سیاسی با ضریب اهمیت (۰/۲۰) و مشارکت سیاسی با ضریب اهمیت (۰/۱۷) به ترتیب در اولویت اول تا پنجم از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران قرار دارند. اطلاعات مرتبط با اولویت ابعاد هریک از مؤلفه‌های اصلی نیز در الگوی چند سطحی پیشنهادی «مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت» در شکل ذیل ارائه شده است.

شکل ۳. الگوی پیشنهادی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت



مأخذ: یافته‌های تحقیق.



## ۵. بحث و تفسیر یافته‌های پژوهش

در تفسیر یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های کیفی و کمی، ابتدا مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت به‌عنوان یافته بخش کیفی پژوهش و سپس دستاوردهای تحلیل کمی داده‌ها، مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است.

### ۵-۱. بحث و تفسیر یافته‌های کیفی

#### ۵-۱-۱. سطح فردی

##### ۵-۱-۱-۱. مؤلفه آموزش عالی و توسعه شهروندی<sup>۱</sup>

به‌عنوان اولین مؤلفه اصلی از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی، «توسعه شهروندی» در چارچوب ابعاد سه‌گانه «بازتدوین آموزش شهروندی»، «توسعه مشارکت و راهبری امور شهروندی» و «نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق‌محور» مورد تبیین قرار گرفته است. در واقع، دغدغه توجه به آموزش، رشد و توسعه شهروندی در نظام‌های آموزش عالی گویای نقطه آغاز توجه به تربیت شهروندانی متمدن و اثربخش برای جامعه است. آموزش شهروندی در بستر تلاش‌های آگاهانه و آشکار برای توسعه شناخت فرد از دولت، قانون، سیاست، عدالت، برابری و مسئولیت به شکوفایی استعدادها و ارتقای توانایی‌ها، مهارت‌ها و افزایش آگاهی‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی افراد و گروه‌های جامعه و تحقق توسعه انسانی منجر می‌شود. در این راستا، آموزش می‌تواند به‌عنوان عامل کلیدی سازوکار تربیت شهروندان شایسته، به‌گونه‌ای معنادار بر دانش و سواد سیاسی افراد جامعه، جامعه‌پذیری و به همان اندازه در میزان مشارکت سیاسی و شکل‌گیری شخصیت سیاسی آنها نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. در این مسیر، دانشگاه‌ها هم‌راستا با تمام تلاش‌ها در جهت تحقق یکپارچگی ملی می‌کوشند تا توسعه مردم‌سالاری را تسریع و تسهیل کنند و فرصت‌های لازم

---

1. Higher Education and Citizenship Development

برای کسب توانایی‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، کسب استدلال اخلاقی و قابلیت سازگاری و تداوم حیات در اجتماع را با ارائه خدمات آموزشی برای ذی‌نفعان فراهم سازند (شاه‌طالبی، قلی‌زاده و شریفی، ۱۳۸۹؛ Galston, 2001; Gacel, 2005; DeJaeghere and Tudball, 2006; Staeheli and Hammett, 2010; Noritada, 2014)

## ۲-۱-۱-۵. مؤلفه آموزش عالی و جامعه‌پذیری سیاسی<sup>۱</sup>

مؤلفه اصلی دوم از مبانی سیاسی-اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت «جامعه‌پذیری سیاسی» با چهار بعد: «بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد»، «راهبری جامعه‌پذیری نهادی»، «تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا» و «خودتنظیمی تعهدگرا» است. جامعه‌پذیری با رویکرد جهت‌گیری رفتار سیاسی یا به‌عبارتی جامعه‌پذیری سیاسی یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت‌ها در محیط اجتماعی و سیاسی هر کشور و تلاشی برای حفظ، انتقال و توسعه ارزش‌های سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی به نسل‌های آینده برای تداوم کارکردی نظام سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی به‌عنوان مجموعه جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی، ارزشی و نگرشی نسبت به نظام سیاسی و دستاوردهای آن می‌تواند از سه بعد: الف) ارتباط افراد با نهادهای سیاسی جامعه به‌دلیل آگاهی و علاقه‌مندی آنها نسبت به فعالیت‌های سیاسی، ب) اعتقاد و نگرش مثبت نسبت به نظم سیاسی موجود به‌عنوان عامل حمایت‌کننده نگرش‌های مردم‌سالار در جامعه، ج) ارزیابی دستاوردهای سیاسی برای اعتماد و تعامل مردم با نهادهای سیاسی، بر تمایلات سیاسی و نگرش افراد نسبت به سیاست‌های آینده تأثیرگذار باشد. در این مسیر، دانشگاه به‌عنوان بستر و محیط مستعد و اساسی برای جامعه‌پذیری سیاسی و آموزش‌های دانشگاهی به‌عنوان عامل اساسی تبیین و تحلیل‌کننده رفتار سیاسی افراد جامعه می‌تواند مشوق شهروندان برای مشارکت

1. Higher Education and Political Socialization

سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی و عامل کلیدی تعیین دانش سیاسی، کارایی سیاسی و مشارکت سیاسی باشد. در واقع افراد در محیط دانشگاه مبتنی بر آزادی‌شناختی، کسب تجارب و اکتشافات عقلانی با تغییر نگرش درباره سیاست، نفوذ اجتماعی و دانش، مهارت و شناخت سیاسی لازم برای بررسی و درک جهان سیاست را کسب می‌کنند (هزارجریبی، کریمی و فرهادی، ۱۳۹۳؛ Gaiser et al, 2007; Jennings, 2009; Wang and Sun, 2011). (Stoker and Bowers, 2009; Wang and Sun, 2011).

## ۲-۱-۵. سطح ملی

### ۱-۲-۱-۵. مؤلفه آموزش عالی و مشارکت سیاسی<sup>۱</sup>

سومین مؤلفه اصلی از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت یعنی «مشارکت سیاسی» با ابعاد «ترویج باورهای ارزشی مشارکت» و «شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت» شناسایی و ارائه شدند. جامعه مدنی محیطی است که فضیلت مدنی، رفتار شهروندی و سواد سیاسی از مؤلفه‌های اساسی آن محسوب شده و رابطه سیاسی، اجتماعی و حقوقی میان افراد جامعه و مشارکت آنها در سطوح مختلف نظام سیاسی مهم‌ترین ملاک مشروعیت حکومت‌هاست. از این رو، دولت‌ها و سیاستگذاران بر مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی با هدف حصول منافع ناشی از مشارکت سیاسی و دستیابی به مشروعیت حاصل از آن تأکید بسیار دارند. نهادهای آموزش عالی و به‌ویژه دانشگاه‌ها از متولیان اصلی آموزش اصول سیاسی به افراد و توانمندسازی آنها برای تربیت و توسعه سرمایه‌های انسانی مولد از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. دانشگاه‌ها با هدف تحقق رسالت‌ها و مأموریت‌ها و جلب حمایت‌های دولتی در سیاستگذاری‌ها و اقدام‌های اجرایی خود،

نسبت به سایر نهادهای آموزشی تمایل و تلاش بیشتری برای حمایت، اطلاع‌رسانی، ایجاد انگیزه و فراهم کردن فرصت مشارکت سیاسی برای افراد جامعه دارند و عملاً در برانگیختن نسل آتی‌دار جامعه برای مشارکت در فرایندهای سیاسی مؤثرتر عمل می‌کنند. از جمله تلاش‌های مؤثر دانشگاه‌ها در این خصوص ایجاد، هدایت و راهبری تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی است که با رویکرد توسعه اندیشه‌های سیاسی و شناخت، درک، تمرین و توسعه آگاهی، دانش و مهارت‌های سیاسی در دانشجویان انجام می‌گیرد (Turner, 2005; Hillygus, 2005؛ آشتیانی، ۱۳۸۴).

## ۲-۱-۲-۵. مؤلفه آموزش عالی و توسعه پایدار<sup>۱</sup>

«توسعه پایدار» مشتمل بر ابعاد «چابکی علمی»، «انتظام دانایی محور امور اقتصادی - اجتماعی»، «بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری» و «راهبری خدمات پایداری» به‌عنوان چهارمین مؤلفه اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت شناسایی و ارائه شده است. ارتباط بین آموزش عالی و توسعه پایدار موضوعی قابل تأمل و چندساحتی است. در واقع دانشگاه‌ها به‌منظور تأمین مالی، تأیید و حمایت قانونی و دولت‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف قدرت در ابعاد متنوع آن، به یکدیگر وابسته هستند. در این راستا یکی از ابعاد محوری، توسعه پایدار ناظر به ابعاد و اهداف متنوع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه افراد جامعه با حفظ منافع نسل‌های آینده دربرآورده ساختن نیازهای آنهاست. در چنین شرایطی، توسعه رویکردهای علمی در بستر نهادهای دانشگاهی به‌عنوان ابزار اصلی توسعه مرزهای دانش و تجربه و دستیابی جوامع به برتری و رفاه اقتصادی، رفع نیازها و توسعه ارزش‌های اجتماعی جامعه حائز اهمیت بسیار است. در چنین شرایطی انتظار است، نظارت و پایش امور دانشگاه‌ها از سوی

1. Higher education and Sustainable Development

دولت‌ها مبتنی بر کارایی و کیفیت تأمین منابع مالی، تخصیص بودجه علمی و بودجه عمومی دانشگاه و ایجاد شرایط لازم برای تحقق نظام تحول و نوآوری باشد به‌گونه‌ای که برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها در چارچوب رویکردهای بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای، تقویت شبکه‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌های علمی، بازنگری برنامه‌های درسی و دوره‌های آموزشی موجود، فضا سازی برای ارائه برنامه‌های نوین محافظت از محیط زیست با مشارکت و حمایت سازمان‌یافته، ارائه خدمات به جوامع محلی، ملی و بین‌المللی با اتکا بر ابعاد مسئله‌محور، توسعه دانش مفهومی، دانش روش‌شناختی و توانایی ارتباط میان دانش و عمل و مهارت‌های بین‌فردی و جمعی، زمینه تربیت دانشجویان خلاق و عاملان تغییر برای کمک به ایجاد جوامع متعالی و توسعه‌یافته را فراهم سازد (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ علی‌بیگی و قمبرعلی، ۱۳۸۹؛ Chiang, 2004; Schmidt and Langberg, 2007; Armbruste, 2008; Leisyte and Dee, 2012; Fumasoli, Gorritzka and Maassen; 2014).

### ۳-۱-۵. سطح فراملی

#### ۳-۱-۵-۱. مؤلفه آموزش عالی و توسعه سیاسی<sup>۱</sup>

در نهایت مؤلفه پنجم از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت به «توسعه سیاسی» با ابعاد «بازتولید نظام توسعه علمی»، «تقویت ساختارهای تبدیلی توسعه» و «تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه» اشاره دارد. توسعه سیاسی به مفهوم ایجاد تغییرات اثربخش در فرهنگ و ساختار سیاسی، فرایندهای انتقالی نوسازی اجتماعی و اقتصادی و حرکت از یک نظام حقوقی مقدماتی به یک نظام حکومتی نوین و توسعه‌یافته در چارچوب ساخت‌های تحلیلی مطلوب است که

می‌تواند به افزایش نامحدود ظرفیت جوامع و نیروهای انسانی جامعه برای تغییر مداوم و سازگاری با تغییرات و تحولات و حل مسائل اجتماعی منجر شود. در این راستا، نهادهای آموزشی به‌ویژه دانشگاه‌ها به‌عنوان هسته اصلی سازوکار دولت در جریان توسعه ملی و سیاسی می‌کوشند از مسیر ارائه آموزش‌های تخصصی، بهره‌مندی از اصول و رویکردهای یادگیری توسعه‌محور و فرایندهای فراشناختی برای هماهنگی با موقعیت‌های جدید و ارتقا و تجدید دانش در دنیای دانش‌محور متحول و پویای کنونی، فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر و مستمر، تحول و تداوم ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، ایجاد زمینه تعامل و مشارکت مؤثر دولت با شهروندان و تسهیل عملکرد متقابل آنها و فراهم ساختن فرصت تربیت سرمایه‌های انسانی و شهروندان جهانی با ارزش‌های مردم‌سالار، اثربخش‌ترین و باکیفیت‌ترین دستاوردها را حاصل کنند. به همین دلیل، اگرچه ایجاد، حفظ، نگهداری و توسعه نهادهای آموزشی به‌ویژه نهادهای آموزش عالی دشوار و پرهزینه است، اما این نهادها همواره از سوی دولتمردان و سیاستگذاران مورد حمایت قرار گرفته‌اند (خواجه سروی، ۱۳۹۴؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۳؛ Altbach and Salmi, 2001; Hagopian, 2000; Delanty, 2008; Kukeyeva, Delovarova and Ormyshevac, 2014).

بدین ترتیب، با عنایت به دستاوردهای حاصل، مبانی سیاسی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، معلول وجوه محوری توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار است. از آن میان، توسعه شهروندی و جامعه‌پذیری سیاسی می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادی‌تر تلقی شوند که سایر مؤلفه‌های شناسایی شده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. این بدان دلیل است که آموزش اصول مدنی به نسل جوان جامعه زمینه کسب دانش سیاسی و التزام به دانش سیاسی را در آنها ایجاد کرده و توسعه می‌دهد. در ادامه شهروندان آموزش‌دیده

در بستر اجتماع، آموخته‌ها و دانش سیاسی خود را در جریان جامعه‌پذیری سیاسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند. افزایش سواد سیاسی انگیزه مشارکت آگاهانه در فعالیتهای مدنی و سیاسی را در افراد افزایش می‌دهد و به حضور بیشتر آنها در فرایندهای سیاسی، به مشروعیت نهاد سیاست و در نتیجه دستیابی به اهداف رشد و توسعه سیاسی منجر می‌شود. در نهایت مجموعه شایستگی‌ها و توانمندی‌های سیاسی شکل گرفته و توسعه یافته در نسل جوان جامعه، بستر دستیابی به توسعه پایدار را در سطح نهاد دانشگاه، نظام آموزش عالی و سطح کلان جامعه در راستای اهداف سیاستگذاران و دولتمردان محقق می‌سازد. در ادامه با عنایت به دستاوردهای حاصل، پیشنهادهای مقتضی ارائه شده است.

## ۲-۵. بحث و تفسیر یافته‌های کمی

در بخش کمی، با هدف بررسی وضعیت اهمیت و اولویت مؤلفه‌های مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران شامل توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه پایدار، توسعه سیاسی که به ترتیب شامل تعداد ۱۶ بُعد و ۱۱۰ شاخص هستند نشان می‌دهد با توجه به تعداد ارجاعات ابعاد مؤلفه‌های اصلی توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه پایدار، توسعه سیاسی به ترتیب، بُعد توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی با شش ارجاع، بُعد تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا با هشت ارجاع، بُعد شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت با پنج مورد ارجاع، بُعد بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری با هفت ارجاع و در نهایت بُعد تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی با هفت ارجاع، از اولویت بیشتری نسبت به سایر ابعاد مؤلفه‌های پنج‌گانه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی برخوردار بودند. همچنین با همان ترتیب مؤلفه‌های اصلی ابعاد بازتدوین آموزش شهروندی با چهار ارجاع، بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد و

راهبری جامعه‌پذیری نهادی با سه ارجاع، ترویج باورهای ارزشی مشارکت با چهار ارجاع، چابکی علمی با پنج ارجاع و بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی با سه مورد ارجاع، از اولویت کمتری نسبت به سایر ابعاد مؤلفه‌های پنج‌گانه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی برخوردار بودند.

باین حال، از آنجاکه در بررسی اولویت ابعاد و مؤلفه‌های یک سازه، تعداد ارجاعات به‌تنهایی برای قضاوت تعیین‌کننده و کافی نیست، وزن اختصاص‌یافته به ابعاد متنوع در منابع علمی و مرور نظام‌مند آنها مورد محاسبه و ارزیابی قرار گرفته است. برای لحاظ کردن وزن و تأکیدی که در منابع علمی برای هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها لحاظ شده است، از معادله ریاضی ضریب اهمیت شانون استفاده شده است. اثرگذاری تأکید و وزن منابع علمی در تعیین اولویت مقوله‌ها، در تغییر نتایج تحلیل‌های حاصل از اجرای آنتروپی شانون به تعداد ارجاعات در برخی از ابعاد مؤلفه‌های پنج‌گانه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی مشهود است. از جمله در خصوص مؤلفه اصلی توسعه شهروندی، بُعد نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور از اولویت بیشتری (با تعداد پنج ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۵) نسبت به توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی (با تعداد شش ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۲) برخوردار شد. در خصوص مشارکت سیاسی، بُعد ترویج باورهای ارزشی مشارکت (با چهار ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۵۲) نسبت به شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت (با پنج ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۴۸) از اولویت بیشتری برخوردار شد. همچنین در خصوص مؤلفه اصلی توسعه سیاسی بُعد تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی (با چهار ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۵) نسبت به تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی (با هفت ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۳) از اولویت بیشتری برخوردار شد. مهم‌ترین مقوله مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران، توسعه پایدار با ضریب اهمیت ۰/۲۳ است



که در منابع علمی تعداد ارجاعات آن به ۲۴ مورد رسیده است، و مقوله مشارکت سیاسی با ضریب اهمیت ۰/۱۷ و تعداد ۹ مورد ارجاع، از اولویت کمتری نسبت به سایر مؤلفه‌های پنج‌گانه برخوردار بود.

بدین ترتیب در پژوهش حاضر برای اولین بار از روش کیفی مرور نظام‌مند و فراترکیب اسناد علمی و روش کمی آن‌تروپی شانون برای شناسایی، وزن‌دهی و اولویت‌بندی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران استفاده شده است. از این‌رو می‌توان دید جامع و یکپارچه‌ای از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان توسعه برنامه‌های آموزش عالی قرار دهد.

## ۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آموزش عالی یکی از پویاترین نهادهای جامعه است که ضمن تأثیرپذیری از جامعه و امور مختلف آن، به راهبری و هدایت مؤثر، آگاهانه و هدفمند آنها ملزم است. نقش بی‌بدیل و تأیید شده نظام‌های آموزش عالی در چارچوب کارکردهای سه‌گانه و محوری آموزش، پژوهش و ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای در رشد و توسعه پویا و پایدار جوامع باعث شده است، دولت‌ها و نهادهای سیاستگذار در راستای توسعه و پویایی این بخش از نظام آموزشی هزینه‌های هنگفتی را در سطح ملی و خصوصی اختصاص دهند. البته دولت‌ها به موازات حمایت از نظام آموزش عالی، مطالبه‌گران اصلی این نظام در راستای دستیابی به سیاست‌ها، مأموریت‌ها و اهداف خود هستند. بدین جهت، آگاهی و شناخت انتظارات سیاسی دولت از نظام آموزش عالی، برای سیاستگذاران، تصمیم‌گیرندگان و مدیران نظام آموزش عالی فرصت مؤثری را برای جلب حمایت‌های دولت فراهم می‌سازد.

با این وصف، در پژوهش حاضر دو اقدام محوری در خصوص شناسایی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی مورد نظر قرار گرفت. در مسیر اول، با استناد به مطالعات و تلاش‌های علمی و نظریات مرتبط با موضوع پژوهش و با در نظر گرفتن ابعاد متنوع، پیچیده و چند سطحی کارکردهای سیاسی نظام آموزش عالی، مجموعه‌ای از منابع کلیدی معتبر انتخاب شدند و ضمن مرور نظام‌مند و کاربست روش فراترکیب با واکاوی و تحلیل متون دستاوردهای کیفی مطالعات منتخب، مفاهیم پایه، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی حاصل شد. علاوه بر این، با کاربست روش تحلیل کمی آنتروپی شانون ابعاد و مؤلفه‌های مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران، وزن‌دهی و سنجش و اولویت آنها تعیین شد. با انجام تحلیل‌های کیفی و کمی نتایج کلیدی ذیل حاصل شد:

- حاصل غربالگری و مقوله‌بندی تعداد ۱۱۰ شاخص شناسایی شده برای سازه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران، ارائه ۱۶ بُعد در چارچوب پنج مؤلفه اصلی: ۱. توسعه شهروندی با ابعاد بازتدوین آموزش شهروندی، توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی و نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور؛ ۲. جامعه‌پذیری سیاسی با ابعاد: بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد، راهبری جامعه‌پذیری نهادی، تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا و خودتنظیمی تعهدگرا؛ ۳. مشارکت سیاسی با ابعاد: ترویج باورهای ارزشی مشارکت، شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت؛ ۴. توسعه پایدار با ابعاد: چابکی علمی، انتظام دانایی محور امور اقتصادی - اجتماعی، بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری، راهبری خدمات پایداری؛ ۵. توسعه سیاسی با ابعاد: بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی، تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی و تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی بود.

- نتایج به‌دست آمده از اجرای آزمون آنتروپی شانون مشخص کرد که مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار، توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی به‌ترتیب از اولویت اول تا پنجم در مبانی سیاسی آموزش عالی برخوردارند. همچنین از مجموع وجوه ابعاد شناسایی شده برای مبانی سیاسی آموزش عالی، ابعاد نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق‌محور، تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا، ترویج باورهای ارزشی مشارکت، بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری، تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی از اولویت بیشتری نسبت به سایر ابعاد مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی برخوردار بودند.

از این‌رو در راستای دستاوردهای پژوهش، ارتقا و بهبود مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، پیشنهادهای ذیل ارائه شده است:

#### **- پیشنهادهای سیاستی و مدیریتی**

نخست، با توجه به دستاورد پژوهش مبنی بر توجه کمتر پژوهش‌ها و مطالعات علمی مرتبط با عرصه مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی به مؤلفه‌های مشارکت و توسعه سیاسی و درعین‌حال، نقش بی‌بدیل این ابعاد به‌ویژه مشارکت سیاسی در گسترش آگاهی، دانش و مهارت تحلیل رویدادهای کلان جامعه از سوی سرمایه‌های انسانی نظام آموزش عالی اعم از دانشجویان، اعضای هیئت علمی، مدیران و ...، فراهم ساختن بستر و تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی و قانونی از تأمین امنیت اجتماعی هویت‌محور در جامعه‌پذیری سیاسی برای سرمایه‌های انسانی دانشگاه با هدف ترویج روحیه مشارکت و توسعه سیاسی، تمرکز و تأکید دولت بر توسعه عدالت آموزشی و حصول به دستاورد محوری آموزشی آن یعنی ایجاد انگیزه هدایت برنامه‌های آموزشی و درسی و تلاش اعضای هیئت علمی بر شفاف‌سازی موقعیت‌ها و ایجاد فرصت مشارکت و آزادی بیان به دانشجویان برای تقویت فرهنگ

جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی، از جمله اقدام‌های پیشنهادی در راستای ارتقای دانش، مهارت و تمایل آگاهانه سرمایه‌های انسانی دانشگاه‌ها برای مشارکت در رویدادهای سیاسی است.

از سوی دیگر، جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه شهروندی دو مؤلفه‌ای هستند که به لحاظ اولویت در میانه مؤلفه‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند و نگاه پژوهشگران به این وجوه از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی نسبت به توسعه پایدار کم‌رنگ‌تر بوده است. این در حالی است که بدون تردید، تحقق توسعه پایدار و البته رشد و توسعه مشارکت سیاسی، مستلزم توسعه آگاهی و دانش شهروندی و ارتقای مهارت‌های جامعه‌پذیری سیاسی است. بدین ترتیب، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی راهبردی با هدف ارتقا احساس دلبستگی و تعلق ملی در میان دانشگاهیان به‌ویژه از طریق زمینه‌سازی برای مشارکت اجتماعی در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی با همراهی نهاد دولت، به‌منظور ارتقای سواد توسعه شهروندی و جامعه‌پذیری سیاسی در نهادهای هسته‌ای نظیر نهاد خانواده، فراهم کردن فضای مناسب برای رشد تشکل‌های دانشگاهی با هدف ایجاد و توسعه فرصت‌های کسب تجارب زیسته مشارکت در فعالیت‌های سیاست‌محور به‌منظور ارتقای سطح آگاهی سیاسی جامعه دانشجویان، تدارک برنامه‌ها و تصمیمات رهنمودی برای ابراز وجود و کنشگری دانشجویان در مدیریت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه و تقویت احساس اثربخشی و امید به آینده اثرگذار در آنها و برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش‌های چندفرهنگی با هدف دستیابی به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز برای انجام وظایف در یک جامعه چندفرهنگی مدنی و اخلاقی، از جمله پیشنهادهایی است که می‌تواند در راستای ارتقا و بهبود شاخص‌های مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی و عملیاتی‌سازی آنها یاریگر باشد.

نکته آخر اینکه، براساس دستاوردهای پژوهش مؤلفه توسعه پایدار بیش از سایر وجوه مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت در مطالعات پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است، با اذعان به اینکه دستیابی به توسعه پایدار، قله مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با توجه به انتظارات دولت است، با هدف گسترش و توسعه بهینه‌تر فرصت‌های عملیاتی و اثربخش تبدیل دانش و اصول نظری به رویکردهای راهبردی و عملیاتی در راستای دستیابی به توسعه پایدار اقدام‌هایی نظیر تمرکز و تأکید بر بازبینی و توسعه نظام ارزشیابی علمی اعضای هیئت علمی و دانشجویان و هدایت آن به سمت کیفیت‌گرایی، تقویت شبکه‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌ها، ارتباطات و تعاملات علمی بین‌المللی، هدایت اقدام‌های مثبت زیست‌محیطی برای تحقق و پیشبرد توسعه پایدار از سوی دانشگران دانشگاهی با محوریت برنامه‌ریزی و حمایت‌های علمی و فناورانه، مالی و قانونی دولت، تدوین و اجرای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تعاملی بین دولت و دانشگاه در جهت کاهش وابستگی و هدایت عقلایی و هدفمند مناسبات دانشگاه با صنعت، پیشنهاد می‌شود.

### **- پیشنهادهای کاربردی**

در راستای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران با هدف دستیابی به دستاوردهای غنی‌تر و عملیاتی‌تر با استفاده از روش پدیدارشناسی و ابزار مصاحبه با خبرگان، به شناسایی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت بپردازند و نتایج حاصل را با دستاوردهای مطالعات علمی نظیر دستاورد این پژوهش قیاس کنند، بدین ترتیب الگوهای تطبیقی نظام‌مندی مبتنی بر مبانی نظری و تجارب زیسته حاصل می‌شود که می‌تواند ابزار علمی - فنی اثربخشی برای مطالعات این عرصه باشد.

همچنین پیشنهاد می‌شود در چارچوب الگوی پژوهش، وضعیت کمیت و کیفیت وجود

و اجرای مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با استناد به داده‌های کمی و واقعی حاصل از عملکرد نهادهای آموزش عالی ایران و اطلاعات ثبت شده در پایگاه‌های داده‌ای معتبر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و از دستاوردهای حاصل برای انجام برنامه‌ریزی‌های راهبردی توسعه‌ای و ترمیم‌محور و راهبری امور در این عرصه استفاده شود.

## منابع و مآخذ

۱. آرایش، منصور و محمدتقی شیخی (۱۳۹۹). «بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر اردبیل)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۰ (۳۴).
۲. آشتیانی، ملیحه (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۳).
۳. آهن‌چیان، محمدرضا (۱۳۹۱). «آمایش آموزش عالی و سیاست‌های توسعه علم و فناوری کشور: تحلیل گسست براساس تجربه‌نگاری»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۵ (۱).
۴. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۳). «آموزش عالی و توسعه سیاسی پایدار»، *مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار*، جلد اول، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۵. اکبری، احمد، جواد دیهیم، مریم دهنوی (۱۳۹۵). «نقش سیاست‌های آموزش عالی در تحقق برنامه‌های توسعه پایدار»، *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۲ (۳).
۶. امام جمعه‌زاده، جواد و زهره مرندی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *مجله دانش سیاسی و بین‌المللی*، ۱ (۱).
۷. پروین، احسان، سعید غیاثی‌ندوشن و شراره محمدی (۱۳۹۳). «ارائه مدل مفهومی رابطه بین کیفیت برون‌داد آموزش عالی و توسعه پایدار براساس رویکرد سیستمی»، *پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱ (۱).
۸. پورسلیم، عباس، محبوبه عارفی و کوروش فتحی‌واجارگاه (۱۳۹۸). «مدل ادراک و نگرش معلمان، متخصصان و اساتید دانشگاه نسبت به برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی*، ۷ (۱).
۹. پیربابایی، محمدتقی و محمد سلطان‌زاده (۱۳۹۴). «مقدمه‌ای بر صورت‌بندی میدان معماری معاصر ایران براساس نظریه میدان بوردیو»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۲۰ (۲).
۱۰. جلالی، محمد و کیومرث قنبری (۱۳۹۹). «تبیین معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی و آثار

- آن بر آموزش عالی ایران از منظر حقوقی»، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۳ (۲۴).
۱۱. جوکار، اسماعیل، نجمه مولایی و مسعود بهبود (۱۳۹۵). «نقش دانشگاه فرهنگیان در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه»، کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تهران <https://civilica.com/l/8610/>.
۱۲. چیلگوت، رونالد (۱۳۹۰). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۳. حسینی، محمد و عبدالطیف کر (۱۳۹۷). «تبیین اجتماعی سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه جهان نوین، ۱(۳).
۱۴. حیدری، علیرضا (۱۳۹۹). «کارکردهای سیاستگذاری آموزشی در نظام تعلیم و تربیت»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، ۶(۱).
۱۵. خرم‌شاد، محمدباقر و فرزاد سوری (۱۳۹۸). «نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸(۲۹).
۱۶. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۷۸). «جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جوان و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵ و ۶.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۴).
۱۸. راد، سیدابراهیم، علیرضا فقیهی، فائزه ناطقی و مهدی معینی‌کیا (۱۳۹۷). «طراحی چارچوبی برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های آموزش عالی پایدار در ایران»، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۶(۱).
۱۹. رزاق مرندی، هادی (۱۳۹۱). «استقلال نهادی اثربخش دانشگاه‌های دولتی ایران: ضرورت پویای در فضای جهانی شده»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴(۲۰).



۲۰. زنگنه‌نژاد، معینی، نسترن حاجی حیدری و عادل آذر (۲۰۲۱). «چارچوب تدوین مدل کسب‌وکار پلتفرم:

یافته‌ای مبتنی بر فراترکیب»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۵ (۱).

۲۱. ساعدموچشی، لطفاله، جمال سلیمی و نعمت‌اله عزیزی (۱۳۹۸). «مطالعه مفهوم و ابعاد شهروندی

دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران؛ دلالت‌هایی در برنامه‌ریزی آموزشی»، دو فصلنامه مطالعات

برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۶) ۸.

۲۲. سلطانی، امید (۱۳۹۰). «ارزیابی رابطه برنامه‌ریزی راهبردی با انعطاف‌پذیری مؤسسات آموزش عالی

(مطالعه موردی دانشگاه شهید بهشتی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه

طباطبایی.

۲۳. سمیعی اصفهان، علیرضا (۱۳۹۸). «تهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، دانشجو و امنیت اجتماعی»،

فصلنامه دانش انتظامی پلیس استان مرکزی، ۹ (۳).

۲۴. شاه‌طالبی، بدری، آذر قلی‌زاده و سعید شریفی (۱۳۸۹). «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در

حیطه ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت

آموزشی، ۱ (۳).

۲۵. شریعتی، سارا و کوشا وطن‌خواه (۱۳۹۲). «نحوه کاربرد نظریه میدان بوردیو در مطالعه معماری مدرن

ایران (گفتار در جامعه‌شناسی هنر پی‌یر بوردیو)»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۲ (۵).

۲۶. شهبازی، آرامش و مجید رضا مؤمنی (۱۳۹۶). «نقش نظام آموزش عالی در پیوند میان توسعه علم و

تحکیم صلح»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱ (۲۴).

۲۷. شهریاری، حیدر (۱۳۹۴). «مقایسه مشارکت سیاسی دانشجویان علوم انسانی با سایر گروه‌های تحصیلی

(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)»، ۵ (۳۸).

۲۸. صالحی، صادق و زهرا پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳). «آموزش عالی پایدار و پایداری محیط زیست»، فصلنامه

انجمن آموزش عالی ایران، ۶ (۲).

۲۹. طاهری، سیدمجتبی و علی دارابی (۱۴۰۰). «بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتاب‌های درسی

- دوره اول و دوم متوسطه (۱۳۹۵-۱۳۹۴)»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۷ (۱).
۳۰. علمی، محمود (۱۳۸۷). «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان»، زن و مطالعات خانواده، ۱ (۱).
۳۱. علی بیگی، امیرحسین و رضوان قمبرعلی (۱۳۸۹). «ارائه الگویی مفهومی برای آموزش عالی پایدار»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۴ (۹).
۳۲. غنچی، مستان، محمود حسینی و یوسف حجازی (۱۳۹۱). «تحلیل عاملی مؤلفه‌های مدیریتی تأثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی پردیس‌های کشاورزی دانشگاه تهران»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۵ (۲).
۳۳. فتاحی، مهدی (۱۳۸۷). «گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو»، دانشنامه، ۱ (۴).
۳۴. فرهنگد، مهناز (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی جامعه‌شناسی علم بورديو و رویکرد کنشگر - شبکه فلسفه علم»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱ (۳).
۳۵. فیضی، سینا، پیام احمدیان، محمدسعید مطاعی و یاجد زارعی (۱۳۹۷). «نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تأثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیم‌نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی»، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۱ (۱).
۳۶. قادرزاده، امید، فاطمه شریفی و الناز حسن‌خانی (۱۳۹۸). «مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۷ (۴).
۳۷. قادری، حیدر (۱۳۹۰). «ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی) از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه کاشان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه کاشان.
۳۸. قاضی نوری، سروش، حمید کاظمی، سعید روشنی و نیلوفر ردائی (۱۳۹۴). «بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در اسناد مرتبط با علم و فناوری»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، (۳) ۸.

۳۹. قلتاش، عباس (۱۳۹۱). «مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲ (۱).
۴۰. قورچیان، نادرقلی و فرهاد افتخارزاده (۱۳۸۵). «ارائه مدلی جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور در هزاره سوم»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت، ش ۷۰.
۴۱. کریمیان، زهرا، جواد کجوری، فرهاد لطفی و میترا امینی (۱۳۹۴). «مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیئت علمی»، مجله آموزش در علوم پزشکی، ۸ (۱۱).
۴۲. گلشنی، مریم، بدیع‌الزمان مکی آل‌آقا و علاءالدین اعتماد اهری (۱۳۹۹). «طراحی الگوی برنامه درسی آموزش شهروندی برای دانش‌آموزان»، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۴ (۵۱).
۴۳. محمدزاده، امید، سیدهدادی مرجائی، ابوعلی ودادهیر و محمدرضا کلاهی (۱۳۹۹). «جامعه‌پذیری دانشگاهی: بررسی تطبیقی بین‌دانشگاهی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۶ (۴).
۴۴. مرادی، فاتح (۱۳۹۴). «بازنمایی ساخت قدرت در فضای دانشگاه؛ با تأکید بر اندیشه فوکو»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱ (۱).
۴۵. مهدوی، محمدصادق و محمدرضا محمدجانی (۱۳۹۴). «چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، زن در توسعه و سیاست، ۱ (۱۳).
۴۶. مهدیه، عارفه، رضا همتی و ابوعلی ودادهیر (۱۳۹۵). «فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری (مورد دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲ (۱).
۴۷. موسوی‌نژاد، ولی و حمداله اکوانی (۱۳۹۲). «نگرشی تازه به نظریه توسعه: خودسازمان‌یابی توسعه گذار از نظریات نوسازی و وابستگی به نظریه آشوب و خودسازماندهی»، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت مرکز الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت.
۴۸. نادری، ناهید، رضاعلی نوروزی و علی سیادت (۱۳۹۵). سیاستگذاری در آموزش و پرورش، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات یار مانا.
۴۹. نظری، غنی، حسین بشیری گیوی و سعید جنتی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه

- سیاسی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱ (۶).
۵۰. نیک‌پور فنواتی، لیلا، مهدی معینی و حبیب احمدی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی»، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، ۱ (۳).
۵۱. هاشمی، سهیلا، ابراهیم صالحی عمران و رقیه ولی‌پور خواجه غیائی (۱۳۸۷). «بررسی حیطه‌های شهروندی در نظام آموزش عالی از دیدگاه استادان و دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه مازندران)»، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۴ (۱۵).
۵۲. هاشمیان، محمدحسین و عزیزاله خلیلی (۱۳۹۲). «جایگاه خدامحوری در سیاستگذاری عمومی»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۳ (۲).
۵۳. هزار جریبی، جعفر، غلامرضا کریمی و عباس فرهادی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، ۹ (۳۹).
54. Abs, Hermann J. (2021). "Options for developing European Strategies on Citizenship Education", *European Educational Research Journal*, 20 (3).
55. Almond, G. A. and S. Verba (2000). *The Civic Culture*, Political Culture, Zagreb.
56. Altbach, P. and J. Salmi (2011). *The Road to Academic Excellence: The Making of World-Class Research Universities*, Washington, the World Bank.
57. Armbruster, C. (2008). "Research Universities: Autonomy and Self-reliance After the Entrepreneurial University", *Policy Futures in Education*, 6 (4).
58. Axinn, J. and J.S. Mark (2008). *Social Welfare: A History of the American Response to Need*, (7 th Ed), Boston: M. A. Pearson/Allyn and Bacon.
59. Carlson, Anna and Palmer Charles (2016). "A Qualitative Meta-yntesis of the Benefits of Ecolabeling in Developing Countries", *Ecological Economics*, 127.
60. Chankseliani, Maia and Tristan McCowan (2021). "Higher Education and the Sustainable Development Goals", *Higher Education*, 81.
61. Chiang, L. (2004). "The Relationship Between University Autonomy and Funding in England and Taiwan", *Higher Education*, 48, Retrieved from [link.springer.com/article/10.1023/B.HIGH.0000034314.77435.bf](http://link.springer.com/article/10.1023/B.HIGH.0000034314.77435.bf).
62. Davvidovitch, Nitza (2014). "Models of Higher Education Governance: A Comparison of Israel and Other Countries Golabal", *Journal of Educational Studies*, 1 (1).

63. DeJaeghere, J.G. and L. Tudball (2007). "Looking Back, Looking Forward: Critical Citizenship as a Way Ahead for Civics and Citizenship Education in Australia", *Citizenship Teaching and Learning*, 2-6.
64. Delanty, G. (2008). "The University and Cosmopolitan Citizenship", In *GUNI Higher Education in the World 3*, Palgrave Mcmillan, London.
65. Filzmaier, Peter (2007). "Politische Bildung", Was IST das in: <http://science.orf.at/science/filzmaier/73825> (Stand: 5. 2. 2009).
66. Findler, Florian, Norma Schönherr, Rodrigo Lozano, Daniela Reider and André Martinuzzi (2019). "The Impacts of Higher Education Institutions on Sustainable Development a Review and Conceptualization International", *Journal of Sustainability in Higher Education*, 20 (1).
67. Finfgeld, D.L. (2003). "Metasynthesis: The State of the art - So far", *Qualitative Health Research*, 13 (7).
68. Franco, O., P. Saito, J. Vaughter, N. Kanie Whereat and K. Takemoto (2019). "Higher Education for Sustainable Development: Actioning the Global Goals in Policy, Curriculum and Practice", *Sustainability Science*, <https://doi.org/10.1007/s11625-018-0628-4>
69. Fumasoli, T., A. Gorritzka and P. Maassen (2014). "University Autonomy and Organizational Change Dynamics", *ARENA Working Paper*, Retrieved from [www.arena.uio.no](http://www.arena.uio.no).
70. Gacel-Avila, J. (2005). "The Internationalisation of Higher Education: A Paradigm for Global Citizenry", *Journal of Studies in International Education* 9 (2).
71. Gaiser, W., M. Gille, J. de Rijke and S. Sardei-Biermann (2007). "Changes in the Political Culture of Young East and West Germans between 1992 and 2003", Results of the DJI. Youth Survey, *Journal of Contemporary European Studies*, 15 (3).
72. Galston, William A. (2001). "Political Knowledge, Political Engagement and Civic Education", *Annual Review of Political Science*, 4.
73. Hagopian, F. (2000). "Political Development Revisited", *U.S., Sage Publication*.
74. Hicks, M. (2006). "Our Underachieving Colleges: A Candid Look at How Much Students Learn and Why they Should be Learning More", *International Journal of Educational Advancement*, 6(4).
75. Hillygus, D.S. (2005). "The Missing Link: Exploring the Relationship Between Higher Education And Political Behavior", *Political Behavior*, 27 (1).
76. Hong, M.L. (2009). "Brief Discussion on Contemporary University Students' Political Socialization", *Journal of Liaoning Educational Administration Institute*, 3.

77. Horimoto, Mayuko and Sachi Ninomiya-Lim (2020). "Nurturing Citizenship in Higher Education: Public Achievement-style Education at Tokai University", *Educational Studies in Japan: International Yearbook*, 14.
78. Inga, Ž., èa al ènien and Paulo Pereira (2021). "Higher Education for Sustainability: A Global Perspective", *Geography and Sustainability*, 2.
79. Jennings, M. Kent, Stoker Laura and Bowers Jake (2009). "Politics Across Generations: Family Transmission Reexamined", *Journal of Politics*, 71 (3).
80. Kai, Y. (2011). "Analysis and Debugging of the Mechanism of University Students' Political Socialization", *Education Exploration*, 6.
81. Kukeyeva, Fatima, Leila Delovarova and Tolganai Ormyshevac (2014). "Higher Education and Sustainable Development in Kazakhstan, Arad Davard", *Social and Behavioral Sciences*, 122.
82. Leisyte, L. and R.J. Dee (2012). "Understanding Academic Work in a Changing Institutional Environment: Faculty Autonomy, Productivity, and identity in Europe and the United States", *Higher Education Handbook of Theory and Research* 27.
83. Navarro- Medina, Elisa, Nicolas and de-Alba Fernandez (2015). "Citizenship Education in the European Curricula", *Social and Behavioral Sciences*, 197.
84. Noritada, Matsuda (2014). "Can Universities Supply Citizenship Education?", *A Theoretical Insight Japanese Political Science Review*, 2.
85. Okai, O.N. and P. Worlu (2014). "University Autonomy and Academic Freedom: Implication for Nigerian Universities", *International Journal of Scientific Research in Education*, 7 (2).
86. Osler, A. and H. Starkey (2006). "Education for Democratic Citizenship: A Review of Research, Policy and Practice", *Research Papers in Education*, 24.
87. Sandelowski, M., J. Barroso and C.I. Voils (2007). "Using Qualitative Metasummary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings", *Research in Nursing and Health*, 30 (1).
88. Schmidt, K.E. and K. Langberg (2007). "Academic Autonomy in a Rapid Changing Higher Education Framework", *European Education*, 39 (4), <http://dx.doi.org/10.2753/EUE>.
89. SEED: Scottish Executive Education Department (2006). "Education for Citizenship", Scotland.
90. Staeheli, L.A. and D. Hammett (2010). "Educating the New National Citizen: Education, Political Subjectivity and Divided Societies", *Citizenship Studies*, 14 (6).
91. Turner, B.S. (2000). "Islam Civil Society on Citizenship: Reflections on the

- Sociology of Citizenship and Islamic Studies”, in N. A Butenschon etal, ed. Citizenship and the State in the Middle East, *Syracuse University Press*.
92. Wang, Z.K. and B. Sun (2011). “Analysis of University Students’ Political Socialization Under the Background of Network Technology”, *The Journal of Yunnan Administration College*, 2.
93. Žalėnienė, I. and P. Pereira (2021). “Higher education for sustainability: A global perspective”. *Geography and Sustainability*, 2(2).
94. Zhu, Z.X. and G.G. Li (2011). “Several Thoughts on Political Socialization of University Students after the 90s”, *Journal of Baoji University of Arts and Science (Social Science Edition)*, 3.
95. Zimmer, L. (2006). “Qualitative Meta-synthesis: A Question of Dialoguing With Texts”, *Journal of Advanced Nursing*, 53 (3).





# بررسی نقاط قوت و ضعف قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از دیدگاه حقوق دانان

محدثه یعقوبی،\* علی جعفری\*\* و جعفر سلمانزاده\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۴۹۷-۵۲۸
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

بررسی چالش‌ها و فرصت‌های قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران، موضوع این پژوهش است. برای دست یافتن به این مهم با رجوع به صاحب‌نظران حوزه ارتباطات و حقوق؛ ارزیابی شکلی و ماهوی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مورد کنکاش و مصاحبه قرار گرفت. روش پژوهش از نوع داده‌بنیاد و با استفاده از مصاحبه به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های فراروی اجرایی شدن قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش شامل صاحب‌نظران و اساتید حقوق و حقوق دانان است که با تحلیل مصاحبه‌های آنها چهار محور: مبهم بودن استثنائات قانون، عدم ضمانت اجرایی قانون، ابهام در مفهوم دسترسی به اطلاعات و چالش قوانین موازی شناسایی شد. از این رو آسیب‌شناسی رفتار مقامات دولتی، شهروندان و اصحاب رسانه؛ تغییر در عملکرد مقامات دولتی؛ فرهنگ‌سازی و آموزش در خصوص دسترسی آزاد به اطلاعات و دستیابی به شفافیت اسنادی استاندارد ضروری است. با توجه به چالش‌های چهارگانه فوق به نظر می‌رسد استفاده از تجربیات کشورهای پیشرو در عرصه این قانون و بازنگری مواد قانون از منظر این چالش‌ها، راهکار مناسبی برای حل این مشکلات باشد و می‌توان امیدوار بود که وجود این قانون درهای تازه‌ای به سوی گسترش فرهنگ شفافیت و نظارت باز کند؛ نه اینکه بازخوانی مجدد این قانون، به تدوین اصولی برای برچیده شدن قانون منجر شود.

**کلیدواژه‌ها: اطلاعات؛ آزادی اطلاعات؛ ترویج شفافیت؛ قانون آزادی اطلاعات**

\* دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛

Email: mohadeseh\_yaghobi@yahoo.com

\*\* استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: alijafari@oerp.ir

\*\*\* دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛

Email: salmanzadeh@uma.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi:10.22034/MR.2022.5288.5054

## مقدمه و بیان مسئله

حق آگاهی از جمله حقوق شهروندی است که ابعاد گسترده‌ای دارد. دستیابی به اطلاعات درست در خصوص مسائل و حوادث داخلی و بین‌المللی و نیز آزادی‌های مطبوعاتی، چاپ و نشر، ایجاد مؤسسه انتشاراتی، ممنوعیت سانسور، کوشش در بی‌طرفی و سلامت مطبوعات و ایجاد مقررات دقیق در باب وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون از حقوق مردم در بهره‌گیری از اطلاعات در نظام مردم‌سالار به حساب می‌آید (نادری، ۱۳۹۱: ۱).

بهره‌مندی از آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات در زمره نسل اول حقوق بشر قرار دارند. برخورداری از حقوق نسل اول نیز مستلزم عدم دخالت حکومت در جریان این حقوق و آزادی‌ها از یک‌سو و تکلیف وی در پاسداشت آنها و برخورد با متجاوزان از سوی دیگر است (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)؛ به بیان دیگر، مصادیق حقوق بشر نسل اول، واجد مفهوم سلبی هستند.

امروزه آزادی و حق دسترسی به اطلاعات از حقوقی است که به تحقق مفهوم شهروندی کمک می‌کند. در واقع هر اندازه بر کمیت و کیفیت دسترسی شهروندان به اطلاعات آزاد افزوده شود به همان میزان افزایش کیفیت احیای حقوق به صورت فراگیر و مشارکتی را شاهد خواهیم بود.

پاسخگو بودن دولت و حکومت، تقویت احیای حقوق را در سراسر دنیا به همراه داشته است. حمایت قانونی از این حق به‌طور فزاینده‌ای زمینه قوام عدالت را فراهم می‌کند، حق دسترسی به اطلاعات، حق آزادی بیان، حق مشارکت سیاسی، همگی از آزادی‌هایی هستند که زمینه استمرار حاکمیت مردم را در نظام جمهوری تسهیل می‌کند. الزام دولت به انتشار اطلاعات در باب عملکرد حکومت می‌تواند باعث ارتقای دانش عمومی شود. فشار روی دولت‌ها به‌عنوان وظیفه منتشر کردن جزئیات وقایع

با دادن اطلاعات، سبب آگاهی عمومی به‌طور گسترده می‌شود و مبنایی برای تصمیم‌گیری آگاهانه خواهد بود. حقوق اطلاعاتی در معاهدات حقوق بشری جهانی و منطقه‌ای در اسناد حقوقی و حتی در سطح حقوق داخلی از جمله در قوانین اساسی و قوانین داخلی مهیا شده‌اند. آزادی اطلاعات و حقوق ناشی از آن، لازمه تحقق حقوق شهروندی و یکی از موضوع‌های اصلی گفتمان مشارکت مردم‌سالارانه است. آزادی اطلاعات به تقویت آزادی بیان و مطبوعات و مقدمه پاسخگویی حکومت‌ها به افکار عمومی منجر می‌شود. آگاهانه و مستمر ساختن نظارت مردمی و ارتقای فرهنگ اسرارگرایی به شفافیت از نتایج آزادی اطلاعات است.

بنابراین به رسمیت شناختن این حق نه تنها موجب تغییر ساختار حکومت‌ها می‌شود، بلکه سبب تغییر در نقش سنتی دولت‌ها می‌شود. بدین معنا که دولت‌ها در پرتوی اجرای قانون دسترسی آزاد به اطلاعات برخلاف گذشته که مالک اطلاعات بودند به تدریج به واسطه انتقال اطلاعات به شهروندان تبدیل خواهند شد.

سوئد نخستین کشور جهان است که آزادی بر مبنای مفهوم بنیادین «آزادی اطلاعات» در آن به تصویب رسیده است. کلمبیا پس از سوئد دومین کشوری است که قانون آزادی اطلاعات در آن به تصویب رسیده است. قانون آزادی اطلاعات این کشور (مصوب ۱۸۸۸ میلادی) دسترسی به اطلاعات و اسناد و مدارک دولتی را حق مردم می‌دانست. این قانون پس از تصویب قانون اساسی لیبرال کلمبیا در سال ۱۸۸۶ تصویب شد. براساس این قانون هر فرد می‌توانست با دادن تقاضا به اسناد دولتی دسترسی داشته باشد، مگر در مواقعی که قانون این دسترسی را منع کرده باشد. فنلاند سومین کشوری است که قانون آزادی اطلاعات در آن به تصویب رسید. این قانون حاوی روایت فنلاندی قانون آزادی مطبوعات سوئد است و در آن به موضوع آزادی دسترسی به اطلاعات نزد دولت نیز پرداخته شده است. قانون آزادی اطلاعات

فنلاند در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۹۹ مورد بازنگری قرار گرفت (نادری، ۱۳۹۱: ۱۵). پس از فنلاند نوبت به آزادی اطلاعات در ایالات متحده آمریکا رسید. باین‌حال سرمنشأ مباحث پیرامون قانون آزادی اطلاعات آن کشور، آن‌گونه که همگان تصور می‌کنند، در هنگام تصویب قانون آزادی اطلاعات در سال ۱۹۶۶ نیست، بلکه پیشینه‌ای دیرینه دارد. از این‌رو توجه به تاریخ مباحث مربوط به آزادی اطلاعات به‌عنوان زیرمجموعه و بخشی از آزادی بیان، در ایالات متحده آمریکا و نیز تأمل در مفهوم آزادی اطلاعات در کشور فرانسه برای روشن شدن رویکردهای امروزی به آزادی و حق دسترسی به اطلاعات ضروری هستند (همان).

مفهوم حق آزادی بیان که مفاهیم حق آزادی اطلاعات، حق اطلاع و حق ارتباط، از آن سرچشمه گرفته‌اند، سوابق تاریخی طولانی دارد. این مفهوم در واقع، تحت تأثیر اندیشه‌های آزادی‌گرایی و عصر روشنگری در اواخر قرن‌های هفدهم و هجدهم و همراه با سه انقلاب سیاسی این دوران شامل: انقلاب مشروطیت انگلستان (۱۶۸۹-۱۶۸۸)، انقلاب آمریکا (پیروزی جنگ‌های استقلال - ۱۷۶۶) و انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و به‌ویژه دو انقلاب اخیر، پدید آمده است. باید یادآوری کرد که مفهوم آزادی بیان و مفهوم آزادی مطبوعات که یکی از انواع آن به‌شمار می‌رود، در قرن‌های نوزدهم و بیستم به قوانین اساسی کشورهای جهان وارد شدند و در رأس آزادی‌های بنیادین مورد پیش‌بینی در این قوانین، برای به رسمیت شناخته شدن حقوق فردی یا حقوق جمعی انسان، قرار گرفتند (معمدنژاد، ۱۳۹۹).

معمدنژاد (۱۳۸۲) با بررسی ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب سال ۱۹۴۸)، ماده (۱۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب سال ۱۹۶۶)، ماده (۱۰) کنوانسیون اروپایی حراست از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (مصوب سال ۱۹۵۰) و ماده (۱۳) عهدنامه آمریکایی مربوط به حقوق بشر (مصوب سال ۱۹۶۹) و نیز با مراجعه به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه آزادی

بیان چنین توضیح می‌دهد: «آزادی عقیده، اولین عنصر و پیش‌شرط آزادی بیان است. به همین لحاظ، نداشتن ترس و واهمه از عقاید خود، به‌عنوان یک حق شناخته شده است. آزادی اطلاعات، به‌عنوان دومین عنصر آزادی بیان، خود متشکل از سه عنصر است: آزادی جستجو، آزادی پخش و انتشار و آزادی دریافت». مهم‌ترین مبانی آزادی، دسترسی به اطلاعات از نقطه‌نظر حقوقی عبارتند از: تعلق اطلاعات به مردم، مسئولیت‌شناسی و پاسخگویی، خلاف قاعده بودن محرمانگی و مبارزه با فساد اداری (قادری، ۱۳۸۹: ۲۲؛ هوشیدری فراهانی، ۱۳۹۵: ۲۳؛ اسدی، ۱۳۹۱: ۲۱).

بنابراین کشورهای پیشرفته به نقش آزادی اطلاعات در توسعه پی بردند و برای نظام‌مندی دسترسی به اطلاعات، قوانین مرتبط را تدوین، تصویب و اجرا کردند. درواقع امروزه این حق به‌عنوان زیربنای مردم‌سالاری مطرح و موجب تحقق کرامت انسانی، مشارکت عمومی، عدالت اجتماعی و همچنین شفافیت در ارکان حکومت می‌شود. از این‌رو به هر میزان دولت‌ها در مسیر دست یافتن شهروندان خود به اخبار و اطلاعات محدودیت ایجاد کنند از عدالت دورتر و بیشتر در معرض فساد قرار می‌گیرند.

با توجه به اهمیت آزادی اطلاعات، ماده (۱۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> که مؤسسه بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینه گسترش آزادی اطلاعات و آزادی بیان است؛ در سال ۱۹۹۹ اصول و معیارهای نه‌گانه‌ای را برای تدوین قانون آزادی اطلاعات از سوی دولت‌ها تدوین و منتشر کرد. قانونگذار ایرانی نیز پس از فرازونشیب‌های فراوان و با وجود اختلاف‌نظرهای مختلف پس از چهار سال تحقیق و مباحثه، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را در سال ۱۳۸۸ تصویب کرد (نادری، ۱۳۹۱: ۹). ولی تاکنون آن‌گونه که شایسته است سازوکارهای اجرایی شدن این قانون فراهم نشده و انتظار قانونگذار و اهداف آن تحقق نیافته و با موانع جدی روبه‌روست.

---

1. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

براساس آنچه در این مقاله ذکر شد با بهره‌گیری از مرور تاریخی و مفهوم حقوقی و ابعاد آن، به ابعادشناختی فرصت‌ها و چالش‌های قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران از دید صاحب‌نظران، اساتید و حقوق‌دانان خواهیم پرداخت. به دیگر بیان هدف اصلی مقاله حاضر بررسی چالش‌ها و فرصت‌های قانون دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر اساتید، صاحب‌نظران و حقوق‌دانان است که گامی در جهت ارائه راهکارهای منطقی و کاربردی بردارد.

### ۱. پیشینه پژوهش

به‌منظور آشنایی با سابقه پژوهش و مقایسه آن با تحقیقات گذشته، تا جای امکان پژوهش‌های مرتبط به موضوع بررسی خواهد شد. تحقیق‌های انجام شده را در دو بخش داخلی و خارجی می‌توان دسته‌بندی کرد. پژوهش در زمینه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در کشور بسیار اندک و بیشتر در دهه اخیر که مقارن با تصویب این قانون بوده، ازسوی دانشجویان رشته حقوق و ارتباطات انجام گرفته است. در خارج از کشور هم از آنجاکه (کشورهای اروپایی و آمریکایی) در تصویب و اجرای این قانون حدود دو دهه از ما جلوتر هستند بیشتر پژوهش‌ها در سال‌های اخیر حول محور ضرورت و علل اجرایی شدن این قانون در سایر کشورها و آثار مثبت و منفی آن است.

نمک‌دوست تهرانی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و نقش آن در پیشبرد دموکراسی (بررسی قوانین آزادی اطلاعات کشورهای منتخب برای کمک به تدوین یک الگوی ملی)» به بررسی بنیان‌های نظری به رسمیت شناخته شدن حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و رابطه این حق با دموکراسی، امنیت ملی و حریم خصوصی پرداخته و تلاش کرده با انجام پژوهشی

میدانی، دیدگاه متخصصان کشورمان را در دو حوزه حقوق و علوم ارتباطات در این باره به دست آورد و با روش استنادی و آزمون «تی» داده‌های پژوهش را تحلیل کرده و به این نتیجه دست یافته است که متخصصان حقوق و علوم ارتباطات کشورمان میان دمکراسی و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات پیوندی مستحکم قائلند. آنان خواستار معیارهای حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و امنیت ملی هستند و ضمن احترام نهادن به حریم خصوصی در موضوع‌هایی که حریم خصوصی سیاستمداران در میان است از قاطعیت خود در مخالفت با تضمین این حریم کاسته‌اند.

بهروزی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «سیاست جنایی ایران در قبال حق دسترسی آزاد به اطلاعات» به بررسی قواعد حقوق کیفری ایران در حمایت از حق دسترسی آزاد به اطلاعات پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است حمایت از این حق به‌ویژه با استفاده از قواعد حقوق کیفری بسته به مشرب و خط‌مشی سیاسی قدرت حاکم متفاوت است. مداخله کیفری با استفاده از جرم‌انگاری‌های بسیار در بسترهای مختلف، اعمال آزادی اطلاعات را با محدودیت‌های کیفری روبه‌رو می‌سازد. در سیاست جنایی ایران جرم‌انگاری دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده و افشای آنها، نقض حریم خصوصی، جاسوسی و در کنار آن جرم‌انگاری افتراء، توهین، تبلیغ علیه نظام، تبلیغ علیه اصول قانون اساسی، آزادی اطلاعات، مطبوعات و بیان را با محدودیت روبه‌رو ساخته است.

نادری (۱۳۹۱) پژوهشی با نام «حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در نظام حقوقی ایران» انجام داده که در آن قوانین و خط‌مشی‌هایی را مورد بررسی قرار داده است که دربرگیرنده تمهیداتی به‌منظور دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار ارکان عمومی حکومت ایران است و بیان داشته در ایران حق دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات دولتی، ریشه در حق آزادی بیان و حق مشارکت

در تعیین سرنوشت و همچنین مسئله مهم شفافیت دولت دارد که در اصول قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است.

سلیمان دهکردی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «جرائم علیه حق دسترسی آزاد به اطلاعات در حقوق ایران و ایرلند» مسئله ماهیت، مبانی و ضمانت اجرای این حق را در حقوق ایران و ایرلند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که یکی از اوصاف قاعده حقوقی، الزام‌آور بودن و داشتن ضمانت اجراست. در واقع قانون بدون ضمانت اجرا قانون نیست. بر این اساس ضمانت اجرای مختلفی برای حمایت از گردش آزاد اطلاعات در ایران و ایرلند در نظر گرفته شده که گاهی اوقات جلوگیری از جریان اطلاعات جرم‌انگاری شده و گاهی تخلف اداری دانسته شده است، در برخی موارد نیز با تشکیل کمیسیونی خاص به احقاق این حقوق اقدام شده است که این ضمانت اجرا در ایران چندان قوی نیست.

آذر مهر و رحمانی (۱۳۹۶) آثار حقوقی ناشی از فناوری اطلاعات را بر وضعیت حقوقی شهروندان بررسی کردند و در تحقیق خود نشان دادند که این فناوری‌ها با حقوق شهروندی نسبتی چون شمشیر دو لبه دارد. از یک سو می‌توانند امکان تجسس در زندگی شهروندان و نقض حریم خصوصی آنان را به همراه آورند و از سوی دیگر، امکان تسهیل ارائه خدمات، افزایش سرعت پاسخگویی و کاهش هزینه‌های عمومی را فراهم آورند. فقدان قوانین مدون، عدم ضمانت اجرای مناسب و نیز عدم تناسب جرائم مربوط به فناوری، تعقیب و پیگیری را در ابعاد داخلی و بین‌المللی با نواقص و کاستی‌هایی مواجه ساخته است.

برلاینر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «رسمی کردن شفافیت: انتشار جهانی آزادی اطلاعات در قانون و عمل» اظهار می‌دارد که شفافیت و دسترسی به اطلاعات

1. Berliner



دولتی رمز حاکمیت موفق و توانمندسازی شهروندان است. ولی باین حال بسیاری از حکومت‌ها به پنهان کاری و اسرارگرایی تمایل دارند و رسمی کردن و تصویب قانون آزادی اطلاعات را با وجود مخالفانی که دارد، به‌عنوان راه‌حلی برای رهایی از این تنگنا پیشنهاد می‌کند.

یانوکاکو و آراکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) مسئله حق دسترسی به اطلاعات دولتی و همکاری دولت در این زمینه را مورد بررسی قرار دادند. ایشان در تحقیق خود تلاش کردند تا ایدئولوژی تحت تأثیر دو جنبش حق دسترسی آزاد به اطلاعات و داده‌های آزاد دولتی را شکل داده و به اثبات برسانند تا راه را برای گسترش بیشتر اطلاعات ازسوی دولت هموار کنند زیرا این امر می‌تواند به توانایی آزادانه بیان عقاید، ایده‌ها و افکار منجر شود.

دولانی، کاسپا و کسیکی<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) مطالعه‌ای را تحت عنوان «آزادی ارتباطات جمعی در عصر دیجیتال با محوریت اینترنت در ایالات متحده آمریکا» انجام دادند. استفاده از اینترنت که به‌عنوان ابزار ارتباطی حیاتی در زمان‌های مدرن و اغلب به‌عنوان عصر ارتباطات دیجیتال شناخته می‌شود، به‌طور فزاینده‌ای محبوب شده و پیشرفت و تغییر قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. چنین تغییراتی به تبدیل در مفهوم رسانه‌های جدید منجر شده و ابعاد آن را تا مفاهیم رسانه‌های اجتماعی و جمعی گسترش داده است. بنابراین اینترنت به‌دلیل ویژگی‌های آن در تسهیل دسترسی به اطلاعات و اجتماعی شدن، به یک جنبه حیاتی در زندگی کنونی مبدل شده است. باین حال، علاوه بر مزایای اینترنت، آسیب‌های اینترنتی به موضوع‌هایی تبدیل شده‌اند که تحلیل ابعاد مفهومی پاسخگویی‌های قانونی آن اهمیت بالایی دارد.

---

1. Yannoukakou and Araka

2. Dolunay, Kaspa and Kececi

از این منظر، کشورهای مختلف در سراسر جهان از الگوهای عملی متفاوت در خصوص دسترسی به اطلاعات و استفاده از اصطلاحات سیاسی و حقوقی متناسب با آن استفاده کرده‌اند. خصوصاً اینکه سانسور اینترنتی در تعیین محدودیت‌ها بسیار بااهمیت شده زیرا عبور از چنین خطوطی می‌تواند به اصول اساسی حقوق بشر و دموکراسی آسیب رساند. مطالعه دولانی و همکاری‌های ماهیت چندرشته‌ای دارند، دانش ارتباطی با مفهوم اینترنت به‌عنوان ابزار ارتباطی پایه تمرکز داشته و علم حقوق به‌دلیل ارزیابی روش‌های قانونی استفاده شده برای سانسورهای اینترنتی مورد توجه واقع شده است. علاوه بر آن، طبق داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص همه رشته‌های علمی، وضعیت آزادی اینترنتی در ایالات متحده آمریکا که خود را یکی از کشورهای دارای بیشترین آزادی معرفی می‌کند، با تجزیه و تحلیل محتوا انجام شده است.

موضوع قانون آزادی اطلاعات در کشورهای خارجی حاکی از آن است که اکثر کشورهای پیشرفته حدود دو دهه قبل به نقش آزادی اطلاعات در توسعه پی بردند و برای نظام‌مندی دسترسی به اطلاعات، قوانین مرتبط را تدوین، تصویب و اجرا کردند و از مزایای آن بهره‌مند شده‌اند. در این پژوهش‌ها ضرورت رسمی شدن جریان آزاد اطلاعات در ایران به‌عنوان یکی از الزامات جهانی شدن و تشکیل جامعه اطلاعاتی اثبات شده و فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان ابزار مؤثری برای کمک به تعامل و تفاهم بیشتر کشورها و تبادل اطلاعات بین آنها معرفی شده است.

در ایران با توجه به اینکه موضوع جریان آزاد اطلاعات سابقه طولانی ندارد و قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن به‌تازگی به تصویب رسیده است، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته که بیشتر به ارزیابی و بررسی این قانون از دیدگاه حقوقی و ضرورت و مزایای اجرای آن پرداخته است. براساس این پژوهش‌ها آزادی اطلاعات یکی از بنیان‌های دموکراسی و از معیارهای حاکمیت مطلوب است و در

صورت تحقق با آگاهی و توانمند ساختن شهروندان زمینه‌ساز افزایش مشارکت و نظارت آنها در امور عمومی جامعه می‌شود. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران فاقد هماهنگی و تطابق کامل با استانداردهای جهانی است و ضمانت اجرایی قوی ندارد و در دو حوزه امنیت ملی و حریم شخصی با چالش‌های زیادی مواجه است و جرم‌انگاری‌های متعدد در این حوزه‌ها، قانون را محدود کرده است ضمن اینکه مقدمات اجرایی شدن این قانون در کشور هنوز به‌طور کامل فراهم نیست.

بنابراین اکنون نیازمند پژوهش‌های بیشتر و متنوع‌تری در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های قانون دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران هستیم تا تمامی ابعاد و جوانب موضوع از جمله مقدمات لازم و موانع موجود بر سر راه اجرای قانون، بررسی شود و نتایج حاصل مورد استفاده مسئولان در پیاده‌سازی هرچه بهتر این قانون قرار گیرد.

## ۲. روش تحقیق

مادامی که مفاهیم مربوط به یک پدیده به دلیل تازگی و نبود پیشینه نظری در جامعه هدف مشخص نشده یا دست‌کم در مکان مورد مطالعه خاص مشخص نیستند یا هنوز روابط بین این مفاهیم به خوبی درک نشده‌اند، ما از روش پژوهش کیفی برای درک بهتر این پدیده‌ها استفاده می‌کنیم (هومن، ۱۳۸۹: ۸). بر این اساس استراتژی گراندد تئوری (داده‌بنیاد) برای طراحی چارچوب در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵). هدف عمده این روش تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی (مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها) آن و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر درون بستر و فرایند آن پدیده است. تولید و خلق مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها نیز فرایندی چرخه‌ای - تکراری است (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۳۰) که مبتنی بر تجربه آزمودنی و رابطه مستقیمی است که

پژوهشگر با محیط پژوهش برقرار می‌کند. به عبارتی علوم اجتماعی با عوامل مفهوم‌دار و مفهوم‌سازی سروکار دارد که درباره آنچه انجام می‌دهند، نظریه‌پردازی نیز می‌کنند (دروین و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵).

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه عمیق نیمه‌استاندارد یا نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران بوده است. پرسش‌های مصاحبه با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش تدوین شده است. این پرسشنامه، جهت راهنمایی در اجرای مصاحبه عمیق طراحی شده است و هدایت جریان مصاحبه، به‌عهده پژوهشگر است. به‌منظور شناسایی خبرگان برای مصاحبه از روش نمونه‌گیری «نظری» استفاده شده است. در حالت ایدئال، جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که به نقطه اشباع برسد؛ جایی که داده‌های جدید با داده‌هایی که پیش از آن جمع‌آوری کرده‌ایم، تفاوتی نداشته باشد (رضایان قیه‌باشی و بیاتی، ۱۳۹۷: ۱۸). بر این اساس، از مصاحبه‌شوندگان درخواست می‌شود حقوق دانان و اساتیدی را معرفی کنند که در خصوص مسائل قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، تخصص و تجربه کافی داشته باشند. در نتیجه فهرست نهایی مصاحبه‌شوندگان در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. فهرست مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام مصاحبه‌شونده	مدرک تحصیلی	سمت
۱	همایون حبیبی	دکتری	هیئت علمی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
۲	محمدرضا ویژه	دکتری	دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
۳	باقر انصاری	دکتری	هیئت علمی حقوق دانشگاه شهید بهشتی
۴	سید محمود کاشانی	دکتری	هیئت علمی حقوق دانشگاه شهید بهشتی
۵	محسن اسماعیلی	دکتری	هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۶	احمدرضا توحیدی	دکتری	عضو هیئت علمی حقوق دانشگاه قم
۷	سیدحسین صفایی	دکتری	هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۸	محمدجواد رضایی‌زاده	دکتری	هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۹	مجید صالحی	دکتری	دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران، پژوهشگر و مدرس دانشگاه
۱۰	علی بخت‌آور	دکتری	وکیل پایه یک کانون وکلای دادگستری اردبیل

در این پژوهش با توجه به طرح مسئله و اهداف تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری براساس نظریه داده‌بنیاد انجام می‌گیرد. نظریه داده‌بنیاد سه عنصر اصلی دارد که عبارتند از: مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا (Corbin and Strauss, 1990: 8). مفاهیم واحدهای اساسی تحلیل در نظریه داده‌بنیاد هستند که از «کدگذاری باز» داده‌های خام به دست می‌آیند. دومین عنصر، مقوله‌ها هستند؛ مقوله‌ها در سطح بالاتر و تجریدی‌تر از مفاهیمی هستند که نمایش می‌دهند. آنها نیز به همان فرایند تحلیل که مفاهیم سطح پایین ایجاد شده‌اند یعنی از طریق انجام مقایسه‌ها برای روشن کردن شباهت‌ها و اختلاف‌ها، ساخته می‌شوند. مقوله‌ها زیربناهای بسط نظریه

هستند. مقوله‌ها ابزارهایی فراهم می‌کنند که با آنها می‌توان انسجام نظریه را حاصل آورد. به عبارت دیگر رمزگذاری و گروه‌بندی مفاهیم و مقایسه دائمی آنها برای رسیدن به سطح تجرید بالاتر است که مقوله‌ها را در مرحله «کدگذاری محوری» می‌سازد. قضایا سومین عنصر هستند. آنها روابط تعمیم‌یافته میان یک مقوله و مفاهیمش و میان مقوله‌های جداگانه را نشان می‌دهند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵).

با توجه به توضیح‌های روش‌شناختی فوق، گام‌های اجرایی برای تحلیل مصاحبه‌ها به شرح ذیل است:

**گام اول:** متن مصاحبه‌ها به دقت پیاده‌سازی و عبارات معنادار که کدهای اولیه از آن استخراج می‌شود، مشخص می‌شود.

**گام دوم:** کدهای مشابه ادغام و مفاهیم کلی‌تر استخراج می‌شود.

**گام سوم:** تمام عبارات، کدها، مفاهیم و مقولات در قالب جداول به تفکیک موضوع آورده می‌شود.

**گام چهارم:** براساس نتایج و یافته‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها راهکارهایی استخراج می‌شود.

**گام پنجم:** در آخرین سطح تحلیل براساس مقولات انتزاعی مدلی نظری ترسیم می‌شود.

### ۳. یافته‌ها

در این پژوهش پس از استخراج و پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، ابتدا کلیاتی از قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات طرح شده که در مصاحبه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است؛ سپس تحلیل مصاحبه‌ها براساس مراحل سه‌گانه کدگذاری به تفکیک محورهای مصاحبه در قالب جداول جداگانه ارائه شده است. در مرحله کدگذاری باز مهم‌ترین گزاره‌های معنادار و مقولات متناظر با آنها استخراج شد که شامل ۶۰ گزاره

مفهومی استخراج است. در مرحله کدگذاری محوری، با مقایسه و بررسی ارتباط درونی مقولات اولیه در سطح انتزاعی تر مقولات محوری استخراج شدند، در این مرحله چهار مقوله محوری به دست آمد.

### ۱-۳. کلی و مبهم بودن استثنائات قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

استثنائات حق دسترسی به اطلاعات باید به طور دقیق در قانون پیش بینی شوند. برای اینکه درخواستی در زمره محدودیت های حق دسترسی به اطلاعات قرار بگیرد، باید سه ویژگی کلی زیر را دارا باشد: اطلاعات درخواست شده با هدف مشروعی که در قانون مورد توجه قرار گرفته، ارتباط مشخص داشته باشد؛ افشای اطلاعات، آسیب جدی به هدف مورد اشاره وارد آورد و آسیب به هدف باید بیش از منافع عمومی آگاهی از اطلاعات مورد نظر باشد. لازم به یادآوری است که هیچ یک از دستگاه ها و نهادهای دولتی نباید به طور کامل از حیطه قانون آزادی اطلاعات مستثنا باشند، حتی اگر بیشتر کارکردهای آنها در محدوده استثنائات قرار گیرد. این امر در مورد تمام بخش های حکومت (قوای قانونگذاری، مجریه و قضایی) و نیز همه کارکردهای حکومت (از جمله دستگاه های امنیتی و دفاعی) صادق است. فصل چهارم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به استثنائات دسترسی به اطلاعات اختصاص یافته است. در زمره این استثنائات، اسرار دولتی، حمایت از حریم خصوصی، حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری و امنیت ملی ذکر شده است. در بیشتر موارد، محدودیت هایی که بر حقوق بشر اعمال شده است، حاوی عناوین کلی بوده و تشخیص مصداق آنها مبتنی بر تفسیر قانونگذار است که تفسیر مجدد، مانعی بر سر راه تحقق حقوق مورد نظر است. مطابق ماده (۱۷) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، چنانچه اطلاعات مورد درخواست به امنیت یا آسایش عمومی لطمه وارد کند و این امر برای مؤسسه ها محرز شود، آنها باید از ارائه اطلاعات خودداری کنند. این عناوین بسیار کلی بوده و

تعیین مصداق‌های آن بی‌شک با دشواری‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهد بود؛ به‌ویژه اینکه نهاد بی‌طرفی در قانون طراحی نشده است که در صورت بروز اختلاف در بین درخواست‌کننده و مؤسسه مورد نظر، به بررسی امر پرداخته و از این مسئله جلوگیری کند و نهادهای دولتی با توسل به عناوینی از قبیل امنیت و آسایش عمومی از ارائه اطلاعات خودداری کنند.

متن (۱) - «یکی از مهم‌ترین استثنائات این قانون حریم خصوصی است. گفتن اون باید شفاف بشه. شما از دستگاه دولتی هر اطلاعاتی بخواهید می‌گن این خصوصیه یا این عمومی نیست. نمی‌تونیم ارائه بدیم و هم دستگاه‌ها باید متوجه باشند چه اطلاعاتی خصوصی هستن و هم مردم را متقاعد از اطلاعات».

متن (۲) - «بخش عمده‌ای از اطلاعاتی که ما بهش می‌گوییم اطلاعات عمومی در دستگاه دولتی در کشور ما در سال‌های قبل طبقه‌بندی شدند یا در حال حاضر می‌تونن طبقه‌بندی بشن بدون حساب و کتاب؛ و وقتی که طبقه‌بندی می‌شوند خوب از دسترس عمومی خارج می‌شوند. ضوابطی که برای طبقه‌بندی داریم ما مربوط به سال ۱۳۵۳ هست. خیلی کلی و مبهم و قابل تفسیر».

متن (۳) - «قانون اسرار دولتی ما یک ضوابطی برای طبقه‌بندی اطلاعات دارد خیلی کلی است و مشخص نشده سازمان‌ها چطور طبقه‌بندی می‌کنند. مشخص نکرده حتی چه کسی اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کند. مشخص نکرده اطلاعات تا چه زمانی در طبقه‌بندی می‌ماند. مشخص نکرده اگر یکی بیاید مثلاً اعتراض داشته باشد به طبقه‌بندی بگه بی‌خودی طبقه‌بندی شد برای چه اینو طبقه‌بندی کردیش این کجا باید رجوع کنه؟ به کجا باید شکایت کنه؟ اینها ایرادهای جدی این قانون است».



متن (۴) - «به نظر من استثناهای این قانون باید یک شفاف بشه اون هم بعضیهاشون نیازمند بعضی قانون اند. همین لایحه شفافیتی که رفته؟ اون کافی نیست، لایحه شفافیت دوباره تقریباً همیشه گفت ماده (۱۱) و (۱۰) این قانون و قانون دسترسی آزاد به اطلاعات رو باز کرده همین. و راجع به مثلاً حریم خصوصی و استثنائاتی که هست مثل ماده (۱۳) اسرار دولتی است، بحث حریم خصوصی است، داده‌های شخصی است، بحث اسرار تجاری است، بحث جلسات غیرعلنی است، اینها فقط ما اسمشون در قوانین بردیم، وگرنه ما هیچ‌جا نه توضیح دادیم و نه تعریف دادیم هیچی نگفتیم راجع بهش. استثنائاتی که گفتیم اگر افشا بشود مثلاً خسارت جانی و مالی به شخص وارد کند یعنی چی؟ کجا هستند این موارد باید شفاف بشود».

متن (۵) - «قید کلمه امنیت و آسایش عمومی در ماده (۱۷) قانون می‌تواند دستاویزی برای سوءاستفاده نهادهای دولتی و خودداری آنها از ارائه اطلاعات و نقض حق دسترسی شهروندان باشد. آوردن واژگانی مبهم و تفسیربردار می‌تواند آفت اجرای قانون باشد. پس باید کوشید تا مصادیق آنها را تعیین نمود».

متن (۶) - «در فصل چهارم استثنائات آمده است: اسرار دولتی و حفظ اسناد طبقه‌بندی شده که نیاز به تعریف دقیق و صریح قانونی دارند. اینکه حریم خصوصی چیست و مرجع تشخیص آن کدام است از نقاط تاریک قانون می‌باشد».

متن (۷) - «ایراد کلی که به این قانون می‌گیرند اینکه تعاریف آن خیلی کلی و مبهم است و استثناهایی هم که آوردند تعریف واضحی از آن نشده است. ایراد از طرز تفکری است که پشت قضیه وجود دارد. با یک قانون کلی و مبهم با یک طرز تفکر خوب می‌شود خیلی کارها را پیش برد».

## ۲-۳. عدم ضمانت اجرایی قانون و فرهنگ پنهان کاری

اصل تناسب جرم و مجازات، به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر مجازات‌هاست که در این قانون رعایت نشده است. یکی از چهره‌های بارز تجلی عدالت در حقوق کیفری، برقراری تناسب میان جرم و مجازات است که به شکل یک اصل در نظام‌های حقوقی کیفری درآمده است. به‌طور کلی رعایت اصل تناسب به‌معنای مقابله‌به‌مثل نیست چراکه محذورات اخلاقی مانع این امر است، بلکه تناسب در مفهوم برابری در تأثیر و ارزش جرم و مجازات بر مجرم و جامعه است. با توجه به محوریت مجرم و جامعه در برقراری تناسب، دو مکتب اصلی کیفرگرایی و فایده‌گرایی در این مورد پدید آمده‌اند که اولی بر تناسب کیفر مجرم با جرم و دومی بر فایده پیشگیرانه مجازات مجرم در جامعه تأکید دارد. ضرورت حمایت کیفری قوی از قانون یکی از زیربنایی‌ترین اصولی است که اهرم مناسبی برای اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است. حال سؤال این است که اگر انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، برخلاف مقررات این قانون صورت پذیرد، چه باید کرد؟ می‌توان چنین اظهار داشت که ممانعت از گردش‌دهی یک نهاد دولتی می‌تواند مانعی بر سر راه کمیسیون تلقی شود. با وجود اینکه ماده (۲۲)، مرتکبان اعمال یادشده را جرم دانسته و آنان را به کیفر نقدی محکوم کرده است، این ابهام باقی است که آیا امکان کیفر یک دستگاه دولتی به‌عنوان یک شخص حقوقی وجود دارد؟ یکی دیگر از ایرادهای این بخش را شاید بتوان این موضوع دانست که درخصوص تخلف کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، موردی پیش‌بینی نشده است.

متن (۸) - «کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که به‌عنوان موتور محرک این قانون هست، وظایف و اختیاراتش باید کمی شفاف‌تر و دقیق‌تر بشه. در حال حاضر ابهام دارد. همین دستگاه‌ها ابهام دارن هم مردم که از این کمیسیون

چه چیزی را می‌توانند بخواهند، و شاید خود کمیسیون هم بعضاً تردید دارد که من باید چکار کنم در مورد این قانون، در حالی که باید با قوت قدرت بیشتری پیش بره. از نظر من اختیارات قانونی اصطلاحات قانونی دارد، دیگه خود کمیسیون نباید آنقدر محتاط باشد و محافظه‌کارانه عمل کند».

متن (۹) - «نکته آخر هم برمی‌گردد به ضمانت‌های این قانون که در آخر قانون ذکر شده. بعد اون فرایند تصویب بسیار مبهم شده و تا اون قسمت ضمانت‌ها و چه ضمانت‌های مدنی و چه کیفریش نیازمنده اصلاح و شفاف‌سازی است با این ضمانت‌ها که در اون جا در نظر گرفته شده خیلی همیشه این قانون رو به نحو الزام و یا تهدید یک شخص که اگر اطلاعات ارائه ندهی میرم شکایت می‌کنم و ازش، یا که بخوای از این طریق این قانون رو پیش ببری رو اجرایش کنی، خیلی نمی‌ترسونه. باید قوانین ضمانت‌هایی هم داشته باشه که بتونن کسانی که تمرد می‌کنند یکمی اون‌ها رو بترسون».

متن (۱۰) - «فی‌الجمله باید بگم که اجرای قانون در حال حاضر عملی نیست و دلیل آن هم این است که فازهای اساسی فعالیت‌مان را تغییر دادیم؛ یعنی این قانون مال دوره توسعه سیاسی هست و واقعاً هم برابر توسعه سیاسی جز ضروریات است و وقتی شما از توسعه سیاسی شیفت می‌کنید روی بحث‌های ایدئولوژیک یا بحث‌های اقتصادی ممکنه این قانون فرصت اجرا پیدا نکنه. بنابراین به‌نظرم می‌رسه که زمانی که نطفه‌اش بسته شد زمان مناسبی بود اما بعد ما با یک وضعیتی روبه‌رو شدیم که بحث توسعه سیاسی در ایران با بن‌بست مواجه بشه و طبیعتاً اجرای این قانون هم آیین‌نامه اجرا نشد و متوقف شوند چون تبدیل به یک گفتمان عمومی و مطالعه عمومی نشد، این طور به‌نظر می‌رسه که برای جامعه ما زود بود».

متن (۱۱) - «من تنها نقطه ضعف این قانون را در ضمانت اجرا می‌دهم و حس من و نظر شخصی من این هست که مثل خیلی از قوانین دیگر، ما تو خود قانون مشکل نداریم چون ما قانون رو از کسانی گرفتیم که آنها قانونشان به لحاظ اجرایی مشکلی ندارد و اگر هم داره خیلی جزئی است. آنها این قوانین را در کشور خودشان بنا به احساس نیاز، طور جدی اجرا کرده‌اند و به این نیاز به صورت جدی پاسخ دادند و در نتیجه کارکرد و آثارش را به خوبی دیدند. اما مشکلی که ما با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم مربوط به مفاد قانون نیست بلکه مشکل بر سر اجرای آن است».

متن (۱۲) - «بین قاعده حقوقی دو ویژگی داره اول الزام یعنی قاعده حقوقی برای توصیه نیست برای شوخی نیست فقط می‌گوید باید، نباید بعد ضمانت اجرا اگر قاعده حقوقی برای متخلفین ضمانت اجرا نداشته باشه سپس باید منتظر باشه هر لحظه باید و نباید نقض بشه و دومی از اولی مهمتره اما در بعضی نمونه‌ها خیلی همیشه ضمانت اجرا رو سفت کرد چون جواب نمیده مثل قانون تشدید مبارزه با حمل‌کنندگان سلاح سرد یا به جاهایی جواب میده اما در مسائل نرم جواب نمیده به نظر می‌رسه اینکه القای نیاز به دسترسی اطلاعات و اینکه مردم این نیاز رو بخواهند و مطالعه کنند و دستگاه‌ها موظف بشن و راستی‌آزمایی بشه و دستگاه توسط مطبوعات افشا بشن خیلی بهتره تا اینکه یک مدیر رو از جاش بردارند و کس دیگری رو جاش بگذارند».

متن (۱۳) - «در شیوه‌نامه، مراجع اداری و آیین رسیدگی پیش‌بینی شده است که در خود قانون نیست. برای تکمیل و اصلاح قانون و رفع نواقص باید خود قانون اصلاح شود و تدوین شیوه‌نامه نمی‌تواند نقص قانون را برطرف کند».

متن (۱۴) - «مشکل حاکمیت ما این است که دولت در بحث حقوق و شهروندی

مکلف و متعهد و ملزم است در برابر مردمی که حق دارد، هنوز دولت ما این استعداد و آمادگی رو نداره که خودش رو در برابر مردم مکلف کند، حرفش رو زیاد می‌زنه، همین که پای عمل می‌آید دولت‌ها هم فرق نمی‌کند، چه دولت خاتمی و چه دولت احمدی‌نژاد و چه روحانی، همشون شبیه هم هستند. چون بدنه رو دولت عوض نمی‌کنه. بدنه همون کارمندان کم دارن کار می‌کنن، وقتی پای عمل می‌آید، همه می‌ترسن و احتیاط می‌کنن که اطلاعات ارائه بدن یا ندن. حقوق شهروندی نه تنها این حق بلکه تمام حق شهروندی ما این مسئول رو دارن، بنابراین این مشکل، شما بحث حق دسترسی به اطلاعات رو جدای از بقیه حقوق شهروندی نمی‌تونید ببینید و حقوق شهروندی جدا از سایر بسترها نمی‌تونید ببینید. ما اینکه توقع داشته باشیم، که مثلاً جدا از بستر اجتماعی و جدا از بافت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی امثال ذالک بتونن یک قانون رو بررسی کنند ببینید چرا اجرا نمی‌شود. یا تو فلان کشور این جور اجرا می‌شه».

### ۳-۳. ابهام در مفهوم دسترسی به اطلاعات

برخی مفاهیم کلیدی این قانون دارای ابهام و اجمال هستند. نخستین ابهام در عنوان قانون است. در این عنوان، ابهام‌هایی وجود دارد: نخست، صفت «آزاد» به صورت روشن معلوم نیست به چه معناست؟ اساساً وجود این وصف با توجه به هدف قانونگذار و چارچوب قانونی که برای اعمال این حق در نظر گرفته می‌شود، ضروری است؟ دوم، در عنوان قانون مفهوم عامی از «اطلاعات» در نظر گرفته شده است که این مفهوم عام این ابهام را پدید می‌آورد که آیا مطلق اطلاعات مورد نظر است؟ با امعان نظر به قانون چنین فرضی منتفی است و در نتیجه عنوان با مفاد قانون هماهنگی ندارد. به نظر می‌رسد وجود وصف «دولتی» برای «اطلاعات» به جای وصف «آزاد» برای انتشار ضروری تر باشد.

یکی دیگر از مفاهیم مبهم در این قانون، واژه «اطلاعات» است که اختلاف واژه‌شناختی را در میان قوانین دسترسی به اطلاعات شاهد هستیم: دسترسی به اطلاعات در مقابل دسترسی به سوابق و اسناد دولتی. بدیهی است که اطلاعات، واژه انتزاعی و مفهومی عام است در حالی که سند، واژه‌ای عینی و مفهومی خاص به‌شمار می‌رود. تحقق کارآمدی آزادی اطلاعات مستلزم آن است که چنانچه اصطلاحی غیر از اطلاعات، استفاده شده باشد، وسیع‌ترین معنای ممکن به واژه استعمال شده، داده شود. چنین ابهام‌هایی در سایر ماده‌ها نیز وجود دارد. برابر ماده (۸) این قانون، مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد. سؤال این است که آیا مقصود از اطلاعات در این قسمت، اطلاعات عمومی است؟ آیا اطلاعات عمومی در اختیار نهادهای دولتی است؟ از آنجاکه در ماده (۲) گفته شده هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، از همین رو در ماده (۸) تنها می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از اطلاعات، فقط اطلاعات عمومی است. توجه به این نکته ضروری است که فلسفه توجه به حق دسترسی به اطلاعات، از بین بردن حاشیه امن نهادهای دولتی در خصوص اطلاعات عمومی در اختیار آنهاست که به‌نظر می‌رسد عمدتاً درباره نهادهای خصوصی صدق نکند. به‌ویژه آنکه با توجه به تعریف ارائه شده در ماده (۱)، دامنه مؤسسه‌های عمومی بسیار گسترده است.

متن (۱۵) - «این قانون هم شامل اطلاعات عمومی است هم اطلاعات شخصی است، گفته اطلاعات شخصی به متقاضی داده می‌شود به خودش با شرایطی ولی اطلاعات عمومی نه به اشخاص مختلف هم داده می‌شود اما در مورد اطلاعات شخصی ما الان نمی‌دانیم که این اطلاعات شخصی رو چگونه باید به شخص بدهیم، چگونه هویت شخص رو احراز کنیم. شخصی اطلاعاتی راجع به خودش و اعضای خانواده‌اش می‌خواهد از یک دستگاهی. خوب ارائه اطلاعات طبق این

سامانه حتی از لحاظ اطلاعات خصوصی با مشکل مواجه است باید بخش اطلاعات شخصی احکام دسترسی رو از دسترسی اطلاعات عمومی متمایزش کنیم که این قانون هر دو رو داره ولی تمایزها رو خیلی جدی نمی‌گیره».

متن (۱۶) - «در حال حاضر یک نمونه به اصطلاح اجرایی کردن احکام این قانون دچار ابهام است، که مردم مراجعه مستقیم حضوری به دستگاه بکنن و اطلاعات بخوان و یا از طریق سامانه بخوان».

متن (۱۷) - «به لحاظ بحث شرایط دسترسی مثل اون فیلترینگی که این قانون تو متن اولیه این وجود داشت و در فرایند تصویب اونا حذف شدند، این به اصطلاح فیلترینگ‌ها این شرایط باید به نحوی اضافه بشه به این قانون، دقیق تر و شفاف ترش بکنه. الان ابهام داره، مثلاً گفتیم که از مؤسسات خصوصی یا مؤسسات خصوصی ارائه‌دهندگان خدمات عمومی میشه این اطلاعات رو خواست. بعد متنی را که صبح با آقای نیک‌پی بررسی می‌کردیم گفتیم که این اطلاعات به صورت کتبی و یا الکترونیک به اشخاص داده می‌شود حالا بقیه ظاهراً سؤال پیش اومده که گفتن فقط مؤسسات خصوصی اینو به صورت کتبی و یا الکترونیک به اشخاص می‌دهند یا دستگاه‌های دولتی هم انجام می‌دهند. یا در این قانون موادی اومده که ربطی به این قانون ندارد. مثلاً حمایت از منابع خبری تو ماده (۴) قانون اومده ربطی به قانون نداره مال قانون مطبوعات است».

متن (۱۸) - «تبصره ماده (۵) کاملاً مبهم است: اولاً اطلاعات متضمن تعیین حق و تکلیف برای مردم از خصایص قانون (ماهوی) است که انتشار آن قانوناً الزامی است. ثانیاً مهلت اطلاع‌رسانی تعیین نشده است و نیازی به درج در این قانون نبوده و نباید هم منوط به درخواست شهروندان باشد».

متن (۱۹) - «عبارت آزادی اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و خصوصی مبهم می‌باشد. قانون اطلاعات شخصی را به معنی اطلاعات فردی دانسته و در تعریف آن به مصادیق اشاره کرده که لازم است اصلاح شود. به نظر می‌رسد به کار بردن اطلاعات خصوصی به جای شخص مناسب‌تر باشد اگرچه در قانون نگفته که شامل اشخاص حقیقی و حقوقی هم می‌شود ولیکن در بند «ز» شیوه‌نامه رفع اختلاف گفته است که متقاضی هم می‌تواند حقیقی یا حقوقی باشد».

#### ۳-۴. وجود قوانین مرتبط و موازی با قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

در مجموعه قوانین ما قوانینی وجود دارد که مغایر با قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است. در این قانون فصل چهارمی وجود دارد که مستثنیاتی برای انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در آن ذکر شده است. ماده (۱۳) این قانون ذیل فصل چهارم بیان می‌کند: «در صورتی که درخواست متقاضی به اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (اسرار دولتی) مربوط باشد مؤسسات عمومی باید از در اختیار قرار دادن آنها امتناع کنند. دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده تابع قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود». بند «ت» از ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی این قانون تعاریف اصطلاحاتی را بیان می‌کند. اطلاعات طبقه‌بندی شده یا اسرار دولتی عبارت است از: اسناد سری و محرمانه دولتی موضوع قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳ - و آیین‌نامه اجرایی آن - مصوب ۱۳۵۴. حال باید به قانون مصوب سال ۱۳۵۴ رجوع شود که منظور از اسناد دولتی به چه معناست. ماده (۱) این قانون می‌گوید: «اسناد دولتی عبارتند از هر نوع نوشته یا اطلاعات ثبت یا ضبط شده مربوط به وظایف و فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی از قبیل مراسلات، دفاتر، پرونده، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها و نوارهای ضبط صوت که در مراجع مذکور تهیه یا به آن رسیده باشد».



ذیل همین ماده آمده است که «اسناد دولتی سری اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح دولت یا مملکت باشد» و «اسناد دولتی محرمانه اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این ماده باشد». حال در آیین‌نامه اجرایی این قانون ماده (۱) تلاش کرده تعریف دقیق‌تری از این اسناد ارائه کند. در این ماده آمده است: «اسناد سری و محرمانه دولتی به اعتبار مقدار مراقبتی که باید در حفظ آنها شود به چهار طبقه تقسیم می‌شوند: اسناد طبقه اول با عنوان به‌کلی سری و اسناد طبقه دوم با عنوان سری و اسناد طبقه سوم با عنوان خیلی محرمانه و اسناد طبقه چهارم با عنوان محرمانه مشخص می‌شود».

البته مشکل اصلی ماده‌های (۲) و (۳) این آیین‌نامه است. دو ماده‌ای که در آن مشخص می‌شود چگونه یک سند دولتی شناخته می‌شود. در ماده (۲) آمده: «طبقه هر سند با توجه به مفاد آن تعیین می‌شود». و مهم‌تر اینکه در ماده (۳) بیان می‌کند: «طبقه هر سند را مسئول واحدی که آن سند را تهیه کرده است تعیین می‌کند، در صورتی که نظر مسئول واحد بر سری شناختن سند باشد باید موافقت رئیس سازمان یا مقام مادون از طرف او را نیز جلب کند». به این ترتیب، به بیان ساده، هر مسئول دولتی می‌تواند بگوید که یک سند، عادی یا دولتی محرمانه و سری است و مانع دسترسی آزادانه مردم به این اسناد شود. حال باید دید که چاره این مسئله چیست. چاره ابتدایی این است که ماده (۱۸) آیین‌نامه اجرایی این قانون کمیسیون را پیش‌بینی کرده که در این زمینه حل اختلاف کند: «به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تدوین برنامه‌های اجرایی لازم در عرصه اطلاع‌رسانی، نظارت کلی بر حسن اجرا، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگ‌سازی، ارشاد و ارائه نظرات

مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رئیس جمهور با ترکیب (هشت نفر) تشکیل می‌شود». اما درحقیقت باید فکری به حال قانون سال ۱۳۵۳ کرد که باعث و مسبب این مشکلات شده است. درحقیقت مسئولان دولتی برای اینکه بتوانند این قانون را به خوبی اجرا کنند باید اصلاحیه‌ای در قانون آن سال اضافه کنند و کمیسیونی را برای تشخیص اینکه چه اسنادی محرمانه و سری است ایجاد کنند.

متن (۲۰) - «شیوه‌نامه‌هایی هم که کمیسیون انجام می‌دهد نمی‌تونن کار قانونگذاری انجام بدهند، کمیسیون قانونگذاری نمی‌کنه، شیوه‌نامه برای همین که نحوه اجرایی رو کمی شفافش می‌کنه. برخی از این به اصطلاح شرایط و الزامات برای اجرای خوب این قانون لازم است فقط با قانون میسر است، فقط با حکم قانون. نه قوه قضائیه می‌تونه توی این زمینه دستور بده نه خود کمیسیون می‌تونه دستور بده و نه رئیس جمهوری می‌تونه و نه هیئت وزیران می‌تونه. به نظر من اگر این قانون بخواد اجرا بشه باید اون عبارتی که من میگم خواهر برادرش خانواده‌اش یک پکیج هستند، اون‌ها هم باید در کنارش باشند به صورتی بتونن پیش ببرند».

متن (۲۱) - «منوط کردن اجرای قانون در نهادهای زیر نظر رهبری به موافقت رهبری، نقض اصل (۱۰۷) قانون اساسی است».

## جدول ۲. کدگذاری چالش‌های پیش‌روی قانون دسترسی آزاد به اطلاعات

مقولات	واحد‌های معنایی فشرده
مبهم بودن استثنائات قانون	اطلاعات طبقه‌بندی شده امروزی بدون ضابطه و براساس قانون ۱۳۵۳ صورت می‌گیرد، خیلی کلی، مبهم و قابل تفسیر.
	قید کلمه امنیت و آسایش عمومی در ماده (۱۷) قانون می‌تواند دستاویزی برای سوءاستفاده نهادهای دولتی و خودداری آنها از ارائه اطلاعات و نقض حق دسترسی شهروندان باشد. آوردن واژگانی مبهم و تفسیربردار می‌تواند آفت اجرای قانون باشد.
	اسرار دولتی و حفظ اسناد طبقه‌بندی شده که به تعریف دقیق و صریح قانونی نیاز دارند. اینکه حریم خصوصی چیست و مرجع تشخیص آن کدام است از نقاط تاریک قانون است.
	قید حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری به‌عنوان استثنا اگرچه منطقی است اما آوردن عبارت حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری در کنار حریم خصوصی و آسایش و امنیت عمومی متجانس و متناسب نیست و درواقع توصیف درستی انجام نگرفته است.
عدم ضمانت اجرایی قانون	بیشتر از اینکه بگوییم خلأ حقوقی داریم درواقع خلأ رفتاری داریم که مربوط به فرهنگی است و در مجریان همچون قاضی، بازرس کشور و مجریان طبقات بالای نظام اداری وجود دارد. اگر اینها معتقد نباشند بهترین قانون‌ها هم قابلیت اجرا ندارند.
	مشکل حاکمیت ما این است که دولت در بحث حقوق و شهروندی مکلف و متعهد و ملزم است در برابر مردمی که حق دارد. هنوز دولت ما این استعداد و آمادگی رو نداره که خودش رو در برابر مردم مکلف کند، حرفش رو زیاد میزنه، همین که پای عمل می‌آید دولت‌ها هم فرق نمی‌کند، چه دولت خاتمی و چه دولت احمدی‌نژاد و چه روحانی، همشون شبیه هم هستند.
	کمیسیون انتظار و دسترسی آزاد به اطلاعات که به‌عنوان موتور محرک این قانون هست، وظایف و اختیاراتش باید کمی شفاف‌تر و دقیق‌تر بشه. در حال حاضر ابهام دارد.
	قانون می‌تواند حرکت کند و در جریان حرکت اصلاح شود اما برای همین حرکت احتیاج به یک عضو بیرونی و اراده است که باعث حرکت و جریان بشه که اون وجود ندارد.

واحد‌های معنایی فشرده	مقولات
<p>به لحاظ بحث شرایط دسترسی مثل فیلترینگی که این قانون تو متن اولیه این وجود داشت و در فرایند تصویب حذف شدند، فیلترینگ‌ها باید به‌نحوی اضافه گردد به این قانون و دقیق‌تر و شفاف‌ترش کند. الان ابهام دارد.</p>	<p>ابهام در مفهوم دسترسی به اطلاعات</p>
<p>در این قانون میان مفهوم آزادی اطلاعات و حق دسترسی شهروندان به اطلاعاتی که در اختیار نهادهای دولتی و عمومی قرار دارد خلط صورت گرفته و همچنین در خصوص دسترسی به اطلاعات و اطلاع‌رسانی که وظیفه دولت است این امر رخ داده است.</p>	
<p>تبصره ماده (۵) کاملاً مبهم است: اولاً اطلاعات متضمن تعیین حق و تکلیف برای مردم از خصایص قانون (ماهوی) است که انتشار آن قانوناً الزامی است. ثانیاً مهلت اطلاع‌رسانی تعیین نشده است و نیازی به درج در این قانون نبوده و نباید هم منوط به درخواست شهروندان باشد.</p>	
<p>ذکر نهادهای وابسته خیلی واضح و روشن نیست و معیار وابستگی به حکومت باید مشخص شود. همچنین قانونگذار به مؤسسه‌های عمومی اشاره کرده اما از مؤسسه‌های خصوصی غفلت ورزیده است.</p>	
<p>عبارت آزادی اطلاعات عمومی موجود در مؤسسه‌های عمومی و خصوصی مبهم است. قانون اطلاعات شخصی را به معنای اطلاعات فردی دانسته و در تعریف آن به مصادیق اشاره کرده که باید اصلاح شود.</p>	
<p>منوط کردن اجرای قانون در نهادهای زیر نظر رهبری به موافقت رهبری، نقض اصل (۱۰۷) قانون اساسی است.</p>	<p>وجود قوانین مرتبط و موازی</p>
<p>هر مسئول دولتی می‌تواند بگوید که یک سند، عادی یا دولتی محرمانه و سری است و مانع دسترسی آزادانه مردم به این اسناد شود.</p>	
<p>درحقیقت باید فکری به حال قانون سال ۱۳۵۳ کرد که مسبب این مشکلات شده است. درحقیقت مسئولان دولتی برای اینکه بتوانند این قانون را به‌خوبی اجرا کنند باید اصلاحیه‌ای در قانون آن سال اضافه کنند و چنین کمیسیونی را برای تشخیص اینکه چه اسنادی محرمانه و سری است ایجاد کنند.</p>	
<p>اگر این قانون بخواهد اجرا شود باید سایر قوانین موجود تفسیر مثبت شود و در کنار این قانون قرار گیرند که موتور محرکه باشند نه تخریبی.</p>	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران، به شهروندان ایرانی این امکان را می‌دهد که تحت شرایط پیچیده‌ای که در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، به اطلاعاتی که در اختیار نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی است دسترسی یابند. فرایندی که در صورت دسترسی، اصل شفافیت و نظارت بر کار دولت و سایر مؤسسه‌ها را تأمین خواهد کرد. با این حال در قانون مذکور و آن‌گونه که در یافته‌های این پژوهش به آنها اشاره شد مشکلات اساسی پیش‌روی این امر وجود دارد که بدیهی است با توجه به شرایط امروزی ایران و نبود پیشینه قانونی لازم، اجرای این قانون با چالش‌های حقوقی دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. نتایج پژوهش با پژوهش‌های نمک دوست تهرانی (۱۳۸۴)، سلیمان دهکردی (۱۳۹۱)، بهروزی (۱۳۹۰) و یانوکاکو و آراکا (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

با وجود آنکه وضع قانون و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی برای حمایت از آزادی اطلاعات لازم است، اما کافی نیست. برای حمایت کارآمد و اجرایی شدن، تمهیدات مقدماتی و پایبندی به لوازم آن ضروری است به این ترتیب که عناصر تشکیل‌دهنده اطلاعات، در معنای موسع مورد توجه قرار گیرند و دسترسی به اطلاعات تسهیل و اجرا شود. یافته‌های تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که موارد استثنا به‌دقت در قانون مشخص نشده و کلی است و در اختیار خود مجریان است. برای موارد نقض آزادی اطلاعات ضمانت اجرایی دقیق و جدی وجود ندارد. برای موارد استثنا بازه زمانی در نظر گرفته نشده و اسناد طبقه‌بندی شده تعریف جامع و مانع نشده است. فصل چهارم قانون، به استثنائات دسترسی به اطلاعات اختصاص یافته است. در زمره این استثنائات، اسرار دولتی، حمایت از حریم خصوصی، حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری و امنیت ملی ذکر شده‌اند.

مبحث دیگر به فیلترینگ مربوط است که در متن اولیه وجود داشت اما در فرایند تصویب حذف شد. «فیلترینگ» باید مجدد به قانون اضافه و معنا، حدود و ثغور آن دقیق تر و واضح تر مطرح شود و از ابهام کنونی درآید.

در این قانون میان مفهوم آزادی اطلاعات و حق دسترسی شهروندان به اطلاعاتی که در اختیار نهادهای دولتی و عمومی قرار دارد، خلط صورت گرفته است؛ همچنین در خصوص دسترسی به اطلاعات و اطلاع‌رسانی که وظیفه دولت است این امر رخ داده است. همچنین ذکر نهادهای وابسته خیلی واضح بیان نشده و معیار وابستگی به حکومت باید مشخص شود. قانونگذار به مؤسسه‌های عمومی اشاره کرده اما از مؤسسه‌های خصوصی غفلت ورزیده است. عبارت آزادی اطلاعات عمومی موجود در مؤسسه‌های عمومی و خصوصی مبهم است. قانون اطلاعات شخصی را به معنی اطلاعات فردی دانسته و در تعریف آن به مصادیق اشاره کرده که باید اصلاح شود. سردرگمی شهروندان هنگام رجوع به سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات و پاسخگو نبودن مؤسسه‌ها دو چالش اساسی سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات است که به نظر می‌رسد صرفاً برای رفع تکلیف و فرار از پاسخگویی ایجاد شده و عملاً این سامانه نمایشی قلمداد شده است.

در پایان می‌توان امیدوار بود که با وجود این قانون درهای تازه‌ای به سوی گسترش فرهنگ شفافیت و نظارت باز شود؛ نه اینکه بازخوانی مجدد این قانون به تدوین اصولی جهت برچیده شدن قانون منجر شود.

## منابع و مآخذ

۱. آذر مهر، محمدرضا و ته‌مینه رحمانی (۱۳۹۶). «تحلیل آثار حقوقی ناشی از فناوری اطلاعات بر وضعیت حقوق شهروندان»، همایش بین‌المللی جنبه‌های حقوقی فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، دانشگاه علم و فرهنگ.
۲. استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمودی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اسدی، عباس (۱۳۹۱). «نقش روزنامه‌نگاری تحقیق در گسترش رفاه اجتماعی»، *مجله فرهنگ و رسانه*، ش ۲.
۴. بهروزی، علیرضا (۱۳۹۰). «سیاست جنایی ایران در قبال حق دسترسی آزاد به اطلاعات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۵. دانایی‌فرد، حسن و زینب مظفری (۱۳۸۷). «ارتقا روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی»، *پژوهش‌های مدیریت*، ش ۱.
۶. دروین، برندا، لارنس گراسبرگ، بابارچی اوکیف و الن وارنلا (۱۳۸۸). *بازنگری در ارتباطات: مسائل مربوط به نگاره‌ها*، ترجمه محمود صدری، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۷. رضایان قیه‌باشی، احد و لایلا بیاتی (۱۳۹۷). «سناریوهای حضور و فعالیت صدا و سیما در فضای مجازی در افق ۱۴۰۷ (مطالعه موردی: صدا و سیما استان چهارمحال و بختیاری)»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیست‌وپنجم، ش ۴.
۸. سلیمان دهکردی، الهام (۱۳۹۱). «جرائم علیه حق دسترسی آزاد به اطلاعات در حقوق ایران و ایرلند»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه قم.
۹. قادری، بهروز (۱۳۸۹). «آزادی دسترسی به اطلاعات و تأثیر آن بر نظارت مردمی در نهادهای عمومی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۹/۳/۱۵). «ارتباطات الکترونیکی و حق آزادی بیان»، قابل دسترس در:

۱۱. نادری، امیرحسین (۱۳۹۱). «حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در نظام حقوقی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۴). «مطالعه حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و نقش آن در پیشبرد دمکراسی»، رساله دکتری علوم ارتباطات (بررسی قوانین آزادی اطلاعات کشورهای منتخب برای کمک به تدوین یک الگوی ملی)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۳. هاشمی، محمد (۱۳۹۱). *حقوق و آزادی‌های سیاسی*، تهران، نشر میزان.
۱۴. هوشیدری فراهانی، فاطمه (۱۳۹۵). «تیین بسترهای پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۹). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، چاپ دوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
16. Banisar, David (2002). "Freedom of Information and Access to Government Records Around the World", Viewed on: <http://www.privacyinternational.org>.
17. \_\_\_\_\_ (2012). "Institutionalizing Transparency: The Global Spread of Freedom of Information in Law", Master's Thesis, University of Washington.
18. Corbin, J. and A. Strauss (1990). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, London, Sage Publication, Inc.
19. Dolunay, A., F. Kaspas and G. Kececi (2017). "Freedom of Mass Communication in the Digital Age in the Case of the Internet: "Freedom House" and the USA Example", [www.mdpi.com/journal/sustainability](http://www.mdpi.com/journal/sustainability), doi:10.3390/su9101739.
20. Yannoukakou, A. and L. Araka (2014). "Access to Government Information: Right to Information and Open Government Data Synergy", *Social and Behavioral Sciences Journal* 147.



## فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب شبا ۵۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۰۰۹۰۱۰۰۱۰۸۲، نزد بانک مرکزی به نام درآمد متفرقه خزانه وزارت دارایی واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

**بهای اشتراک:** درخواست سالانه ۴ شماره ۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال. ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد. **نشانی:** تهران، خیابان پاسداران، روبه‌روی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

### فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ..... ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است  
به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام .....  
به نشانی زیر ارسال فرمایید:  
نام و نام خانوادگی: ..... شغل: ..... تحصیلات: .....  
نشانی: .....  
کد پستی: ..... تلفن: ..... دورنگار: .....

**E-mail:**.....

## شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود و درج فرمول‌ها با استفاده از نرم‌افزار MahtType ضروری است.
۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
- منابع فارسی: نام خانوادگی مؤلف، سال نشر؛ صفحه؛ مثال (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).
- منابع لاتین: صفحه؛ سال نشر، نام خانوادگی مؤلف؛ مثال (Smith, 1995: 18).
- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه «همان» با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:  
الف) کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب به صورت ایتالیک، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد  
ب) مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه به صورت ایتالیک، دوره نشریه، شماره نشریه.

# چکیده انجمنی مقالات



## **Examining the Strengths and Weaknesses of the Law on Dissemination of and Free Access to Information from the Perspective of Lawyers**

*Mohadeseh Yaqhoobi, Ali Jafari and Jafar Salmanzadeh*

Examining the challenges and opportunities of Iran's Law on Dissemination of and Free Access to Information is the subject of this research. Exploring in expert's opinions in the fields of communication and law the nature and form of the Law on Dissemination of and Free Access to Information was study. This research is grounded theory in essence and interviews were used to identify the opportunities and challenges facing the implementation of Law on Dissemination of and Free Access to Information in Iran. The statistical population of the research includes the experts and professors of the filed law. Analyzing interviews identified four axes: vagueness of the law exceptions, lack of law-enforcement guarantee, ambiguity in the concept of access to information, and the challenge of parallel laws. Therefore, the pathology of the behavior of government officials, citizens and the media professionals; changes in the performance of public officials; Cultivation and education on free access to information and achieving transparent documentation standards. Looking at these four challenges, it seems that the taking lessons from experiences of leading countries in this laws and a detailed review of the law in terms of challenges can provide appropriate solutions. It is possible that this law open windows toward the culture of transparency and supervision. Also reviewing this law should not turn into the formulation of principles for dismantling the law.

**Keywords:** *Information; Freedom of Information; Promoting Transparency; Law on Dissemination of and Free Access to Information*

## **Identifying and Prioritizing the Key Drivers of the Political-Social Foundations of Iran's Higher Education; Emphasizing the Expectations of the Government**

*Shahrbano Khoshkab*

Higher education is a very important institution in societies, not only because it educates the elite and provides a basis for a society with technology, but also because it is the most important intellectual institution that has a wide influence on culture and political affairs. The research seeks to identify and prioritize the key components of the political-social underpinnings of Iran's higher education system, focusing on governmental expectations. Using a qualitative method and a meta-synthesis approach, this research aims to provide valuable insights into the higher education landscape in Iran. Data collection pools were documentary sources and the statistical population of all reliable scientific sources published domestically related to the research topic for the years 2002 to 2022. The sampling method was purposeful and based on the tools of the critical assessment skills program, and the seven-stage model of Sandelowski and Barroso (2007) was used to collect and analyze the data. The research outcome entails the identification and categorization of five primary components of the political-social foundations of higher education, with a focus on governmental expectations: development of citizenship, political socialization, political participation, political development, and sustainable development. The results of Shannon entropy measure prioritized the components within domestic studies, ranking sustainable development as the first priority and citizenship development, political socialization, development, and political participation in subsequent order. In the end, based on the results of the research, appropriate suggestions were presented.

**Keywords:** *Higher Education; Political-Social Foundations; Meta-Synthesis; Shannon Entropy Measure*

## **The Foundations of the Institution of Waste in Law and its Application: A Strategy for the Protection of the Official Document**

*Mustafa Elsan, Mehdi Isari and Mohammad Reza Fathi*

Waste in law is compared to actual waste. The intention is that in some conditions, in terms of the effects and rulings related to referring to a property, a factual property that is not wasted have a same interpretation in law as it is with a wasted property. This has faced several jurisprudential and legal challenges, and at the same time, it has positive effects in terms of supporting the official document and ultimately reducing lawsuits. In this research, it is studied that how possible is to use the institution of waste in law to defend the last official document against normal documents and in general the normal contract of the previous one. Therefore, the expansion of the institution of waste in law should be supported from different angles: First, to support the Real Estate and Documents Registration Law and its various articles, including the article (22), (46) and (47). Second, to support the bona fide buyer who trusted the official document and purchased the property through all the legal formalities. Thirdly, the possibility for the injured person (natural/legal transferee) to refer to the person from whom the property was directly transferred (normal) to claim compensation, and there is no need to disturb the order regarding contracts that are official, in good faith and are bound by laws and regulations.

*Keywords: Waste in Law Loss; Legal Bases; Official Document Authentication; Conflict of Reason; Legal Process*

## Comparative Analysis of the Level of Expansion and Acceptance of Social Insurance Policies in Iran

*Hamed Ghadermazi, Afshin Bahmani, Roya Almasi and Bayan Mobaraki*

Social insurance is a critical component of social policy, offering essential social and economic security to individuals during old age and disability. The current research aims to conduct a comparative analysis of the provinces of the country in terms of the level of socialization of social insurance among the residents of cities with less than 20,000 people. In term of methodology this is an applied research and in term of nature and the statistical population descriptive-analytical. Research population includes 903 urban points with less than 20.000 people. The basis of data analysis is documents and information obtained from the General Department of Statistics, Information Technology and Insurance Calculations of the Social Insurance Fund of Farmers, Villagers and Nomads. The initial data analysis involves two metrics: the social insurance institutional coefficient and the Socialization Insurance Index, examining the penetration rate in social insurance. In the subsequent phase, to facilitate an in-depth and comprehensive analysis, the general index of social insurance socialization was evaluated. This index consists of insurance penetration rate, the proportion of inactive insured individuals, the ratio of insured in cities with populations fewer than twenty thousand to the total number of insured persons, and the institutional coefficient, all investigated within the MultiMoora technique framework. The findings showed that due to the limited number of agencies and their unbalanced location, the institutionalization coefficient of social insurance was 46.6% and its socialization was also 1.3% due to reasons such as unfavorable access, lack of awareness and information, and weak training and performance of agencies. Also, the results of the general social insurance socialization index showed that Hamedan province with a coefficient of  $U_i=0.0003367$  has the highest degree of desirability and the highest level of social insurance socialization in cities with less than 20.000 people, and Khuzestan province is at the lowest level with a coefficient of  $0.0000027$ .  $U_i=0$ . In this regard, the most important suggestions are to establish at least one agency in every city with less than 20,000 people and spread advertising, awareness and information to the target community.

**Keywords:** *Social Policies; Social Insurance; Social Insurance for Villagers and Nomads*



## **Determining the Key Drivers Affecting Employment and Social Welfare in Iran: The Approach of Analyzing Mutual Effects in Future Study**

*Saba Ojaghi, Ruhollah Bayat, Safar Fazli, Einullah Keshavarz Turk and Ali Fath Taheri*

One of the basic goals of development is to achieve social welfare for all, and creating a platform for suitable environment for business and employment in any country are crucial factors in driving economic growth, prosperity and ultimately increasing the economic and social welfare of the population. Given the instrumental role of employment in the realization of social well-being, this research firstly aims to empirically identify and define the factors influencing employment and well-being. This research uses a documentary method and semi-structured interviews with experts and specialists in the field of employment and well-being in the Ministry of Labor, Cooperation and social Welfare. In the second step, after counting the factors and key components affecting the future of employment and prosperity of the country, these factors were arranged within a mutual matrix and presented to experts, and then using Micmac software (MIC MAC) the direct and indirect effects of variables on each other were measured. Finally, the research showed that economic structure variables, investment, business environment, welfare system and social justice as two-dimensional variables, policymaking variables, international relations, laws and regulations and banking system as influencing variables, educational system variables and banking system as regulatory variables, variables of the payment system and human resources were recognized as dependent variables, and the variables of the educational system, cultural system, and technology were recognized as independent variables.

Based on the degree of influence and effectiveness of the variables, the priority of policy variables, economic structure, investment, international relations, laws and regulations, business environment, banking system, welfare system, social justice and education system were the most important key drivers affecting the employment and social welfare of the country.

**Keywords:** *Employment; Social Welfare; Future Study; Matrix of Interaction Effects*

## **The Necessity and Possibility of Forming a Local Consultative Assembly in the Constituencies of the Country**

*Hassan Akhtari, Reza Jalali, Aliakbar Amini and Kazem Jalali*

Parliament members are not immune from monitoring and accountability for their behavior and performance, and most parliaments in the world have some type of monitoring (internal, external, or combined) on the behavior of their representatives. There is no one doubts on the necessity of the monitoring the behavior of the representatives, but there are differences in the way of monitoring and procedures. The present research aims to propose the necessity and possibility of forming a local consultative assembly in the constituencies of the country. The study method is a survey and the research sample is made up of 163 representatives of the 10 periods of the Islamic Council. To design the questionnaire, first, an in-depth interview was conducted with 12 people who had more than three terms of representation in the Islamic Council, and then a questionnaire was designed based on the interviews. Findings indicate that 94.8% of the study sample were male and 5.2% were female. More than half of the respondents had a PhD degree and the representatives of the 9th (22.5%) and 8th (19.7%) periods of the Islamic Council had the highest percentage in this category. 70.6 percent of the respondents considered the pathology of the parliament as very necessary and about 17 percent evaluated the performance of the Islamic Council in 40 years of passing legislations as successful and 76.5 percent evaluated the performance of the Islamic Council in the term of success in monitoring the performance of executive bodies as low. The results of the analysis of two variables showed that there is a significant relationship between the pathology of the performance and the reasoned and rationality of the representatives' votes on legal plans and bills, and the formation of the local consultative assembly. Based on the results of the logistic regression of gender, education, age, parliament efficiency score in the group 11-15, the level of importance of efficiency and evaluating the efficiency of the parliament has a direct effect and the efficiency score of 15-20 has a significant and inverse effect on the probability (formation) of the implementation of the local consultative assembly in the country constituencies. Based on this, to the extent that the importance of the efficiency and performance of the Islamic Council increases, the need for the elites of the field to advise the representatives, to influence the duties of representation, increases. This leads to the cooperation of more thoughts for monitoring.

**Keywords:** *Islamic Council; Election; Systematic Communication in the Constituency; Local Consultative Assembly*

## **Analyzing the Challenges of the Auction in the Law on the Enforcement of Civil Judgments**

*Yasser Gholami, Meysam Javadi and Mohammadbaqer Moghadasi*

Auction is one of the important steps in the execution of civil judgments, during which the property of a defendant is sold in order to compensate the plaintiff. Although the law on the enforcement of civil judgments has tried to cover all the regulations governing the auction, a look at the law and judicial procedure shows that there are many ambiguities in the field of practice. In this article, the inadequacies of the law in the nature of the auction, ambiguity for the request of authorized applicants in holding the auction, ambiguity in announcing the auction time to the lawsuit parties and third parties, lack of a unique criteria to determine an authorized price of selling property in the second auction, The legal system falls behind in adjusting to the inclusion of new assets such as digital currencies, and the absence of a legal mechanism in the sale of shares of stock exchange companies, uncertainty in the ability plaintiff to participate in the auction, The ambiguity regarding the sale of the entirety of the collectively owned property, which is only partially seized, uncertainty in recognizing the highest auction price, disagreements in the obligating the plaintiff to pay 10% in the case of participating in the auction. withdrawal of the winner from the auction, withdrawal of the judge from the enforcement of the auction, complaint against the auction and filing of an independent lawsuit to cancel the auction, possibility for demanding a delay or stop of the auction and a summary of the cases of confiscation of 10% of the auction amount have been reviewed. These issues, which have caused confusion in the judicial procedure, have made it inevitable to review the law on the enforcement of civil judgments and to formulate a comprehensive law. This article takes a descriptive-analytical approach to explore the shortcomings of the legislation governing pre-, intra-, and post-auction procedures, aiming to propose potential solutions and improve compliance with regulations.

**Keywords:** *The Law on the Enforcement of Civil Judgments; Auction; Law Enforcement Officer; Defendant*

## **Designing a Green Entrepreneurship Development Model in the Field of Urban Waste Management**

*Fateme Amosa, Safar Fazli, Zahra Arasti and Seyed Majid Elahi*

The development of green entrepreneurship as an emerging entrepreneurial revolution is an effective factor in reducing environmental pollution, using the least facilities and gaining the most productivity in doing green business. Therefore, the purpose of this research is to design a green entrepreneurship development model in the field of urban waste management to use this environmental problem as a source of opportunity and turn this environmental and social risk into social values and economic profit. This research is a fundamental in term of purpose and a qualitative-data-based (systematic) research in term of data collection. After selecting 15 owners of urban waste management business, city managers and experts in this field, data was collected by purposeful sampling method and semi-structured interview. Then, data was analyzed in three stages of open, axial and selective coding, and finally 117 primary conceptual categories from open coding, 38 categories from axial coding and 16 main factors from selective coding were identified. The results emphasize that the axial category is the development of green entrepreneurship, which is formed based on causal factors (such as personal and occupational characteristics), field factors (such as institutional, infrastructural, environmental, technology and innovation factors) and intervening factors (such as economic, political, legal and socio-cultural and educational factors). And supportive, corrective, executive and structural strategies can lead to three categories of economic, social and environmental consequences or in other words to the sustainable development. These findings help managers, planners and policy makers in the field of waste management and green entrepreneurship development in creating value (competitive advantage and wealth) and realizing more sustainable futures.

**Keywords:** *Entrepreneurship Development; Green Entrepreneurship; Urban Waste Management; Sustainable Development; Grounded Theory*

## **Conflict of Interests in Forensic Institutions in Iran's Legal System; From Explaining Examples of Conflict to Providing Solutions for its Management**

*Ali Arefi Maskuni, Mehdi Mozafari Anari and Saber Islam*

The contradiction and conflict between personal/group interests and professional/organizational interests can have detrimental effects on the functioning of structures and processes across various domains of society. One of the obvious areas of conflict of interest is in forensic institutions. Forensic institutions play a crucial role in providing expert and technical opinions on medical crimes and violations with impartiality and in their capacity as fair and just arbitrators, they are tasked settling disputes related to the rights of patients and survivors. However, due to the close relationships and cooperation with one side of the dispute, such as doctors and staff, conflicts of interest may arise, potentially impacting their decision-making and issuance of expert theories. The primary focus of this research is to identify instances of conflict of interest within medical forensic institutions and explore potential solutions to effectively manage and mitigate such conflicts. During the research, clear examples of the conflict of interests in this field are revealed and that there is a wide range of solutions including preventive (soft) and repressive (hard) measures that can be taken into consideration by policy makers. This research, conducted using an analytical and descriptive approach and drawing on library resources, aims to offer comprehensive and effective solutions for managing conflict of interest within forensic institutions. The ultimate goal is to safeguard the rights of victims and patients promote judicial justice, and ensure the fair and ethical functioning of medical crime expert institutions.

**Keywords:** *Conflict of Interest; Expert in Medical Crimes; Medical Malpractice*

## **Identifying the Challenges of Realizing Transparency in the Islamic Council**

*Mohsen Eynali, Seyed Abbas Ebrahimi, Mohsen Farhadinejad and Hassan Danaeifard*

The purpose of the current research is to identify the challenges of realizing transparency in the Islamic Council. In terms of direction, this study is placed in the category of applied research and in terms of its nature is an exploratory research. Also, according to the type of data, it is considered qualitative. The statistical population of this research is made up of all scientific experts in the field of public policy (including all faculty members of universities and research institutes of the country with expertise related to decision-making and public policy) and executive experts (including all current and past representatives, and researchers focusing on the Islamic Council). The data collection tool included a semi-structured interview, desk research and a literature review. Using the theoretical sampling method, 18 interviews were conducted with scientific and executive experts in the field of public policy. Theme analysis and MAXQDA10 software were used for data analysis. Finally, using the theme analysis method, a multi-level diagram of the relationship between the exploratory themes of the research was extracted. It included: (the challenges of realizing transparency) with 211 basic themes, 10 organizing themes and 3 overarching themes (systemic, behavioral and environmental challenges).

**Keywords:** *Transparency; Systemic Challenge; Behavioral Challenge; Environmental Challenge; Parliament*

## **The Approach of Legal Doctrine in Determining the Law on Copyright Infringement in Cyberspace**

*Mohammad Shakori Garakani*

In international lawsuits where a foreign element is present in the lawsuit, conflict of laws is inevitable. In such cases, the court judge decides which country's substantive law governs the lawsuit. The basis for determining the governing law in the violation of copyright in the cyber space is not clearly determined in Iran's law, but the legal doctrine in other countries has long sought to establish rules that, by applying them, can determine the most appropriate law for various issues. The course of developments shows that legal doctrine has undergone changes and transformations with the passage of time and the advancement of Internet technology, and new approaches have been expressed by jurists to solve problems. The expansion of the use of Internet technology and the continuous violation of copyrights in this space require the use of new conflict resolution rules, and also the traditional rules will not be very efficient. By adopting the three approaches of maximum protection of the works, the impact of the infringement on the economic interests of its owner, and the integrated approach that includes the traditional rules and the new rules for conflict resolution, the legal doctrine has taken a step towards determining the law governing the claims of cyber infringement of the author's rights.

Using the library method, this research investigate the conflict resolution rules based on the traditional and modern legal doctrine and proposes the most effective rule for determining the governing law. This study suggests that the unique characteristics of cyberspace necessitate the application a comprehensive law to lawsuits. Therefore, the criterion of maximizing the protection of, literary, and artistic works is deemed most suitable for determining the governing law in copyright cases.

**Keywords:** *Conflict Resolution Rule; Legal Doctrine; Governing Law; Cyberspace*

## **The Judiciary and the Efficiency of the Islamic Republic of Iran in 2000 -2019: Challenges and Solutions**

*Abbas Amiri, Majid Rouhi Dehboneh, Hassan Khodaverdi and Sam Savadkohifar*

Effectiveness is one of central topics in political sphere that is important for governments. Effectiveness actually provides the basis for stability and sustainability of political systems. The purpose of this research is to investigate the efficiency challenges in judiciary system of the Islamic Republic of Iran in the years 2000-2019 in terms of political stability. The main question of the research is that what challenges has Islamic Republic of Iran judiciary system faced in the field of efficiency during the given time span, and what solutions can be proposes to upgrade and strengthen the efficiency of this issue? A qualitative research method using is used and interviews with 30 legal experts are the basis of analysis. Transcribes are categorized in tables in the form of ID codes, key points, and open codes. Findings indicate that the major challenges of the judiciary system during 2000-2019 are: independence of judges, delay in proceedings, internal and external pressures and lack of full implementation of the law. In order to solve these challenges, maintaining the judicial independence of judges, fighting against economic corruptors, reducing the delay of proceedings, complying with the implementation of laws and regulations, cooperation other legal bodies and governing institutions, and eliminating the pressure in judicial cases are among the ways to improve the efficiency of the judiciary and are in line with making an stable political system.

**Keywords:** *Judiciary; Political Stability; Efficiency; Effectiveness; Islamic Republic of Iran*



## **Effects of Income Inequality on Wealth in Iran**

*Marzieh Sakian, Mahmoud Mahmoudzadeh, Mirhossein Mousavi and Amir Gholam Abri*

Examining the relationship between income distribution and wealth distribution in Iran is very important in terms of economic and social consequences. Therefore, examining the Short-term and long-term inequality of income distribution and wealth distribution in Iran can provide some answers to the questions of policymakers and economic analysts. Focusing on Iran, this research has been conducted based on Piketty's dynamic model of wealth inequality in the time period of 2002-2019. The results showed that in the short term, different assets grow at different rates, and since the ability to earn and save income of the upper deciles is more than the lower deciles, it is expected that the distribution of income will become more unequal and lead to the inequality of wealth distribution. It is also predicted that in the long term, in a stable state, if the return on capital is zero, the advantage of the assets will be lost and will grow with the inflation rate. But what is happening in reality is that the process of distribution of income and share of wealth is in favor of the top 10% of the income decile and the distribution of wealth has become more unequal.

**Keywords:** *Income Distribution; Wealth Distribution; Short Term and Long Term; Inequality*

## **Explaining the Components of the Modern Administrative System in Order to Establish the Federal Structure of Iran**

*Farhad Mehrgan, Mohammadreza Hatami and Ahmad Shohani*

The current research was conducted with a future study approach to identify the components of the modern administrative system and its role in the establishment of the federal structure of Iran. This study is fundamental in terms of its purpose; and in terms of nature and method, it is descriptive (survey based) and in terms of relationships between variables, it is a correlational study. The data collection tool consists of two researcher-made questionnaires, which were designed with a five-value spectrum. Validity and reliability of the tool was measured by expert opinion and various tests. The statistical population of the research of researchers who have examined the aforementioned variables over the past 10 years and published their findings in reputable journals. Based on Cochran's formula, a sample size of 73 individuals was determined and selected using simple random sampling. To test the research hypotheses, correlation, path analysis and regression tests were used. These tests measure the relationship, the level of influence, and the predictive capacity of the variables. The results of data analysis indicates the following results: (1) In terms of explaining the modern administrative system, efficient bureaucracy, electronic government, rule of law, public and social responsibility were identified as key components. Additionally, a preferred explanation the federal structure is achieved through the components of national governance, local governments, and separation of powers, free party activity, and decentralization of activities. (2) The correlation test revealed direct, positive, and significant relationships between the modern administrative system and the federal structure. (3) Based on the results of the regression test, the relative contribution of each of the components of the modern administrative system in predicting changes in the federal structure was determined. So that efficient bureaucracy has the most effect and social responsibility has the least effect. Based on the findings it can be concluded that a key and reliable factor for the establishment of the federal system in Iran is the use of a modern administrative system based on the aforementioned components.

**Keywords:** *Modern Administrative System; Federal Structure; Iran*

## **Redistribution of Provincial Representative Seats in the Islamic Parliament Based on the SECA Model**

*Iman Shaker Ardakani and Nejat Mohammadifar*

One of the basic electoral challenges in democratic systems is the allocation of parliamentary seats to provinces and constituencies. In this context, countries act very differently in terms of the ratio of representatives to citizens in the parliament and draw the borders of constituencies based on the criteria included in their electoral laws. Since there are no fixed, standard or universal criteria and rules for allocating the number of parliamentary seats to constituencies that determine the configuration of a national assembly, countries usually do this based on demographic and geographic factors. Therefore, the research question is how one can optimally and fairly distribute the provincial seats in the Islamic Parliament? The main hypothesis here is the unfair and non-optimal distribution of the representative seats of the Islamic parliament in the current situation. In this regard, to answer the question of this research, the SECA optimization method has been used based on the criteria of population, area, number of cities and human development index. According to the findings, the optimal number of representatives of each province in the Islamic Council under two scenarios and two weighting approaches to the four criteria has been precisely determined and compared. These results show that the provinces of East and West Azerbaijan, Isfahan, Tehran, Khuzestan, Fars, Gilan, Lorestan, and Hamedan have a surplus of representatives, and other provinces generally face a shortage of representatives. In other words, the source of injustice in the distribution of seats in the Parliament is the extra seats that have been allocated to provinces.

**Keywords:** *Representative Seat; Optimal Allocation; Parliament; Political Equality*



# **English Abstracts**

# ***Majlis & Rahbord***

*Scientific Quarterly*  
Vol. 31, No. 117, Spring 2024

# 117

**Publisher: Majlis Research Center**

**Director in Charge: Negahdari, B.**

**Editor-in-Chief: Sobhani, H.**

**Managing Editor: Khoei, S. M.**

## **Editorial Board:**

**Beygzade, E.** (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

**Davoodi, P.** (Professor, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University)

**Golami, A.** (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University)

**Jabalamehi, M.S.** (Professor, Faculty of Industrial Engineering, University of Science and Technology of Iran)

**Jahan, A.** (Associate Professor, Faculty of Industrial Engineering, Islamic Azad University Semnan)

**Naderan, E.** (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Nasrollahi, M.S.** (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Communication, Imam Sadiq University)

**Rahai, A.** (Professor, Faculty of Civil and Environmental Engineering, Amirkabir University of Technology)

**Sadeghy Moghadam, M.H.** (Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran)

**Sharifi, A.H.** (Professor, Faculty of Philosophy, Imam Khomeini Education and Research Institute (RA))

**Sharifzadeh, M.J.** (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University)

**Sobhani, H.** (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Taiebnia, A.** (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Editorial Advisory Board:** Abdoli, M.A.; Afghah, S.M.; Afzali, R.; Ahmadi, H.; Ahmadi, V.; Ajori Aisak, A.; Amini, M.; Ayoubi, H.; Banoui, A.A.; Barzegar Khosravi, M.; Bozorgmehri, M.; Elsan, M.; Ghidarlo, K.; Haghghat, S.S.; Hasani, M.H.; Hatami, A.A.; Izadi, S.; Jafari, H.; Javid, M.J.; Khanalipour Vajargah, S.; Mahmoodpour, K.; Maleki, M.R.; Mohebi, J.; Moradi, Kh.; Moradi, M.A.; Mousavizadeh Markieh, S.Sh.; Nayebi, H.; Nursharq, J.; Parveen, F.; Parveen, S.; Rafiei Moghadam, A.; Ramezani Akerdi, H.; Samiei, A.; Shahsavandi, E.; Tavana, M.A.; Vahdaniniya, V.; Yousefi Sheikhrabat, M.R.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

## **Majlis Research Center:**

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St. Tehran, Iran

**Office:** +9821-75183283

**Fax:** +9821-75183186

**Subscription:** +9821-75183149

nashr.majles.ir

mrcmag@majles.ir

rc.majles.ir

**Editor:** Amin Eskandari, Sh.

**Layout:** Sardari, B.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.

Price: 300,000 RL